



صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: کاظم جلالی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: حسین صدیقی

اعضای هیئت تحریریه:

- ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)
- سیدبهبزاد پورسید (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- فتح‌اله تار (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
- حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
- سعید سهراب‌پور (استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)
- سیدمحمدرضا سیدنورانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
- محمد قاسمی ششده (استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)
- ایروان مسعودی اصل (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
- محمدقلی یوسفی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

داوران این شماره: عادل آذر، سیدداوود آقایی، سیدمحمد اصغری، عباس باقری، صادق بختیاری، سجاد برخوردار، دوبرباش، مهدی تقوی، محمدعلی توانا، عبدالرحمن رستمیان، حسن سبحانی، علی سوری، مرتضی شهبازی‌نیا، علی طهماسبی، محمدعلی عبدلی، حسین عبده تبریزی، منوچهر عسگری، محمدرضا فرزین، علی‌اکبر قلی‌زاده، حسن کیایی، محمدرضا لطفعلی‌پور، سیدمسعود منوری، میثم موسایی، محسن مهرآرا، محمدنقی نظرپور، حسن وکیلیان

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: شیوا امین اسکندری

مترجم و ویراستار انگلیسی: اسماء محمدی

صفحه‌آرا: نسیم ثانوی

طراح جلد: علیرضا عاشورزاده

مسئولان اجرایی سایت: نسیم ثانوی و ناهید عطاردی

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب،

پلاک ۱۳۱

دفتر فصلنامه: ۸۳۳۵۷۱۵۸

دورنگار: ۸۳۳۵۷۱۵۷ امور مشترکین: ۸۳۳۵۷۱۷۲

www.nashr.majlis.ir

mremag@majlis.ir

rc.majlis.ir

ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی - پژوهشی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی - پژوهشی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

● بررسی نظری و تطبیقی مجلس دوم قانونگذاری ۵۱

محمد حسین زارعی و محمد اسدی نژادحالی

● تصویری از روابط اقتصاد کلان در ایران (طراحی یک مدل کلان سنجی ساختاری بلندمدت) ۳۵۱

تیمور محمدی، سیدادی موسوی نیک، شعل باقری بر مهر، محمد رضا عبدالسی و حایه زیادلو

● ارزیابی کارایی مراکز دولتی سازمان تامین اجتماعی طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۱

باروکیدر تحلیل پوششی داده ها/۷۳

سار مهران و حسین رانغر

● بررسی غیرخطی عوامل مختلف اقتصادی مؤثر بر وقوع جرم در ایران ۱۰۱

حمیدرضا فعال جو، احمد ملامهرامی و حسین امیری

● اولویت بندی عوامل مؤثر بر تدوین خط مشی های زیست محیطی کشور

با استفاده از روش فرایند تحلیل شبکه ای/۱۲۵

علیرضا معطوفی و مرتضی دکلوب

● بهره امینتی؛ امتیاز تجاری: کسب تاریخی در روابط ایران

با قدرت های بزرگ پس از شبه انقلاب های عربی/۱۵۷

سیدرضا موسوی نیا

● تاثیر مذاکرات هسته ای بر صنایع بوری ایران/۱۸۳

سیدمرتضی هژبرالساداتی و علیرضا پویا

● روش‌شناسی ضمانت اجرای مطلوب قرارداد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / ۲۰۷

سیدصادق موسوی و مهدی مولایی

● مقایسه و اولویت بندی ابزارهای تضمین سرمایه‌گذاری ها

و فعالیت های مالی در صنعت بیمه و بانکداری ایران / ۲۳۷

حامد دهباقان و محسن جلالی

● بررسی تطبیقی مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق

رقابت در نظام های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران / ۲۷۱

احمد حکیم جوادی و محمد رضا پاسبان

● اثر گردشگری بر توزیع درآمد برای کشور های دی هشت / ۳۰۹

سعید رانچی و ژیا محمدی

● چالش ها و فرصت های بکرانی منطقه ای اکو از منظر تئوری کارکردگرایی / ۳۳۷

رسول افضلی و عادل انصاری

بررسی نظری و تطبیقی مجلس دوم قانونگذاری

محمدحسین زارعی* و محمد اسدی نژاد جمالی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۸/۲۱

با گذر اروپا از قرون وسطی و پیدایش موج افکار دگراندیشانه‌ای مانند خردگرایی و اومانیزم و تأثیرات انقلاب صنعتی در جوامع غربی، اندیشه حق تعیین سرنوشت و اداره امور جامعه سیاسی توسط خود مردم به الگوی بی‌بدیل دموکراسی منتهی شد. از این رو شکل‌گیری زندگی شهری و افزایش چشمگیر جمعیت، نحوه اعمال حاکمیت مردم را در مرکز توجهات قرار داد.

مهم‌ترین نهادی که برای اداره کشور با اتکا به آرای عمومی مورد توجه قرار گرفت، پارلمان بود. نهادی برآمده از خواست اکثریت با دو کارویژه مهم قانونگذاری و نظارت. اما مسئله به همین سادگی نبود؛ تبیین حقوقی نهادهای سیاسی برای تمشیت امور جامعه سیاسی مبتنی بر حکومت اکثریت با رعایت حقوق اقلیت و لحاظ کردن مؤلفه‌های مهمی از قبیل کارآمدی، مشروعیت و ثبات سیاسی با در نظر گرفتن فرهنگ سیاسی هر کشوری، کار را دشوار می‌کرد.

از این رو، نوع ساختار قوه مقننه و نحوه شکل‌گیری اعضای این نهاد به یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان حقوق اساسی و علوم سیاسی تبدیل شد. اینکه پارلمان به‌عنوان تجلی اراده ملت چگونه باید شکل گیرد که هم اصول حکومت دموکراتیک در آن لحاظ و هم عناصر حکمرانی خوب تأمین شود و در نتیجه کارآمدی، ثبات و مشروعیت سیاسی نظام حاکم تضمین گردد. نظام قانونگذاری تک‌مجلسی یا چندمجلسی، روش عضویت در آنها و شیوه تقسیم وظایف و اختیارات یکی از طرقاتی است که ملاحظات پیشین را دربر خواهد گرفت. لذا کنکاش درباره این موضوع می‌تواند ما را به نتایجی مفید پیرامون طراحی ساختار حقوق اساسی متناسب، نظام قانونگذاری کارآمد و حکمرانی مؤثر برساند.

کلیدواژه‌ها: قوه مقننه؛ نظام قانونگذاری نظام دومجلسی؛ حقوق اساسی؛ حکمرانی

Email: zareimh62@gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه پردیس شهید بهشتی؛

Email: mohammad.oo.asadi@gmail.com

مقدمه

قوه مقننه، قوه عاقله و فاهمه جامعه است و در تشبیهی اساسی، مغز و قوه دماغی آن تلقی می‌شود که با توجه به اهمیت، نقش و جایگاه آن، تنها از آن ملت است. این قوه شورایی است که از هر موضوعی که اهمیت عمومی دارد بحث و گفتگو می‌کند. اهمیت قوه مقننه به حدی است که بعضی، حکومت را صرفاً قدرت قانونگذاری می‌دانند (کلی، ۱۳۸۲: ۴۲۷) و برخی دیگر معتقدند قوه مقننه در کشوری که بر پایه قانون تأسیس شده باشد از همه قوا بالاتر است (نویمان، ۱۳۷۳: ۲۸۶). اگرچه باور شایع در تعریف قوه مقننه، قانونگذاری به نظر می‌رسد^۱ لیکن تعاریف دیگری نیز نسبت به این شاخه حکمرانی بیان شده است، به‌عنوان مثال فیلیپ نورتن^۲ قوای مقننه را نه سیاستگذار تقنینی بلکه هیئت‌های تأثیرگذار در امر قانونگذاری معرفی می‌کند و قوای مجریه را نوعاً واضح قانون می‌داند چراکه از مهارت بیشتری در سیاستگذاری عمومی برخوردارند، اما این قوای مقننه هستند که باید با آنها موافقت کنند و سیاست‌ها را تبدیل به قانون کنند (Norton, 2004: 1).

در طول تاریخ اندیشه‌های سیاسی مدرن متفکران بسیاری از جنبه‌های مختلف به این نهاد پرداخته‌اند. از جمله این موارد ساختار قوه مقننه است که می‌توان نظام‌های مختلفی را در قوای مقننه کشورها از حیث تعدد مجالس مشاهده کرد. وجود یک مجلس دوم در کنار مجلس اول سؤالات بسیاری را برای پژوهشگران این عرصه در خصوص چرایی این نهاد ایجاد می‌کند و با نگاهی به تعداد این مجالس (Massicotte, 2001: 151)^۳ در

۱. اگرچه وظیفه اصلی قوه مقننه به معنای مصطلح آن قانونگذاری است، اما در نظام‌های سیاسی نقش مهم‌تری از قانونگذاری یعنی نظارت بر عملکرد مسئولان اجرایی و امور عمومی را نیز برعهده دارد. بنابراین قوه مقننه با دو کارکرد تقنینی و غیرتقنینی در نظام‌های سیاسی ایفای نقش می‌کند.

۲. فیلیپ نورتن، استاد رشته مطالعات حقوقی، رئیس دپارتمان مطالعات حکومت و مطالعات بین‌المللی دانشگاه هال، مدیر مرکز مطالعات قانونگذاری و رئیس کمیسیون قانون اساسی در مجلس لوران انگلستان است.

۳. مطالعات اخیر، تاحدی گرایش کشورها به سمت نظام تک‌مجلسی را نشان می‌دهد. یک گزارش تحقیقی در سال ۱۹۸۰ نشان داد کشورهای جهان به‌طور برابر بین کشورهای دارای نظام تک‌مجلسی و دو مجلسی تقسیم می‌شوند. اما هنوز با قاطعیت نمی‌توان گفت گرایش غالب به سمت کدام نظام است. به‌عنوان نمونه در سال ۱۹۵۰ میلادی، بعد از تغییرات فاحش سیاسی پس از جنگ جهانی دوم، بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ بیشتر کشورها، مجلس دوم خود را منحل کرده‌اند، اما بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ تنها ۶ مجلس دوم منحل و ۱۱ مورد به‌طور مجدد و ۱۴ مورد برای اولین بار ایجاد شدند.

نظام‌های سیاسی کشورها و نوسان در کاهش یا افزایش مجلس دوم به خودی خود اهمیت موضوع را نشان می‌دهد (Olsa, 1988: 27).^۱

در بحث از پارلمان و یگانگی یا دوگانگی در ساختار آن، نظریه ماهیت خاص حقوق اساسی و اساساً حقوق عمومی، به دلیل تأثیر مهم سیاسی آن و نقش عظیم واقعیت‌های جامعه‌شناختی در شکل‌گیری آن در توجیه پس‌زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی، اهمیتی حیاتی دارد. با توجه به آنچه گذشت و تحولاتی که در کشورها برای ایجاد یا حذف این شاخه قوه مقننه مشاهده شد، باید به این مسئله پرداخت که اساساً در عصر حاضر چه منطقی بر اندیشه قانونگذار اساسی حاکم است که هنوز نظام‌های دومجلسی در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای دمکراتیک و دارای سابقه مشروطه‌خواهی وجود دارد و در مقابل، رویکرد و دلایل مخالفان این دست نظام‌ها چیست؟

۱. دلایل وجود مجلس دوم در کشورهای تکبافت و فدرال

در این قسمت دلایل وجودی مجلس سنا را با توجه به دو شکل عمده دولت، یعنی تکبافت و فدرال بررسی می‌کنیم و از آنجا که در تاریخ اندیشه حقوق اساسی، دلایل تأسیس مجلس دوم قانونگذاری در کشورها متفاوت بوده است، پرداختن به این امر به‌طور جداگانه صورت می‌گیرد.

۱-۱. کشورهای تکبافت

دولت بسیط یا تکبافت به دولتی می‌گویند که در آن تمام اتباع و افراد کشور از یک مرکز

۱. در بین ۱۷۸ کشور عضو اتحادیه بین‌المجالس، قوای مقننه دومجلسی به‌طور قابل توجهی بیشتر از پارلمان‌های تک‌مجلسی هستند (تقریباً ۶۴ درصد از کل آنها). در مجموع کشورهای فدرال از ۴۵۰ ایالت موجود تنها ۷۳ ایالت دارای قوه مقننه دومجلسی می‌باشند که بیشتر در کشورهای ایالات متحده آمریکا و استرالیا مشهود است و در سایر کشورها واحدهای کمتری وجود دارد، در آرژانتین: ۹ استان از ۲۴ استان، در هند ۱۵ ایالت از ۲۵ ایالت، در روسیه ۴ واحد از ۸۹ واحد، و در ایالت‌های بقیه کشورهای فدرال، پارلمان‌های تک‌مجلسی حاکم هستند، که از جمله آنها کشورهای آلمان، اتریش، بلژیک، سوئیس و کاناداست.

فرماندهی که معمولاً در پایتخت مستقر است، تبعیت می‌کنند، و همه کشور به صورت یک مجموعه اداره می‌شود که به این عنوان دارای شخصیت حقوقی واحد، قانون اساسی واحد و قوانین کیفری و مدنی واحد باشد (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۰: ۴۵).

۱-۱-۱. اشرافیت

طبقه‌ای که با ثروت، منصب، نسب و غیره دارای ارزش و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای بوده‌اند. سال‌ها برتری این گروه در جوامع انسانی نه تنها امری غیر معمول نبود، بلکه پدیده‌ای عادی نیز به‌شمار می‌رفته و نتایج این مقوله در شکل‌گیری ساختار سیاسی جوامع آن روزگار بسیار مشهود بوده است. شاهد تاریخی واضح در این خصوص کشور انگلستان است^۱ (Shell, 2001: 5). در واقع مجلسی براساس یک ضرورت اجتماعی در تاریخ سیاسی این کشور پدید آمد و از آنجا که طبقه اشراف (شامل روحانیون والامقام، شاهزادگان و نجبا بودند) نمی‌توانستند به دلایل مختلف با نمایندگان مردم عادی در یک مجمع کنار بیایند، شرایط برای نظام دومجلسی مهیا شد. به عبارتی، یک ضرورت طبقاتی در جامعه آن روز انگلستان باعث تشکیل نظام دومجلسی در پارلمان این کشور شد.

مونتسکیو از جمله اندیشمندان معروفی است که نظریه‌های قابل تأملی در این حوزه ارائه کرده است. او در کتاب *ارزشمند روح‌القوانین* بخشی از دغدغه خود را این چنین بیان می‌کند:

«چون در هر کشوری همیشه اشخاصی وجود دارند که از لحاظ ثروت و نسب و

۱. نظام سیاسی انگلستان از ساختار پادشاهی مطلق و اقتدار متمرکز آن در طول تاریخ به سمت تقسیم قوا میان پادشاه، اشراف، نجبا و فرماندهان نظامی در نهایت در دوران مدرن به حاکمیت قانون و حکومت دمکراتیک تغییر ماهیت داده است. کشمکش میان پادشاه، اشراف و نجیب‌زادگان در ابتدا موجب پدید آمدن مجمع مشورتی غیررسمی شد که فاقد قدرتی قابل ملاحظه بود؛ اما پس از نیاز پادشاه به حمایت این مجمع مشورتی، به تدریج مفهوم پارلمان و مشارکت سیاسی طبقات ممتاز اجتماعی شکل جدی‌تری به خود گرفت (عبادی، ۱۳۷۳: ۴-۳). ساختار پارلمان در داخل دو مجلس به تدریج در قرن سیزده و چهارده میلادی شکل گرفت. در ابتدا ضروری بود برای اینکه شورای بزرگ فقط اشراف نیرومند و اسقف‌های اعظم را دربرنگیرد، عده‌ای نیز مردم عادی انگلستان را نمایندگی می‌کردند و آرام آرام جلسات را جدای از یکدیگر شکل دادند. در سال ۱۳۷۷ میلادی افراد معمولی برای اولین بار سخنگو یا رئیس خود را انتخاب کردند و یک پارلمان دومجلسی پدیدار شد.

افتخارات مشخص می‌باشند و اگر با ملت مخلوط شده مانند دیگران فقط یک رأی داشته باشند آزادی مشترک برای آنها به منزله بردگی خواهد بود زیرا اغلب تصمیمات علیه خود آنهاست. پس باید به تناسب مزایایی که در کشور دارند سهم آنها در قوه مقننه مشخص و معین گردد این موضوع وقتی عملی می‌شود که آنها هیئتی تشکیل دهند که حق داشته باشد از عملیات توده جلوگیری کند. به این طریق قوه مقننه به دو هیئت سپرده خواهد شد که یک هیئت از نمایندگان منتخب ملت و یک هیئت از اشراف تشکیل شده است و هر یک از این دو هیئت مشاور جداگانه و نظریات و منابع عمده خواهند داشت» (مونتسکیو، ۱۳۴۹: ۱۰۰).

وی در این سخن خود دغدغه‌ای را مطرح می‌کند که آن به خطر افتادن منافع اشراف است و خطراتی که به‌علت ناتوانی این طبقه می‌تواند از جانب توده متوجه آنان کند. مونتسکیو معتقد بود هیئت اشرافی باید موروثی باشد، زیرا در این صورت نسبت به منافع خود بیشتر علاقه‌مند می‌شوند و امتیازات را بهتر حفظ می‌کنند. چراکه این امتیازات به‌خودی‌خود منفور است و در دولت‌های آزاد همیشه خطر متوجه آنهاست. این هیئت نباید قدرت امر کردن داشته باشد و قوانین وضع کند به‌خصوص در مورد قوانین اخذ مالیات‌ها، عوارض و از این قبیل قوانین، زیرا یک قوه موروثی همیشه می‌خواهد منافع خصوصی خود را دنبال نماید و منافع عمومی توده را فراموش کند (همان: ۳۰۲). از این رو، یکی از اهداف مونتسکیو از طرح مجلس سنا نه حمایت صرف از منافع طبقه خویش و حذف توده، بلکه ایجاد نوعی تعادل و انتظام است که در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

در ایران نیز، پس از پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس ملی، بین مجلس و دربار درخصوص تنظیم نظام‌نامه اساسی به‌دلیل تعلل دولت نسبت به تنظیم آن اختلاف به‌وجود آمد که دلیل اصلی آن دغدغه دربار جهت حفظ حقوق خود بود که یکی از شقوق آن تأسیس مجلس سنا بود که تعدادی از اعضای آن را شاه تعیین می‌کرد^۱ (رنجبر، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۲).

۱. دولت و دربار، نگران حاکمیت تمام‌عیار مجلس شورا بر شئون حکومتی و سیاسی بودند. از این رو بنا بر اصرار محمدعلی میرزای ولیعهد، تشکیل مجلس سنا نیز باید در قانون اساسی پیش‌بینی می‌شد و به این ترتیب، قضیه فرستادن طرح قانون اساسی به مجلس به مسامحه گذشت.

۲-۱-۱. ترس از استبداد توده

یکی از استدلال‌های موافقان تشکیل مجلس دوم، وحشتی است که برخی متفکران از حکومت اکثریت جامعه یا توده مردم دارند و برای جلوگیری از این امر، راهکارهایی را پیش‌بینی کرده‌اند که یکی از آنها تأسیس مجلس سناست.

مونتسکیو به نوعی طرفدار حکومت «مختلط همزیست» بود. به این معنا که هم مردم و عوام باید در امر حکومت ملاحظه و مشارکت داشته باشند و هم صاحبان امتیاز. البته قصد وی توجیه لزوم مجلس دوم در قالب نظریه تفکیک قوا یا استدلال سیاسی حقوقی است. تردیدی نیست که محور اصلی اندیشه او، جداسازی قوا و رو در رو قرار دادن آنها و تعدیل و توقف یکی به وسیله دیگری است، تا آزادی و امنیت شهروندان از آسیب‌های خودسری و دیکتاتوری کارگزاران حکومت در امان بماند. بررسی مبانی نظری عقاید مونتسکیو نشان می‌دهد که این متفکر درصدد چاره‌ای بود که گروه‌های متمایز و ممتاز اجتماعی نیز بتوانند دستی به حکومت داشته باشند، چرا که اگر سرنوشت جامعه، فقط با انتخابات تعیین شود و تنها شیوه گزینش نمایندگان قوه مقننه، محدود به انتخابات و آرای عمومی باشد، هیچگاه نخبگان جامعه امکان نخواهند یافت در کنار نمایندگان منتخب و منبعث از آرای مردم، در هیئت حاکم بمانند و اراده و قابلیت‌های خود را اعمال کنند (قاضی، ۱۳۶۸: ۴۴۳).

فرانسه بعد از انقلاب ۱۷۸۹ مصداق بارزی از دغدغه‌های مونتسکیو است. پیش از انقلاب فیلسوفانی مثل ولتر و مونتسکیو، تردید داشتند که مردم عامی فرانسه برای آزادی کامل آماده باشند و هر دو آنها برخلاف نظر روسو، حکومتی را توصیه می‌کردند که قدرت مشروطی به پادشاه بدهد (کورزین، ۱۳۸۴: ۲۷). اما مجلس مؤسسانی که پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه به منظور تنظیم قانون اساسی و استقرار سلطنت مشروطه ایجاد شده بود، با اندیشه تأسیس مجلس اعیان مخالف بود؛ زیرا می‌خواست از نفوذ نجبا و اشرافیت قدیم که با حلقه‌های فئودالی، همچنان وابسته به شاه باقی مانده بودند، بکاهد. از این رو قانون اساسی ۱۷۹۱، اولین قانون اساسی این کشور، با الهام از «اصل حاکمیت ملی» ضمن حفظ مقام سلطنت، اختیار قانونگذاری را به یک مجلس ملی تفویض کرد (سوبدل، ۱۳۷۰: ۲۷۰-۲۶۸).

اما در قانون اساسی ۱۷۹۵ فرانسه دو مجلس در هیئت قانونگذاری پیش‌بینی شد؛ یکی شورای شیوخ و دیگری مجلس بانصد نفری. این تمهید پیش‌تر به سبب ترس از بازگشت

عوام به عرصه حکومت و جلوگیری از استبداد و دیکتاتوری یک مجلس، اندیشیده شده بود. تجربه تلخ اقدامات مجلس کنوانسیون که با هدایت رهبران انقلابی و با بسیج توده عوام، به خشونت‌های فراوانی دست زده بود منشأ اصلی بسیاری از ملاحظه‌کاری‌ها، از جمله پیدایش دو مجلس قانونگذاری در قانون اساسی ۱۷۹۵ شد (رنجبر، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱).

جان استوارت میل دیگر متفکر پرآوازه در خصوص حکومت توده است. از نظر او خطرهایی که هر دمکراسی انتخابی را تهدید می‌کند به دو گونه‌اند. خطر سطح نازل آگاهی در گروه نمایندگان و افکار عمومی که بر آن نظارت دارد؛ و خطر قانونگذاری طبقاتی از سوی اکثریت که از اعضای طبقه واحدی مرکب باشد. به اعتقاد وی یک دمکراسی تماماً مبتنی بر برابری، برای ملتی که در آن یک طبقه اکثریت عددی را تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند از برخی آسیب‌ها فارغ باشد (میل، ۱۳۸۶: ۱۵۷). او یکی از راه‌ها برای رفع این دغدغه را مجلس دوم با این کارکرد می‌داند که: «استدلالی که به گمان من در جهت تأیید مجلس بیشترین ارزش را دارد توجه به آن اثر زیان‌باری است که بر ذهن هر دارنده قدرتی که خواه یک نفر و خواه یک مجلس، در نتیجه این احساس که تنها مرجع رایزنی است، گذاشته می‌شود. این مهم است که هیچ گروهی از افراد نباید، در امور مهم و بزرگ بتوانند خود را حتی به کوتاه زمان، بی‌نیاز از جلب رضایت برشمرد و یا گروه دیگر، اراده خویش را غالب کنند. اکثریت در مجلس واحد در صورتی که ملزم نباشند در مصوبات خود به موافقت یا عدم موافقت مرجع انتخابی دیگری توجه کنند، به قدرتی مطلق و خودبین مبدل خواهد شد. یکی از واجبات مهم کارکرد سیاسی، به ویژه در اداره نهادهای آزاد، کنار آمدن با یکدیگر و آمادگی برای توافق است، یعنی تمایل به دادن امتیازاتی به مخالفان و انجام اقداماتی نیک که به کم‌ترین عنوان ممکنه دارندگان نظر مخالف را بیازارد؛ این عادت مفید حصول توافق متقابل، به اصطلاح دادوستد، میان دو مجلس خود آموزشگاهی پایدار است، که حتی در این زمان مفید و مؤثر است و چه بسا سودمندی آن در تشکیلات دمکراتیک قانونگذاری بیشتر محسوس باشد» (همان: ۲۶۳-۲۶۲).

آنچه جان استوارت میل بیان کرد به گونه‌ای از مبانی اصلی دو اصل تفکیک قوا و نظارت و تعادل در حقوق اساسی است که باعث خرد شدن خردمندانانه قدرت در شاخه‌های مختلف حکومت

براساس نوع کارکرد نظارت و کنترل منطقی آنها نسبت به یکدیگر است (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

۳-۱-۱. تقویت نظام نظارت و تعادل

نظارت و تعادل در راستای اصل تفکیک قوا می‌باشد که به شعب مختلف حکومت، اختیارات و مسئولیت‌هایی را برای نظارت (کنترل) بر اعمال سایر بخش‌ها اعطا می‌کند. همچنین این اصل به این معناست که اختیارات و اقتدارات هر یک از شعب حکومت باید به گونه و تا حدودی متناسب با اختیارات و اقدامات سایر شعب باشد تا از سلطه‌جویی یکی از آنها بر دیگری جلوگیری شود (زارعی، ۱۳۸۹: ۴۴).

جمع شدن اختیارات وسیع در دست بخشی از حکومت امکان فساد را بالا می‌برد. زمانی که در این ساختار حقوقی عناصر سیاسی مانند انحراف، ملاحظات و زدوبندهای سیاسی، رقابت و سایر عوامل جریان یابد امکان انحراف بیشتر می‌شود؛ در نتیجه تجمیع ساختارهای حقیقی و حقوقی قدرت ممکن است مسائلی را ایجاد کند که ساختار حقوق اساسی مدرن آن را بر نمی‌تابد (راسخ، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰؛ لاک، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

از طرفی قوه مقننه به‌عنوان بازیگر اصلی در نظام نظارت و تعادل در صورت تجمع قدرت و عدم پیش‌بینی آسیب‌های احتمالی می‌تواند به ضد این نظام تبدیل شود، لذا برخی طرفداران نظام دومجلسی، تقسیم قوه مقننه به دو شعبه را برای تضمین مهار و تفکیک قدرت تقنینی مناسب دانسته‌اند؛ حالتی که دو شعبه قوه مقننه خود بر کار یکدیگر نظارت و همدیگر را تعدیل می‌کنند تا امکان سوءاستفاده از اختیارات پایین بیاید، نظارت و تعادل تقویت شود و نظام سیاسی به طور منظم جریان یابد. با وجود رشد دموکراسی در قرن اخیر و رشد تحزب به‌عنوان جزء لاینفک یک دموکراسی کامل، انتقادهایی به احزاب و نقش آنها وجود دارد^۱ (Norton, 1993: 2). این یک واقعیت است که تمامی تصمیم‌گیری‌ها بیشتر در دست ائتلاف‌هاست و نه در دست طبقه‌ای از هر مجلس پارلمان (Heller, 1997: 500). با این حال وجود احزاب در نظام‌های دموکراتیک عنصر ضروری و مفیدی است که البته معایبی هم دارد منتها باید ساختار

۱. لرد بوریس، دولتمرد دانشگاهی قرن بیستم، اندیشه زوال قوای قانونگذاری را تبدیل به عقیده‌ای رایج کرده و پنج آفت مژمن را برای قوای قانونگذاری نام برده است که اصلی‌ترین آنها رشد احزاب است.

حقوق اساسی را به گونه‌ای تنظیم کرد که از این معایب جلوگیری و از مزایای آن سود برد. این نفوذ احزاب زمانی که در ساختار حقوقی یک نظام سیاسی ملاحظه می‌شوند بیشتر نمود می‌یابد. در سیستم‌های پارلمانی عدم اجرای دقیق نظارت و تعادل به دلیل ملاحظات سیاسی و رقابت‌های حزبی قابل تصور است. در هر نظام پارلمانی که مجلس را مستقیماً مردم انتخاب کنند، غالباً رهبر حزب، رئیس هیئت دولت شده و اکثریت مجلس به جهت سیاسی باید از دولت حمایت کند، چرا که دولتمردان هم‌حزبی آنها در قوه مجریه دارای سمت هستند، لکن باید دولت را پاسخگو نگه دارند. اما وظیفه دوم به آسانی ممکن است به لحاظ مصالح حزبی در رقابت‌های سیاسی و افکار عمومی، نادیده گرفته شود و فشاری که به اعضای حزب اکثریت در مجلس برای عدم انتقاد از دولت هست، افزایش یابد (Shell, 2001: 16).

مونتسکیو و بعدها مادیسون به عملکرد مجلس دوم در تضمین مهار و تفکیک قدرت بین نهادها اعتقاد داشتند. ساختار مجلس دوم به‌ویژه به‌عنوان نهادی تلقی می‌شود که قدرت قوه مجریه را متعادل می‌کند و لذا کابینه برای اجرای سیاست‌های خود نیاز به رضایت اکثریت‌های چندگانه دارد (Vatter, 2005: 178).

به‌عنوان مثال در انگلستان مجلس اعیان به‌طور بالقوه می‌تواند ایراد ذکر شده مربوط به احزاب در مورد سیستم‌های پارلمانی را کاهش دهد (زارعی، الف ۱۳۸۴: ۴۱). یا در استرالیا حزب اقلیت می‌تواند با نفوذش، کنترل حزب اکثریت را در دست گیرد و دستور کار پارلمان، لوایح بودجه و سیاست‌های عمومی را تحت تأثیر قرار دهد^۱ (Patterson and Mughan, 2001: 24).

ازسوی دیگر در سیستم‌های ریاستی احتمال تشکیل دولت و مجلس از دو حزب رقیب وجود دارد امری که می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری سیاسی را فلج کند و تعارض میان پارلمان و قوه مجریه را دامن زند (گرچی، ۱۳۸۸: ۲۳۱) و یا در سیستم پارلمانی در وضعیتی که دولت از درون اکثریت شکننده در مجلس شکل می‌گیرد، امکان سوءاستفاده از امکانات نظارتی در

۱. انتخابات تناسبی مجلس سنا باعث شده که به‌ندرت دولت‌ها صاحب اکثریت کامل سنا شوند و یک نوع تقسیم حکومت شکل می‌گیرد که با وجود اینکه اکثریت را در مجلس اول دارد اما باید احزاب مخالف و منافع متضاد را نیز در سنا راضی نگه دارد.

نتیجه اخلال در عملکرد دولت و به تبع آن کل کشور به طور جدی محتمل است.

در مجموعه مقالات فدرالیسم، مادیسون خاطر نشان می کند که در رژیم های سیاسی مدرن، مرجع قانونگذاری گرایش به غلبه بر دو شاخه دیگر حکومت دارد و این گرایش غلبه گرایانه مستلزم این است که خود قوه مقننه مجدداً به دو زیرشاخه براساس روش های انتخابی مختلف و اصول متفاوت تقسیم شود و هر مجلس همان قدر با دیگری ارتباط داشته باشد که ممکن است با دو شاخه دیگر حکومت ارتباط دارد.

اعتقادهای محکم مادیسون اینجا آشکارتر می شود که او بیان می کند که ساختار نظام دومجلسی، اقدام احتیاطی مفید علیه امکان نفوذ و دسترسی به قانونگذاری است. از نظر مادیسون مشکل تمرکز بیش از حد قدرت در یک مجلس سیاسی است که با قدرت، قانونگذاری می کند و صلاحیت بسیاری دارد (Uhk, 2006: 175).

یک مجلس دوم به عنوان حافظ قانون اساسی است زیرا افرادی که دولت را اداره می کنند ممکن است تکالیف خود را نسبت به انتخاب کنندگانشان فراموش کنند و از اعتماد مردم سوءاستفاده کنند. از این رو، مجلس ثانی می تواند امنیت مردم را با جلب توافق و رضایت اشخاصی برجسته دو برابر کند و خطر تمرکز قدرت در دست یک گروه را از بین ببرد (Ibid.: 8). رومانی رها شده از کمونیسم در ابتدای دهه ۱۹۹۰ با هدف جلوگیری از تمرکز قدرت، نظام قانونگذاری خود را به نظام دومجلسی تغییر داد. از نظر قانونگذاران اساسی رومانی در جلوگیری از تجاوز قوه مجریه از حدود قانونی، پارلمان دومجلسی کارآمدی بیشتری دارد (Stefoi, 1994: 15). از طرفی پرو در سال ۱۹۹۳ طی همه پرسی، مجلس سنا را از ساختار حقوقی خود حذف کرد در شرایطی که فقط ۵۲ درصد شرکت کنندگان در همه پرسی به این موضوع رأی مثبت دادند و شمار مخالفان حذف سنا قابل ملاحظه بود. یکی از دلایل اصلی مخالفان، ترس از تمرکز قدرت در یک مجلس با توجه به تلاش های رئیس جمهور فوجی موری^۱ در تک مجلسی کردن نظام قانونگذاری پرو بود (National Democratic Institute, 1996: 10).

۱-۲. کشورهای فدرال

ایجاد مجلس دوم که وزن واحدهای کوچکتر در آن بیشتر است، اغلب پیش شرطی برای ایجاد کشور فدرال بوده است (Hague and Harrop, 1987: 205). این ارتباط بسیار نزدیک است، از تعداد بیست کشور فدرال همه جز سه تا از آنها مجلس دوم دارند (Massicotte, 2001: 152).

یکی از اهداف اصلی قانونگذاران اساسی ایالات متحده آمریکا، ایجاد یک کنگره فدرال با اختیارات وسیع قانونگذاری، از جمله حق وضع مالیات و تنظیم روابط تجاری بین ایالات، به منظور تقویت اختیارات دولت مرکزی بود (بارنت، ۱۳۸۲: ۱۴۱). لکن درباره ترکیب پارلمان، دو گرایش اصلی میان دولت‌های بزرگ و پرجمعیت از یک سو و دول کوچک و کم جمعیت از سوی دیگر به چشم می‌خورد. ایالات بزرگ بر این عقیده بودند که هر ایالتی به نسبت جمعیت خود در مجلس نمایندگان عضو داشته باشد اما دول کم جمعیت با سرسختی استدلال می‌کردند که هر دولت، دارای شخصیت حقوقی مستقل است و عضویت در مجلس فدرال نباید تابع میزان جمعیت باشد (رنجبر، ۱۳۸۳: ۳۸).

در نهایت دو کر شرمن والیور ایلس ورس در راستای حل این اختلافات یک راه‌حل بزرگی را طراحی کردند. ایلس ورس توضیح داد که برابری نمایندگی ایالات در یک هیئت ملی و یک هیئت فدرال اتحادیه الزامی است. شرمن یک توافق مشخص برای ایجاد یک سیستم دوگانه نمایندگی پیشنهاد داد؛ در مجلس نمایندگان هر ایالت بر اساس جمعیتش کرسی داشته باشد و همه ایالات در سنا به تعداد برابر کرسی داشته باشند. در سنا دیدگاه‌های اقلیت فرصت شنیده شدن پیدا می‌کند (United States Senate, 2010) و این چنین بود که تأسیس مجلس سنا مشکل اتحاد ایالات را حل کرد و دلیل دیگری در عالم نظریات سیاسی و حقوق اساسی برای وجود مجلس دوم مطرح شد.

همچنین مادیسون در توضیح این نوع تشکیل سنا بر تسهیل ارتباط بین دو سیستم حکومتی ایالتی و فدرال تأکید کرد و برابری ایالات در سنا را به نوع ترکیب این مجموعه ارجاع می‌دهد. او توضیح می‌دهد که این مدل حکمرانی ترکیبی از مشخصه ملی و فدرال است و حکومت باید با ترکیب اصول نسبی و برابری نمایندگی سیاسی شناخته شود. رأی

برابر در سنا، این امکان را به ایالات می دهد که بتوانند سهم شناخته شده از سوی قانون اساسی را از قدرت باقی مانده خود در هر زمانی اعمال کنند (Madison, 1788).

مادیسون از تشکیل سنا به دنبال امر مهم تری نیز بود و آن ایجاد احساس ملیت است. او معتقد بود: «هنوز ممکن است ضرورت احساس یک ملت بودن وجود داشته باشد، این واضح است که این امر هرگز با یک هیئت پرشمار و قابل تغییر محقق نمی شود، این تنها با نهادی با تعداد اعضای کمتر و البته خردمندتر ایجاد می شود. یک مجلس با دوام با جذب اعتمادی که سربلندی اعضایش به طرز معقولی با اعتبار شخصیت جامعه یکی شود» (Ibid.).

جان جی در سلسله مقالات فدرالیست در این خصوص اظهار می دارد: «... امکان دارد این بحث مطرح شود که رئیس جمهور و سنا با چشم برابر به تمام ایالات ننگرند لذا همه ایالات نمایندگان برابری به جهت تعداد در سنا خواهند داشت و همه قادر خواهند بود منافع حوزه انتخابیه خود را تأمین کنند با درجاتی از برابری برای نفوذ در پیکره سیاسی به ویژه در تعیین اشخاص مناسب برای تصدی وزارتخانه های دولت و این گونه ایالات متحده می تواند مشخصه یک ملت را به خود گرفته و نفع عمومی بیشتری مورد توجه قرار بگیرد» (Jay, 1788).

اسپانیا کشوری است که به دلیل وجود قومیت های مختلف، در طول تاریخ سیاسی خود شاهد جنگ های داخلی و کشمکش های قومی بسیاری بوده است که هنوز هم تا حدودی ادامه دارد. اما مجلس سنا که نمایندگی مردم مناطق مختلف این کشور را به عهده دارد تا حدودی توانسته است بر این مسئله فائق آید (زارعی، ۱۳۸۹: ۷۹-۷۸). انتظار این بوده و هست که مجالس دوم که عملکرد نمایندگی واحدهای فدرال را اعمال می کنند، حمایت مؤثری از تعادل و تقسیم قدرت ارائه دهند و در نتیجه تعادلی بین فدرالیسم و حکومت اکثریت ایجاد کنند و دولت مرکزی در مقابل واحدهای سیاسی فدرال مهار گردیده و تعادل بین ایالات کوچک و بزرگ با داشتن نماینده توسط ایالات کوچک در مجالس دوم برقرار شود (Vatter, 2005: 197-209).

فلسفه وجودی مجلس دوم در این کشورها ناشی از دوگانگی ساختار سیاسی دولت فدرال است، زیرا که هدف فدرالیسم، ایجاد وحدت بین کشورهای عضو و درعین حال حفظ ویژگی های هر یک از آنهاست.

۲. مجلس دوم، محافظه‌کاری، لیبرالیسم و سوسیالیسم

در هر جامعه‌ای، ایدئولوژی و نگرش سیاسی گروه حاکم یا به سخن دیگر گفتمان گروه مسلط، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار حقوقی آن کشور دارد. چراکه آنان در پی ایجاد نهادهایی می‌روند که ایشان را در نیل به اهداف و آرمان‌های فکری خود در انجام فعل سیاسی در ساختار حقیقی قدرت یاری رساند. به این دلیل تحلیل مجلس دوم به‌عنوان یکی از نهادهای قابل‌تصور در ساختار حقوقی هر جامعه‌ای با نگاهی به سه ایدئولوژی لیبرالیسم، محافظه‌کاری و سوسیالیسم مفید و روشنگر به‌نظر می‌رسد.

بررسی جایگاه مجلس دوم در نظام‌های حقوقی در این گفتار با فرض پذیرش پلورالیسم سیاسی صورت می‌گیرد (Dahl, 1959: 25) بر این اساس، گروه‌های مختلف برای رسیدن به خواست‌های خود قاعدتاً به دنبال ساختار حقوقی مناسب در این جهت می‌روند و مجلس دوم براساس شرایط اعضا و نوع نظام انتخاباتی آن با تکیه بر پایگاه اجتماعی احزاب لیبرال، محافظه‌کار یا سوسیال‌دمکرات مورد اقبال یا رد گروه‌های سیاسی واقع می‌شود.

الف) شرط سنی: با بررسی شرایط داوطلبان عضویت در مجلس سنا، متوجه می‌شویم که اصولاً شرط سنی در مجلس دوم نسبت به مجلس اول بالاتر است؛ که این امر به‌طور طبیعی منجر به افزایش میانگین سنی مجلس دوم نسبت به مجلس اول می‌شود. لذا مجلس دوم، مجلس غالباً محافظه‌کارتر از مجلس اول است. مثلاً در ایالات متحده آمریکا شرط حداقل سن بیست‌وپنج سال برای عضویت در مجلس نمایندگان می‌باشد، اما برای مجلس سنا شرط سنی حداقل سی سال است (زارعی، الف ۱۳۸۴: ۴۲۳).

ب) شیوه ترکیب: مجالس دوم به سه شکل انتصابی، انتخابی مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌گیرند. همچنین در شیوه انتخابی، نظام انتخابی تناسبی یا اکثریتی وجود دارد. لذا در احزاب سوسیالیستی در مورد مجالس انتصابی و یا مجالس دوم به نظام انتخاباتی تناسبی روی خوشی وجود ندارد.

در کشورهای در حال توسعه، رژیم‌های راست‌گرایی که قدرت، متمرکز در فرد یا گروهی است، با ایجاد قوانین اساسی صوری با ساختار به‌ظاهر دمکراتیک و لیبرال دارای مجالس دوم انتخابی یا انتصابی هستند. چنین هیئت‌هایی ریشه‌های عمیق نداشته و اغلب به‌عنوان پوششی برای حکومت‌های نامحبوب یا فاسد خدمت می‌کردند. نمونه‌هایی از قبیل:

سنا در کوبا قبل از فیدل کاسترو، در مصر زمان ملک طاروق، در عراق زمان نوری سعید، در لیبی تحت حکومت ملک ادريس و در ایران زمان شاه قابل مشاهده است (Massicotte, 2001: 155-156).

در مواردی هم که مجلس سنا با انتخابات تناسبی شکل می‌گیرد، ترکیب احزاب در مجلسین را متفاوت می‌سازد. در مناطق کوچک روستایی با ساختار جمعیتی و اقتصادی خاص خود در مجلس دوم دارای نماینده هستند. در نتیجه رأی‌دهندگان روستایی و مناطق، یک امتیاز نسبت به گروه‌های دیگر دارند؛ از طرفی احزاب چپ به‌طور سنتی در شهرها و مناطق پرجمعیت نیرومندتر هستند. کشاورزان به‌طور منظم با استفاده از کرسی‌های توزیع شده در مجلس دوم بر آنها اعمال نفوذ می‌کنند. این امر به‌طور خاصی می‌تواند نهادینه شود. فارغ از استثنائات، احزاب لیبرال و به‌ویژه محافظه‌کار نفوذشان در مجلس دوم، بیشتر از مجلس اول است و احزاب سوسیال دمکرات و چپ کمتر از حد متوسط دارای نماینده در مجلس دوم هستند (Vatter, 2005: 1x). برای نمونه سوئد که از سال ۱۸۶۷ تا ۱۹۴۵ دارای نظام دومجلسی بود اکثریت مجلس دوم همیشه در دست محافظه‌کاران قرار داشت (National Democratic Institute, 1996: 11).

در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ مجالس دوم در تعدادی از دمکراسی‌های غربی از مد افتاده بود و این امر همزمان با دوره‌ای بود که دولت‌ها در همه شئون مداخله می‌کردند و همه ابزارها در اختیار دولت قرار داشت. در این دوره نظام تک‌مجلسی برای این ایدئولوژی‌های حاکم، مناسب‌تر بود (Massicotte, 2001: 153). به‌عنوان نمونه، در دانمارک احزاب سوسیالیستی با توجه به اینکه براساس ماده اصلاحیه سال ۱۹۱۵، سه‌چهارم اعضای مجلس دوم به‌طور غیرمستقیم توسط رأی‌دهندگان بالای ۳۵ سال انتخاب می‌شدند، از نظام تک‌مجلس حمایت می‌کردند، حتی پس از آنکه اکثریت را در مجلس عالی در سال ۱۹۳۶ به‌دست آوردند (Ibid.: 150).

از این رو، می‌توان گفت نظام دومجلسی برای احزاب لیبرال و محافظه‌کار برای مقابله با دخالت دولت در اقتصاد قابل اطمینان‌تر و برای احزاب سوسیالیستی مانعی جهت افزایش دخالت دولت بوده است.

۳. مجلس دوم، کارآمدی، مشروعیت و ثبات سیاسی

در بررسی دولت مدرن جامعه‌شناسان سیاسی باید دلیلی غیر از اجبار و سنت را جهت توجیه اطاعت‌پذیری جوامع انسانی از قدرت سیاسی می‌یافتند: چیزی که ماکس وبر آن را سلطه و سیاست بوروکراتیک می‌نامید. به نظر وی یکی از عوامل مهم دگرگونی جامعه سنتی رشد و گسترش عقلانیت و بوروکراسی مبتنی بر هنجارهای عینی و قانونی است. توسعه این عقلانیت نتیجه عوامل بسیاری بوده است که از آن جمله باید به پیدایش نظام حقوقی عقلایی تأکید گذاشت (بشیریه، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰).

۳-۱. کارآمدی نظام سیاسی

کارآمدی، بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است؛ و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را دربردارد. صاحب‌نظران، کارآمدی را در گرو کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی می‌دانند که در رسیدن به اهداف نقش دارند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳: ۵۷۵).

وقتی قانونی در شرف تصویب است، مراحل پیچیده‌ای را تا تصویب نهایی طی می‌کند که همه آنها در ساختار حقوقی پیش‌بینی نشده است، بلکه ساختار حقیقی قدرت خود را نشان می‌دهد (نوری، ۱۳۸۴: ۱). بدیهی است دولت ملاحظات خاص خود را دارد مانند تأمین منافع گروه‌های عمومی حامی، پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی خود؛ مطالبات گروه‌های فشار و ذی‌نفع، بازیگران بازار آزاد و گروه‌های جامعه مدنی که بی‌توجهی به آنها عواقب سیاسی خاصی مانند به مخاطره افتادن آینده سیاسی حزب حاکم در انتخابات آتی را در پی خواهد داشت.

از طرفی نمایندگان مجلس اول که بیش از آنکه قانونگذار باشند، سیاستمدار هستند، تحت تأثیر رهبران حزب و فضای وفاداری حزبی قرار دارند و درگیر لابیگری و دادوستد امتیاز می‌باشند. همچنین اشراف کافی به مسائل تخصصی نداشته و اساساً یکی از دلایل تمایل تسلط قوه مجریه بر قوه مقننه نیز همین نکته است که قوه مقننه فاقد توان رقابت با متخصصان سیاستگذاری و بوروکرات‌هایی است که در خدمت قوه مجریه هستند (صفری، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

اعضای مجلس دوم در کشورهایی که دارای پارلمان دومجلسی هستند، با توجه به شرایط و شیوه انتخاب اعضا و نوع ترکیب این مجالس، اصولاً انسان‌هایی فرهیخته، باتجربه و ارزشمند هستند، لذا مجلس دوم ورای تمام مسائل و درگیری‌هایی که پیش‌تر ذکر شد، با ویژگی فوق می‌تواند به بررسی طرح یا لایحه پیشنهادی پرداخته، برخی عیوب را جبران و به نوعی می‌تواند مرکز دانش و عقلانیت باشد (Shell, 2001: 17).

ترکیب مطلوب مجلس دوم به همراه طولانی‌تر بودن دوره نمایندگی آن به نسبت مجلس اول، تصمیم‌گیری این نهاد را منطقی‌تر می‌کند. جیمز مادیسون در این خصوص معتقد بود: «یک مجلس سنا از تصویب سریع و احساساتی قوانین و رفتار نفاق‌افکنانه رهبران سیاسی جلوگیری خواهد کرد و این محقق نخواهد شد مگر اینکه آن هیئت خود از این مسائل آزاد بوده و دارای ثبات باشد با یک دوره زمانی قابل ملاحظه، مقدار اعضای کمتر و اختیار جلوگیری از این امور...» (Madison, 1788).

در آمریکا سناتورها آزاد هستند که انجام اصلاحاتی را پیشنهاد دهند. در آلمان مجلس عالی لوایح دولتی را قبل از اینکه به «باندستاگ» تقدیم شود موشکافی می‌کند و اصلاحات مجلس عالی ممکن است اعمال شود، یا سنا در استرالیا آزادانه از اقدامات اصلاحی استفاده می‌کند. همچنین در فرانسه، سنا به‌طور عمده فعالیت‌های اصلاحی انجام می‌دهد و مجلس ملی ۵۰ تا ۸۵ درصد از اصلاحات سنا را می‌پذیرد (Patterson and Mughan, 2001: 49). در کانادا نیز وظیفه عمده سنا تجدیدنظر در لوایح دولتی، به‌خصوص لوایح پیچیده و تکنیکی احاله شده از مجلس عوام است. کمیته‌های سنا که از سناتورهایی با دانش ویژه و اندوخته‌ای از سال‌ها تجربه تشکیل شده است، لوایح را مطالعه و در آن تجدیدنظرهای لازم را انجام می‌دهند (ارفعی، ۱۳۷۲: ۲۳۸).

در کل، مجلس دوم با ترکیبی متفاوت و تخصصی‌تر از مجلس اول و با دوره‌ای طولانی‌تر می‌تواند قوانین را با ابعاد عمیق‌تر بررسی کرده، از تصمیمات احساسی و زودگذر جلوگیری و ورای درگیری‌های گروهی تصمیم‌گیری کند. در مجموع، همه این عوامل بر ارتقای کیفیت قانونگذاری تأثیرات تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

۲-۳. مشروعیت سیاسی

اگر ایدئولوژی یک نظام سیاسی برای شهروندان آن قابل پذیرش باشد و سیستم سیاسی به‌طور کارآمد کارویژه‌های خود را انجام دهد و مردم نسبت به آن احساس تعلق کنند، حکومت دچار بحران مشروعیت نمی‌شود. تأثیر مجلس دوم در ارتقای کارآمدی به‌عنوان یکی از عوامل تأمین‌کننده مشروعیت در بند قبلی مورد بررسی قرار گرفت. اما احساس تعلق مردم، ارتباط تنگاتنگی با ساختار حقوقی نظام سیاسی دارد، چرا که ساختار حقوقی از عوامل تعیین‌کننده میزان سهم شهروندان در حکمرانی است.

مجلس دوم در یک نظام سیاسی با ساختار انعطاف‌پذیر خود می‌تواند بسیاری از محدودیت‌های دمکراسی‌های اکثریتی و قواعد نظام‌های انتخاباتی را مرتفع سازد. قانونگذار در نظام‌های دمکراتیک دو اصل را مسلماً باید رعایت کند: یک، قوانین موجد و یا حافظ برتری گروه، صنف و طبقه‌ای بر گروه، صنف و طبقه دیگر و جنسی بر جنس دیگر و نژادی بر نژاد دیگر و مانند اینها نباشد. دو، قوانین خیر و مصلحت و رفاه معنوی و مادی همگان را تأمین کند نه منافع اکثریت، طبقه و گروه معینی را (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴: ۱۱۶). مجلس دوم با سازوکارهای خاص خود می‌تواند مکانی برای انعکاس تمام علایقی باشد که به‌دلیل نوع نظام انتخاباتی امکان ورود به مجلس اول و قوه مجریه را ندارند و باعث می‌شود تمام گروه‌ها اعم از قومی، نژادی، مذهبی، جغرافیایی و فکری نسبت به نظام سیاسی خود احساس تعلق کنند و برای احقاق حقوق خود دست به اقدامات غیرقانونی و خشونت‌آمیز نزنند.

ازسویی، باید گفت با توجه به تقسیم جغرافیایی هر کشور به حوزه‌های انتخابیه مختلف، جغرافیا تنها ویژگی هر جامعه است که خودبه‌خود در قوه قانونگذاری بازتاب می‌یابد. لذا برای اینکه ارتباط جمعیتی و قوه مقننه تا حدودی تکمیل شود و این نقایص برطرف شود، وجود مجلس دوم به‌عنوان انعکاس‌دهنده منافع مناطق مختلف جغرافیایی یک قوه مؤثر است، چرا که مجلس دوم معمولاً سطح گسترده‌تری از نمایندگی را به همراه دارد (جلالی، ۱۳۸۷: ۷۸) و افزایش مشروعیت یک نظام سیاسی موجب افزایش ثبات سیاسی آن می‌گردد. کشور بوتوانا که در سال ۱۹۶۶ استقلال یافت دارای مجلس دومی به نام مجلس رؤساست که از پانزده عضو تشکیل شده، هشت عضو قبایل بزرگ را نمایندگی

می‌کنند، چهار عضو از قبایل کوچک‌تر انتخاب می‌شوند و سه عضو دیگر توسط دوازده عضو مذکور انتخاب می‌شوند. مراکش نیز که در سال ۱۹۹۶ مجلس دیگری به نام مجلس مشورتی ایجاد کرد ترکیبی از نمایندگان محلی و منطقه‌ای و نمایندگان اتحادیه‌های صنعتی، کشاورزی و تجاری اعضای آن را تشکیل می‌دهند. مالاوی در سال ۱۹۹۴ مجلس سنا تأسیس کرد که اعضای آن ترکیبی از نمایندگان شوراها محلی، رؤسای قبایل و گروه‌های خاص ذی‌نفع (زنان و ناتوان‌های جسمی)، اتحادیه‌های تجاری، بخش‌های کشاورزی و بازرگانی و مذهبی است (National Democratic Institute, 1996: 8-11).

۳-۳. ثبات سیاسی

۳-۳-۱. ثبات در تصمیم‌گیری

جیمز مادیسون در این خصوص معتقد بود که: «... یک دولت خوب باید دو چیز را اعمال کند. اول وفاداری به اهداف حکومت که مردم آن را پذیرفته‌اند و دومی آشنایی با روش‌هایی که رسیدن به آن هدف را تسهیل می‌بخشد. بخشی از دولت‌ها در هر دو آنها ناکارآمد هستند و بیشتر کشورها در اولی ناکارآمد بودند. قانون اساسی آمریکا توجه ویژه‌ای برای این دو مورد داشته و برای مورد اخیر یک شیوه‌ای که باعث افزایش نیل به مورد اولی باشد را مقرر داشته است و آن اینکه تمامی اعضای سنا به یکباره در یک انتخابات برگزیده نمی‌شوند زیرا این با دلیل وجودی آن به‌عنوان یک نهاد باثبات تعارض دارد، اعضای جدید یعنی افکار جدید، افکار جدید یعنی رفتار جدید، رفتار جدید یعنی قوانین جدید و تغییر پی در پی قوانین عوارض زیادی دارد» (Madison, 1788).

وی سپس عوارض این مشکل را در پنج مورد خلاصه می‌کند: «۱. تأثیر در روابط خارجی و شأن بین‌المللی کشور: همسایگان هر کشور در صورت وجود بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری اگرچه با او در ارتباط هستند اما روابط مالی خود را با آن کاهش می‌دهند؛ ۲. تأثیر داخلی سیاست‌های بی‌ثبات بسیار مصیبت‌بارتر است و سمی مهلک برای آزادی است. مردمی که نمایندگانشان قوانینی تصویب می‌کنند که بسیار حجیم بوده، به‌گونه‌ای که آنها نمی‌توانند خود را برای آن آماده کنند یا آن‌قدر تناقض دارد که آنها نمی‌توانند آن را

بفهمند، حال اگر آنها لغو یا دستخوش تغییرات پی در پی شوند چه کسی می‌داند که قانون روز بعد چیست؟ ۳. سوءاستفاده افراد سودجو: هر قانون جدیدی که در مورد اقتصاد و بازار به تصویب می‌رسد یا به هر نحوی ارزش بخشی از دارایی‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یک سود سرشاری را به افرادی که این تغییرات را می‌دانند یا پیش‌بینی می‌کنند، می‌رساند و اینجا باید گفت که قانون برای عده قلیلی از افراد جامعه است تا اکثر آنها؛ ۴. کاهش اعتماد عمومی به حکومت: افراد در چنین حالتی نمی‌توانند برای زندگی خود به‌ویژه در بخش اقتصاد برنامه‌ریزی درستی کنند، چرا که نمی‌دانند اعمالی که امروز قانونی است آیا فردا نیز به همین گونه است یا خیر؟ ۵. مشروعیت: اما هیچ اثری رقت‌آمیزتر از اعتماد و احترام از دست رفته مردم نسبت به سیستم سیاسی کشورشان نیست. جایی که آنها نسبت به دستیابی به تمام آرزوهای بزرگشان به دلیل ناکارآمدی حکومت، ناامید و مأیوس می‌شوند» (Ibid.).

لذا بیان شده که نظام دومجلسی با کیفیت می‌تواند سیاست عمومی قابل پیش‌بینی تری در طول زمان ایجاد کند و بهتر با منفعت بلندمدت رأی‌دهندگان بدون متمایل کردن سیاست‌ها به سمت وضع موجود یا نفع هر یک از گروه‌ها، هم‌تراز شود (Congleton, 2002: 23). نظریات دمکراتیک در چندین دهه گذشته مشکل اصلی را در حکومت، اکثریت بی‌ثبات می‌داند. هر حمایتی که دارای اکثریت موقتی صرف است با تغییر حمایت اکثریت سیاسی با یک اکثریت متفاوت جایگزین می‌شود (Cary and Miller, 1998: 83) بنابراین، نظریات رسمی اخیر پیشنهاد می‌کنند که این مشکل با یک قانون اساسی که نظام دومجلسی در آن پیش‌بینی شده مرتفع شود (Hamilton and Madison, 1907: 18).

۲-۳-۳. ارتقای مشارکت همه شهروندان یک جامعه در تصمیم‌گیری‌های عمومی
اگر در اثر اعمال حاکمیت اکثریت، یک بخش از جامعه با تبعیض جدی مواجه شود و یا بیم اعمال این تبعیض را داشته باشد، آنگاه نتیجه به‌دست آمده می‌تواند ظهور خشونت در میان بخش‌های مختلف جامعه باشد. بسیاری از دمکراسی‌های نوظهور باید دمکراسی و حس هویت ملی را در کنار هم، آن هم در جوامعی که ممکن است به شدت چندپاره باشند، به‌وجود آورند. این کار، تکلیفی ناممکن نیست، اما نیازمند ترتیباتی نهادی است که

بتواند خصلت اکثریتی رقابت‌های انتخاباتی را که به موجب آن «برنده همه‌چیز را می‌برد» محدود نماید، به‌نحوی که، اقلیت از نتیجه انتخابات احساس تهدید نکند.

اگر در تصمیم‌گیری‌های کلان، تمام عناصر فعال جامعه درگیر باشند و با مشارکت فعال خود این روند را تسهیل کنند، مشروعیت آن تصمیم‌ها افزایش می‌یابد. اما از آنجا که مجلس اول منعکس‌کننده نظریات اکثریت است، شاید به نظریات اقلیت‌ها بی‌توجهی شود و در بلندمدت سیستم سیاسی کشور با مشکل مواجه گردد. از این‌رو، مجلس دوم با ساختاری انعطاف‌پذیر از جهت نظام انتخاباتی و شیوه تعیین اعضا می‌تواند عاملی باشد که تمام اقلیت‌های قدرتمند در آن نماینده داشته، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نموده، مشروعیت این تصمیمات را افزایش داده و در شکل‌گیری اجماع و وفاق در مسائل مهم مؤثر باشد (بشیری، ۱۳۸۶: ۵۴۴-۵۴۳).

۴. رویکرد مخالفان

آنچه تاکنون بدان اشاره شد دلایل موافقان مجلس دوم قانونگذاری بود، لیکن این نهاد حکومتی مخالفان جدی نیز دارد که برخی دلایل آنها قابل ملاحظه است. از این‌رو در این قسمت به بررسی دلایل آن می‌پردازیم.

۴-۱. زائد بودن مجلس دوم

عده‌ای از پژوهشگران ادعا می‌کنند بعضی از کشورهایی که نظام دومجلسی دارند در عمل دارای پارلمان تک‌مجلسی هستند (Massicotte, 2001: 151). به‌عنوان مثال، مجلس سنا در اسپانیا و لهستان مطیع مجلس اول هستند. سنای لهستان قوانینی را که مجلس اول تصویب کرده بازنگری می‌کند، اما مجلس اول می‌تواند اقدامات سنا را نپذیرد (Patterson and Mughan, 2001: 44). والتر باگرهات نیز در مورد مجلس لردهای قرن نوزدهم انگلستان معتقد بود که: «با یک مجلس قوی مسلم است که به ندرت مجالس عالی دارای ارزش هستند» (Bagehot, 1963: 139).

اما این ایراد با تمهیدات مناسب در قانون اساسی قابل حل است. مجلس دوم قوی براساس

نظر لیفارت، از یک سو به اختیارات رسمی ذکر شده در قانون اساسی و از سوی دیگر به رویه عملی خود مجلس بستگی دارد. به نظر وی صرف نظر از روش‌های انتخابی، اگر در مجلسین، نمایندگی سیاسی برابری وجود داشته باشد، آنها متجانس فرض می‌شوند (Vatter, 2005: 199). جان جی نیز معتقد بود برای کارآمدی مؤثر سنا، نیاز است که منشأ شکل‌گیری آن با مجلس اول متفاوت باشد، لذا باید این دو مجلس از نظر سیاسی متمایز باشند (Jay, 1788).

بنابراین برای اینکه مجلس دوم بتواند به‌عنوان یک نماد واقعاً قوی و معنادار عمل کند نیازمند ترکیب دو مجلس برابر یا تقریباً برابر در امتیازات رسمی اما متفاوت در نمایندگی نقطه نظرات سیاسی و مدیریتی است. مورد دیگر اینکه، مشروعیت عمومی گرایش به انتخابی بودن مجالس قانونگذاری دارد تا انتصابی بودن آنها (Uhk, 2006: 190).

۲-۴. مجلس دوم مانعی برای شتابزدگی نیست

در نظام‌های غیرفدرال، مجالس دوم اغلب به‌عنوان ترمز علیه فشار سیاست‌های رادیکال دولت‌ها یا مانعی برای تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی شناخته می‌شود، اما تجربه نشان می‌دهد که این کارکردها با ابزارهای دیگری نیز قابل اعمال است، با این تفاوت که بسیاری از مشکلات مجلس دوم را ندارند.

برای مثال در خصوص جلوگیری مجلس دوم از تسلط بیش از حد دولت به‌ویژه در سیستم‌های پارلمانی که اکثریت حاکم در دولت و مجلس یکی است، می‌تواند با یک تجدیدنظر قضایی در زمان تصویب لوایح حقوق صورت پذیرد، زیرا عموماً قضات نسبت به سیاستمداران در بین افکار عمومی معتبرترند. همچنین در خصوص اینکه تصویب قوانین فقط بنا به اراده دولت نباشد، همه‌پرسی نیز می‌تواند به‌عنوان جانشینی برای مجلس دوم کارآیی زیادی داشته باشد (Brooks, 1920: 395).

در خصوص نظارت قضات مسئله این است که آنها صرفاً می‌توانند با ملاک تطبیق با قانون برتر، تصمیمات قوای مجریه و مقننه را ارزیابی کنند درحالی‌که ایرادهای قانونگذاری فراتر از این امر است و در مورد همه‌پرسی نظر به هزینه سیاسی، مالی و زمانی آن امری استثنایی به نظر می‌رسد که نمی‌تواند جایگزین مطمئنی برای مجلس سنا باشد.

امروزه نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول به‌طور قابل قبولی، در نظارت بر حرکت‌های رادیکال در کشورهای در حال توسعه نسبت به یک مجلس دوم مؤثرترند، چرا که نظارت آنها توسط محیط جهانی یا بازارهای بین‌المللی است تا یک گروه شناخته‌شده‌ای که عموماً داخل کشور و زیرمجموعه قوه مقننه فعالیت می‌کنند. از طرفی استقلال بانک‌های مرکزی از دولت‌ها می‌تواند از سیاست‌های پولی تورم‌زایی جلوگیری کند که گاهی اوقات توسط دولت‌های چپ‌گرا اتخاذ می‌شود (Massicotte, 2001: 165). نهادهای بین‌المللی اگرچه عاملی جهت تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت‌های ملی هستند اما این نظارت که با معیارهای کلی برای گروهی از جوامع صورت می‌گیرد با معیارهای یک نهاد ملی که با معیار منافع ملی اتخاذ تصمیم می‌کند قابل مقایسه نیست.

۳-۴. عدم شفافیت در تصمیم‌گیری

پنهان بودن پروسه کمیته میانجی برای حل تعارضات دو مجلس یکی از ایرادهای مخالفین نظام دومجلسی است (Ibid.: 161) که امکان دادوستد سیاسی دور از چشم ناظران را بالا می‌برد. از طرفی گرایش برای اعضای یک مجلس وجود دارد که مسئولیت تصمیمات مورد نظر خود را برعهده مجلس دیگر می‌گذارند و در نتیجه پوشاندن فساد نظام دومجلسی آسان‌تر است. اگرچه ایراد مذکور تا حد زیادی قابل ملاحظه می‌باشد، اما این موضوع واقعیتی انکارنشدنی است که امکان دادوستد سیاسی دور از چشم ناظران در قوه مقننه تک‌مجلسی به مراتب بیشتر از قوه مقننه دومجلسی با ساختار و منافع متفاوت است.

۴-۴. کسری بودجه

طرفداران نظریه کسری بودجه در نظام دومجلسی استدلال می‌کنند که دولت‌ها در سیستم‌های پارلمانی دومجلسی با کسری بودجه بیشتری نسبت به نظام تک‌مجلسی پارلمانی مواجه‌اند. اغلب بحث می‌شود که تقسیم روش اتخاذ تصمیم پیرامون بودجه در سیستم‌هایی که مقامات حکومت به‌طور اساسی بین قوه مجریه و مقننه تقسیم شده‌اند، منجر به کسری بودجه بزرگی می‌شود (Heller, 1997: 85).

در مقام پاسخ به این مدعا باید گفت که اولاً دولت در مواردی که خود را در آستانه سقوط می‌بیند به‌ویژه زمانی که مجلس نیز هم‌سو با اوست با افزایش هزینه و کاهش مالیات‌ها سعی در جلب آرای عمومی می‌کند و این خود از موارد کسری بودجه است. دوم اینکه در سیستم‌های پارلمانی گاهی بین اکثریت حاکم اختلافاتی ایجاد می‌شود که به امتیازدهی دولت و در نظر گرفتن منافع مختلف برای جلب حمایت مجدد اکثریت منجر می‌شود و با افزایش هزینه‌ها امکان کسری بیشتر می‌گردد. در اینجا مجلس دوم به‌عنوان نهادی مستقل می‌تواند جلوی این امر را بگیرد یا در هنگام اختلاف بین اکثریت مجلس اول و دولت به‌ویژه در رژیم‌های پارلمانی، به‌عنوان نهادی ورای مسائل سیاسی وارد عمل شود. به‌علاوه اینکه اساساً در بسیاری از کشورها مجلس از اختیارات خود در مرحله تصویب استفاده نمی‌کند و در عوض اختیارات نظارتی خود را در اجرای بودجه تقویت می‌نماید، حتی اگر منجر به برانداختن مسئولیت پارلمانی دولت شود (امامی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). مورد اخیر بیانگر این است که منتقدان نظام دومجلسی اصولاً در نقش پارلمان در تصویب بودجه تاحدی مبالغه می‌نمایند.

۵. تأسیس مجلس دوم در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی نظام دومجلسی در جمهوری اسلامی ایران حذف شد و مخالفت چندانی هم با این مورد در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی صورت نگرفت و امروز نظام قانونگذاری ایران یک نظام تک‌مجلسی است اگرچه وجود نهادهایی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و بعضی شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی مثل شورای نگهبان و شورای عالی استان‌ها و بعضی مراجع بدون پایه قانونی باعث شده است که بعضی نظام قانونگذاری ایران را فراتر از یک مجلس بدانند. اما واقعیت آن است که هر کدام از این نهادهای موجود در قانون اساسی برای کارکرد خاصی غیر از قانونگذاری پیش‌بینی شده‌اند. مجمع تشخیص را عده بسیاری (بیشتر به دلیل ترکیب آن) با سنا مقایسه می‌کنند، حاصل تعارض در ساختار نظام جمهوری اسلامی در پیوند فقه سنتی و حکمرانی مدرن است تا یک منطق شناخته شده برای تشکیل مجلس دوم. در عمل با تعدد مراجع قانونگذاری در ایران مواجه‌ایم که این امر برای نظام قانونگذاری کشور ضعف محسوب می‌شود و خلاف روح و مفهوم قانون اساسی است.

اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که با توجه به تمام مطالبی که در این مقاله عرضه شد آیا وجود یک مجلس دوم در ساختار حقوقی قدرت در ایران ضرورت دارد؟ این سؤال را باید با در نظر گرفتن چند ملاحظه پاسخ داد:

مسئله اول، ساختار سیاسی ایران است. نظام سیاسی ایران به طور عمده به دو دسته انتخابی و انتصابی تقسیم شده است. نهادهای انتخابی بنا به تأثیرات نهادهای انتصابی نمی‌توانند کارکردهای اصیل خود را اعمال کنند و در موارد نادر هم که به سمت اعمال کارکردهای دموکراتیک خود پیش رفته‌اند با مقاومت نهادهای انتصابی مواجه شده‌اند لذا در خصوص ایجاد نهادی که قطعاً بخشی از ترکیب آن در شرایط فعلی انتصابی خواهد بود در داخل قوه‌ای که جزء نهادهای انتخابی نظام سیاسی کشور است باید محتاط بود. دوم اینکه، نظام قانونگذاری ایران حداقل در سطح خاص (یعنی قوه مقننه) نظامی ناکارآمد است، نگاهی اجمالی به وضعیت قوانین در کشور به خوبی بیانگر این مسئله است. حجم وسیعی از قوانین در مورد موضوعات مشابه که بعضاً با یکدیگر در تضاد می‌باشند و عمر کوتاه قوانین که بی‌ثباتی در قانونگذاری را نشان می‌دهد، از نمونه‌های آثار نظام قانونگذاری ناکارآمد است که بخشی از این وضعیت به کیفیت پایین ترکیب مجلس شورای اسلامی بازمی‌گردد.

از طرفی ایران دارای سابقه کهن استبدادی است در حالی که سابقه حاکمیت قانون در ایران دارای سابقه اندکی می‌باشد لذا شخصیت ما قانون‌گریز است تا قانون‌پذیر و در عرصه حکمرانی نیز امکان ظهور اعمال استبدادی وجود دارد که نیاز به وجود یک نظام نظارت و تعادل کارآمد را افزایش می‌دهد.

مسئله سوم این است که ایران کشوری با جغرافیای وسیع و مملو از تنوع قومی، نژادی و فرهنگی است، و در این کشور وجود نیروهای قدرتمند «مرکز‌گریز» از مهم‌ترین موانع برای شکل‌گیری دولت مدرن بوده است. واقعیت این است که ظهور دولت مدرن و انحصار قدرت از سوی آن سرآغاز بحران مشارکت در ایران معاصر بوده است (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷۶). این مسئله را وقتی در کنار نوع چینش جغرافیایی این گروه‌ها قرار بدهیم که اکثراً دور تا دور مناطق مرزی ایران قرار گرفته‌اند به حساسیت موضوع بیشتر می‌توان پی

برد. لذا از عواملی که می‌تواند این تهدیدات را به فرصت تبدیل کند طراحی ساختار حقوقی مناسب برای اداره چنین جامعه‌ای می‌باشد. ساختاری که پتانسیل ایجاد مشارکت تمام گروه‌ها و طبقات موجود در جامعه ایرانی را ایجاد کند تا احساس همبستگی به رژیم حاکم افزایش یافته، مشروعیت سیاسی نظام بالا رود، و ثبات سیاسی سیستم تضمین شود و گر نه همیشه امکان بی‌ثباتی وجود خواهد داشت.

با توجه به آنچه ذکر شد از قبیل ناکارآمدی نظام خاص قانونگذاری، ضعف بنیادهای حقوق اساسی در ایران مثل حاکمیت قانون و نظارت و تعادل، خطر همیشگی فساد ناشی از تمرکز قدرت و وضعیت خاص کشور به جهت تکثر قومی، نژادی و فرهنگی و وجود اقلیت‌های قوی، وجود یک مجلس سنا ضروری است، مجلسی که برآیند تمام علایق جامعه ایرانی است و در آن عقلانیت حکم فرماست؛ پس به‌طور کلی در این جامعه نیاز به وجود مجلس دوم احساس می‌شود اما در شرایط و ساختار سیاسی کنونی ایجاد مجلس سنا صرفاً افزودن مشکلی بر سایر مسائل کشور می‌باشد در این ساختار حقوقی پیچیده و با وجود نهادهای انتصابی قوی و نهادهای انتخابی ضعیف و مراجع گوناگون قانونگذاری، وجود مجلس سنا خود معضلی می‌شود در کنار سایر مشکلات بر سر راه دموکراسی‌سازی و نهادینه شدن حاکمیت قانون در ایران.

اما اگر زمانی قرار باشد ساختار حقوقی قدرت در ایران مورد بازنگری قرار گیرد و بسیاری از مشکلاتی که مطرح شد حل شود آنگاه باید وجود این مجلس را در ساختار حقوقی نظام سیاسی ایران مفید قلمداد کرد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دلایلی که در این مقاله برای وجود مجلس دوم عرضه شد، مواردی بودند که عموماً قانونگذاران اساسی در کشورهای دارای نظام دومجلسی در نظر داشتند، اما الزاماً تمام این دلایل در همه جا قابل استناد نیست. باید در ایجاد چنین نهادی در هر جامعه‌ای با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی متناسب با ظرفیت جامعه مربوط اقدام کرد. تجارب تاریخی، تحولات اجتماعی، سنن و آداب اجتماعی هر ملت نقش مهمی در شکل‌گیری نظام سیاسی و

نوع و شیوه حکمرانی دارد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۸۱). آنچه که حائز اهمیت است اینکه قانونگذار اساسی باید در تدوین قوانین اساسی از طرفی نرم‌های استاندارد و ارزش‌ها و از سوی دیگر واقعیات جامعه خود را در نظر بگیرد تا قواعدی متناسب و کارآمد تنظیم شود و نهادهای برآمده از این قواعد نیز در این صورت است که می‌توانند کارایی لازم و مطلوبی داشته باشند.

در نهایت با تأسیس یک مجلس دوم هم می‌توان به ارزش‌های فراگیر امروز دنیای سیاست مانند حاکمیت مردم و رضایت عمومی احترام گذاشت و هم واقعیات قدرت و جامعه را رعایت کرد. اما برای رسیدن به این مطلوب باید الزاماتی را در نظر گرفت:

۱. قدرت این نهاد باید با مجلس اول برابر و نه الزاماً مشابه باشد تا هیچ‌یک از این دو نهاد ترجیحی بر دیگری نداشته باشد.

۲. مجلس دوم به جهت مشروعیت باید به گونه‌ای باشد که از حیث اقتدار و قدرت از مجلس اول کمتر نباشد، چرا که مطمئناً مشروعیت قوا در تنظیم محدودیت‌ها و ملاحظات حاکم بر روابط قوا تأثیرگذار است (زارعی، ب، ۱۳۸۴: ۲۷۵).

۳. برای انتخاب اعضای مجلس دوم استفاده از روش ترکیبی (انتصابی و انتخابی) می‌تواند کارساز و ارزنده باشد. ترکیبی که از طریق شیوه انتخاب تناسبی تمام گرایش‌ها را در خود جای می‌دهد و همچنین به وسیله شیوه انتصابی امکان فعالیت برای ورود افراد متخصص و باتجربه که به هر دلیل در دمکراسی اکثریتی اقبال نیافتند و حضور آنها برای کارآمدی و غنی شدن قوه مقننه بسیار مهم است، باز خواهد شد، چرا که یک پارلمان بی‌تجربه در برابر ساختار اجرایی و اداری، چه در زمینه پاسخگویی به پیشنهادها و قانونگذاری و چه از حیث تحقیق و تفحص در کار قوه مجریه در وضع نامساعدی قرار دارد (اولسون، ۱۳۸۳: ۷۲).

منابع و مأخذ

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۹). *دانشنامه سیاسی*، چاپ ششم، تهران، انتشارات مروارید.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۷). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، چاپ هفتم، تهران، نشر نی.
۳. امامی، محمد (۱۳۸۷). *حقوق مالیه عمومی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴. اولسون، دیوید، ام. (۱۳۸۳). *نهادهای مردم‌سالار قانونگذاری*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. ارفعی، عالیه (۱۳۷۲). «پارلمان کانادا؛ چند تصویر روشن»، *مجلس و پژوهش*، سال اول، ش ۲.
۶. بارنت، اریک (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر حقوق اساسی*، ترجمه عباس کدخدایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۶). *عقل در سیاست*، چاپ سوم، تهران، نشر نگاه معاصر.
۸. _____ (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ هجدهم، تهران، نشر نی.
۹. بیتهم، دیوید (۱۳۸۹). *راهنمای نوآموز دموکراسی*، ترجمه گروه دموکراسی مرکز دموکراسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، انتشارات مجد.
۱۰. جلالی، رضا (۱۳۸۷). «*راهنمای تحلیل نیاز قانونگذاری*»، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. لاک، جان (۱۳۹۱). *رساله‌ای درباره حکومت*، ترجمه حمید عضدانلو، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
۱۲. راسخ، محمد (۱۳۸۸). *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دراک.
۱۳. رنجبر، احمد (۱۳۸۳). *سنای ایران (جایگاه حقوقی و عملکرد سیاسی)*، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. زارعی، محمدحسین (الف) (۱۳۸۴). *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری*، چاپ اول، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. _____ (ب) (۱۳۸۴). «*جایگاه نظارتی مجلس*»، *مجلس و پژوهش*، سال ۱۲، ش ۴۸.
۱۶. _____ (۱۳۸۹). *نقش کمیسیون‌های داخلی در نظارت پارلمانی*، چاپ اول، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. _____ (۱۳۸۳). «*حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران*»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۴۰.

۱۸. سویدل، البر (۱۳۷۰). *انقلاب فرانسه*، ترجمه عباس فخر و نصراله کواکبیان، جلد اول، تهران، انتشارات شباهنگ.

۱۹. صفری، مایکل (۱۳۸۵). «روابط قوای مقننه و مجریه»، ترجمه حسن و کیلیان، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، ش ۵۲.

۲۰. طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۰). *حقوق اساسی*، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان.

۲۱. عبادی، کورش (۱۳۷۳). *انگلستان*، تهران، وزارت امور خارجه.

۲۲. قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. کلی، جان (۱۳۸۲). *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، چاپ اول، تهران، طرح نو.

۲۴. کورزین، فیلیپس (۱۳۸۴). *انقلاب فرانسه*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس.

۲۵. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸). *در تکاپوی حقوق اساسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.

۲۶. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۴). *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، چاپ دوم، تهران، طرح نو.

۲۷. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی (۱۳۷۳). *فرهنگ اقتصادی*، تهران، انتشارات نگاه.

۲۸. مونتسکیو، شارل دو (۱۳۴۹). *روح‌التوائین*، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲۹. میل، جان استوارت (۱۳۸۶). *حکومت انتخابی*، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.

۳۰. نویمان، فرانس (۱۳۷۳). *آزادی قدرت و قانون*، ترجمه عزت‌اله فولادوند، چاپ اول، تهران، انتشارات خوارزمی.

۳۱. نوری، کارلو (۱۳۸۴). «قانونگذاری، امری میان سیاست و حقوق»، ترجمه حسن و کیلیان، مجلس و پژوهش، سال ۱۴، ش ۵۵.

32. Bagehot, W. (1963). "The English Coahiahon", London Lontana Collins.

33. Brooks, R. C. (1920). "Government and Politics of Switzerland", London George C. Harrap.

34. Cary, J. and T. Miller (1998). "Bicameralism and the Core", *Legislative Quarterly*, 27 (1).

35. Congleton, D. Roger (2002). "On the Merits of Bicameral Legislats: Policy Stability with in Partisan Polittes", Center for Study of Public Choice, Fair Fax VA 2630.

36. Dahl, R. A. (1959). *Preface to Democratic Theory*, Chicago.

37. Hague, R. and M. Harrop (1987). "Comparative Government and Politics", An Introduction, Houndmills: Macmillan, 2nd edn.

38. Heller, W. B. (1997). "Bicameralism and Budget Deficits", *Legislative Studies Quarterly*, 22(4).
39. Hamilton, J. J. and J. Madison (1907). "The Federalist", Cambridge, Harvard University.
40. Jay, J. (1788). "The Federalist No. 64, The Powers of the Senate", *Independent Journal*, Wednesday March 5.
41. Massicotte, L. (2001). "Legislative Unicameralism", A Global Survey and a few Case Studies.
42. Madison, J. (1788). "The Federalist No. 63. "The Senate Continued", *Independet Journal*, Saturday, March 9.
43. National Democratic Institute for International Affairs (1996). "One Chamber or Two?".
44. Norton, Ph. (1993). "Do the English Coahiahon es Parliament Matter?" Hemel Hempstead.
45. ____ (2004). "How Many Bicameral Legislatures are There", *The Journal of Legislative Studies*, Vol. 10.
46. Ols, D. M. (1988). *The Legislative Process: A Coparatine Approach* C New York , Harper and Row.
47. Stefoi, Elena (1994). "Romanian Parliamentary Rules", Presented at the Conference on the Constitution and Parliament, University of Chicago.
48. Patterson, S. C. C. and A. Mughan (2001). "Fudamentals of Institutional Design", *Journal of Legislative Studies*, 7(1).
49. Shell, D. (2001). "The History of Bicameralism", *Journal of Legislative Studies*, 7(1).
50. Uhk, J. (2006). "Bicameralism" *In; The Oxford Hadnbook of Political Instuatiions*, editor by Rhodes, Oxford and Newyourk Oxford University Press.
51. United States Senate (2010).
52. Vatter, A. (2005). "Bicameralism and Policy Performanee", *Journal of Legislative*, Volumes Number 2.

تصویری از روابط اقتصاد کلان در ایران (طراحی یک مدل کلان‌سنجی ساختاری بلندمدت)

تیمور محمدی،* سیدهدای موسوی‌نیک،** شعله باقری پرمهر***
محمد رضا عبداللهی**** و حانیه زیادلو*****

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۲۹	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲
-------------------------	-----------------------

هدف پژوهش حاضر ارائه ساختاری از روابط بلندمدت میان متغیرهای کلیدی اقتصادی در چارچوب الگوی تصحیح خطای برداری با متغیرهای برونزا (VECX)^۱ برای داده‌های فصلی طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۴ است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت نقدینگی و درآمدهای دلاری نفتی حقیقی بر تولید حقیقی است. همچنین نتایج مدل با تأیید وجود پدیده تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی در اقتصاد کشور حاکی از آن است که ۱ درصد افزایش در کسری بودجه بدون نفت دولت، می‌تواند به افزایش ۰/۴۶ درصدی مانده حقیقی پول منجر شود. نتایج نشان می‌دهد افزایش تولید حقیقی، نرخ ارز حقیقی را کاهش و افزایش نقدینگی حقیقی نرخ ارز حقیقی را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد ایران؛ روابط بلندمدت؛ الگوی تصحیح خطای برداری

* دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: atmahmadi@gmail.com

** استادیار گروه اقتصاد کلان مدل‌سازی مرکز پژوهش‌های مجلس (نویسنده مسئول)؛

Email: hadi.mousevy@gmail.com

*** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه خاتم؛

Email: Sholeh-bp@yahoo.com

**** پژوهشگر گروه اقتصاد کلان و مدل‌سازی مرکز پژوهش‌های مجلس؛

Email: m.abdolah86@gmail.com

***** کارشناسی ارشد اقتصاد و همکار گروه اقتصاد کلان و مدل‌سازی مرکز پژوهش‌های مجلس؛

Email: haniehziadlu@gmail.com

1. Vector Error Correction Model with Exogenous Variable (VECX)

مقدمه^۱

آگاهی از وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی، روابط متقابل آنها و نیز داشتن چشم‌اندازی مناسب از فضای اقتصادی کشور، یکی از ضروریات سیاستگذاران در تدوین سیاست‌های مناسب اقتصادی است. در حال حاضر یکی از خلأهای جدی در مراکز علمی و پژوهشی کشور تدوین محدود گزارش‌های قابل استناد در خصوص ترسیم فضای اقتصاد کلان ایران و ارائه چشم‌انداز اقتصادی به صورت مستمر است.

هر تصویر قابل قبولی از اقتصاد ایران باید توضیحی منطقی و سازگار با مشاهدات تجربی از روابط متقابل متغیرهای اساسی اقتصاد کلان از جمله متغیرهای رشد اقتصادی، تورم، نرخ ارز، کسری بودجه، نقدینگی و ... را ارائه کند. در این مطالعه نیز با تمرکز بر این متغیرهای کلیدی - که از یک طرف براساس مطالعات نظری روابط آنها با یکدیگر شکله اصلی اقتصاد کلان را شکل می‌دهد و از طرف دیگر از نظر سیاستگذاری‌های اقتصادی دارای اولویت هستند - سعی می‌شود تصویری از اقتصاد کلان ایران ارائه شود. با این حال، باید به این نکته مهم توجه داشت که اولاً به دلیل ماهیت متغیر روابط اقتصاد کلان و ثانیاً به دلیل تکامل شناخت ما از این روابط در طول زمان، این مطالعه تنها می‌تواند آغازی برای یک حرکت بی‌پایان باشد. در چنین شرایطی دستیابی به نتایج متفاوت در مطالعات آتی نسبت به مطالعه حاضر، دور از انتظار نیست و جای امیدواری وجود دارد که با استمرار در انجام مطالعات، هسته اصلی روابط اقتصاد کلان ایران که کمتر با گذشت زمان دستخوش تغییرات اساسی می‌شود، بیش‌ازپیش شناسایی و مورد توجه قرار گیرد.

در این مقاله سعی بر آن است که یک الگوی اقتصادسنجی برای ایران طراحی شود

۱. این مطالعه جزئی از سلسله مطالعات مدل‌سازی گروه اقتصاد کلان و مدل‌سازی مرکز پژوهش‌های مجلس در راستای شناخت بهتر روابط اقتصاد کلان و پیش‌بینی برخی متغیرهای هدف است که با همکاری تیمی از مشاوران در دست انجام است. به‌رغم نتایج قابل توجه و به خصوص پیش‌بینی‌های قابل اتکا، از نظر نگارندگان، این مطالعه شروعی برای مطالعات تکمیلی آتی می‌باشد. در اینجا لازم است از نظرات ارزشمند اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر فیروزه خلعتیری و جناب آقای دکتر هاشم پسران که به تقویت این مطالعه کمک شایانی کردند قدردانی کنیم. امیدواریم بتوانیم در مطالعات آتی نیز از نظرات این بزرگواران بهره‌مند شویم.

که انتقادهای وارد بر الگوهای سنتی اقتصاد کلان از جمله معادلات همزمان بر آن مرتب نباشد. هرچند این موضوع خود محدودیت‌هایی را به‌خصوص از نظر تحلیلی و سیاستگذاری ایجاد خواهد کرد. دغدغه دیگری که این مقاله در پی در نظر گرفتن آن است مدل‌سازی نقش بلندمدت درآمدهای حاصل از صادرات نفت بر رشد اقتصادی است. از دیگر ویژگی‌های الگوی تحلیلی این مقاله آن است که برای حل مسئله تشخیص در مدل ساختاری (VECX) پس از تخمین شکل خلاصه شده مدل، به بررسی پویایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌پردازد. در نهایت با استفاده از روش تجزیه واریانس خطای تعمیم‌یافته واکنش متغیرهای کلان اقتصادی به شوک‌ها براساس عکس‌العمل آنی تجزیه و تحلیل استخراج خواهد شد. انتظار اولیه آن است که این مدل تصویر کلان و کلی مناسبی از روابط مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی ایران ارائه دهد و پیش‌بینی‌های دقیق‌تری نسبت به سایر الگوهای کلان‌سنجی رقیب داشته باشد.

از این‌رو مقاله حاضر به این صورت ارائه می‌شود که پس از مروری بر پیشینه تحقیق، چارچوب نظری روابط اقتصاد کلان با توجه به نتایج مطالعات انجام شده ارائه می‌شود. سپس داده‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن با انتظارات نظری و مطالعات پیشین مقایسه می‌شود. در پایان نیز با جمع‌بندی و نتایج اصلی تحقیق و پیام‌های آن برای سیاستگذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی ادبیات تجربی

۱-۱. پیشینه تحقیق

مدل بردارهای اتورگرسیو یکی از مدل‌هایی است که با آن متغیرهای مهم کلان اقتصادی تخمین زده می‌شوند و نخستین بار آن را سیمز (۱۹۸۰) ارائه کرد. این مدل برای تخمین برخی متغیرها از جمله تولید، سطح قیمت‌ها، عرضه پول، صادرات نفت، مصرف و سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. درخصوص استفاده از این مدل‌ها برای بررسی متغیرهای کلان اقتصادی در ایران مطالعاتی انجام گرفته است.

مهرآرا و اسکویی (۲۰۰۷)، از مدل ساختاری برای تشخیص اینکه آیا شوک‌های قیمت

نفت منبع اصلی نوسان‌های تولید در ایران هستند، استفاده کردند. آنها در این مطالعه تأثیر شوک‌های نفتی را بر متغیرهای کلان اقتصادی براساس یک الگوی خودتوضیح برداری ساختاری (SVAR) شامل پنج متغیر قیمت نفت، واردات، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز حقیقی و شاخص قیمت‌ها برای چهار کشور ایران، اندونزی، کویت و عربستان بررسی و مقایسه کردند. نتایج حاکی از آن بود که قیمت نفت در ایران و اندونزی (به‌خصوص در کوتاه‌مدت) از درجه برون‌زایی بالاتری نسبت به کشورهای عربستان و کویت برخوردار است. همچنین وابستگی تولید و واردات به درآمدهای نفتی در ایران و عربستان بیشتر از کویت و اندونزی می‌باشد که در نتیجه آسیب‌پذیری این کشورها نسبت به تغییرات رابطه مبادله بالاست.

الیاسیانی و ژاو^۱ (۲۰۰۸) تکنیک بردارهای اتورگرسیو، تابع واکنش آنی تعمیم‌یافته و تجزیه واریانس تعمیم‌یافته را برای تشخیص وابستگی ایران به شرکای تجاری اصلی‌اش و آمریکا به کار بستند. اما آنها از مدل بدون اعمال روابط ساختاری در راه‌حل بلندمدت خود استفاده کردند که به پیش‌بینی کوتاه‌مدت محدود خواهد شد و برای تحلیل‌های سیاستی میان‌مدت و بلندمدت مناسب نیست.

دیگر مقالات مرتبط با رشد اقتصادی برای ایران، مقاله ولدخانی (۲۰۰۶) است که نگاهی به عوامل نرخ رشد بیکاری در ایران دارد. پهلوانی، ویلسون و ورثینگتون^۲ (۲۰۰۵) سعی کردند تا عوامل کوتاه‌مدت و بلندمدت رشد را با در نظر گرفتن شکست‌های ساختاری درون‌زا در ایران تشخیص دهند. آنها با استفاده از داده‌های سالانه صادرات و واردات و نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۳ و الگوی تصحیح خطای برداری، همچنین با در نظر گرفتن شکست‌های ساختاری شامل انقلاب ۱۹۸۷ و ابتدای جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰، تخمین‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای رشد اقتصادی در ایران ارائه دادند. نتایج نشان داد، درحالی‌اثرات تشکیل سرمایه ثابت و صادرات نفت برای توسعه تولید ناخالص داخلی ایران در خارج دوره مورد بررسی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند که صادرات غیرنفتی و سرمایه انسانی عموماً کم‌اهمیت‌تر هستند.

1. Elyasiani and Zhao

2. Pahlavani, Wilson and Worthington

بکر^۱ (۱۹۹۹) نگاهی به توسعه چندین متغیر قبل و بعد از انقلاب و تأثیر شوک‌های پولی بر این متغیرها پرداخت. بهمنی - اسکویی (۱۹۹۵) و کیا (۲۰۰۶) عوامل تعیین‌کننده تورم در ایران را با به حساب آوردن نقش عوامل خارجی یافتند.

تاکنون همه کارهای اشاره شده از داده‌های سالانه استفاده کرده‌اند و تعداد کمی از کارهای انجام شده از داده‌های فصلی استفاده کرده‌اند. در این خصوص بناتو^۲ (۲۰۰۸) نگاهی به عوامل تعیین‌کننده تورم در ایران داشته، کلاسون و گوسوامی^۳ (۲۰۰۲) مدل اقتصادسنجی کوتاه‌مدت برای تورم و بلندمدت برای پویایی‌های تقاضای پول در ایران را توسعه دادند.

لیو و آدجی^۴ (۲۰۰۰) مدلی را برای توسعه عوامل تعیین‌کننده تورم در ایران ساختند. اما همه کارهایی که داده‌های فصلی را به کار بستند از منظر مشخصی (برای نمونه رابطه تقاضای پول یا عوامل تعیین‌کننده تورم) بر اقتصاد ایران تمرکز داشته‌اند و روابط متقابل متغیرهای داخلی و خارجی را بررسی نکرده‌اند، همچنین مکانیزم بلندمدت و کوتاه‌مدت رشد بررسی نشده است.

صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) در مقاله خود با تمرکز بر داده‌های فصلی در بازه زمانی، روابط متقابل بین اقتصاد ایران و بقیه جهان را نیز در نظر گرفتند و به استخراج روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت پرداختند که در آن درآمدهای صادرات نفتی بر رشد مؤثر است که در ادامه این تحقیق توضیحات بیشتر ارائه می‌شود.

کمیجانی و اسدی مهماندوستی (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر شوک‌های نفتی و سیاست‌های پولی بر رشد اقتصادی ایران و استفاده از الگوی^۵ VECM جهت محاسبه سهم هر یک در رشد اقتصادی طی دوره ۱۳۵۳-۱۳۸۵ پرداختند. نتایج نشان داد که شوک‌های نفتی در ایران به میزان چشمگیری بر رشد اقتصادی مؤثر بوده‌اند که نشان‌دهنده وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی است، اما با وجود مؤثر بودن شوک‌های نفتی بر نقدینگی و ایجاد

1. Becker

2. Bonato

3. Celasun and Goswami

4. Liu and Adedeji

5. Vector Error Correction Model (VECM)

سیاست‌های انبساطی پولی منتج شده از آن، شوک‌های پولی بر رشد اقتصادی مؤثر نبوده‌اند. صمدی، یحیی‌آبادی و معلمی (۱۳۸۸) با استفاده از مدل خودتوضیح‌برداری، رابطه پویای بین شوک‌های قیمت نفت و متغیرهای عمده در اقتصاد کلان ایران را بررسی کردند. برای این منظور، داده‌های سالانه طی دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۴۴) را استفاده کردند. براساس نتایج به دست آمده اگر شوکی به قیمت نفت در جهت افزایش وارد شود تمام متغیرهای موجود در مدل از جمله تولیدات بخش صنعت، شاخص قیمت مصرف‌کننده، واردات و نرخ ارز نسبت به شوک وارده واکنش نشان می‌دهند.

کمیجانی، سبحانیان و بیات (۱۳۹۱) به بررسی «اثرات نامتقارن رشد درآمدهای نفتی بر تورم در ایران با استفاده از روش VECM» پرداختند. آنها از داده‌های اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۷ استفاده کردند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هر دو شوک مثبت و منفی ناشی از رشد درآمدهای نفتی تورم‌زا هستند.

التجاعی و ارباب‌افضلی (۱۳۹۱) به بررسی «اثر نامتقارن درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران با استفاده از الگوهای SVAR و گارچ» پرداختند. آنها آثار نامتقارن درآمدهای نفتی ایران را که عمدتاً با تغییر برونزای قیمت نفت در بازارهای جهانی بروز پیدا می‌کند روی چهار متغیر کلان اقتصادی ایران شامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ رشد مخارج عمرانی دولت و نرخ رشد مخارج جاری دولت، با استفاده از الگوی خودرگرسیون‌برداری ساختاری در دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۶۹) مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که اثرات شوک‌های منفی به صورت کاهش رشد اقتصادی به مراتب بیشتر از اثرات شوک‌های مثبت به صورت افزایش رشد اقتصادی بوده است.

صامتی و تیموری (۱۳۹۱) در مقاله خود با استفاده از روش به کار گرفته شده توسط گرات، لی، پسران و شین (۲۰۰۳a) یک مدل همجمعی خودرگرسیون‌برداری ساختاری با متغیرهای برونزای ضعیف متناسب با ویژگی‌های اقتصاد ایران (با تأکید بر بخش پولی) در بستر جهانی تخمین زدند. روابط همجمعی بلندمدت بین متغیرهای کلیدی کلان اقتصادی، حجم پول، نرخ بهره، تولید، قیمت‌ها و نرخ ارز با استفاده از الگوی کینزین‌های جدید در اقتصاد باز کوچک، شرایط آربیتراژ و تراز حساب‌ها شناسایی و آزمون گردید. نتایج

نشان‌دهنده نقش مهم و تأثیرگذار شوک نفتی و سیاست پولی خارجی روی اقتصاد کلان ایران بود. به طوری که این دو تکانه بر رابطه تقاضای واقعی پول دارای اثر مثبت و معنادار و بر رابطه تعادلی تعیین نرخ ارز دارای اثر منفی، معنادار و طولانی‌تری بودند.

شریفی رنانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر شوک‌های نفتی بر سطح تولیدات داخلی، سطح عمومی قیمت‌ها حجم پول و نرخ ارز با استفاده از رویکرد تصحیح خطای برداری ساختاری مبتنی بر داده‌های آماری فصلی ۱۳۸۹Q۴-۱۳۵۹Q۱ پرداختند. نتایج نشان داد که شوک مثبت قیمت واقعی نفت خام تأثیر مثبت و معنادار در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت روی تولید ناخالص داخلی واقعی دارد. همچنین تأثیر شوک قیمت واقعی نفت خام روی قیمت‌های داخلی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت منفی و معنادار است، به گونه‌ای که ایجاد یک شوک مثبت قیمت واقعی نفت خام، قیمت‌های داخلی را کاهش می‌دهد.

۱-۲. چارچوب نظری روابط اقتصاد کلان ایران در الگوی تحقیق

به‌رغم اینکه، به دلیل پیچیدگی‌های موجود در اقتصاد ایران و ضعف‌های موجود در نظام آماری و آموزشی کشور، ارائه تصویر جامع، قابل اتکا و مستند از روابط کلان کشور دشوار است، الگوهای متعددی از جمله مدل‌های معادلات همزمان، انواع مدل‌های خودرگرسیون برداری و زیرمجموعه‌های آنان، الگوهای داده - ستانده و ماتریس حسابداری اجتماعی، مدل‌های تعادل عمومی محاسباتی و نیز مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی در این راستا را محققان مورد استفاده قرار داده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) اشاره کرد. این مطالعه با ارائه مبانی نظری مشخص، ارائه شواهد آماری مرتبط و استفاده از مدل کمی، سعی در ارائه تصویری روشن از اقتصاد کلان ایران داشته و پیام‌های مشخصی برای سیاستگذاری ارائه می‌کند.

مطالعه حاضر نیز با اتکا به بخشی از مبانی نظری مطالعه مذکور و لحاظ برخی نکات با اهمیت اقتصاد ایران، سعی دارد تصویری از روابط کلان ارائه کند. در الگوی مورد استفاده در این پژوهش سه رابطه هم‌انباشتگی با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری با متغیرهای برونزا (VECX) برآزش خواهد شد. این سه رابطه به ترتیب مربوط به روابط توصیف‌کننده

رفتار تولید حقیقی، مانده حقیقی پول و نرخ ارز حقیقی است که از رابطه اول برای توصیف بخش حقیقی اقتصاد و از روابط دوم و سوم برای توضیح رفتار بازار پولی و بازار ارز استفاده شده است. مبانی نظری مربوط به رابطه تولید حقیقی از مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) اقتباس شده است و برای توصیف رابطه مانده حقیقی پول و نرخ ارز حقیقی به ترتیب از تئوری مالی تورم^۱ و تئوری رفتاری نرخ ارز تعادلی^۲ استفاده می‌شود که در این قسمت به بررسی هر یک خواهیم پرداخت.

مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹)، با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری همراه با متغیرهای برونزا دو رابطه هم‌انباشتگی برای اقتصاد ایران در دوره زمانی مورد مطالعه (داده‌های فصلی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵) شناسایی کرده است. این مطالعه روابط بلندمدت میان متغیرهای اساسی اقتصاد کلان شامل تولید حقیقی، مانده حقیقی پول، نرخ تورم،^۳ نرخ ارز حقیقی به قیمت بازار، تولید خارجی و درآمد نفتی را تصریح کرده است. مطالعه مذکور که با تمرکز بر بررسی نقش نفت در اقتصاد ایران صورت گرفته است، بر این استدلال نظری اتکا دارد که اولاً با توجه به ماهیت نسبتاً باثبات درآمد نفتی در چند دهه گذشته در اقتصاد ایران و تداوم آن در چند دهه آتی، موضوع بروز بیماری هلندی در اقتصاد ایران منتفی است و ثانیاً نقش نفت در اقتصاد کشورها به‌عنوان یک بلای طبیعی در همه مطالعات تأیید نمی‌شود و در هر اقتصاد باید به‌طور جداگانه بررسی شود. در این مطالعه فرض بر آن است که درآمدهای نفتی می‌تواند از کانال تشکیل سرمایه به رشد اقتصادی منجر شود اما اهمیت بلندمدت آن بستگی به آن دارد که آیا رشد درآمدهای نفتی از مجموع رشد نیروی کار و تکنولوژی بیشتر است یا خیر؟ نتیجه این مطالعه مؤید اثر

1. Fiscal Theory of Inflation

2. Behavioral Equilibrium Exchange Rate Model

۳. طبق نظر نویسندگان این مقاله، در ایران به دلیل اینکه عملکرد سیستم مالی تحت کنترل مستقیم دولت است و فاقد بازارهای مالی کارآمد می‌باشد، نرخ بهره به صورت دستوری و توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود و قادر به انعکاس شرایط بازار نیست. تا وقتی که بازارهای مالی در ایران توسعه نیافته‌اند، عرضه پول نقش مهمی را در اقتصاد ایران بازی می‌کند. به دلیل مشابه آنها در این مقاله از متغیر نرخ تورم $\pi_t = p_t - p_{t-1}$ به‌عنوان جایگزینی مناسب برای نرخ بهره در معادله تقاضای پول استفاده کردند.

مثبت در آمد نفتی بر رشد اقتصادی است که میزان اهمیت آن برای رشد اقتصادی نیز برابر اهمیت تشکیل سرمایه برای این متغیر است. علاوه بر این، چنین استدلال می شود که با توجه به تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی از کانال تشکیل سرمایه، مقدار ریالی آن اهمیت می یابد و در نتیجه تأثیر افزایش نرخ ارز و افزایش در آمد دلاری نفتی بر تولید یکسان است.

همچنین مطالعه مذکور نشان می دهد که رشد تکنولوژی در ایران متناسب با رشد تکنولوژی در کشورهای طرف مبادله تجاری با ایران است و رشد تولید این کشورها بر رشد اقتصادی ایران تأثیر مثبت دارد. نکته دیگری که در این مطالعه وجود دارد تأثیر منفی تورم بر رشد اقتصادی در افق زمانی بلندمدت است که با انتظارات نظری تحقیق سازگار نیست. مؤلفان این مقاله استدلال می کنند که این تعارض می تواند به این دلیل باشد که در ایران تورم شاخصی از ناکارآمدی های نهادی و سیاستگذاری اقتصادی است و به پدیده مزمن اقتصاد ایران تبدیل شده است و نباید انتظار داشت در بلندمدت بر تولید بی اثر باشد. در نهایت در این مطالعه رابطه هم انباشتگی مانده حقیقی پول از منظر تقاضای پول بر آورد می شود که نشان دهنده تأثیر مثبت تولید حقیقی بر تقاضای پول و تأثیر منفی تورم (به عنوان شاخصی از نرخ بهره) بر این متغیر است که با انتظارات نظری تطابق کامل دارد.

در مطالعه مذکور در آمد نفتی، رشد تکنولوژی، نرخ واقعی ارز و عوامل دیگر طبق مبانی نظری مورد استفاده به صورت زیر به تولید کل اقتصاد مربوط شده است:

$$y_t - \Psi_1 y_t^* = \Psi_2 (e_t - p_t) + \Psi_3 x_{o,t} + c_y + \gamma y_t + \xi_{y,t}$$

در این معادله، y_t لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی ایران، y_t^* لگاریتم متوسط وزنی تولید ناخالص داخلی واقعی کشورهای طرف تجاری ایران، $e_t - p_t$ لگاریتم نرخ واقعی ارز، $x_{o,t}$ لگاریتم در آمد صادراتی نفت به دلار، c_y سایر تعیین کننده های تولید و $\xi_{y,t}$ یک فرایند تصادفی با میانگین صفر است.

به دلیل اهمیت صادرات نفت و معادل ریالی آن برای تولید داخلی و براساس این فرض که افزایش نرخ ارز باید همان اثری را روی تولید داشته باشد که افزایش ارز حاصل از صادرات دارد، در این مطالعه Ψ_2 (کشش تولید نسبت به نرخ ارز حقیقی) مساوی Ψ_3 (کشش تولید نسبت به در آمد دلاری نفتی) در نظر گرفته شده است. همچنین طبق الگوی

ارائه شده در این مطالعه اگر سرعت رشد در آمد نفت از مجموع سرعت رشد تکنولوژی و رشد جمعیت کمتر باشد، به تدریج نقش نفت در اقتصاد کم رنگ می شود و در این صورت $\psi_2 = \psi_3 = 0$ خواهد شد. اما در کشورهایی مانند ایران که در بلندمدت سرعت رشد درآمد نفتی آنها از مجموع سرعت رشد تکنولوژی و رشد جمعیت کمتر نیست، ψ_2 باید مساوی ψ_3 باشد و افزون بر آن این دو پارامتر باید مثبت و برابر کشش تولید نسبت به سرمایه باشند زیرا در این کشورها درآمد حاصل از نفت در طول زمان منبع اصلی سرمایه گذاری می شود و به یک محرک عمده تولید تبدیل می شود. در این مقاله تکنولوژی به عنوان محرک مهم دیگر تولید در بلندمدت در نظر گرفته شده است که y_t^* (تولید ناخالص داخلی واقعی کشورهای طرف تجاری ایران) نماینده آن است و با ضریب ψ_1 بر تولید داخلی اثر می گذارد. بر این اساس اگر نسبت سرعت رشد تکنولوژی در داخل و خارج کشور θ باشد، $\psi_1 = \theta(1 - \psi_2)$ خواهد بود. آنها در اولین مرحله اعمال قیود، با در نظر گرفتن قید $\psi_2 = \psi_3$ مقدار θ را تقریباً برابر یک به دست آوردند که نشان دهنده برابری رشد تکنولوژی در ایران با بقیه دنیا است.

از سوی دیگر برآزش این رابطه با حذف قید عدم تأثیر گذاری نرخ تورم بر تولید حقیقی، بهبود یافت، بنابراین نرخ تورم را نیز به متغیرهای توضیح دهنده تولید حقیقی اضافه کردند که در نتیجه آن نرخ تورم با ضریب منفی روی تولید اثر گذار بوده که نشان دهنده ناکارآمدی سازمان ها و سیاست های اقتصادی و اهمیت کنترل تورم برای افزایش رشد در ایران است.^۱

همان طور که گفته شد، پایه ساخت رابطه تولید حقیقی در پژوهش حاضر کار صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) است، اما برخی فروض آنها مانند قید $\psi_2 = \psi_3$ یعنی اثر یکسان افزایش درآمد دلاری نفت و نرخ ارز بر تولید در مدل اعمال نشده است. این برابری زمانی قابل قبول بود که اولاً فرض شود در بلندمدت درآمد نفتی منبع اصلی تشکیل سرمایه می شود و ثانیاً این تشکیل سرمایه به صورت ریالی انجام

۱. رابطه بلندمدت دیگری که علاوه بر تعادل تولید در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، تعادل تقاضای حقیقی پول است که به دلیل آنکه در پژوهش حاضر، مانده حقیقی پول از منظر عرضه پول بررسی شده است، در این قسمت به بررسی آن پرداخته نمی شود.

می‌گیرد. در حالی که می‌دانیم طبق آمار موجود بیش از ۸۰ درصد واردات ایران از جنس واسطه‌ای و سرمایه‌ای است که عمده آن هم از محل درآمدهای دلاری نفت تأمین می‌شود. بنابراین در این مطالعه فرض ضرایب یکسان برای درآمد دلاری نفت و نرخ ارز در رابطه تولید حقیقی کنار گذاشته شده است. علاوه بر توضیحات فوق، در قسمت تخمین نتایج نیز به تفضیل در مورد تفاوت فروض این پژوهش در ساخت رابطه تولید با کار آنان پرداخته خواهد شد.

با در نظر گرفتن تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی^۱ در اقتصاد ایران برخلاف مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) که رابطه مانده حقیقی پول را از منظر تقاضا در نظر گرفته‌اند، در مطالعه حاضر رابطه هم‌انباشتگی مربوط به مانده حقیقی پول طبق نظریه مالی تورم تنظیم شده است. براساس این نظریه، مقام مالی به صورت مستقل بدون در نظر گرفتن درآمد ناشی از حق‌الضرب تراز اولیه را تعیین می‌کند و بانک مرکزی به صورت منفعل نرخ رشد پول را تنظیم می‌کند و توان پرداخت دیون را تضمین می‌نماید. این امر در واقع تداعی‌کننده مفهوم تسلط سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی است که مقاله سارجنت و والاس (۱۹۸۱) پایه‌گذار آن بود. این دو نشان دادند که سیاست پولی قادر به کاهش تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت بدون تغییرات اساسی در سیاست‌های مالی نخواهد بود (Baig and et al., 2006). به عبارت دیگر آنان مطرح کردند که مقامات مالی کسری بودجه خود را از طریق فروش اوراق قرضه و انتشار اسکناس تأمین مالی می‌کنند و مقامات پولی قدرت کنترل تورم را ندارند. اگر به هر دلیلی کسری بودجه دولت یا بدهی‌های دولتی افزایش یابد نرخ بهره افزایش می‌یابد. اگر مقامات پولی با هدف کنترل تورم در ابتدای امر سیاست پولی انقباضی اعمال نمایند باعث افزایش بیشتر نرخ بهره خواهند شد که در این صورت کسری بودجه آتی به دلیل تعهدات مالی دولت افزایش می‌یابد. این کسری بودجه انتشار پول بیشتر در آینده و تورم آتی بالاتر را ایجاد خواهد کرد. در چنین شرایطی بدهی‌های کمتر می‌تواند به احیای اثربخشی سیاست‌های پولی در کنترل تورم کمک کند. در بخش دوم شواهد

آماري برای وجود تسلط سياست مالي بر سياست پولي در اقتصاد ايران ارائه خواهد شد. از طرفي آزمون‌ها نشان مي‌دهد با توجه به تفاوت دوره زماني اين تحقيق با مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) و نیز اضافه کردن متغير کسري بودجه بدون نفت به متغيرهای مطالعه آنان، تعداد روابط بلندمدت از دو رابطه به سه رابطه تغيير کرده است. با توجه به ماهيت متغيرهای مدل و اهميت متغير کلیدی نرخ ارز در اقتصاد ايران، رابطه سوم به منظور تعيين رابطه متغيرهای مدل با نرخ ارز تنظيم شده است. مباني نظري مربوط به رابطه هم‌انباشتگی نرخ ارز حقيقي براساس روش نرخ ارز تعادلي رفتاري (BEER)^۱ است. اين روش نرخ ارز را مستقيماً براساس رابطه اقتصادي و سيستماتيک ميان نرخ ارز واقعي و مجموعه‌اي از متغيرهای توضيحي تعيين مي‌کند. رابطه سيستماتيک ميان نرخ ارز واقعي و عوامل تعيين کننده آن را مي‌توان از طريق رگرسيون زير توضيح داد:

$$\log(e_t) = \beta' F_t + \varepsilon_t$$

که در آن e_t نرخ ارز واقعي در زمان t ، F_t بردار متغيرهای اساسي در زمان t ، ε_t جزء اخلاص ايستا با ميانگين صفر در زمان t و β ضريب برداري است که بايد تخمين زده شود. وقتي رابطه هم‌انباشتگی در اين رابطه اقتصادي شناسايي شد، نرخ ارز تعادلي از طريق جانشين کردن مقادير دائمي متغيرهای اساسي در رابطه فوق به جای F_t به دست مي‌آيد. ميزان انحراف نرخ ارز نیز با استفاده از تفاوت ميان نرخ ارز تعادلي محاسبه شده و نرخ ارز واقعي قابل محاسبه است. در مجموع در مطالعه حاضر با توجه به مباني نظري گفته شده، سه رابطه هم‌انباشتگی توليد حقيقي yr ، مانده حقيقي پول mp ، و نرخ ارز حقيقي exr ، به صورت زير برآورد خواهد شد.

$$yr = \omega_1 + \omega_2 mp + \omega_3 yra + \omega_4 xopo$$

$$mp = \theta_1 + \theta_2 p + \theta_3 dgoilr$$

$$exr = \alpha_1 + \alpha_1 yr + \alpha_1 mp + \alpha_1 xopo + \alpha_1 dgoilr$$

تمام متغيرها به صورت لگاريتم در مدل وارد شده است. در اين روابط برای توصيف رابطه بلندمدت توليد حقيقي از مانده حقيقي پول، درآمد کشورهای خارجي yra و درآمد نفتي $xopo$ ، بهره گرفته شده است. برای توصيف رفتار مانده حقيقي پول با توجه به پديده تسلط سياست مالي بر سياست پولي، از متغير کسري بودجه بدون نفت $dgoilr$ و

1. The Behavioral Equilibrium Exchange Rate (BEER)

سطح قیمت‌ها p ، استفاده شده است و برای توصیف رفتار نرخ ارز حقیقی با توجه به ادبیات مربوط به تئوری رفتاری نرخ ارز تعادلی، متغیرهای تولید حقیقی به‌عنوان شاخصی برای بهره‌وری، مانده حقیقی پول، درآمدهای دلاری نفت و کسری بودجه بدون نفت دولت وارد مدل شده است.

۲. یک مدل کلان‌سنجی ساختاری بلندمدت برای اقتصاد ایران ۲-۱. داده‌های تحقیق

دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش مربوط به بازه زمانی فصل دوم سال ۱۳۷۴ تا فصل سوم سال ۱۳۹۲ است.^۱ داده‌های مدل عبارت از لگاریتم متغیرهای تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت، مانده حقیقی پول، شاخص قیمت، نرخ ارز حقیقی (که از تقسیم نرخ برابری دلار به ریال بر شاخص قیمت مصرف‌کننده به دست آمده است)، میانگین وزنی تولید حقیقی کشورهای خارجی طرف تجاری با ایران، درآمدهای دلاری حاصل از فروش نفت و کسری بودجه بدون نفت حقیقی دولت می‌باشد.

آمار فصلی تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (تولید حقیقی) بعد از سال ۱۳۹۱، برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ منتشر شده است. بنابراین با استفاده از رشدهای هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل تولید ناخالص به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ در سال ۱۳۹۱، سری زمانی تولید ناخالص به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، برای سه فصل نخست سال ۱۳۹۲، محاسبه شد.

در ادبیات بازار پول، مانده پول عمدتاً تابعی از نرخ بهره در نظر گرفته می‌شود. در اقتصاد ایران به‌دلیل دستوری بودن نرخ بهره، فاصله نرخ بهره بازار غیررسمی و نرخ بهره

۱. آمار مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این الگو از فصل دوم سال ۱۳۷۱ در دسترس بود. برآوردهای اولیه با شروع این دوره زمانی حاکی از آن بود که به‌دلیل شرایط اقتصادی خاص این دوره مانند اجرایی شدن برنامه تعدیل اقتصادی، الگوی روابط هم‌انباشته در سه سال نخست، روندی متفاوت از کل دوره مورد بررسی دارد. بنابراین سه سال اولیه از مدل حذف شد و مدل از فصل دوم سال ۱۳۷۴ برآزش شد که نتیجه آن بهبود معناداری ضرایب، بهبود آزمون‌های خوبی برازش و منطقی‌تر شدن پیش‌بینی متغیرهای مدل بود.

رسمی و نیز نبود داده‌های صریح از نرخ بهره بازار غیررسمی، به کارگیری این متغیر در الگوسازی اقتصاد کلان دشوار است. در برخی کارهای تجربی، نرخ تورم در ایران به‌عنوان شاخصی از نرخ بهره در نظر گرفته می‌شود (نک صالحی اصفهانی، محدث و پسران، ۲۰۰۹) در الگوی به کار گرفته شده در این پژوهش به‌علت آنکه تورم در دوره زمانی مورد بررسی انباشته از درجه صفر است، امکان استفاده از آن در مدل وجود ندارد، بنابراین از سطح قیمت به‌عنوان یکی از متغیرهای توضیح‌دهنده مانده حقیقی پول بهره گرفتیم.

داده تولید حقیقی کشورهای خارجی طرف تجاری با ایران (تولید حقیقی کشورهای خارجی) با استفاده از میانگین وزنی شاخص تولید حقیقی ده کشور عمده طرف تجاری با ایران^۱ (مجموع صادرات و واردات) در دوره زمانی مورد بررسی ساخته شده است. وزن هر کشور طرف تجاری در ساختن این داده برحسب مجموع صادرات و واردات آن کشور بر مجموع کل صادرات و واردات ایران با این ده کشور ساخته شده است. آمار مربوط به صادرات و واردات هر یک از کشورها با ایران از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران گرفته شده است.

علت انتخاب کسری بودجه بدون نفت آن است که این متغیر نسبت به کسری بودجه نگاهی واقعی‌تر به عملکرد دولت و وضعیت مالی آن بدون کمک درآمدهای نفتی دارد. از سوی دیگر با توجه به آنکه کل درآمد نفتی کشور در مدل وارد شده است، حذف درآمد نفتی دولت به‌عنوان سهمی از درآمد نفتی کل کشور از دل متغیر کسری بودجه منطقی به نظر می‌رسد.

جز متغیر درآمد دلاری نفت، سایر متغیرهای آورده شده به صورت درون‌زا وارد مدل خواهند شد. این متغیر به‌عنوان متغیر برون‌زای ضعیف^۲ در مدل آورده می‌شود. علاوه‌بر آن یک متغیر مجازی از آغاز اجرای فاز اول هدفمندی تا پایان زمان پیش‌بینی مدل (فصل

۱. ده کشور اول به لحاظ ارزش مبادله تجاری (صادرات + واردات) طی دوره زمانی مورد بررسی امارات، آلمان، چین، کره، ایتالیا، عراق، سوئیس، هند، فرانسه و ژاپن می‌باشند که کشورهای امارات و عراق به دلیل نبود داده‌های فصلی حذف شده‌اند. داده کشورهای هند و چین به ترتیب از سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ در دسترس بوده و وارد مدل شده است.

۲. متغیر برون‌زای ضعیف، متغیری است که ضریب سرعت تعدیل آن نسبت به عدم تعادلها صفر باشد.

چهارم سال ۱۳۹۴)، به‌عنوان متغیر برون‌زا در مدل وارد شده است که علاوه‌بر هدفمندی، شدت تحریم‌های غرب علیه ایران را انعکاس می‌دهد که از این پس با عنوان «متغیر مجازی تحریم» در مقاله نامیده می‌شود.

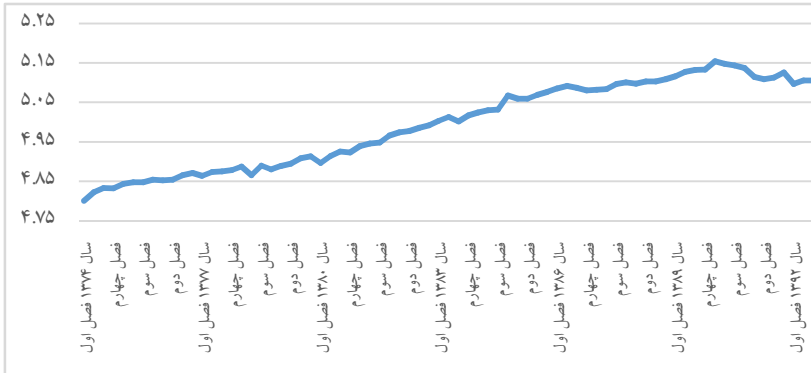
همان‌طور که در قسمت‌های بعدی به صورت مبسوط توضیح داده خواهد شد، طبق نتایج آزمون‌های مربوط به تعیین تعداد روابط هم‌انباشتگی، سه رابطه در مدل این پژوهش وجود دارد که با توجه به مبانی نظری و شواهد آماری این سه رابطه به صورت روابط مربوط به تولید حقیقی، مانده حقیقی پول و نرخ ارز حقیقی در نظر گرفته شده است.

۲-۲. بررسی آماری داده‌ها

۲-۲-۱. بررسی رابطه تولید حقیقی

نگاه بلندمدت به اقتصاد ایران و روند حرکت تولید حقیقی، گواه بر تحولات اساسی در فضای اقتصادی کشور دارد. دوران مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و هشت سال جنگ تحمیلی از جمله تحولاتی است که اقتصاد را از شرایط عادی دور نگاه داشت و منجر به تجربه رشدهای پایین و بعضاً منفی تولید شد. بعد از جنگ تحمیلی، اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی به دلیل اجرایی شدن در شرایط نامناسب اقتصادی، عدم بسترسازی لازم برای اجرا و ضعف‌های اجرایی با شکست روبه‌رو شد که از جمله پیامدهای آن تورم، کاهش رشد اقتصادی و بی‌ثباتی شدید در بازار ارز بود. بعد از این دوران گرچه فضای اقتصادی دستخوش تحولات متعددی شد اما هیچ‌کدام حداقل تا قبل از شروع تحریم‌های اخیر، شرایط ویژه‌ای در اقتصاد محسوب نمی‌شد. روند افزایشی تولید حقیقی تا قبل از تحریم‌های اخیر (نمودار ۱)، گواهی بر این مدعا است. به واسطه دلایل فوق در الگوی این پژوهش به بررسی دوره زمانی بعد از اجرایی شدن سیاست‌های تعدیل ساختاری در اوایل دهه ۱۳۷۰، پرداخته خواهد شد. در واقع کوتاه‌سازی مقطع زمانی مورد بررسی و استفاده از داده‌های فصلی به بررسی دوره زمانی سالانه و بلندمدت‌تر ترجیح داده شد.

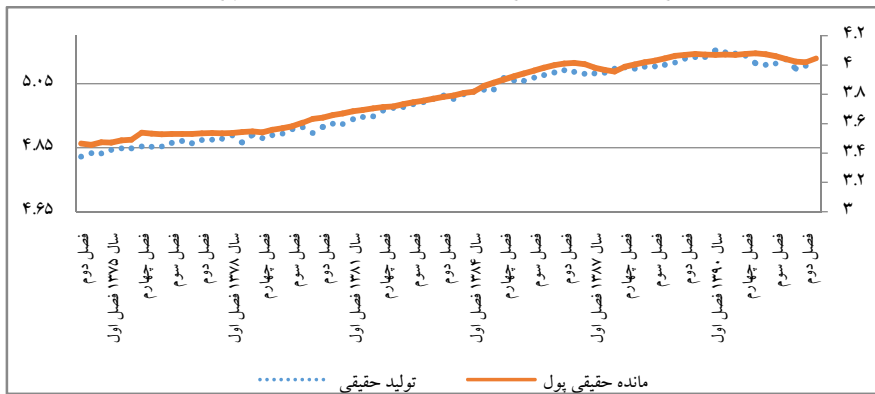
نمودار ۱. روند لگاریتم تولید حقیقی^۱



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی.

روند لگاریتم فصلی‌زدایی شده دو متغیر تولید حقیقی و مانده حقیقی پول برای دوره زمانی ۱۳۹۳:Q۳-۱۳۷۴:Q۲-۲ آورده شده است. در این سال‌ها نسبت مانده حقیقی پول به تولید حقیقی در حدود ۰/۷ الی ۰/۸ بوده است و همبستگی این دو متغیر ۹۲ درصد است که می‌تواند تأییدی برای ورود این متغیر به رابطه هم‌انباشتگی تولید حقیقی باشد.

نمودار ۲. رابطه تولید حقیقی و مانده حقیقی پول

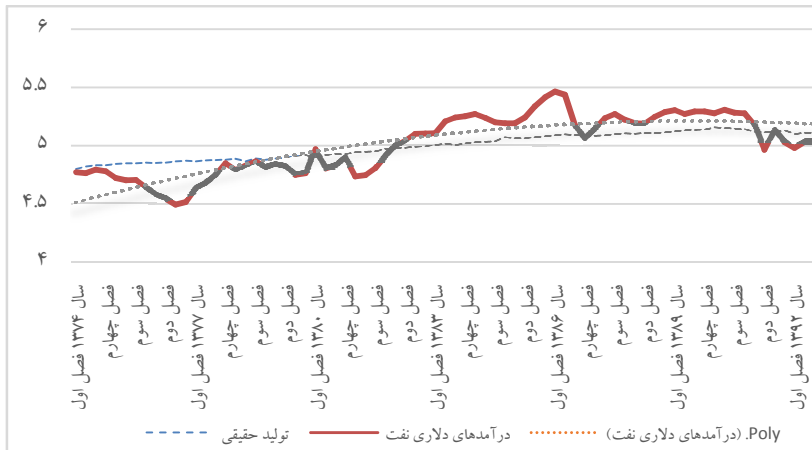


مأخذ: همان.

۱. به‌علت آنکه در این مدل روابط بلندمدت متغیرها مدنظر است، از این رو داده‌ها فصلی‌زدایی شده‌اند. در این بخش در بررسی روند آماری نیز از داده‌های فصلی‌زدایی شده برای داشتن چشم‌انداز بلندمدت روابط متغیرها استفاده خواهد شد.

مسئله دیگری که باید بررسی شود، رابطه درآمدهای دلاری نفت و تولید است، زیرا این متغیر به عنوان درآمدی که مستقیماً سرمایه گذاری می شود، در مبانی نظری دیده شده است. بنابراین بررسی آماری روابط درآمد نفتی (به عنوان عامل مؤثر بر سرمایه) و تولید ضروری می نماید. سهم درآمدهای دلاری نفت به تولید ناخالص داخلی برحسب دلار، در دوره مورد بررسی مدل تقریباً ثابت است که گواهی از نقش همیشگی و نسبتاً ثابت این درآمد برونزا در اقتصاد کشور دارد.

نمودار ۳. رابطه تولید حقیقی و درآمد دلاری نفت



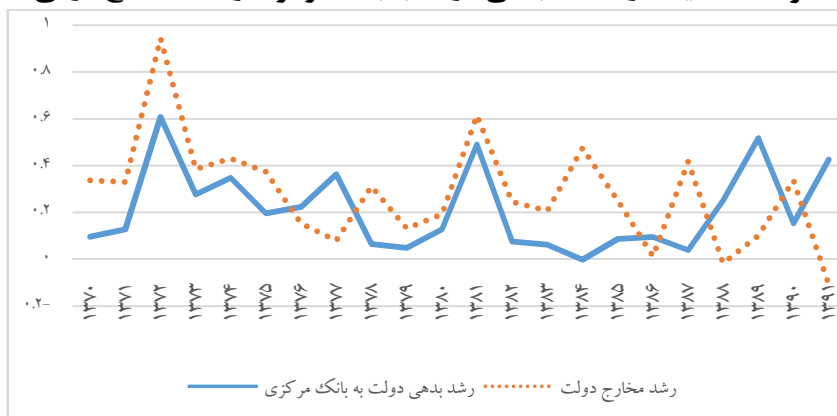
مأخذ: همان.

رابطه تولید حقیقی و درآمد دلاری نفت پس از فصلی زدایی در نمودار ۳ آورده شده است. روند درآمد دلاری نفت که در این نمودار آورده شده است نشان از رابطه نزدیک این متغیر با درآمد دلاری نفت دارد.

۲-۲-۲. بررسی آماری رابطه مانده حقیقی پول

در این پژوهش برحسب مبانی نظری و نیز شواهد آماری، از دو متغیر شاخص قیمت و کسری بودجه حقیقی دولت برای توضیح روند مانده حقیقی پول بهره گرفته شده است. در این قسمت به بررسی رابطه آماری هر یک از این دو متغیر با مانده حقیقی پول می پردازیم.

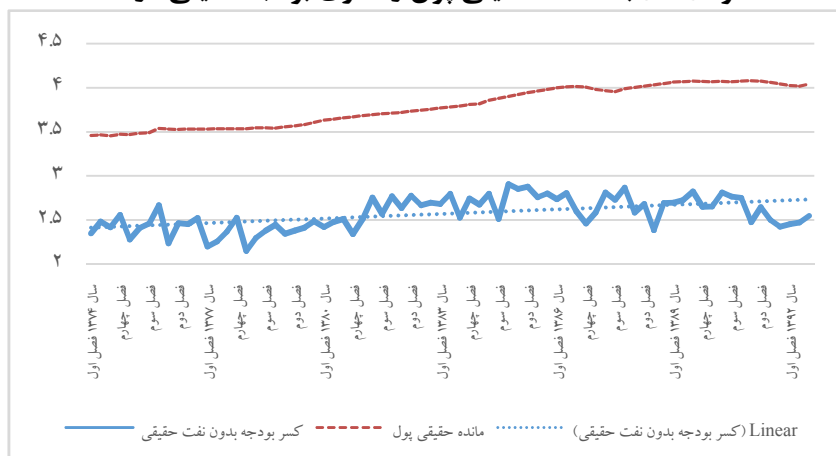
نمودار ۴. مقایسه روند رشد بدهی دولت به بانک مرکزی و رشد مخارج دولتی



مأخذ: همان.

پیش از آنکه به بررسی رابطه مانده حقیقی پول و کسری بودجه دولت بپردازیم، لازم است که شواهد آماری مربوط به تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی در اقتصاد کشور ارائه شود. یکی از شواهد آماری در این زمینه، مقایسه روند رشد بدهی دولت به بانک مرکزی - به عنوان یکی از اقلام مؤثر بر پایه پولی - و رشد مخارج دولتی است. در نمودار ۴ روند این دو متغیر آورده شده است.

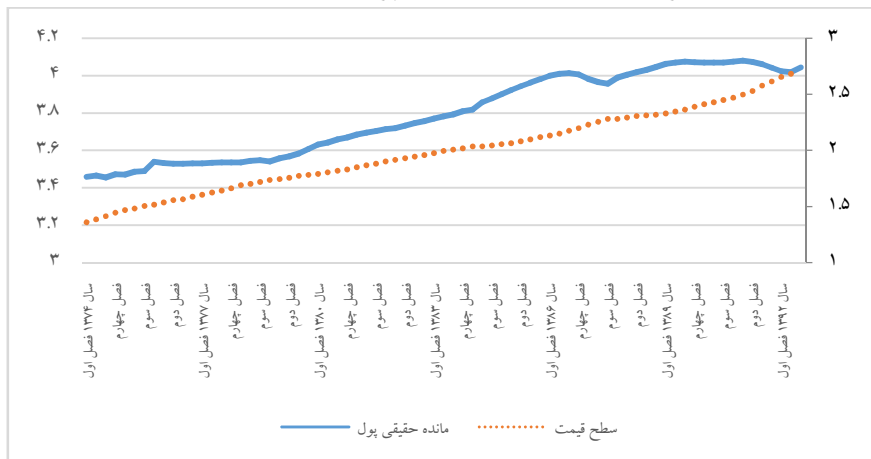
نمودار ۵. رابطه مانده حقیقی پول و کسری بودجه حقیقی دولت



مأخذ: همان.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال‌های ابتدایی دوره زمانی مورد بررسی روند رشد این دو متغیر نسبتاً مشابه است و در سال‌های بعد با یک وقفه این دو متغیر، روند مشابهی دارند.^۱ در نمودار ۵ روند مانده حقیقی پول و کسری بودجه حقیقی دولت آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روند خطی داده‌های مربوط به کسری بودجه حقیقی دولت و مانده حقیقی پول، رفتار مشابهی دارند.

نمودار ۶. رابطه مانده حقیقی پول و شاخص قیمت



مأخذ: همان.

در ادبیات بازار پول، مانده پول چه از منظر عرضه و چه از منظر تقاضا، عمدتاً تابعی از نرخ بهره در نظر گرفته می‌شود. در اقتصاد ایران به دلیل دستوری بودن نرخ بهره، فاصله نرخ بهره بازار غیررسمی و نرخ بهره رسمی و نیز نبود داده‌های صریح از نرخ بهره بازار غیررسمی، به کارگیری این متغیر در الگوسازی اقتصاد کلان دشوار است. در برخی از

۱. در دوره‌های اخیر بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جایگزین بدهی دولت به بانک مرکزی به عنوان منبع اصلی رشد پایه پولی، شده است. باین حال، توجه به رشد بدهی دولت به بانک‌ها (به خصوص بانک‌های دولتی) در همین دوره نشان می‌دهد که بخش مهمی از افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی معلول بدهی دولت به بانک‌هاست. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد عملکرد مالی دولت همچنان توضیح‌دهنده اصلی رشد پایه پولی است.

کارهای تجربی، نرخ تورم در ایران به عنوان شاخصی از نرخ بهره در نظر گرفته می شود (ن. نک. صالحی اصفهانی، محدث و پسران، ۲۰۰۹) در الگوی به کار گرفته شده در این پژوهش به علت آنکه تورم در دوره زمانی مورد بررسی انباشته از درجه صفر است، امکان استفاده از آن در مدل وجود ندارد، بنابراین از سطح قیمت به عنوان یکی از متغیرهای توضیح دهنده مانده حقیقی پول بهره گرفتیم. همبستگی مانده حقیقی پول و سطح قیمت به صورت فصلی زدایی شده ۹۶ درصد است و در نمودار ۶ روند این دو متغیر آورده شده است.

۳-۲-۲. بررسی آماری رابطه نرخ ارز حقیقی

در نمودار ۷ رابطه رشد نرخ ارز اسمی و رشد درآمدهای دلاری نفت آورده شده است. همان طور که این نمودار نشان می دهد نباید انتظار داشت که رشدهای مثبت درآمدهای نفتی، کاهش نرخ ارز اسمی را در پی داشته باشد و برعکس. در واقع به نظر می رسد که دولت یا بانک مرکزی با مداخله فعال در بازار ارز در عمده دوره های مورد بررسی در این مطالعه، از افزایش نرخ ارز در مواقع کاهش درآمدهای نفتی و کاهش آن در مواقع افزایش درآمدهای دلاری نفتی جلوگیری کرده است. با توجه به اینکه در عمده این سال ها رشد درآمدهای نفتی مثبت بوده است، به نظر می رسد بیشتر کنترل ها در راستای جلوگیری از کاهش نرخ ارز اسمی بوده است که با توجه به وابستگی بودجه ای دولت به معادل ریالی درآمدهای نفتی توجیه پذیر است.

از طرفی، شواهد تجربی موجود حاکی از افزایش کسری بودجه دولت های نفتی با افزایش درآمدهای دلاری نفت است! تری لین کارل^۱ در کتاب *معمای فراوانی: رونق های نفتی و دولت های نفتی*^۲ شواهدی از افزایش کسری بودجه اکثر دولت های صادرکننده نفت در نتیجه شوک نفتی نیمه اول دهه ۱۹۷۰ ارائه می دهد. وی دلیل این موضوع را افزایش مخارج دولت بیش از رشد درآمدهای نفتی عمدتاً به دلیل افزایش سرمایه گذاری عمومی، تشویق بخش خصوصی با وام های ارزی، افزایش دستمزدها بیش از افزایش

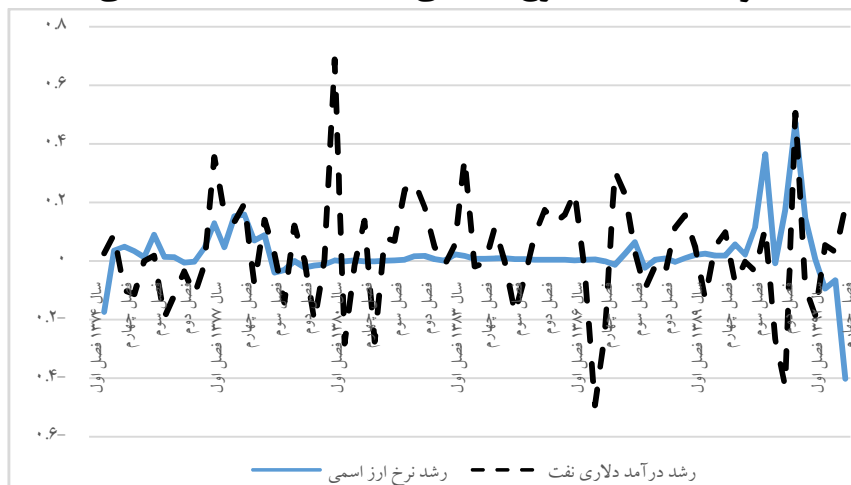
1. Terry Lynn Karl

2. The Paradox of Plenty: Oil Booms and Petro-States

بهره‌وری، افزایش یارانه و خدمات عمومی بیان کرده و شواهد آماری مرتبط را نیز ارائه کرده است. یکی از نتایج چنین وضعیتی هم افزایش قابل توجه تورم بوده است که در بیشتر کشورهای نفتی مشاهده شده است.

تجربه نشان داده است که مداخله دولت‌های نفتی در بازارهای ارز به نحوی است که حساسیت‌ها به کاهش نرخ ارز اسمی بیش از افزایش آن است. در این شرایط نباید انتظار افزایش نرخ ارز حقیقی در بلندمدت در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی را داشت.

نمودار ۷. رابطه رشد نرخ ارز اسمی و رشد درآمدهای دلاری نفتی



مأخذ: همان.

۲-۳. تخمین مدل

در این قسمت به بررسی چگونگی ساخت مدل تصحیح خطای برداری با متغیر برونزا برای اقتصاد ایران می‌پردازیم. متغیرهای مورد استفاده در مدل عبارت‌اند از exp , p , amp , yp , $dgoilp$ که به ترتیب بیانگر لگاریتم متغیرهای تولید حقیقی، مانده حقیقی پول، شاخص قیمت، نرخ ارز حقیقی، درآمد حقیقی کشورهای خارجی، درآمدهای دلاری نفت و کسری بودجه حقیقی دولت است. به‌غیر از متغیر نرخ ارز حقیقی و کسری بودجه حقیقی، تمام متغیرها با استفاده از روش $X13$ فصلی‌زدایی شدند و سپس آزمون تعیین درجه انباشت

برای هر یک از آنان انجام شد و مشخص شد که تمام متغیرهای مذکور انباشت از درجه ۱ هستند. سپس یک مدل خودرگرسیون برداری تشکیل شد. آزمون وقفه بهینه نشان دهنده وقفه بهینه ۱ برای مدل خودرگرسیون برداری است. پس از انتخاب وقفه ۱ مدل پایه‌ای خودرگرسیون برداری برآزش شد. نتایج این آزمون در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. آزمون تعیین وقفه بهینه در مدل پایه‌ای خودرگرسیون برداری

وقفه	LogL	نسبت درست‌نمایی	خطای نهایی پیش‌بینی	آکائیک	شوارتز	حنان کوئین
0	807.1591	NA	4.67e-19	-22.34251	-21.89635	-22.16509
1	1374.342	990.5736	2.16e-25*	-36.93922*	-34.93149*	-36.14081*
2	1419.721	70.30499*	2.50e-25	-36.83721	-33.26792	-35.41782
3	1462.131	57.34329	3.38e-25	-36.65158	-31.52072	-34.61120
4	1517.204	63.60520	3.57e-25	-36.82265	-30.13022	-34.16128

* نشان دهنده وقفه بهینه در هر یک از آزمون‌هاست.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. آزمون هم‌انباشتگی

فرض صفر	فرض مقابل	مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۵ درصد	prob
آزمون λ_{trace}	مقدار λ_{trace}		
		۱۲۵/۶۱۵۴	۰/۰۰۰۰
		۹۵/۷۵۳۶۶	۰/۰۰۰۱
		۶۹/۸۱۸۸۹	۰/۰۱۳۴
		۴۷/۸۵۶۱۳	۰/۲۲۵۳
آزمون λ_{max}	مقدار λ_{max}		
		۱۲۵/۶۱۵۴	۰/۰۰۰۰
		۹۵/۷۵۳۶۶	۰/۰۰۰۱
		۶۹/۸۱۸۸۹	۰/۰۱۳۴
		۴۷/۸۵۶۱۳	۰/۲۲۵۳

مأخذ: همان.

آزمون گرنجر نشان می‌دهد تمامی متغیرها در سطح معناداری ۵ درصد، علیت متغیرهای تولید حقیقی، مانده حقیقی پول، سطح قیمت، نرخ ارز حقیقی و کسر بودجه بدون نفت حقیقی (متغیرهای درون‌زای مدل تصحیح خطای برداری) می‌باشند. با توجه به آنکه همه متغیرهای درون‌زای مدل انباشت از درجه یک هستند، این ریشه واحد نشان از وجود روابط

تعادلی بلندمدت دارد، بنابراین باید از مدل تصحیح خطای برداری استفاده شود. از آنجا که وقفه بهینه در مدل خودرگرسیون برداری ۱ است، در مدل تصحیح خطای برداری متناظر با آن، وقفه بهینه صفر خواهد بود. در گام نخست می‌باید آزمون هم‌انباشتگی انجام شود که طبق این آزمون وجود سه رابطه هم‌انباشتگی در مدل تأیید می‌شود که با مبانی نظری و شواهد آماری ارائه شده مطابقت دارد. نتایج این آزمون در جدول ۲ آورده شده است.

می‌توان این سه رابطه هم‌انباشتگی را به صورت انحراف از تعادل به صورت زیر نوشت:

$$\xi_t = \beta' z_t - c$$

که در آن

$$z_t = (yr, mp, p, exr, yra, xopo, dgoilr)'$$

$$\xi_t = (\xi_{yr,t}, \xi_{mp,t}, \xi_{exr,t})'$$

حال برای شناسایی دقیق روابط بلندمدت، باید به تحمیل قید در مدل پردازیم. بر پایه مبانی نظری و شواهد آماری و با توجه به محدودیت‌هایی که در شناسایی دقیق روابط هم‌انباشتگی وجود دارد به اعمال این قیود پرداختیم. نحوه انتخاب قیدها به نحوی است که رابطه اول برحسب تولید حقیقی، رابطه دوم برحسب مانده حقیقی پول از منظر عرضه و رابطه سوم برحسب نرخ ارز حقیقی نرمال شود. پس از اعمال قیود مختلف با توجه به محدودیت‌های مذکور و در نظر گرفتن نتایج آزمون LR در اعمال قیود، ماتریس β' را به صورت زیر تشکیل دادیم.

$$\beta' = \begin{pmatrix} -1 & \psi_1 & 0 & 0 & \psi_2 & \psi_3 & 0 \\ 0 & -1 & \phi_1 & 0 & 0 & 0 & \phi_2 \\ \theta_1 & \theta_2 & 0 & -1 & 0 & \theta_3 & \theta_4 \end{pmatrix}$$

در نهایت پس اعمال قید برون‌زایی ضعیف برای متغیر درآمدهای دلاری نفت به سه

رابطه هم‌انباشتگی ذیل رسیدیم که شکل ماتریسی ضرایب به این صورت است:

$$\beta' = \begin{pmatrix} -1 & 0.42 & 0 & 0 & 0.15 & 0.04 & 0 \\ 0 & -1 & 0.54 & 0 & 0 & 0 & 0.46 \\ 27.33 & 11.63 & 0 & -1 & 0 & 1.16 & 0.92 \end{pmatrix}$$

سه رابطه بلندمدت براساس روابط هم‌انباشتگی به دست آمده در این معادلات آورده

شده است:

$$yr = 2.45 + 0.42 mp + 0.15 yra + 0.04 xopo$$

$$mp = 1.53 + 0.54 p + 0.46 dgoilr$$

$$exr = 90.87 - 27.33 yr + 11.63 mp + 1.16 xopo - 0.92 dgoilr$$

پویایی‌های کوتاه‌مدت در قالب هفت معادله تصحیح خطای نتایج تخمین ضرایب در

جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل

Equation:	D(YR)	D(MP)	D(P)	D(EXR)	D(YRA)	D(XOFO)	D(DGOILR)
$\xi_{y,t-1}$	-0.719516 (0.32066) [-2.24387]	-1.002939 (0.43588) [-2.30095]	1.123016 (0.20940) [5.36298]	-0.688078 (1.11707) [-0.61597]	-0.469062 (0.18759) [-2.50043]	0.000000 (0.000000) [NA]	-18.23833 (5.09925) [-3.57667]
$\xi_{mp,t-1}$	0.120635 (0.02895) [4.16735]	0.106163 (0.03935) [2.69797]	-0.071145 (0.01890) [-3.76352]	-0.065933 (0.10084) [-0.65381]	0.027261 (0.01694) [1.60972]	0.000000 (0.000000) [NA]	-0.755278 (0.46034) [-1.64070]
$\xi_{exr,t-1}$	0.053679 (0.01343) [3.99726]	0.037430 (0.01825) [2.05047]	-0.038692 (0.00877) [-4.41210]	0.003126 (0.04678) [0.06682]	0.021228 (0.00786) [2.70201]	0.000000 (0.000000) [NA]	0.609367 (0.21355) [2.85349]
C	0.004889 (0.00106) [4.60655]	0.009473 (0.00143) [6.60831]	0.016772 (0.00069) [24.2210]	-0.009734 (0.00370) [-2.63399]	0.001403 (0.00062) [2.28085]	0.009177 (0.00952) [0.96400]	-0.012185 (0.01682) [-0.72439]
SER05	-0.002542 (0.00144) [-1.76980]	-0.005143 (0.00194) [-2.65111]	0.004523 (0.00094) [4.82643]	0.009494 (0.00500) [1.89833]	0.002724 (0.00083) [3.27192]	-0.018645 (0.01288) [-1.44725]	0.049500 (0.02276) [2.17452]
R-squared	0.405222	0.279687	0.596279	0.094294	0.167532	0.108740	0.419142
Adj. R-squared	0.370742	0.237930	0.572874	0.041789	0.119273	0.057073	0.385469
Sum sq. resids	0.004800	0.008755	0.002043	0.058186	0.001613	0.386102	1.205472
S.E. equation	0.008340	0.011264	0.005441	0.029039	0.004834	0.074804	0.132176
F-statistic	11.75241	6.697927	25.47748	1.795906	3.471513	2.104629	12.44743
Log likelihood	251.7990	229.5598	283.4035	159.4809	292.1540	89.46018	47.33473
Akaike AIC	-6.670242	-6.069184	-7.524420	-4.175158	-7.760919	-2.282708	-1.144182
Schwarz SC	-6.514562	-5.913504	-7.368739	-4.019478	-7.605239	-2.127028	-0.988502
Mean dependent	0.004125	0.007927	0.018132	-0.006879	0.002222	0.003571	0.002699
S.D. dependent	0.010514	0.012903	0.008326	0.029666	0.005151	0.077035	0.168609

مأخذ: همان.

۴-۲. بررسی آزمون‌های خوبی برازش مدل

در این مدل همگرایی بعد از ۷۰۷ دوره ایجاد شده و قیود اعمال شده تمامی بردارهای هم‌انباشتگی را شناسایی کرده است. آماره کای اسکوتر $8/18$ و احتمال $0/22$ در آزمون LR که در جدول ۴ آورده شده است، گویای آن است که به شرط وجود سه رابطه هم‌انباشتگی، این آزمون قیود اعمال شده را رد نمی‌کند. پس از تخمین مدل باید به بررسی خوبی برازش مدل پرداخته شود. بررسی آزمون باقی‌مانده‌ها شامل آزمون خودهمبستگی

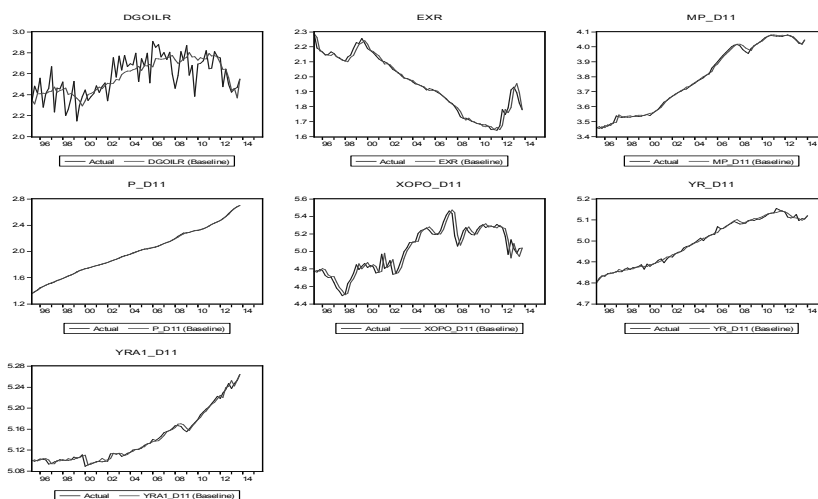
پورتمتیو، آزمون خودهمبستگی حداکثر راستنمایی و آزمون نرمال بودن باقی مانده‌ها و نتایج آنها نشان‌دهنده خوبی برازش مدل است.

جدول ۴. آزمون LR

Tests of cointegration restrictions:				
Hypothesized	Restricted	LR	Degrees of	
No. of CE(s)	Log-likelihood	Statistic	Freedom	Probability
3	1397.707	8.175246	6	0.225543
4	1411.557	0.005468	1	0.941053
5	1418.256	NA	NA	NA
6	1421.619	NA	NA	NA

مأخذ: همان.

نمودار ۸. پیش‌بینی درون‌نمونه‌ای متغیرها به روش استاتیک



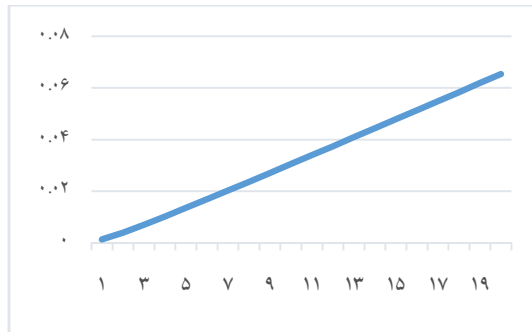
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در کنار آزمون‌های انجام شده راه دیگری برای بررسی خوبی برازش مدل وجود دارد که همان بررسی توانایی مدل برای پیش‌بینی درون‌نمونه‌ای مدل است. بنابراین پس از

تخمین مدل می‌توان با استفاده از گزینه ساخت مدل در نرم‌افزار، این پیش‌بینی را با روش حل استاتیک انجام داد. در نمودار ۸ نتایج پیش‌بینی درون‌نمونه‌ای مدل آورده شده است که نشان‌دهنده قدرت مدل در پیش‌بینی است.

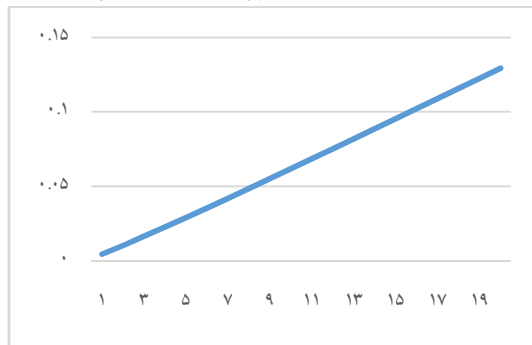
علاوه بر آن بررسی توابع واکنش آنی نتایج قابل انتظار را در بردارد. برای مثال می‌توان به واکنش مثبت تولید حقیقی به افزایش درآمدهای دلاری نفت و واکنش مثبت مانده حقیقی پول نسبت به افزایش کسری بودجه حقیقی دولت اشاره کرد. نمودارهای مربوط به هر یک از این دو مورد در زیر آورده شده است. در پیوست ۱ تمامی نمودارهای مربوط به واکنش آنی متغیرهای مدل آورده شده است.

نمودار ۹. واکنش آنی تولید حقیقی به درآمدهای دلاری نفت



مأخذ: همان.

نمودار ۱۰. واکنش آنی مانده حقیقی پول به کسری بودجه حقیقی دولت



مأخذ: همان.

۲-۵. تفسیر ضرایب مدل

در این قسمت به تفسیر ضرایب تخمین زده شده در هر یک از روابط هم‌انباشتگی می‌پردازیم.

۱-۲-۵. رابطه هم‌انباشتگی تولید حقیقی

در مبانی نظری برگرفته از مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) که رابطه هم‌انباشتگی تولید حقیقی این پژوهش بر مبنای آن تشکیل شده، مانده حقیقی پول به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تولید حقیقی آورده نشده است. در حالی که بررسی آماری رابطه این دو متغیر و رجوع به ادبیات نظری مربوطه نشان از احتمال اثرگذاری مانده حقیقی پول بر رشد اقتصادی دارد. الگوی مورد استفاده در این پژوهش نیز، برداشتن قید صفر بودن ضریب اثرگذاری مانده حقیقی پول بر تولید حقیقی، باعث بهتر شدن نتایج مربوط به آزمون LR، در مورد اعمال قیدها شد و ضریب مانده حقیقی پول در این رابطه ۰/۴۲ و به شدت معنادار برآورد شد.

طبق مبانی نظری مربوط به عدم تقارن در تأثیر تکانه‌های پولی بر بخش حقیقی اقتصاد، نباید تنها تفسیری که از این ضریب به ذهن خطور می‌کند آن باشد که در صورتی که مانده حقیقی پول ۱ درصد افزایش یابد، رشد تولید ۰/۴۲ درصد افزایش می‌یابد. کینزی‌های جدید معتقدند که اثرات تکانه‌های پولی بر تولید و قیمت نامتقارن است. طبق برخی کارهای تجربی از جمله نظیفی (۱۳۸۰)، فاردار (۱۳۸۲)، اصغرپور (۱۳۸۴) و دل‌انگیزان، فلاحتی و رجبی (۱۳۹۰) این موضوع در اقتصاد ایران مورد تأیید قرار گرفته است و نتایج حاکی از آن است که تکانه‌های منفی پول، رشد اقتصادی را بیش از تکانه‌های مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهند.^۱

بررسی داده‌های رشد اقتصادی و رشد نقدینگی در اقتصاد ایران نیز می‌تواند گواهی بر تأثیر کنترل نقدینگی بر رشد اقتصادی داشته باشد. برای مثال در دهه ۱۳۸۰ در تمامی سال‌ها، رشد نقدینگی جز سال ۱۳۸۷ (که بانک مرکزی سیاست‌های کنترل نقدینگی را

۱. از منظر مبانی نظری، انتظار بر آن است که به دلیل وجود منحنی عرضه محدب، وجود چسبندگی رو به پایین قیمت و دستمزد، محدودیت‌های اعتباری و ... تکانه‌های منفی رشد اقتصادی را بیشتر از تکانه‌های مثبت تحت تأثیر قرار دهند.

دنبال می‌کرد) بین ۲۴ تا ۳۹ درصد بوده است. رشد اقتصادی نیز در این سال‌ها بیش از ۳ درصد بوده است. فقط در سال ۱۳۸۷ که در آن کنترل شدید نقدینگی را تجربه کردیم و رشد نقدینگی به ۱۵/۹ درصد تنزل یافت، رشد اقتصادی نیز به ۰/۸ درصد تنزل یافت. البته نمی‌توان از اثرات نامطلوب رشد بالای نقدینگی بر تورم و آسیبی که بر اقتصاد وارد می‌کند چشم‌پوشی کرد. اما باید پذیرفت در ساختار فعلی اقتصاد ایران، کمبود نقدینگی اثر خود را بر بخش حقیقی به خوبی آشکار می‌کند.

بررسی نقش نقدینگی در عملکرد بنگاه‌های تولیدی (به‌خصوص در بخش صنعت) در اقتصاد ایران می‌تواند دلایل توجیهی کافی برای بروز چنین نتیجه‌ای ارائه دهد. ترکیب بخش‌های اقتصادی و ماهیت و کارایی بنگاه‌های اقتصادی در ایران، به‌گونه‌ای است که می‌تواند مؤید تأثیر مثبت رشد نقدینگی و به‌خصوص تأثیر منفی کاهش رشد نقدینگی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی، بخش‌های تولیدی و کل اقتصاد باشد. جدول ۵ سهم بخش‌های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی بدون نفت را در ایران نشان می‌دهد.

جدول ۵. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران

عنوان بخش	سهم از تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۳۹۰
گروه کشاورزی	۶/۷
معادن	۱/۳
صنعت	۱۹/۸
برق، گاز و آب	۱/۷
ساختمان	۸/۲
گروه خدمات	۶۶/۳
بازرگانی، رستوران و هتلداری	۱۷/۱
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۱۵/۵
سایر خدمات	۳۳/۶
تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه بدون نفت	۱۰۰

با در نظر گرفتن سهم نوسانات رشد تولید و ماهیت بخش‌ها، این نکته قابل توجه است که اهمیت رشد بخش صنعت در تعیین رشد کل اقتصاد بیش از سایر بخش‌هاست. سهم این بخش به ترتیب حدود ۱۵، ۱۲، ۳ و ۲/۵ برابر بخش‌های معدن، آب و برق و گاز، کشاورزی و ساختمان است. از طرفی بیش از نیمی از حدود ۶۶ درصد بخش خدمات مربوط به بازرگانی و حمل و نقل است که رشد این بخش‌ها خود تابعی از رشد سایر بخش‌ها (به خصوص صنعت) است. بقیه بخش‌های خدماتی نیز دارای واریانس رشد اقتصادی بالایی نیستند.

از طرف دیگر بیش از ۷۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت توسط کارگاه‌های بزرگ (با بیش از ۱۰۰ کارکن) ایجاد می‌شود که خود عموماً دولتی، عمومی غیردولتی یا شبه‌دولتی هستند و از مشکلات ساختاری و مدیریتی مزمنی رنج می‌برند. بخشی از این بنگاه‌ها به واسطه وجود مشکلات مذکور فاقد کارایی و توجیه اقتصادی بوده و در صورتی که مورد حمایت قرار نگیرند از بازار خارج می‌شوند (از جمله می‌توان به صنایع خودروسازی، فلزات اساسی، سیمان و ... اشاره کرد). به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهمی که این چنین بنگاه‌هایی را سر پا نگه داشته است، دسترسی نسبتاً آسان و مستمر این بنگاه‌ها به منابع مالی ارزان قیمت باشد. به خصوص آنکه این بنگاه‌ها از قدرت چانه‌زنی بالایی در چگونگی بازپرداخت تسهیلات بانکی، استمهال مکرر بازپرداخت تسهیلات، عدم پرداخت جرایم دیرکرد و تأمین مالی مجدد برخوردارند و حتی در بسیاری از موارد از بازپرداخت تسهیلات در فواصل زمانی بعد از سررسید امتناع می‌کنند. در چنین شرایطی افزایش رشد نقدینگی بر افزایش تولید بخش صنعت و کل اقتصاد مؤثر (هرچند محدود) است اما کاهش تولید در نتیجه کاهش رشد نقدینگی حقیقی بسیار قابل توجه خواهد بود.

ضریب اثرگذاری تولید حقیقی کشورهای خارجی با ایران، ۰/۱۵ برآورد شده است. در مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹)، این ضریب در حدود ۰/۷۳ برآورد شده است. طبق نظر ایشان، ضریب اثرگذاری در آمد نفتی بر تولید حقیقی، معادل با سهم سرمایه در تولید ایران در نظر گرفته شده است. آنها معتقدند با اعمال این قید که رشد تکنولوژی در ایران معادل با کشورهای خارجی باشد، می‌باید مجموع ضریب اثرگذاری

نفت و کشورهای خارجی معادل ۱ باشد، در واقع در کار ایشان رابطه زیر در نظر گرفته شده است:

$$\psi = \theta(1 - \alpha)$$

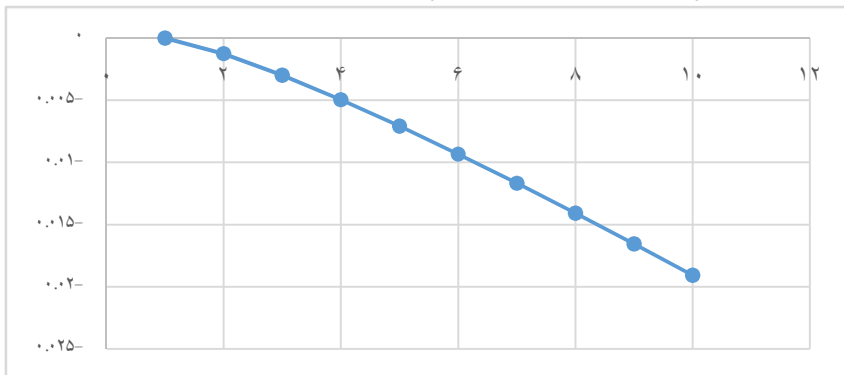
که در آن ψ ، ضریب اثرگذاری تولید حقیقی کشورهای خارجی بر تولید حقیقی ایران و α معادل سهم سرمایه از تولید است. بنابراین اگر $\theta = 1$ در نظر گرفته شود که به معنای پذیرفتن برابری رشد تکنولوژی در ایران و کشورهای خارجی طرف مبادله با ایران است، می‌باید مجموع ضریب اثرگذاری نفت و کشورهای خارجی معادل ۱ باشد. براساس حساب‌های ملی سالانه، سهم سرمایه از تولید در ایران بیش از ۸۰ درصد است. بنابراین با اعمال قید معادل بودن رشد تکنولوژی ایران و کشورهای خارجی، ضریب ψ به دست آمده در پژوهش حاضر درست به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که به عنوان تفاوت مطالعه صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) و پژوهش حاضر حائز اهمیت است اینکه در کار ایشان قید برابری ضریب اثرگذاری نرخ ارز حقیقی و درآمدهای دلاری نفت اعمال شده است و نهایتاً ضریب اثرگذاری این دو ضریب در حدود ۰/۲۶ برآورد شده است. با توجه به برخی مطالعات انجام شده که طی آنها اثر افزایش نرخ ارز بر تولید منفی است و شواهد موجود در اقتصاد ایران، از جمله وابستگی شدید تولید به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی، عدم واکنش قابل ملاحظه صادرات به افزایش نرخ ارز به واسطه حضور صادرات ایران در بازار به شدت رقابتی تجارت خارجی، عدم کشش واردات به افزایش نرخ ارز به دلیل ضروری بودن بسیاری از کالاهای خارجی و ... در این کار پیش فرض برابری نرخ ارز حقیقی و درآمدهای دلاری نفت مورد استفاده قرار نگرفت.

ازسوی دیگر با توجه به آنکه در پژوهش حاضر رابطه تعادلی سوم مربوط به نرخ ارز حقیقی است که رابطه بلندمدت تولید و نرخ ارز حقیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، ضریب اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر تولید را صفر در نظر گرفتیم. در صورت حذف این قید نتایج آزمون LR، نامطلوب‌تر می‌شود و ضریب مربوطه منفی و در سطح معناداری ۵ درصد معنادار و ۱ درصد بی‌معنا می‌شود که به دلیل در نظر گرفتن این ملاحظات، قید صفر

بودن این ضریب را اعمال کردیم. درضمن اثر تکانه نرخ ارز حقیقی بر تولید حقیقی در بررسی واکنش‌های آنی مدل به صورت زیر می‌باشد که مؤید اثر منفی ذکر شده است.

نمودار ۱۱. واکنش تجمعی تولید حقیقی به نرخ ارز حقیقی



مأخذ: همان.

در نهایت ضریب اثرگذاری لگاریتم درآمدهای دلاری نفت بر لگاریتم تولید حقیقی، ۰/۰۳ برآورد شده است که در نگاه اول با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و نقش آن در تشکیل سرمایه ایران، اندک به نظر می‌رسد اما باید توجه داشت که این رابطه بلندمدت است. اثرات منفی افزایش درآمدهای نفتی بر اقتصاد که معمولاً پس از چند دوره در قالب تورم، تضعیف صنایع، واردات بی‌رویه و سایر اثرات نامطلوب که در ادبیات بیماری هلندی به آن اشاره می‌شود، بروز می‌کند می‌تواند اثرات مثبت اولیه بر تولید حقیقی را تا حد زیادی خنثی نماید.

۲-۵-۲. رابطه هم‌انباشتگی مانده حقیقی پول

طبق مدل برآورده شده، تأثیر سطح قیمت بر مانده حقیقی پول مثبت است به نحوی که ۱ درصد رشد شاخص قیمت منجر به رشد ۰/۵ درصدی مانده حقیقی پول دارد. درواقع این ضریب شاهدهی بر علیت دوسویه قیمت‌ها و نقدینگی در ایران دارد. در اقتصادهای بی‌ثبات و دارای تورم نوسانی رابطه پول و تورم می‌تواند دوسویه باشد و رشد قیمت‌ها باعث افزایش نقدینگی شود.

ازسوی دیگر طبق این رابطه ۱ درصد افزایش در کسری بودجه بدون نفت دولت، می‌تواند منجر به افزایش ۰/۴۶ درصدی مانده حقیقی پول شود. بررسی اولیه تعامل میان مقام پولی و دولت و نیز بررسی روند متغیرهای مربوطه از جمله بدهی‌های دولت، کسر بودجه، نقدینگی و تورم نشانه‌های وجود تسلط سیاست مالی در ایران را مورد تأیید قرار می‌دهد که نمونه‌ای از آن در بخش داده‌ها آورده شده است.

۳-۵-۲. رابطه هم‌انباشتگی نرخ ارز حقیقی

همان‌طور که در قسمت مبانی نظری توضیح داده شد، مبانی نظری تشکیل این رابطه روش BEER است. طبق مبانی نظری انتظار داریم تأثیر تولید حقیقی و مانده حقیقی پول بر نرخ ارز حقیقی به ترتیب منفی و مثبت باشد که استخراج ضرایب $۲۷/۳-$ و $۱۱/۶+$ برای هر یک از این دو متغیر در رابطه مذکور تأییدی بر مبانی نظریه مربوطه است.

ازسوی دیگر طبق مبانی نظری موجود انتظار بر آن است که ورود ارز به کشور از طریق افزایش حجم پول خارجی منجر به تقویت پول داخلی شود که به معنای کاهش نرخ ارز حقیقی است. در برآورد انجام گرفته، ضریب اثرگذاری درآمدهای نفتی بر نرخ ارز حقیقی $۱/۱۶$ و مثبت است. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد با مداخله دولت در بازار ارز، نمی‌توان انتظار داشت قیمت ارز مانند قیمت در بازار رقابتی تحت تأثیر نیروهای عرضه و تقاضا عمل کند و بنابراین منفی نشدن این ضریب دور از انتظار نیست و می‌توان دلایلی نیز برای مثبت شدن این ضریب مطرح کرد. برای مثال با افزایش ورود دلارهای نفتی در کشور معمولاً واردات افزایش یافته و از این مجرا تورم تخفیف می‌یابد. پس با توجه به سیاست دولت در مورد حفظ نرخ ارز در محدوده خاصی (حداقل در دهه ۱۳۸۰ که بخش عمده داده‌های این پژوهش مربوط به آن است) می‌توان انتظار داشت کاهش نرخ تورم ناشی از افزایش درآمدهای نفتی، تأثیر مثبت بر نرخ ارز حقیقی داشته باشد.

ضریب اثرگذاری کسری بودجه حقیقی دولت بر نرخ ارز حقیقی، $۰/۹۲-$ برآورد شده است. در تفسیر این ضریب می‌توان گفت افزایش کسری بودجه حقیقی دولت با وجود پدیده تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی منجر به افزایش نقدینگی و تورم خواهد

شد. افزایش تورم به معنای کاهش نرخ ارز حقیقی است. این اثر با توجه به سیستم مدیریت شده نظام ارزی کشور و حفظ نرخ ارز در محدوده کنترل شده در بیشتر سال‌های دوره زمانی مورد مطالعه این پژوهش، منجر به کاهش نرخ ارز حقیقی خواهد شد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تعامل متغیرهای کلان اقتصاد ایران در افق زمانی بلندمدت با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری همراه با متغیرهای برون‌زا می‌پردازد. روابط این مدل در قالب سه رابطه تولید حقیقی، مانده حقیقی پول و نرخ ارز حقیقی تخمین زده شده است که از رابطه اول برای توصیف بخش حقیقی اقتصاد و از روابط دوم و سوم برای توضیح رفتار بازار پولی و بازار ارز استفاده شده است. برای الگوسازی هر یک از این سه رابطه از مبانی نظری و آزمون‌های تجربی بهره گرفته شده است. به این ترتیب که در ابتدا رابطه تولید براساس کار صالح اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹)، رابطه مانده حقیقی پول براساس تئوری مالی تورم و رابطه نرخ ارز حقیقی براساس تئوری رفتاری نرخ ارز تعادلی تخمین زده شده و سپس با استفاده از آزمون‌های تجربی برخی قیود به این روابط اعمال شد. پس از تخمین مدل، انجام آزمون‌های خوبی برازش مدل و نیز تطابق بالای پیش‌بینی درون‌نمونه‌ای مدل با روند واقعی متغیرها نشان از قابلیت اتکا به نتایج حاصل از مدل را داشت. مهم‌ترین نتایج مدل به شرح زیر است:

۱. براساس نتایج این تحقیق، ضریب اثرگذاری نقدینگی حقیقی بر تولید حقیقی مثبت به دست آمده است. به نظر می‌رسد این موضوع بیش از آنکه ناشی از تأثیر مثبت افزایش نقدینگی بر تولید باشد، ناشی از تأثیر منفی کاهش نقدینگی بر تولید بنگاه‌ها باشد. این تأثیر منفی عمدتاً به دلیل ساختار ناکارآمد تولید بنگاه‌های اقتصادی در ایران است که با دسترسی نسبتاً ارزان و آسان به منابع مالی (به خصوص بنگاه‌های بزرگ صنعتی دولتی یا شبه‌دولتی که سهم عمده تولید این بخش را دارند) ناکارایی خود را پوشش می‌دهند.

۲. به رغم مشکلات ساختاری مهمی که وابستگی به درآمدهای نفتی برای اقتصاد کشور ایجاد کرده است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثر خالص بلندمدت درآمدهای

دلاری نفتی بر تولید با سهم مهمی که در تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران ایفا می‌کند، مثبت بوده است. با این حال، اثر مثبت بر آورد شده در این تحقیق بسیار محدودتر از مطالعات مشابه نظیر صالحی اصفهانی، محدث و پسران (۲۰۰۹) است. این موضوع از منظر رشد اقتصادی می‌تواند نقش مهم درآمدهای دلاری نفتی حتی در بلندمدت را نشان دهد اما از نظر شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی^۱ می‌تواند تهدیدکننده باشد چرا که درآمدهای نفتی از یک طرف با تأثیر بر تشکیل سرمایه به رشد اقتصاد کمک می‌کند و از طرف دیگر از طریق تأثیر بر ساختارهای نهادی در حال تضعیف بهره‌وری در این اقتصاد است.

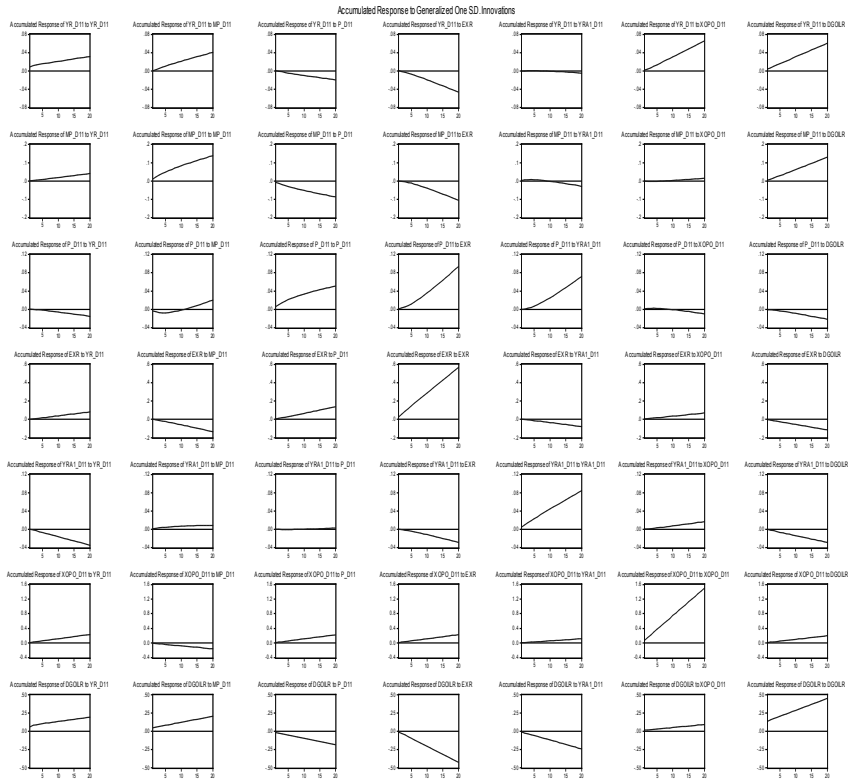
۳. نتایج این تحقیق مؤید وجود علیت دوسویه میان نقدینگی و قیمت‌ها در اقتصاد ایران است. در این تحقیق تأثیر سطح قیمت بر مانده حقیقی پول مثبت برآورد شده است به نحوی که ۱ درصد رشد شاخص قیمت منجر به رشد ۰/۵ درصدی مانده حقیقی پول می‌شود. در اقتصادهای بی‌ثبات و دارای تورم نوسان رابطه پول و تورم می‌تواند دو سویه باشد و رشد قیمت‌ها باعث افزایش نقدینگی شود.

۴. دستاوردهای مدل وجود پدیده تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی در اقتصاد کشور را تأیید می‌کند و نتایج حاکی از آن است که ۱ درصد افزایش در کسری بودجه بدون نفت دولت، می‌تواند منجر به افزایش ۰/۴۶ درصدی مانده حقیقی پول شود.

۵. نتایج نشان می‌دهد افزایش تولید حقیقی، نرخ ارز حقیقی را کاهش می‌دهد و افزایش نقدینگی حقیقی، نرخ ارز حقیقی را افزایش می‌دهد. این نتایج با انتظارات نظری و مطالعات تجربی قبلی مطابقت دارد.

۶. برخلاف انتظارات اولیه، نتایج نشان می‌دهد در بلندمدت اثر افزایش درآمدهای نفتی بر نرخ ارز حقیقی مثبت است. این می‌تواند به دلیل کنترل‌های دولت برای جلوگیری از کاهش نرخ ارز اسمی در ایران به دلیل وابستگی بودجه به درآمد نفتی از یک طرف و افزایش واردات و تخفیف تورم ناشی از آن باشد. علاوه بر این، تأثیر بلندمدت افزایش درآمدهای نفتی به ساختارهای نهادی و کاهش بهره‌وری ناشی از آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

پیوست ۱. توابع واکنش آنی



منابع و مأخذ

۱. اصغرپور، حسن (۱۳۸۴). «بررسی اثرات نامتقارن شوک‌های پولی بر تولید و قیمت در شرایط مختلف اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۳۸»، رساله دکترا اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. التجاعی، ابراهیم و محمد ارباب‌افضلی (۱۳۹۱). «اثر نامتقارن درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران: کاربردی از الگوهای GARCH و SVAR»، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، ش ۷.
۳. باقری پرمهر، شعله و سیدهادی موسوی‌نیک (۱۳۹۱). «بررسی عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی و ریشه‌یابی تحولات اخیر بازار ارز در اقتصاد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۲۸۰۴.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، <http://tsd.cbi.ir>.
۵. _____ . <http://www.cbi.ir/page/2053.aspx>.
۶. _____ . نماگرهای اقتصادی، http://www.cbi.ir/category/economicTrends_fa.aspx.
۷. دل‌انگیزان، سهراب، علی فلاحتی و مهدی رجبی (۱۳۹۰). «بررسی عدم تقارن در تأثیر تکانه‌های پولی بر رشد اقتصادی در ایران از نگاه کینزی‌های جدید»، فصلنامه عملی پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، ش ۳.
۸. شاکری، عباس (۱۳۹۱). «تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۸ ارکان سیاست‌گذاری برای برون رفت از شرایط رکود تورمی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۸۱۶.
۹. _____ (۱۳۹۲). «ضرورت اصلاح نوع نگاه به نقش متغیر کلیدی ارز در اقتصاد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش منتشر نشده.
۱۰. شریفی‌رنانی، حسین و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل تصحیح خطای برداری ساختاری از تأثیرات شوک‌های نفتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۱۶.
۱۱. صامتی، مجید و بهاره تیموری (۱۳۹۱). «یک الگوی اقتصاد کلان‌سنجی بلندمدت ساختاری برای ایران»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۱۷، ش ۵۰.
۱۲. صمدی، سعید، ابوالفضل یحیی‌آبادی و نوشین معلمی (۱۳۸۸). «تحلیل تأثیر شوک‌های قیمتی نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفدهم، ش ۵۲.
۱۳. فاردار، احمد (۱۳۸۲). «بررسی اثر نامتقارن شوک‌های پولی بر بخش واقعی اقتصاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. کارل، تری لین (۱۳۹۰). «معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی»، ترجمه جعفر خیرخواهان، چاپ دوم، نشر نی.

۱۵. کميجانی، اکبر و الهه اسدی مهماندوستی (۱۳۸۹). «سنجشی از تأثیر شوک‌های نفتی و سیاست‌های پولی بر رشد اقتصادی ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۵، ش ۹۲.
۱۶. کميجانی، اکبر، سیدمحمد هادی سبحانیان و سعید بیات (۱۳۹۱). «اثرات نامتقارن رشد درآمدهای نفتی بر تورم در ایران با استفاده از روش *VECM*»، *پژوهشنامه اقتصادی* ۱۲، ۴۵.
۱۷. نظیفی، فاطمه (۱۳۸۰). «تأثیرات نامتقارن شوک‌های اسمی بر تولید و آزمون عدم تقارن چرخه‌های تجاری در ایران»، رساله دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
18. Bahmani-Oskooee, M. (1995). "Source of Inflation in Post-Revolutionary Iran", *International Economic Journal* 9. 2.
19. Baig, Taimur, Kumar Manmohan, Vasishtha Garima and Zoli Edda (2006). "Fiscal and Monetary Nexus in Emerging Market Economies: How Does Debt Matter?", *International Monetary Fund, WP/06/184*.
20. Becker, Torbjorn (1999). *Common Trends and Structural Change: A Dynamic Macro Model for the Pre- and Postrevolution Islamic Republic of Iran*, IMF Working Paper No. 99/82.
21. Bonato, L. (2008). "Money and Inflation in the Islamic Republic of Iran", *Review of Middle East Economics and Finance* 4(1), Article 3.
22. Celasun, O. and M. Goswami (2002). "An Analysis of Money Demand and Inflation in the Islamic Republic of Iran", *IMF Working Paper, WP/02/205*.
23. Elyasiani, E. and W. Zhao (2008). "International Interdependence of an Emerging Market: the Case of Iran", *Applied Economics* 40.
24. Kia, A. (2006). "Deficits, Debt Financing, Monetary Policy and Inflation in Developing Countries: Internal or External Factors? Evidence from Iran", *Journal of Asian Economics* 17.
25. Liu, O. and O. Adedeji (2000). "Determinants of Inflation in the Islamic Republic of Iran -A Macroeconomic Analysis", *IMF Working Paper WP/00/127*.
26. Mehrara, M. and K. N. Oskoui (2007). "The Sources of Macroeconomic Fluctuations in Oil-exporting Countries: A comparative Study", *Economic Modelling* 24(3).
27. Pahlavani, M., E. Wilson and A. Worthington (2005). "Trade-GDP Nexus in Iran: An Application of the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Model", *Faculty of Commerce Papers* 144, University of Wollongong.
28. Salehi Esfahani, H. S., K. Mohaddes and M. H. Pesaran (2009). "Oil Exports and the Iranian Economy", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 53. Issue 3.
29. _____ (2012). "An Empirical Growth Model for Major Oil Exporters", *IZA Discussion Paper No. 6468*.
30. Sargent, T. and N. Wallace (1981). "Some Unpleasant Monetarist Arithmetic. Federal Reserve Bank of Minneapolis", *Quarterly Review*, 5: 1-17.
31. Valadkhani, A. (2006). *Unemployment Conundrum in Iran*, Working Paper 06-15, Department of Economics, University of Wollongong.

ارزیابی کارایی مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۳ با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها

ستار مهربان* و حسین راغفر**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۱/۳

سازمان تأمین اجتماعی با مالکیت بیش از ۱۰ درصد تخت‌های بیمارستانی کشور، در سال ۱۳۹۳ با افزایش ۵۲/۲ درصدی هزینه‌های درمانی روبه‌رو شده است. از سویی مراکز درمانی به عنوان بزرگ‌ترین واحدهای مصرف‌کننده منابع در نظام سلامت عملکرد یکسان و کارایی ندارند. مشخص کردن مراکز ناکارا و تشخیص نقاط ضعف در فرایند عملکرد جهت استفاده مؤثر از منابع و بهبود خدمت‌رسانی حیاتی است. بنابراین هدف، مطالعه ارزیابی کارایی مراکز درمانی سازمان در مقیاس استانی و توصیفی - تحلیلی به صورت مقطعی برای دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ است که از روش تحلیل پوششی داده‌ها^۱ و نرم‌افزار *MaxDEA* استفاده شده است. متوسط کارایی فنی مراکز درمانی تأمین اجتماعی در دوره مورد مطالعه به ترتیب ۰/۹۴۴، ۰/۹۴۵ و ۰/۹۲ است و امکان کاهش در منابع اولیه بدون تغییر در سطح ستانده‌های به‌دست آمده به میزان ۵/۶، ۵/۵ و ۸ درصد وجود دارد. به‌رغم کارایی بالای مراکز درمانی، وجود انباره‌های نامطلوب مخصوصاً در نیروی انسانی، نشان از ناکارایی تخصیصی دارد که باعث افزایش هزینه‌های پرسنلی و درمانی سازمان می‌شود. سازمان باید براساس شاخص‌های استاندارد در حوزه نیروی انسانی همانند پرستار و پزشک به تخت فعال، نیرو جذب کند. استفاده ناکارآمد از تخت فعال نیز باعث کاهش درآمد مراکز و افزایش هزینه‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مراکز درمانی؛ کارایی فنی؛ تحلیل پوششی داده‌ها؛ سازمان تأمین اجتماعی

* کارشناس ارشد اقتصاد سلامت، پژوهشکده مطالعات اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: drsattarm@yahoo.com

** دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛

Email: raghf@alzahra.ac.ir

1. Data Envelopment Analysis (DEA)

مقدمه

سلامت محور توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همه جوامع بشری است و اهمیت ویژه‌ای در زیرساخت بخش‌های مختلف جامعه دارد. ارتقای سلامت، صرف‌نظر از یک وظیفه اخلاقی، مقوله‌ای اجتماعی و اقتصادی است و هر نوع برنامه‌ریزی خدمات بهداشتی، درمانی باید جزئی از نگرش جامع سیاست سلامت بوده و در نهایت بخشی از طرح یکپارچه توسعه پایدار باشد (پوررضا، گودرزی و آزادی، ۱۳۸۸).

یکی از مسائل قابل توجه در کشورهای توسعه‌یافته منابع مورد نیاز بخش بهداشت و درمان است، چرا که بیش از ۵ درصد تولید ناخالص ملی و حدود ۵ الی ۱۰ درصد هزینه‌های دولت به این بخش اختصاص یافته است (کاظمی، احمدکیا دلیری و حق‌پرست، ۱۳۸۸). ازسویی در بین اجزای مختلف سیستم‌های بهداشتی و درمانی، بیمارستان‌ها به‌طور معمول قسمت عمده هزینه‌های بهداشتی و درمانی کشورها را به‌خود اختصاص داده‌اند. دلایل این افزایش هزینه‌ها را می‌توان به فرایند پیری جمعیت که نیازمند مراقبت‌های بهداشتی تشدید می‌شوند که در بیمارستان‌ها ارائه می‌شوند و همچنین هزینه‌های بالای نیروی کار در بازار کار بخش بهداشت و درمان مربوط دانست. عامل دیگر، که ممکن است باعث تشویق رفتارهای ناکارآمد از سوی مدیران و پزشکان بیمارستان شود سیستم‌های پرداخت است که از طریق اصلاحات ساختاری و مقررات می‌توان آنها را بهبود داد. همچنین با توجه به سهم هزینه‌های بیمارستانی از تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته می‌توان به اهمیت اقتصاد این بخش در اقتصاد ملی کشورها پی برد به‌طوری که کره جنوبی ۱/۵، لهستان ۱/۸، اسلواکی ۱/۹، لوکزامبورگ ۲/۱، مکزیک ۲/۴، مجارستان ۲/۶، کانادا ۲/۹، جمهوری چک ۳، استرالیا ۳/۱، آلمان ۳/۲، هلند ۳/۳، پرتغال ۳/۴، سوئیس ۳/۶، فرانسه ۳/۷، ژاپن ۳/۸، دانمارک ۴/۱ و ایالات متحده آمریکا ۴/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در صنعت بیمارستان هزینه کرده‌اند (Blank and Valdmanis, 2007).

به‌رغم منابع اختصاص‌یافته به بیمارستان‌ها و بخش بهداشت مابین رشد منابع قابل دسترس و منابع مورد نیاز این بخش شکاف چشمگیری وجود دارد. این مسئله ضرورت ایجاد منابع اضافی احتمالی و استفاده مؤثرتر از منابع موجود با به‌کارگیری الگوهای تخصیص

منابع و افزایش کارایی مدیریت را مشخص می‌سازد (Evans and et al., 2000). حجم هزینه‌های عملیاتی بیمارستان و ناکارایی نظام بهداشت و درمان موجب برانگیخته شدن سؤالاتی در زمینه چگونگی مصرف منابع در بیمارستان می‌شود. در کشورهای در حال توسعه وقتی مسائل تأمین سرمایه و نیروی انسانی با عدم بهره‌گیری کامل از وسایل و تجهیزات موجود توأم شود که ناشی از روش‌های انجام کار و سنت‌های اداری است میزان کارایی یا بهره‌وری تقلیل یافته و نوعی اتلاف سرمایه و نیروی انسانی را در عین کمبود مطرح می‌سازد (حق پرست، ۱۳۸۲). در کشور ما نیز اخیراً بیمارستان‌ها، مانند دیگر مراکز دولتی، به علت کاهش بودجه جاری و عمرانی تحت فشار قرار گرفته‌اند و این در حالی است که نه تنها تقاضا برای خدمات درمانی در سطح بالایی قرار گرفته بلکه میزان رشد آن با توجه به روند افزایش جمعیت سالمند و کیفیت برنامه‌های بهداشت عمومی بی‌سابقه است. چنین شرایطی محدودیت انکارناپذیری را برای مؤسسات دولتی از جمله بیمارستان‌ها در جهت استفاده از منابع مالی فراهم ساخته و خطر ناتوانایی بیمارستان‌ها برای برآورد ساختن نیازهای درمانی اقشار مختلف مردم را گوشزد می‌کند (آصف‌زاده، ۱۳۷۶).

در بین نهادهای مختلف فعال در بخش سلامت کشور، سازمان تأمین اجتماعی از لحاظ وسعت فعالیت و بزرگی تشکیلات، پس از وزارت بهداشت، دومین نهادی است که خدمات مختلف از جمله خدمات بهداشتی و درمانی، بازنشستگی، مستمری و از کارافتادگی به بیمه‌شدگان تحت پوشش ارائه می‌کند (سپهردوست و رجبی، الف ۱۳۹۱). تأمین اجتماعی ارائه‌دهنده خدمات درمانی به دو صورت نظام درمان مستقیم (مراکز درمانی تحت مالکیت و مدیریت سازمان) و نظام درمان غیرمستقیم (خرید خدمات درمانی و بیمارستانی از دیگر خدمت‌دهندگان) به متقاضیان است (همان). براساس سالنامه آماری تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۳ توزیع درصدی هزینه‌های درمان سازمان به صورت هزینه‌های درمان غیرمستقیم طرف قرارداد ۳۳/۸، هزینه‌های درمان مستقیم بیمارستان‌های طرف قرارداد ۲۹/۸، حقوق و مزایای کارکنان ۲۶/۱، هزینه‌های دارویی و پزشکی ۴/۳، هزینه‌های اداری و عمومی ۳/۵، هزینه‌های درمان اورژانس ۱/۷ و هزینه‌های درمان مستقیم بخش بیمه‌ای و درمان ۰/۸ درصد بوده است (سالنامه‌های آماری تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳-۱۳۹۱).

سازمان تأمین اجتماعی، با تحت پوشش داشتن بیش از ۷۱ درصد جمعیت شهری کشور، برای ایفای تعهدات درمانی خود در سال ۱۳۹۲ نزدیک به ۷۸ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۹۳ بیش از ۱۱۸ هزار میلیارد ریال هزینه کرد داشته است که رشد هزینه‌ها در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل برابر با ۵۲/۲ درصد است. همچنین در سال ۱۳۹۴ هزینه‌های درمانی این بخش به بیش از ۱۶۱ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است که نشان از رشد ۳۶/۵ درصدی هزینه‌ها نسبت به سال ۱۳۹۳ دارد (همان، ۱۳۹۴-۱۳۹۲). رشد حدود ۳۶/۵ درصد مصارف درمانی سازمان در سال ۱۳۹۴ در شرایطی صورت گرفته است که منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی نیز همانند سایر بیمه‌های درمانی براساس متوسط رشد حقوق و دستمزدهای بیمه‌شدگان افزایش می‌یابد که این افزایش در سال ۱۳۹۴ کمتر از ۱۷ درصد بیان شده است (فضائلی، ۱۳۹۴). مراکز درمانی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از نهادهای مهم ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی و درمانی بخش سلامت، سهم بسیاری از تولید ناخالص ملی و بودجه مراقبت‌های بهداشتی را به‌خود اختصاص داده‌اند و در اقتصاد سلامت جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، لذا لازم است اقدام جدی در زمینه بهره‌برداری مناسب از این تشکیلات سازمانی در جهت کاهش اتلاف منابع و بهبود کارایی انجام شود (فروتن و همکاران، ۱۳۹۴). از آنجا که وجود تفاوت‌هایی در نحوه عملکرد و کارایی مراکز درمانی انکارناپذیر است، یک روش مهم و مؤثر برای بهبود و بازسازی آنها، مشخص ساختن ابعادی است که عملکرد به‌طور نسبی در آنها غیر کاراست (آصف‌زاده، ۱۳۷۶). از این رو مراکز درمانی به‌عنوان بنگاه اقتصادی، جهت استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود، ناگزیر از به‌کارگیری تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی است. اندازه‌گیری کارایی مراکز درمانی ابزاری ضروری برای بهبود مدیریت، بسیج کردن منابع و منطقی نمودن تخصیص منابع است (Magnussen, 1996). مطالعه تطبیقی کارایی مراکز درمانی این امکان را برای مدیران فراهم می‌سازد تا تحلیل صحیحی از داده‌ها و ستانده‌ها داشته و در این راستا با به‌کارگیری الگوی علمی و متدولوژی صحیح در افزایش سطح کارایی مؤثر واقع شوند. بنابراین بررسی اقتصادی بهداشتی و درمانی به جهت کنترل هزینه‌ها، تحلیل عملکرد هزینه‌ها و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای افزایش کارایی،

اثر بخشی، تخصیص بهینه منابع و بهبود کیفیت خدمات، ضرورت خاصی خواهد داشت (حق پرست، ۱۳۸۲). در ادامه ساختار مطالعه به این صورت تدوین شده است که در ابتدا گزیده‌های از نتایج مطالعات داخلی و خارجی در ارتباط با کارایی مراکز درمانی و بیمارستان‌ها بیان می‌شود. سپس به بحث مبانی نظری و روش تحقیق پرداخته خواهد شد. در پایان نیز نتایج حاصله، آنالیز حساسیت و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان شده است.

۱. پیشینه تحقیق

جدول ۱. گزیده‌های از مطالعات داخلی و خارجی در ارتباط با ارزیابی عملکرد مراکز درمانی

گزیده‌های از نتایج مطالعه	نمونه مورد مطالعه	روش مورد استفاده	محقق و سال مطالعه
میانگین کارایی فنی در استان‌های با توسعه انسانی پایین و متوسط برای دو گروه بیمارستان‌های بزرگ و کوچک (به ترتیب ۰/۹۳۷ و ۰/۹۱۲) بیشتر از میانگین کارایی فنی استان‌های با توسعه انسانی بالا بوده است (۰/۸۸۷ و ۰/۸۷۰).	۶۵ بیمارستان ملکی تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۸ متغیر	سپهر دوست و رجبی (ب) (۱۳۹۱)
بیمارستان‌های سازمان در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ می‌توانستند به ترتیب ۵، ۶/۷، ۵/۲، ۴/۷ و ۵ درصد از منابع ورودی خود را کاهش دهند و باز هم به همان سطح از ستانده‌های قبلی خود دست یابند.	۶۴-۶۶ بیمارستان ملکی تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹	تحلیل پوششی داده‌ها، تحلیل مرزی تصادفی ^۱ تابع تولید مطلوبیت مرزی ^۲ مجموع داده و ستانده ۱۳ متغیر	مهربان سال (۱۳۹۰)
متوسط کارایی فنی بیمارستان‌ها در طی ۳ سال ۰/۹۵۸ بوده است ۶۰ درصد بیمارستان‌ها در طی دوره کارایی کامل را داشته‌اند.	۶۴ بیمارستان ملکی تأمین اجتماعی در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۷	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۸ متغیر	حاتم و همکاران (۱۳۹۲)

1. Stochastic Frontier Analysis (SFA)

2. Utility Frontier Production Function (UFPF)

سال مطالعه	محقق و سال مطالعه	روش مورد استفاده	نمونه مورد مطالعه	گزیده‌ای از نتایج مطالعه
۱۳۸۸	علی محمدی اردکانی و همکاران	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۶ متغیر	۱۲ بیمارستان آموزشی علوم پزشکی یزد	۴۱ درصد از بیمارستان‌های مورد مطالعه کارایی فنی کامل داشته‌اند. کمترین میزان کارایی نیز برابر ۴۷/۱ به دست آمده است.
۱۳۸۸	پوررضا، گودرزی و آزادی	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۸ متغیر	۱۲ بیمارستان علوم پزشکی تهران	ظرفیت ارتقای کارایی در بیمارستان‌های مورد بررسی بدون هیچگونه افزایشی در هزینه‌ها و به کارگیری همان میزان از نهاده‌ها چیزی حدود ۳ درصد می‌باشد.
۱۳۸۸	عالم تبریزی و ایمانی‌پور	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۹ متغیر	۱۶ بیمارستان آموزشی علوم پزشکی شهید بهشتی	در سال ۱۳۸۴، ۴۳/۷۵ درصد، در سال ۱۳۸۵، ۳۱/۲۵ درصد و در سال ۱۳۸۶، ۳۷/۵ درصد از بیمارستان‌ها کارا بودند.
۱۳۹۱	صفی آریان و شاه حسینی	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۹ متغیر	۱۶ بیمارستان تابعه دانشگاه علوم پزشکی همدان	مهم‌ترین عامل عدم کارایی تکنیکی در بیمارستان‌ها عدم استفاده صحیح از تخت و پایین بودن تخت روزاشغالی بوده است.
۱۳۸۵	قادری، گودرزی و گوهری	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۸ متغیر	۲۶ بیمارستان علوم پزشکی ایران	ظرفیت ارتقای کارایی فنی در بیمارستان‌های مورد بررسی به میزان ۱۰ درصد وجود دارد. بازدهی ثابت نسبت به مقیاس بر فرایند تولید حاکم است. تولید خدمات بیمارستانی، فعالیت اقتصادی سرمایه‌بر است.
۲۰۱۴	جهو آپی ^۱ و همکاران	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۸ متغیر	۱۲۸ بیمارستان در کشور غنا	۲۴ درصد بیمارستان‌ها دارای کارایی فنی کامل بودند. بیمارستان‌های عمومی کمترین میزان کارایی را داشتند. برای برخی بیمارستان‌های ناکارا امکان کاهش ۷۹ تا ۷۰ درصدی منابع ورودی وجود دارد.
۲۰۱۵	بوانا و گواهولا ^۲	تحلیل پوششی داده‌ها مجموع داده و ستانده ۷ متغیر	۱۸ بیمارستان آموزشی در تانزانیا	متوسط کارایی مقیاس ۸۲/۴ درصد بوده است. ۱۴ بیمارستان از مجموع ۱۸ بیمارستان از مرز کارا فاصله بسیاری دارند.

1. Jehu-Appiah

2. Bwana and Gwahula

گزیده‌ای از نتایج مطالعه	نمونه مورد مطالعه	روش مورد استفاده	محقق و سال مطالعه
متوسط کارایی فنی، مدیریتی و مقیاس بیمارستان‌ها در دوره مطالعه برابر با ۰/۸۷، ۰/۹۷۱ و ۰/۹۰۷ به دست آمده است. متوسط کارایی فنی با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی برابر با ۰/۳۸۹ بوده است.	۱۹ بیمارستان علوم پزشکی تهران	تحلیل پوششی داده‌ها و تحلیل مرزی تصادفی دقیقاً قید نشده است.	رضاپور و همکاران (۲۰۱۵)
میزان کارایی تکنیکی ۰/۹۶ برای دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۶ و ۰/۹۴ برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۹ با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها. کارایی فنی بیمارستان‌های ایالتی و ناحیه‌ای مورد مطالعه با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی در طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۵ به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶ بوده است.	۳۵ بیمارستان ناحیه‌ای و ایالتی در ایرلند	تحلیل پوششی داده‌ها و تحلیل مرزی تصادفی مجموع داده و ستانده متغیر	گانون ^۱ (۲۰۰۵)
کارایی اقتصادی از روش تحلیل فراگیر داده‌ها به میزان ۰/۸۶ بیشتر از کارایی اقتصادی به دست آمده از روش تحلیل مرزی تصادفی به میزان ۰/۸۳ است.	۳۸ بیمارستان ایالت ویکتورین آلمان	تحلیل پوششی داده‌ها و تحلیل مرزی تصادفی مجموعه داده و ستانده با نهاده‌های قیمتی ۱۰ متغیر	مورتایمر و پیکوک ^۲ (۲۰۰۲)

۲. مبانی نظری و روش تحقیق

اندازه‌گیری و ارزیابی کارایی با روش‌های مختلفی انجام می‌شود. اغلب مطالعاتی که در زمینه کارایی صورت می‌گیرد، از روش تجزیه و تحلیل نسبت‌ها استفاده شده است. در این روش میزان کارایی با کسری که صورت آن ستانده و مخرج آن نهاده تولید است، نشان داده می‌شود. از آنجا که این روش برای اندازه‌گیری کارایی بین یک داده و یک ستانده مورد استفاده قرار می‌گیرد، در مواقعی که موضوع مورد بررسی به برقراری ارتباط بین یک داده و چند ستانده یا چند داده و چند ستانده مربوط می‌شود با محدودیت روبه‌رو می‌شود (Magnussen, 1996).

با توجه به اینکه مرکز بهداشتی و درمانی، سازمانی است که به‌طور همزمان با چند

1. Gannon

2. Mortimer and Peacock

داده و ستانده روبه‌روست، بنابراین سنجش کارایی در آن با این روش به تنهایی پاسخگو نیست. تحلیل پوششی داده‌ها یک مدل تحلیل بهره‌وری چند عامله برای اندازه‌گیری کارایی نسبی مجموعه همگنی از واحدهای تصمیم‌گیرنده است، در واقع تحلیل پوششی داده‌ها یک روش برنامه‌ریزی ریاضی خطی غیرپارامتریک است که برای تخمین مرز هزینه یا تولید به کار می‌رود (عبادی‌فرد آذر و رضاپور، ۱۳۹۰). روش تحلیل پوششی داده‌ها^۱ حالت چند محصولی و چند عامل تولیدی را به صورت ابتکاری، به حالت ساده یک عاملی و یک محصولی تبدیل می‌کند. اگر اطلاعات در مورد K عامل تولید و M محصول برای هر کدام از N بنگاه وجود داشته باشد، فرایند محاسبه به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Max} \frac{u'y_i}{v'x_i} \quad (1)$$

صورت کسر مجموع وزنی محصولات می‌باشد و مخرج کسر نیز مجموع وزنی عوامل تولید است به طوری که:

$$\frac{u'y_j}{v'x_j} \leq 1 \quad j = 1, \dots, N \quad (2)$$

$$u \geq 0, v \geq 0$$

در رابطه بالا U یک بردار $M \times 1$ شامل وزن‌های محصولات و V یک بردار $K \times 1$ شامل وزن‌های عوامل تولید و U' و V' ترانسپوز U و V است. ماتریس X یک ماتریس $K \times N$ از عوامل تولید و ماتریس Y یک ماتریس $M \times N$ از محصولات است. این دو ماتریس نشان‌دهنده اطلاعات مربوط به N بنگاه خواهد بود. در رابطه فوق، هدف به‌دست آوردن مقادیر بهینه U و V است به گونه‌ای که نسبت کل مجموع وزنی محصولات به مجموع وزنی عوامل تولید (میزان کارایی هر بنگاه) حداکثر شود مشروط بر اینکه، اندازه کارایی هر بنگاه بایستی کوچک‌تر یا مساوی واحد باشد. رابطه کسری بالا بی‌شمار راه حل بهینه دارد. این مدل غیرخطی و غیرمحدب است. این مشکل با قرار دادن مخرج کسر مساوی ۱ به برنامه‌ریزی خطی تبدیل می‌گردد. این محدودیت $v'X_i = 1$ نیز

۱. محققان برای آشنایی بیشتر با روش تحلیل پوششی داده‌ها به کتاب اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری (علمی و کاربردی) دکتر علی امامی میبیدی مراجعه کنند.

به‌عنوان قید دیگری به مدل اضافه شد. این تبدیل، ابتکار عمل روش چارنز، کوپر و رودس^۱ بود. در این روش مسئله به صورت حداکثر نمودن مجموع وزن‌های محصول در شرایط نرمالیزه شدن کل مجموع وزن‌های عوامل تولید و حفظ سایر قیود تبدیل می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{Max} \quad & \mu'Y_i \\ & v'X_i = 1 \quad j = 1, \dots, N \\ & \mu'Y_i - v'X_i \leq 0 \quad \mu \geq 0, v \geq 0 \end{aligned} \quad (۳)$$

به‌دلیل تبدیل خطی به‌جای علامت U و V علائم μ و v به‌کار برده شده‌اند. مسئله اخیر را می‌توان با استفاده از روش‌های رایج برنامه‌ریزی خطی حل کرد به‌طوری که از مزایای تبدیل دوگان و محاسبات آن بهره‌جست. در برنامه‌ریزی خطی عموماً تحمیل قیود کمتر حل مسئله را آسان‌تر می‌کند. فرم دوگان در واقع میزان کارایی فنی (θ) برای هر بنگاه را به تفکیک ارائه می‌کند:

$$\begin{aligned} \text{Min} \quad & \theta \\ & -y_i + Y\lambda \\ & \theta X_i - X\lambda \geq 0 \\ & \lambda \geq 0 \end{aligned} \quad \begin{array}{l} \text{به‌طوری که:} \\ \\ \\ \end{array} \quad (۴)$$

مقادیر اسکالر به‌دست آمده برای θ کارایی بنگاه‌ها خواهد بود که شرط $\theta \leq 1$ را تأمین می‌کند. در رابطه فوق اولین قید بیان می‌دارد که آیا مقادیر واقعی محصول تولید شده توسط بنگاه i ام با استفاده از عوامل تولید مورد استفاده، می‌تواند بیش از این باشد؟ محدودیت دوم دلالت بر این دارد که عوامل تولیدی که توسط بنگاه i ام به‌کار می‌روند، حداقل بایستی به اندازه عوامل به‌کار رفته توسط بنگاه مرجع باشند. مدل برنامه‌ریزی خطی لازم است N بار و هر مرتبه برای یکی از بنگاه‌ها حل شود. در نتیجه میزان θ یا کارایی فنی برای هر بنگاه به‌دست خواهد آمد. اگر $\theta = 1$ باشد، نشان‌دهنده نقطه‌ای روی منحنی هم‌مقداری تولید و یا تابع تولید مرزی است و بنابراین طبق نظر فارل، بنگاه دارای کارایی نسبی صد درصد می‌باشد.

بانکر، چارنز و کوپر^۲ مدل چارنز، کوپر و رودس را به‌گونه‌ای بسط دادند که بازده متغیر نسبت به مقیاس را دربرگیرد. استفاده از فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس، زمانی که

1. Charnes, Cooper and Rhodes (CCR)

2. Banker, Charnes and Cooper

تمام بنگاه‌ها در مقیاس بهینه فعالیت نمی‌کنند مقادیر محاسبه شده برای کارایی فنی (با دربرداشتن کارایی مقیاس) تحلیل را دچار اختلال می‌کند. استفاده از بازده متغیر نسبت به مقیاس موجب می‌شود با محاسبه کارایی فنی برحسب مقادیر ناشی از مقیاس و کارایی ناشی از مدیریت، تحلیل بسیار دقیقی ارائه شود. انجام این مهم در فرموله کردن مسئله دوگان برنامه‌ریزی خطی با فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس به وسیله اضافه نمودن محدودیت $NI'\lambda = 1$ (قید تحدب) به برنامه‌ریزی خطی قبلی، محاسبات با فرض بازده متغیر نسبت به مقیاس انجام می‌شود (امامی میدی، ۱۳۸۴).

$Min \theta$

$$-y_i + Y\lambda \quad (5)$$

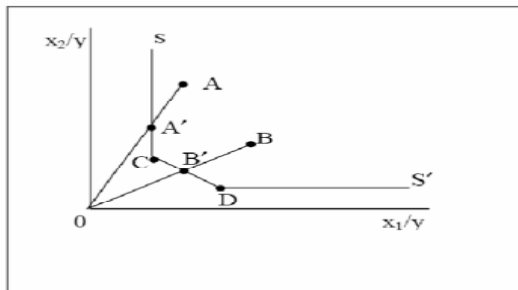
$$\theta X_i - X\lambda \geq 0$$

$$NI'\lambda = 1$$

$$\lambda \geq 0$$

قید محدب بودن اساساً این امر را تأمین می‌کند که یک بنگاه ناکارا تنها در مقابل بنگاه‌هایی با اندازه مشابه محک‌زنی می‌شود. این محدودیت در حالت چارنر، کوپر و رودس وجود ندارد. از این رو یک بنگاه در این رویکرد می‌تواند در مقیاس بنگاه‌هایی که تا حد زیادی بزرگ‌تر (کوچک‌تر) هستند مقایسه شود (Coelli and et al., 2005).

نمودار ۱. منحنی تولید یکسان شکسته محدب خطی



فرم خطی شکسته تابع مرزی در تحلیل پوششی داده‌ها می‌تواند مشکلات موجود در اندازه‌گیری را توجیه کند. این موضوع را می‌توان با استفاده از نمودار ۱ مشاهده کرد. در

این نمودار دو بنگاه تولید C و D به دلیل قرار گرفتن بر مرز تولید، کارا می‌باشند و میزان کارایی آنها به ترتیب برابر با OA'/OA و OB'/OB است. اما نقطه‌ای مانند A' با وجود قرار گرفتن بر مرز تولید، کارا نیست چرا که می‌توان میزان استفاده از نهاده X_2 را به میزان CA' کاهش داد اما همچنان تولید در همان مقدار قبلی خود باقی بماند. CA' به عنوان مازاد نهاده یا انباره‌های نامطلوب در ادبیات اقتصاد تولید شناخته می‌شود.

مدل تحلیل فراگیر داده‌ها با فرض بازدهی متغیر نسبت به مقیاس قادر است کارایی مقیاس و کارایی فنی خالص (مدیریتی) را از هم تفکیک کند. به عبارت دیگر با استفاده از برنامه‌ریزی خطی با فرض بازدهی متغیر نسبت به مقیاس، کارایی فنی به دو جزء کارایی خالص و کارایی مقیاس تجزیه می‌شود (امامی میبدی، ۱۳۸۴).

در مطالعات مربوط به تحلیل پوششی داده‌ها، یکی از نکات کلیدی انتخاب بهینه تعداد واحدهای مورد مطالعه است. در این اصل رویکردهای غالب عبارت‌اند از:

1. $N \geq \max (In * Ou)$
2. $N \geq 3 (In + Ou)$ (۶)
3. $N \geq 2 (In + Ou)$
4. $N \geq 2 (In * Ou)$

در روابط بالا، N تعداد بنگاه یا واحد مورد مطالعه، In مربوط به نهاده و Ou مربوط به ستانده است. در صورتی که تعداد بنگاه‌ها، کمتر از حد بهینه باشد اکثر واحدهای مورد مطالعه کارایی کامل را به دست می‌آورند و نتایج قابلیت اتکای لازم را نخواهد داشت (Cooper, Seiford and Tone, 2007; Dyson and et al., 2001; Golany and Roll, 1989; Bowlin, 1998; Boussofiane, Dyson and Thanassoulis, 1991). نکته کلیدی دوم، نوع نگرش نسبت به داده‌ها و ستانده‌ها می‌باشد که بسیار حائز اهمیت است. اگر داده‌ها و ستانده‌ها قابلیت غیرکنترلی^۱ یا غیرمطلوب بودن^۲ را دارا باشند باید به صورت برون‌زا در مدل‌سازی مطالعه، قید شوند. اگر این شرایط در چارچوب اولیه رعایت نگردد ستانده‌های با اثرگذاری مطلوب همانند ضریب اشغال تخت با ستانده‌های نامطلوب همانند مرگ‌ومیر

1. Uncontrollable
2. Undesirable

بیمارستانی به صورت برابر وارد مطالعه می‌شوند و نتایج گمراه‌کننده‌ای به دست خواهد آمد. این اثر دوگانه در ارتباط با ورودی‌ها نیز وجود دارد^۱ (Cooper, Seiford and Tone, 2007).

انتخاب ورودی محور یا خروجی محور بودن در سنجش کارایی فنی: در رویکرد ورودی محور، هدف کاستن از منابع اولیه بدون کاهش در ستانده‌های به دست آمده است. اما در رویکرد خروجی محور، هدف افزایش میزان ستانده‌ها با توجه به ورودی‌های در اختیار واحد تولیدی می‌باشد (امامی میبدی، ۱۳۸۴). در این مطالعه از رویکرد ورودی محور استفاده می‌شود. مقدار ناکارایی فنی بنگاه‌ها نیز با کسر مقدار کارایی هر بنگاه از عدد ۱ به دست می‌آید. همچنین این مقدار ناکارایی فنی مترادف با کاهش کلی در منابع اولیه در اختیار بنگاه بدون تغییر در سطح ستانده‌های تولید است.

هدف مطالعه: ارزیابی کارایی فنی نسبی مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها در استان‌های کشور است. نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی، مقطعی و گذشته‌نگر می‌باشد که از مطالعات کاربردی است. وضعیت کارایی مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی براساس مقادیر کارایی فنی، کارایی فنی خالص یا مدیریتی، کارایی مقیاس و نوع بازدهی نسبت به مقیاس توصیف می‌شود. برای مقایسه و تحلیل عملکرد نیز از شاخص مرکزی همچون میانگین، درصد و فراوانی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از سالنامه‌های آماری سازمان تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ استخراج شده است. در ادامه به نحوه انتخاب استان‌ها، داده‌ها و ستانده‌ها پرداخته می‌شود.

ملاک‌های ورود و خروج استان‌ها در مطالعه: در این مطالعه از روش سرشماری استفاده شده و تمام استان‌های کشور که سازمان تأمین اجتماعی در آنها دارای مراکز ملکی بود مورد ارزیابی قرار گرفت. در سال ۱۳۹۱، وضعیت ۳۰ استان بررسی شد، زیرا در استان‌های قم و ایلام وضعیت عملکردی ستانده‌های انتخاب شده مشخص نبود. در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، استان قم نیز در مطالعه گنجانده شد و تعداد استان‌ها به عدد ۳۱ افزایش یافت. با تعداد استان‌های انتخاب شده، هر چهار رویکرد در ارتباط با تعداد بهینه بنگاه‌ها رعایت شده است.

۱. در خیلی از مطالعات داخلی اصل‌های مرتبط با انتخاب تعداد بهینه بنگاه‌ها و دسته‌بندی نوع نهاده‌ها و ستانده‌ها رعایت نشده است.

ملاک‌های انتخاب نهاده‌ها و ستانده‌ها در مطالعه: با توجه به اینکه در هر سه سال مورد ارزیابی، تعداد استان‌ها حداقل ۳۰ می‌باشد مجموعاً هشت متغیر در غالب داده و ستانده براساس ادبیات مدیریت بیمارستان‌ها، اقتصاد سلامت و سنجش کارایی در این حوزه انتخاب شد که در جدول ۲ نمایش داده شده است. نهاده‌ها و ستانده‌هایی انتخاب شده است که اثرگذاری مطلوب را داشته باشند و بتوان براساس آنها کارایی استان‌ها را مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار داد.

جدول ۲. ورودی‌ها و ستانده‌های انتخاب شده جهت مطالعه

ورودی یا نهاده تولید	ستانده‌ها
تعداد کادر پزشکی (عمومی، متخصص، دندانپزشک و داروساز)	تعداد بستری‌شدگان
تعداد کادر پرستاری ^۱ (گروه پرستاران طبق تعریف وزارت بهداشت)	تعداد مراجعات سرپایی (به گروه پزشکان و مراکز پاراکلینیکی)
تعداد تخت فعال	تعداد اعمال جراحی (اعمال جراحی بزرگ، متوسط و کوچک)
تعداد پرسنل پاراکلینیکی ^۲	
تعداد سایر پرسنل در حوزه‌های اداری، مالی، خدمات و سایر رشته‌های بهداشتی درمانی	

مجموع ستانده‌ها و نهاده‌های تولیدی در اختیار مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی برای هر استان در سال مورد مطالعه تجمیع شد تا امکان مقایسه کارایی در سطح استان‌ها در حوزه درمان مستقیم وجود داشته باشد. ذکر این نکته در ارتباط با کیفیت داده‌ها الزامی است که به علت نبود اطلاعات مربوط به ضرایب جراحی در سالنامه‌های آماری سازمان تأمین اجتماعی، مجموع اعمال جراحی بزرگ، متوسط و کوچک تحت عنوان تعداد اعمال جراحی به کار گرفته شد. در صورت فراهم بودن آمار مربوط به ضرایب یا K جراحی به

۱. براساس تعریف وزارت بهداشت از گروه کادر پرستاری و همچنین دسته‌بندی موجود در سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی.

۲. براساس تعریف وزارت بهداشت از گروه پرسنل پاراکلینیکی شامل آزمایشگاه، رادیولوژی، فیزیوتراپی و ... همچنین دسته‌بندی موجود در سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی.

تفکیک، این امکان وجود داشت تا از میانگین وزنی آنها استفاده شود و نتایج کارایی را با دقت بیشتری محاسبه کرد. در مورد متغیرهای کادر پزشکی، کادر پرستاری، پرسنل پاراکلینیکی و رده‌های اداری نیز از تعاریف وزارت بهداشت استفاده شده است. در مورد این متغیرها نیز در صورت بالا بودن تعداد نمونه مورد مطالعه می‌توان با تفکیک بیشتر این گروه‌ها در غالب نهاده‌های جداگانه همچون پزشکان عمومی و متخصص، پرستاران و کمک پرستاران به بهبود نتایج و افزایش دقت تخمین‌ها دست یافت. در ادامه به بررسی نتایج به‌دست آمده در سال‌های مورد مطالعه به صورت سال به سال پرداخته می‌شود زیرا فرض اساسی مطالعات سنجش کارایی با رویکرد ایستا، بررسی عملکرد واحدها در یک واحد زمانی مشخص می‌باشد و تنها امکان مقایسه کارایی واحدها در آن سال وجود دارد. برای به‌دست آوردن مقادیر کارایی گزارش شده در قسمت نتایج از نرم‌افزار MAXDEA نسخه ۶/۴ استفاده شده است.

۳. نتایج حاصل از تحلیل پوششی داده‌ها

جدول ۳. کارایی نسبی در حوزه درمان تأمین اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۱

استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی	استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی
فارس	۰/۷۹۳	۰/۸۶۳	۰/۹۲	کاهنده	البرز	۱	۱	۱	ثابت
کرمان	۰/۷۹۴	۰/۹۰۶	۰/۸۷۶	کاهنده	چهارمحال بختیاری	۱	۱	۱	ثابت
کاشان	۰/۸۱۹	۱	۰/۸۱۹	فزاینده	خراسان جنوبی	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان شرقی	۰/۸۴۶	۰/۹۲۹	۰/۹۱۱	کاهنده	خوزستان	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان غربی	۰/۸۴۹	۰/۹۱	۰/۹۳۴	کاهنده	زنجان	۱	۱	۱	ثابت
مرکزی	۰/۸۷	۰/۹۵۲	۰/۹۱۴	کاهنده	سمنان	۱	۱	۱	ثابت
یزد	۰/۸۸۲	۰/۹۶	۰/۹۱۹	کاهنده	سیستان و بلوچستان	۱	۱	۱	ثابت
هرمزگان	۰/۸۹۴	۰/۹۹۳	۰/۹۰۱	کاهنده	قزوین	۱	۱	۱	ثابت
تهران	۰/۹۰۸	۱	۰/۹۰۸	کاهنده	کردستان	۱	۱	۱	ثابت

استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی	استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی
گیلان	۰/۹۱۹	۰/۹۹	۰/۹۲۸	کاهنده	کهکیلویه و بویراحمد	۱	۱	۱	ثابت
اصفهان	۰/۹۲۲	۱	۰/۹۲۲	کاهنده	گلستان	۱	۱	۱	ثابت
بوشهر	۰/۹۲۵	۱	۰/۹۲۵	کاهنده	لرستان	۱	۱	۱	ثابت
کرمانشاه	۰/۹۲۷	۱	۰/۹۲۷	کاهنده	مازندران	۱	۱	۱	ثابت
خراسان شمالی	۰/۹۷۱	۱	۰/۹۷۱	فزاینده	همدان	۱	۱	۱	ثابت
خراسان رضوی	۰/۹۸۹	۱	۰/۹۸۹	کاهنده	میانگین کارایی	۰/۹۴۴	۰/۹۸۳	۰/۹۵۹	
اردبیل	۰/۷۹۳	۰/۸۶۳	۰/۹۲	کاهنده					

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در سال ۱۳۹۱ اطلاعات مربوط به داده - ستانده ۳۰ استان در حوزه درمان تأمین اجتماعی جمع‌آوری شد. میانگین کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس برای مجموع استان‌ها در این سال به ترتیب ۰/۹۴۴، ۰/۹۸۳ و ۰/۹۵۹ بود که نشان از درجه بالای کارایی برای این واحدهای استانی در حوزه درمانی سازمان است. امکان بهبود کارایی به‌طور میانگین برای حوزه درمان تأمین اجتماعی بدون افزایش در هزینه‌ها یا به‌کارگیری منابع بیشتر به ترتیب ۵/۶، ۱/۷ و ۴/۱ درصد برای کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس می‌باشد یا از نقطه نظر تعدیل نیرو و امکانات، می‌توان ۵/۶ درصد از ورودی‌ها را کاهش داد ولی بازهم حداقل به همان سطح از ستانده‌ها دست یافت. از مجموع ۳۰ استان در این سال ۱۴ استان (۴۶/۶ درصد) از لحاظ هر سه نوع کارایی یاد شده در مقیاس بهینه و کارا عمل می‌کنند و دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس می‌باشند به‌طوری که در صورت افزایش (کاهش) یک درصد در کلیه منابع، تولید نیز به اندازه یک درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. از سوی دیگر از بین ۱۶ استان باقی‌مانده که به صورت ناکارا از لحاظ فنی فعالیت می‌کنند ۷ استان به لحاظ مدیریتی در مقیاس بهینه و کارا فعالیت می‌کنند. کارایی مقیاس نیز نتیجه تقسیم کارایی فنی بر کارایی مدیریتی است که جهت بهبود آن باید هر دو

میزان کارایی فنی و کارایی مدیریتی را افزایش داد تا بنگاه یا مراکز درمانی استانی بتوانند در مقیاس بهینه خود فعالیت کنند. از مجموع ۳۰ استان، ۱۴ استان دارای کارایی فنی ۱، ۷ استان دارای کارایی فنی ۰/۹ تا ۱، ۶ استان دارای کارایی فنی ۰/۸ تا ۰/۹ و ۳ استان کرمان، فارس و اردبیل نیز دارای کارایی فنی کمتر از ۰/۸ می‌باشند. کمترین میزان کارایی فنی مربوط به استان‌های فارس و اردبیل است که برابر با ۰/۷۹۳ است و مدیریت درمان این استان می‌تواند ۲۰/۷ درصد از منابع ورودی کلی خود را بکاهد تا به همین سطح از ستانده‌ها دست یابد یا برعکس با استفاده از این منابع جهت افزایش ستانده‌های خود برنامه‌ریزی کند. اما به لحاظ نوع بازدهی نسبت به مقیاس ۱۴ استان دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس بودند و ۱۴ استان دارای بازدهی کاهنده نسبت به مقیاس و تنها دو استان کاشان و خراسان شمالی دارای بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس است. مراکز درمانی استانی که دارای بازدهی کاهنده نسبت به مقیاس هستند باید میزان استفاده خود از منابع را کاهش دهند زیرا برای این واحدها افزایش هزینه‌ها به دلیل به کارگیری منابع، بیشتر از افزایش درآمد کل خواهد بود و احتمال فزونی هزینه‌ها نسبت به درآمدها وجود دارد.

جدول ۴. کارایی فنی نسبی در حوزه درمان تأمین اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۲

استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی	استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی
قم	۰/۷۲۱	۰/۹۳۷	۰/۷۷	فزاینده	بوشهر	۱	۱	۱	ثابت
فارس	۰/۷۹۱	۰/۸۰۴	۰/۹۸۴	کاهنده	چهارمحال بختیاری	۱	۱	۱	ثابت
کرمان	۰/۸	۰/۹۲۶	۰/۸۶۴	کاهنده	خراسان جنوبی	۱	۱	۱	ثابت
کاشان	۰/۸۱۲	۱	۰/۸۱۲	فزاینده	خراسان رضوی	۱	۱	۱	ثابت
تهران	۰/۸۵۱	۱	۰/۸۵۱	کاهنده	خوزستان	۱	۱	۱	ثابت
خراسان شمالی	۰/۸۸	۱	۰/۸۸	فزاینده	زنجان	۱	۱	۱	ثابت
یزد	۰/۹۰۴	۰/۹۰۴	۱	ثابت	سمنان	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان غربی	۰/۹۰۸	۰/۹۰۹	۱	ثابت	سیستان و بلوچستان	۱	۱	۱	ثابت

استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی	استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی
مازندران	۰/۹۰۸	۰/۹۹۳	۰/۹۱۴	کاهنده	قزوین	۱	۱	۱	ثابت
گلستان	۰/۹۱۴	۰/۹۴۲	۰/۹۷	کاهنده	کردستان	۱	۱	۱	ثابت
کرمانشاه	۰/۹۱۹	۰/۹۶	۰/۹۵۷	فزاینده	گیلان	۱	۱	۱	ثابت
اصفهان	۰/۹۳۱	۱	۰/۹۳۱	کاهنده	لرستان	۱	۱	۱	ثابت
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۹۶۴	۱	۰/۹۶۴	فزاینده	مرکزی	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان شرقی	۰/۹۸۸	۱	۰/۹۸۸	کاهنده	هرمزگان	۱	۱	۱	ثابت
اردبیل	۱	۱	۱	ثابت	همدان	۱	۱	۱	ثابت
البرز	۱	۱	۱	ثابت	میانگین کارایی	۰/۹۴۵	۰/۹۸	۰/۹۶۴	

مأخذ: همان.

در سال ۱۳۹۲ با ورود استان قم به مطالعه اطلاعات مربوط به داده - ستانده ۳۱ استان جمع آوری شد. میانگین کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس برای حوزه درمان تأمین اجتماعی در مراکز درمانی ملکی در این سال به ترتیب ۰/۹۴۵، ۰/۹۸ و ۰/۹۶۴ بود که همانند سال ۱۳۹۱ نشان از درجه بالای کارایی برای این واحدهای استانی است. امکان بهبود کارایی به طور میانگین برای حوزه درمان تأمین اجتماعی بدون افزایش در هزینه‌ها یا به کارگیری منابع بیشتر به ترتیب ۵/۵، ۲ و ۳/۶ درصد برای کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس است یا از نقطه نظر تعدیل نیرو و امکانات، می‌توان ۵/۵ درصد از نهاده‌های تولید را کاهش داد ولی بازهم حداقل به همان سطح از ستانده‌ها دست یافت. در استان‌های قم، کاشان، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و کرمانشاه، مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی دارای بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس می‌باشند و ۱۷ استان دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس بوده است. از مجموع ۳۱ استان در این سال ۱۷ استان (۵۴/۸ درصد) از لحاظ هر سه نوع کارایی یاد شده در مقیاس بهینه و کارا عمل می‌کنند و دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس می‌باشند به طوری که در صورت افزایش (کاهش) یک درصد در کلیه منابع، تولید نیز به

اندازه یک درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. در سال ۱۳۹۲ کمترین میزان کارایی فنی مربوط به استان قم است که برابر با ۰/۷۲۱ است و مدیریت درمان این استان می‌تواند ۲۸/۹ درصد از منابع ورودی کلی خود را بکاهد تا به همین سطح از ستانده‌ها دست یابد یا برعکس با استفاده از این منابع جهت افزایش ستانده‌های خود برنامه‌ریزی کند.

جدول ۵. کارایی فنی نسبی در حوزه درمان تأمین اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۳

استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی	استان	کارایی فنی	کارایی مدیریتی	کارایی مقیاس	نوع بازدهی
فارس	۰/۶۸۳	۰/۷۷۷	۰/۸۷۹	کاهنده	کاشان	۰/۹۴۱	۱	۰/۹۴۱	فزاینده
قم	۰/۷۰۵	۰/۷۳۳	۰/۹۶۲	فزاینده	هرمزگان	۰/۹۵۴	۰/۹۹۱	۰/۹۶۲	فزاینده
تهران	۰/۸۱۳	۱	۰/۸۱۳	کاهنده	خراسان رضوی	۰/۹۶۱	۱	۰/۹۶۱	کاهنده
مازندران	۰/۸۱۸	۰/۹۳۸	۰/۸۷۳	کاهنده	اردبیل	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان شرقی	۰/۸۲	۰/۸۸	۰/۹۳۳	کاهنده	البرز	۱	۱	۱	ثابت
بوشهر	۰/۸۴	۰/۹۸۹	۰/۸۴۹	کاهنده	چهارمحال بختیاری	۱	۱	۱	ثابت
خراسان شمالی	۰/۸۴۳	۰/۹۴۸	۰/۸۸۹	فزاینده	خراسان جنوبی	۱	۱	۱	ثابت
گلستان	۰/۸۵	۰/۹۲	۰/۹۲۴	کاهنده	خوزستان	۱	۱	۱	ثابت
آذربایجان غربی	۰/۸۸۱	۰/۹۰۸	۰/۹۷	کاهنده	سمنان	۱	۱	۱	ثابت
کرمان	۰/۸۸۲	۱	۰/۸۸۲	کاهنده	سیستان و بلوچستان	۱	۱	۱	ثابت
زنجان	۰/۹۰۱	۰/۹۱۴	۰/۹۸۶	فزاینده	قزوین	۱	۱	۱	ثابت
گیلان	۰/۹۱۶	۰/۹۱۷	۰/۹۹۹	کاهنده	کردستان	۱	۱	۱	ثابت
لرستان	۰/۹۱۹	۰/۹۸۲	۰/۹۳۷	کاهنده	کرمانشاه	۱	۱	۱	ثابت
یزد	۰/۹۲۴	۰/۹۳۶	۰/۹۸۸	کاهنده	مرکزی	۱	۱	۱	ثابت
اصفهان	۰/۹۲۷	۱	۰/۹۲۷	کاهنده	همدان	۱	۱	۱	ثابت
کهگیلویه و بویر احمد	۰/۹۳۳	۱	۰/۹۳۳	فزاینده	میانگین کارایی	۰/۹۲	۰/۹۶۲	۰/۹۵۵	

مأخذ: همان.

در سال ۱۳۹۳ نیز در حوزه درمان سازمان تأمین اجتماعی با لحاظ ۳۱ استان، میانگین

کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس در مراکز درمانی ملکی به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۶۲ و ۰/۹۵۵ بود و بر این اساس امکان بهبود کارایی به طور میانگین بدون افزایش در هزینه‌ها یا به کارگیری منابع بیشتر به ترتیب ۸، ۳/۸ و ۴/۵ درصد برای کارایی فنی، کارایی مدیریتی و کارایی مقیاس است یا از نقطه نظر تعدیل نیرو و امکانات، می‌توان ۸ درصد از منابع درمان سازمان را کاهش داد ولی بازهم حداقل به همان سطح از ستانده‌ها دست یافت. مراکز درمانی در استان‌های قم، هرمزگان، زنجان، کهگیلویه بویراحمد، کاشان، خراسان شمالی دارای بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس می‌باشد و ۱۳ استان (۴۲ درصد) دارای بازدهی کاهنده بوده است. از مجموع ۳۱ استان در این سال ۱۲ استان (۳۸/۷ درصد) از لحاظ هر سه نوع کارایی یاد شده در مقیاس بهینه و کارا عمل می‌کنند و دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس می‌باشند به طوری که در صورت افزایش (کاهش) یک درصد در کلیه منابع، تولید نیز به اندازه یک درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. همانند سال ۱۳۹۱ نیز کمترین میزان کارایی فنی مربوط به استان فارس می‌باشد که برابر با ۰/۶۸۳ است و مدیریت درمان این استان می‌تواند ۳۱/۷ درصد از منابع ورودی کلی خود را بکاهد تا به همین سطح از ستانده‌ها دست یابد یا برعکس با استفاده از این منابع جهت افزایش ستانده‌های خود برنامه‌ریزی کند.

از دیگر مزایای روش تحلیل پوششی داده‌ها، امکان بررسی وجود انباره‌های نامطلوب یا اسلاک‌هاست که این انباره‌های نامطلوب می‌تواند به یک یا همه نهاده‌های تولید باشد. در نبود اطلاعات قیمتی داده‌ها و ستانده‌ها، امکان بررسی کارایی تخصیصی و اقتصادی وجود ندارد، اما از میزان انباره‌های نامطلوب می‌توان به عنوان یک تقریب در ارتباط با بحث تخصیص مؤثر منابع و نیروهای انسانی بهره گرفت. این انباره‌های نامطلوب برای بنگاه‌هایی متصور است که به رغم قرار گرفتن روی مرز امکانات تولید، ناکارا قلمداد می‌شوند زیرا نسبت به بنگاه‌های کارا، نهاده یا نهاده‌های تولیدی بیشتری استفاده می‌کنند.

با استفاده از میزان انباره‌های نامطلوب و مقادیر ناکارایی فنی در سال‌های مورد مطالعه می‌توان به هدفگذاری بهینه در سطح نهاده‌های تولیدی دست یافت. این محاسبات در جداول ۶ تا ۸ برای سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، وضعیت اولیه ورودی‌ها، کاهش کلی در منابع

به دلیل ناکارایی فنی، انباره‌های نامطلوب و مقادیر بهینه براساس عملکرد مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی نمایش داده شده است.

جدول ۶. هدفگذاری مطلوب برای نهاده‌های تولید در سال ۱۳۹۱

سال ۱۳۹۱	تعداد تخت	تعداد کادر پزشکی	سایر پرسنل	تعداد کادر پرستاری	پرسنل پاراکلینیک
مقادیر اولیه ورودی‌ها	۸۶۲۴	۶۲۳۵	۱۳۹۲۳	۱۳۹۰۳	۴۶۶۳
کاهش ۵/۶ درصدی در مقادیر اولیه به واسطه ناکارایی فنی	۴۸۲.۹۴۴	۳۴۹.۱۶	۷۷۹.۶۸۸	۷۷۸.۵۶۸	۲۶۱.۱۲۸
مجموع انباره‌های نامطلوب در سطح استان‌ها	۸۰.۰۶	۱۸.۳۳۹	۷۱.۶۴۵	۴۲۷.۴۸۷	۱۰۵.۲۶۶
مقدار مطلوب نهاده‌ها براساس عملکرد	۸۰۶۰.۹۹	۵۸۶۷.۵۰۱	۱۳۰۷۱.۶۷	۱۲۶۹۶.۹۵	۴۲۹۶.۶۰۶
مجموع کاهش در مقادیر اولیه به واسطه ناکارایی فنی و انباره‌های نامطلوب (درصد)	۶.۵	۵.۹	۶.۱	۸.۷	۷.۹

مأخذ: همان.

در سال ۱۳۹۱، متوسط کارایی فنی مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی برابر با ۹۴/۴ درصد به دست آمد، بنابراین سازمان می‌تواند ۵/۶ درصد از منابع اولیه خود را به واسطه ناکارایی فنی کاهش دهد بدون اینکه در مقادیر ستانده‌های دست یافته خود تغییری را مشاهده کند که این میزان ۵/۶ درصدی برای تخت فعال، عدد ۴۸۲ به دست آمده است. از سویی در خصوص مراکز درمانی ناکارا، وجود انباره‌های نامطلوب مشهود می‌باشد که این میزان برای تخت فعال در سال ۱۳۹۱، ۸۰ تخت بوده است. بنابراین برای حوزه درمان مستقیم سازمان، امکان بهره‌برداری صحیح و اصولی از ۵۶۲ تخت فعال (به دلیل ناکارایی فنی و انباره‌های نامطلوب) از مجموع ۸۶۲۴ تخت وجود نداشته است در نتیجه حد بهینه تخت فعال ۸۰۶۰ تخت به دست می‌آید. بالا بودن امکان کاهش در نهاده کادر پرستاری به دلیل ناهمگنی بیشتر این گروه به واسطه تحصیلات و رده‌های شغلی متفاوت (پرستار، بهیار، کمک بهیار و ...) است. برای بقیه نهاده‌ها در این سال و

همچنین سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، نحوه تفسیر و محاسبه مشابه می‌باشد که در جداول ۷ و ۸ نمایش داده شده است.

جدول ۷. هدفگذاری مطلوب برای نهاده‌های تولید در سال ۱۳۹۲

سال ۱۳۹۲	تعداد تخت	تعداد کادر پزشکی	سایر پرسنل	تعداد کادر پرستاری	پرسنل پاراکلینیک
مقادیر اولیه ورودی‌ها	۸۵۰۳	۶۵۵۵	۱۴۱۳۴	۱۴۵۶۳	۴۸۶۴
کاهش ۵/۵ درصدی در مقادیر اولیه به‌واسطه ناکارایی فنی	۴۶۷/۶۶۵	۳۶۰/۵۲۵	۷۷۷/۳۷	۸۰۰/۹۶۵	۲۶۷/۵۲
مجموع انباره‌های نامطلوب در سطح استان‌ها	۳۸/۲۹۶	۹۸/۸۷۲	۱۴۳/۷۹۶	۲۴۹/۶۹۶	۶۶/۲۴۶
مقادیر مطلوب نهاده‌ها براساس عملکرد	۷۹۹۷/۰۳	۶۰۹۵/۶۰۳	۱۳۲۱۲/۸۳	۱۳۵۱۲/۳۴	۴۵۳۰/۲۳۴
مجموع کاهش در مقادیر اولیه به‌واسطه ناکارایی فنی و انباره‌های نامطلوب (درصد)	۶	۷	۶/۵	۷/۲	۶/۹

مأخذ: همان.

جدول ۸. هدفگذاری مطلوب برای نهاده‌های تولید در سال ۱۳۹۳

سال ۱۳۹۳	تعداد تخت	تعداد کادر پزشکی	سایر پرسنل	تعداد کادر پرستاری	پرسنل پاراکلینیک
مقادیر اولیه ورودی‌ها	۸۸۸۶	۷۴۸۲	۱۴۲۸۶	۱۴۹۰۳	۵۰۳۱
کاهش ۸ درصدی در مقادیر اولیه به‌واسطه ناکارایی فنی	۷۱۰/۸۸	۵۹۸/۶	۱۱۴۲/۸۸	۱۱۹۲	۴۰۲/۴۸
مجموع انباره‌های نامطلوب در سطح استان‌ها	۱۰۸/۹۰۳	۲۱۸/۷	۵۰۵/۰۷۱	۵۳۰/۷	۲۲۰/۴۹
مقادیر مطلوب نهاده‌ها براساس عملکرد	۸۰۶۶/۲۲	۶۶۶۵	۱۲۶۳۸/۰۵	۱۳۱۸۰	۴۴۰۸/۰۳
مجموع کاهش در مقادیر اولیه به‌واسطه ناکارایی فنی و انباره‌های نامطلوب (درصد)	۹/۲	۱۰/۹	۱۱/۵	۱۱/۶	۱۲/۴

مأخذ: همان.

۴. تحلیل حساسیت

تحلیل پوششی داده‌ها یک روش ناپارامتریک است و امکان محاسبه کشش نهاده‌ها براساس توابع تولید و هزینه رایج در اقتصادسنجی وجود ندارد. به همین دلیل جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تولید یا ستانده‌ها از تحلیل حساسیت یک طرفه استفاده می‌شود، به طوری که در هر مرحله به صورت فرضی یکی از نهاده‌ها از فرایند تولید کنار گذاشته می‌شود و تغییرات کارایی فنی با وضعیتی که همه نهاده‌ها در فرایند تولید به کار گرفته می‌شوند مقایسه می‌شود. نتایج در جدول ۹ نمایش داده شده است.

جدول ۹. تحلیل حساسیت در ارتباط با اثرپذیری ستانده‌ها از نهاده‌های تولیدی

سال	کارایی فنی	تخت فعال	کادر پزشکی	کادر پرستاری	پاراکلینیک	سایر پرسنل
۱۳۹۱	۰.۹۴۴	۰.۹۴۲	۰.۹۱۷	۰.۹۲۴	۰.۹۴۲	۰.۹۱۵
۱۳۹۲	۰.۹۴۵	۰.۹۳۵	۰.۹۳۱	۰.۹۳۳	۰.۹۳۶	۰.۹۲۸
۱۳۹۳	۰.۹۲۰	۰.۹۰۹	۰.۹۰۶	۰.۹۱۰	۰.۹۰۹	۰.۹۱۲

مأخذ: همان.

در سال ۱۳۹۱، تولید یا ستانده‌های مراکز درمانی بیشترین تأثیرپذیری را از سایر پرسنل داشته‌اند و اگر این نهاده در فرایند تولید وجود نداشت میزان کارایی فنی حوزه درمان مستقیم سازمان از ۰/۹۴۲ به ۰/۹۱۵ کاهش پیدا می‌کرد و در مرتبه‌های بعدی، اثرگذاری مربوط به نهاده‌های پزشکی، پرستار و به طور برابر پرسنل پاراکلینیک و تخت فعال بوده است. برای سال ۱۳۹۲ نیز وضعیت مشابه سال ۱۳۹۱ است و اینکه اثرگذاری تخت فعال از پرسنل پاراکلینیک نیز کمتر می‌باشد. در سال ۱۳۹۳، وضعیت نسبت به ۲ سال گذشته متفاوت است و نهاده‌های اثرگذار به ترتیب، پزشکان، تخت فعال و پرسنل پاراکلینیک، گروه پرستاران و سایر پرسنل بوده‌اند که روال منطقی را از نظر ادبیات این حوزه داشته است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین بنگاه بیمه‌ای کشور و دومین فراهم‌کننده خدمات درمانی جایگاه ویژه‌ای در نظام سلامت کشور داراست. رشد ۵۲/۲ درصدی هزینه‌های درمانی سازمان در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲، رقمی در حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان بوده است. همچنین مقدار افزایش این هزینه‌ها در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ بیش از ۴۳۲۰ میلیارد تومان یعنی رشد ۳۶/۵ درصدی گزارش شده است (سالنامه‌های آماری تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴-۱۳۹۲) در مقابل رشد منابع سازمان به‌واسطه حق بیمه‌ها نزدیک به ۱۷ درصد برای سال ۱۳۹۴ است که با ادامه این فرایند تعادل بین منابع و مصارف درمان و حتی کل سازمان ممکن است به مخاطره بیفتد (فضائلی، ۱۳۹۴). سازمان در حوزه درمان، در کنار رویکرد درمان غیرمستقیم، با دارا بودن بیش از ۷۰ بیمارستان ملکی و چندین درمانگاه و پلی کلینیک تخصصی در سطح کشور به ارائه درمان مستقیم نیز می‌پردازد. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در نظام درمان مدرن توانایی عظیمی در جذب منابع مالی و انسانی نظام سلامت دارا می‌باشند و در مقابل عملکرد کارا و اثربخشی ندارند و باعث اتلاف بخشی از منابع می‌شوند. مقایسه تطبیقی کارایی مراکز درمانی و مشخص ساختن نقاط ضعف در فرایند عملکرد می‌تواند استفاده بهینه از منابع را به همراه داشته باشد به این منظور در این مطالعه کارایی فنی نسبی مراکز درمانی و بیمارستان‌های ملکی سازمان تأمین اجتماعی در واحدهای استانی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. کارایی فنی نسبی حوزه درمان مستقیم در این سه سال به ترتیب برابر با ۰/۹۴۴، ۰/۹۴۵ و ۰/۹۲ به دست آمد. طی سال‌های مورد مطالعه به‌رغم کارایی بالا، سازمان در حوزه درمان مستقیم می‌تواند ۵/۶، ۵/۵ و ۸ درصد از کلیه منابع ورودی را کاهش دهد و بازم به همان سطح از ستانده‌ها دست پیدا کند که این نتایج با مطالعات مهربان (۱۳۹۰)، حاتم و همکاران (۱۳۹۲) و سپهردوست و رجبی (ب و الف ۱۳۹۱) از بابت امکان بهبود کارایی بدون افزایش هزینه‌ها یا به‌کارگیری منابع بیشتر تطابق دارد. همچنین تمام نهادهای تولیدی در مراکز درمانی ناکارا، دارای انباره‌های نامطلوب بودند به‌طوری که بیشترین انباره‌های نامطلوب مربوط به گروه پرستاران و پرسنل

پارا کلینیکی است. این یافته‌ها با مطالعه صفی آریان و شاه‌حسینی (۱۳۹۱) همخوانی داشت البته دلیل این امر را می‌توان به ناهمگنی بیشتر تحصیلات و رده‌های شغلی در این دو گروه مرتبط دانست. وجود انباره‌های نامطلوب در کنار استفاده ناکارا از نهاده‌های تولید همچون تخت فعال و پزشکان دارای اثرات به مراتب مخرب‌تری نسبت به دیگر نهاده‌های تولیدی است. در حال حاضر راه‌اندازی ۱ تخت بیمارستانی نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان هزینه دارد (ماهر، ۱۳۹۵) و هزینه نگهداری سالانه آن ۳۰ میلیون تومان و درآمد سالانه حاصل از آن نزدیک به ۲۰ میلیون تومان تخمین زده می‌شود (حاتم و همکاران، ۱۳۹۲) که این مسائل نیز از بی‌توجهی به اصول اقتصاد سلامت در حوزه مدیریت درمان و کیفیت خدمات در بیمارستان‌ها ناشی می‌شود. استفاده ناکارا از تخت فعال باعث افزایش هزینه‌های سیستم درمانی و کاهش درآمدها می‌گردد و تعادل مالی بیمارستان‌ها را به هم خواهد زد. از سوی دیگر وجود انباره نامطلوب در گروه پزشکان می‌تواند باعث تجویزهای اضافی در حوزه دارو و تجهیزات و حتی تقاضای القایی گردد و منتج به افزایش هزینه‌های درمانی سازمان شود. همچنین یکی از اقلام عمده هزینه‌ای در حوزه سلامت مربوط به هزینه پرستلی و نیروی انسانی است که وجود انباره‌های نامطلوب و استفاده ناکارا از منابع انسانی می‌تواند در کنار تجویزهای اضافی، افزایش تصاعدی هزینه‌های درمان را موجب می‌گردد. براساس شاخص‌های نیروی انسانی در سطح کشور و رعایت نشدن استانداردهای این حوزه همانند تعداد پرستار به پزشک یا تخت بیمارستانی، وجود انباره‌های نامطلوب نشان‌دهنده ناکارایی تخصیص در این حوزه است، برای اجتناب از این امر باید به کارگیری و استخدام نیروها براساس تعداد بیمه‌شدگان سازمان در سطح استان‌ها، سطح پوشش جمعیت و رعایت استانداردهای نیروی انسانی در حوزه سلامت صورت گیرد. در بخش کارایی مدیریتی نیز امکان بهبود وضعیت برای مراکز درمانی سازمان وجود دارد. مدیریت مراکز درمانی می‌تواند باعث بهبود کیفیت خدمات هتلینگ بیمارستانی، کاهش هزینه‌های انرژی مراکز درمانی و همچنین هماهنگی بیشتر بین بخش‌های درمانی درون بیمارستان شوند و با مدیریت هزینه‌های سرباری مراکز درمانی، قیمت تمام شده خدمات درمانی را کاهش دهند. در این باره باید از مدیرانی استفاده شود که شرط لازم و کافی در ارتباط با

مدیریت بیمارستان و مراکز درمانی را داشته باشند. براساس تحلیل حساسیت انجام شده در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ستانده‌های مراکز درمانی بیشتر تحت تأثیر سایر پرسنل بود که نشان از وضعیت غیرمعمول داشت اما در سال ۱۳۹۳ ستانده‌های مراکز درمانی سازمان متأثر از نهاده‌های پزشکان و تخت فعال بود که با مطالعات حاتم و همکاران (۱۳۹۲)، صفی آریان و شاه حسینی (۱۳۹۱) و سپهردوست و رجیبی (الف و ب ۱۳۹۱) همخوانی دارد. در سال ۱۳۹۳ با طرح تحول نظام سلامت و افزایش بار مراجعه به مراکز باید استفاده مطلوب‌تری از منابع صورت می‌گرفت ولی براساس محاسبات صورت گرفته (جداول ۸-۳) کمترین میزان کارایی و بیشترین انباره‌های نامطلوب در این سال اتفاق افتاده است که برخی دلایل احتمالی این امر را می‌توان عدم آمادگی و برنامه‌ریزی مراکز جهت مدیریت افزایش بار مراجعه، کمبود پرسنل براساس استانداردهای حوزه نیروی انسانی بخش درمان و توزیع نامناسب تجهیزات و نیروی انسانی در سطح کشور عنوان کرد. درخصوص کارایی مقیاس نیز مراکز درمانی تأمین اجتماعی در دوره زمانی کوتاه‌مدت با تغییرات در نهاده‌های متغیر تولید همچون نیروی انسانی و تجهیزات می‌توانند عملکرد خود را بهبود دهند اما در بلندمدت باید تغییرات را روی نهاده‌های نیمه‌ثابت و ثابت همچون تخت فعال، ساختار فیزیکی بخش‌ها و بیمارستان‌ها با توجه به حجم فعالیت‌های خود و جمعیت تحت پوشش بیمه متمرکز کنند تا سطح کارایی مطلوب را به‌دست آورند. سازمان تأمین اجتماعی با مصرف سهم $\frac{9}{27}$ حق بیمه‌ها در حوزه درمان جهت برقراری تعادل در منابع و مصارف سازمان باید اصول مدیریت و اقتصاد سلامت را جهت بهبود کیفیت خدمات و کنترل هزینه‌ها به کار گیرد تا بتواند پاسخگوی تعهدات خود در مقابل بیمه‌شدگان باشد. همچنین مطالعات مربوط به بهره‌وری و کارایی در حوزه درمان سازمان باید به صورت مرتب انجام شود و بازخوردهای مناسب به مراکز درمانی داده شود.

منابع و مآخذ

۱. آصفزاده، سعید (۱۳۷۶). آموزش پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. امامی میبدی، علی (۱۳۸۴). اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری (علمی و کاربردی)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. پوررضا، ابوالقاسم، غلامرضا گودرزی و هرمز آزادی (۱۳۸۸). «تعیین کارایی فنی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها (DEA) ۱۳۸۵-۱۳۷۵»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۷، ش ۴.
۴. حاتم، ناهید، کیمیا پورمحمدی، پیوند باستانی و مهدی جوانبخت (۱۳۹۲). «تأثیر اندازه بیمارستان بر کارایی فنی بیمارستان‌های تأمین اجتماعی کشور»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۰، ش ۱۰۸.
۵. حق‌پرست، حسن (۱۳۸۲). «تخمین تابع تولید بیمارستان‌های عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی.
۶. سالنامه‌های آماری سازمان تأمین اجتماعی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
۷. سپهردوست، حمید و الهام رجبی (الف) (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر کارایی فنی و رتبه‌بندی واحدهای کارا در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی»، مجله مدیریت اطلاعات سلامت، دوره نهم، ش ۶.
۸. _____ (ب) (۱۳۹۱). «شاخص توسعه انسانی و سطح کارایی بیمارستان‌های تأمین اجتماعی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، دوره نوزدهم، ش ۱، شماره مسلسل ۶۳.
۹. صفی آریان، رضا و رضا شاه‌حسینی (۱۳۹۱). «ارزیابی کارایی فنی بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان همدان براساس شاخص‌های عملکردی و مدل ریاضی تحلیل فراگیر اطلاعات ۱۳۸۹»، مجله علمی پژوهان، ۱۱(۲).
۱۰. عالم تبریزی، اکبر و مهدیه ایمانی‌پور (۱۳۸۸). «اندازه‌گیری کارایی نسبی خدمات درمانی بیمارستان‌ها با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)»، چشم‌انداز مدیریت، ش ۳۱.
۱۱. عبادی‌فرد آذر، فرید و عزیز رضاپور (۱۳۹۰). اقتصاد مراقبت سلامت، تهران، نشر عبادی‌فر.
۱۲. علی محمدی اردکانی، مجید و همکاران (۱۳۸۸). «ارزیابی کارایی نسبی بیمارستان‌های دولتی استان یزد با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره هفدهم، ش ۲.

۱۳. فروتن، سارا، محمد عرب، مصطفی حسینی و بهمن خسروی (۱۳۹۴). «تعیین کارایی بیمارستان‌های تأمین اجتماعی شهر تهران براساس مدل پابون لاسو»، فصلنامه مدیریت سلامت، ج ۱۸، ش ۵۹.
۱۴. فضائی، امیرعباس (۱۳۹۴). «اهمیت خدمات بیمه سلامت در برنامه‌های رفاهی»، ماهنامه قلمرو رفاه، سال اول، ش ۲.
۱۵. قادری، حسین، غلامرضا گودرزی و محمودرضا گوهری (۱۳۸۵). «تعیین کارایی فنی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی ایران با استفاده از روش تحلیل فراگیر داده‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سلامت، دوره نهم، ش ۲۶.
۱۶. کاظمی، زهره، علی اصغر احمدکیا دلیری و حسن حق پرست (۱۳۸۸). «سنجش کارایی و تخمین مصرف بهینه منابع در بیمارستان‌های منتخب با استفاده از مدل تحلیل فراگیر داده‌ها»، تهران، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی بودجه‌ریزی عملیاتی.
۱۷. ماهر، علی (۱۳۹۵). «چالش‌های تأمین اعتبار طرح‌های عمرانی در راه‌اندازی مراکز درمانی و توسعه تخت‌های بیمارستانی»، <http://tahavol.behdasht.gov.ir>.
۱۸. مهربان، ستار (۱۳۹۰). تخمین کارایی بیمارستان‌های صندوق تأمین اجتماعی با استفاده از روش‌های تحلیل فراگیر داده‌ها، تحلیل مرزی تصادفی و تابع تولید مطلوبیت مرزی، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تأمین اجتماعی، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی.
19. Blank J. L., Vivian Valdmanis (2008). Productivity in Hospital Industry, Evaluating Hospital Policy and Performance Contributions from Hospital Policy and Productivity Research, Chapter 1.
20. Blank, J. L. and Vivian Valdmanis (Eds). (2007). *Evaluating Hospital Policy and Performance: Contributions from Hospital Policy and Productivity*, Research Emerald Group Publishing Limited.
21. Boussofiene, A., R. G. Dyson and E. Thanassoulis (1991). "Applied Data Envelopment Analysis", *European Journal of Operational Research* 52.
22. Bowlin, W. F. (1998). "Measuring Performance: An Introduction to Data Envelopment Analysis (DEA)", *Journal of Cost Analysis* 7.
23. Bwana, Kembo and M. Raphael Gwahula (2015). "Technical Efficiency of Tanzania Teaching Hospitals, The Case of Private not for-profit Hospitals", *Business Management and Strategy*, Vol. 6, No. 1.
24. Chernew, M., A. Fend Rick and R. Hirth (1996). Managed Care and Medical Technology; Implication for Cost Growth, *Health Affairs*, 16 (2).
25. Coelli, T. J., D. S. P. Rao, C. J. O'Donnell and G. E. Battese (2005). "An Introduction to Efficiency and Productivity Analysis", *Springer Science & Business Media*.

26. Cooper, W. W., L. M. Seiford and K. Tone (2007). *Data Envelopment Analysis, a Comprehensive Text with Models, Applications, References and DEA-Solver Software*, Second Edition. USA: Springer.
27. Dyson, R. G., R. Allen, A. S. Camanho, V. V. Podinovski, C. S. Sarrico and E. A. Shale (2001). "Pitfalls and Protocols in DEA", *European Journal of Operational Research*, 132.
28. Evans, D. B., A. Tandon, C. J. Murray and J. A. Lauer (2000). *The Comparative Efficiency of National Health System in Producing Health: An Analysis of 191 Countries*, Geneva, World Health Organization.
29. Gannon, B. (2005). "Testing for Variation in Technical Efficiency of Hospitals in Ireland", *The Economic and Social Review*, Vol. 36, No.3.
30. Golany, B. and Y. Roll (1989). "An Application Procedure for DEA", *Omega* 17(3).
31. Jehu-Appiah and et al. (2014). "Ownership and Technical Efficiency of Hospitals: Evidence from Ghana Using Data Envelopment Analysis", *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 12(1), 9.
32. Magnussen, J. (1996). "Efficiency Measurement and the Operationalization of Hospital Production", *Health Services Research*, 31(1), 21.
33. Mortimer, D. and S. Peacock (2002). "Hospital Efficiency Measurement: Simple Ratio Frontier VS. Frontier Methods", Working Paper 135, Center for Health Program Evaluation, Monash University and the University of Melbourne.
34. Rezapour, A., F. EbadifardAzar, N. Yousefzadeh, Y. Roumiani, S. Bagheri Faradonbeh (2015). "Technical Efficiency and Resourcesallocation in University Hospitals in Tehran, 2009-2012", *Med J. Islam RepubIran* (21 September), Vol. 29, No. 266.

بررسی غیرخطی عوامل مختلف اقتصادی مؤثر بر وقوع جرم در ایران

حمیدرضا فعالجو،* احمد ملابهرامی** و حسین امیری***

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۳/۲۷

این مقاله به بررسی تأثیر نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، تورم، نسبت شهرنشینی، نرخ رشد سالانه طلاق و نرخ رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی بر جرم در ایران در قالب مدل غیرخطی مارکف سوئیچینگ و با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه طی دوره زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد رابطه نرخ رشد جرایم با متغیرهای توضیحی مذکور غیرخطی است. همچنین نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی، نرخ تورم، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد طلاق در هر دو فاز حدی صفر (نرخ رشد پایین جرم) و فاز حدی یک (نرخ رشد بالای جرم) اثر مثبت و منفی بر رشد جرایم در ایران دارند و تنها متغیر رشد بودجه سالانه دستگاه قضایی بر رشد جرایم تأثیر معنادار منفی در هر دو فاز دارد. نسبت شهرنشینی، نرخ بیکاری و تورم در فاز حدی صفر (دوره‌های نرخ رشد پایین وقوع جرایم) به ترتیب بالاترین تأثیر را بر نرخ رشد وقوع جرایم دارند. در فاز حدی یک (دوره‌های نرخ رشد پایین وقوع جرایم)، تورم، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد طلاق به ترتیب بالاترین تأثیر را بر وقوع جرایم دارند. براساس نتایج حاصل از تخمین مارکف سوئیچینگ، احتمال ماندگاری در فاز حدی صفر، ۵۰ درصد و احتمال گذر از این فاز به فاز حدی یک، ۴۸ درصد است. بر پایه آزمون‌های نیکویی برازش، مدل مارکف سوئیچینگ از عملکرد مناسب جهت مدل‌سازی ارتباط مذکور است.

کلیدواژه‌ها: نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، جرم، اثر فرصت، اثر انگیزی، مدل مارکف سوئیچینگ

Email: h.faaljou@urmia.ac.ir

* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه ارومیه؛

** دانش‌آموخته دوره دکتری تخصصی علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه ارومیه؛

Email: molabahrami.ahmad@gmail.com

Email: hossienamiri@gmail.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛

مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های عمومی هر جامعه، افزایش رشد جرم است. این پدیده علاوه بر خسارات و پیامدهای مستقیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تبعات و هزینه‌های غیرمستقیم قابل تأملی دارد. بالا رفتن رشد جرم علاوه بر افزایش هزینه‌های سلامت ناشی از افزایش فشارهای عصبی و استرس جامعه، به ایجاد محیط نامناسب فعالیت‌های تولیدی کارا و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی و متعاقباً کاهش سرمایه‌گذاری و در نهایت کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود (Demombynes and Ozler, 2005).

از این رو شناخت و مطالعه عوامل مؤثر بر وقوع جرم و جنایت دارای اهمیت حیاتی است. در این میان، بیکاری و نابرابری درآمد به دلیل تبعات اجتماعی متعددی که به دنبال دارند، به عنوان علل و فاکتورهای اقتصادی اثرگذار بر رشد جرم در مطالعات تئوریک و تجربی زیادی مورد توجه بوده‌اند (مداح، ۱۳۹۰؛ مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰).

هر دو دسته از تئوری‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی بر وجود رابطه معنادار بین جرم و نابرابری درآمدی و توزیع رفاه در جامعه، تأکید می‌ورزند. اقتصاددانان معتقدند که نابرابری درآمد منجر به تقویت فعالیت‌های اقتصادی مجرمانه و غیرقانونی می‌شود و از این کانال بر افزایش نرخ رشد جنایت اثر مثبت می‌گذارد. جامعه‌شناسان معتقدند نابرابری درآمدی منجر به کاهش سرمایه‌های اجتماعی و برهم ریختگی اجتماعی می‌شود که نتیجه آن افزایش نرخ رشد جرایم است. از طرفی، تفاوت طبقاتی و نابرابری درآمدی سبب ایجاد درگیری‌های اجتماعی و تقویت مسائل قومی و طبقاتی می‌گردد که نتیجه این امر نیز افزایش نرخ رشد جرایم است (Blau and Blau, 1982). با این حال، دیدگاه‌های تئوریک دیگری با اشاره به کاهش فرصت ارتکاب اعمال مجرمانه در نتیجه افزایش نابرابری درآمدی و فقر استدلال می‌کنند که نابرابری درآمد رابطه منفی با جرم دارد (Allen, 1996). مطالعات تجربی زیادی نیز در این زمینه وجود دارد که حاوی نتایج ناهمسو و گاه متناقض در زمینه اثرگذاری نابرابری درآمد بر جرم هستند (Bourguignon, Nunez and Sanchez, 2003; Neumayer, 2005; Choe, 2008).

از طرفی، با اینکه دسته‌ای از تئوری‌های اقتصادی رابطه مثبتی بین نرخ بیکاری با میزان

جرم پیش‌بینی می‌کند، اما در مقابل مطالعات تئوریک و وجود دارد که بر تأثیر منفی افزایش نرخ بیکاری بر جرم تأکید می‌ورزند (Cook and Zarkin, 1985; Cantor and Land, 1985). همچنین مطالعات تجربی نیز وجود دارند که رابطه نامتقارنی را بین این دو متغیر نتیجه می‌دهند. به‌عنوان مثال، کریستکوس^۱ (۱۹۸۷) با مرور تعداد زیادی از مطالعات تجربی صورت پذیرفته در زمینه رابطه بین نرخ بیکاری با جرم دریافت است که تنها نیمی از این مطالعات رابطه مثبت بین نرخ بیکاری با میزان جرائم را تأیید کرده‌اند. در مقابل عده کثیری از مطالعات تجربی رابطه منفی را نتیجه داده‌اند (Fallahi and Rodriguez, 2014).

با توجه به ادبیات تئوریک و تجربی دوگانه و متناقض در زمینه نحوه اثرگذاری نرخ بیکاری و نابرابری درآمد بر میزان جرم، وجود رابطه غیرخطی بین این متغیرها محتمل است. از این رو اگر با استناد به آزمون‌های اقتصادسنجی سری‌های زمانی وجود رابطه غیرخطی بین میزان جرم با متغیرهای نرخ بیکاری و نابرابری درآمد تأیید شود، مدل‌های خطی اقتصادسنجی سری‌های زمانی از اعتبار و کفایت لازم ساقط شده و ممکن است نتایج گمراه‌کننده و نادرست را در پی داشته باشند. این نکته به‌عنوان شکاف تحقیقاتی در ادبیات موضوع داخلی در این مطالعه مطرح می‌شود. در واقع، مطالعات پیشین داخلی به احتمال وجود یک رابطه غیرخطی میان نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و رشد جرایم و همچنین مدل‌سازی به چنین رابطه غیرخطی توجه نکرده‌اند و این مسئله مهم را نادیده گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰)، مداح (۱۳۹۰)، عیسی‌زاده، مهرانفر و مهرانفر (۱۳۹۱) و مکی‌پور و ربانی (۱۳۹۲) تنها تأثیر خطی متغیرهایی نظیر نرخ بیکاری و فقر را بر وقوع جرم در ایران بررسی کرده‌اند، در حالی که در صورت وجود رفتار و رابطه غیرخطی میان این متغیرها، هرگونه نتیجه‌گیری و سیاست‌گذاری توأم با تردید، ابهام و نامعتبر خواهد بود. از این رو هدف این مقاله بازنگری تجربی تأثیر نرخ بیکاری و نابرابری درآمد بر رشد جرم در ایران است. بر این اساس، در این مقاله به بررسی اثر غیرخطی نرخ بیکاری، نابرابری درآمد و سایر متغیرهای توضیحی که بر پایه ادبیات موضوع می‌توانند رشد جرایم

را تحت تأثیر قرار دهند شامل نرخ تورم، نسبت شهرنشینی، نرخ رشد سالانه طلاق و نرخ رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی کشور بر نرخ رشد جرایم در ایران با تأکید بر سیکل‌های رکود (رژیم‌های با نرخ بیکاری بالا) و رونق (رژیم‌های با نرخ بیکاری پایین) در دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ در قالب مدل مارکف سوئیچینگ پرداخته می‌شود.

ساختار مقاله به این ترتیب است ابتدا مبانی نظری، در قسمت دوم مطالعات تجربی خارجی و داخلی، سپس روش‌شناسی مقاله، در قسمت چهارم معرفی داده‌ها و گزارش نتایج تجربی و برآورد مدل تحقیق و نهایتاً جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. رابطه نابرابری درآمد با جرم

مطالعات تئوریک در زمینه تأثیر نابرابری درآمد بر جرم در حالت کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند (Allen, 1996). دسته اول از این مطالعات رابطه مثبت را پیش‌بینی می‌کنند. گروه دوم وجود ارتباط منفی را نتیجه می‌دهند. دسته سوم از مطالعات بر وجود رابطه شرطی تأکید دارند. دسته اول استدلال می‌کنند که نابرابری درآمد سبب می‌شود تا افراد فقیر برای جبران فقدان دسترسی به سرمایه و منابع مالی، انگیزه بیشتری برای ارتکاب به اعمال مجرمانه داشته باشند. از طرفی این دسته با اشاره به پایین بودن هزینه ضمانات اجرایی قضایی برای افراد فقیر نسبت به ثروتمند، وجود رابطه مثبت بین نابرابری درآمدی با میزان ارتکاب جرائم را پیش‌بینی می‌کنند. دسته دوم از دیدگاه‌های تئوریک معتقدند که افزایش نابرابری درآمد با تغییر الگوهای فعالیت‌های اقتصادی فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد (Ibid.). دسته سوم از دیدگاه‌ها معتقدند که تأثیر نابرابری درآمد بر جرم به ناپایداری و تلاطمات خانوادگی و اجتماعی و همچنین بر پایه این دیدگاه، به فرصت‌های فرهنگی بستگی دارد.

۱-۲. رابطه نرخ بیکاری با جرم

در زمینه رابطه بین تغییرات نرخ بیکاری و به تبع آن چرخه‌های تجاری با جرم دیدگاه‌های تئوریک متناقضی وجود دارد. در تلاش برای توضیح تئوریک وضعیت دوگانه تأثیر نرخ

بیکاری بر سطح جرائم، کوک و زارکین^۱ (۱۹۸۵) و کانتور و لند^۲ (۱۹۸۵) مطالعات تئوریکی را انجام داده‌اند. کوک و زارکین (۱۹۸۵) بیان می‌کنند که طی دوره‌های رکود به دلیل کاهش فرصت‌های شغلی و درآمد، هزینه فرصت تلاش برای ارتکاب به جرائم و اعمال خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد، لذا تعداد جرم‌های خشونت‌آمیز تشدید پیدا می‌کند که به اثر انگیزشی^۳ مشهور است. علاوه بر این، طی دوره‌های رکود به دلیل کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، کارکرد و نقش سیستم امنیت و پلیس کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر می‌شود که نتیجه این امر کاهش شانس کنترل جرائم و ایجاد نظم و مقررات است. لذا طی دوره‌های رکود ممکن است نرخ رشد جرم افزایش یابد. از طرفی طی دوره‌های رکود به دلیل آنکه عده زیادی بیکار شده‌اند، خانه‌نشینی بیشتر شده و در نتیجه فرصت ارتکاب جرائم کاهش می‌یابد. همچنین، مردم پول کمتری را جابه‌جا می‌کنند و انگیزه و تلاش بیشتر برای مراقبت و دفاع از اموال خود خواهند داشت. کانتور و لند (۱۹۸۵) این اثر را اثر فرصت^۴ می‌نامند.

اثرات انگیزشی و فرصت سبب ایجاد نوسانات مثبت و منفی در نرخ رشد جرائم می‌گردد، لذا اثر تغییر نرخ بیکاری، به‌عنوان معیار اندازه‌گیری شرایط و سیکل‌های اقتصادی بر سطح جرائم مبهم می‌شود. در واقع، زمانی که اثرات انگیزشی از اثر فرصت انجام جرم کمتر باشد، می‌توان رابطه معکوس بین نرخ بیکاری و نرخ رشد جرائم را انتظار داشت. نکته قابل تأمل دیگر آن است که، اثر فرصت آنی است و اثر انگیزشی نیاز به زمان دارد. در واقع، اثر انگیزشی دارای وقفه زمانی است. این دو اثر در خلاف جهت همدیگر عمل می‌کنند و اثر هر کدام می‌تواند اثر دیگری را خنثی کند (Fallahi and Rodriguez, 2014).

۲. پیشینه تحقیق

در این بخش مروری بر چند مطالعه تجربی خارجی و داخلی که اخیراً در زمینه تأثیر نابرابری درآمد و نرخ بیکاری بر جرم انجام گرفته است، خواهیم داشت.

1. Cook and Zarkin
2. Cantor and Land
3. Motivation Effects
4. Opportunity Effects

۲-۱. مطالعات خارجی

دمومینس و ازلر^۱ (۲۰۰۵) اثر نابرابری درآمدی را بر میزان ارتکاب سرقت در آفریقای جنوبی بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی اثر مثبت و معناداری بر میزان وقوع سرقت در آن کشور دارد.

چوی^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه تجربی، تأثیر نابرابری درآمد را بر جرم در آمریکا بررسی کرده است. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین انواع سرقت با نابرابری درآمد در آمریکا وجود دارد.

اسکورزافاو و سوارز^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه تجربی، اثر نابرابری درآمد را بر میزان جرائم مالی برزیل بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که نابرابری درآمد اثر معنادار و مثبت بر جرائم مالی دارد به نحوی که، کاهش جرائم مالی نسبت به نابرابری درآمد برابر با ۱/۴۶ است.

چینتراکارن و هرزر^۴ (۲۰۱۲) با بهره‌گیری از متدولوژی هم‌جمعی در داده‌های تابلویی، اثر نابرابری درآمد را بر جرم در آمریکا بررسی کرده‌اند. نتایج تجربی آنها نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی منجر به کاهش وقوع جرائم می‌شود.

فلاحی و رودریگز (۲۰۱۴) رابطه بین نرخ بیکاری و میزان چهار نوع جرائم را در آمریکا با استفاده از مدل مارکف سوئیچینگ بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری رابطه مثبت با انواع سرقت دارد. باین حال این رابطه معنادار نیست، همچنین همبستگی معناداری بین نرخ بیکاری و جرائم طی دوره‌های رکود وجود دارد.

۲-۲. مطالعات داخلی

مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به تحلیل اقتصادی جرم براساس روش رگرسیون سری‌های زمانی پرداخته‌اند. بر پایه نتایج آنها رابطه معنادار و مثبت بین نحوه توزیع درآمد و سرقت در ایران وجود دارد. نتایج مقاله همچنین حاکی از وجود رابطه مستقیم بین نرخ جرم سرقت با نسبت شهرنشینی، نرخ طلاق، نرخ بیکاری و رابطه معکوس با درآمد ماهانه خانوارهای ایرانی است.

1. Demombynes and Ozler

2. Choe

3. Scorzafave and Soares

4. Chintarkarn and Herzer

۱۰۲ _____ بررسی غیرخطی عوامل مختلف اقتصادی مؤثر بر وقوع جرم در ایران

مداح (۱۳۹۰) در مطالعه تجربی برای استان‌های کشور با استفاده از تکنیک رگرسیون داده‌های تابلویی طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵، اثر فقر و نابرابری درآمد را بر جرایم سرقت بررسی کرده است. نتایج وی نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نابرابری درآمد و میزان جرایم انواع سرقت وجود دارد.

عیسی‌زاده، مهرانفر و مهرانفر (۱۳۹۱) در مقاله‌ای اثر شاخص‌های کلیدی کلان اقتصادی تورم، بیکاری و فقر را بر جرم در ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری و آزمون علیت گرنجر بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، رابطه علیت یک طرفه از طرف شاخص‌های کلان اقتصادی مذکور به جرم در ایران وجود دارد.

مکی‌پور و ربانی (۱۳۹۲) در مطالعه تجربی با استفاده از داده‌های سالانه در دوره زمانی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ با بهره‌گیری از مدل پویای سری زمانی ARDL و تصحیح خطای برداری، تأثیر نرخ بیکاری و نرخ تورم را بر میزان جرائم شامل سرقت و صدور چک برگشتی بررسی کرده‌اند. نتایج آنها بیانگر اثر معنادار و مثبت دو متغیر نرخ بیکاری و نرخ تورم بر جرائم مذکور است.

۳. مدل تحقیق و روش برآورد

مدل مارکف سوئیچینگ یکی از مدل‌های غیرخطی سری زمانی است که همیلتن (۱۹۸۹) ارائه داده است. در این مدل فرض می‌گردد که متغیر سری زمانی y_t دارای m حالت ممکن است که با متغیر غیرقابل مشاهده s_t مشخص می‌شود. در واقع s_t نشان‌دهنده i امین حالت متغیر y_t است، به طوری که $i = 1, 2, \dots, m$ و $s_t = i$ می‌باشد. به این ترتیب متغیر y_t بر پایه مقادیر مختلف s_t تغییر رژیم می‌دهد به طوری که اگر $s_t = i$ باشد آنگاه سری زمانی y_t در رژیم i ام واقع می‌گردد. یکی از مهم‌ترین فرضیات مدل مارکف سوئیچینگ این است که s_t یک متغیر تصادفی با ویژگی زنجیر مارکف^۱ است. به بیان دیگر، تنها مقدار

1. Markov Chain

یک دوره گذشته در تعیین مقدار حال حاضر متغیر S_t اثر گذار است. به بیان ریاضی:

$$P(s_t = j | s_1, s_2, \dots, s_{t-1}) = P(s_t = j | s_{t-1} = i) = P_{ij} \quad (1)$$

در رابطه (۱)، P_{ij} احتمال انتقال یک مرحله است که بیانگر احتمال انتقال از رژیم i به j است. به این ترتیب با توجه به وجود m حالت در متغیر، احتمال انتقال یک مرحله ماتریس مربعی با بعد m می‌باشد، بدین ترتیب داریم:

$$P = [P_{ij}]_{i,j=1,2,\dots,m} \quad (2)$$

که در آن، $\sum_{j=1}^m P_{ij} = 1$ برای $i = 1, 2, \dots, m$. حال اگر π_i را برابر با احتمال واقع شدن متغیر Y_t در رژیم i ام تعریف کنیم، در این صورت ماتریس احتمال حالت در لحظه زمانی t به صورت زیر تبیین می‌گردد:

$$\pi_t = [\pi_1 \quad \pi_2 \quad \dots \quad \pi_m] \quad (3)$$

ثابت می‌گردد که $\pi_{t+1} = P\pi_t$ و در حالت عمومی تر $\pi_{t+s} = P^s \pi_t$ (Brock, 2008). عموماً فرض می‌شود متغیر Y_t دارای فرایند مولد خودرگرسیون به فرم زیر می‌باشد (Hamilton, 1989; Brock, 2008):

$$y_t = \mu_{s_t} + \varphi_{s_t} y_{t-1} + \varepsilon_t \quad (4)$$

برای سادگی می‌توان فرض کرد که فرایند تصادفی S_t دارای دو حالت باشد و بنابراین $S_t = 0/1$. در رابطه (۴)، ε_t اجزای اخلاص هستند که فرض می‌شود به صورت یکسان و مستقل و نرمال توزیع شده‌اند. رابطه (۴) یک مدل مارکف سوئیچینگ از مرتبه ۱ را به نمایش می‌گذارد که با MS-AR(1) نشان داده می‌شود. مدل فوق قابل تعمیم به حالتی است که تا q وقفه از متغیر در مدل گنجانده شود که به مدل MS-AR(1) شهرت دارد. حال با بهره‌گیری از ادبیات تئوریک و تجربی به تبعیت از چوی (۲۰۰۸)، فلاحی و رودریگز (۲۰۱۴) و مطالعات تجربی داخلی پیشین و براساس روش شناسی مارکف سوئیچینگ، مدل مورد استفاده در این مقاله را به صورت زیر تصریح می‌کنیم:

$$y_t = \mu_{s_t} + \alpha_{1s_t} x_{1t} + \alpha_{2s_t} x_{2t} + \alpha_{3s_t} x_{3t} + \alpha_{4s_t} x_{4t} + \alpha_{5s_t} x_{5t} + \alpha_{6s_t} x_{6t} + \alpha_{7s_t} x_{7t} + \varepsilon_t \quad (5)$$

در این رابطه، y_t متغیر وابسته نشان‌دهنده میزان وقوع جرایم است. x_{1t} بیانگر سطح نرخ بیکاری کل اقتصاد است، x_{2t} نشان‌دهنده متغیر نابرابری درآمدی است که در این مطالعه از ضریب جینی برای اندازه‌گیری آن استفاده شده است، x_{3t} نشان‌دهنده متغیر تورم است که برابر با نرخ رشد سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) در نظر گرفته شده است، x_{4t} نشان‌دهنده متغیر نسبت شهرنشینی است که از درصد نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت کشور به‌دست آمده است، x_{5t} نشان‌دهنده متغیر نرخ رشد طلاق است که براساس داده‌های میزان ثبت طلاق در کشور به‌دست آمده است، x_{6t} نشان‌دهنده میزان رشد بودجه دستگاه قضایی شامل بودجه کلیه سازمان‌های زیر نظر قوه قضائیه در دوره زمانی جاری می‌باشد.^۱ α_{is_t} برای $i = 1, 2, \dots, 6$ ضرایب اثرگذاری متغیرهای توضیحی در رژیم‌های حدی مختلف هستند که در این مطالعه بر پایه ادبیات تئوریک موضوع، دو رژیم صفر و یک لحاظ شده است. به این ترتیب، $s_t = 0$ بیانگر رژیم یا فاز صفر و $s_t = 1$ نشان‌دهنده رژیم یا فاز یک باشد، در این صورت ماتریس انتقال بین این دو رژیم را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$P = \begin{bmatrix} P_{..} & 1 - P_{11} \\ 1 - P_{..} & P_{11} \end{bmatrix} \quad (6)$$

به طوری که در آن $P_{..}$ احتمال ماندگاری در فاز صفر و P_{11} احتمال ماندگاری در فاز یک است. در مقابل $1 - P_{..}$ و $1 - P_{11}$ به ترتیب احتمال گذر از فازهای حدی صفر و یک به فاز دیگر می‌باشد. شایان ذکر است که برآورد مدل مارکف سوئیچینگ براساس روش حداکثرسازی راستنمایی صورت می‌گیرد^۲ (Hamilton, 1994).

۴. معرفی داده‌ها و گزارش نتایج تجربی

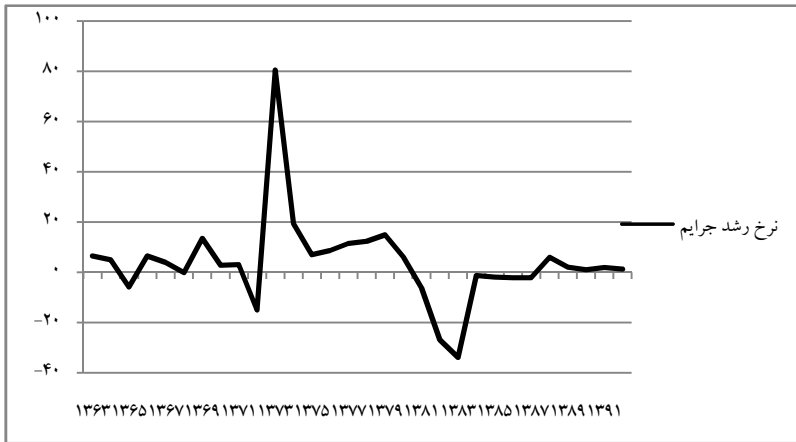
داده‌های مورد استفاده این تحقیق شامل تعداد پرونده‌های مختومه داده‌های کیفی کشور

۱. داده‌های سری زمانی مربوط به این متغیرها از وب سایت‌های معتبر بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اخذ شده‌اند.

۲. به منظور برآورد مدل از نرم‌افزار OX-Metrix6 بهره گرفته شده است.

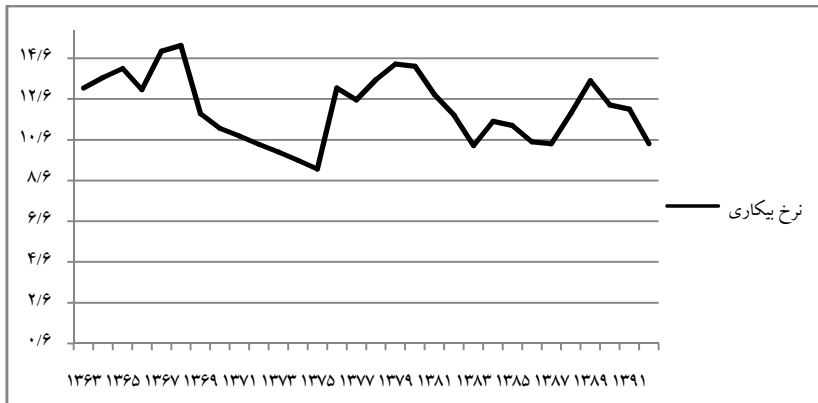
به‌عنوان متغیری برای اندازه‌گیری جرم که از سالنامه‌های آماری کشور و از مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند، داده‌های ضریب جینی به‌عنوان معیار اندازه‌گیری نابرابری درآمد در ایران و داده‌های نرخ بیکاری سالانه از بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی گرفته شده‌اند. دوره زمانی مورد بررسی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. در نمودارهای ۱ تا ۳ روند این داده‌ها ارائه شده است.

نمودار ۱. روند نرخ رشد جرائم در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۲



مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری کشور، سال‌های مختلف.

نمودار ۲. روند نرخ بیکاری سالانه ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۲

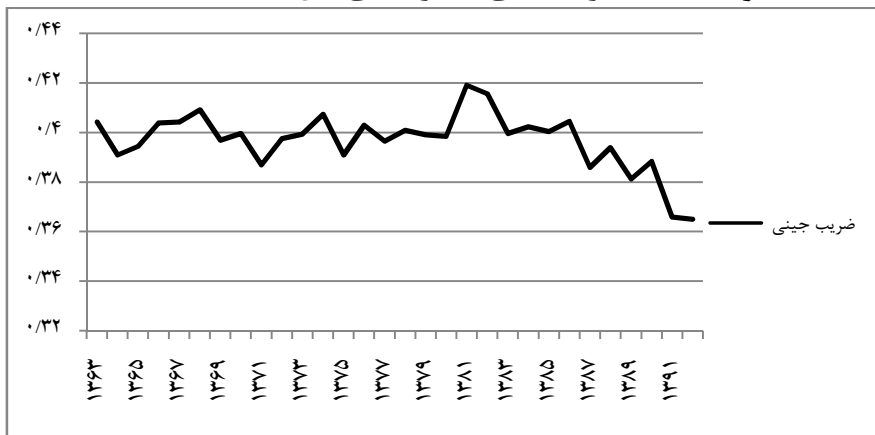


مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی، سال‌های مختلف.

نمودار ۲ روند نرخ بیکاری سالانه ایران را طی سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۳۹۲ به نمایش گذاشته است.

همچنان که نمودار ۲ نشان می‌دهد، طی دوره زمانی ۱۳۶۳ الی ۱۳۹۲، نرخ بیکاری سالانه در فاصله میان ۹ الی ۱۵ درصد در نوسان است. بیشترین رقم نرخ بیکاری به سال‌های پایانی جنگ تحمیلی و کمترین آن به دوره اول دولت سازندگی مربوط است. نمودار ۳ روند ضریب جینی را به‌عنوان شاخص نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۲ به نمایش می‌گذارد.

نمودار ۳. روند ضریب جینی در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۲



مأخذ: همان.

نمودار ۳ بیانگر روند پرنوسان ضریب جینی در ایران است. این شاخص که بیانگر میزان نابرابری درآمد است، طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۰ در بازه ۰/۳۹ تا ۰/۴۱ در نوسان بوده است. طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ ضریب جینی افزایش پیدا کرده است و بعد از آن روند ضریب جینی تا رقم ۰/۳۶ کاهش پیدا کرده است. جهت جلوگیری از افزایش حجم مقاله و حاشیه‌روی از ارائه روند سایر متغیرهای توضیحی شامل نرخ تورم، نرخ رشد طلاق، نرخ رشد بودجه دستگاه قضایی و همچنین متغیر نسبت شهرنشینی خودداری شده است. روند تحلیل داده‌ها به این ترتیب خواهد بود که ابتدا رفتار سری‌های زمانی متغیرهای

تحقیق به لحاظ وجود ریشه واحد غیرخطی و رفتار غیرخطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا از آزمون‌های KSS^1 و $SHINT-t-test$ بهره گرفته می‌شود. در این آزمون‌ها تقریب تیلر از مدل غیرخطی انتقال ملایم 2 جهت بررسی ریشه واحد غیرخطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرضیه صفر این آزمون‌ها ریشه واحد خطی و در مقابل فرضیه آلترناتیو بیانگر مانایی غیرخطی است. این آزمون‌ها در سه سطح اصل سری زمانی، سری زمانی میانگین‌زدایی شده و سری زمانی میانگین و روندزدایی شده قابل انجام است. نتایج این آزمون در جدول ۱ به شرح زیر ارائه شده است.^۳

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد غیرخطی KSS

مقدار آماره SHINT-t-test	مقدار آماره KSS	سطح	نام متغیر
-۳/۷۱	-۲/۶۴	سری زمانی اصلی	نرخ رشد جرایم
-۳/۱۶	-۲/۷۶	سری زمانی میانگین‌زدا شده	
-۲/۵۸	-۳/۰۵	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	
-۲/۷۱	-۲/۶۹	سری زمانی اصلی	نرخ بیکاری
-۲/۷۵	-۳/۶۶	سری زمانی میانگین‌زدا شده	
-۲/۷۲	-۳/۵۱	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	
-۶/۰۴۵	-۲/۵۹	سری زمانی اصلی	ضریب جینی (نابرابری درآمدی)
-۲/۶۰	-۲/۶۹	سری زمانی میانگین‌زدا شده	
-۲/۷۲	-۳/۰۷	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	
-۶/۲۴	-۲/۸۱	سری زمانی اصلی	نسبت شهرنشینی
-۲/۸۱	-۳/۲۱	سری زمانی میانگین‌زدا شده	
-۳/۰۳	-۴/۳۳	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	
-۲/۷۵	-۳/۶۴	سری زمانی اصلی	نرخ رشد طلاق
-۳/۲۷	-۲/۷۸	سری زمانی میانگین‌زدا شده	
-۳/۶۱	-۳/۱۱	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	

1. Kapetanios and Shin and Shell (KSS) Test

2. Exponential Smooth Transition Autoregressive Model (ESTAR)

۳. این آزمون با استفاده از برنامه نوشته شده در محیط نرم‌افزار MATLAB انجام گرفته است.

مقدار آماره SHINT-t-test	مقدار آماره KSS	سطح	نام متغیر
-۴/۵۵	-۳/۴۲	سری زمانی اصلی	نرخ تورم
-۲/۸۲	-۳/۸۲	سری زمانی میانگین زدا شده	
-۳/۸۶	-۲/۷۶	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	
-۴/۲۸	-۳/۸۷	سری زمانی اصلی	نرخ رشد بودجه دستگاه قضایی
-۲/۷۰	-۳/۰۰	سری زمانی میانگین زدا شده	
-۲/۷۸	-۳/۳۲	سری زمانی میانگین و روندزدا شده	

توضیح: محاسبه‌های نرم‌افزاری تحقیق، مقدار بحرانی آماره در سطح ۹۰ درصد برابر با ۲/۶۶- است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همچنان که ملاحظه می‌شود، فرضیه صفر برای همه متغیرهای تحقیق شامل متغیر وابسته یعنی نرخ رشد جرایم، و متغیرهای توضیحی شامل نرخ بیکاری، نسبت شهرنشینی، نرخ تورم سالانه، ضریب جینی و نرخ رشد بودجه دستگاه قضایی کشور در سطح میانگین زدا شده رد می‌شود و لذا این سری‌های زمانی به صورت غیرخطی مانا می‌باشند و نیازی به بررسی وجود ارتباط بلندمدت براساس آزمون‌های همجمعی وجود ندارد.

پس از بررسی ریشه واحد غیرخطی در سری زمانی متغیرهای تحقیق و اطمینان از مانایی غیرخطی این متغیرها، براساس مدل خودرگرسیون مارکف سوئیچینگ، فازهای مختلف نرخ بالای رشد بیکاری و نرخ‌های پایین بیکاری که می‌توانند به‌عنوان دوره‌های رکود و رونق اقتصادی تفسیر گردند، مدل‌سازی می‌شوند. برای این منظور، ابتدا وجود رفتار غیرخطی در سری زمانی نرخ بیکاری سالانه در ایران براساس آزمون نسبت راستنمایی مورد آزمون قرار می‌گیرد. بر پایه نتایج، مقدار آماره این آزمون برابر با ۲۶/۹۷ و ارزش احتمال این آماره برابر با ۰/۰۰۲ است. از این رو در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود رفتار غیرخطی معنادار در این سری زمانی تأیید می‌شود.

پس از حصول اطمینان از وجود رفتار غیرخطی، مدل خودرگرسیون مارکف سوئیچینگ بهینه برای این سری زمانی با بهره‌گیری از نرم‌افزار OX تخمین زده می‌شود. به‌منظور تعیین مدل بهینه از معیارهای آکائیک و لگاریتم راستنمایی استفاده می‌شود. در جدول ۲، مقدار این معیارها برای حالات مختلف ارائه و مقایسه شده‌اند.

جدول ۲. انتخاب مدل بهینه برای متغیر نرخ بیکاری بر اساس معیارهای اقتصادسنجی

مقدار لکاریم راستنمایی	مقدار آکائیک	مدل
-۴۷/۴۳	۱۰۶/۸۵	بدون لحاظ وقفه خودرگرسیونی
-۳۰/۲۶	۷۴/۵۳	با لحاظ وقفه خودرگرسیونی بدون تغییر در فازهای صفر و یک
-۳۲/۳۳	۸۰/۶۳	با لحاظ وقفه خودرگرسیونی با تغییر در فازهای صفر و یک

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، بهترین مدل که گویای رفتار متغیر نرخ بیکاری باشد، مدلی با لحاظ وقفه مرتبه اول بدون حساسیت نسبت به تغییر فاز است. لذا این مدل برای برازش رفتار سری زمانی نرخ بیکاری تخمین زده می‌شود. این نتایج در جدول ۳ گزارش شده است. مدل بهینه بر پایه آزمون غیرخطی نسبت راستنمایی و معیار آکائیک، مدل مارکف سوئیچینگ می‌باشد.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل مارکف سوئیچینگ برای نرخ بیکاری

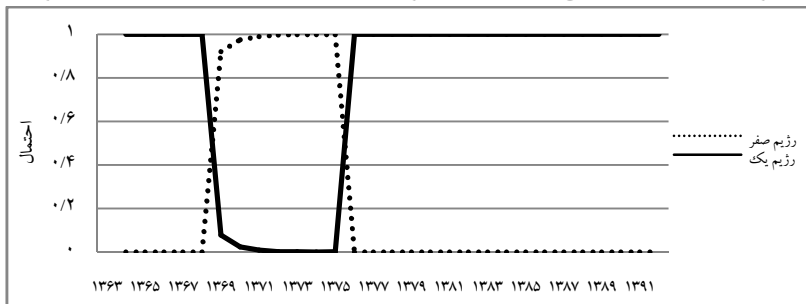
پارامتر	مقدار	سطح معناداری
μ	۶/۸۱	۰/۰۰
μ_1	۹/۵۱	۰/۰۰
φ	۰/۸۸	۰/۰۰
σ	۰/۰۸۲	۰/۰۰
σ_1	۱/۱۲	۰/۰۰
$P_{..}$	۰/۸۵	۰/۰۰
P_{11}	۰/۰۴۶	۰/۳۲
Nonlinear LR test	۲۶/۹۷	۰/۰۰

مأخذ: همان.

بر اساس نتایج جدول ۳ و بر پایه آزمون نسبت راستنمایی، نرخ بیکاری سالانه از یک الگوی غیرخطی با دو فاز حدی صفر و یک پیروی می‌کند. همچنان که نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد، فاز حدی صفر نرخ رشد پایین و فاز یک بیانگر نرخ رشد بیکاری بالا پایین می‌باشد. عرض از مبدأ مدل خودرگرسیونی نرخ بیکاری برای فاز صفر یعنی در دوره نرخ رشد پایین، برابر با ۶/۸۱ درصد و در فاز یک یعنی دوره نرخ رشد بالای بیکاری، برابر با ۹/۵۱ درصد با ضریب خودرگرسیونی مرتبه اول برابر با ۰/۸۸ برآورد شده

است. براساس نتایج، نوسانات نرخ بیکاری در رژیم نرخ رشد پایین به مراتب پایین تر از رژیم نرخ رشد بالای بیکاری است. همچنین نتایج نشان می‌دهد احتمال ماندگاری در فاز نرخ رشد پایین ۰/۸۵ و در رژیم رکود ۰/۰۵ است. در نمودار ۴ احتمال قرار گرفتن هر یک از سال‌های دوره مورد مطالعه در هر کدام از رژیم‌های حدى رشد پایین و بالا به نمایش گذاشته شده است. خطوط ممتد بیانگر احتمال قرار گرفتن در فاز نرخ بیکاری پایین و خط چین نشان‌دهنده سطح احتمال وقوع شدن در فاز نرخ بیکاری بالاست.

نمودار ۴. احتمال واقع شدن دوره مورد بررسی در رژیم‌های رونق و رکود



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همچنان که ملاحظه می‌شود، دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ با احتمال بالا در دوره‌های نرخ بیکاری پایین (رژیم صفر) و دوره‌های زمانی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸، ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ با احتمال بالا در دوره نرخ بیکاری بالا (رژیم یک) واقع شده‌اند.

پس از مدل‌سازی غیرخطی سری زمانی نرخ سالانه بیکاری در ایران و تعیین دوره‌های رکود و رونق، در ادامه این بخش مدل تصریح شده در رابطه (۵)، جهت بررسی تأثیر غیرخطی متغیرهای توضیحی شامل نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، نرخ تورم سالانه، نرخ رشد طلاق، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد بودجه دستگاه قضایی کشور بر نرخ رشد وقوع جرم برآورد و تحلیل می‌شود. در جدول ۴، علاوه بر نتیجه آزمون بررسی وجود رفتار غیرخطی نسبت راستنمایی، نتایج برآورد پارامترهای مدل تحقیق گزارش شده است. براساس آزمون نسبت راستنمایی، وجود رابطه غیرخطی بین میزان جرایم با متغیرهای توضیحی مذکور در بالا در سطح معناداری ۱ درصد تأیید می‌شود. آماره این آزمون دارای توزیع کای دو با درجه

آزادی ۱۰ می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقدار این آماره برابر با ۲۱/۷۸ است که در سطح معناداری ۵ درصد معنادار است و لذا فرضیه صفر مبنی بر نبود ارتباط غیرخطی میان متغیر وابسته با متغیرهای توضیحی مذکور در بالا رد می‌شود. از این رو میان نرخ رشد جرایم با متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری در آمد، نرخ تورم سالانه، نرخ رشد طلاق، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد بودجه دستگاه قضایی کشور ارتباط غیرخطی وجود دارد که این خود توجیه بهره‌گیری از مدل غیرخطی مارکف سوئیچینگ در این مقاله است.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل تحقیق

سطح معناداری	آماره t	مقدار	پارامتر
۰/۰۰	۶/۲۵	۳/۰۱	μ
۰/۰۱	۳/۱۲	۳/۲۴	μ_1
۰/۰۵	۲/۰۸	۰/۹۹	α_1
۰/۰۳	۲/۴۸	۰/۸۵	α_{11}
۰/۰۰	۵/۴۸	۰/۶۳	α_2
۰/۰۲	۲/۵۷	۰/۵۷	α_{21}
۰/۰۰	۹/۰۵	۰/۹۷	α_3
۰/۰۰	۷/۵۰	۲/۵۴	α_{31}
۰/۰۰	۵/۷۱	۱/۴۶	α_4
۰/۰۰	۶/۳۱	۲/۳۰	α_{41}
۰/۰۰	۸/۹۶	۰/۹۰	α_5
۰/۰۰	۷/۴۶	۲/۱۵	α_{51}
۰/۰۴	-۲/۳۱	-۰/۰۳	α_6
۰/۰۱	-۲/۸۴	-۰/۱۹	α_{61}
۰/۰۰	۳/۵۲	۳/۵۳	σ
۰/۰۰	۵/۱۷	۶/۳۳	σ_1
۰/۰۱	۳/۲۶	۰/۵۰	$P_{..}$
۰/۰۰	۳/۴۶	۰/۴۸	$P_{.1}$
	-۱۰۷/۹۹		Log-likelihood
۰/۰۲		۲۱/۷۸	Nonlinear LR test

مأخذ: همان.

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، متغیر نرخ بیکاری در فاز صفر با ضریب مثبت و در فاز یک با ضریب منفی بر نرخ رشد جرم تأثیر معنادار گذاشته است. ضریب اثرگذاری

نرخ بیکاری در فاز صفر ۰/۹۹ است و در رژیم حدی یک برابر با ۰/۸۵ است. به بیان دیگر نتایج نشان می‌دهد که در فاز نرخ پایین رشد جرم، افزایش نرخ بیکاری سبب تسریع بخشی به افزایش روند جرم می‌شود و از این رو اثر انگیزی بر اثر فرصت غلبه می‌کند. به نحوی که یک درصد افزایش در نرخ بیکاری سبب افزایش ۰/۹۹ درصدی در نرخ رشد جرایم می‌شود. در فاز رشد بالای جرم نیز افزایش نرخ بیکاری سبب افزایش رشد نرخ جرم می‌شود و از این رو در این فاز حدی نیز اثر انگیزی بر اثر فرصت فزونی می‌یابد. ضریب اثرگذاری نرخ بیکاری در فاز حدی یک برابر با ۰/۸۵ است که نشان می‌دهد یک درصد افزایش در نرخ بیکاری سبب افزایش ۰/۸۵ درصدی در نرخ رشد جرایم می‌گردد. به این ترتیب، نرخ بیکاری تأثیر غیرخطی بر نرخ رشد جرم در دو فاز مختلف دارد به طوری که اثر نرخ بیکاری بر وقوع جرایم در دوره‌های نرخ رشد پایین جرایم به اندازه ۰/۱۴ درصد بیشتر است.

از سویی، متغیر نابرابری درآمد در فاز صفر یعنی فاز نرخ پایین رشد جرم، اثر مثبت بر جرم دارد و اثر آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. متغیر نابرابری درآمدی در فاز حدی یک یعنی فاز نرخ رشد بالای جرم نیز اثر معنادار مثبت بر نرخ رشد جرایم داشته است. به طوری که ضریب اثرگذاری نابرابری درآمدی بر نرخ رشد جرایم در دو فاز حدی صفر و یک به ترتیب برابر با ۰/۶۳ و ۰/۵۷ است. این نتایج نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در نابرابری درآمدی منجر به افزایش ۰/۶۳ درصدی در فاز صفر و همچنین سبب افزایش ۰/۵۷ درصدی در فاز یک می‌شود به این ترتیب میزان تأثیرگذاری نابرابری درآمدی بر نرخ رشد جرایم زمانی که در وضعیت نرخ رشد بالا قرار داریم، به اندازه ۰/۰۶ درصد بیشتر بوده است.

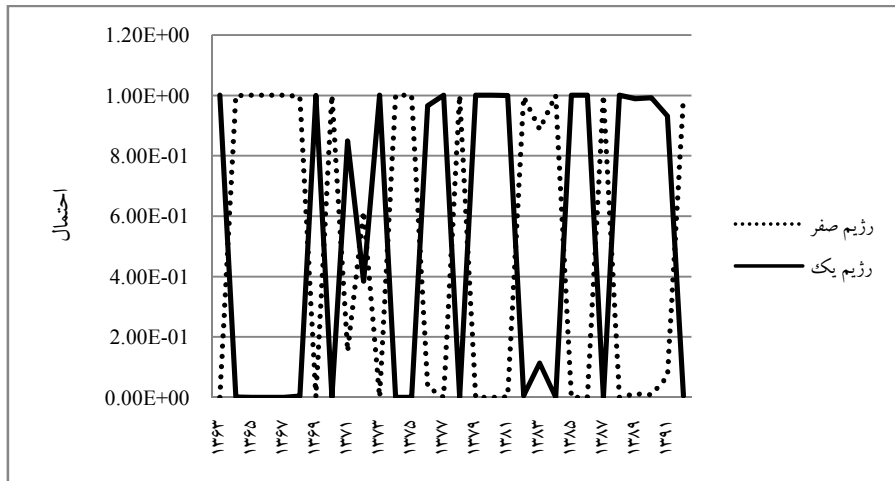
بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴، متغیر نرخ تورم سالانه نیز در هر دو فاز حدی صفر و یک تأثیر معنادار مثبت بر نرخ رشد وقوع جرایم در ایران دارد. ضریب اثرگذاری تورم در فاز حدی صفر یعنی در دوره‌های نرخ رشد پایین وقوع جرایم برابر با ۰/۹۷ است و در فاز حدی یک یعنی زمانی که نرخ رشد وقوع جرایم بالاست، تورم با ضریب ۲/۵۴ بر نرخ رشد وقوع جرایم تأثیر مثبت می‌گذارد. این نتایج نشان می‌دهد یک درصد افزایش در نرخ تورم سالانه در ایران باعث می‌شود تا نرخ رشد جرایم در فاز حدی صفر به اندازه ۰/۹۷ درصد و در فاز حدی یک به اندازه ۲/۵۴ درصد افزایش پیدا کند.

نتایج برآورد رگرسیونی نشان می‌دهد متغیر توضیحی نسبت شهرنشینی تأثیر معنادار و مثبت بر وقوع جرایم در ایران دارد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد ضریب اثرگذاری نسبت شهرنشینی در فاز حدی صفر برابر با $1/46$ است و در فاز حدی یک برابر با $2/30$ می‌باشد. این نتایج بیان می‌کند وقتی در دوره‌های رشد پایین رشد وقوع جرایم قرار داریم، یک درصد افزایش در نسبت شهرنشینی منجر به افزایش $1/46$ درصدی در نرخ رشد جرایم می‌شود. زمانی که در دوره‌های رشد بالای وقوع جرایم قرار داشته باشیم، یک درصد افزایش در نسبت شهرنشینی منجر به افزایش $2/30$ درصدی در نرخ رشد جرایم شده است. به این ترتیب تأثیر نسبت شهرنشینی بر رشد وقوع جرایم در دوره‌های رشد بالای وقوع جرایم به اندازه $0/84$ درصد بیشتر است.

پنجمین متغیر توضیحی تأثیرگذار بر رشد وقوع جرایم که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است، نرخ رشد سالانه طلاق است. نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر نرخ رشد طلاق در فازهای حدی صفر و یک به ترتیب دارای ضریب اثرگذاری برابر با $0/9$ و $2/15$ درصدی بر رشد وقوع جرایم است. به بیانی ساده‌تر، یک درصد افزایش در نرخ رشد طلاق در دو فاز حدی صفر و یک نرخ رشد جرایم را به ترتیب $0/9$ و $2/15$ درصد افزایش می‌دهد. این نتایج بیان می‌دارد که وقتی رشد وقوع جرایم بالاست، تأثیر نرخ رشد طلاق به اندازه $1/25$ درصد بیشتر است. در نهایت نتایج نشان می‌دهد که متغیر نرخ رشد سالانه رشد بودجه دستگاه قضایی تأثیر معنادار منفی بر وقوع جرایم در ایران دارد، به طوری که یک درصد افزایش در نرخ رشد بودجه سالانه دستگاه قضایی در دو فاز حدی صفر و یک به ترتیب نرخ رشد وقوع جرایم را $0/03$ و $0/19$ درصد کاهش می‌دهد.

بر پایه نتایج نوسانات نرخ رشد جرایم در فاز حدی یک بالاتر از فاز حدی صفر است به طوری که انحراف معیار رشد جرایم در فاز یک برابر با $6/33$ و در فاز حدی صفر برابر با $3/53$ برآورد شده است. احتمال ماندگاری در فاز حدی صفر برابر با $0/50$ است احتمال گذر از فاز صفر به فاز یک برابر با $0/48$ به دست آمده است. از طرفی، نمودار ۵ بیانگر احتمال قرار گرفتن هر کدام از سال‌های مورد مطالعه در هریک از دو فاز حدی صفر و یک می‌باشد، به طوری که رژیم (فاز) صفر دوره‌های نرخ پایین رشد جرایم و رژیم (فاز) یک نشان‌دهنده دوره‌های نرخ بالای رشد جرایم می‌باشد.

نمودار ۵. احتمال واقع شدن دوره مورد بررسی در رژیم‌های بالا و پایین نرخ رشد جرایم



مأخذ: همان.

همچنان‌که مشاهده می‌شود، سال‌های ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ با احتمال بالای ۹۰ درصد در فاز حدی صفر یعنی دوره نرخ پایین رشد جرایم واقع شده است. در مقابل سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۳، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۱ با احتمال بالای ۹۰ درصد در فاز حدی یک یعنی دوره نرخ بالای رشد جرم قرار دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون‌های نیکویی برازش

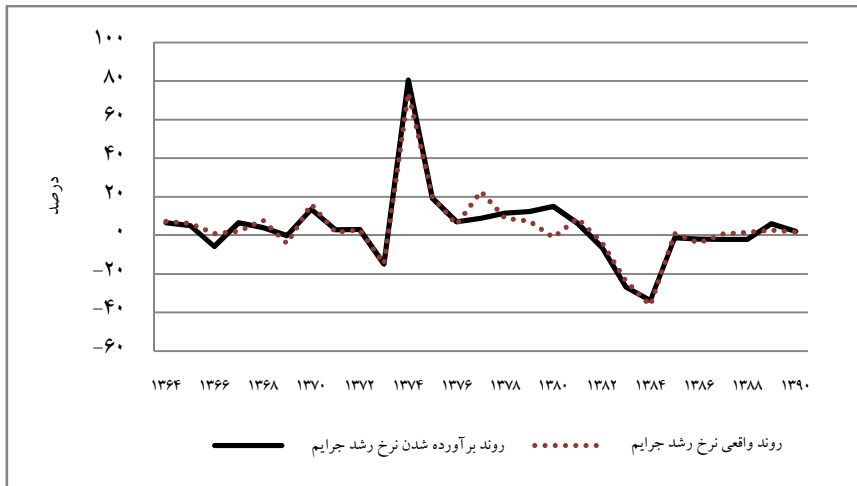
عنوان آزمون	نوع آماره	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری
آزمون همبستگی سریالی	کای دو با درجه آزادی ۵	۸/۵۰	۰/۱۳
آزمون ناهمسانی واریانس	فیشر با درجه آزادی ۱ و ۱۰	۰/۰۳	۰/۸۷
آزمون نرمال بودن	کای دو با درجه آزادی ۲	۴/۲۸	۰/۱۲

مأخذ: همان.

در ادامه این بخش از مقاله، جهت سنجش میزان اعتبار نتایج حاصل شده، آزمون‌های نیکویی برازش شامل همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس را بر پسماندهای مدل برآورد شده اجرا می‌کنیم. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۵ گزارش شده است.

جهت سنجش میزان قدرت مدل در برازش رفتار سری زمانی نرخ رشد جرم، روند واقعی و برازش شده نرخ رشد جرم در نمودار ۶، مقایسه شده‌اند. همچنان‌که دیده می‌شود مدل مارکف سوئیچینگ در مدل‌سازی رفتار این متغیر، خصوصاً در برازش نوسانات مثبت و منفی رشد جرایم از عملکرد قابل قبولی برخوردار است، به طوری که در بیشتر دوره‌های زمانی مورد مطالعه روند برازش شده بر روند واقعی منطبق است.

نمودار ۶. مقایسه روند واقعی و برآورد شده سری زمانی نرخ رشد جرایم



مأخذ: همان.

بر پایه نتایج حاصل از آزمون‌های نیکویی برازش و مقایسه روندهای واقعی و برازش شده، مدل غیرخطی مارکف سوئیچینگ از کفایت لازم جهت برازش رفتار سری زمانی جرایم برخوردار است و بنابراین نتایج به دست آمده قابل اتکا و تفسیر می‌باشند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظر به وجود ادبیات تئوریک و تجربی ناهمسو و چندگانه پیرامون چگونگی اثرگذاری متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، نرخ تورم، نسبت شهرنشینی، نرخ رشد سالانه طلاق و نرخ رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی بر رشد جرم، این مقاله به بازنگری تجربی این رابطه

در قالب مدل غیر خطی مارکف سوئیچینگ پرداخته است. در این راستا اثر غیر خطی متغیرهای مذکور در بالا بر نرخ رشد جرایم در ایران و در دوره زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ مورد مدل سازی و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس، ابتدا دوره های رکود و رونق اقتصاد ایران بر اساس رفتار سری زمانی نرخ بیکاری و در قالب مدل خودرگرسیون مارکف سوئیچینگ مدل سازی و برآزش شد. سپس در چارچوب یک مدل رگرسیونی چندمتغیره، اثرات غیر خطی متغیرهای مستقل تحقیق شامل نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، نرخ تورم، نسبت شهرنشینی، نرخ رشد سالانه طلاق و نرخ رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی بر نرخ رشد جرایم مورد آزمون و مدل سازی قرار گرفت. نتایج نشان داد رابطه نرخ رشد جرایم با متغیرهای توضیحی مذکور غیر خطی است و بر این اساس این مطالعه از مدلی بهره گرفته است که قادر است ارتباط غیر خطی را به خوبی شناسایی و مدل سازی کند. لازم به ذکر است که ابزارها و مدل های مورد استفاده در مطالعات پیشین چنین قابلیتی را ندارند.

همچنین، نتایج برآورد رگرسیونی نشان داد که متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی، نرخ تورم، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد طلاق در هر دو فاز حدی صفر (نرخ رشد پایین جرم) و فاز حدی یک (نرخ رشد بالای جرم) اثر مثبت و منفی بر رشد جرایم در ایران دارند و تنها متغیر رشد بودجه سالانه دستگاه قضایی بر رشد جرایم تأثیر معنادار منفی در هر دو فاز حدی صفر و یک دارد. نتایج نشان می دهد که متغیرهای نسبت شهرنشینی، نرخ بیکاری و تورم در فاز حدی صفر (دوره های نرخ رشد پایین وقوع جرایم) به ترتیب بالاترین تأثیر را بر نرخ رشد وقوع جرایم دارند، به طوری که یک درصد افزایش در نسبت شهرنشینی، نرخ بیکاری و تورم به ترتیب منجر به افزایش ۱/۴۶، ۰/۹۹ و ۰/۹۷ درصدی در نرخ رشد وقوع جرایم در ایران می شود. در فاز حدی یک (دوره های نرخ رشد پایین وقوع جرایم)، متغیرهای تورم، نسبت شهرنشینی و نرخ رشد طلاق به ترتیب بالاترین تأثیر را بر وقوع جرایم در ایران دارند، به طوری که یک درصد افزایش در این سه متغیر به ترتیب منجر به افزایش ۲/۵۴، ۲/۳۰ و ۲/۱۵ درصدی در نرخ رشد وقوع جرایم در ایران می شود. نتایج مطالعه همچنین نشان می دهد که مطابق با انتظارات، نوسانات نرخ رشد جرایم در دوره های رشد بالای وقوع جرایم حدود دو برابر دوره هایی است که نرخ رشد

جرایم پایین بوده است. همچنین براساس نتایج رگرسیونی حاصل از تخمین مارکف سوئیچینگ، احتمال ماندگاری در فاز حدی صفر ۵۰ درصد است و احتمال گذر از این فاز به فاز حدی یک برابر با ۴۸ درصد برآورد شده است. بر پایه نتایج آزمون‌های نیکویی برازش و مقایسه روند داده‌های واقعی با روند برازش شده داده‌ها، مدل مارکف سوئیچینگ از عملکرد مناسب جهت مدل‌سازی تأثیر نرخ بیکاری و نابرابری درآمد بر نرخ رشد جرایم در ایران برخوردار است.

نتایج این مطالعه به‌طور کلی با نتایج مطالعات مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) و مداح (۱۳۹۰) در زمینه تأثیر نابرابری درآمد بر وقوع جرم و مطالعه مکی‌پور و ربانی (۱۳۹۲) در زمینه تأثیر مثبت نرخ بیکاری بر رشد جرایم همسوست.

بر پایه نتایج به‌دست آمده اگر چه همه متغیرهای توضیحی ششگانه نرخ بیکاری، نابرابری درآمد، نرخ تورم، نسبت شهرنشینی، نرخ رشد سالانه طلاق و نرخ رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی بر نرخ رشد وقوع جرایم در ایران تأثیر معنادار دارند، ولی اثر متغیرهای نسبت شهرنشینی، تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد طلاق قوی‌تر است. از طرفی متغیر رشد سالانه بودجه دستگاه قضایی کمترین اثر را بر کاهش نرخ رشد جرایم دارد.

این نتایج نشان می‌دهد وقوع جرم یک پدیده پیچیده است و نمی‌توان صرفاً علل آن را در مسائل اقتصادی جستجو کرد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که علت افزایش رشد جرایم در ایران در فاکتورها و متغیرهای اقتصادی دیگر غیر از نرخ بیکاری نظیر فقر و نابرابری درآمد همچون نرخ تورم و علل اجتماعی نظیر نسبت شهرنشینی و نرخ رشد طلاق می‌باشد و لذا در این زمینه می‌بایست برنامه‌های جامع کنترل افزایش نسبت شهرنشینی در ایران، توجه بیشتر به مقوله اشتغال و همچنین برنامه‌های جامع فرهنگی و آموزشی در کنترل طلاق و تبیین پیامدهای آن مورد توجه ویژه دولتمردان، قانونگذاران و دستگاه‌های نظارتی قرار گیرد.

از این رو به‌نظر می‌رسد با توجه به پیچیدگی پدیده جرم، لازم است مطالعات بیشتری در حوزه علت‌شناسی وقوع جرم در ایران با تأکید بر سایر متغیرهای اجتماعی و سیاسی در آینده صورت پذیرد.

منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی و نشریات ادواری، سال‌های مختلف.

۲. صادقی، حسین، وحید شقاقی شهری و حسین اصغرپور (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، ۶(۶۸).

۳. عیسی‌زاده، سعید، جهانبخش مهرانفر و مهدی مهرانفر (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط میان جرم و شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان در ایران»، *نشریه راهبرد توسعه*، ۸(۲۹).

۴. مداح، مجید (۱۳۹۰). «تحلیل اثر فقر و نابرابری در آمد بر جرم (سرقت) در سطح استان‌های کشور»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۱(۳).

۵. مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف)، *سالنامه‌های آماری*.

۶. مکی‌پور، ذبیح‌اله و علی ربانی (۱۳۹۲). «بررسی علل اقتصادی آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر رابطه تورم و جرایم در ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰)»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۲(۶).

۷. مهرگان، نادر و سعید گرشاسبی فخر (۱۳۹۰). «نابرابری در آمد و جرم در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۱(۴).

8. Allen, R. (1996). "Socioeconomic Conditions and Property Crime: a Comprehensive Review and Test of the Professional literature", *American Journal of Economics and Sociology* 55 (3).

9. Blau, J. R. and P. M. Blau (1982). "The Cost of Inequality: Metropolitan Structure and Violent Crime", *American Sociological Review*, 47 (1).

10. Bourguignon, F., J. Nunez and F. Sanchez (2003). "What Part of the Income Distribution Matters for Explaining Property Crime?", *The Case of Colombia*, Documento CEDE, 2003-2007.

11. Brock, C. (2008). *Introductory Econometrics for Finance*, Cambridge University Press.

12. Cantor, D. and K. C. Land (1985). "Unemployment and Crime Rates in the post-World War II United States: A Theoretical and Empirical Analysis", *American Sociological Review*, 50 (3).

13. Chintarkarn, P. and D. Herzer (2012). "More Inequality, More Crime? A Panel Cointegration Analysis for the United States", *Economic Letters*, 116.

14. Chiricos, T. (1987). *Rates of Crime and Unemployment: an Analysis of Aggregate Research Evidence*, Social Problems, 34(2).

15. Choe, J. (2008). "Income Inequality and Crime in the United States", *Economic Letters*, 101(1).

16. Cook, P. J. and G. A. Zarkin (1985). "Crime and the Business Cycle", *The Journal of Legal Studies*, 14 (1).
17. Demombynes, G. and B. Ozler (2005). "Crime and Local Inequality in South Africa", *Journal of Development Economics*, 72(2).
18. Fallahi, F. and G. Rodriguez (2014). "Link Between Unemployment and Crime in the US: A Markov-Switching Approach", *Social Science Research*, 45.
19. Hamilton, J. D. (1989). "A New Approach to the Economic Analysis of Nonstationary Time Series and the Business Cycle", *Econometrica*, 57 (2).
20. _____ (1994). *Time Series Analysis*, Princeton University Press.
21. Kapetanios, G., Y. Shin and A. Snell (2003). "Testing for a Unit Root in the Non-linear STAR Framework", *Journal of Econometrics*, 112.
22. Neumayer, E. (2005). "Inequality and Violent Crime: Evidence from Data on Robbery and Violent theft", *Journal of Peace Research* 42 (1).
23. Scorzafave, L. G. and M. K. Soares (2009). "Income Inequality and Pecuniary Crimes", *Economic Letters*, 104.
24. Shintani, M. (2013). "The INF-t test for a Unit root against Asymmetric ESTAR Models", *Japanese Economic Review*, 64 (1).
25. Sollis, R. (2009). "A Simple Unit Root Test Against Asymmetric STAR Nonlinearity with an Application to Real Exchange Rates in Nordic Countries", *Economic Modelling*, 26 (1).

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از روش فرایند تحلیل شبکه‌ای

علیرضا معطوفی* و مرتضی دنکوب**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۵	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۷/۲۰
-----------------------	-----------------------

برای ایجاد یک توسعه همه‌جانبه و پایدار و همچنین جایگزینی منابع جدید کسب درآمد به‌جای منابع نفتی نیازمند استفاده از تمامی امکانات کشور می‌باشیم. در این راستا موضوع محیط زیست به‌عنوان یکی از عناصر مهم در ترکیب اقتصادی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود. به‌طوری‌که در بخشی از ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴، به‌عنوان نیاز اساسی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به ادبیات پژوهش به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری زیست‌محیطی با استفاده از روش فرایند تحلیل شبکه‌ای^۱ پردازد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که سه زیرمعیار «قرار گرفتن مسائل محیط زیست در اولویت نمایندگان به‌ویژه فراقسیون محیط زیست و کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی»، «حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست» و «توسعه دیپلماسی زیست‌محیطی»، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی خواهند داشت. نتایج پژوهش حاضر ضمن داشتن سهم مناسبی در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مفیدی را در اختیار سایر پژوهشگران و مدیران حوزه مورد بررسی قرار خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست؛ خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی؛ توسعه پایدار؛ تدوین خط‌مشی

* استادیار گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان - ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: alirezamaetooft@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، گروه مدیریت صنعتی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران؛

Email: dankoob_m59@yahoo.com

1. Analytic Network Process (ANP)

مقدمه

روند رو به گسترش کشورهای در حال توسعه، مشکلات زیست محیطی^۱ متعددی را به وجود آورده که تخریب منابع طبیعی را منجر شده است (Marcoux, 2006). تداوم روند فعلی شیوه‌های سنتی زندگی نظیر کوچ‌نشینی، کشاورزی در اراضی شیب‌دار و کم‌بازده، مصرف بی‌رویه نهاده‌های کشاورزی خصوصاً کودهای شیمیایی و سموم مصرفی در فعالیت کشاورزی، گسترش روند بیابان‌زایی به دلیل استفاده بی‌رویه از پوشش گیاهی برای تأمین نیازهای سوخت و بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل‌ها و مراتع کشور، فرسایش خاک، آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی و آب‌های ساحلی در نتیجه تخلیه ضایعات جامد و پساب‌های شهری و صنعتی، افزایش بی‌رویه مصرف سوخت‌های فسیلی و به تبع آن افزایش انتشار انواع آلاینده‌ها در محیط زیست و تخریب گسترده آن گردیده است (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲). عواملی مانند آلودگی آب‌ها، از بین رفتن پوشش‌های جنگلی، توسعه مناطق کویری، خشکسالی‌ها، فاضلاب‌های صنعتی، باران‌های اسیدی، تنزل کیفیت حوضه‌های آبخیز، تنزل عملکرد تنوع زیستی و مسائلی از این قبیل ابعاد تازه‌ای به خود گرفته‌اند. به طوری که امروزه مسئله محیط زیست تنها به مسائل علوم محیط زیستی و اکولوژی محدود نمی‌شود، بلکه متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد هر منطقه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است (فرخیان، حسین‌پور و سلیمانی، ۱۳۹۲).

تحولات محیط زیستی در سطح بین‌المللی از یک سو و گسترش فرایندهای تخریب محیط زیست^۲ در کشور به مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث شده است، موضوع حفاظت از محیط زیست بیش از گذشته در کانون توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد. به طوری که در بخشی از ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴، به برخورداری آحاد مختلف جامعه از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب در آمد، نهاد خانواده به دور از فقر، فساد و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب تأکید شده است (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲).

1. Environmental Problems

2. Eco Destruction

بررسی وضعیت ایران نشان می‌دهد، در حال حاضر کشور به‌خصوص در کلان‌شهرها با مشکلات زیست‌محیطی روبه‌روست که بسیاری از آنها تبدیل به بحران‌های ملی شده است. بسیاری از قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست و بهبود وضعیت زیست‌محیطی به فراموشی سپرده شده‌اند یا ناقص و نارسا اجرا می‌شود (معمارزاده و شکری، ۱۳۸۵). مطابق با شاخص جهانی عملکرد زیست‌محیطی در سال ۲۰۱۳، ایران در بین ۱۳۲ کشور جهان با کسب نمره ۴۲/۷۳ در مقام ۱۱۴ قرار گرفته است (Hsu, 2013: 12)؛ درحالی که در سال ۲۰۱۱ با کسب نمره ۶۰ در مقام ۷۸ جهان و در سال ۲۰۰۹ با نمره ۷۶/۹ در رتبه ۶۷ جهان قرار داشته است. نکته قابل توجه آن است که هیچ کشوری در بین دو اندازه‌گیری متوالی بیش از ۳۰ پله تنزل نداشته اما ایران در اندازه‌گیری اخیر ۳۶ پله تنزل کرده است (اصلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

توسعه کشورها، براساس تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی صورت می‌پذیرد که با تکیه بر آرمان‌ها، توانایی‌ها، امکانات و شرایط محیطی حاکم بر کشورها تدوین شده است (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به منابع محدود و نیازهای روزافزون جامعه، تدوین راهبرد به‌عنوان چارچوبی برای تخصیص بهینه منابع، از ضرورت‌های هر نوع توسعه است. این واقعیتی است که به‌ویژه کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند (Taleghani, 2005). لذا جهان به نحو فزاینده‌ای در راستای تحقق توسعه پایدار^۱ با دو رویکرد مهم برنامه‌ریزی و محیط زیست روبه‌روست. براین اساس توسعه پایدار به معنی رشد اقتصادی^۲ بدون ایجاد تقاضاهای غیرضروری بر منابع اجتماعی یا طبیعی است. پایداری محیط زیستی^۳ به معنی کاهش اثرات بر محیط زیست، منابع طبیعی و حفاظت از آنها برای آینده می‌باشد. پایداری محیط زیستی اشاره به نگهداری، حفاظت و مدیریت طولانی‌مدت منابع با ارزش زیست‌محیطی دارد (علوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲).

مسائل زیست‌محیطی به‌دلیل تأثیر حیاتی بر آحاد جامعه، از جایگاه خاصی در خط‌مشی‌گذاری عمومی^۴ برخوردار است. به‌نحوی که در برنامه اول توسعه بسترهای لازم

1. Sustainable Development

2. Economic Growth

3. Environmental Sustainability

4. Public Policy Making

برای تجهیز و توانمندسازی سازمان حفاظت محیط زیست از جنبه سخت‌افزاری و ایجاد زیرساخت‌های لازم در نظر گرفته شد. اما بنا به دلایلی آموزش نیروی انسانی و ارتقای آگاهی‌های عمومی، عملکرد مطلوبی نداشته است. در برنامه دوم توسعه بعد آموزش فعال‌تر شد و اقدامات نسبتاً خوبی برای نهادینه کردن آموزش و ارتقاء آگاهی‌های عمومی انجام شد. اجرای مجموع اقدامات انجام شده در این خصوص توانست تا حد زیادی موضوع محیط زیست را که در جامعه و سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در حاشیه قرار داشت، نهادینه کند و حساسیت‌ها را در این مورد افزایش دهد.

در برنامه سوم برای نخستین بار محیط زیست به‌عنوان یک فصل مجزا (فصل دوازدهم) تحت عنوان سیاست‌های محیط زیستی مطرح شد، درحالی که در برنامه اول تنها یک تبصره و در برنامه دوم نیز سه تبصره به موضوع حفاظت از محیط زیست تأکید داشتند. که این مسئله به‌خوبی ارتقای جایگاه محیط زیست در نظام برنامه‌ریزی کشور را نمایان ساخته و از نقاط عطف در فرایند تحولات محیط زیستی کشور قلمداد می‌شود. تجارب و ظرفیت‌سازی‌هایی که در برنامه‌های گذشته محیط زیست خصوصاً برنامه سوم توسعه به‌دست آمد، باعث شد تا برنامه چهارم توسعه با چارچوبی نوین و منطبق با شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و همچنین تحولات بین‌المللی تهیه شود و به همین دلیل نیز در این برنامه بر جنبه‌های مختلفی از مسائل محیط زیست تأکید شده است که می‌بایست دستگاه‌های اجرایی مرتبط به آن توجه داشته باشند. لذا تنویر افکار عمومی و ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به‌منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از جمله اقداماتی بوده که در برنامه پنجم توسعه کشور مورد تأکید قرار گرفته است (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲).

از آنجاکه یک برنامه، متعلق به دوره زمانی و مکانی خاص است، لذا توجه به شرایط و ویژگی‌های محیطی و به‌ویژه محیط زیست، ضروری به‌نظر می‌رسد. به‌نحوی که، هرگونه تغییر در شرایط محیط زیست می‌تواند، تأثیر مستقیمی بر زندگی انسان‌ها داشته باشد. به همین دلیل هر روز نقش محیط زیست در برنامه‌های توسعه پررنگ‌تر می‌شود (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت محیط زیست و لزوم توجه به آن در تدوین برنامه‌های استراتژیک

و نقش انکارناپذیر آن در توسعه پایدار کشور به نظر می‌رسد، انجام پژوهش‌هایی در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری زیست‌محیطی اجتناب‌ناپذیر است. مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، با فقدان پژوهش‌های کاربردی در حوزه موضوع مورد بررسی در کشورهای در حال توسعه به‌طور عام و در ایران به‌طور خاص مواجه می‌باشیم. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال است که «عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری زیست‌محیطی و اولویت‌های آن کدام است؟». از این رو یافته‌های پژوهش حاضر ضمن پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش، ابزار مناسبی را در اختیار سایر محققان و سیاست‌گذاران حوزه مربوطه قرار می‌دهد.

۱. ادبیات پژوهش

در دیدگاه مدرن، طبیعت بیشتر به‌عنوان کالا مطرح شده است، در حالی که در گذشته محیط زیست یک مفهوم زنده و به‌عنوان ستون فقرات و بستر توسعه بوده است (Siahaan, 2013). در طول نیم قرن گذشته سیمای سرزمین دچار تحولی شگرف شده است. به‌طوری که افزایش جمعیت، توسعه فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی منجر به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع محیط زیستی گردید و جهان با مشکلی به نام تخریب محیط زیست روبه‌رو شد (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲).

در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰، زمانی که این نوع توسعه بی‌رویه و غیرموزون اولین زنگ‌های خطر را به صدا درآورد، با تلاش سازمان ملل، کنفرانس جهانی انسان و محیط زیست برگزار شد. پیامدهای این کنفرانس به مطرح شدن مسئله محیط زیست در جامعه جهانی و محافل مختلف و همچنین استقرار سیستم‌های نهادی و تشکیلاتی در کشورهای عضو جامعه ملل و برنامه توسعه سازمان ملل درباره محیط زیست منجر شد. در سال ۱۹۸۷، کمیسیون محیط زیست سازمان ملل گزارشی در خصوص وضعیت محیط زیست در جهان به مجمع عمومی ارائه کرد که طی آن سیمای کره زمین در آینده بدون شروع اقدامات اساسی که در آن تمامی اعضای جامعه ملل دارای مسئولیت مشترک و منفرد در مقابله با آثار نامطلوب توسعه غیرمنطقی و مبارزه با عوامل تهدیدکننده محیط زیست باشند، بسیار بحرانی ترسیم شد. بر این

اساس با برپایی کنفرانس سران زمین در سال ۱۹۹۲، توجه جامعه جهانی بیش از پیش به موضوع حفاظت از محیط زیست معطوف شد و تفاهم‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی برای حفاظت از محیط زیست در جامعه جهانی منعقد شد (UNEP, 2002).^۱

در گذشته به دلیل آنکه برنامه‌ریزی توسعه‌ای کشورها غالباً در دست اقتصاددانان بود، لذا آنان توسعه را فقط در رشد اقتصادی و بالا بردن تولید ناخالص ملی^۲ می‌دانستند و از این رو، به مسائل زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌ها کمتر توجه می‌شد. اما به تدریج با پیدایش مشکلات و مسائل زیست‌محیطی، گرایش به امر محیط زیست در برنامه‌های توسعه کشورها جدی گرفته شد. لذا جهت‌دهی به برنامه‌های توسعه در راستای حفاظت از منابع طبیعی در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفت. با مشخص شدن جایگاه و نقش محیط زیست در برنامه‌ها و لزوم برنامه‌ریزی برای حفظ و حراست از آن، اتخاذ رهیافتی استراتژیک با توجه به جایگاه محیط زیست در سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله مبتنی بر توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی به منظور تعیین اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی آینده کشور، در متن تحولات بین‌المللی - منطقه‌ای تنها نمی‌توانست به برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند و ناگزیر باید بر برنامه‌های بلندمدت، ارائه دورنماها و تحلیل چشم‌اندازهایی با افق دوردست با هدف‌گذاری و سمت‌گیری‌های روشن و مشخص متکی می‌بود، چرا که برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوب‌های طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورند (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲).

در برنامه اول توسعه، بخش محیط زیست در قالب اهداف کیفی مطرح شد که عبارت از فراهم ساختن موجبات بهبود و اعتلای کیفیت زندگی انسان و جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به محیط زیست و ترمیم اثرات منفی گذشته در محیط

1. United Nation Environmental Program

2. Gross National Product (GNP)

زیست بود. به طوری که متناسب با اصل (۵۰) قانون اساسی، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی و فرهنگی با هدف‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌های حفاظت از محیط زیست هم‌سو و هماهنگ باشند (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲). به‌رغم تخریب بخش وسیعی از مناطق طبیعی جنوب و غرب کشور و همچنین بهره‌برداری از منابع طبیعی، به جهت جنگ تحمیلی، متأسفانه در برنامه اول توسعه محیط زیست به جایگاه و اهمیتی که می‌بایست در برنامه‌های توسعه برخوردار باشد، دست نیافت. به‌نحوی که حتی در هدف‌ها و سیاست‌های کلی برنامه اول به مقوله محیط زیست و منابع طبیعی توجه نشد و تنها در خط‌مشی‌های برنامه، آن هم در راستای نیل به دیگر اهداف تاحدودی و به‌صورت کلی حفاظت محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. قانون برنامه اول مشتمل بر یک ماده واحده و پنجاه‌ودو تبصره قانونی بود، که در این میان، تنها تبصره «۱۳» به صورت مستقیم به امر حفاظت از محیط زیست می‌پرداخت (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶).

طبق این تبصره کارخانه‌ها و کارگاه‌ها موظفند به‌منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از منابع آلوده‌کننده، یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز کنند. وجوه هزینه شده از این محل جزء هزینه‌های قابل قبول مؤسسه مربوطه محاسبه خواهد شد. آیین‌نامه اجرایی این تبصره، توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران رسیده است. تبصره «۱۳» را می‌توان تنها تبصره‌ای دانست که در برنامه اول و آشکارا به امر حفاظت از محیط زیست می‌پردازد، اگرچه محیط زیست در آن برهه از زمان با وجود مشکلات و مسائل عدیده زیست‌محیطی به جایگاه و نقش محوری خود در برنامه اول توسعه دست نیافت و به صورت بسیار محدود جلوه گر شد، اما درعین حال چشم‌انداز روشنی برای برنامه‌های بعدی ایجاد کرد.

برنامه دوم توسعه در شرایطی متفاوت‌تر از برنامه اول تدوین شد؛ زیرا مقارن با تدوین این برنامه، برای نخستین بار مفهوم توسعه پایدار وارد برنامه‌های توسعه گردید و بر این اساس در هدف کلی برنامه دوم توسعه، تأمین رشد و توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

به منظور نیل به رشد و توسعه متعادل مناطق مختلف و تلاش در جهت بهبود کیفیت محیط زیست و احیاء و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده آن مصوب گردید (شیرینی، قائمی و قائمی، ۱۳۹۲).

قانون برنامه دوم مشتمل بر یک ماده واحده و صدویک تبصره است، که در این میان سه تبصره به صورت مستقیم بر حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی تأکید می‌کند، در ضمن به منظور حمایت و احیای منابع طبیعی و جلوگیری از تعدی و ممانعت از معاملات اراضی منابع طبیعی، قانونگذار در چند تبصره دولت را مکلف به اجرای اقدامات مناسب در پرتو دیگر فعالیت‌ها از قبیل، لوایح بودجه سالانه، فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی و صنعتی می‌کند.

برنامه سوم توسعه در حالی آغاز شد که تجارب نسبتاً خوبی از برنامه‌های گذشته محیط زیست حاصل شده بود و به همین دلیل این برنامه از جامعیت بیشتری برخوردار بود و در واقع در فرایند تحولات زیست‌محیطی کشور، از نقاط عطف محسوب می‌شد. به این ترتیب محیط زیست در برنامه سوم توسعه نسبت به برنامه‌های گذشته جایگاه بیشتری پیدا کرد و بر ادغام و ملاحظات زیست‌محیطی در فرایندهای برنامه‌ریزی بیش از پیش تأکید شد و سیاست‌های محیط زیستی که در برنامه‌های گذشته بیشتر به سیاست‌های انفعالی و واکنشی معطوف بود، به اتخاذ سیاست‌های فعال و پیشگیرانه منجر شد.

برنامه چهارم توسعه در امتداد برنامه سوم توسعه و با رویکردی جامع‌تر تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. یکی از مهم‌ترین نکات مثبت این برنامه، تأکید بر برآورد ارزش اقتصادی منابع طبیعی و محیط زیست و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب آنها در فرایند توسعه و محاسبه آنها در حساب‌های ملی بود. لذا به منظور استفاده عقلایی و بهینه از منابع طبیعی و محیط زیست، برای نخستین بار درونی کردن هزینه‌های تخریب محیط زیست و توجه به این موضوع در امکان‌سنجی طرح‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای مورد تأکید قرار گرفت. همچنین در این برنامه علاوه بر مواد قانونی در برخی از مواد قانونی سایر فصول برنامه چهارم توسعه، مضامین دوازده‌گانه با عنوان حفظ محیط زیست^۱، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای در یک فصل مجزا تحت عنوان حفظ محیط زیست قرار گرفت

تنویر افکار عمومی و ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به‌منظور حفظ محیط زیست، با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از جمله اقداماتی بوده‌اند که در برنامه پنجم توسعه کشور تدوین شد (همان).

مسائل زیست‌محیطی از انواع بسیار مهم و بارز مسائل عمومی دولت‌هاست. تاکنون مدل‌های گوناگون و متنوعی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی عرضه شده که اغلب، فارغ از محتوای مسائل خط‌مشی عمومی (از جمله محتوای زیست‌محیطی) صرفاً به تبیین چگونگی شکل‌گیری خط‌مشی پرداخته‌اند. لذا با توجه به ادبیات پژوهش و مدل ارائه شده توسط اصلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، هفت عامل اصلی و ۲۵ عامل فرعی مؤثر در تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی معرفی می‌شوند.

جدول ۱. معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی

معیار	زیرمعیار
۱. بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست‌محیطی (IF)	۱. افزایش نظارت سازمان ملل متحد (IF1) ۲. عدم انفعال زیست‌محیطی این نهاد بین‌المللی (IF2) ۳. افزایش ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی (IF3) ۴. ثبات ایران در عضویت در تعهدات بین‌المللی (IF4)
۲. سازمان‌های فراقوه‌ای (BF)	۱. تسریع شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست (BF1) ۲. رفع ابهامات در خصوص صلاحیت اداری شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست (BF2)
۳. سازمان‌های زیست‌محیطی (EF)	۱. کاهش تغییرات قابل توجه در اعضای شورای عالی محیط زیست با تغییر دولت (EF1) ۲. تأمین اعتبار مورد نیاز صندوق ملی محیط زیست توسط دولت (EF2) ۳. توجه ویژه به جایگاه کمیته ملی توسعه پایدار در ساختار اجرایی کشور (EF3) ۴. حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست (EF4)
۴. سازمان‌های قانونگذار (LF)	۱. تفکیک نقش دوگانه حفاظت - بهره‌برداری کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (LF1) ۲. قرار گرفتن مسائل محیط زیست در اولویت نمایندگان به‌ویژه فراکسیون محیط زیست و کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (LF2) ۳. الزام به رعایت مقررات در خصوص نحوه هزینه‌کرد بودجه زیست‌محیطی توسط دیوان محاسبات کشور (LF3)

معیار	زیرمعیار
۵. بازیگران اجرایی زیست محیطی (OF)	۱. افزایش ضریب نفوذ اختیارات نهادی سازمان محیط زیست (OF1) ۲. تقویت بدنه مدیریتی بوروکراسی محیط زیست (OF2) ۳. توجه سازمان‌های بهره‌بردار زیست محیطی به منافع عامه به‌جای خودخواهی نهادی (OF3) ۴. توسعه دیپلماسی زیست محیطی (OF4) ۵. توجه به شاخص‌های زیست محیطی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور (OF5)
۶. بازیگران قضایی زیست محیطی (JF)	۱. ایجاد شعب ویژه در قوه قضائیه برای بررسی پرونده‌های زیست محیطی (JF1) ۲. تقویت نظارت قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور بر ابعاد زیست محیطی (JF2) ۳. آموزش زیست محیطی قضات (JF3)
۷. بازیگران مستقل زیست محیطی (UF)	۱. تقویت بضاعت علمی تشکل‌های مردم‌نهاد سبز بر بار احساسی آنها (UF1) ۲. کاهش وابستگی تشکل‌های مردم‌نهاد سبز به دولت (UF2) ۳. حساسیت رسانه‌ها به مسائل زیست محیطی (UF3) ۴. آموزش و فرهنگ‌سازی مسائل زیست محیطی در جامعه (UF4)

مأخذ: ادبیات پژوهشی و مدل برگرفته از اصلی پور و همکاران (۱۳۹۳).

۲. فرایند تحلیل شبکه‌ای و مراحل آن

فرایند تحلیل شبکه‌ای، هر موضوع و مسئله‌ای را به‌مثابه شبکه‌ای از معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها (همه این موارد عناصر^۱ نامیده می‌شوند) که با یکدیگر در خوشه‌هایی^۲ جمع شده‌اند، در نظر می‌گیرد. همه عناصر در یک شبکه می‌توانند، به هر شکل، دارای ارتباط با یکدیگر باشند. به عبارت دیگر، در یک شبکه، بازخورد و ارتباط متقابل بین و میان خوشه‌ها امکان‌پذیر است (Garcia-Melon and et al., 2008:145). فرایند تحلیل شبکه‌ای را در چهار مرحله زیر می‌توان خلاصه کرد (Lee and et al., 2009:1-2; Carlucci and Schiuma, 2008):

۱-۲. ساخت مدل و تبدیل مسئله/ موضوع به یک ساختار شبکه‌ای

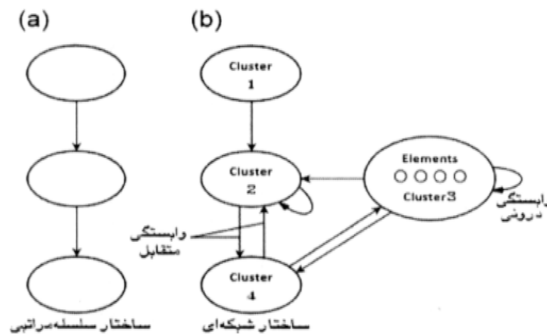
در این مرحله موضوع/ مسئله مورد نظر به یک ساختار شبکه‌ای تبدیل می‌شود که در آن گره‌ها به‌عنوان خوشه‌ها مطرح هستند. عناصر درون شاخه ممکن است با یک یا همه عناصر خوشه‌های دیگر ارتباط داشته باشند (تحت تأثیر بوده یا بر آنها اثرگذار باشند). این

1. Elements

2. Cluster

ارتباط‌ها (وابستگی بیرونی)^۱ با پیکان (فلش) نشان داده می‌شوند. همچنین ممکن است عناصر درون یک خوشه بین خودشان دارای ارتباط متقابل باشند (وابستگی درونی)^۲ که این‌گونه ارتباط‌ها با یک کمان متصل به آن خوشه^۳ نشان داده می‌شود (شکل (b) ۱).

شکل ۱. تفاوت ساختاری بین یک «سلسله‌مراتب» و «شبکه»



Source: Chung and et al., 2005

۲-۲. تشکیل ماتریس مقایسه دودویی و تعیین بردارهای اولویت

در این مرحله عناصر تصمیم در هر یک از خوشه‌ها، براساس میزان اهمیت آنها در ارتباط با معیارهای کنترلی دو به دو مقایسه می‌شوند. خود خوشه‌ها نیز براساس نقش و تأثیر آنها در دستیابی به هدف، دو به دو مورد مقایسه قرار می‌گیرند. تصمیم‌گیران در مورد مقایسه دودویی عناصر و یا خود خوشه‌ها دو به دو باید تصمیم‌گیری کنند. علاوه بر این، وابستگی متقابل بین عناصر یک خوشه نیز باید دو به دو مورد بررسی قرار گیرد. لذا تأثیر هر عنصر روی عنصر دیگر از طریق بردار ویژه قابل ارائه بوده و اهمیت نسبی عناصر براساس مقیاس ۹ کمیته ساعتی^۴ (۱۹۹۹) سنجیده می‌شود (همانند فرایند سلسله‌مراتبی)^۵.

$$Aw = \lambda_{\max} w$$

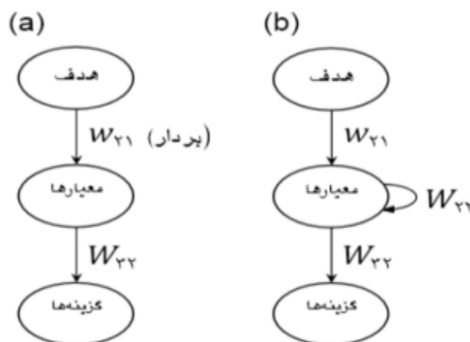
1. Outer Dependence
2. Inner Dependence
3. Looped Arc
4. Saaty
5. Analytic Hierachy Process (AHP)

که در آن A: ماتریس مقایسه دو دویی معیارها؛ W: بردار ویژه (ضریب اهمیت)؛ λ_{max} : بزرگ‌ترین مقدار ویژه عددی است. برای محاسبه بردار ویژه W، ساعتی چندین روش ارائه کرده است. اما در صورتی که محاسبات قرار است بدون استفاده از نرم‌افزار خاصی انجام شوند، بهتر است از روش تقریب میانگین هندسی استفاده شود (زبردست، ۱۳۸۹). بنابراین در این مرحله بردارهای اولویت داخلی مورد محاسبه قرار می‌گیرند.

۲-۳. تشکیل ابرماتریس و تبدیل آن به ابرماتریس حد

برای دستیابی به اولویت‌های کلی در یک سیستم با تأثیرات متقابل، بردارهای اولویت‌های داخلی (یعنی Wهای محاسبه شده) در ستون‌های مناسب یک ماتریس وارد می‌شوند. در نتیجه، یک ابرماتریس (یک ماتریس تقسیم‌بندی شده)^۱ به دست می‌آید که هر بخش از این ماتریس ارتباط بین دو خوشه در یک سیستم را نشان می‌دهد. به عنوان مثال یک ساختار سه سطحی هدف، معیارها و گزینه‌ها به دو شکل سلسله‌مراتبی (a) و شبکه‌ای (b) در شکل ۲ ارائه شده است. ابرماتریس مربوط به حالت سلسله‌مراتبی (a) را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

شکل ۲. ساختار سلسله‌مراتبی (a) و شبکه‌ای (b)



Source: Saaty, 1999: 4.

ماتریس ۱. ابرماتریس فرایند سلسله‌مراتبی

$$W_h = \frac{1}{3} \begin{bmatrix} 0 & 0 & 0 \\ w_{21} & 0 & 0 \\ 0 & W_{32} & I \end{bmatrix}$$

در ابرماتریس فرایند سلسله‌مراتبی، W_{21} برداری است که اثرات هدف بر معیارها و W_{32} اثرات معیارها بر گزینه‌ها را نشان می‌دهند و I ماتریس واحد است. اگر معیارها دارای تأثیرات متقابل باشند، فرایند سلسله‌مراتبی به فرایند شبکه‌ای تبدیل می‌شود. تأثیرات متقابل معیارها بر یکدیگر از طریق وارد کردن ماتریس W_{22} در ابرماتریس W_n (ماتریس ۲) امکان‌پذیر می‌شود.

ماتریس ۲. ابرماتریس فرایند شبکه‌ای

$$W_n = \frac{1}{3} \begin{bmatrix} 0 & 0 & 0 \\ w_{21} & W_{22} & 0 \\ 0 & W_{32} & I \end{bmatrix}$$

نحوه محاسبه ابرماتریس حد در رابطه (۱) آمده است:

$$\lim_{k \rightarrow \infty} W^k \quad (1)$$

این نوع ماتریس را ابرماتریس اولیه می‌گویند. با جایگزینی بردار اولویت‌های داخلی (ضرایب اهمیت) عناصر و خوشه‌ها در ابرماتریس اولیه، ابرماتریس ناموزون^۱ به دست می‌آید. در مرحله بعد، ابرماتریس موزون^۲ از طریق ضرب مقادیر ابرماتریس ناموزون در ماتریس خوشه‌ای^۳ محاسبه می‌شود. سپس از طریق نرمالیزه کردن ابرماتریس موزون، ابرماتریس از نظر ستونی به حالت تصادفی تبدیل می‌شود (Saaty, 1999). در مرحله سوم،

1. Unweighted Super Matrix
 2. Weighted Super Matrix
 3. Cluster Matrix

ابرماتریس حد^۱ با به توان رساندن تمامی عناصر ابرماتریس موزون تا زمانی که واگرایی^۲ حاصل شود (از طریق تکرار)،^۳ یا به عبارت دیگر تمامی عناصر ابرماتریس همانند هم شوند، محاسبه می شود (رابطه ۱).

۲-۴. انتخاب گزینه برتر

اگر ابرماتریس تشکیل شده در مرحله سوم، کل «شبکه» را در نظر گرفته باشد، یعنی گزینه‌ها نیز در ابرماتریس لحاظ شده باشند، اولویت کلی گزینه‌ها از ستون مربوط به گزینه‌ها در ابرماتریس حد نرمالیزه شده قابل حصول است. اگر ابرماتریس، فقط بخشی از شبکه که وابستگی متقابل دارند را شامل شود و گزینه‌ها در ابرماتریس در نظر گرفته نشوند، باید محاسبات بعدی صورت گیرد تا اولویت کلی گزینه‌ها به دست آید. گزینه‌ای که بیشترین اولویت کلی را داشته باشد، به عنوان برترین گزینه انتخاب می شود.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها (اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی)

۳-۱. تبیین مدل / الگوی انتخاب (تعیین اولویت) عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی (ساخت مدل و تبدیل مسئله به یک ساختار شبکه‌ای)

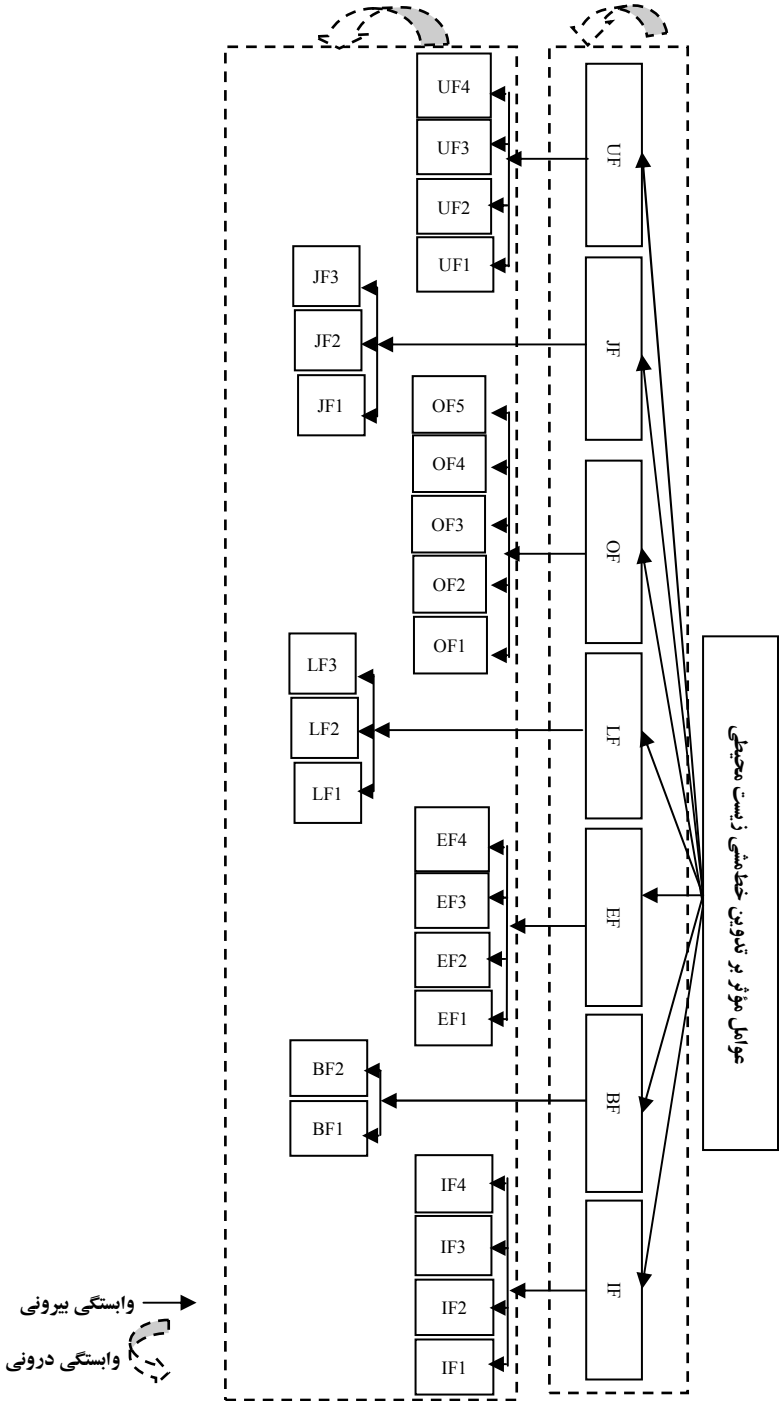
در ابتدا لازم است عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی براساس متون نظری، تجربی و مصاحبه با متخصصان حوزه مربوطه استخراج شود. سپس معیارها، زیرمعیارها و احتمالاً زیر-زیرمعیارهای تعیین‌کننده برای دستیابی به اهداف مطالعه مشخص شوند. براساس هدف پژوهش حاضر و با توجه به ادبیات تحقیق از ۷ معیار اصلی و ۲۵ زیرمعیارهای مربوط به آنها استفاده خواهد شد. مدل شبکه‌ای برای تعیین عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی در شکل ۳ ارائه شده است. همچنین جدول ۲ وابستگی‌های درونی معیارها با یکدیگر و جدول ۶ وابستگی‌های درونی زیرمعیارها را با یکدیگر نشان می‌دهد.

1. Limit Super Matrix

2. Convergence

3. Iteration

شکل ۳. مدل شبکه‌ای برای شناسایی عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی



جدول ۲. وابستگی درونی معیارهای اصلی با یکدیگر

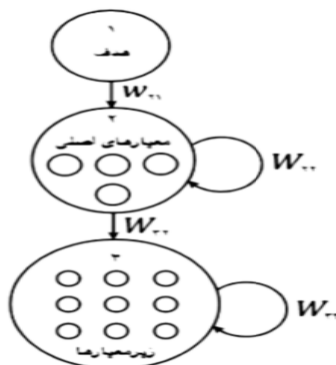
UF	JF	OF	LF	EF	BF	IF	معیارها
				✓	✓		بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست محیطی (IF)
✓			✓	✓		✓	سازمان‌های فراقوه‌ای (BF)
✓		✓	✓		✓	✓	سازمان‌های زیست محیطی (EF)
	✓	✓		✓	✓		سازمان‌های قانونگذار (LF)
✓			✓	✓			بازیگران اجرایی زیست محیطی (OF)
			✓				بازیگران قضایی زیست محیطی (JF)
		✓		✓	✓		بازیگران مستقل زیست محیطی (UF)

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، ۷ عامل اصلی در سطح یک بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست محیطی، سازمان‌های فراقوه‌ای، سازمان‌های زیست محیطی، سازمان‌های قانونگذار، بازیگران اجرایی زیست محیطی، بازیگران قضایی زیست محیطی و بازیگران مستقل زیست محیطی به عنوان معیار و ۲۵ عامل افزایش نظارت سازمان ملل متحد، عدم انفعال زیست محیطی این نهاد بین‌المللی، افزایش ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی، ثبات ایران در عضویت در تعهدات بین‌المللی، تسریع شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست، رفع ابهامات در خصوص صلاحیت اداری شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست، کاهش تغییرات قابل توجه در اعضاء شورای عالی محیط زیست با تغییر دولت، تأمین اعتبار مورد نیاز صندوق ملی محیط زیست توسط دولت، توجه ویژه به جایگاه کمیته ملی توسعه پایدار در ساختار اجرایی کشور، حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست، تفکیک نقش دوگانه حفاظت - بهره‌برداری کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، قرار گرفتن مسائل محیط زیست در اولویت نمایندگان به‌ویژه فراکسیون محیط زیست و کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، الزام به رعایت مقررات در خصوص نحوه هزینه‌کرد بودجه زیست محیطی توسط دیوان محاسبات کشور، افزایش ضریب نفوذ اختیارات نهادی سازمان محیط زیست، تقویت بدنه مدیریتی بوروکراسی محیط زیست، توجه سازمان‌های

بهره‌بردار زیست‌محیطی به منافع عامه به‌جای خودخواهی نهادی، توسعه دیپلماسی زیست‌محیطی، توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، ایجاد شعب ویژه در قوه قضائیه برای بررسی پرونده‌های زیست‌محیطی، تقویت نظارت قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور بر ابعاد زیست‌محیطی، آموزش زیست‌محیطی قضات، تقویت بضاعت علمی تشکل‌های مردم‌نهاد سبز بر بار احساسی آنها، کاهش وابستگی تشکل‌های مردم‌نهاد سبز به دولت، حساسیت رسانه‌ها به مسائل زیست‌محیطی و آموزش و فرهنگ‌سازی مسائل زیست‌محیطی در جامعه به‌عنوان زیرمعیار مشخص شدند.

پس از تعیین و مشخص کردن معیارها و زیرمعیارهای مربوط به عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی، لازم است ارتباط بین این عوامل نیز مشخص شود. معمولاً برای انجام این کار، از نظرات گروهی از متخصصان ذی‌ربط استفاده می‌شود. به این منظور در این پژوهش با استفاد از روش دلفی، جلسات حضوری با ۱۳ نفر از کارشناسان مرتبط با حوزه محیط زیست شامل اساتید دانشگاه و کارشناسان سازمان محیط زیست برگزار شد و از آنها خواسته شد تا ماتریس‌های مقایسات زوجی را تکمیل کنند. لازم است در این مرحله، با توجه به ساختار شبکه‌ای مدل (شکل ۴)، ساختار کلی ابرماتریس یا همان ابرماتریس اولیه نیز مشخص شود. لذا با توجه به شکل ۴ که ارتباط و وابستگی‌های بین معیارها و زیرمعیارها را نشان می‌دهد، ساختار ابرماتریس اولیه به‌شرح ماتریس ۳ است.

شکل ۴. ارتباط و وابستگی‌های بین معیارها و زیرمعیارها در مدل پژوهش



ماتریس ۳. ساختار ابرماتریس اولیه (غیرموزون)

	خوشه ها		
	هدف	معیارهای اصلی	زیرمعیارها
هدف	0	0	0
معیارهای اصلی	W_{21}	W_{22}	0
زیرمعیارها	0	W_{32}	W_{33}

۳-۲. تشکیل ماتریس‌های مقایسه‌ای و کنترل سازگاری آنها

در این مرحله ماتریس‌های مقایسه‌ای معیارهای اصلی، وابستگی معیارهای اصلی با یکدیگر، زیرمعیارها و وابستگی زیرمعیارها با یکدیگر تشکیل شده و سازگاری آنها نیز کنترل می‌شود. این مراحل در ادامه توضیح داده می‌شوند:

۳-۳. مقایسه دودویی معیارهای اصلی (ماتریس W_{21})

مقایسه دودویی معیارهای اصلی هفتگانه براساس مقیاس ۹ کمیتی ساعتی انجام می‌شود. نتیجه مقایسه دودویی معیارهای اصلی و همچنین بردار موزون حاصل از آن (W_{21})، در جدول ۳ ارائه شده است. برای دستیابی به نتیجه مطلوب، از قضاوت گروهی برای مقایسه دودویی استفاده می‌شود. در این صورت عناصر ماتریس مقایسه دودویی معیارها از میانگین هندسی نظرات گروهی حاصل خواهد شد.

جدول ۳. مقایسه دودویی معیارهای اصلی با یکدیگر

بردار ویژه W	UF	JF	OF	LF	EF	BF	IF	معیارها
۰.۱۰۹	۲.۰۶۴	۰.۷۹۲	۰.۸۵۹	۰.۳۲۵	۰.۷۷۱	۰.۹۲۵	۱	بازیگران جهانی (بین‌المللی) (IF)
۰.۱۶۹	۴.۳۲۲	۰.۷۹۹	۱.۰۴۵	۰.۷۶۲	۱.۹۷۲	۱		سازمان‌های فراقوه‌ای (BF)
۰.۱۴۵	۳.۷۹۱	۱.۵۴۰	۰.۸۲۵	۰.۶۸۲	۱			سازمان‌های زیست‌محیطی (EF)
۰.۲۴۷	۴.۰۰۹	۱.۸۶۰	۲.۲۰۱	۱				سازمان‌های قانونگذار (LF)
۰.۱۵۰	۴.۱۴۷	۱.۲۵۶	۱					بازیگران اجرایی زیست‌محیطی (OF)
۰.۱۳۵	۳.۱۹۰	۱						بازیگران قضایی زیست‌محیطی (JF)

معیارها	IF	BF	EF	LF	OF	JF	UF	بردار ویژه (W)
بازیگران مستقل زیست‌محیطی (UF)							۱	۰.۰۴۴

ضریب سازگاری^۱ (CR) = ۰.۰۲

ماتریس ۴. مقایسه دودویی معیارهای اصلی (ماتریس W_{21})

$$w_{21} = \begin{matrix} IF & 0.109 \\ BF & 0.169 \\ EF & 0.145 \\ LF & 0.247 \\ OF & 0.150 \\ JF & 0.135 \\ UF & 0.044 \end{matrix}$$

۳-۴. مقایسه دودویی وابستگی‌های درونی معیارهای اصلی (ماتریس W_{22})
 برای درک وابستگی‌های متقابل بین معیارهای اصلی، مقایسه دودویی بین معیارهای اصلی به منظور دستیابی به عناصر ماتریس W_{22} و براساس مقیاس ۹ کمیته ساعتی انجام می‌شود. نحوه محاسبه ضریب اهمیت هر یک از معیارهای اصلی (با توجه به وابستگی متقابل آنها) به این ترتیب است که مقایسه دودویی معیارهای اصلی ششگانه دیگر (با کنترل کردن ۱ معیار اول یعنی بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست‌محیطی) در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مقایسه دودویی معیارهای اصلی با توجه به وابستگی درونی آنها با کنترل «بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست‌محیطی»

معیارها	BF	EF	LF	OF	JF	UF	بردار ویژه (W)
سازمان‌های فراقوه‌ای (BF)	۱	۴.۷۱۷	۲.۳۲۳	۰.۵۱۱	۲.۴۲۳	۳.۲۲۴	۰.۲۶۰
سازمان‌های زیست‌محیطی (EF)		۱	۰.۹۳۵	۰.۲۷۷	۱.۵۹۸	۲.۸۴۰	۰.۱۰۸
سازمان‌های قانونگذار (LF)			۱	۰.۲۲۹	۲.۰۵۳	۲.۶۰۸	۰.۱۲۰
بازیگران اجرایی زیست‌محیطی (OF)				۱	۳.۵۱۶	۴.۴۳۰	۰.۳۷۴
بازیگران قضایی زیست‌محیطی (JF)					۱	۱.۱۱۸	۰.۰۷۸
بازیگران مستقل زیست‌محیطی (UF)						۱	۰.۰۶۱

ضریب سازگاری (CR) = ۰.۰۱

۱. اگر $CR < 0.1$ باشد، امتیازهای داده شده توسط تصمیم‌گیرندگان سازگار بوده و نیاز به بازنگری ندارد.

جهت محاسبه ماتریس مربوط به وابستگی‌های متقابل معیارهای اصلی (W_{22}) به شش ماتریس مقایسه دودویی دیگر علاوه بر جدول ۴ (ضمن کنترل ضریب سازگاری هر یک) نیاز است. لذا با توجه به محدودیت تعداد صفحات از درج سایر جداول خودداری کرده و صرفاً نتایج ارائه می‌شوند (ماتریس ۵).

ماتریس ۵. مقایسه دودویی وابستگی‌های درونی معیارهای اصلی (ماتریس W_{22})

	IF	BF	EF	LF	OF	JF	UF
IF	۰	۰.۱۴۳	۰.۳۰۶	۰.۱۱۷	۰.۲۰۴	۰.۱۴۳	۰.۱۰۴
BF	۰.۲۶۰	۰	۰.۲۶۶	۰.۱۲۳	۰.۰۷۶	۰.۱۲۰	۰.۱۳۴
EF	۰.۱۰۸	۰.۱۳۴	۰	۰.۲۳۶	۰.۲۲۷	۰.۱۷۱	۰.۲۷۰
LF	۰.۱۲۰	۰.۲۱۹	۰.۱۳۳	۰	۰.۱۴۹	۰.۲۲۵	۰.۱۷۱
OF	۰.۳۷۴	۰.۲۳۹	۰.۱۵۳	۰.۳۱۵	۰	۰.۱۴۴	۰.۱۷۶
JF	۰.۰۷۸	۰.۰۹۳	۰.۰۶۸	۰.۱۶۰	۰.۱۲۶	۰	۰.۱۴۴
UF	۰.۰۶۱	۰.۱۷۱	۰.۰۷۵	۰.۰۴۹	۰.۲۱۷	۰.۱۹۷	۰

۳-۵. مقایسه دودویی زیرمعیارهای هر یک از معیارهای اصلی (ماتریس W_{32})
 در این مرحله، ضریب اهمیت هر یک از زیرمعیارهای مربوط به معیارهای اصلی هفتگانه از طریق مقایسه دودویی آنها (براساس مقیاس کمیته ساعتی) به دست می‌آید و این ضرایب، عناصر ستونی ماتریس W_{32} را تشکیل خواهند داد. نتیجه مقایسه دودویی زیرمعیارهای «بازیگران جهانی (بین‌المللی) زیست‌محیطی» یعنی «افزایش نظارت سازمان ملل متحد (IF1)»، «عدم انفعال زیست‌محیطی این نهاد بین‌المللی (IF2)»، «افزایش ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی (IF3)» و «ثبات ایران در عضویت در تعهدات بین‌المللی (IF4)» و بردار موزون حاصل در جدول ۵ ارائه شده است. جهت محاسبه ماتریس مربوط به وابستگی‌های متقابل زیرمعیارهای اصلی (W_{32}) به شش ماتریس مقایسه دودویی دیگر علاوه بر جدول ۵ (ضمن کنترل ضریب سازگاری هر یک) نیاز می‌باشد. لذا با توجه به محدودیت تعداد صفحات از درج سایر جداول خودداری کرده و صرفاً نتایج ارائه می‌شوند (ماتریس ۶).

UF4	UF3	UF2	UF1	JF3	JF2	JF1	OF5	OF4	OF3	OF2	OF1	LF3	LF2	LF1	EF4	EF3	EF2	EF1	BF2	BF1	IF4	IF3	IF2	IF1	زیرمعیارها
													✓					✓							OF4
✓	✓				✓						✓		✓		✓						✓				OF5
	✓			✓	✓				✓		✓														JF1
✓	✓					✓	✓		✓						✓										JF2
						✓																			JF3
✓																									UF1
✓																									UF2
✓					✓	✓	✓		✓																UF3
	✓	✓	✓		✓		✓		✓																UF4

مقایسه دودویی زیرمعیارهای دارای وابستگی متقابل با زیرمعیار «افزایش نظارت سازمان ملل متحد (IF1)» و بردار موزون حاصل از آن در جدول ۷ ارائه شده است. با توجه به محدودیت تعداد صفحات، نتیجه مقایسه‌های دودویی و بردار موزون سایر زیرمعیارهای دارای وابستگی متقابل (با کنترل ضریب سازگاری آنها) در ماتریس W_{33} آورده شده است (ماتریس ۷).

جدول ۷. مقایسه دودویی زیرمعیارهای دارای وابستگی متقابل با زیرمعیار «افزایش نظارت سازمان ملل متحد (IF1)»

معیارها	IF2	IF3	BF1	EF2	EF4	بردار ویژه (W)
عدم انفعال زیست‌محیطی این نهاد بین‌المللی (IF2)	۱	۱.۳۸۳	۱.۴۱۴	۳.۷۱۹	۳.۷۱۹	۰.۳۲۴
افزایش ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی (IF3)		۱	۱.۷۱۸	۲.۶۲۰	۲.۶۲۰	۰.۲۶۵
تسریع شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست (BF1)			۱	۲.۶۸۸	۵.۱۴۳	۰.۲۴۵
تأمین اعتبار مورد نیاز صندوق ملی محیط زیست توسط دولت (EF2)				۱	۱.۵۴۱	۰.۰۹۵
حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست (EF4)					۱	۰.۰۷۲

ضریب سازگاری (CR) = ۰.۰۳

ماتریس ۷. مقایسه دودویی زیرمعیارهای دارای وابستگی متقابل (ماتریس W_{33})

	IF1	IF2	IF3	IF4	BF1	BF2	EF1	EF2	EF3	EF4	LF1	LF2	LF3	OF1	OF2	OF3	OF4	OF5	JF1	JF2	JF3	UF1	UF2	UF3	UF4	
IF1	0	0.120	0.420	0	0.300	0	0.290	0	0.140	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
IF2	0.320	0	0.580	0	0.060	0	0.510	0	0.090	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
IF3	0.260	0.290	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
IF4	0	0	0	0	0	0	0.070	0	0	0	0.170	0	0	0	0	0	0.290	0	0	0	0	0	0	0	0	0
BF1	0.240	0.410	0	0	0.320	0	0.280	0.080	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
BF2	0	0	0	0	0.190	0	0	0.710	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
EF1	0	0	0	0	0	0	0.130	0	0.110	0	0	0	0	0	0	0	0.580	0	0	0	0	0	0	0	0	0
EF2	0.090	0.100	0.280	0	0	0.580	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
EF3	0	0	0	0	0.230	0.670	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
EF4	0.070	0.080	0	0.220	0.150	0	0	0	0	0.250	0	0	0	0	0	0	0.190	0.060	0	0	0	0	0	0	0	0
LF1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.100	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
LF2	0	0	0	0.450	0	0	0	0	0.281	0	1	0.370	0	0.420	0.060	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
LF3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.160	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
OF1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.040	0	0	0	0	0	0.050	0.390	0	0	0	0	0	0	0	0
OF2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.410	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
OF3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0.230	0.180	0	0	0.030	0.150	0	0	0
OF4	0	0	0	0	0	0.270	0	0	0	0.200	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
OF5	0	0	0	0.260	0	0	0	0.240	0.080	0.440	0	0	0	0	0	0	0	0.340	0	0.460	0.180	0	0	0	0	0
JF1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.180	0.120	0	0	0.041	0	0	0.230	0	0	0	0	0	0	0
JF2	0	0	0	0	0	0	0	0.060	0	0	0	0	0.130	0.210	0.200	0	0	0.100	0.140	0	0	0	0	0	0	0
JF3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.090	0	0	0	0	0	0	0	0	0
UF1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.070	
UF2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.400	
UF3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.260	0.130	0.100	0.160	0	0	0	0	0	0	0.060	
UF4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.080	0.070	0.220	1	1	0.170	0	0	0	0	0	0	

۳-۷. محاسبه ابرماتریس حد

برای محاسبه ابرماتریس حد لازم است مراحل ذیل طی شوند:

۳-۷-۱. تشکیل ابرماتریس ناموزون

با توجه به آنکه تمام ماتریس‌های مقایسه‌ای موجود در ساختار ابرماتریس ناموزون (W_{33} , W_{32} , W_{22} , W_{21}) محاسبه و سازگاری آنها کنترل شده است، می‌توان با جایگزین کردن این ماتریس‌ها در ابرماتریس اولیه، ابرماتریس ناموزون را به دست آورد (جدول ۸). در ادامه ابرماتریس ناموزون باید به ابرماتریس موزون^۱ تبدیل شود. برای تبدیل ابرماتریس ناموزون به

۱. ماتریسی که ساعتی آن را ماتریس تصادفی می‌نامند و جمع اجزای ستون آن ۱ است.

ابرماتریس موزون باید ابرماتریس ناموزون را در ماتریس خوشه‌ای^۱ ضرب کرد. ماتریس خوشه‌ای میزان تأثیرگذاری هر یک از خوشه‌ها برای دستیابی به اهداف مطالعه را منعکس می‌کند. ماتریس خوشه‌ای از مقایسه دودویی خوشه‌ها در چارچوب ساختار ابرماتریس اولیه (ناموزون) حاصل می‌شود.

جدول ۸. ابرماتریس ناموزون

مورد	معیارهای اصلی										زومعیارها																							
	IF	BF	EF	LF	OF	JF	UF	IF1	IF2	IF3	IF4	BE1	BE2	LE1	LE2	EF2	EF3	EF4	LF1	LF2	LF3	OF1	OF2	OF3	OF4	OFS	JF1	JF2	JF3	UF1	UF2	UF3	UF4	
معیارهای اصلی	IF	-0.10	-	-0.14	-0.20	-0.11	-0.20	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	BF	+0.16	+0.36	-	+0.17	+0.17	+0.17	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	EF	+0.14	-0.10	+0.31	-	+0.17	+0.17	+0.17	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	LF	+0.22	-0.12	+0.31	+0.17	-	+0.17	+0.17	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	OF	+0.15	+0.17	+0.22	+0.15	+0.31	-	+0.17	+0.17	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	UF	+0.13	+0.14	+0.19	+0.16	+0.22	+0.17	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
زومعیارها	IF1	-	-0.20	-	-	-	-	-	-	-0.13	-0.22	-	-	-0.20	-	-0.19	-	-0.14	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	IF2	-	-0.20	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-0.20	-	-0.19	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	IF3	-	-0.22	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	IF4	-	-0.20	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BE1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BE2	-	-	-0.20	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	LE1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	LE2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	EF2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	EF3	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	EF4	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	LF1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	LF2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	LF3	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	OF1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	OF2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	OF3	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	OF4	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	OFS	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	JF1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	JF2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	JF3	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	UF1	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	UF2	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	UF3	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	UF4	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	

براساس پیشنهاد ساعتی، برای به‌دست آوردن اهمیت نسبی خوشه‌ها در ابرماتریس اولیه (ناموزون) لازم است ماتریس خوشه‌ای به گونه‌ای محاسبه شود که خوشه‌های ستونی آن به‌عنوان عناصر کنترلی در نظر گرفته شوند. به‌عبارت‌دیگر، خوشه‌های ستونی غیرصفر

ابرماتریس اولیه (ناموزون) با خوشه‌های دیگر واقع در آن ستون مورد مقایسه دودویی قرار گیرند تا بردار اهمیت هر یک از خوشه‌های ستونی به دست آمده و در نهایت با در کنار هم قرار دادن بردار اهمیت هر یک از خوشه‌ها، ماتریس خوشه‌ای حاصل شود (Saaty, 1999: 9). با توجه به ساختار ابرماتریس اولیه (ماتریس ۳) فقط لازم است خوشه ستونی مربوط به «معیارهای اصلی» با خوشه زیرمعیارها مورد مقایسه قرار گیرد (جدول ۹). در نتیجه، ماتریس خوشه‌ای به صورت ماتریس ۸ حاصل می‌شود.

جدول ۹. مقایسه دودویی خوشه‌ها

خوشه‌ها	معیارهای اصلی	زیرمعیارها	بردار ویژه (W)
معیارهای اصلی	۱	۱.۴۱	۰.۵۹
زیرمعیارها		۱	۰.۴۱

ماتریس ۸. ماتریس خوشه‌ای اولیه

	هدف	خوشه‌ها معیارهای اصلی	زیرمعیارها
هدف	۱	۰	۰
معیارهای اصلی	۰	۰.۵۹	۰
زیرمعیارها	۰	۰.۴۱	۱

۲-۷-۳. محاسبه ابرماتریس موزون

برای به دست آوردن ابرماتریس موزون، هر یک از عناصر خوشه‌های ستونی ابرماتریس ناموزون در بردار اهمیت نسبی آن خوشه (از ماتریس خوشه‌ای) باید ضرب شود. ابرماتریس موزون به دست آمده تصادفی/احتمالی می‌باشد. یعنی، جمع عناصر ستونی آن یک است (جدول ۱۰). هدف از به حد رساندن ابرماتریس موزون این است که تأثیر نسبی درازمدت هر یک از عناصر آن در یکدیگر حاصل شود. برای واگرایی ضریب اهمیت هر یک از عناصر ماتریس موزون، لازم است آنها را به توان K رساند که یک عدد اختیاری بزرگ است. در این حالت همه عناصر ابرماتریس همانند هم (با هم برابر) خواهند شد (زبردست، ۱۳۸۹: ۸۶).

جدول ۱۰. ابرماتریس موزون

هدف	معیارهای اصلی							زیرمعیارها																															
	IF	BF	EF	LF	OF	IF	EF	BF1	BF2	BF3	BF4	BF5	BF6	BF7	BF8	BF9	BF10	BF11	BF12	BF13	BF14	BF15	BF16	BF17	BF18	BF19	BF20	BF21	BF22	BF23	BF24	BF25	BF26	BF27	BF28				
تدابیر اصلی	IF	-0.10	-0.09	-0.08	-0.07	-0.06	-0.05	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BF	-0.16	-0.15	-0.14	-0.13	-0.12	-0.11	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	EF	-0.17	-0.16	-0.15	-0.14	-0.13	-0.12	-0.11	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	LF	-0.22	-0.21	-0.20	-0.19	-0.18	-0.17	-0.16	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	OF	-0.12	-0.11	-0.10	-0.09	-0.08	-0.07	-0.06	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	IF	-0.17	-0.16	-0.15	-0.14	-0.13	-0.12	-0.11	-0.10	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	LF	-0.24	-0.23	-0.22	-0.21	-0.20	-0.19	-0.18	-0.17	-0.16	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BF1	-0.08	-0.07	-0.06	-0.05	-0.04	-0.03	-0.02	-0.01	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BF2	-0.17	-0.16	-0.15	-0.14	-0.13	-0.12	-0.11	-0.10	-0.09	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	BF3	-0.09	-0.08	-0.07	-0.06	-0.05	-0.04	-0.03	-0.02	-0.01	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	

با تکرار این کار، ابرماتریس حد به‌دست خواهد آمد. در پژوهش حاضر در توان ۴۸ ابرماتریس موزون، ابرماتریس حد به‌دست آمده است که تمامی عناصر آن با یکدیگر تقریباً برابر شده‌اند (جدول ۱۱). لازم به ذکر است، عناصر ابرماتریس حد باید نرمال شوند تا حالت تصادفی / احتمالی به‌دست آید (جمع عناصر ستونی آن یک شود). بردار اهمیت نهایی برای هدف این پژوهش پس از نرمال شدن در ماتریس ۹ ارائه شده است.

براساس بردار اهمیت نهایی (W_{ANP}) (جدول ۱۱)، ۳ زیرمعیار «قرار گرفتن مسائل محیط زیست در اولویت نمایندگان به‌ویژه فراکسیون محیط زیست و کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (۰/۱۳۰ = LF2)»، «حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست (EF4=۰/۱۰۵)» و «توسعه دیپلماسی زیست‌محیطی (OF4=۰/۰۷۹)»، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی خواهند داشت.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله فرایند تحلیل شبکه‌ای و کاربرد آن در حوزه محیط زیست به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی کشور مطرح شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، با توجه به اهمیت وابستگی متقابل بین عناصر تصمیم در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی، فرایند تحلیل شبکه‌ای می‌تواند نقش مفید و کاربردی ایفا کند. پژوهش حاضر از حیث روش نشان می‌دهد، فرایند تحلیل شبکه‌ای ضمن حفظ کلیه قابلیت‌های فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی از جمله سادگی، انعطاف‌پذیری به کارگیری معیارهای کمی و کیفی به‌طور همزمان، قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها و امکان رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها می‌تواند بر محدودیت‌های جدی آن، از جمله در نظر نگرفتن وابستگی‌های متقابل بین عناصر تصمیم و فرض اینکه ارتباط بین عناصر تصمیم سلسله‌مراتبی و یک‌طرفه است، فایده‌آمده و چارچوب مناسبی را برای تحلیل حوزه محیط زیست فراهم آورد.

همچنین یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که سه زیرمعیار «قرار گرفتن مسائل محیط زیست در اولویت نمایندگان به‌ویژه فراکسیون محیط زیست و کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (۰/۱۳۰=LF2)»، «حمایت مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست (۰/۱۰۵=EF4)» و «توسعه دیپلماسی زیست‌محیطی (۰/۰۷۹=OF4)»، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی خواهند داشت.

با توجه به نتایج و ادبیات پژوهش، پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شوند: ۱. لزوم توجه به نقش محوری کمیسیون کشاورزی و فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی در خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی. ۲. توجه به نقش دوگانه حفاظت - بهره‌برداری کمیسیون کشاورزی. چراکه حوزه کشاورزی به‌عنوان یکی از حوزه‌های بهره‌بردار محیط زیست، همزمان ایفای نقش حفاظت از آن را برعهده دارد. به‌ویژه این امر در مباحث توسعه کشاورزی می‌تواند موجب آسیب به محیط زیست شود. ۳. با توجه به وجود دو فراکسیون محیط زیست و کشاورزی در مجلس، خلأ موجود آن است که، اولویت اول تا چندم اغلب نمایندگان مجلس مسائل زیست‌محیطی نبوده و مسائل دیگر توسعه‌ای نظیر تورم،

اشتغال و اقتصادی در اولویت قرار دارند. لذا لزوم توجه به این حوزه در اولویت‌بندی نمایندگان مجلس ضروری است. ۴. توجه به نقش حمایتی مجامع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور از جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی محیط زیست، صندوق ملی محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار و غیره. ۵. توجه به نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی سند ملی محیط زیست و رفع ابهامات احتمالی در خصوص صلاحیت اداری این شورا در خصوص بررسی سند یا نهاد سیاستگذاری کلان‌تر نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی محیط زیست. ۶. توجه به ویژگی وحدت‌بخشی شورای عالی محیط زیست در بین بازیگران متکثر زیست‌محیطی با توجه به شأن نظارتی آن بر دستگاه‌های اجرایی. ۷. تأمین سرمایه مورد نیاز صندوق ملی محیط زیست توسط دولت به منظور کمک به پروژه‌های سازگار با محیط زیست. ۸. رفع تناقض مفهومی پیش‌روی کمیته ملی توسعه پایدار به‌عنوان زیرمجموعه شورای عالی محیط زیست؛ چرا که به لحاظ نظری، محیط زیست به‌عنوان یکی از ابعاد چهارگانه توسعه پایدار (در کنار سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) طرح می‌شود، اما در ساختار اجرایی کشور، کمیته ملی توسعه پایدار زیرمجموعه ساختار شورای عالی محیط زیست قرار گرفته است. ۹. لزوم توجه به تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی و مشارکت در حل مسائلی که ریشه برون‌مرزی دارند (نظیر بحران ریزگردها).

منابع و مآخذ

۱. اصلی‌پور، حسین، شمس‌السادات زاهدی، فتاح شریف‌زاده و وجه‌الله قربانی‌زاده (۱۳۹۳). «تیین الگوی بومی تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از نظریه داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال هشتم، ش ۱.
۲. دبیری، فرهاد، مجید عباسپور، رضا مکنون و بیتا آزادبخت (۱۳۸۶). «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب در ایران»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره نهم، ش ۱.
۳. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹). «کاربرد فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ش ۴۱.
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲). *چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۵. شبیری، سیدمحمد، آلاله قائمی و پونه قائمی (۱۳۹۲). «بررسی روند آموزش محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و ارائه راهکارهای مناسب جهت اجرای آموزش محیط زیست»، *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال اول، ش ۴.
۶. فرخیان، فروزان، محمد حسین‌پور و آتوسا سلیمانی (۱۳۹۲). «تحلیل نقش تحصیلات بر نگرش دبیران مقطع راهنمایی نسبت به معیارهای مرتبط با آموزش محیط زیست»، *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال دوم، ش ۱.
۷. علوی‌پور، فاطمه‌سادات، امیر هوشنگ احسانی، مرضیه ثالثی و فائزه چهر‌آذر (۱۳۹۲). «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه پایدار محیط زیست»، *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال دوم، ش ۱.
۸. معمارزاده، غلامرضا و نرجس شکری (۱۳۸۵). «ارائه مدل پویا برای اجرای خط‌مشی‌های عمومی»، *فصلنامه مدیریت*، سال سوم، ش ۸/۳.
9. Carlucci, D. and G. Schiuma (2008). "Applying the Analytic Network Process to Disclose Knowledge Assets Value Creation Dynamics", *Expert Systems with Applications*, Vol. 36, Issue. 4.
10. Chung, S. H., A. H. L. Lee and W. L. Pearn (2005). "Analytic Network Process (ANP) Approach for Product Mix Planning in Semiconductor Fabricator", *International Journal of Production Economics*, Vol. 96, No. 1.
11. Garcia-Melon, Monica, Javier Ferris-Onate, Jeronimo Aznar-Bellver, Pablo Aragonés-Beltran and Rocio Poveda-Bautista (2008). "Farmland Appraisal Based on the Analytic Network Process", *Journal of Global Optimization*, Vol. 42.

12. Hsu, A. (2013). *Manager of Environmental Efficiency Index 2012 Project*, Interview Report by Sabz Press Media.
13. Lee, H. and et al. (2009). "Selection of Technology Acquisition Mode Using the Analytic Network Process", *Mathematical and Computer Modeling*, Vol. 49, Issues 5–6.
14. Marcoux, A. (2006). Population Change-natural Resources Environment Linkages in Central and South Asia, Retrieved from <http://www.fao.org>.
15. Saaty, T. L. (1999). *Fundamentals of the Analytic Network Process, Proceedings of ISAHP 1999*, Kobe, Japan.
16. Siahaan, T. S. (2013). *Environmental Education: A Mismatch between Theory and Practice, Indonesia to Boost Geothermal Focus*, Central of Environmental Education.
17. Taleghani, G. (2005). "The Role of Technology Management in Sustainable Development", *Noor Magazine*, Volume 3, Issue 3.
18. United Nation Environmental Program (UNEP) (2002). Simply Agenda 21.

بهره امنیتی؛ امتیاز تجاری: گسستی تاریخی در روابط ایران با قدرت‌های بزرگ پس از شبه‌انقلاب‌های عربی سیدرضا موسوی‌نیا*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

معضل امنیت در دولت‌های ایرانی طی سده‌های گذشته، پیوسته و مهم‌ترین اولویت را تشکیل داده است. هرگاه حکومت مرکزی ایران دچار ضعف شده، تجاوزات سرزمینی از سوی کشورهای متخاصم هم آغاز شده است. تدبیر دولت‌های ایران تا پیش از انقلاب اسلامی مبادله تجارت در برابر امنیت بود اما در اکثر مواقع این مبادله منجر به ناامنی بیشتر برای ایران می‌شد. مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی به‌خصوص پس از شبه‌انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ توانسته است مبادله تجارت - امنیت را در روابط خارجی ایران تغییر دهد؟ (سؤال پژوهش) از این‌رو با مطالعه روند تاریخی مبادله تجارت - امنیت در روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ طی پنج سده اخیر به شیوه تطبیقی - تبیینی نشان می‌دهد: (روش پژوهش) جمهوری اسلامی با اتخاذ راهبرد استقلال سیاسی و عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ طی ۲۸ سال در بعد امنیتی موفق شده است به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای تبدیل شود، به گونه‌ای که بسیاری از معادلات امنیتی در خاورمیانه بدون خواست و اراده ایران حل و فصل نمی‌شود. مهم‌تر آنکه، روند امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران از بازدارندگی به سلبی و سپس سلبی - ایجابی، (به‌خصوص پس از شبه‌انقلاب‌های عربی) توانسته است شرایط را برای تغییر مبادله تاریخی امتیاز تجاری - تمنای امنیت، به بهره امنیتی - امتیاز تجاری فراهم کند (فرضیه پژوهش). به گونه‌ای که اکنون نظام سرمایه‌داری نیازمند نقش امنیتی ایران در منطقه است و آماده است در قبال نقش مثبت‌زایی و امنیتی در مبارزه با تهدیدهای تروریستی، امتیاز تجاری و سیاسی به ایران واگذار کند (یافته‌های پژوهش).

کلیدواژه‌ها: دولت ایرانی؛ امنیت؛ امتیاز تجاری؛ گسست تاریخی؛ انقلاب اسلامی

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: seyedreza_mousavi54@yahoo.com

مقدمه

امنیت کشور در ساختار اقتدارگرایز نظام بین‌الملل، اولویت نخست دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. امنیت در معنای حداقلی آن (یعنی سد کردن تهدیدهایی که موجودیت و حیات کشوری را در معرض مخاطره قرار می‌دهد) به‌ویژه برای دولت‌هایی که از لحاظ موقعیت جغرافیایی آسیب‌پذیرند، اهمیتی بیشتر پیدا می‌کند. کشور ایران دارای موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک در منطقه خاورمیانه است اما به گواه تاریخ، این موقعیت ممتاز بیش از آنکه برای ایرانیان قدرت و ثروت فراهم آورده باشد، همواره منبعی برای ناامنی و تجاوزهای مکرر کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ بوده است. از زمان تشکیل دولت ایرانی در سال ۱۵۰۱ میلادی توسط خاندان صفوی، هرگاه حکومت مرکزی ایران دچار ضعف شده، تجاوزات سرزمینی به ایران از سوی کشورهای متخاصم هم آغاز شده است. همسایگی ایران با امپراتوری عثمانی، خلیج فارس، روسیه و هند منشأ تهدیدها، جنگ‌ها و دخالت‌های قدرت‌های امپریالیستی در ایران بوده است. سرزمین ایران با وجود اعلان بی‌طرفی در دو جنگ جهانی اول و دوم توسط قدرت‌های بزرگ اشغال شد و همچنین امنیت ایران طی جنگ سرد نیز به‌شدت متأثر از رقابت‌های بلوک غرب و شرق بود. تدبیر دولت‌های ایرانی تا پیش از انقلاب اسلامی مبادله امتیاز تجاری با کالای امنیت بود به‌گونه‌ای که این دولت‌ها عموماً در تأمین امنیت خود به‌شدت ضعیف و ناتوان بودند، سعی می‌کردند با اعطای امتیاز تجاری به یک یا چند قدرت بزرگ، بهره‌امینتی دریافت کنند و امنیت وجودی خود را در برابر تهدیدهای خارجی (و گاه داخلی) با قرار گرفتن در ذیل چتر امنیتی قدرت‌های بزرگ تضمین کنند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد از این مبادله، عموماً نتیجه معکوس حاصل می‌شد به‌گونه‌ای که نه تنها آستانه تهدیدهای خارجی کاهش نمی‌یافت بلکه بر شدت و دامنه تهدیدات خارجی نیز افزوده می‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی، اختلافات و رقابت‌های ایران با کشورهای همسایه منجر به تعارض مستقیم و تقابل فعال با همسایگان و قدرت‌های بزرگ شد. روندی که اکنون نیز ادامه دارد. بنابراین معضل امنیت در دولت‌های ایرانی طی پنج قرن اخیر، دائمی و مهم‌ترین اولویت رهبران ایران را تشکیل داده است. پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی با اتخاذ راهبرد استقلال

سیاسی و عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ طی ۳۸ سال، به گواهی تحلیلگران بین‌المللی توانسته است، در بعد امنیتی به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای مبدل شود، به گونه‌ای که بسیاری از معادلات امنیتی در خاورمیانه بدون خواست و اراده ایران حل و فصل نمی‌شود (Ansari, 2011: 43). با شروع شبه‌انقلاب‌های عربی، موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱، معادلات امنیتی خاورمیانه آن قدر دچار پیچیدگی شده است که حتی قدرت‌های بزرگ مداخله‌گر از قبیل آمریکا نیز از ورود مستقیم به تعارضات منطقه‌ای اکراه و واهمه دارند. جنگ داخلی در سوریه نمونه‌ای از تعارضات چندلایه منطقه‌ای است که امروز به تهدیدی برای امنیت بین‌الملل تبدیل شده است. سرریز تهدید امنیتی داعش از خاورمیانه به دیگر مناطق که حوادث تروریستی فرانسه در سال ۲۰۱۵ نمونه‌ای از آن بود، ثابت کرد که جنگ داخلی سوریه ابعادی بین‌المللی به خود گرفته است. در این میان نقش قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای از جمله ایران در معادلات امنیتی منطقه بسیار اهمیت پیدا می‌کند. این مقاله با مطالعه روند امنیت‌سازی در دولت‌های ایرانی از صفویه تا انقلاب اسلامی، به نقش و جایگاه امنیتی ایران در خاورمیانه به خصوص پس از شبه‌انقلاب‌های عربی می‌پردازد. مسئله و سؤال اصلی که در این پژوهش به دنبال آزمون آن هستیم عبارت است از: آیا سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی به خصوص پس از شبه‌انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ توانسته است مبادله تجارت - امنیت را در روابط خارجی ایران تغییر دهد؟ این مقاله با مطالعه تطبیقی روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ طی پنج قرن اخیر این فرضیه را مطرح می‌کند:

تدبیر دولت‌های ایرانی از صفویه تا انقلاب اسلامی در قبال معضل امنیت، مبادله تجارت در ازای بهره امنیت بود که نتیجه آن عموماً معکوس یعنی افزایش آستانه تهدیدات خارجی بوده است. روند امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران از بازدارندگی به سلبی و سپس سلبی - ایجابی، (به خصوص پس از شبه‌انقلاب‌های عربی) توانسته است شرایط را برای جابه‌جایی مبادله تاریخی امتیاز تجاری - تمنای امنیتی به بهره امنیتی - امتیاز تجاری به نفع ایران فراهم کند.

این مقاله با روشی تطبیقی - تبیینی، ابتدا به سیر روابط خارجی ایران با قدرت‌های

بزرگ بر مبنای مبادله ثروت و امنیت طی پنج قرن اخیر می‌پردازد و سپس فرایند امنیتی‌سازی ایران را در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی بررسی می‌کند.

۱. بحث نظری: فقدان نگرش راهبردی قدرت‌های بزرگ به ایران در بستر تاریخی

وظیفه نخست و ذاتی دولت در مغرب زمین به‌خصوص پس از انقلاب صنعتی، امنیت‌سازی با هدف تضمین مالکیت خصوصی تعریف شد. انباشت ثروت در جامعه، نیروهای اجتماعی را بر آن داشت تا نهادی به نام دولت را برای حفظ امنیت ثروت خود و نیز تضمین مالکیت خصوصی ایجاد کند. سیاست‌های امپریالیستی نیز از همین نیاز نشئت گرفت. با اشباع بازارهای داخلی، نیاز به بازارهای خارجی و تهیه مواد اولیه برای تولید ارزان‌تر ضرورت پیدا کرد و جوامع صنعتی را بر آن داشت تا برای استفاده سودمندان از سایر جوامع تدبیری کنند. بر این اساس دولت‌های غربی در وهله نخست با دیدی تجاری به سیاست‌های استعماری و امپریالیستی روی آوردند و در وهله دوم جنبه پرستیژی کسب مستعمرات بیشتر نسبت به رقبا اهمیت پیدا کرد. ورود اولیه پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه و آمریکا به خلیج فارس با اهداف تجاری صورت گرفت. در ادامه رویکردهای سیاسی و نظامی دولت‌های غربی نیز در خدمت منافع تجاری و سرمایه‌داری قرار گرفت. بر این اساس نگاه دولت‌های غربی به ایران، تا پیش از حکومت قاجار، نگرشی کاملاً تجارتي و غیرسیاسی بود. مداخلات سیاسی آنها نیز در نهایت با هدف کسب منافع مادی و تجاری صورت می‌گرفت. در نقطه مقابل اما دولت‌های ایرانی از دولت‌های غربی همواره تمنای امنیت برای مقابله با دشمنان دائمی خود را داشتند. ایرانیان حتی در دوران اقتدار سیاسی و نظامی خود مانند دوران شاه عباس صفوی، از کالای ابریشم که یکی از سه قطب تجارت جهان در قرن ۱۷ را تشکیل می‌داد و در انحصار ایران بود؛ به‌عنوان ابزاری برای جلب رضایت کشورهای غربی استفاده می‌کردند تا از قدرت نظامی آنها در جنگ با دشمنان ایران نظیر عثمانی و پرتغال بهره بگیرند. اساساً ورود انگلستان به معادلات ایران در همین قالب صورت گرفت. شاه عباس به انگلیسی‌ها امتیازات تجاری داد تا از قوه بحری و آتشین آنها

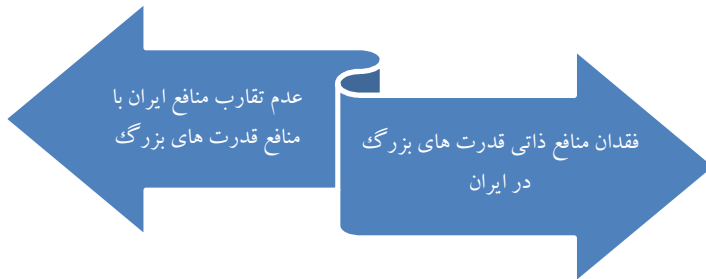
علیه پرتغال استفاده کند (نوایی، ۱۳۶۴: ۲۴۲-۲۴۰). در دوره قاجار هم امتیازات تجاری به دولت‌های خارجی داده می‌شد تا از توان نظامی، تسلیحاتی و فکری آنها برای امنیت‌سازی و مقابله با تهدیدهای خارجی استفاده شود. این رویه در دوران پهلوی هم ادامه پیدا کرد. بررسی روابط دولت‌های ایرانی با قدرت‌های غربی طی پنج سده گذشته نشان می‌دهد که:

۱. منافی‌گی که قدرت‌های غربی از روابط با ایران دنبال می‌کردند، در اکثر موارد با اهدافی که ایران از این روابط دنبال می‌کرده، متقارب نبوده است. در مواقعی که ایرانی‌ها از قدرت‌های غربی تمنا می‌داشتند، نگرش آنها به ایران، تجاری بود و در مقاطعی که ایران برای نوسازی خود نیازمند کمک قدرت‌های تأثیرگذار بود، نگاه قدرت‌های غربی به ایران عمدتاً امنیتی و استراتژیک بوده است.

۲. قدرت‌های غربی در ایران فاقد منافع درونی و ذاتی^۱ بودند. هانتر در کتاب *سیاست خارجی ایران پس از سقوط شوروی* استدلال می‌کند که آمریکا هیچگاه در ایران منافع ذاتی و درونی نداشته است (Hunter, 2010: 35-36).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نگرش سایر قدرت‌های بزرگ و مؤثر در نظام بین‌الملل به ایران نیز مانند آمریکا بوده است. آنچنان که توضیح خواهیم داد، هلند نگاهی کاملاً کاسب‌کارانه و استثمار‌گرایانه به ایران داشت. روسیه ایران را پلی برای رسیدن به آب‌های گرم اقیانوس هند می‌دید. پیمان سست فرانسه با ایران در دوره اول جنگ ایران و روسیه نیز کاملاً در چارچوب رقابت امپریالیستی با روسیه و انگلستان تحلیل می‌شود. بریتانیا در دوران صفوی نگاهی صرفاً تجاری به ایران داشت اما مقامات لندن در قرن نوزدهم علاوه بر منافع تجاری، به ایران به‌عنوان منطقه‌ای حائل برای حفظ هندوستان و برای محافظت از شیوع کمونیسم به مستعمرات خود نگاه می‌کردند. نگرش شوروی هم به ایران مانند همان روسیه تزاری بود با این تفاوت که رهبران شوروی ایدئولوژی گسترش کمونیسم به جنوب از طریق ایران را نیز به آن هدف توسعه‌طلبانه الصاق کردند. حضور آلمان‌ها و روابط اقتصادی و سیاسی‌شان با ایران قبل و بعد از جنگ جهانی اول با اهداف

راهبردی‌شان در دو جنگ جهانی اول و دوم از جمله سهم‌خواهی از نفت منطقه توجیه می‌شد. بنابراین دو مؤلفه عدم تقارب منافع فیما بین ایران و قدرت‌های غربی و نیز فقدان منافع درونی و ذاتی آنها در ایران به شدت بر کیفیت روابط ایران با این کشورها مؤثر بوده است.



۲. امتیاز تجاری، تمنای امنیتی (از صفویه تا قاجار)

با تشکیل مجدد دولت ایران توسط خاندان صفوی در سال ۱۵۰۱ میلادی، معضل امنیت و تهدید دائمی متجاوزان خارجی، دامنگیر سرزمین ایران شد. امپراتوری عثمانی رقیب و دشمن دائمی بود. شاه اسماعیل، نخستین پادشاه صفویه تصمیم گرفت از طریق ائتلاف با رقبای اروپایی عثمانی، به مقابله با این حریف قدرتمند برود. تلاش او برای ائتلاف‌سازی با مجارستان، مصر و دولت ونیز علیه عثمانی به شکست مواجه شد. دادن امتیاز تجاری به پرتغالی‌ها از طریق چشم‌پوشی ایران از مالیات حاکم هرمز به منظور کمک گرفتن از نیروی دریایی پرتغال علیه عثمانی‌ها هم راه به جایی نبرد چرا که پرتغالی‌ها با نگاهی سوداگرانه بر خلیج فارس مسلط شدند و برای آنها تحولات داخلی ایران مهم نبود. شاه طهماسب (جانشین شاه اسماعیل) پس از جنگی بیست‌ساله با عثمانی و انعقاد صلح آماسیه، همیشه نگران جنگ مجدد با عثمانی‌ها بود و در واقع این هراس امنیتی باعث شد تا او روابط خارجی و تجاری با سایر کشورها از جمله انگلیس و پرتغال را براساس ملاحظات امنیتی در قبال تهاجم احتمالی عثمانی تدبیر کند (نوایی، ۱۳۶۴: ۲۵۷-۲۵۴) او از هراس پرتغالی‌ها امتیاز تجاری به انگلیسی‌ها می‌داد تا قدرت پرتغال را در جنوب ایران متوازن کند. در دوره محمد خدابنده (فرزند طهماسب) از روسیه برای مقابله با عثمانی کمک گرفته شد تا در

قبال آن دربند و باکو ضمیمه روسیه شود اما این هم به نتیجه نرسید. (همان: ۳۴۰-۳۳۸). شاه عباس نیز مانند اسلافش از تهدیدهای سرزمینی به خصوص از ناحیه عثمانی‌ها در هراس بود اما موفق شد با تشکیل ارتشی قدرتمند به تنهایی عثمانی‌ها و متجاوزان ازبک را از خاک ایران بیرون کند. اما در خلیج فارس شاه عباس نیازمند کمک نظامی کشورهای غربی بود. فقدان نیروی دریایی مؤثر باعث شد تا شاه عباس برای اخراج پرتغالی‌ها و دفع شر احتمالی آنها متوسل به نیروی سوم یعنی انگلیس شود. ناوگان دریایی انگلیس و کمپانی هند شرقی در ازای امتیازهای تجاری که از شاه عباس در خلیج فارس و سراسر ایران گرفتند و نیز با هدف کنار زدن پرتغال و تثبیت جایگاه کمپانی هند شرقی در خلیج فارس، به کمک نیروهای زمینی سپاه شاه عباس آمدند. نتیجه این ائتلاف خروج پرتغالی‌ها از بندرعباس و هرمز و عقب‌نشینی آنها به مسقط بود. این نمونه‌ای کم‌سابقه و موفق از مبادله امتیاز تجاری و گرفتن بهره امنیتی از یک قدرت خارجی محسوب می‌شود، اگرچه پیامد این اقدام ورود انگلیس به عرصه تجاری و سیاسی ایران بود. شاه عباس تلاش کرد تجارت با ایران را برای انگلیسی‌ها و سایر کشورهای اروپایی از قبیل هلند جذاب و سودمند کند و از این رهگذر اول بهره امنیتی و در درجه بعد سود مالی و تجاری برای ایران کسب کند (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۷۸: ۱۲۳-۸۱). چون انگلیسی‌ها هر روز امتیازات جدید تجاری از شاه عباس طلب می‌کردند، تصمیم گرفت، با وارد کردن هلند به عرصه تجاری ایران، قدرت انگلیسی‌ها را متوازن کند. او در سال ۱۶۲۳ میلادی با انعقاد قراردادی به تجار هلندی اجازه تجارت در ایران داد و کالاهای آنها را از عوارض گمرکی و راهداری معاف کرد. در مقابل هلندی‌ها کوچک‌ترین کمک نظامی به شاه عباس نکردند و حتی درخواست او را مبنی بر عدم معامله تجاری با عثمانی‌ها نپذیرفتند و حسابگرانه به منفعت تجاری پرداختند (نوایی، ۱۳۶۴: ۲۸۱-۲۷۵). هلند نمونه کشور استثمارگری است که به زور از ایران در دوره شاه صفی امتیاز گرفت. وقتی شاه صفی به آنها اعتراض کرد، نیروی دریایی هلند جزیره قشم را اشغال کرد تا شاه صفی قیمت پیشنهادی آنها را برای خرید ابریشم بپذیرد. باج‌گیری همراه با تهدید نظامی آنها باعث شد تا شاه عباس دوم، فرزند شاه صفی، مجبور شود با آزادی مطلق تجاری آنها در ایران بدون پرداخت عوارض

گمرکی و راهداری موافقت کند (ستاندیس، ۱۳۸۳: ۱۶۲-۱۶۱). در اواخر حکومت صفوی وقتی اعراب مسقط، بحرین را تصرف کردند شاه سلطان حسین از هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها کمک خواست، اما آنها با وجود گرفتن امتیازهای تجاری در ایران هیچ کمکی به دولت صفوی نکردند. منافع انگلیس، هلند، روسیه و عثمانی در این بود که دولتی ضعیف در ایران حاکم باشد تا تجارت در خلیج فارس سهل‌تر و حمله نظامی به خاک ایران راحت‌تر شود.

الگوی مبادله تجارت - امنیت در دوره نادرشاه نیز ادامه یافت. نادر در سال ۱۷۳۵ میلادی عهدنامه تجاری - سیاسی گنجه را با روس‌ها منعقد کرد. روس‌ها به نادر تجهیزات ساخت توپخانه هدیه دادند و نادر تسهیلات ویژه‌ای برای تجار روسی در نظر گرفت. این عهدنامه مقرر می‌کرد اگر هر یک از دو کشور از طرف عثمانی‌ها مورد تهاجم قرار گرفتند، دیگری به جنگ با عثمانی وارد شود. با این حال نادرشاه موفق نشد در جنگ با عثمانی از روس‌ها کمک نظامی بگیرد (شمیم، ۱۳۷۳: ۱۱۰-۱۰۸). در دوران نادری منافع حاکمان با منافع قدرت‌های خارجی نه تنها متقارب نبود، حتی در تضاد قرار داشت. به طوری که انگلستان، سیاست ضعیف و فقیر را در ایران دنبال می‌کرد؛ روسیه نیز موقتاً از نادرشاه فقط در جهت تضعیف عثمانی‌ها حمایت کرد و دیگر همسایگان هم برای ضعف ایران لحظه‌شماری می‌کردند تا به خاک ایران تجاوز کنند. از این رو ضعف و رکود تجاری و ناامنی در ایران چشم‌اندازی از منافع اقتصادی برای دولت‌های تجارت‌پیشه غربی به وجود نیاورده بود تا آنها با هدف تجاری به روابط سیاسی و اقتصادی با ایران پردازند.

اعطای امتیاز تجاری در قبال بهره‌امنی در دوره کریم‌خان هم سابقه داشت. کریم‌خان، انعقاد موافقتنامه تجاری با فرانسه را در گرو حمله نیروی دریایی آن کشور به میرمهنه در جزیره خارک قرار داد اما فرانسه حاضر نشد نیروی دریایی خود را به جنگ با میرمهنه بفرستد. انگلستان هم قدرت دریایی خود را به طور کامل در مبارزه با راهزنان دریایی خلیج فارس خرج نکرد. نشانه آن شکست انگلستان از میرمهنه بود (پری، ۱۳۸۲: ۷۵-۸۷) جنگ و ناامنی در خلیج فارس و ایران به خصوص در نیمه دوم قرن ۱۸ باعث شده بود تا قدرت‌های بزرگ در ایران منافع گسترده‌ای برای خود نبینند.

۳. ناامنی و استثمار؛ الگوی روابط ایران با غرب در دوران قاجار

با روی کار آمدن قاجار، روابط ایران با کشورهای غربی به طور کامل متأثر از جنگ‌های ایران و روسیه بود. نقض عهدنامه فیگتن اشتاین توسط فرانسه نشان داد چگونه ناپلئون ایران را به راحتی پای اهداف استعماری خود قربانی می‌کند. فتحعلی‌شاه مایوس از فرانسه به انگلیس روی آورد تا در مقابل حمله احتمالی روسیه از ایران حمایت کند. در حالی که انگلیس طبق قرارداد دوجانبه با ایران متعهد شده بود، در صورت حمله کشوری ثالث به ایران، به پشتیبانی قوای نظامی ایران بیاید، اما به بهانه اینکه ایران آغازگر دور دوم جنگ‌ها با روسیه بوده است، از کمک و پشتیبانی نظامی خودداری کرد و ایران بار دیگر در مهلکه سیاست‌های استعماری هلاک شد. مهندسی عهدنامه گلستان و ترکمنچای نیز با عوامل داخلی انگلیسی‌ها و با هدف تقویت منافع‌شان و کاملاً برخلاف منافع سرزمینی ایران انجام شد (سریع‌العلم، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۰). هراس امنیتی ایران از حمله انگلستان و روسیه باعث شد تا دربار قاجار مسیر سرسپردگی و وابستگی به استعمار انگلیس و روسیه را آغاز کند. عقد قرارداد تجاری کامله‌الوداد که طی آن همه امتیازات داده شده به روسیه را مشمول انگلستان می‌کرد، راهبرد محمدشاه قاجار برای بقای سلطنت و حکومتش بود. انگلیس و روسیه نیز در این میان برای جلب نظر دربار ایران و کسب امتیازات استعماری، رقابتی آشکار و پنهان را شروع کردند. متوازن‌سازی با روسیه علیه انگلیس و متوازن‌سازی با انگلیس علیه روسیه نیز در وضعیت ساخت‌ناموزون و ضعیف قدرت در داخل، راهبرد پرضرری بود که تنها بر هزینه‌های ملی افزود و ایران را در مسیر وابستگی به این دو قدرت جهانی بیشتر فرو برد. منافع انگلستان و روسیه نیز در این بود که ایران کشوری ضعیف باشد و البته حکومت قاجار هم باقی بماند (اسمیت، ال‌انیس و فاراندس، ۱۳۹۱: ۲۴). در این میان بزرگ‌ترین بازنده مردم ایران و بزرگ‌ترین قربانی مصالح ملی ایران بود. قدر مسلم اگر روسیه و انگلیس منافع بلندمدتی از رابطه با کشور ایران برای خود می‌دیدند، نگرش ابزاری خود را در قبال ایران کنار می‌گذاشتند و براساس منافع متقابل، ایران قدرتمند را به ایران ضعیف شده ترجیح می‌دادند.

مبادله تجارت - امنیت پس از به قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه نیز ادامه داشت. بریتانیا با

نفوذ بر مهره داخلی خود یعنی صدراعظم، آقاخان نوری، یک بار دیگر ایران را مجبور به لشکرکشی به هرات کرد. سپس با فشار سیاسی و نظامی، ناصرالدین شاه را وادار ساخت تا در معاهده پاریس (۱۸۵۷) هم افغانستان را واگذار کند و هم امتیازهای تجاری به انگلیس بدهد تا از تنبیه نظامی ایران صرف نظر کند (شمیم، ۱۳۷۵: ۲۲۷). در آن سو روس‌ها نیز در قبال هر امتیازی که به انگلیس داده می‌شد، از ایران طلبکار می‌شدند و شاه مجبور بود مشابه همان امتیاز را به آنها بدهد؛ امتیاز معادن، راه‌سازی، تلگراف، شیلات و بانک رهنی از این موارد بود. در اواخر حکومت قاجار تلاش دولتمردان ایرانی برای وارد کردن آلمان به حوزه تجاری ایران نیز با دو منظور انجام شد. در وهله نخست استفاده از نیروی سیاسی - اقتصادی آلمان به عنوان نیروی سوم در روابط خارجی و در درجه دوم استفاده از تکنسین‌های آلمانی برای نوسازی ایران، مطمح نظر تصمیم‌گیران سیاسی قرار داشت. این رابطه در نهایت منجر به دوپاره شدن حکومت، انحلال مجلس و اشغال ایران توسط متفقین شد. منافع استراتژیک انگلیس و روسیه بر این قرار داشت که ایران در سطح بین‌المللی منزوی و در بعد داخلی هم شکننده و وابسته به آن دو قدرت باشد. آلمان‌ها هم با هدف شکست دادن انگلیس روی خوشی به ایران نشان داده بودند. با کشف نفت در سال ۱۹۱۴ در مسجدسلیمان و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی، سیاست سابق انگلیس مبنی بر استقرار دولتی ضعیف در ایران تغییر کرد. مقامات لندن پس از آنکه در مقابل انعقاد قرارداد استعماری ۱۹۱۹ مقاومت ملی را دیدند، تصمیم گرفتند تا دولتی مقتدر اما وابسته را به منظور حفظ امنیت چاه‌های نفت و جلوگیری از شیوع کمونیسم به ایران و مستعمرات انگلیس به وجود آورند. این سیاست موجب روی کار آوردن رضاشاه پهلوی توسط بخشی از دولت انگلیس شد.

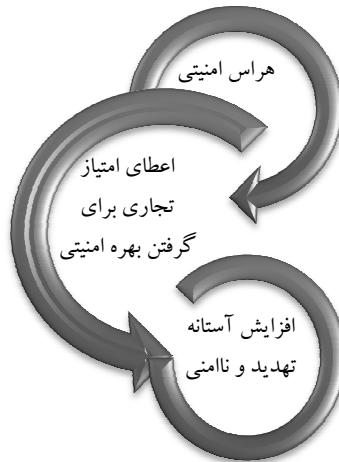
۴. هراس امنیتی پهلوی از قدرتهای بزرگ

هراس امنیتی از نقض تمامیت ارضی ایران به دست دولت‌های خارجی در دوره رضاشاه مشهود بود. رضاشاه بیشترین سرمایه‌گذاری و درآمد کشور یعنی ۳۳ درصد از کل بودجه جاری را صرف هزینه‌های نظامی کرد (فوران، ۱۳۷۷: ۳۳۱). کارنامه سیاسی انگلیس در ایران به رضا شاه این درس را آموخته بود که دولت انگلیس به راحتی ایران را به پای منافع

راهبردی خود قربانی می‌کند. عزم رضاشاه برای گسترش روابط با آلمان در وهله نخست با اهداف امنیتی و کسب حمایت آلمان‌ها در مقابل حمله احتمالی انگلیس و شوروی به ایران صورت گرفت. بسیاری از افسران نظامی رضاشاه در حین جنگ جهانی دوم امیدوار بودند تا آلمان‌ها پیروز شوند و از این طریق بتوانند تهدید انگلیس و شوروی را برای همیشه از سر ایران دفع کنند (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۴۸). نام گرفتن ایران به‌عنوان پل پیروزی در جنگ جهانی دوم، نقض بی‌طرفی ایران و اشغال پایتخت در شهریور ۱۳۲۰ نشان داد که مبادله تجارت - امنیت با آلمان این بار نیز برای ایرانیان رهاوردی جز تهدید نداشت. استفاده ابزاری ایران توسط آلمان‌ها و اشغال ایران از سوی متفقین نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ برای خود در ایران منافع بلندمدت قائل نبودند.

با سقوط رضاشاه و اشغال ایران به‌دست متفقین در جنگ جهانی دوم هراس امنیتی نزد دولت‌های ایرانی از نقض تمامیت ارضی ایران توسط قدرت‌های بزرگ به‌ویژه شوروی کاملاً مشهود بود. قوام سیاست موازنه مثبت را راهبردی برای کاهش آسیب‌پذیری امنیتی ایران معرفی می‌کرد. مبادله تجارت - امنیت در این دوره نیز مشهود است. قوام‌السلطنه امتیاز نفت شمال را به شوروی با قراردادی که مشروط به تصویب مجلس کرده بود، وعده داد تا نیروهای شوروی از ایران خارج شوند. او همچنین در راستای سیاست موازنه مثبت، به آمریکایی‌ها وعده امتیاز نفت بلوچستان را داد تا چتر حمایتی آمریکا بر سر دولت او باقی بماند (همان: ۲۰۷). مصدق نیز زمانی طرح پیشنهاد پرداخت خسارت به شرکت نفت ایران - انگلیس را مطرح کرد که تحریم نفتی، بقای حکومت و امنیت ایران را در معرض مخاطره قرار داده بود (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۴۱-۱۴۰). منافع ایران با منافع قدرت‌های بزرگ در این مقطع به استثنای بحران آذربایجان نامتقارب بود. تنها در بحران آذربایجان بود که منافع ملی ایران در راستای منافع جهانی آمریکا قرار گرفت. نهضت ملی‌شدن نفت نیز عرصه تقابل و تعارض منافع ایران با قدرت‌های بزرگ بود. آمریکا در ابتدا نظر موافق با نهضت داشت اما در ادامه از نهضت فاصله گرفت و در نهایت دولت مصدق را ساقط کرد. نکته مهم اینکه هماهنگی موقتی منافع آمریکا با ایران در بحران آذربایجان و ملی‌شدن صنعت نفت، ناشی از منافع بلندمدت آمریکا در ایران نبود. ایران برای آمریکا همواره نقش یک ابزار را ایفا می‌کرد.

شکل ۱. الگوی رفتار امنیتی دولت‌های ایرانی (۱۹۷۹-۱۵۰۱)



این روند پس از کودتای ۲۸ مرداد نیز تداوم داشت. هراس امنیتی شاه از شوروی و به خصوص عراق تا آخرین سال‌های حکومتش کاملاً مشهود بود (میرفندرسکی، ۱۳۸۲: ۲۶۹ و ۲۸۳) نگاه امنیتی به تجارت در دوران محمدرضا شاه نیز رفتار اصلی ایران در سیاست خارجی را تشکیل می‌داد. شاه قراردادهای تجاری با شوروی را در وهله نخست با هدف کاهش آسیب‌پذیری ایران در مقابل شوروی منعقد کرد (پهلوی، ۱۳۷۵: ۲۸۳) واگذاری بحرین و بازپس‌گیری جزایر سه گانه تنب و ابوموسی نیز با ملاحظات استراتژیک صورت پذیرفت. شاه رسماً به اردشیر زاهدی اعلام کرد که در این مسئله نفع استراتژیک را بر نفع اقتصادی ترجیح می‌دهد (علم، ۱۳۷۱: ۸۴). او ۴۰ درصد از بودجه کشور را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد و افزایش درآمد نفت را ابزاری برای عظمت‌طلبی نظامی خود در منطقه قرار داد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۷۸-۲۷۷). پس از کودتای ۲۸ مرداد منافع آمریکا در ایران، اگرچه در مقایسه با گذشته افزایش یافته بود اما در مقایسه با کشورهای نظیر ترکیه و عربستان، دولت آمریکا در ایران فاقد «منافع درونی و ذاتی» بود. آمریکا هنوز به حکومت ایران به عنوان ابزاری نگاه می‌کرد که به خصوص پس از خروج انگلیس از خلیج فارس، کمربند سبز در مقابل نفوذ کمونیسم ایجاد کند. پس از کودتای ۲۸ مرداد آمریکا با وجود اصرار ایران، وارد پیمان بغداد نشد، با افزایش قیمت نفت مخالفت کرد، با تنوع‌سازی

روابط خارجی ایران پس از تنش‌زدایی ایران با شوروی اظهار نگرانی کرد (فوربیس، ۱۳۶۲: ۱۴۷) و بالاخره آنکه متحد خود را پس از وقوع انقلاب اسلامی پشت در گذاشت.

۵. انقلاب اسلامی؛ گسستی تاریخی در روابط ایران با قدرت‌های بزرگ

شالوده‌گفتمانی انقلاب اسلامی براساس مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی انتظام یافت. در حالی که گفتمان پهلویسم، امنیت وجودی ایران در ساختار دوقطبی را در راهبرد «ائتلاف با غرب» تعریف کرده بود، گفتمان انقلاب اسلامی، منفعت و مصلحت ایران را در راهبرد «عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ» تعریف کرد. راهبرد عدم تعهد در سال ۱۳۵۷ به معنی خروج ایران از ائتلاف با غرب بود و این تصمیم، توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر داد چرا که حکومت پهلوی علاوه بر قرار داشتن در بلوک غرب، به صورت نیابتی (پس از خروج انگلستان از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱) مسئولیت برقراری نظم را نیز در منطقه برعهده داشت. انقلاب نوپای ایران و تغییر توازن قدرت در منطقه، صدام حسین را دچار خطای محاسباتی کرد. صدام با این تصور که حلقه‌ای ضعیف در منطقه ایجاد شده است، تصمیم گرفت با تهاجم نظامی به جمهوری نوپای اسلامی، توازن قدرت در منطقه را به سود خود تغییر دهد. سکوت شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال این تجاوز نظامی آشکار و نیز حمایت مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ از عراق، جنگی کاملاً نابرابر را پیش روی ایران گشود.^۱ در این جنگ نابرابر، عراق به طور مستقیم مورد حمایت مالی و لجستیکی شوروی و همپیمانان عرب خود قرار گرفت. دولت آمریکا نیز در آغاز جنگ با سکوت خود راه را برای رژیم صدام هموار کرد و در پایان جنگ نیز با حمایت اطلاعاتی عملاً به کمک رژیم صدام آمد (سامرای، ۱۳۸۸: ۹۹) آلمان و فرانسه نیز پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی را به رژیم عراق عرضه کردند (ولایتی، ۱۳۷۶: ۲۱۴-۲۱۲). در سوی دیگر اما ایران به راهبرد عدم تعهد خود در سیاست خارجی پایبند بود (Ehteshami and Varasteh, 2011: 49-50). راهبرد استقلال‌طلبانه ایران پس از انقلاب اسلامی باعث شد

۱. قطعنامه ۴۷۹ که شش روز پس از آغاز تهاجم نظامی عراق به ایران صادر شد، با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، تجاوز آشکار عراق به ایران را نادیده گرفت و از طرفین خواستار خویشتن‌داری شد.

دولت ایران در طول جنگ با عراق نتواند متحدی قدرتمند برای خود در عرصه بین‌المللی بیابد و حتی در خرید تجهیزات جنگی با موانع جدی مواجه شود (نوازی، ۱۳۸۴: ۱۹۷). دولت آمریکا تحریم‌های فروش تجهیزات نظامی به ایران را آغاز کرد و سایر کشورها نیز در ارسال ساده‌ترین تجهیزات جنگی به ایران، موانع جدی ایجاد می‌کردند.

۶. بازدارندگی نظامی؛ محصول نخست انقلاب اسلامی

ایران در طول هشت سال جنگ با عراق وارد جنگی نابرابر شد. رژیم صدام به لحاظ حمایت بین‌المللی و تجهیزات مادی برتری غیرقابل مقایسه‌ای با ایران داشت (سامرای، ۱۳۸۸: ۷۱) به‌رغم آنکه ایران با تجهیزات محدود و محصور می‌جنگید، نیروهای ایرانی پس از دو سال از شروع جنگ توانستند مهم‌ترین پیروزی نظامی را در عملیات فتح‌المبین به دست آورند، بسیاری از شهرهای اشغال شده را آزاد کنند و گارد نظامی خود را از تدافعی به تهاجمی تغییر دهند (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۳). در سال ۱۳۶۷ دیپلمات‌های ایرانی در سازمان ملل متحد مستظهر به جنگ آوری نظامیان خود در میدان جنگ موفق شدند، خواسته‌های سیاسی خود را در قطعنامه ۵۹۸ بگنجانند. مقایسه قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول ۸ سال جنگ با قطعنامه ۵۹۸ نشان می‌دهد که دولت ایران توانست اراده خود را نه تنها بر عراق که بر قدرت‌های بزرگ تحمیل کند (Ehteshami and Varasteh, 2011: 17-21). ایران در پایان جنگ همان شرایطی را برای آتش‌بس مطرح کرد که از آغاز جنگ ابلاغ کرده بود. اما در نقطه مقابل شرایط رژیم صدام در آغاز جنگ برای آتش‌بس با پایان آن به غایت متفاوت بود. صدام که در سال ۱۳۵۹ اعلام کرده بود، در صورتی که ایران حاکمیت عراق بر سرزمین‌ها و آب‌های ملی اش (اروند رود) را به رسمیت بشناسد، آماده عقب‌نشینی و آتش‌بس فوری است، پس از ۸ سال اصول پنج‌گانه‌ای برای صلح ارائه کرده بود که نشانه‌ای از عقب‌نشینی حکومت او در برابر ایران بود (مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷). جنگ ایران و عراق (پس از پیروزی‌های شاه عباس صفوی مقابل عثمانی‌ها، ازبک‌ها و پرتغالی‌ها)، نخستین جنگی بود که خصم خارجی نتوانست حتی بخش کوچکی از خاک ایران را ضمیمه خود کند.

مقاومت ایران در جنگ ۸ ساله بازدارندگی نظامی برای ایران ایجاد کرد به گونه‌ای که رقبای منطقه‌ای و مخالفان بین‌المللی ایران دیگر حمله به ایران را ساده نمی‌دیدند. دولت بوش در سال ۲۰۰۳ پیش از حمله به عراق ابتدا تصمیم داشت به ایران حمله نظامی کند اما از این اقدام منصرف شد (Patrikarakas, 2012: 211). آنچه دولت بوش را از حمله به ایران بازداشت، امکانات محدود مادی ایران نبود بلکه روحیه جنگ‌آوری ایرانیان بود که در جنگ ۸ ساله خود را نشان داده بود. بازدارندگی نظامی ایران خود را در مذاکرات هسته‌ای نیز نشان داد. شش قدرت بزرگ ایران به مدت ۱۲ سال به مذاکره دیپلماتیک با ایران پرداختند. در طول این سال‌ها، صلح سردی میان ایران و شش قدرت جهانی برقرار بود و شبه مذاکراتی نیز صورت می‌گرفت که عموماً به بن‌بست می‌انجامید. با این وجود کوچک‌ترین تعرض نظامی به ایران صورت نگرفت. قدرت‌های جهانی تصمیم گرفتند برای توقف برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران که به‌زعم آنها به انحراف رفته بود؛ به تحریم‌های اقتصادی متوسل شوند تا ایران را به تعطیل کردن برنامه هسته‌ای خود مجاب کنند.

توافق هسته‌ای ایران با شش قدرت جهانی (برجام) شباهت بسیاری با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ داشت. ایران در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به همان خواسته‌هایی رسید که از ابتدای مذاکرات در سال ۲۰۰۳ شرط کرده بود اما آنچه دولت آمریکا در مذاکرات ۲۰۰۳ برای توافق با ایران شرط کرده بود با توافق نهایی برجام به غایت متفاوت بود. ایران از آغاز مذاکرات بر ادامه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای خود در داخل خاک ایران اصرار داشت که این هدف در توافق برجام حاصل شد. دولت آمریکا اما خواهان برچیدن کلیه تأسیسات هسته‌ای و توقف کامل غنی‌سازی داخل خاک ایران بود (Ibid.: 214). دولت اوپاما در توافق برجام با این شرط که نظارت گسترده بین‌المللی در مورد فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اعمال شود، با ادامه غنی‌سازی داخل خاک ایران موافقت کرد. بنابراین هشت سال مقاومت ایران در جنگ با عراق و ۱۲ سال مقاومت ایران در مذاکرات هسته‌ای، بازدارندگی نظامی و سیاسی برای کشوری ایجاد کرد که پس از انقلاب اسلامی راهبرد عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ را در نظر و عمل پیاده کرده بود.

۷. نقش سلبی گفتمان انقلاب اسلامی در امنیت خاورمیانه

انقلاب اسلامی ایران محصور به مرزهای ایران نبود بلکه در عمل نشان داد که انقلابی فرارونده و دارای سرریز بین‌المللی است. شعاع گفتمانی انقلاب اسلامی به وسعت ملت‌های جهان تعریف شد و گفتمان لیبرال رقیب یا دگر گفتمانی آن قرار گرفت. (Ehteshami and Varasteh, 2011: 3-2). این تقابل گفتمانی در معادلات امنیتی منطقه‌ای بروز و ظهور یافت. دولت ایران بلافاصله پس از انقلاب اسلامی با هرگونه مهندسی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در منطقه مخالفت کرد. مخالفت ایران با پیمان کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۹ نقطه شروع این تعارض گفتمانی بود. حمایت معنوی و لجستیکی ایران از گروه‌های جهادی در لبنان و فلسطین که علیه رژیم صهیونیستی می‌جنگند، شاخصه مهمی از تعارض گفتمانی انقلاب اسلامی با گفتمان لیبرال است. گفتمان لیبرال این رفتار ایران را با عبارت «مخالفت ایران با فرایند صلح در خاورمیانه» توضیح می‌دهد (Ansari, 2011: 34)، جمهوری اسلامی ایران در امتداد این تعارض گفتمانی، با حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ مخالفت کرد و با وجودی که می‌توانست با ائتلاف نانوخته با آمریکا، مهم‌ترین دشمن خود یعنی رژیم صدام را نابود کند، اعلان بی‌طرفی کرد. ایران با شعار «نظم نوین جهانی» و طرح بزرگ خاورمیانه که توسط بوش پدر عنوان شده بود، به مخالفت نظری و عملی پرداخت. دولت ایران در سال ۲۰۰۱ با حمله آمریکا به افغانستان نیز مخالفت رسمی کرد اگرچه در عمل سیاست بی‌طرفی مثبت را اتخاذ کرد. این مخالفت رسمی در قبال تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز صورت گرفت با این تفاوت که بی‌طرفی ایران در قبال این حمله بی‌طرفی منفی بود. دولت آمریکا تلاش داشت تا دولتی سکولار و وابسته به غرب در عراق به‌وجود آورد اما برگزاری اولین انتخابات در عراق نشان داد که کانون قدرت در عراق در حوزه علمیه نجف متمرکز است (Kazemi, 2005: 12). با حذف صدام، ایران و عراق همپیمانان طبیعی یکدیگر شدند و ایران به حمایت از دولت منتخب مردمی در عراق پرداخت. دولت آمریکا اتحاد طبیعی ایران با دولت عراق را نیز مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی عراق معرفی کرد. شاخص‌ترین رفتار امنیتی ایران که گفتمان لیبرال دمکراسی آن را در قالب رفتار سلبی و مخالفت با «فرایند صلح در خاورمیانه» تبیین کرد، حمایت ایران از حزب‌الله لبنان در جنگ

۳۳ روزه و حماس در جنگ ۲۲ روزه بود. دو جنگی که منجر به اولین شکست تاریخی رژیم اسرائیل در برابر اعراب شد (Adebahr, 2015).

رفتارهای امنیتی ایران در مواردی که شمرده شد، بر مبنای مخالفت با مداخله آمریکا در منطقه و مقابله با نظمی است که توسط آمریکا برای منطقه طراحی شده بود. آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای و اروپایی‌اش، رفتارهای امنیتی ایران در خاورمیانه را سلبی و «اخلال‌کننده نظم منطقه‌ای» معرفی می‌کنند، از این رو راهبرد انزوای منطقه‌ای ایران را در پیش گرفتند.

۸. الگوی معکوس تاریخی؛ نقش ثبات‌زای امنیتی ایران در منطقه

با وقوع شبه‌انقلاب‌های عربی در تونس و مصر در سال ۲۰۱۱ و اثرات طبیعی و نیز مهندسی شده آن در سایر کشورها، معادلات امنیتی در خاورمیانه بسیار پیچیده و پرشتاب شد. شبه‌انقلاب‌های عربی با تغییر توازن قدرت در سطح منطقه، همه قدرت‌های منطقه‌ای را با پدیده گذار از نظم سنتی به نظم جدید مواجه ساخت. چهار بازیگر اصلی منطقه یعنی ایران، ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی بر آن شدند، ضمن حفظ موقعیت خود در نظم پیشین منطقه‌ای، سهم مطلوب خود را در نظم جدید به دست آورند. شبه‌انقلاب‌های عربی در مصر، تونس و یمن که در ایران با عنوان بیداری اسلامی نام‌گذاری شد، از چند جهت برای منافع جمهوری اسلامی ایران مطلوب بود:

- حکومت‌های ساقط شده در مصر، تونس و یمن از همپیمانان آمریکا و عربستان بودند،

بنابراین سقوط آنها توازن قدرت در منطقه را علیه رژیم صهیونیستی و عربستان بر هم زد.

- با پیروزی حزب النهضة در تونس و اخوان المسلمین در مصر، اقبال توده‌های انقلابی از اسلام‌گرایان در این کشورها، چشم‌انداز تغییر توازن قدرت به سود ایران را جدی ساخت و حتی ارائه الگوی انقلاب اسلامی به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در محافل سیاسی و فکری مطرح شد. در این زمینه، کلیتون، وزیر خارجه وقت آمریکا گفته بود، آمریکا یک ایران دیگر در منطقه نمی‌خواهد و مسلمانان ترکیه را الگوی خود قرار دهند.

- اگرچه دولت‌های منتخب در مصر، تونس و یمن اندکی پس از رسیدن به قدرت، پیوندهای سابق خود را به شکلی محافظه‌کارانه‌تر با آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان برقرار

کردند اما نقش گرفتن توده‌های مردمی پس از شبه‌انقلاب‌های عربی همواره احتمال روی کار آمدن دولت‌های منتخب با گرایش‌های ضدآمریکایی و موافق آرمان‌های انقلاب اسلامی را حفظ کرده است. قیام انصارالله و مردم یمن در سال ۲۰۱۵ نشان‌دهنده تحقق دائمی این امکان است.

- جنگ داخلی در سوریه به قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ثابت کرد، جمهوری اسلامی ایران در بعد امنیتی علاوه بر توان بازدارندگی و ایفای کنش سلبی (برهم زدن نظم لیبرال در منطقه) توانایی کنش ایجابی (حفظ نظم مطلوب) را نیز داراست.

جنگ داخلی سوریه نقطه آغازی برای بحران امنیتی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. ایران به شدت با مداخلات خارجی در بحران سوریه مخالفت کرد. از سویی دیگر، عربستان و ترکیه که توازن قدرت منطقه‌ای پس از سقوط صدام و جنگ ۳۳ روزه را به نفع ایران و علیه خود می‌دیدند و قدرت نرم ایران را در الهام‌بخشی به کشورهای منطقه پس از بهار عربی بالا می‌دیدند، تصمیم گرفتند با مداخله در سوریه و خارج کردن بشار اسد از محور مقاومت، توازن جدیدی در منطقه علیه ایران و به نفع خود رقم زنند. حمایت لجستیکی آنها از گروه‌های مخالف بشار اسد، دولت سوریه را وارد جنگ داخلی کرد و سوریه عملاً به سرزمینی برای پناه گرفتن گروه‌های تروریستی تبدیل شد. این گونه بود که رشد داعش در سوریه و عراق، تهدید تروریستی در منطقه شامات را ابتدا منطقه‌ای و سپس بین‌المللی کرد. تسری تروریسم داعشی به اتحادیه اروپا و بحران پناهندگان، دو معضل اصلی امنیتی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۴ تاکنون بوده است. حملات تروریستی به فرانسه در سال ۲۰۱۵ در عمل نشان داد که تهدید تروریستی داعش دامنه‌ای بین‌المللی به خود گرفته اما هنوز به سرفصلی برای امنیت بین‌الملل تبدیل نشده چرا که تاکنون امنیت دولت آمریکا را تهدید نکرده است. در مقایسه‌ای تاریخی، مبارزه با تروریسم نیز در دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌عنوان منبعی برای تهدید صلح و امنیت بین‌المللی در مجامع بین‌المللی بیان می‌شد اما تا حادثه ۱۱ سپتامبر به سرفصل امنیت بین‌الملل تبدیل نشد. این نشان می‌دهد تا زمانی که پدیده‌ای به طور مستقیم امنیت آمریکا را تهدید نکند، دولت آمریکا آن تهدید را به سرفصل اصلی امنیت بین‌الملل تبدیل نمی‌کند، حتی اگر امنیت سرزمینی همیمانان خود را در اروپا تهدید کرده باشد.

اوباما در مصاحبه با نیویورک تایمز در آگوست ۲۰۱۴ رسماً اعلام کرد از دخالت آمریکا در لیبی در سال ۲۰۱۱ برای سوریه درس گرفته است. او گفت «دخالت نظامی که منجر به تشکیل دولتی کارآمد نشود به هرج و مرج می‌انجامد و این تهدیدی علیه منافع ملی آمریکا خواهد بود». اوباما این را دلیلی برای عدم مداخله نظامی در سوریه عنوان کرد (Pollack, 2014). مرشایمر و استفان والت نیز در مقاله‌ای با عنوان «توازن‌سازی از راه دور»^۱ به دولت اوباما توصیه کردند که منافع آمریکا در سوریه قوی و ضعیف نیست. سوریه جنگ‌زده چه با بشار اسد و چه سوریه تجزیه شده، موازنه قدرت را علیه آمریکا بر هم نمی‌زند. آنها معتقدند آمریکا باید راهبرد موازنه‌سازی را در خلیج فارس، شرق آسیا و چین انجام دهد و در صحنه سوریه موازنه‌سازی از دور با نقش دادن به روسیه را در دستور کار قرار دهد (Mearsheimer and Walt, 2016: 81).

عدم ورود مستقیم آمریکا به جنگ با داعش در سوریه (پس از استفاده سلاح شیمیایی در سوریه که اوباما آن را خط قرمز دولت خود تعریف کرده بود) به کشورهای اروپایی ثابت کرد که اتحادیه اروپا به تنهایی باید برای بحران پناهندگان، سد کردن تهدید تروریسم در سوریه و عدم تسری آن به خاک اروپا تدبیری کند. آیا اتحادیه اروپا می‌تواند این تهدیدهای امنیتی را مدیریت کند؟ نگاهی تاریخی به بحران‌های امنیتی در اروپا پس از جنگ جهانی دوم تاکنون نشان می‌دهد، هر چقدر اتحادیه اروپا در اعمال سیاست‌های اقتصادی، همگرا و موفق بوده، در مدیریت بحران‌های امنیتی به شدت ناتوان و وابسته به آمریکا بوده است (David, 1996: 31-32) در این شرایط مطلوب‌ترین گزینه اتحادیه اروپا برای مهار داعش بهره بردن از توان نظامی قدرت‌های منطقه‌ای است (Erdbring, 2015). در این میان ایران یگانه قدرت منطقه‌ای است که منافع حیاتی خود را در حفظ تمامیت ارضی دولت‌های منطقه‌ای (عراق و سوریه) تعریف کرده است و در صحنه سوریه ثابت کرده است توان جنگ روی زمین علیه تروریست‌ها را داراست. برای کشورهای اروپایی روشن است که ترکیه به‌رغم اعلان جنگ علیه داعش، از توان تخریبی داعش در معادلات قدرت منطقه‌ای به سود خود بهره می‌گیرد و عربستان نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از داعش حمایت می‌کند. رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین منتفع جنگ داخلی سوریه

است و طرفدار ادامه جنگ داخلی و به تحلیل رفتن همه نیروهای درگیر در صحنه سوریه است. راهبرد دولت آمریکا نیز در سوریه همان توازن سازی از راه دور است. آمریکا از قدرتمند شدن تروریست‌های داعشی به گونه‌ای که بتوانند در عراق و سوریه دولت مستقلی تشکیل دهند و تروریسم خود را به سایر مناطق تسری دهند، ممانعت می‌کند درعین حال از تضعیف داعش به گونه‌ای که نیروهای حزب‌الله و ایران از جنگ با آنها فارغ شده و به سراغ رژیم اسرائیل بیایند، نیز جلوگیری می‌کند.

پس کشورهای اروپایی برای کاهش تهدید تروریست داعشی در صحنه سوریه به خوبی درک کرده‌اند که یگانه کشوری که در قامت یک قدرت منطقه‌ای روی زمین با داعش مبارزه می‌کند، ایران و نیروهای حزب‌الله هستند. در واقع، تلقی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از جمله قدرت‌های اروپایی از ایران، یک بازیگر امنیتی و نظامی است که حالا در منطقه خاورمیانه در بعد امنیتی توانمندی توأمان سلبی و ایجابی دارد. هم می‌تواند نظم و ثبات منطقه‌ای را بر هم زند و هم می‌تواند در جهت ایجاد نظم و ثباتی نوین به‌عنوان یک بازیگر اصلی عمل کند (Howitt, 2015). ایران با اعزام مشاوران نظامی به عراق و سوریه و نیز تشکیل نیروهای داوطلب مردمی در عراق برای مقابله با داعش ثابت کرد این گروه را دشمن می‌داند و توانایی مبارزه با آن را دارد. دعوت ایران در کنفرانس وین برای آینده سوریه نشان داد که کشورهای غربی نقش مثبت‌زای ایران در منطقه را در عمل پذیرفته و به آن احتیاج دارند (Erdbring, 2015).

بسیاری از متفکران و استراتژیست‌های آمریکایی به‌رغم تمایلات شخصی از پروژه تغییر حکومت از ایران عبور کردند. کسینجر در نشست با عنوان «ایران و راه پیشرفت خاورمیانه» ایران را کشوری قدرتمند با ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی خواند و گفت سرنگونی رژیم ایران هدف آمریکا نیست و ضروری است دولت آمریکا در کنار متحدان سنی خود در منطقه بایستد اما درعین حال خود را آماده گفتگو با ایران پیرامون مسائل منطقه‌ای کند (سایت دیپلماسی ایرانی، ۹۴/۸/۲۶). او با ما در دیدار با حیدر العبادی بر نقش مثبت کشورهای همسایه عراق از جمله ایران در مبارزه با داعش تأکید کرد. محافل فکری آمریکا نیز گفتگو با ایران برای حل تنش‌های ساختاری میان دو کشور را مسیری برای جدا شدن آمریکا از ساختارهای

پرهزینه امنیتی در خاورمیانه و استفاده از ایران در مبارزه با تروریست‌ها در سوریه معرفی می‌کنند (Hoff, 2015). صریح‌تر از مقامات آمریکا، مقامات اروپایی از جمله خانم اشتون و خانم فدریکا مورگینی هستند که بر نقش مثبت‌زای ایران در مقابله با تروریسم بارها در دیدارهای خصوصی تأکید کردند (Ma'an News Agency, 29 April 2015) اشتاین مایر، وزیر امور خارجه آلمان در دیدار با رئیس‌جمهور ایران با اشاره به شکافی که میان اعضای اتحادیه اروپا در مورد نحوه مقابله با بحران پناهندگان و تروریسم به وجود آمده است، به وابستگی اروپا به توان امنیتی ایران اقراری آشکار کرد:^۱

«... ما به ایران نیاز داریم تا ضمن ایجاد آرامش در منازعات منطقه، ثبات را به این منطقه بحران‌زده بازگرداند. نقش مثبت‌زای ایران در منطقه برای مقابله با تروریسم و حل بحران پناهندگان، برای اتحادیه اروپا بسیار کلیدی است» (Nasr and Carrel, 2016).



۱. پس از توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با ایران در سال ۲۰۱۵، اقرار به نقش مثبت‌زای ایران در خاورمیانه از سوی مقامات اروپایی و آمریکایی و بسیاری از محافل فکری در غرب آغاز شده است. اظهارنظرهای مقامات سیاسی غرب در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۵ نمونه بارزی در این زمینه است.

پس از توافق هسته‌ای شاهد حضور هیئت‌های سیاسی - اقتصادی از کشورهای مختلف اروپایی برای توسعه روابط سیاسی و تجاری با ایران هستیم. به زعم نویسنده، آنچه کشورهای اروپایی را به عقد قراردادهای تجاری با ایران تشویق کرده است، بیش از بهره‌های تجاری، نیاز آنها به بهره‌های امنیتی است که می‌خواهند از ایران برای مقابله با تروریسم در منطقه دریافت کنند. بنابراین نقطه عطف تاریخی شکل گرفته است و این بار کشورهای اروپایی از ایران تمنای مبارزه با تروریسم را دارند.

۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله با مطالعه روند تاریخی امنیت‌سازی در دولت‌های ایرانی نشان داد، «مبادله تجارت - امنیت» که الگوی ثابت امنیت‌سازی و استراتژی بقای دولت‌های ایرانی از دولت صفوی تا انقلاب اسلامی بوده است، نتیجه‌ای معکوس حاصل می‌کرد، به طوری که دولت‌های ایرانی امتیاز تجاری به قدرت‌های بزرگ اعطا می‌کردند اما در مقابل نه تنها بهره امنیتی برای حکومت و کشور حاصل نمی‌شد بلکه حضور قدرت‌های بزرگ در ایران و مداخلات آنها باعث ناامنی‌های گسترده داخلی و خارجی می‌شده است. انقلاب اسلامی با اتخاذ راهبرد استقلال سیاسی و عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ، روند جدیدی در فرایند امنیت‌سازی آغاز کرد که طی ۳۸ سال از بازدارندگی به بازیگری سلبی و پس از شبه‌انقلاب‌های عربی به بازیگری سلبی - ایجابی ارتقا یافته است. این نقطه عطفی در تاریخ روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ است که قدرت‌های بزرگ بین‌المللی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در غالب اظهارنظرها و سیاست‌ها به نقش ثبات‌زای ایران در معادلات امنیتی ایران اعتراف می‌کنند. این وضعیت شرایط را برای معکوس کردن مبادله امتیاز تجاری - تمنای امنیتی به بهره امنیتی - امتیاز تجاری در روابط ایران با قدرت‌های بزرگ فراهم کرده است. عدم تمایل آمریکا به ورود مستقیم به منازعات امنیتی در منطقه به‌خصوص پس از بحران سوریه و نیز هراس اتحادیه اروپا از تسری تروریسم داعشی به اروپا و تهدیدهای ناشی از بحران پناهندگان، نیاز قدرت‌های بزرگ را به نقش امنیتی ایران در منطقه به‌خصوص در عراق و سوریه به شدت افزایش داده است.

جمهوری اسلامی طی ۳۸ سال توانسته توان امنیتی و نظامی خود را به قدرت‌های منطقه و جهان تحمیل کند. حالاً می‌توان در ازای نقش ثبات‌زای امنیتی ایران در مبارزه با تروریسم، امتیازات تجاری و سیاسی از قدرت‌های جهانی به‌ویژه کشورهای اروپایی دریافت کرد. تحقق این مسئله اما به یک تصمیم بزرگ تاریخی در میان نخبگان جمهوری اسلامی نیاز دارد. به عبارت دیگر اکنون بستر تحقق مبادله امنیت - تجارت برای جمهوری اسلامی فراهم است اما آیا تصمیم سیاسی در قبال آن نیز اتخاذ شده است؟ نویسنده معتقد است دوگانگی راهبردی حاکم بر سیاست خارجی ایران، بزرگ‌ترین مانع برای این تصمیم‌گیری بزرگ است. سیاست‌گذاری برای تحقق مبادله امنیت - تجارت در سوریه و عراق مشروط به این است که جمهوری اسلامی نظم موجود بین‌المللی را بپذیرد و در چارچوب این نظم سهم خواهی کند. به تحقیق می‌توان نشان داد که دسته‌ای از نخبگان سیاسی در ایران معتقدند جمهوری اسلامی باید ضمن پذیرش تلویحی نظم موجود بین‌المللی با حفظ رویکرد انتقادی، جایگاه خود را در نظام بین‌الملل افزایش دهد و سهم خود را با اتکا به توانایی‌های امنیتی در منطقه دریافت کند. در مقابل دسته‌ای دیگر از نخبگان سیاسی ایران معتقدند نظم موجود در نظام بین‌الملل ناعادلانه است و جمهوری اسلامی مکلف است برای تغییر این نظم به تحقق جامعه جهانی عادلانه مبارزه کند بنابراین سهم خواهی در نظم موجود بین‌المللی در قالب راهبردهایی مانند مبادله امنیت - تجارت به منزله پذیرش نظم موجود و «من نیز شریک باشم» خواهد بود. در دیدگاه دوم، مبادله امنیت - تجارت در منطقه شامات با اهداف آرمانی انقلاب اسلامی در تقابل قرار می‌گیرد و به منزله پذیرش نظم بین‌المللی و بازی کردن در زمین آمریکا خواهد بود. سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در جنگ سوریه نشان می‌دهد تاکنون دیدگاه دوم بر دیدگاه اول غلبه نسبی داشته است.

منابع و مآخذ

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز.
۲. اسمیت، روی، عماد ال انیس و کریستوفر فاراندس (۱۳۹۱). *ایران و جهان؛ تداوم یک دهه انقلابی*، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی و امیرمحمد حاج‌یوسفی، تهران، انتشارات مخاطب.
۳. بیل، جیمز (۱۳۷۱). *شیر و عقاب*، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، نشر فاخته.
۴. پری، جان. ر. (۱۳۸۲). *کریم خان زند (۱۷۴۷-۱۷۷۹)*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران، نشر گلرنگ یکتا.
۵. پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۵). *پاسخ به تاریخ*، ترجمه حسین ترابیان، تهران، نشر سیمرخ.
۶. ذوقی، ایرج (۱۳۷۲). *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، چاپ سوم، تهران، انتشارات پازنگ.
۷. رجیبی، پرویز (۱۳۸۷). *کریم خان زند و زمانه او*، تهران، نشر اختران.
۸. رضائی، روح‌اله (۱۳۸۱). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران، نشر نی.
۹. سامرای، وفیق (۱۳۸۸). *ویرانی دروازه‌های شرقی*، ترجمه عدنان قارونی، تهران، مرکز مطالعات جنگ.
۱۰. سایت دیپلماسی ایرانی (۹۴/۸/۲۶)، www.irdiplomacy.ir.
۱۱. ستاندریس، جان (۱۳۸۳). *ایران و خلیج فارس؛ دورنمای گذشته، چشم‌انداز آینده*، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران، نشر نی.
۱۲. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار*، چاپ ششم، تهران، نشر فرزاد.
۱۳. *سفرنامه برادران شرلی* (۱۳۷۸). ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر به دید.
۱۴. شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۳). *از نادر تا کودتای رضا میرپنج*، تهران، انتشارات مدبر.
۱۵. _____ (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سوره.
۱۶. علم، اسدالله (۱۳۷۱). *گفتگوهای من با شاه*، تهران، نشر طرح نو.
۱۷. فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا.
۱۸. فوریس، ویلیام (۱۳۶۲). *اعترافات شاه*، ترجمه منوچهر مهرجو، تهران، نشر هفته.
۱۹. کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه فرشته سرلک، تهران، نشر گفتار.
۲۰. کدی، نیکی (۱۳۸۱). *ایران در دوره قاجار و برآمدن رضا شاه*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس.
۲۱. مرکز اسناد دفاع مقدس (۱۳۸۷). *روزشمار جنگ ایران و عراق*، زمینه‌های سیاسی و نظامی پذیرش قطعنامه ۵۹۸، تهران.

۲۲. میرفندرسکی، احمد (۱۳۸۲). در همسایگی خرس، دیپلماسی و سیاست خارجی ایران، تهران، نشر علم.
۲۳. نوازنی، بهرام (۱۳۸۴). *الگوهای رفتاری آمریکا با جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر مرکز انقلاب اسلامی.
۲۴. نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۴). *ایران و جهان*، تهران، نشر هما.
۲۵. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۰). *سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)*، تهران، نشر پیکان.
۲۶. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
27. Adebahr, Carnegie (2015). "Shaping EU-Iran Relations Beyond the Nuclear Deal", <http://carnegieendowment.org/2015/08/25/shaping-eu-iran-relations-beyond-nuclear-deal/ifbf/25/08/2015>.
28. Ansari, M. Ali (2011). *Politic of Modern Iran, IV*, Routledge, London & Newyork.
29. David, Jane (1996). *Security Issues in the Post Cold World*, Edward Elgar Publishing Company & Lansdownm Place Cheltenham, U.K.
30. Ehteshami, Anoushivan and Mansur Varasteh (2011). *Iran and the International Community*, Routledge, London & Newyork.
31. Erdbring, Thomas (2015). "After U.S Shift, Iran has a Seat at Talks on war in Syria", *Midde East Journal*, <http://www.nytimes.com/2015/10/29/world/middleeast/syria-talks-vienna-iran.html>, 29/05/2015
32. Hoff, Fredric (2015). "Obama's Hands-off Syria Policy is all about Iran", www.europe.newsweek.com.
33. Howitt, Richard (2015). "How the Nuclear Agreement Could Create Opportunities", <http://www.europarl.europa.eu/news/en/news-room/20151020STO98501/Iran-how-the-nuclear-agreement-could-create-opportunities/20/10/2015>.
34. Hunter, Shreen T. (2010). *Iran Foreign Policy in the Post Soviet Era*, Santa Barbara, California.
35. Kazemi, Ali-Asgar (2005). "The Dilemma of Nation-Building and State -1 Formation in the Post-saddam Iraq", *Journal of Law and Politics*, Vol.1, No. 2.
36. Ma'an News Agency (29 April 2015). <https://www.maannews.com>
37. Mearsheimer, John and Stephan Walt (2016). "The Case for Offshore Balancing", *Foreign Affairs*, August.
38. Nasr, Josef and Paul Carrel (2016). "Germany sees Iran as Key to Stabilizing Middle East", www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-germany-idUSKCN0UXING.
39. Patrikarakas, David (2012). *Nuclear Iran, The Birth of an Atomic State*, I. B Tauris, London.
40. Pollack, Kenneth (2014). "Assessing the Obama Administration's Iraq-Syria Strategy", www.brooking.edu, 9.26.

تأثیر مذاکرات هسته‌ای بر صنایع بورسی ایران

سیدمرتضی هژبرالساداتی* و علیرضا پویا**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند رخدادهای سیاسی از جهات مختلف بر بورس اوراق بهادار تأثیرگذارند. یکی از رخدادهای سیاسی حائز اهمیت برای جمهوری اسلامی، مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ است که در راستای حل محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی برگزار می‌شود. به نظر می‌رسد با عنایت به تأثیر تحریم‌ها بر تراز تجاری، تأمین ارز و ... و همچنین نظارت دقیق سرمایه‌گذاران بر تحولات اقتصادی کلان و سیاسی کشور، برگزاری مذاکرات هسته‌ای می‌تواند بر بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار باشد. این تحقیق به دنبال بررسی تغییرات قیمتی سهام و خوشه‌بندی شاخص گروه‌های صنعت بر مبنای عکس‌العمل سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه با رویکرد بازده روزانه است. به این منظور از پانل دیتا با ۲۸ مقطع ۱۴۲۲ روز استفاده و گروه‌های مختلف صنعت بر اساس بازده غیرنرمال کسب شده خوشه‌بندی می‌شوند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد گروه‌های صنعت موجود در بورس اوراق بهادار در سه خوشه با عکس‌العمل منفی، عکس‌العمل مثبت کم و عکس‌العمل مثبت زیاد بخش‌بندی می‌شوند. به منظور بررسی سطح تمایز و اعتبار خوشه‌بندی از تحلیل تشخیصی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: آرایه‌شناسی؛ بازده روزانه؛ شاخص صنایع؛ مذاکرات هسته‌ای؛ بورس اوراق بهادار تهران

* دانشجوی دکتری مدیریت تحقیق در عملیات، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: smh2sadat@yahoo.com

** دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: alirezapooya@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

انرژی هسته‌ای دارای کاربردهای فراوان است. از نیم قرن پیش که برای اولین بار رآکتوری برای مصارف صلح‌آمیز در نزدیکی مسکو به کنترل درآمد، همواره همچون شمشیری دودم عمل کرده است. واقعیت این است موضوع برنامه هسته‌ای صرفاً جنبه نظامی و سیاسی نداشته و ابعاد اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. امروزه تکنولوژی هسته‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی نظیر کشاورزی، داروسازی و بخش‌های دیگر صنعتی در حال توسعه می‌باشد و قواعد بین‌المللی نیز استفاده از این تکنولوژی را حق همه کشورها دانسته و حتی گسترش آن را تشویق کرده است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲).

پیشرفت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در ابعاد صلح‌آمیز آن موجب جلب نظر کشورهای غربی و تلاش برای ممانعت از دستیابی کشور به این تکنولوژی شد به نحوی که اقدامات مختلف دیپلماتیک، اقتصادی و ... برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به توقف فعالیت‌های هسته‌ای صورت پذیرفت. اخلال در مبادلات اقتصادی می‌تواند برای مقاصد سیاسی به کار گرفته شود. ابزارهایی که برای چنین اموری به کار می‌روند نیز متعدد بوده و مسدود کردن دارایی، برقراری ممنوعیت معامله، توقف اعطای تجهیزات نظامی و وضع تحریم‌های مختلف از این جمله به‌شمار می‌آیند (سخائی اردکانی، ۱۳۸۹: ۶۰).

تحریم به‌عنوان یکی از ابزارهای ایجاد اخلال در مبادلات اقتصادی یک کشور دارای تعریف‌های متنوعی است. هالستی تحریم را این‌گونه معرفی می‌کند: «در تحریم تجاری که یک حکومت برقرار می‌کند ورود کالاهای خاص یا همه محصولات صادراتی کشور تحریم شده ممنوع می‌گردد». لیندزی تحریم تجاری را شاخص‌هایی که یک کشور بخشی از تبادلات تجاری خود با کشور هدف را به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی تعلیق می‌کند معرفی می‌کند (Lindsey, 1986).

راه‌چینی تحریم را ابزارهایی می‌داند که در جایی میان دیپلماسی و استفاده از نیروی نظامی قرار می‌گیرد. این ابزارها اقدامات تلافی‌جویانه بین‌المللی محسوب شده و اغلب اوقات اعمال محدودیت‌های تجاری یا مالی را دربرمی‌گیرند (سخائی اردکانی، ۱۳۸۹: ۶۲). تحریم در حوزه‌های متنوع مانند صنعت نفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت در تجارت

بین‌المللی، فشار بر سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی در اعطای تسهیلات، فشار به صنعت حمل و نقل و ... استفاده می‌شود. محققان متعددی اثربخشی تحریم‌های تجاری علیه کشورهای هدف را زیر سؤال برده و معتقدند نتیجه حاصل برای تغییر رفتار کشور هدف قابل ملاحظه نبوده است (Lindsey, 1986). همچنین طبق قطعنامه ۲۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۱ تحت عنوان اقدامات اقتصادی به‌عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه، به شدت از کشورهای صنعتی خواسته شد که از موضع برتر خود به‌عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها استفاده نکنند (سخائی اردکانی، ۱۳۸۹: ۷۷).

در پی تصویب قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران و وضع تحریم‌های بین‌المللی، در کنار انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در زمینه فعالیت هسته‌ای، دستگاه دیپلماسی کشور در حال رایزنی و پیگیری حقوق هسته‌ای و تلاش برای رفع تحریم‌های اعمال شده بوده است. به این منظور مذاکرات هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین و آلمان به همراه نماینده اتحادیه اروپا طی چندین مرحله برگزار شده است.

خریداران و سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه روزانه با حجم بالایی از اطلاعات روبه‌رو می‌شوند. این اطلاعات در تعیین قیمت سهام و اوراق قرضه تأثیرگذار است. تغییرات قیمت سهام حاصل تغییر در عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (Roghan 2014: 127). Cheraghi Dezfoli, Elysseai and Tamimi, 2014). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند عواملی مانند تغییرات کلان اقتصادی (Khalid and Rajaguru, 2010)، مسائل سیاسی داخلی (Yang and et al., 2014)، تأثیر کنترل شرکت‌ها توسط عده‌ای خاص (Lease and et al., 1983; Nenova, 2003; Zingales, 1994) و همچنین مالکیت محدود شده (Stulz and Wasserfallen, 1995) بر قیمت سهام شرکت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند (Mahmood and et al., 2014).

نگرشی که سرمایه‌گذاران نسبت به مذاکرات هسته‌ای و احتمال پیشامدهای متفاوت مانند بهبود شرایط اقتصادی دارند در کنار تصمیماتی که مدیران بنگاه‌های اقتصادی ممکن

است بگیرند، می‌تواند به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران برای خرید یا فروش سهام یا عدم عکس‌العمل خاص منجر شود (Hozhabrossadati, 2013: 1043). تاکنون دلایل متفاوتی برای توجیه عکس‌العمل‌های متفاوت آنها بیان شده است که در زیر بیان می‌شود:

یک رخداد سیاسی اگر موجب اعتلای انتظار سرمایه‌گذار گردد، می‌تواند در افزایش قیمت سهام، خود را نشان دهد (Suleman, 2012). از این رو اعلام برگزاری مذاکرات هسته‌ای می‌تواند به علل متفاوتی موجب عکس‌العمل مثبت سرمایه‌گذاران شود.

اولاً: حذف احتمالی محدودیت‌های اعمال شده در تهیه منابع اولیه تولید و کاهش هزینه‌های تولیدی که همراه با کسب توافق به وجود می‌آید، می‌تواند موجب بازشدن قفل‌هایی شود که جلو فرصت‌های رشد را در هر صنعت گرفته است.

ثانیاً: بهبود شرایط صادرات کالا و خدمات و ارزآوری موجب افزایش سودآوری شرکت‌ها شده و در اقبال مشتریان به سهام گروه صنعتی خاص مؤثر خواهد بود.

ثالثاً: رفع محدودیت‌های بانکی و امکان گشایش اعتبارات اسنادی متقابل با فروشندگان و خریداران شرکت‌ها در کاهش هزینه‌های جانبی انتقال وجوه و پرداخت‌ها و دسترسی به بازارهای متنوع تأثیرگذار است.

رابعاً: یکی از دلایل مهم رویکرد مثبت سرمایه‌گذاران را پیش‌بینی آنان از بهبود فضای کسب‌وکار و رونق اقتصادی کشور و بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان مربوط دانست که می‌تواند از توافقی‌های هسته‌ای حاصل شود.

همچنین مذاکرات هسته‌ای می‌تواند موجب عکس‌العمل منفی از سوی سرمایه‌گذاران گردد. در صورتی که سرمایه‌گذاران انتظار عدم توافق یا بدتر شدن فضای فعالیت اقتصادی را داشته باشند احتمال عکس‌العمل منفی وجود دارد. یکی از ویژگی‌های بازار سهام آن است که به نظر می‌رسد در این بازار حوادث بد تأثیر نمایان‌تری بر نوسانات قیمت دارند تا حوادث خوب. در مورد بسیاری از اوراق سهام همبستگی منفی شدیدی میان بازده فعلی و نوسانات آتی وجود دارد. میل نوسانات بازده سهام به کاهش (افزایش) در شرایطی که بازده افزایش (کاهش) می‌یابد را اصطلاحاً اثر انتقال یا صنعت می‌گویند. به عبارتی نوسانات در پی خبر بد بیشتر از نوسانات در پی خبر خوب است (اندرس، ۱۳۸۶).

اما شاید مهم‌ترین دلیلی را که برای عدم عکس‌العمل به خصوصی‌سازی بتوان برشمرد، نبود نگرش مثبت یا منفی خاص از طرف سرمایه‌گذاران به مذاکرات باشد. زمانی که آنها این مذاکرات را فاقد فرجام خاص بدانند نسبت به این عمل عکس‌العمل ملموسی نشان نمی‌دهند. نکته قابل توجه در این بین این نکته است که میزان تأثیرپذیری یک صنعت از تحریم در میزان عکس‌العمل مثبت یا منفی سرمایه‌گذاران به مذاکراتی که با هدف حل مشکلات مربوط می‌باشد مؤثر خواهد بود. در صورتی که صنعتی به دلیل درون‌زا بودن کمترین آسیب را از تحریم‌ها دیده باشد، کمتر تحت تأثیر اثرات مترتب بر نتیجه مذاکرات خواهد بود. از این رو میزان تأثیرپذیری صنایع از تحریم‌ها از دید سرمایه‌گذاران امید به بهبود یا عدم بهبود حائز اهمیت است.

روباک (۱۹۷۱)، کورین (۱۹۷۹) و فرشلی فیلز و ساباک (۲۰۰۰) نتیجه رخدادهای سیاسی بر بازار سرمایه را با سنجش تغییرات سودآوری سرمایه‌گذاری‌ها بررسی کردند. کاتلر و همکاران (۱۹۸۹)، بیتلینگ مایر (۱۹۸۸)، چان و وی (۱۹۹۶) و کیم و می (۲۰۰۱) اثرات رخدادهای سیاسی را با استفاده از تغییرات قیمتی سهام مورد کاوش قرار داده‌اند. سایر مطالعات مانند ارب و همکاران (۱۹۹۶)، کوزت و سورت (۱۹۹۵) و به کارت و هاروی (۱۹۹۷) به بررسی زیان و ریسک سیاسی حاصل از رخدادهای سیاسی پرداخته‌اند (Suleman, 2012).

این تحقیق با استفاده از رویکرد تغییرات قیمت روزانه سهام و بازده غیرنرمال به دست آمده در دوره مذاکرات، اقدام به شناسایی عکس‌العمل سرمایه‌گذاران به برگزاری مذاکرات کرده است. در ادامه شاخص‌های صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران در هر دوره از مذاکرات هسته‌ای با استفاده از تحلیل خوشه‌ای بخش‌بندی و با استفاده از تحلیل تشخیصی مورد آزمون قرار می‌گیرد تا بتوان شاخص‌هایی را شناسایی کرد که نزدیک‌ترین قرابت را در عکس‌العمل به مذاکرات هسته‌ای نشان داده‌اند. این تحقیق از این جهت که برخلاف تحقیقات صورت گرفته متعدد در حوزه‌های مختلف بازار سرمایه، عکس‌العمل سرمایه‌گذاران به مذاکرات هسته‌ای را مورد بررسی قرار داده حائز اهمیت است.

۱. پیشینه تحقیق

چن، بین و چن (۲۰۰۵) به بررسی تأثیرات رخدادهای سیاسی بر عملکرد بورس اوراق

بهادار تایوان می‌پردازند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد تغییرات بازده روزانه و ریسک در بورس تایوان در اثر رخدادهای سیاسی قابل ملاحظه نبوده‌اند. آنها تغییرات بازده غیرنرمال را با نوع مالکیت شرکت‌ها (مالکیت خارجی) مرتبط می‌دانند. آنها ارتباط معناداری میان تغییرات قیمتی برخی پرتفویهای سهام با چند رخداد خاص یافتند.

مالک، حسین و احمد (۲۰۰۹) اثرات رخدادهای سیاسی بر رابطه حجم مبادلات با بازده روزانه سهام بورس کراچی را مورد مطالعه قرار دادند. آنها استعفای ژنرال پرویز مشرف از سمت ریاست جمهوری را به‌عنوان رخداد سیاسی مدنظر قرار داده و به بررسی رابطه حجم معاملات و بازده روزانه بورس کراچی در دوره قبل بعد از رویداد مذکور پرداختند. نتایج مطالعه تقویت رابطه حجم معاملات و بازده روزانه بورس کراچی را نشان می‌دهد.

سلمان (۲۰۱۲) با تقسیم اخبار به اخبار خوب و بد اقدام به سنجش اثرات آنها بر بازده و تغییرات قیمتی شاخص بورس اوراق بهادار کراچی پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد اخبار منفی دو برابر اخبار مثبت بر بازده و شاخص بورس اوراق بهادار کراچی تأثیر گذارده است.

سلتانایوا (۲۰۰۸) به بررسی اثرات اخبار سیاسی بر بازارهای سرمایه سه ایالت بالتیک در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ پرداخته است. وی نشان می‌دهد اخبار سیاسی در دوره سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ عدم اطمینان در بازار بورس دو ایالت را کاهش داده و همزمان اخبار مربوط به روسیه موجب افزایش ریسک بازار بورس ایالت سوم شده است.

گودرزی (۲۰۱۴) با استفاده از یک مدل آرچ اقدام به بررسی اثرات تحریم بر تغییرات قیمتی بازار بورس اوراق بهادار تهران در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ نموده است. یافته‌های وی مؤید گزارش کمیته تحقیقاتی کنگره آمریکا مبنی بر عدم تأثیر گذاری قابل ملاحظه تحریم‌ها بر بورس اوراق بهادار تهران است. وی اظهار می‌دارد به‌رغم کاهش صادرات نفتی کشور، ارزش بازار بورس اوراق بهادار تهران به بیش از ۱۶۴ میلیارد دلار در نوامبر ۲۰۱۳ رسیده است.

موحدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۲) اقدام به بررسی رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران در دوران تحریم (۲۰۱۲-۲۰۰۶) با شاخص بورس اوراق بهادار تهران نموده‌اند. نتایج مطالعه ایشان با در نظر گرفتن کاهش‌های صورت گرفته در صادرات نفتی کشور، نشان‌دهنده رابطه مثبت قیمت طلا و نفت با شاخص بورس تهران و رابطه منفی میزان عرضه نفت با شاخص بورس تهران است. آنها رابطه قابل ملاحظه‌ای بین شاخص قیمت مصرف‌کننده و شاخص بورس اوراق بهادار تهران نیافتند.

نتایج پژوهش حنیفی و غلاملو (۱۳۹۳) در مورد بررسی اثرات رخدادهای سیاسی بر شاخص بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد میزان دو متغیر متوسط حجم معاملات و شاخص نقدشوندگی از تئوری چرخه سیاسی تبعیت می‌کند. به عبارتی دیگر، میزان شاخص نقدشوندگی و متوسط حجم معاملات در دو سال اول تصدی یک دولت از دو سال دوم تصدی یک دولت پایین‌تر است. همچنین نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که هیچ تفاوت معناداری بین میزان شاخص نقدشوندگی و متوسط حجم معاملات در چهار سال مختلف تصدی دولت وجود ندارد.

بونانو، وندول و متگنو (۲۰۰۰) اقدام به تاکسونومی ۲۴ شاخص بورس اوراق بهادار از نقاط مختلف دنیا با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی نموده و شاخص‌های مدنظر را در سه خوشه بخش‌بندی کردند. معیار استفاده شده توسط ایشان ضریب همبستگی متقابل شاخص‌های بورس اوراق بهادار بوده است.

یحیی‌زاده‌فر، زالی و شبابی (۲۰۱۱) عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مالی سرمایه‌گذاران را در بورس اوراق بهادار تهران شناسایی کردند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد عوامل سیاسی با ۶۲ درصد، عوامل روانی ۵۳ درصد، عوامل اقتصادی ۴۷ درصد و عوامل درونی با ۳۱ درصد مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران است. آنها معتقدند عوامل سیاسی و روانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق افزایش نرخ بهره مورد نظر بر تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است.

فتحی و شهرکی (۲۰۱۱) به منظور بررسی اثرات رخدادهای سیاسی به سنجش تأثیرات اقدامات تروویستی صورت گرفته در جمهوری اسلامی در یک دوره ۱۷ ساله روی بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد اقدامات تروویستی شاخص بورس

اوراق بهادار تهران را تحت تأثیر قرار داده‌اند. آنها معتقدند رخدادهای سیاسی بر شاخص بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار بوده و ضروری است در مطالعات آتی کنترل شوند.

فرید و پورحمیدی (۱۳۹۱) اقدام به تاکسونومی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای فازی کردند. آنها رشدی، ارزشی یا ترکیبی بودن سهام‌های عرضه شده را ملاک خوشه‌بندی خود قرار داده و سه خوشه برای جای دادن سهام شرکت‌ها تشکیل دادند. نتیجه خوشه‌بندی آنها نشان می‌دهد سهام بیشتر شرکت‌ها در خوشه سهام ترکیبی قرار گرفته لیکن به سمت سهام رشدی تمایل دارند.

۲. جامعه آماری و قلمرو زمانی تحقیق

در این تحقیق تمامی شاخص‌های گروه‌های مختلف صنایع بورس اوراق بهادار تهران که سهام شرکت‌های زیرمجموعه آنها در روزهای انجام مذاکرات هسته‌ای معامله می‌شوند مورد بررسی قرار می‌گیرد که تعداد این گروه‌ها ۲۸ می‌باشد. این تحقیق به بررسی تأثیرات برگزاری ۱۲ دوره مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی با گروه ۵+۱ بر بازده روزانه شاخص‌های سهام صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. اولین دوره مذاکرات مدنظر این تحقیق در روزهای ۲۵، ۲۹ و ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۸۷ برگزار و آخرین آن مربوط به توافق ژنو است که از ۲۸ آبان تا ۴ آذر ۱۳۹۲ در شهر ژنو بوده است.

از این تعداد رخداد ۹ دوره مذاکرات در دولت‌های نهم و دهم و سه دوره مذاکرات در دولت یازدهم برگزار شده است. جدول ۱، دوازده رخداد بررسی شده در این تحقیق را نشان می‌دهد.

برای این که بتوانیم تغییرات در بازده روزانه گروه‌های صنعت موجود در بورس اوراق بهادار تهران را در هر رخداد مربوط به مذاکرات اندازه بگیریم، باید بازده غیرنرمال هر شاخص در طول دوره رخداد مورد نظر محاسبه شود. به همین منظور باید دوره زمانی را به نحوی در نظر بگیریم که سری‌های زمانی موجود بتوانند به خوبی این اثرات را نشان داده و مدل حداکثر کارایی را داشته باشد. به همین دلیل دوره زمانی تحقیق، که روز آغاز سری زمانی محسوب می‌شود از ۶۰ روز کاری قبل از اعلام اولین رخدادی است که ما قصد

بررسی اثراتش را داریم و تا ۶۰ روز کاری بعد از آخرین رخداد ادامه خواهد داشت. لذا با توجه به اولین دوره مذاکرات، روز آغاز دوره ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۷ بوده و تا ۱۴ اسفند ۱۳۹۲ ادامه داشته که شامل ۱۴۲۲ روز کاری می‌باشد.

جدول ۱. رخدادهای دوازده‌گانه مرتبط با مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱

شماره رخداد	تاریخ رخداد	شماره رخداد	تاریخ رخداد
رخداد اول	۲۵ الی ۳۰ تیر ۱۳۸۷	رخداد هفتم	۲۸ الی ۳۱ خرداد ۱۳۹۱
رخداد دوم	۸ الی ۱۲ مهر ۱۳۸۸	رخداد هشتم	۷ الی ۹ اسفند ۱۳۹۱
رخداد سوم	۱۴ الی ۱۷ آذر ۱۳۸۹	رخداد نهم	۱۴ الی ۱۸ فروردین ۱۳۹۲
رخداد چهارم	۲۹ دی الی ۳ بهمن ۱۳۸۹	رخداد دهم	۲۲ الی ۲۷ مهر ۱۳۹۲
رخداد پنجم	۲۳ الی ۲۷ فروردین ۱۳۹۱	رخداد یازدهم	۱۵ الی ۱۹ آبان ۱۳۹۲
رخداد ششم	۲ الی ۶ خرداد ۱۳۹۱	رخداد دوازدهم	۲۸ و ۲۹ آبان و ۲ الی ۴ آذر ۱۳۹۲

۳. روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق توصیفی است. در تحقیقات توصیفی محقق دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر این تحقیق وضع موجود را بررسی و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی پرداخته و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌کند (حافظنیا، ۱۳۸۷). از آنجاکه هدف این تحقیق کمک به تصمیم‌سازی‌های آتی است می‌توان آن را یک تحقیق کاربردی دانست. در این تحقیق پس از شناخت متغیرهای تحقیق، اقدام به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از بورس اوراق بهادار تهران برای تخمین مدل می‌کنیم. سپس آزمون‌های مانایی (با استفاده از روش دیکی فولر تعمیم‌یافته) و بررسی اثرات ثابت پانل (تست هاسمن و اثرات ثابت اضافی) انجام و با استفاده از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب اقدام به برآورد ضرایب مدل و بررسی معناداری آنها جهت بررسی تغییرات در بازده روزانه شاخص سهام صنایع موجود در بورس می‌شود. جهت بررسی لزوم نیاز به استفاده از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب از آماره لاگرانژ استفاده خواهد شد.

در ادامه بازده غیرنرمال به دست آمده برای شاخص‌های صنایع در هر دوره مذاکرات هسته‌ای، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای^۱ سلسله‌مراتبی در چند خوشه بخش‌بندی می‌شوند. در این تحقیق جهت تحلیل خوشه‌ای و به دلیل اکتشافی بودن و حجم نمونه کم، از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی استفاده گردید. در واقع روند خوشه‌ای کردن از یک خوشه بزرگ که تمام شاخص‌ها را پوشش می‌دهد، آغاز می‌شود و در هر مرحله مکان‌هایی که از همگنی کمتری برخوردارند از خوشه اولیه جدا شده و خوشه‌های جدید ایجاد می‌کنند. این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد تا شاخص‌هایی که شباهت بیشتری با یکدیگر دارند در یک خوشه خاص قرار گیرند (پویا و حکیم‌زاده، ۱۳۹۴). نهایتاً به منظور آزمون صحت تمایز قائل شده بین اعضای هر خوشه و درک تفاوت بین گروه‌ها از تحلیل تشخیصی^۲ استفاده می‌شود (آذر و خدیور، ۱۳۹۳: ۳۴۸). برآورد ضرایب مدل اقتصادسنجی تحقیق و محاسبه بازده غیرنرمال با نرم‌افزار Eviews و آزمون‌های مربوط به تحلیل خوشه‌ای و تحلیل تشخیصی با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌گیرد.

۳-۱. متغیرهای تحقیق و نحوه محاسبه آنها

برای اینکه بتوان بازده غیرنرمال شاخص‌های صنایع را به دست آورد نیاز است تا بازده بازار از بازده این شاخص‌ها کسر شود.

۳-۱-۱. متغیرهای مستقل

۳-۱-۱-۱. بازده روزانه بازار

برای به دست آوردن بازده روزانه بازار، از شاخص قیمت و بازده نقدی^۳ استفاده می‌شود. طبق معادله زیر، بازده روزانه بازار از لگاریتم طبیعی نسبت شاخص قیمت و بازده نقدی در روز t به شاخص قیمت و بازده نقدی در روز قبل به دست می‌آید (اسلامی بیدگلی، قالیباف اصل و عالی‌شوندی، ۱۳۸۸: ۱۰).

1. Cluster Analysis

2. Discriminant Analysis

3. Tehran Exchange Dividend and Price Index (TEDPIX)

$$(R_t = \ln(P_t/P_{t-1}) \times 100) \quad (1)$$

R_t بازدهی بازار در روز t ، P_t شاخص قیمت و بازده نقدی در روز t و P_{t-1} شاخص قیمت و بازده نقدی در روز قبل است.

۲-۱-۳. متغیرهای مجازی^۱

به منظور محاسبه بازده غیرنرمال توسط مدل، از متغیر مجازی استفاده می‌شود تا بتوان میزان بازده غیرنرمال هر شاخص را مشخص کرد. به این منظور ارزش یک برای روزهای رخداد^۲ و یک روز قبل و بعد از آن را و همچنین ارزش صفر برای روزهای غیررخداد در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش ۱۲ متغیر مجازی D1 تا D12 به‌ازای هر رخداد تعریف شده است.

۲-۱-۳. متغیر وابسته

متغیر وابسته این تحقیق بازده روزانه شاخص صنایع مختلف موجود در بورس اوراق بهادار تهران است. برای به‌دست آوردن بازده روزانه شاخص هر گروه، از فرمول زیر استفاده می‌گردد.

$$(R_{it} = (\ln P_{it} - \ln P_{it-1}) \times 100) \quad (2)$$

که در آن R_{it} بازده روزانه شاخص هر صنعت i در روز t ، $\ln P_{it}$ لگاریتم طبیعی شاخص هر صنعت i در روز t و $\ln P_{it-1}$ لگاریتم طبیعی شاخص هر صنعت i در زمان $t-1$ (روز قبل) می‌باشند.

۲-۳. مدل اقتصادسنجی تحقیق

برای اینکه بتوانیم در این پژوهش که یک مطالعه رویداد^۳ است، تغییرات در بازده روزانه سهام مؤسسات مالی موجود در بورس اوراق بهادار تهران را که به علت اعلام اخبار برگزاری مذاکرات هسته‌ای رخ داده است بسنجیم، نیاز است تا تغییرات کلی در بازده بازار

1. Dummy Variables

۲. روزهای برگزاری مذاکرات هسته‌ای.

3. Event Study

مشخص، و از تغییرات بازده روزانه شاخص‌ها جدا شود. از این طریق می‌توان بازده غیرنرمالی که به دلیل این واگذاری‌ها بوده است را به دست آورد. نحوه محاسبه بازده غیرنرمال با استفاده از بازدهی بازار به صورت زیر است:

این پژوهش از مدل استفاده شده توسط اکل، اکل و سیگنال (۱۹۹۷)، چن، لی و مشیریان (۲۰۰۵) و اوچر (۲۰۰۵) جهت بررسی تغییرات در بازده روزانه شاخص‌ها بهره می‌گیرد:

$$R_{it} = \alpha_i + \beta_{i1} R_{mt} + \beta_{i2} R_{mt+1} + \beta_{i3} R_{mt-1} + \lambda_i D_i + e_{it} \quad (3)$$

که در آن R_{it} بازده شاخص صنعت i در روز t ، R_{mt} بازده بازار در روز t ، R_{mt-1} بازده بازار در روز $t-1$ ، R_{mt+1} بازده بازار در روز $t+1$ می‌باشد. D_i نیز متغیر مجازی است که برای دوره رخداد برابر یک و در غیر این صورت صفر است. این متغیر جهت ضبط بازده‌های غیرنرمال سهم مورد نظر به کار می‌رود (Otchere and Chan, 2003).

مدل فوق شامل دو بخش می‌شود؛ بخش اول مربوط به متغیر کنترل و بخش دوم متغیرهای رخداد D_i است. در بخش کنترل، عوامل اصلی بازده روزانه بازار در روز t و روزهای قبل و بعد می‌باشد. بازده بازار از این جهت استفاده می‌شود تا حرکات عمومی بازار سهام را تحت کنترل قرار دهد. این متغیر جهت حذف اثرات بازده بازار از بازده سهم مورد نظر در راستای محاسبه بازده غیرنرمال به کار می‌رود (Chen, Li and Moshirian, 2005).

برای متغیرهای مجازی مدل در دوره هر رخداد، ارزش یک و در غیر این صورت صفر در نظر می‌گیریم. انتظار می‌رود مقدار ضریب برآوردی برای متغیرهای مجازی، در صورتی که عکس‌العمل بازده روزانه سهام مؤسسات مالی منفی بوده است، کوچک‌تر از صفر و در صورتی که عکس‌العمل آنها مثبت بوده است، بزرگ‌تر از صفر باشد.

۳-۳. آزمون‌های ریشه واحد و اثرات ثابت

برای بررسی مانایی سری‌های زمانی پانل‌های تحقیق، آزمون ریشه واحد پانل^۱ انجام

می‌شود. به همین منظور از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ استفاده می‌گردد (Baltagi, 2005). نتایج این آزمون نشان می‌دهد سری‌های زمانی موجود در پانل مانا می‌باشند. آماره کای دو آزمون برای کل پانل برابر ۴۸۶۸ که نشان‌دهنده مانایی آن است. همچنین برای انتخاب نوع تحلیل پانل (اثرات ثابت یا تصادفی) از آزمون‌های هاسمن^۲ و اثرات ثابت اضافی^۳ استفاده شد. آماره‌های به‌دست آمده برای این دو آزمون به ترتیب صفر و ۵/۳۲ است که نشان می‌دهد برای برازش پانل باید از اثرات ثابت استفاده کرد.

۴. نتایج تجربی تحقیق

۴-۱. برآورد ضرایب مدل

از آنجا که هدف در نظر گرفتن همزمان صنایع موجود در بورس اوراق بهادار در دوره زمانی ۱۴۲۲ روز است، مجبور به استفاده از پانل دیتا هستیم. پانل این تحقیق شامل بیست و هشت مقطع^۴ در طول سری زمانی با ۱۴۲۲ مشاهده است. مطالعات رویداد مرسوم عموماً بررسی عکس‌العمل بازده را با تمرکز بر جملات باقی‌مانده مدل انجام می‌دهند و تخمین مدل با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) انجام می‌شود. اما در این پژوهش، به دلیل ماهیت داده‌ها، هدف تحقیق، نوع و توالی رخدادها، همبستگی همزمان جملات باقی‌مانده و از طرفی به دلیل طولانی بودن مشاهدات سری زمانی و کم بودن تعداد مقاطع، از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب (SUR) و با در نظر گرفتن اثرات ثابت، برای تخمین مدل استفاده می‌شود. برای اینکه بتوان به وجود همبستگی همزمان بین جملات باقی‌مانده پی برد از آماره ضریب لاگرانژ^۵ که بریوش و پاگان (۱۹۸۰) ارائه داده‌اند استفاده می‌شود. در فرم عمومی، آماره آزمون به صورت زیر است:

$$LM = T \sum_{i=2}^m \sum_{j=1}^{i-1} r_{ij}^2 \quad (4)$$

-
1. Augmented Dickey Fuller (ADF)
 2. Hausman Test
 3. Redundant Fixed Effects Test
 4. Cross Section
 5. Lagrange Multiplier

که در آن T حجم نمونه و F_{ij} ضرایب همبستگی دو به دوی سهام هستند. تحت فرضیه صفر این آماره محاسباتی دارای توزیع کای دو با درجه آزادی $\frac{m(m-1)}{2}$ است که m تعداد مقاطع آن است. اگر آماره از مقدار جدول بزرگ تر باشد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی همزمان رد شده و باید از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب برای تخمین مدل استفاده کرد. این آماره زمانی که مقدار مشاهدات سری نسبت به تعداد مقاطع بزرگ تر است کارایی خوبی دارد (Su and Zhang, 2010).

آماره لاگرانژ محاسبه شده برای مدل عدد ۱۶۲۴ است که با توجه به توزیع کای دو، فرضیه صفر مبنی بر نبود همبستگی همزمان میان جملات باقی مانده مقاطع پانل رد می شود لذا نیاز به برآورد مدل با استفاده از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب است. نتیجه برآورد پانل با استفاده از روش رگرسیون ظاهراً نامرتب منجر به استخراج بازده غیرنرمال هر شاخص طی دوره مذاکرات هسته‌ای از طریق ضرایب متغیرهای مجازی مدل شده است. ضریب تعیین پانل ۰/۰۱۴ و آماره دوربین واتسون آن ۱/۵۵ می باشد. جدول ۲ بازده غیرنرمال هر صنعت در دوره مذاکرات هسته‌ای را نشان می دهد.

جدول ۲. بازده غیرنرمال هر صنعت (درصد)

شماره رخداد (دوره مذاکره هسته‌ای)											شاخص صنعت	
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲		۱
۲/۲۷	/۵۵	/۳۰	/۴۳	-/۲۶	-/۴۴	/۵۵	/۸۸	/۹۸	-/۱۲	/۵۶	-/۰۷	واسطه‌گری‌های مالی و پولی
/۰۸	-/۹۰	-/۰۱	/۶۸	-/۹۸	/۱۹	-/۲/۶	-/۵۲	/۳۰	-/۵۵	۲/۱۲	-/۲۹	قند و شکر
۱/۱۵	۱/۲۶	/۱۰	-/۱۹	/۰۳	-/۲۶	-/۲۳	-/۱۴	-/۱۱	-/۰۲	/۷۳	-/۴۶	مواد و محصولات دارویی
/۸۰	/۷۹	-/۸۵	/۹۰	-/۱/۱	-/۶۶	/۶۱	-/۴۴	/۳۳	-/۴۲	/۰۳	-/۰۵	محصولات کاغذی
/۳۸	/۲۷	-/۸۰	۱/۳۹	/۲۴	-/۲۹	/۶۶	-/۳۹	-/۲۰	-/۰۳	/۰۸	-/۲۴	محصولات غذایی و آشامیدنی جز قند و شکر
-/۰۱	/۱۲	/۱۲	/۰۱	-/۰۸	-/۰۸	-/۰۱	-/۰۱	/۰۱	/۰۹	/۰۲	-/۰۷	محصولات شیمیایی
/۷۰	-/۷۵	-۱	/۵۹	-/۹۵	-/۲۶	/۲۱	/۸۰	-/۰۱	-/۲۸	-/۳۴	-/۳۶	ماشین‌آلات و تجهیزات
-/۹۱	-۲/۴	۲/۶۷	-/۴۴	-/۳۲	-/۲۹	-/۲۹	-/۲۹	/۲۱	-/۴۴	۱/۸۰	-/۲۹	ابزار پزشکی، اپتیکی و اندازه‌گیری
/۰۰	-/۶۵	-/۱۳	/۷۹	/۰۹	-/۱۳	/۳۹	/۱۶	/۱۲	-/۱۳	/۰۵	-/۴۳	لاستیک و پلاستیک

شماره رخداد (دوره مذاکره هسته‌ای)											شاخص صنعت	
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲		۱
۲/۶۶	-۱۰۵	/۴۸	/۸۲	/۴۱	-/۶۵	-/۴۸	-/۷۴	/۳۱	/۰۳	/۱۸	-/۴۸	کاشی و سرامیک
/۲۵	-/۵۷	/۱/۱۱	-/۸۰	-/۸۵	-/۴۷	-/۱۴	/۳۸	-/۰۲	/۱۹	/۰۲	-۱/۲۴	فلزات اساسی
/۳۷	/۰۱	/۱/۶۵	/۸۷	-/۱۰	-/۷۴	-/۲۲	-/۲۱	-/۰۱	-/۳۰	/۱۰	/۷۰	فراورده‌های نفتی، کک و ...
/۳۱	/۵۶	/۱/۰۹	-/۱۹	-۱	-/۵۸	/۰۶	/۱۳	/۷۷	/۱۵	/۸۶	/۵۹	شرکت‌های چند رشته صنعتی
/۱/۱۲	/۵۶	-/۶۳	/۴۲	-/۱۵	-/۳۳	/۹۵	/۰۰	/۴۳	-/۲۷	-/۰۶	-/۰۵	سیمان، آهک و گچ
/۱/۳۳	/۶۵	/۰۹	-/۱۳	-/۲۷	-/۷۲	/۶۵	/۵۱	/۱/۳۳	-/۰۷	/۱۵	-/۰۵	سرمایه‌گذاری‌ها
/۱/۹۷	/۱/۱۹	-/۵۷	/۰۰	-/۱/۳	-۱	/۱/۱۲	۳/۵۸	/۳۷	-/۵۱	/۸۶	-/۸۵	سایر واسطه‌گری‌های مالی
/۳۸	/۸۸	/۲۵	/۷۴	/۱۴	-/۷۱	/۵۰	-/۸۳	-/۰۸	-/۴۱	/۴۰	-/۱۲	سایر محصولات کانی غیر فلزی
/۱/۳۰	-/۸۲	-/۶۸	/۱/۰۱	-/۲۱	-/۱۳۷	-/۰۵	/۶۹	/۳۴	-/۲۸	/۱/۳۶	-۱/۱۵	سایر ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی
-/۰۶	۲/۷۸	-/۱۲	۳/۶۵	-۱	-/۱/۵	/۱/۷۱	-/۲۰	-/۰۳	-/۵۰	/۴۴	-/۱۸	ساخت محصولات فلزی
/۷۱	/۸۴	-/۶۱	/۳۷	-/۲۵	-/۶۳	/۰۹	-/۵۹	-/۱۲	/۹۰	-/۱۱	-/۲۴	رایانه و فعالیت‌های وابسته
-/۷۳	-/۴۳	-/۱/۱	-/۱۳	۲/۶۰	/۱۰	-/۴۳	-/۱۳	-/۹۵	/۱/۱۰	/۰۶	-/۲/۴	دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی
/۱/۳۵	/۶۴	/۸۶	-/۳۴	-/۶۲	-/۷۲	/۱۲	/۸۱	/۱/۱۲	/۴۹	/۱/۱۵	-/۳۱	خودرو و ساخت قطعات
-/۱۹	/۸۷	-/۳۷	/۱/۰۰	-/۲۷	-/۱/۳	۳/۶۸	-/۲۰	/۲۹	-/۲۸	/۱/۵۰	-/۱/۹	خدمات فنی و مهندسی
-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۰۵	-/۱۱	-/۹۹	۲/۲۴	-/۰۵	پیمانکاری صنعتی
۲/۴۸	/۵۴	/۳۶	/۵۶	-/۲۳	-/۴۰	/۵۴	/۸۷	/۹۵	-/۱۳	/۶۳	-/۰۲	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
/۹۶	/۴۹	-/۹۲	/۰۰	-/۳۰	-/۵۴	-/۱۷	-/۲۲	/۳۳	/۱۴	/۲۵	-/۲۳	املاک و مستغلات
/۱۴	/۳۳	/۱/۶۷	-/۹۵	-/۱/۲	-/۵۱	/۲۲	۲/۱۹	-/۱۴	-/۷۰	/۲۵	-/۳۴	استخراج کانی‌های فلزی
/۵۵	-/۳۵	-/۰۹	/۱/۷۰	/۱/۵۸	/۱/۶۲	-/۵۴	/۷۰	-/۱۴	-/۴۴	/۲۳	/۲۰	استخراج زغال سنگ

۲-۴. تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی

بازده غیرنرمال به‌دست آمده از ضرایب متغیرهای مجازی مدل به‌عنوان شاخص خوشه‌بندی انتخاب و با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی ۲۸ شاخص صنایع بخش‌بندی شدند. نمودار ۱ دندوگرام حاصل از اجرای تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. دندوگرام تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی



به منظور بررسی وجوه تمایز بین سازه‌های خوشه‌های فوق آزمون مقایسه میانگین جوامع و آماره F استفاده شد. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد آماره فیشر در همه آماره‌های لامبدای ویلکز، اثر پیلائی، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی بزرگ‌تر از مقدار بحرانی بوده که به معنی عدم برابری میانگین بازده‌های غیرنرمال شاخص‌ها در گروه‌های سه‌گانه فوق بوده و نشان می‌دهد خوشه‌بندی انجام شده صحیح است. جدول ۳ اعضای خوشه‌های تشکیل شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نحوه عضویت شاخص‌های گروه‌های صنایع در خوشه‌ها

شماره صنعت	نام گروه صنعت	شماره خوشه	عنوان خوشه
۱	واسطه‌گری‌های مالی و پولی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲	قند و شکر	۲	عکس‌العمل منفی
۳	مواد و محصولات دارویی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۴	محصولات کاغذی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۵	محصولات غذایی و آشامیدنی جز قند و شکر	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۶	محصولات شیمیایی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۷	ماشین‌آلات و تجهیزات	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۸	ابزار پزشکی، اپتیک و اندازه‌گیری	۲	عکس‌العمل منفی
۹	لاستیک و پلاستیک	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۰	کاشی و سرامیک	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۱	فلزات اساسی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۲	فراورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۳	شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۴	سیمان، آهک و گچ	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۵	سرمایه‌گذاری‌ها	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۶	سایر واسطه‌گری‌های مالی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۷	سایر محصولات کانی غیر فلزی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۸	سایر ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۱۹	ساخت محصولات فلزی	۳	عکس‌العمل مثبت بالا
۲۰	رایانه و فعالیت‌های وابسته به آن	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۱	دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۲	عکس‌العمل منفی
۲۲	خودرو و ساخت قطعات	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۳	خدمات فنی و مهندسی	۳	عکس‌العمل مثبت بالا
۲۴	پیمانکاری صنعتی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۵	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۶	املاک و مستغلات	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۷	استخراج کانی‌های فلزی	۱	عکس‌العمل مثبت پایین
۲۸	استخراج زغال‌سنگ	۲	عکس‌العمل منفی

۱-۲-۴. نام‌گذاری خوشه‌ها و ویژگی‌های آنها

با توجه به ترکیب اعضای هر خوشه می‌توان آنها را با در نظر گرفتن وضعیت عکس‌العمل مثبت و منفی به مذاکرات هسته‌ای نام‌گذاری کرد. جدول ۴ وضعیت عکس‌العمل اعضای خوشه‌ها از طریق میزان بازده غیرنرمال به‌دست آمده در هر دوره را به درصد نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود اعضای خوشه یک به‌طور متوسط $1/69$ درصد بازده غیرنرمال در مذاکرات هسته‌ای به‌دست آورده‌اند. اعضای خوشه دوم به‌طور متوسط $-0/26$ درصد بازده غیرنرمال (زیان) کسب کرده‌اند و به همین دلیل در تحلیل در یک خوشه قرار گرفته‌اند. اعضای خوشه سوم نیز به‌طور متوسط $3/8$ درصد بازده غیرنرمال به دست آورده‌اند که بیشترین مقدار در میان خوشه‌های ایجاد شده است. بنابراین می‌توان خوشه‌های ایجاد شده را با توجه به نوع میزان عکس‌العمل نشان داده شده از سوی سرمایه‌گذاران به مذاکرات هسته‌ای به صورت زیر نام‌گذاری کرد:

- خوشه اول: عکس‌العمل مثبت پایین،
- خوشه دوم: عکس‌العمل منفی،
- خوشه سوم: عکس‌العمل مثبت بالا.

جدول ۴. خلاصه وضعیت خوشه‌ها (درصد)

شماره خوشه	بازده غیرنرمال	تعداد عضو	میانگین بازده غیرنرمال	عنوان انتخابی برای خوشه
۱	$37/18$	۲۲	$1/69$	عکس‌العمل مثبت پایین
۲	$-1/4$	۴	$-0/26$	عکس‌العمل منفی
۳	$7/63$	۲	$3/8$	عکس‌العمل مثبت بالا

میزان وابستگی هر صنعت به واردات یا صادرات در مقدار آسیب‌پذیری آن از تحریم تأثیرگذار است (بخشایش و مصطفایی، ۱۳۹۲: ۱). بنابراین برای تحلیل علت عکس‌العمل مثبت و منفی سرمایه‌گذاران باید به ویژگی‌های گروه‌های صنعت در خوشه‌ها توجه کرد. ویژگی‌های اعضای خوشه عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد شرکت‌های گروه قند و شکر هیچ‌گونه صادرات و وارداتی ندارند اما قیمت محصولات آنها با واردات شکر کنترل

می‌شود. در ضمن بهبود واردات شکر نکته منفی تلقی می‌شود. همچنین شرکت‌های گروه تجهیزات ارتباطی وابستگی زیادی به تحریم نداشته و بیشتر تحت تأثیر شرایط داخل قرار دارند. با توجه به اینکه این صنعت دارای صادرات زیادی نبوده و عمده آن هم به ترکیه بوده و در دوران تحریم ادامه داشته است؛ بنابراین با رفع تحریم نمی‌توان انتظار افزایش سودآوری کوتاه‌مدت زیاد از این گروه صنعت داشت، همچنین تسهیل صادرات حامل‌های انرژی جایگزین مانند نفت را هم باید مدنظر قرار داد.

نگاهی به گروه‌های صنعت موجود در خوشه عکس‌العمل مثبت بالا نشان می‌دهد از دیدگاه سرمایه‌گذاران گروه خدمات مهندسی، رفع تحریم‌ها می‌تواند باعث افزایش پروژه‌های نفتی، گازی و سیکل‌های ترکیبی به تبع افزایش نیاز به برق خواهد شد ضمن اینکه واردات در این صنعت نیز سهل‌تر و با قیمت مناسب‌تر صورت خواهد پذیرفت. بنابراین سودآوری مناسبی در پی رفع تحریم برای سرمایه‌گذاران قابل پیش‌بینی است. همچنین تأثیرپذیری شدید صنایع گروه ساخت محصولات فلزی (کازرونی، ثقفی و قربانی، ۱۳۹۲: ۱۹) و کاهش توان تولیدی این گروه در دوران تحریم می‌تواند با کاهش یا حذف آنها بهبود یابد که اثر مثبت بالای منتج از یافته‌های تحقیق مؤید آن است.

همچنین نگاهی به عکس‌العمل مثبت کم سرمایه‌گذاران صنایع خوشه اول می‌تواند نشئت گرفته از میزان تأثیرپذیری صنایع از تحریم‌ها و افق آتی برای این گروه‌ها باشد. گروه‌هایی مانند ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، ماشین و تجهیزات، لیزینگ، کاشی و ... تا حدودی از تحریم آسیب دیده‌اند و انتظار سرمایه‌گذار مثبت ولی محتاطانه برآورد شده است. یکی از این دلایل زمان‌بر بودن تغییرات برای این گروه‌ها بوده که این موضوع هم می‌تواند در درازمدت دستخوش تغییرات شود.

در خوشه اول، چهار گروه مرتبط با نهادهای مالی و واسطه‌گری مالی وجود دارد که همگی آنها عکس‌العمل مثبت پایین نشان داده‌اند. با توجه به اینکه بخشی از تحریم‌ها مستقیماً با حوزه بانکی ارتباط داشته است بروز عکس‌العمل مثبت قابل توجیه است اما با توجه به اینکه درآمدهای این گروه‌ها از فعالیت‌های سوئیفت، بخش قابل ملاحظه صورت‌های مالی آنها نیست لذا توقع افزایش سودآوری کوتاه‌مدت از آنها در پی مذاکرات هسته‌ای نمی‌رود.

به نحوی که به طور متوسط ۰/۴ درصد بازده غیرنرمال نصیب سهامداران آنها شده است. به عبارتی منافع ناشی از لغو تحریم‌های بانکی را می‌توان در گروه‌های صنعتی جست که وابسته به صادرات و واردات بوده و در افتتاح اعتبارات اسنادی دچار مشکل بودند.

۳-۴. تحلیل تشخیصی

به منظور بررسی اعتبار خوشه‌بندی انجام شده توسط تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، از تحلیل تشخیصی استفاده می‌شود. در این تحلیل، به دنبال مشخص کردن اوزان متغیرها به گونه‌ای هستیم که واریانس بین گروهی سهم بسزایی از واریانس کل را توضیح دهد. به عبارت دیگر، اگر واریانس بین گروه‌ها به واریانس کل برابر یک باشد، به این معنی است که نقش عوامل مزاحم صفر است و تابع تشخیصی به بهترین شکل ممکن بین گروه‌ها تمایز ایجاد کرده است و برعکس (پویا و خویبان، ۱۳۹۳: ۱۹). معادله تشخیصی k متغیر را می‌توانیم به صورت زیر بنویسیم که k تعداد رخدادهای مذاکرات هسته‌ای است:

$$Z = u_1x_1 + u_2x_2 + \dots + u_kx_k \quad (5)$$

به این منظور شماره عضویت جامعه آماری به عنوان متغیر گروه‌بندی و متغیرهای بازده غیرنرمال به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. تحلیل انجام شده منجر به استخراج دو تابع تشخیصی جدید می‌شود که مقادیر ویژه و درصد واریانس توضیحی و آماره‌های لامبدای ویلکز و کای دو به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵. مقادیر ویژه توابع تشخیصی

تابع	مقدار ویژه	درصد واریانس	واریانس تراکمی	ضریب کانونی	لامبدای ویلکز	کای دو	معناداری
۱	۱۲.۵۷	۷۵	۷۵	۰.۹۶	۰.۰۱۵	۸۲.۴	۰.۰۰
۲	۴.۰۵	۲۴	۱۰۰	۰.۸۹	۰.۱۹۸	۳۱.۵۸	۰.۰۰

جدول ۶ نشان می‌دهد که هریک از متغیرهای پیش‌بین (رخدادهای دوازده‌گانه مربوط به مذاکرات هسته‌ای) چقدر به توانایی تشخیص بین گروه‌ها کمک کرده‌اند.

ماتریس ساختاری مقیاس متفاوتی از میزان کمک هریک از متغیرها به تابع تشخیص را ارائه می‌دهد. در ستون دوم، متغیرها برحسب مقدار کمکشان در تمییز تابع تشخیص مشاهده می‌شود. این ضرایب همان ضرایب خام متغیرهای تصمیم در تابع تشخیص هستند. بنابراین توابع تشخیصی استخراجی به شکل زیر است:

$$Z_1 = 0.04x_1 + 0.16x_2 + 0.43x_3 - 0.43x_4 + 0.74x_5 + 0.95x_6 + 1.2x_7 + 1.2x_8 + 0.03x_9 - 0.47x_{10} - 0.44x_{11} + 0.36x_{12} \quad (6)$$

$$Z_2 = -0.28x_1 - 0.19x_2 + 0.42x_3 - 0.62x_4 - 0.59x_5 + 1.05x_6 + 0.11x_7 + 0.01x_8 - 0.38x_9 - 1.08x_{10} + 0.02x_{11} + 0.7x_{12} \quad (7)$$

جدول ۶. ضرایب ساختاری و کانونی توابع تشخیصی

ضرایب کانونی		ضرایب ساختاری		متغیر رخداد (مذاکرات هسته‌ای)
تابع دوم	تابع اول	تابع دوم	تابع اول	
-۱.۱۶	-۱.۶	-۱.۴۸	-۰.۰۸	۱
۰.۵۳	۰.۴۴	۰.۱۷۹	۰.۰۳۹	۲
۰.۳۴	۰.۱۵	۰.۰۰۶	-۰.۰۴۷	۳
۰.۶۸	۰.۲۹	-۰.۱۷۷	-۰.۰۰۵	۴
۰.۳۲	-۰.۶۳	-۰.۰۸۶	-۰.۰۳۴	۵
-۰.۴۴	۰.۹۳	-۰.۲۸۹	۰.۳۵۵	۶
۰.۸۷	۰.۴۰	۰.۳۷۱	-۰.۲۲۷	۷
۰.۱۳	-۱/۰۳	۰.۲۵۵	-۰.۰۶۵	۸
۱.۱۲	۱/۵۸	۰.۰۸۷	۰.۲۰۵	۹
۰.۷	۱/۰۴۱	۰.۰۴۸	-۰.۰۳۴	۱۰
۰.۰۴	۰/۹۴	-۰.۳۰۸	۰.۲۱۲	۱۱
-۰.۸۹	-۰/۵۳	-۰.۳۰۷	-۰.۶۹	۱۲

بنابراین خوشه‌های ایجاد شده به‌خوبی توانسته‌اند بیشترین تشابه بین اعضا و بیشترین تمایز بین خوشه‌ها را تبیین کنند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف خوشه‌بندی شاخص گروه‌های صنایع موجود در بورس اوراق بهادار

تهران با رویکرد تغییرات بازده روزانه انجام پذیرفته است. همان‌طور که نتایج تجربی تحقیق نشان می‌دهد ۲۸ صنعت مورد بررسی در این تحقیق براساس عکس‌العمل سرمایه‌گذاران به مذاکرات هسته‌ای طی دوره مذاکرات از طریق تغییرات قیمتی و بازده روزانه غیرنرمال قابل خوشه‌بندی می‌باشند. از این رو با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی خوشه‌بندی صورت پذیرفت که سه خوشه با عناوین عکس‌العمل مثبت بالا، عکس‌العمل مثبت پایین و عکس‌العمل منفی ایجاد شد.

نتایج همچنین نشان می‌دهند عکس‌العمل گروه‌های مختلف صنعت به مذاکرات هسته‌ای متفاوت بوده و سرمایه‌گذاران در طول دوره مذاکرات نسبت به سهام‌گروه‌های مختلف عکس‌العمل متفاوتی نشان داده‌اند. نگاهی به جدول ۲ نشان می‌دهد در برخی دوره‌های مذاکره، عکس‌العمل بیشتر گروه‌ها منفی و در برخی دیگر عکس‌العمل بیشتر آنها مثبت بوده است که توجه بیشتر به علت این رفتار را می‌طلبد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد از ۲۸ گروه صنعت مورد بررسی تنها ۵ گروه در مجموع دوره‌های مذاکرات بازده غیرنرمال منفی نصیب سرمایه‌گذاران کرده و بقیه گروه‌ها دارای بازده غیرنرمال غیرمنفی بوده‌اند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت عکس‌العمل مثبت سرمایه‌گذاران را باید در خوش‌بینی به بهبود وضعیت در پی مذاکرات عنوان کرد به‌نحوی که حذف احتمالی محدودیت‌های اعمال شده در تهیه منابع اولیه تولید و کاهش هزینه‌های تولیدی، باز شدن قفل‌های تحمیلی بیرونی که جلوی فرصت‌های رشد را در هر صنعت گرفته، بهبود شرایط صادرات کالا و خدمات و ارزآوری که موجب افزایش سودآوری شرکت‌ها می‌شود در اقبال مشتریان به سهام‌گروه‌های صنعتی خاص مؤثر بوده‌اند. همچنین رفع محدودیت‌های بانکی و امکان‌گشایش اعتبارات اسنادی متقابل با فروشندگان و خریداران، کاهش هزینه‌های جانبی انتقال وجوه و دسترسی به بازارهای متنوع در کنار امیدواری به بهبود فضای کسب‌وکار و رونق اقتصادی کشور و بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان که می‌تواند از توافقات هسته‌ای حاصل شود در این موضوع دخیل بوده‌اند.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد رخدادهای ۱، ۸، ۹ و ۱۰ به ترتیب دارای بیشترین ضریب کانونی بوده و بیشترین کمک را در تمیز خوشه‌ها و تشکیل تابع تشخیصی اول داشته و رخدادهای ۴ و ۳ به ترتیب کمترین نقش را در این مورد داشته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل و آمنه خدیور (۱۳۹۳). کاربرد تحلیل آماری چندمتغیره در مدیریت، انتشارات نگاره دانش.
۲. اسلامی بیدگلی، غلامرضا، حسن قالیباف اصل و عبدالله عالیشوندی (۱۳۸۸). «بررسی آثار تغییر حد نوسان قیمت سهام بر نوسان بازار، بازدهی بازار، تعداد دفعات معامله، اندازه معاملات و سرعت گردش سهام در بورس اوراق بهادار تهران»، *مجله تحقیقات مالی*، ش ۲۷.
۳. اندرس، والتر (۱۳۸۶). *اقتصادسنجی سری‌های زمانی*، جلد اول، ترجمه مهدی صادقی و سعید شوال پور، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. بخشایش، هاجر و الهام مصطفایی (۱۳۹۲). «بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی بر دو بخش نفت و گاز ایران»، تهران، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم.
۵. پویا، علیرضا و میلاد حکیم‌زاده (۱۳۹۴). «گروه‌بندی بافت‌های فرسوده شهری در استان خراسان رضوی (با تأکید بر روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ش ۱۸.
۶. پویا، علیرضا و مهدی خوبیان (۱۳۹۳). «طراحی و تبیین الگویی مبتنی بر تحلیل تشخیصی چندمتغیری به منظور پیش‌بینی چابکی شرکت‌ها»، *مجله چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ش ۱۴.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.
۸. حنیفی، فرهاد و قاسم غلاملو (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر چرخه سیاسی بر روی حجم معاملات و نقدشوندگی»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری*، ش ۱۰.
۹. سخائی اردکانی، روح‌الله (۱۳۸۹). *تحریم آمریکا علیه ایران*، تهران، انتشارات آرون.
۱۰. کازرونی، علیرضا، رضا ثقفی و عادل قربانی (۱۳۹۲). «ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر صنایع مختلف بورس اوراق بهادار تهران»، تهران، بیست و سومین همایش ملی سیاست‌های پولی و بانکی.
۱۱. فرید، داریوش و مسعود پورحمیدی (۱۳۹۱). «بخش‌بندی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای فازی»، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ش ۱۳.
۱۲. هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۵). *پرونده هسته‌ای ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
13. Baltagi, B. (2005). *Econometrics Analysis of Panel Data*, John Wiley and Sons Ltd, Third Edition, Chichester.
14. Bonanno, G., N. Vandewalle and R. Mantegna (2000). "Taxonomy of Stock Market Indices", *Physical Review*, Vol. 62, No. 6.
15. Breusch, T. and A. Pagan (1980). "The Lagrange Multiplier Test and its Applications to Model Specification in Econometrics", *Review of Economic Studies*, No. 47.
16. Chen, D., F. Bin and C. Chen (2005). "The Impacts of Political Events on Foreign Institutional Investors and Stock Returns: Emerging Market Evidence from Taiwan", *International Journal of Business*, Vol. 10, No. 2.

17. Chen, Z., D. Li and F. Moshirian (2005). "China Financial Services Industry: The Intra-industry Effects of Privatization of the Bank of China Hong Kong", *Journal of Banking & Finance*, No. 29.
18. Eckel, C., D. Eckel and V. Signal (1997). "Privatization and Efficiency: Industry Effects of the Sale of British Airways", *Journal of Financial Economics*, No. 43.
19. Fathi, S. and K. Sahraki (2011). The Effect of Terrorism on Financial Markets (Case Study: Tehran Stock Exchange Price Index), *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research In Business*, Vol. 3, No. 5.
20. Goudarzi, H. (2014). "Stock Market Volatility Under Sanctions", *International Journal of Management and Sustainability*, Vol. 3, No. 4.
21. Hozhabrossadati, S. M. (2013). "The Intra-Industry Effects of Privatization of the Bank Mellat of Iran", *World Applied Sciences Journal*, Vol. 21, No. 7.
22. Lindsey, J. (1986). "Trade Sanction as Policy Instruments: Re-Examination", *International Studies Quarterly*, Vol. 30, No. 2.
23. Mahmood, S. Irfan, M. Iqbal, S. Kamran and M. Ijaz (2014). "Impact of Political Events on Stock Market: Evidence from Pakistan", *Journal of Asian Business Strategy*, Vol. 4, No. 12.
24. Malik, S., S. Hussain and S. Ahmed (2009). "Impact of Political Event on Trading Volume and Stock Returns: The Case of KSE", *International Review of Business Research Papers*, Vol. 5, No. 4.
25. Movahedizadeh, H., A. Nassir, M. Azizi Kouchaksaraei, M. Karimimalayer, N. Samimi Sedeh and E. Bagherpour (2012). "The Impact of Macroeconomic Factors on Tehran Stock Exchange Index During Unjust Economic and Oil Sanctions from January 2006 to December 2012", *Recent Advances in Economics, Management and Marketing*, 2012.
26. Otchere, I. (2005). "Do Privatized Banks In Middle- And Low-Income Countries Perform Better Than Rival Banks? An Intra-Industry Analysis Of Bank Privatization", *Journal of Banking & Finance*, No. 29.
27. Otchere, I. and J. Chan (2003). "Intra-Industry Effects of Bank Privatization: A Clinical Analysis of the Privatization of the Commonwealth Bank of Australia", *Journal of Banking & Finance*, No. 27.
28. Roghan Cheraghi Dezfoli, F. and E. Vahidi Elysseai, M. Tamimi (2014). "Effect of Conditional and Unconditional Conservatism on Return in Tehran Stock Exchange. Applied Mathematics in Engineering", *Management and Technology*, Vol. 2, No. 2.
29. Soutanaeva, A. (2008). *Impact of Political News on the Baltic State Stock Markets*, Working Paper, Umeå University, Sweden.
30. Su, L. and Y. Zhang (2010). *Testing Cross-sectional Dependence in Nonparametric Panel Data Models*, School of Economics, Singapore Management University, Singapore.
31. Suleman, M. (2012). "Stock Market Reaction to Good and Bad Political News", *Asian Journal of Finance & Accounting*, Vol. 4, No. 1.
32. Yahyazadehfard, M., M. Zali and H. Shababi (2011). "Determinants of Investors' Financial Behaviour in Tehran Stock Exchange", *Applied Economics Letters*, No. 18.

روش‌شناسی ضمانت اجرای مطلوب قرارداد در نظام

حقوقی جمهوری اسلامی ایران

سیدصادق موسوی* و مهدی مولایی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۹/۱۴

ضمانت اجرا مهم‌ترین رکن یک قاعده حقوقی را تشکیل می‌دهد. نقض قاعده حقوقی اعم از اینکه قانونی یا قراردادی باشد، ضمانت اجرا را به دنبال خواهد داشت. در خصوص قراردادهای ضرورت ضمانت اجرا، دوچندان می‌شود؛ زیرا قرارداد مهم‌ترین ابزار انتقال ثروت و توسعه روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری است. ازسویی، روش‌شناسی بسان نقشه هر علم است که ما را به‌نحو صحیح، منطقی و با سرعتی معقول به مقصود نهایی یعنی تجزیه و تبیین واقعی (نه توهمی) آن علم می‌رساند. طراحی روش‌شناسی ضمانت اجرای مطلوب قراردادهای از چند جهت ضروری است: نخست آنکه حقوق قراردادهای به‌دلیل مواجه بودن با یک موجود چندبعدی به نام انسان، پدیده‌ای کیفی محسوب شده و مرزهای آن بسیار مبهم و ناشناخته بوده و فقدان نقشه دقیق موجب وارد شدن ناخودآگاه در علم دیگر می‌شود. دوم آنکه متأسفانه به‌دلیل فقدان یک روش‌شناسی مطلوب در خصوص ضمانت اجرای قراردادهای، ضمانت‌های فعلی دارای آسیب‌های زیادی بوده و اصولاً ناکارآمد می‌باشند و جوابگوی نیازهای فراوان عصر حاضر نیستند.

مطابق فرضیه حاضر و به موجب روش‌شناسی صحیح، ضمانت اجرای نقض قرارداد باید به نحوی باشد که بیشترین کارایی حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را نصیب فرد و جامعه کند. در این راستا شایسته است ضمانت اجرای مطلوب مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی بوده و بیانات مقام معظم رهبری نیز در آن لحاظ شود.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی؛ قرارداد؛ قانون؛ ضمانت اجرا؛ حقوق؛ کارایی

* دانشیار گروه حقوق، دانشگاه شهید مطهری؛

Email: mousavi4534@gmail.com

** دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛

Email: molaie65.mahdi@gmail.com

مقدمه

نگرش برون علمی هر دانش را فلسفه آن دانش می‌نامند که محل تلاقی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن علم است. مطابق فرهنگ حقوقی بلاک، در فلسفه حقوق نه تنها قواعد حقوقی در نظم مناسبان طبقه‌بندی شده و جایگاهشان را در ارتباط با یکدیگر باز می‌یابند، بلکه روشی را که در چارچوب آن امور مشتبه، جایگاه واقعی خود را باز یابند را نیز سامان می‌دهد (Campbell Black, 1990: 845-50). روش‌شناسی بسان نقشه هر علم است که ما را به نحو صحیح و منطقی و با سرعتی معقول به مقصود نهایی یعنی تجزیه و تبیین واقعی (نه توهمی) آن علم می‌رساند. متأسفانه روش‌شناسی جایگاه واقعی خود را در علوم انسانی و به‌ویژه حقوق نیافته است تا چه رسد به شاخه‌ای از آن یعنی ضمانت اجرای قرارداد. روش‌شناسی برای تمام علوم مفید و لازم است اما برای علوم انسانی که در آن برخلاف علوم ریاضی و تجربی پدیده‌های کمی ندارد و به دلیل مواجه بودن با یک موجود چندبُعدی به نام انسان، پدیده‌ای کیفی محسوب می‌شود، عمیقاً ضروری است، زیرا به دلیل خصیصه کیفی بودن علوم مزبور، مرزهای آن بسیار مبهم و ناشناخته است و فقدان نقشه دقیق موجب وارد شدن ناخودآگاه در علم انسانی دیگر می‌شود و بدون شک نتیجه آن نیز به تبع، ارائه تحلیلی غیرواقعی از علم مورد بحث (به‌عنوان نمونه علم حقوق) خواهد بود.

روش‌شناسی ترجمه عبارت «متدولوژی»^۱ است، و عرب‌زبانان از آن به «علم‌المنهج» تعبیر می‌کنند. نظر به اهمیت این دانش، گاهی آن را «علم‌العلوم» نیز می‌نامند. به‌زعم فیلیپس شاله «فلسفه علمی را منطق عملی یا متدولوژی (شناخت روش) نیز می‌توان نامید. این فلسفه قسمت مهم منطق است که خود، مطالعه حقیقت و علم قوانین استدلال است. متدولوژی، یعنی مطالعه نفسانیات عالم با روش صحیح. متدولوژی علمی است دستوری؛ زیرا برای فکر، قواعدی مقرر می‌دارد و تعیین می‌کند که انسان چگونه باید حقایق را در علوم جستجو کند (شاله، ۱۳۴۶: ۲۲-۶).

برخی معتقدند «روش‌شناسی عبارت است از بررسی این موضوع که پژوهش را چگونه باید پیش برد و چگونه پیش می‌رود. بنابراین هر چند روش‌شناسی تعیین‌کننده

اصولی است که شاید راهنمای گزینش روش باشند، نباید آن را با خود روش‌ها و فنون پژوهش اشتباه گرفت. در واقع روش‌شناسان اغلب میان آن دو تمایز قائل می‌شوند و بر گستره شکاف میان آنچه اصول جاافتاده روش‌شناختی و شیوه‌های عملی یا اجرایی روش‌شناختی می‌دانند، تأکید می‌کنند» (کالین، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

مهم‌ترین پیش‌فرض روش‌شناسی این است که با به کار بردن اصول و قواعد منظم می‌توان به معرفت دست یافت، یا دست کم به آن نزدیک شد و ازسویی، بتوان درباره دستاورد معرفتی و اعتبار آن، اظهار نظر و داوری کرد. این پیش‌فرض در اذهان محققان بود، تا اینکه هیدگر و گادامر در هرمنوتیک، فهم را از لحاظ هستی‌شناسی و فلسفی بررسی کردند^۱ (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۴). نظر به بافت اسلامی - ایرانی نظام حقوقی ما، ضروری است روش‌شناسی ضمانت اجرای قرارداد نیز مبتنی بر مبانی اسلامی - ایرانی باشد. ناگفته نماند هرچند مطابق فرضیه ما روش‌شناسی دارای اهمیت و جایگاه مهمی است لیکن برخی علما اصولاً ضرورت و اهمیت متدولوژی را نفی می‌کنند.

در سطوری که گذشت با روش‌شناسی، ضرورت و سابقه آن آشنا شدیم. با توجه به آنچه گفته شد، سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود چیست؟ روش‌شناسی ضمانت اجرای مطلوب قراردادهاست. آیا در خصوص ضمانت اجرای قراردادها هم، روش‌شناسی خاصی وجود دارد؟ روش‌شناسی ضمانت اجرای مطلوب قراردادها چگونه تبیین می‌شود؟ در کنار این سؤال اصلی، سؤالات فرعی دیگری وجود دارد: سطوح مختلف روش‌شناسی ضمانت اجرای قراردادها چیست؟ این جنبه‌ها با چه بایسته‌های مطلوب علمی ما را در تحلیل صحیح، واقعی و همه‌جانبه ضمانت اجرای قراردادها یاری می‌کنند؟ وضعیت فعلی نظام ضمانت اجرای قانونی و قراردادی مرتبط با قراردادها در حقوق ایران چگونه است؟ چه راهکارهایی برای رهایی از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب وجود دارد؟ نگارنده در مقام فرضیه معتقد است همان‌طور که روش‌شناسی برای تمام علوم وجود دارد یا متصور است، برای ضمانت اجرای قراردادها نیز وجود دارد و بدیهی است ضمانت

۱. برای اطلاع بیشتر نک. پالم (۱۳۷۷)؛ ریکور (۱۳۷۸)؛ کربای (۱۳۷۹)؛ (Ricoeur (1995, 1991)؛ Hirsch (1967).

اجرا که نقطه تلاقی قاعده حقوقی از قاعده اخلاقی است، نمی تواند بدون روش شناسی باشد. گذشته از آن، مطالعات همه جانبه ضمانت اجراها، ما را به این سمت سوق داده است که روش شناسی مرتبط با آن، در سه سطح قانونگذاری و اعتباری، قضایی و اجرایی و نهایتاً آکادمیک و مطالعاتی وجود دارد. به عبارت دیگر، به مقوله ضمانت اجرای قراردادها می توان از سه زاویه متفاوت نگریست. نخست از دریچه تدوین، اعتبار و قانونگذاری؛ دوم از منظر اجرا و تفسیر مقررات وضع شده در محاکم قضایی و سوم از حیث پشتوانه های علمی و تحلیلی دو سطح قبلی یعنی محیط های دانشگاهی، علمی و پژوهشگاهی که به نوعی پرورش دهنده حقوقدانان، قانونگذاران و قضات محسوب می شوند. روش شناسی ضمانت اجرای قراردادها در نظر دارد برای هر سه سطح، بایسته هایی را به منظور رسیدن به نقطه مطلوب ضمانت اجراهای قراردادها بیان کند.

با توجه به مراتب فوق، مقاله حاضر اهدافی را به شرح زیر دنبال می کند و انتظار می رود با نهادینه شدن گزاره های علمی نوشته فعلی، آن اهداف محقق شوند:

۱. آشنایی با روش شناسی به عنوان یکی از محورهای فلسفه مضاف؛
۲. تبیین روش شناسی ضمانت اجرای مطلوب قراردادها؛
۳. نگرشی در سطوح مختلف روش شناسی ضمانت اجرای قراردادها؛
۴. تحلیل دقیق نظام ضمانت اجرای قراردادها در جامعه ایرانی؛
۵. آشنایی با راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی ضمانت اجراها.

ضمانت اجرا، نقطه تلاقی قاعده حقوقی از قاعده اخلاقی است (انصاری، ۱۳۹۲) این ضمانت اجرا باید مشخص و معین باشد؛ در غیر این صورت، مجازات شخصی که از مفاد آن ضمانت اجرا مطلع نبوده است، امری قبیح و مورد نکوهش است. امروزه این ضمانت اجراها به دنبال توسعه مکاتب تحقیقی و نهضت قانون نویسی به ویژه در سیستم های رومی - ژرمنی، با اسلوبی خاص نوشته و تدوین می شوند؛^۱ خواه ضمانت اجراهای مزبور، قانونی باشد و توسط مجلس اعتبار و وضع شود، خواه این ضمانت اجراها، قراردادی بوده و متعاقباً مقرر کرده

۱. برای مطالعه بیشتر نک. کاتوزیان، ۱۳۸۳.

باشند، در هر صورت نوشته و تدوین می‌شوند. در این مقاله راهبردهای ماهوی، وضعی و اعتباری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. راهبردها و روش‌های ماهوی، وضعی یا اعتباری از دو منظر عمومی و خصوصی قابل ارزیابی است. قواعد عمومی حاوی نکاتی عمومی است که مبرهن می‌کند برای تدوین و اعتبار یک ضمانت اجرای مطلوب، خواه قانونی یا قراردادی، چه مقدماتی لازم است و چه روشی را باید در پیش گرفت. قواعد تخصصی بیانگر این نکته است که یک ضمانت اجرای مطلوب چه اوصافی باید داشته باشد.

۱. راهبردهای عمومی

چنانچه وضع مقررات مطلوب و کارآمد ضمانت اجرا ضروری باشد، بدون تردید مقدمات آن هم واجب و ضروری خواهد بود. این مقدمات راهبردهای عمومی ضمانت اجرا را تشکیل می‌دهند. در این راستا نخست بیان خواهیم کرد که این مقدمات باید چگونه باشند. (تبیین بایسته‌های مطلوب علمی)، سپس مشخص می‌شود وضعیت فعلی جامعه حقوقی ما «چگونه هست» و نهایتاً خواهیم گفت برای رسیدن به وضعیت مطلوب (بایسته‌ها) و گذر از شرایط فعلی، چه کارهایی را «باید انجام دهیم».

۱-۱. تبیین بایسته‌های مطلوب علمی

در اینجا گفتگو از بایسته‌هایی خواهد بود که عمل به آنها موجب ایجاد وضعیت مطلوب و آرمانی خواهد شد. این بایسته‌ها دربردارنده نکات مهم و اساسی است که رعایتش به‌منظور وضع قواعد حقوقی مرتبط با ضمانت اجرا، ضروری است.

۱-۱-۱. اصلاح اندیشه براساس نیازسنجی واقعی جامعه

ضمانت اجرای بیرونی که به شکل قانون درآمده و روی کاغذ نقش بسته است، انعکاسی از تفکرات درونی و منویات ذهنی قانونگذار یا متعاقدين است. تردیدی در این نیست که افراد براساس تفکرات قبلی خود حرکت می‌کنند و اعمال خارجی و ملموس افراد، نمایانگر نیات درونی و اندیشه‌های آنهاست. اولین نکته‌ای که روش‌شناسی به ما می‌آموزد، اصلاح اندیشه است. ضمانت اجرا باید براین‌د نیازسنجی واقعی ضروریات جامعه باشد.

واضع ضمانت اجرا باید واقعیات جامعه را در نظر بگیرد و نگاهی مجرد و رادیکال نداشته باشد. واضع باید در بطن جامعه باشد و ضمانت اجرایی وضع کند که نه آرمانی بلکه کاربردی، کارآمد و عملیاتی باشد (ملایی، ۱۳۹۴).

۱-۱-۲. انعکاس چارچوب‌های معنوی و پشتیبانی جامعه در قوای اندیشه

علاوه بر نگاه واقع‌بینی که مبتنی بر نیازهای واقعی و عملیاتی جامعه است، واضع ضمانت اجرا شایسته است چارچوب‌های معنوی و پشتوانه‌های جامعه را نیز در اندیشه خود لحاظ کند. بدون شک هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای به هم تنیده از فرهنگ‌ها، آداب، عرف‌ها، مذاهب و رسوم ویژه را در دل خود دارد. در مرحله تدوین ضمانت اجرا این مسئله باید دقیقاً رعایت شود. تأکید ما بدان علت است که وضع قواعد مربوط به ضمانت اجرا، هر چند مشروعیت داشته باشد اما چنانچه فاقد ملاحظات مربوط به فرهنگ، آداب و رسوم و سایر نکات پیش گفته باشد، مقبولیت نخواهد داشت و در زمره قوانین و قواعد متروکه در خواهد آمد و به این ترتیب عملیاتی نیز نخواهد شد (همان).

۱-۱-۳. راهبردهای اندیشه و الگوبرداری

بعد از اصلاح اندیشه، نوبت به انتخاب الگوی مناسب برای تدوین مقررات ضمانت اجرا می‌رسد. در این راستا سه الگو متصور است:

الف) الگوی تأسیسی؛

ب) الگوی تقلیدی؛

ج) الگوی التقاطی.

از منظر الگوی تأسیسی، دو راهبرد عمده اندیشه در فرایند تدوین وجود دارد. نخست پالایش و خالص‌سازی ذهن از هر گونه پیش‌فرض و آرای دیگران و نوشتن اندیشه‌های بدوی خود و دوم رجوع بدوی به منابع و نوشتن آرای خود در حین تدوین قانون.

نخستین روش آن است که پس از انتخاب موضوع، واضع ضمانت اجرا بی‌آنکه به منابع دیگری رجوع کند، صرفاً با بهره‌گیری از نیروی عقل و اندیشه به طراحی تحقیق و

نگارش مطالب و سپس جهت آشنایی با آرای دیگر به مطالعه منابع می‌پردازد. این روش که جایگاه واقعی خود را در جوامع علمی نیافته است، شامل مزایایی است که در سطور بعدی مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

نخستین مزیت آن است که حس خلاقیت، نوآوری و ابتکار محقق را فعال می‌سازد. دوم آنکه مطالب بدیع و جدیدتر تولید می‌شود و از دست به دست شدن اطلاعات گذشته خودداری می‌شود.

سوم آنکه امکان نمونه‌برداری و کپی کردن آثار قبلی کم‌رنگ می‌شود.

چهارمین فایده به تمرین ذهن و دانش‌افزایی ذهنی مربوط می‌شود.

افزون بر آن، روش مزبور به افزایش اعتماد به نفس محقق منتهی می‌شود. همچنین این روش موجب نظریه‌پردازی‌های نوین می‌شود. گذشته از آن، بهره‌گیری از روش مزبور به تمرکز ذهن بر موضوع کمک می‌کند، چه مطالعه منابع دیگر ذهن را از توانایی‌های خود منحرف می‌سازد. سرانجام آنکه به دلیل نشئت گرفتن مطالب از ذهن واحد، شاهد انسجام و هماهنگی مطالب و وحدت مبنا در نوشته خواهیم بود.

در این روش، محقق یا واضع قانون پس از اعمال نظریات خویش به منظور تکمیل اطلاعات و استفاده از نکات مناسب آثار دیگر و همچنین به منظور نقد آرای دیگر، به منابع دیگر مراجعه می‌کند. در راهبرد و روش دوم متداول است که محقق از همان ابتدا به منابع موجود و مرتبط رجوع کند و در حین یادداشت‌برداری و تدوین نهایی نظرات خویش را نیز اعمال نماید. این روش نه تنها مزایای فوق را ندارد، بلکه معایب ناشی از عدم رعایت مزایای فوق را نیز دارد. به عبارت دیگر عدم خلاقیت، تمرکز، انسجام از اشکالات آن محسوب می‌شود مگر آنکه محقق با صرف وقت فراوان آنها را اصلاح کند. بدون تردید اعمال روش نخست نیاز به ابزارهایی دارد. مهم‌ترین ابزارهای مورد نیاز به این شرح است:

- بالا بردن توانایی‌های علمی و تحقیقاتی؛

- داشتن ذهن خلاق و مبتکر؛

- داشتن پشتکار و تلاش فراوان؛

- بهره‌مندی مفید و بجا از مطالعات و دانش‌های کسب شده قبلی؛

- جامع‌نگری به مطالب؛

- داشتن اعتماد به نفس؛

- بهره‌گیری از قواعد انشا و نگارش (ملایی، ۱۳۹۴: ۲۴).

الگوی نخست را که به دو روش صورت می‌گیرد الگوی تأسیسی می‌نامند. مطابق این روش به منظور تدوین مقررات مربوط به ضمانت اجرای قراردادها، واضع مبادرت به تأسیس یک «نظام حقوقی بومی» می‌کند. برخی کشورها نیز الگوی تقلیدی را برمی‌گزینند. به این ترتیب که برای وضع ضمانت اجرا از قوانین مجرب و مفید کشوری دیگر، عیناً یا با اندکی تغییر الگو برداری می‌کنند. سومین روش، الگوی التقاطی است. مطابق این روش که ضعیف‌ترین و نامناسب‌ترین الگو محسوب می‌شود، برای وضع ضمانت اجرا، از چند مشرب متفاوت که نتیجه آن ناهمگونی قانون است، بهره‌مند می‌شوند. در واقع در این روش، چیز جدیدی تدوین نمی‌شود بلکه قانون مورد بحث، مجموعه‌ای از موادی است که هر یک به کشور دیگر یا عقیده‌ای خاص تعلق دارد.

۴-۱-۱. اندیشه میان‌رشته‌ای

همان‌طور که گفتیم در علوم انسانی با موجودی چندبعدی به نام انسان مواجه هستیم و پدیده‌های مزبور جنبه کیفی دارند و نمی‌توان مرز دقیقی را برای این علوم شناسایی کرد. از طرف دیگر، این علوم چنان به هم پیوسته و درهم تنیده‌اند که نگاه تک‌بعدی نمی‌تواند مطلوب ما را تأمین کند. به همین جهت است که برای تدوین مقررات مناسب مربوط به ضمانت اجرا نیز باید چنین اندیشه‌ای داشته باشیم تا قواعدی کارا وضع کنیم. در خصوص اندیشه میان‌رشته‌ای دو رویکرد وجود دارد:

الف) رویکرد انسانی - انسانی؛

ب) رویکرد انسانی - اسلامی.

همان‌طور که برخی نویسندگان به درستی گفته‌اند: «تحویلی‌نگری، برخاسته از حصرگراییِ روش‌شناختی است و به همین دلیل پیشگیری از آن و درمان آن نیز با شکستن این حصر و روی آوردن به کثرت‌گراییِ روش‌شناختی محقق می‌شود. مطالعه میان‌رشته‌ای به منزله برنامه

پژوهشی مبتنی بر کثرت‌گراییِ روش‌شناختی، محقق را از حصر توجه به دانش واحد فراتر برده و او را نسبت به دانش‌های مختلفِ ناظر به مسئله واحد شنوا می‌سازد. لازم به ذکر است «کثرت‌گراییِ روش‌شناختی مبتنی بر تعامل اثربخش بین گستره‌ها در تحلیل مسئله واحد» و «شناخت پدیدار در پرتو تعامل مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف»، دو تعریف و رویکرد مختلف مطالعه میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود (فرامرزی، ۱۳۸۷: ۳۹۲-۳۸۷).

امروزه نگاه میان‌رشته‌ای و جامع‌نگری یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه علمی ما محسوب می‌شود. این امر مهم در علوم انسانی، جایگاه واقعی خود را بازمی‌یابد، چه در حوزه مزبور پدیده‌ها، خشک و «صفر و یکی» نبوده و رفتارهای انسانی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی ارتباط گسترده و تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در حقیقت، در علوم انسانی ما با یک «طیف ممتد و گسترده» روبه‌رو هستیم که تفکیک مرزهای دقیق مصادیق آن به راحتی امکان‌پذیر نیست. واضع ضمانت اجرا بهتر است نگاه میان‌رشته‌ای داشته باشد و در مرزهای علوم حرکت کند. گذشته از آن، مقوله‌های علوم انسانی تک‌بعدی نیستند بلکه شامل وجوه مختلفی می‌باشند. بر همین اساس شایسته است محقق در نقشه تحقیق خود با در نظر گرفتن علوم مختلف انسانی، به شناسایی روابط علوم مزبور با یکدیگر، نحوه ارتباط و نحوه تأثیر و تأثر هر یک از آنها بر یکدیگر، نگاه ویژه‌ای داشته باشد. این امر به کاربردی کردن تحقیقات در جامعه کمک می‌کند. گفته شد تفکر میان‌رشته‌ای، دارای دو رویکرد است: رویکرد نخست عبارت است از ارتباط گسترده علوم انسانی با یکدیگر که مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد دوم، رویکرد وسیع‌تری است. به عبارت دیگر کشف ارتباط علوم انسانی با یکدیگر و حرکت در مرزهای علوم مزبور (با توجه به نیازها و پیشینه جامعه ما) باید در ضمیر یک علم بزرگ‌تر به نام علوم اسلامی صورت گیرد و از منابع آن ناشی شود.

اسلامی کردن علوم انسانی، مسئله‌ای است که جز با نگاه میان‌رشته‌ای بین علوم مزبور با قواعد و منابع اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود. این مسئله در جامعه ما به قدری مهم است که علاوه بر تذکر مقامات عالی کشور، تأسیس مراکز تحقیقاتی بین‌رشته‌ای اسلامی را نیز دربرداشته است. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «علوم انسانی (فعلی) ما بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب، مبتنی بر

جهان‌بینی دیگر است. مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. این نگاه، نگاه غلطی است. این مبنا، منبای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه اجازه بدهیم هر گونه فکر تحقیقی اسلامی در آن راه پیدا کند، می‌آوریم در دانشگاه‌های خودمان و اینها را در بخش‌های مختلف تعلیم می‌دهیم، درحالی‌که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن کریم جست‌وجو و پیدا کرد. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس، بناهای رفیعی را ایجاد کنند؛ آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لیکن مبنا باید منبای قرآنی باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

۵-۱-۱. سیاست‌های محتوایی روش‌شناسی

در پنجمین گام، ضروری است روش تحلیل داده‌ها یا سیاست‌های محتوایی را انتخاب کنیم. روش‌های متنوعی در این خصوص وجود دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف) روش عقلی و نقلی (نقل روایات و نصوص دینی)؛

ب) روش تاریخی؛

ج) روش هرمنوتیک (تفسیری، تأویلی و انتقال فهم و معنا)؛

د) روش قیاس و استقرا؛

ه) روش توصیفی؛

و) روش تبیینی؛

ز) روش آماری؛

ح) روش تغییرات همزمان؛

ط) روش کل‌نگری گشتالتی؛

ی) روش تحلیل محتوا؛

ک) روش ترکیبی با تأکید بر روش جامعه‌شناسی حقوقی.

به نظر نگارنده از آنجاکه در علوم انسانی با موجودی چندبعدی به نام انسان مواجهیم

که رفتاری متنوع و متعدد و پیچیده دارد، به روشی واحد نمی‌توان اکتفا کرد و شایسته است روشی ترکیبی با پیش‌زمینه جامع‌شناسی حقوقی داشته باشیم.

درحقیقت نکته مهمی که باید مدنظر قرار گیرد، ارتباط گسترده دانش حقوق با جامعه است. در تعریف حقوقی جامعه گفته شده جامعه مجموعه‌ای از افراد است که هر یک در جامعه دارای نقشی است. این نقش‌ها در گروه‌ها متبلور شده و از مجموع گروه‌های مزبور، نهادها شکل می‌گیرند. وظیفه این نهادها تأمین نیازهای مشروع افراد جامعه است. چنانچه این نهادها وظیفه خود را به خوبی ایفا نکنند، قهراً این وظیفه از نهادها فرارفته و به سطح جامعه کشیده می‌شود. نتیجه این می‌شود که جامعه دچار ناهنجاری شده و به خودعلاجی روی می‌آورد. به این ترتیب از آنجا که وضعیت مزبور مبتنی بر اصول منطقی نبوده، سرگردانی همه جامعه را فرا می‌گیرد. نهادهای مزبور که وظیفه ارضای نیازهای مشروع را به عهده دارد، خود مبتنی بر قراردادها و عقود و قوانین می‌باشد. چنانچه این قوانین به خوبی تبیین نشود، نتیجه آن خواهد شد که نهادها به تأمین نیازهای مشروع جامعه قادر نبوده و در نتیجه ناهنجاری از سطح نهادها فراتر رفته و به سطح جامعه سرازیر می‌شود. گاهی این قوانین اصلاً تدوین نشده است و گاهی هم ضعیف تدوین شده‌اند. به این ترتیب واضح است جامعه و حقوق دو روی یک سکه هستند (فیاض، ۱۳۸۹).

۶-۱-۱. سیاست‌های مفهومی ضمانت اجرا

انتخاب سیاست‌های مفهومی آخرین گام عمومی ضمانت اجرا محسوب می‌شود. بحث بر این است که چه چیزی ضمانت اجرا محسوب می‌شود؟ تا وقتی که منظور و مرادمان را از مفهوم ضمانت اجرا مشخص نکنیم، چگونه می‌توان روشی مناسب را برای تدوین مقررات مربوط به آن اتخاذ کرد. درخصوص مفهوم ضمانت اجرا سیاست‌های مختلفی به شرح زیر قابل اتخاذ است:

الف) هر چیزی که موجب اجرای عین قرارداد شود، ضمانت اجرا محسوب می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۳).

ب) هر چیزی که به متعهد متخلف فشار مالی، جسمی یا روحی آورد، ضمانت اجرا محسوب می‌شود.

ج) هر چیزی که موجب انهدام قرارداد نقض شده شود و هستی آن را از بین ببرد، ضمانت اجرا محسوب می‌شود.

د) هر چیزی که موجب کارایی قرارداد شود، ضمانت اجرا محسوب می‌شود.

ه) هر چیزی که جایگزینی برای تعهد اصلی باشد، ضمانت اجرا محسوب می‌شود. به عبارت دیگر در مواجهه با نقض قرارداد، راهبردهای زیر متصور است:

الف) مطالبه اجرای کامل قرارداد (گاهی اوقات ضمانت اجرا محسوب می‌شود)؛

ب) انهدام قرارداد (گاهی اوقات ضمانت اجرا محسوب می‌شود)؛

ج) سیاست جایگزینی و تبدیلی (در صورت اتخاذ سیاست صحیح، همواره ضمانت اجرا محسوب می‌شود)؛

د) سیاست‌های فشاری (گاهی اوقات ضمانت اجرا محسوب می‌شود)؛

ه) سیاست ترکیبی با ملاک کارایی قرارداد.

به نظر نگارنده خصوصیات قراردادها به گونه‌ای است که پیچیدن نسخه‌ای واحد برای آنها متناسب نخواهد بود. بر این اساس توصیه می‌شود روشی ترکیبی و منعطف از سیاست‌های فوق با ملاک کارآمدی که شرح آن به زودی می‌آید، انتخاب گردد.

۱-۲. تحلیل یافته‌های موجود فعلی

در سطوری که گذشت با «بایدها» آشنا شدیم. اما در این قسمت صحبت از «هست‌ها» است. در واقع باید مبرهن شود آیا وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران در زمینه ضمانت اجراها، منطبق با بایسته‌ها و وضعیت مطلوب است یا با آن فاصله دارد. گام‌های ششگانه عمومی حسب مورد و به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. با توجه به اینکه از تصویب قانون مدنی و تجارت و بسیاری از قوانین دیگر مدت نسبتاً طولانی سپری شده است و نظر به پویایی و گسترش روزافزون نیازهای تجاری و جامعه و مسائل مستحدثه و با توجه به اینکه قراردادها عامل انتقال ثروت در جامعه و بهترین ابزار تحقق عدالت هستند، به این نتیجه می‌رسیم قواعد موجود از حیث نیازسنجی واقعی جامعه با وضعیت مطلوب فاصله عمیقی دارد.

۲. با مطالعه قواعد تصویب شده در خصوص ضمانت اجرا این نکته روشن می‌شود که

در قواعد مزبور، مسائل فرهنگی، اجتماعی و رسوم جامعه ایرانی به‌ندرت در اندیشه نویسندگان قانون مدنی و سایر قوانین انعکاس یافته است و بیشتر صبغه غربی یا عربی دارد. ۳. سیر در قوانین مرتبط با ضمانت اجرا ما را به این نتیجه می‌رساند که قواعد مزبور از دو مشرب غربی و اسلامی الگوبرداری کرده است و همین امر موجب تناقض‌گویی در برخی موارد شده است. با توجه به این اوصاف، ظاهراً مقنن ایرانی در این بخش از الگوی التقاطی استفاده کرده است.

۴. در خصوص میان‌رشته‌ای بودن یا نبودن قواعد مرتبط با ضمانت اجرا، شایسته است بگوییم مقنن تنها بعد حقوقی ضمانت اجرا را در نظر گرفته است و ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مسئله بسیار کم‌رنگ است.

۵. با توجه به اقتباس الگوی التقاطی در تدوین مقررات ضمانت اجرا، در خصوص روش محتوایی تدوین قواعد آشفتگی عمیقی مشاهده می‌شود، به‌نحوی که ذهن به سمت هیچ یک از روش‌های گفته شده رهنمون نمی‌شود. البته در برخی موارد، روش نقلی غالب است.

۶. در خصوص سیاست‌های مفهومی ضمانت اجرا، ظاهراً سیاست اجرای عین تعهد اولویت دارد. به‌عبارت‌دیگر هر چیزی که به اجرای عین تعهد منجر شود ضمانت اجرا محسوب شده است. هر چند در برخی موارد فسخ یا بطلان یا انفساخ که تنها پایان‌دهنده هستی قرارداد هستند را نیز ضمانت اجرا محسوب کرده است.

۳-۱. تدبیر آینده‌پژوهی عملیاتی

بدون تردید بیان بایسته‌های وضعیت مطلوب یا تحلیل نواقص وضعیت موجود، مشکلی را حل نخواهد کرد. نکته مهم آن است که برای آینده نظام حقوقی ضمانت اجرا و اصلاح آن، تدابیری عملیاتی اتخاذ و پیشنهادهای منطقی و عقلانی مطرح شود. در این گفتار با توجه به قواعد ششگانه فوق حسب مورد راهکارهایی را برای گذر کردن از وضعیت فعلی و رسیدن به وضعیت مطلوب مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

۱. ایجاد مرکزی تخصصی متشکل از اساتید بزرگ رشته‌های انسانی به‌منظور نیازسنجی واقعی جامعه. این مراکز در ایران در حال شکل‌گیری است و برخی از آنها نیز ایجاد شده است.

آسیب‌های مهمی که مراکز موجود را تهدید می‌کند عبارت است از: عدم نگاه میان‌رشته‌ای به علوم انسانی، عدم سیاست‌های واحد، موازی‌کاری و غیرواقعی‌سنجی نیازهای مردم در برخی موارد. افزون بر آن، اولویت‌بندی دقیقی از نیازهای واقعی جامعه مشاهده نمی‌شود.

۲. ایجاد نهادی به‌منظور هماهنگی بین نهادهای فرهنگی و اجتماعی با بهره‌گیری از اساتید حوزه، دانشگاه و سازمان‌های فرهنگی و مردم‌شناسی ایران. این نهادها در حال شکل‌گیری است و برخی از آنها ایجاد شده است. آسیب‌هایی از قبیل عدم هماهنگی، موازی‌کاری و عدم سیاست مشترک این نهادها را نیز تهدید می‌کند.

۳. ایجاد نهادی به‌منظور تدوین الگوی بومی ایرانی - اسلامی در راستای تدوین ضمانت اجراها براساس الگوی تأسیسی. در این خصوص سازمان الگوی ایرانی - اسلامی به پیشنهاد مقام معظم رهبری ایجاد شده و فعالیت‌های خود را آغاز کرده است که قواعد آن در مورد مسئله ضمانت اجراها نیز مؤثر خواهد بود. ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی تدوین برنامه پنجم توسعه به ریاست محترم جمهور بر این مطلب تأکید کرده‌اند: «انتظار داریم در دوره پنج‌ساله آینده اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آن است، توسط قوای سه‌گانه کشور صورت گیرد. مشارکت جدی اندیشه‌ورزان حوزه و دانشگاه در تبیین مقوله عدالت و اقتضانات آن نقش تعیین‌کننده در این امر دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۲۱).

در این خصوص ذکر چند نکته ضروری است: نکته نخست - از آنجا که این سند بعد از قانون اساسی^۱ «یک سند بالادستی خواهد بود، نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌هایی که خواهد شد - سیاست‌های کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۹/۱۰)، ضروری است در فرایند تدوین سند مزبور، قواعد و روش‌شناسی حقوقی «رعایت» گردد. نکته دوم - به جهت رتبه مهم و اهمیت سند مزبور، شایسته است در متن آن و در

۱. برای اطلاع از طبقه‌بندی قوانین نک. کانونیان، ۱۳۸۳.

فصلی مجزا، قواعد و روش‌شناسی حقوقی که هر قانون باید از لحاظ ماهوی و شکلی رعایت کند، «گنجانده» شود.^۱ به تعبیر مقام معظم رهبری: «وقتی می‌گوییم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد، همچنان که در طول سی سال به حرکت‌های هفتی - هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ، مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه فرهنگ هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون انجام دادیم. این به خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف، داریم حرکت می‌کنیم» (همان).

۴. به‌منظور نگاه میان‌رشته‌ای به پدیده علوم انسانی از جمله قواعد ضمانت اجرا، اقداماتی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه مقرر شده است در کنار هر طرح یا لایحه، ملاحظات فرهنگی آن ضمیمه شود. این اقدامات کافی نیست. با وجود این، برخی از مؤسسات آموزشی و پژوهشی نیز مبادرت به تأسیس مراکز تحقیقاتی میان‌رشته‌ای کرده‌اند. ناهماهنگی، موازی‌کاری و عدم سیاست مشترک، از آسیب‌های مراکز مزبور به‌شمار می‌رود.

۵. توسعه نهاد‌های جامع‌شناسی حقوقی می‌تواند عامل مهمی برای انسجام روش‌های محتوایی تدوین مقررات مربوط به ضمانت اجرا باشد. خاطر نشان می‌شود در این راستا اقدامات اندکی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه واحد درسی تحت عنوان «جامعه‌شناسی حقوقی» برای دانشجویان رشته حقوق گنجانده شده است. به‌نظر نگارنده بحث روش‌شناسی حقوقی که از مباحث بسیار مهم به‌شمار می‌رود، شایستگی آن را دارد که موضوع یک سازمان مستقل حقوقی واقع شود.

۶. نهایت آنکه به‌نظر می‌رسد اتخاذ سیاست ترکیبی با ملاک کارایی حداکثری، می‌تواند سیاست مفهومی مناسبی برای ضمانت اجرا باشد. به‌موجب این سیاست، چیزی ضمانت اجرا محسوب می‌شود که کارایی حداکثری را نصیب جامعه و فرد کند.

۱. برای اطلاعات بیشتر نک. ملایی، ب ۱۳۹۱.

نگارنده معتقد است قانون‌های فعلی در این خصوص نیاز به اصلاح اساسی دارند و شایسته است فصلی مستقل در قانون مدنی به موضوع ضمانت اجرای نقض قرارداد تعلق گیرد. نخستین مواد و ابواب مختلف چنین فصلی، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

باب اول - قواعد عمومی

ماده اول: ضمانت اجرای نقض قرارداد عبارت از اقدامی است که کارایی حداکثری حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نصیب جامعه و متعاقدين کند.

ماده دوم: ضمانت اجراها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) ضمانت اجرای قانونی؛

ب) ضمانت اجرای قراردادی؛

ج) ضمانت اجرای قضایی.

ماده سوم: ضمانت اجراهای قانونی که در قانون آمده است، به شرح زیر است:

الف) حق حبس؛

ب) فسخ کارآمد؛

ج) فسخ توصیفی؛

د) الزام به اجرای عین تعهد؛

ه) الزام به اجرای بدل یا جایگزین تعهد؛

و) مطالبه خسارت و مسئولیت قراردادی؛

ز) مسئولیت غیر قراردادی؛

ح) توقیف اموال یا متعهد خاطی؛

ط) ... ؛

ماده چهارم: ضمانت اجراهای قراردادی، ضمانت اجراهایی هستند که متعاقدان با توافق و تراضی برای فرد عهدشکن در نظر گرفته‌اند؛ مشروط بر اینکه مخالف انصاف، عدالت، نظم عمومی، اخلاق حسنه یا کارایی حداکثری نباشد. این ضمانت اجرا اگر مبلغی پول باشد، وجه التزام نام دارد.

ماده پنجم: ضمانت اجرای قضایی عبارت از ضمانت اجرایی است که جزء هیچ‌یک

از ضمانت اجرای قانونی یا قراردادی نبوده، لیکن قاضی پرونده به منظور تأمین کارایی حداکثری قرارداد، آن را موضوع رأی خود قرار داده است.

ماده ششم: ضمانت اجراها، به ویژه در مواردی که مستند به سند رسمی یا در حکم سند رسمی یا معادل آن هستند، به طور خودکار یا توسط اجرائیه اسناد رسمی انجام می‌شوند و جز در مواردی که قانون تعیین کرده است، نیازی به تقدیم دادخواست و رجوع به دادگاه نیست. ماده هفتم: در مواردی که رجوع به دادگاه الزامی است و طرفین ضمانت اجرا به صورت توافقی انتخاب نکرده‌اند، قاضی ضمانت اجرایی را برمی‌گزیند که کارایی حداکثری را نصیب جامعه و متعاقدان کند. در مواردی که طرفین خود ضمانت اجرا را تعیین کرده‌اند، قاضی می‌تواند در صورتی که آن را مخالف انصاف، عدالت، نظم عمومی، اخلاق حسنه و یا کارایی حداکثری بیابد، آن را تعدیل یا تکمیل کرده یا رأساً حکم به ضمانت اجرای مناسب دهد. در صورتی که کارایی حداکثری نیازمند اجتماع ضمانت اجراها باشد، قاضی در تجمیع آنها مختار است.

۲. راهبردهای تخصصی

آنچه تاکنون بیان شد، گام‌های مقدماتی تدوین ضمانت اجرای نقض قراردادها بود. گام نهایی، پیمودن گام‌هایی است که براینده راهبردهای تخصصی است. مراد از راهبردهای تخصصی، قواعد مهمی است که مستقیماً به ضمانت اجرا مربوط می‌شوند. در این مرحله، اوصاف و ویژگی‌هایی که یک ضمانت اجرای مطلوب باید داشته باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قواعد عمومی، کلیات را مورد بحث قرار دادیم؛ لیکن در قواعد تخصصی، به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر به مسئله ضمانت اجراها می‌پردازیم. در اینجا نیز سنت سابق طرح بحث را پیش می‌گیریم و مطالب را در سه قسمت بیان می‌کنیم. نخست وضعیت مطلوب، سپس وضعیت موجود و در نهایت راهکارها را توضیح می‌دهیم.

۲-۱. تبیین بایسته‌های مطلوب علمی

ضمانت اجرا افزون‌بر اینکه باید اجرایی و انجام‌شدنی باشد، ضروری است غرض و فایده

عقلایی نیز داشته و مشروع هم باشد. گذشته از آن، به دلالت علم روش‌شناسی شایسته است حاوی ملاحظات زیر نیز باشد:

۱-۱-۲. جامعیت، مانعیت و انسجام

نخستین گام راهبردهای تخصصی، تدوین ضمانت‌اجراهایی جامع، مانع و منسجم است. قانون ناقص و متناقض هر چند از بی‌قانونی بهتر است، لیکن مطلوب نیز نیست. به این ترتیب، واضع ضمانت اجرا باید قواعدی کامل و جامع وضع کند و تمام شرایط ممکن را پیش‌بینی و برای آن ضمانت اجرای مناسب وضع نماید. جامع بودن، شرط لازم است و کافی نیست. ضمانت اجرا علاوه بر کامل بودن، باید مانع باشد و طوری وضع شود که موارد مشتبه را دربرنگیرد و بر مصداق معینی حاکم باشد. همچنین بین مواد مربوط به ضمانت اجرا، باید انسجام وجود داشته باشد و ناقص یکدیگر نباشند.

۲-۱-۲. انعطاف (اندیشه ضمانت اجرای منعطف، آزاد و باز)

به دنبال پیش‌بینی تمام حالات ممکن و در نتیجه تدوین پلانی جامع و مانع برای ضمانت اجرا، مسئله جزئیات مربوط به ضمانت اجرا مطرح می‌شود. بحث بر سر این است که در این پلان جامع و در چنین ظرفی، چه محتوا و مضمونی باید گنجانده شود. با توجه به اینکه در علوم انسانی، پدیده‌ها صفر و یکی نیستند و با طیف گسترده و پیچیده‌ای از رفتار انسانی مواجهیم که بعضاً قابل پیش‌بینی نیستند و نظر به تغییرات گسترده و رو به شتاب جوامع امروزی و کارآمدتر کردن مقررات، ضروری است عنصر انعطاف را در جای جای قواعد مربوط به ضمانت اجرا لحاظ کنیم. به عنوان نمونه مطابق مواد (۲۲۱ و ۲۲۲) قانون مدنی^۲ فعلی، متعهد در وهله اول مکلف به اجرای قرارداد است؛ حال آنکه گاهی اوقات شرایطی

۱. ماده (۲۲۱) - اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.

۲. ماده (۲۲۲) - در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه مخارج آن محکوم نماید.

پیش می‌آید که کارایی قرارداد در عدم اجرای آن است. یا در ماده (۲۳۹) قانون^۱ فوق، حق فسخ قرارداد را به‌عنوان آخرین راهکار مطرح کرده است، در حالی که فسخ قرارداد در بسیاری از موارد کارآمد نیست. همچنین به دلالت ماده (۲۳۰) قانون^۲ مزبور، دادرس از تعدیل وجه التزام منع شده است در حالی که در بسیاری موارد، عدم دخالت دادرس موجبات ناعدالتی و تقلب نسبت به قرارداد را فراهم می‌آورد. تمام این مثال‌ها حاکی از خشک بودن و غیرمنعطف بودن ضمانت اجرای فعلی ماست. در این خصوص راهکارهایی به شرح زیر وجود دارد:

اول - تبیین بسته‌های متنوع ضمانت: اندیشه انعطاف‌پذیری به ما می‌آموزد که از مواد خشک و خشن دوری گزینیم و به ارائه بسته‌های نمونه ضمانت اجرا مبادرت کنیم تا متعاقدین یا قاضی حسب مورد و با در نظر گرفتن ملاک کارایی حداکثری، از آنها بهره‌مند شوند. نکته بسیار مهم آن است که در این راستا، تخصصی و حرفه‌ای عمل کنیم. به عبارت دیگر، برای هر یک از شاخه‌های حقوق مدنی، حقوق رقابت، حقوق کار، حقوق مصرف‌کننده، حقوق تجارت و ... بسته‌هایی مجزا پیش‌بینی کنیم؛ زیرا بدیهی است که موضوع و هدف هر یک از حقوق مزبور جدا بوده و اوصاف و شرایط خاص خود را دارد (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۷). هر یک از این قوانین، فلسفه و کارکرد مخصوص به خود را دارد و برای همه آنها نمی‌توان ضمانت اجرای واحد تعیین کرد. تجربه سایر کشورها نیز این مسئله را تأیید می‌کند. علاوه بر آن، در هر یک از این گرایش‌ها نیز به‌نوبه خود باید تقسیمات مجزایی صورت گیرد و برای هر قسمت، بسته‌های متنوع ضمانت اجرا، در نظر گرفته شود.

دوم - ارائه ضمانت‌های مرحله‌ای و طولی: ضمانت اجرا ممکن است مرحله‌ای و طولی باشد. یعنی قانونگذار مراحل را به صورت طولی پیش‌بینی کند. این روند موجب می‌شود که ضمانت اجرا با بن‌بست مواجه نشود و انعطاف‌پذیر باشد. با وجود آسیبی که این شیوه را تهدید می‌کند، فاصله گرفتن از کارایی موجب عدم مطلوبیت آن می‌شود.

۱. ماده (۲۳۹) - هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.

۲. ماده (۲۳۰) - اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.

سوم - ارائه ضمانت اجراهای عرضی با ملاک کارایی: به نظر نگارنده ضمانت اجراهای عرضی از انعطاف بیشتری برخوردارند و دست قاضی یا متعقدین را برای انتخاب ضمانت اجرای کارا بازتر می‌گذارد. به عنوان نمونه، در برخی موارد مطابق تحلیل اقتصادی حقوق می‌توان از «نقض کارآمد» مطابق کنوانسیون بیع بین‌المللی استفاده کرد؛ مطابق این روش، اگر عدم اجرای تعهد در موعد مقرر و قبل از اتمام قرارداد، قابل پیش‌بینی بود، متعهدله حق دارد به منظور جلوگیری از ضرر بیشتر، پیش از موعد قرارداد آن را فسخ کند، لیکن مطابق حقوق داخلی ابتدا باید الزام به اجرای عین تعهد صورت گیرد و بعد از آن سراغ فسخ رفت. این امر موجب ناکارآمدی قرارداد می‌شود؛ در حالی که اگر ضمانت اجرا عرضی بود و فسخ در عرض الزام به اجرای عین تعهد قرار داشت، این مشکل پیش نمی‌آمد (همان).

چهارم - اندیشه آزادی ضمانت اجراها: یکی دیگر از ملاحظات که در خصوص تئوری انعطاف مطرح می‌شود، اندیشه «آزادی ضمانت اجراها» است. به موجب این نظریه، همان‌طور که آزادی قراردادها وجود دارد، آزادی ضمانت اجراها نیز وجود داشته و به دلالت ماده (۲۱۹) قانون مدنی^۱ لازم‌الاتباع خواهد بود (همان: ۱۸). بر این اساس، متعقدین می‌توانند ضمانت اجراهای قانونی یا قراردادی را خودشان با توافق یکدیگر برای قرارداد انتخاب کنند و دادرس مکلف به تبعیت از آنهاست، مگر اینکه قیود مربوطه از قبیل نظم عمومی، اخلاق حسنه، انصاف، عدالت و کارایی را رعایت نکرده باشند که در این صورت دادرس ملزم به تبعیت نخواهد بود. آنچه بر تبعیت دادرس از ضمانت اجرای مختار طرفین صحه می‌گذارد و وی را ملزم به اجرای آن می‌کند، «اماره‌ای» است که در این خصوص وجود دارد. در واقع «ظاهر» این است که طرفین قرارداد با در نظر گرفتن تمام شرایط، حالات و هزینه‌ها و در نظر گرفتن کارایی معقول، به این نتیجه رسیده‌اند که ضمانت اجرای خاصی را بر قرارداد خود حاکم سازند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. با توجه به مراتب فوق، در یک وضعیت مطلوب، ضمانت اجراها حصری نیستند لیکن رها نیز نشده‌اند و محدوده و سیاست‌های کلی آن مشخص است.

۱. ماده (۲۱۹) - عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.

۳-۱-۲. پویایی

پویایی ضمانت اجرا یکی دیگر از اوصاف مهم ضمانت اجرا محسوب می‌شود. پویایی به این معناست که ضمانت اجرای وضع شده برای مدت زمان طولانی و در مکان‌های متعدد، کاربردی و عملیاتی باشد و بعد از گذشتن مدتی اندک، مستهلک و بی‌کاربرد نشود. علت این امر روشن است. تجربیات علم جامعه‌شناسی حقوقی، حاوی این نکته است که افراد یک جامعه به کندی به رفتاری یا قاعده‌ای منطبق می‌شوند. اگر قرار باشد بعد از مدتی کوتاه، ضمانت اجرا کارایی خود را از دست دهد، ناگزیر مجدداً باید مدت زمان نسبتاً طولانی سپری شود تا افراد با قاعده جدید منطبق شوند. گذشته از اینکه جامعه در خلأ قانونی نمی‌تواند باشد، در دنیایی که سرعت حرف اول آن را می‌زند، این اتلاف زمان‌ها هزینه زیادی را به جامعه تحمیل خواهد کرد. نگارنده در سطور جلوتر خواهد گفت که ضمانت‌های فعلی فاقد خصیصه پویایی زمانی هستند.

۴-۱-۲. دینامیسم

ضمانت اجرا زمانی مفید واقع می‌شود که با کمترین هزینه زمانی، مالی، جانی، اجتماعی و... اجرایی شود. ضمانت باید به نحوی وضع شود که خصایص دینامیسم، تحرک و خودکاری را در دل خود داشته باشد و با کمترین تشریفات و هزینه، عملیاتی شود و بیشترین کارایی را داشته باشد. حق حبس به‌رغم معایبی که دارد، مهم‌ترین مزیت آن خودکار بودن آن است (همان).

مهم‌ترین آسیب طولانی شدن فرایند ضمانت اجرا، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن است. درحقیقت، گذر زمان، متعهد خطاکار را متجرب کرده و متعهدله را از اجرای عدالت و رجوع به محاکم عمومی، ناامید می‌سازد و این تفکر را در ضمیر او به‌وجود می‌آورد که به قرارداد که مهم‌ترین عامل گسترش ثروت و تحقق عدالت است، کمتر روی بیاورد و خودش، نه با رجوع به محاکم عمومی بلکه با تکیه بر توان خویش، حقوق پایمال شده خود را استیفا کند. افزون بر آن، وجود تشریفات و طولانی شدن روند دادرسی و پروسه صدور و اجرایی شدن ضمانت اجرا در جوامعی که تورم و رکود بر آنها حاکم است، نه

تنها سودی را نصیب محکوم‌له نمی‌کند بلکه وی را با ضررهای فراوانی مواجه می‌سازد. در این شرایط محکوم‌علیه نه تنها ضرر نکرده است، بلکه (با توجه به نقصان موجود) از طولانی‌تر شدن دادرسی نهایت استفاده را می‌کند و با توجه به تورم اقتصادی، سودی را نیز کسب می‌کند! و جرئت بر ادامه و گسترش نافرمانی مدنی می‌یابد. مشکل تنها به اینجا ختم نمی‌شود: آرایبی که درخصوص خسارات مالی صادر می‌شود، ناقص است و حتی خواسته بدوی خواهان را به‌طور کامل پوشش نمی‌دهد. مهم‌ترین علت، نه تقصیر دادرس بلکه خلأ قانونی است. امور مدنی به نحوی است که خواهان باید گام به گام آنها را پیگیری نماید و خود کار انجام نمی‌شود. طولانی شدن روند اجرای حکم در بسیاری از موارد محکوم‌له را از ادامه کار دلسرد می‌کند. افزون بر آن، در امور مدنی تا خواهان امری را درخواست نکند دادرس رأساً بدان رأی نمی‌دهد و یا اجرای احکام پیگیری لازم را نمی‌کند (شمس، ۱۳۹۰). ما در اینجا خاطر نشان می‌سازیم که هیچ انسان ذی‌عقلی، خسارات عمل فرد دیگر را تحمل نمی‌کند؛ به این معنی که درخواست جبران تمام و کمال خسارات و اجرای خودکار و سریع رأی دادگاه در دادخواست تقدیمی، امری مفروع‌عنه است و عرف جامعه نیز مؤید این است که افراد به این دلیل و امید به محاکم عمومی رجوع می‌کنند که حقوق خود را «تمام» و «کمال» توسط «مراجع دادگستری» استیفا کنند، در غیر این صورت «خودشان» این کار را انجام می‌دادند. اما در حال حاضر به دلیل اطلاع دادرسی و اطلاع اجرای حکم، محکوم‌له نه تنها به حقوق کامل خود نمی‌رسد بلکه هزینه‌های هنگفتی را تحمل می‌کند. هزینه‌های روحی، روانی، زمانی و مالی تنها بخشی از این هزینه‌هاست. هزینه‌های اجتماعی این فرایند به مراتب بیشتر است. روی نیاوردن افراد به ابزار مهم قرارداد، که رکود اقتصادی را دربردارد، خوداستیفایی حقوق، تجرّی متخلف در تکرار عهدشکنی و گسترش خشونت‌ها و جرایم کیفری، تنها بخشی از این هزینه‌هاست که زیانش به تک‌تک افراد جامعه می‌رسد. به نظر نگارنده درخواست تمام زیان‌ها و خسارات از سوی خواهان، در دادخواست تقدیمی باید مفروض و ضمنی تلقی شود، هر چند وی فراموش کرده باشد آنها را در دادخواست بدوی ذکر کند؛ یا به دلیل جهل به قانون، نمی‌دانسته که این حق را دارد که آنها را ذکر کند. نهایت قضیه آن است که چنانچه

خواهان نخواهد بخشی از حقوق خود را از خواننده درخواست کند، می‌تواند در مرحله اجرای حکم از آن صرف‌نظر و چشم‌پوشی کند. با توجه به مراتب فوق، جای مواد «پیشنهادی» زیر در قانون پیشنهادی خالی است:

ماده پیشنهادی: دادرس مکلف است در فرایند صدور رأی، تمامی خسارات اصلی و فرعی مسلم را که به محکوم‌له وارد شده است، با جلب نظر کارشناس و ضوابط قانونی، از زمان وقوع تخلف تا پایان اجرای رأی، با لحاظ میزان تورم اقتصادی و کاهش ارزش مالی آن، محاسبه و متعلق حکم خود قرار دهد.

ماده پیشنهادی: مدیر اجرا مکلف است حکم صادره را پس از صدور اجرائیه تا نهایی و عملیاتی شدن آن، به صورت خودکار پیگیری و اجرا کند. محکوم‌له می‌تواند از بخشی از حقوق خود صرف‌نظر نماید.

۵-۱-۲. تعادل و توازن

یکی دیگر از راهبردهای اساسی وضع ضمانت اجرا، حفظ تعادل و توازن بین ضمانت اجراهای طرفین قرارداد است. وضع ضمانت اجرا در وهله نخست باید «متعادل» باشد و به طرف یکی از متعاقبین سنگینی نکند. عدالت ایجاب می‌کند که تعادل ضمانت اجراها رعایت شود. به نظر نگارنده در قرارداد به معنای واقعی کلمه، تعادل در سه مرحله «عوضین»، «تعهدات» و «ضمانت اجراها» باید رعایت گردد.

علاوه بر تعادل، «توازن» ضمانت اجراها نیز باید در نظر گرفته شود. به عبارتی دیگر، نحوه اجرای ضمانت اجرا باید به صورت «گام‌به‌گام» و «مرحله‌ای» باشد. در غیر این صورت ارجحیت یکی از طرفین بر دیگری قبیح خواهد بود. این گام‌ها باید هموزن بوده و همزمان پیش رود. نگارنده در سطور آتی با بیان مثالی به تبیین بیشتر این موضوع خواهد پرداخت (ر. ک بند ۵ از قسمت ۲-۲).

۶-۱-۲. قاطعیت و تنجیز

در خصوص قاطعیت و منجز بودن ضمانت اجرا، باید اندکی تأمل کرد. «قاطعیت» اگر به

معنای اجرای عین تعهد باشد، باید بگوییم در برخی موارد کارا نخواهد بود و با آزادی و کرامت انسان نیز در تعارض است؛ لیکن اگر به معنای اجرای قاطع «حکم مناسب» دادرسی بوده، امری است که کمتر کسی در آن تردید دارد. این مسئله در خصوص «تنجیز بودن» ضمانت اجرا نیز وجود دارد. اگر منجز بودن به معنای استاتیک بودن ضمانت اجرا باشد، باید بگوییم در برخی موارد با فقدان کارایی همراه خواهد بود؛ لیکن اگر به معنای منجز بودن نحوه اجرای «حکم مناسب» است، امری شایسته است. با توجه به مراتب فوق می توان گفت:

الف) ضمانت اجرا ممکن است منجز نباشد و در برخی موارد با در نظر گرفتن ملاک کارایی معلق باشد.

ب) ضمانت اجرا ممکن است ارفاقی باشد و با لحاظ ملاک کارایی، حاوی امهال و مدارا باشد.

ج) ضمانت اجرای اجباری، ممکن است کارا نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

افزون بر مطالب فوق ضمانت اجرا باید ملاحظات زیر را دارا باشد:

نخست آنکه حرکت تدریجی در وضع ضمانت اجرا رعایت گردد. در حقیقت مشکلات مربوط به ضمانت اجراهای نامناسب به یک باره پدید نیامده اند که بخواهیم یکدفعه همه آنها را مرتفع کنیم. بنابراین شایسته است با نگاهی منطقی و گام به گام به حل مسئله پردازیم. در این راستا، وضع ضمانت اجرا در وهله نخست دایر مدار انتخاب بین ضمانت اجرای بدتر و بدترین خواهد بود. با انتخاب ضمانت اجرای بدتر یک گام به جلو برمی داریم. سپس انتخاب بین بد و بدتر و بعد بین بد و متوسط است. این وضعیت تا زمانی که انتخاب مابین ضمانت اجرای خوب ترین و عالی باشد، ادامه می یابد. این حرکت تدریجی در تمام مراحل تدوین، تفسیر و اجرا رعایت می شود تا به نقطه مطلوب برسیم.

نکته دوم که ضروری است مدنظر قرار دهیم، شناسایی و پذیرفتن تمام واقعیات مرتبط با متعلق ضمانت اجراست. تا زمانی یک واقعیت شناسایی نشود چگونه می توان آن را حل کرد. بعد از شناسایی لازم است واقعیت مزبور پذیرفته شود. یک ضمانت اجرا زمانی جامع و مفید خواهد بود که اولاً تمام بازیگران و واقعیات مسئله را شناسایی کند و در وهله بعد آنها را بپذیرد. باید بپذیریم که هر یک از واقعیات جزئی از راه حل هستند و با پاک کردن

صورت مسئله واقعیت مزبور از بین نخواهد رفت. در این راستا شایسته است واقعیات موجود را به منظور تعیین حکم اصلی و فرعی درجه‌بندی کنیم.

نکته سوم فرهنگ‌سازی در خصوص متعلق ضمانت اجراست. این کار باید همزمان با تدوین ضمانت اجرا صورت گیرد تا در زمان تصویب نهایی و اجرای آن خلأ فرهنگی احساس نشود. از نظر روان‌شناسان آگاهی بسیار مهم است و آگاهی همه‌جانبه و عمیق می‌تواند رفتار انسان را تحت تأثیر قرار دهد. مخصوصاً اگر آگاهی از پیامدهای رفتار انسان از قبل وجود داشته باشد، این امر حداقل رفتار یک انسان سالم را تحت تأثیر قرار دهد. نکته مهم آن است که آگاهی مزبور براساس ظرفیت علمی ضعیف‌ترین عضو جامعه صورت گیرد و انتقال مفاهیم در قالب عباراتی ساده محقق شود.

یکی دیگر از ملاحظات مهم آن است که حتی المقدور علت حکم در خود آن حکم نوشته شود. این مسئله از تفاسیر شخصی جلوگیری کرده و پذیرش ضمانت اجرا را تسهیل می‌کند. افزون بر آن وضع ضمانت اجرا باید به نحوی باشد که به تدریج از اجبار بیرونی فاصله گرفته و به سمت وجدان و التزام درونی با ضمانت اجرای فشار افکار عمومی حرکت کند. این امر مهم به کمک فرهنگ‌سازی، استفاده از پیشرفت‌های علمی، اصلاح ساختار فکری جامعه امکان‌پذیر است. اجبار آخرین راه‌حل ممکن است. حفظ کرامت انسانی اشخاص، زمینه را برای پذیرش درونی آنها فراهم می‌آورد مشروط به اینکه ظرفیت آنها به تدریج بالا آورده شود در غیر این صورت ناگزیر از اجبار خواهیم بود. به همین دلیل ضمانت اجرا باید منعطف باشد تا دادرس براساس شخصیت فرد تصمیم مناسب را اتخاذ کند.

نهایت آنکه ضمانت اجرا نباید موجب حساس کردن افراد و بزرگنمایی رویدادی کوچک شود. به هر پدیده باید براساس ظرفیت آن پرداخته شود نه کمتر و نه بیشتر. بزرگنمایی آسیب‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت. به‌عنوان مثال فرض کنید مسئله‌ای که اکثر افراد جامعه از آن غافل هستند، در رسانه عمومی پررنگ شده و ضمانت اجرای آن بیان شود، این موضوع بیشتر موجب هوشیاری افراد و تمایل آنها به انجام آن کار می‌شود، زیرا اصولاً افراد به انجام کاری که از آن منع می‌شوند، تمایل بیشتری دارند. قانونگذار یا متعاقدین نباید با بیان کردن امور بی‌اهمیت نقاط ضعف خود را آشکار کنند. در این راستا صرفاً باید در خصوص

آنچه اکثریت بدان مبتلا هستند - و نه امور جزئی یا محقق نشده - اظهار نظر کرد. با این وجود ضروری است زمینه‌های وقوع آسیب‌هایی را که در آینده محقق می‌شود، با روشی مناسب - و نه با شعار و صرف نپی کردن که تنها موجب ملموس کردن بیشتر آن پدیده می‌شود - مسدود کرد.

۲-۲. تحلیل یافته‌های موجود فعلی

تاکنون صحبت از بایسته‌ها و توصیف وضعیت مطلوب راهبردهای تخصصی بود. اینک جای این موضوع است که به تحلیل وضعیت موجود ضمانت اجراها در نظام حقوقی ایران، با تکیه بر راهبردهای تخصصی پردازیم. در این راستا وضعیت موجود را براساس گام‌های ششگانه قواعد تخصصی حسب مورد و به ترتیب، تحلیل می‌کنیم:

اول - قواعد موجود ضمانت اجرا از حیث جامعیت و انسجام با مشکل بزرگی مواجه است. جدا از اینکه در بسیاری موارد خلأ قانونی داریم، مقررات موجود نیز در برخی موارد با هم در تناقض و تضاد است (مانند تعارض مواد ۲۲۱ و ۲۳۹ قانون مدنی) (انصاری، ۱۳۹۲: ۲۰). این عدم جامعیت تقریباً در تمام شاخه‌های علم حقوق و بحث ضمانت اجراها وجود دارد. البته به تازگی و در برخی مقررات جدید، پیشرفت‌های خوبی در این زمینه حاصل شده است.

دوم - به‌رغم پیشرفت‌های قانونگذاری که «به‌طور جزئی» در برخی مواد قانونی مانند ماده (۵۳۴) قانون مدنی^۱ داشته‌ایم، در «قواعد کلی» ضمانت اجرا، با گزاره‌های ایستا و غیرمنعطف حقوقی مواجه‌ایم که در بهترین شرایط، تنها «کارایی حداقلی» یعنی صرف «کارایی حقوقی» را دربردارد. تا جایی که ما فحص کرده‌ایم، با بسته‌های نمونه و متنوع ضمانت اجرا که دادرس و متعاقدین را مجاز به انتخاب نماید، برخورد نکرده‌ایم.

سوم - قواعد فعلی متعلق به حدود یک قرن گذشته است و خصیصه «پویایی زمانی» را کمتر دارد. همچنین به‌رغم اجرای اجباری قواعد در تمام مناطق، همچنان مناطق مختلف به عرف‌های محلی خود بیشتر عمل می‌کنند تا به قواعد قانونی. البته باید اذعان داشت قواعد

۱. ماده (۵۳۴) - هر گاه عامل در اثناء یا در ابتدای عمل آن را ترک کند و کسی نباشد که عمل را بجای او انجام دهد حاکم به تقاضای مزارع عامل را اجبار به انجام می‌کند و یا عمل را به خرج عامل ادامه می‌دهد و در صورت عدم امکان مزارع حق فسخ دارد.

جدید همانند قواعد حقوق رقابت، با وجود کاستی‌هایی که دارند، مقررات خوبی نیز داشته است.

چهارم - از حیث دینامیسم، حق حبس و فسخ توصیفی، الگوی مناسبی محسوب می‌شود لیکن در بسیاری موارد وجود تشریفات فراوان و اطاله دادرسی و طولانی شدن روند اجرای حکم، مانعی جدی در این راستا محسوب می‌شود. افزون بر آن، حق حبس نیز در برخی موارد وضعیت قرارداد را مبهم می‌سازد و دخالت قوای عمومی را ایجاب می‌کند.

پنجم - سیر در قواعد فعلی ضمانت اجرا، حاوی این نکته است که در برخی موارد کفه ترازو به طرف یکی از طرفین سنگینی کرده است. به‌عنوان نمونه در حق حبس موجب، صاحب عوض موجب، برخلاف طرف خود که حق حبس ندارد و باید مبیع را فوراً تسلیم کند، در سررسید ممکن است با سوءاستفاده کردن از امتیاز خود، به تعهد خود دایر بر پرداخت ثمن عمل نکند که این فروض کمتر از سوی مقنن لحاظ شده است. در این شرایط فرد مزبور نه تنها ممکن است از پرداخت ثمن در تاریخ سررسید خودداری کند، بلکه می‌تواند الزام فروشنده را به تنظیم سند رسمی تقاضا کند و با استفاده از وجه التزامی که برای خود در نظر می‌گیرد با تأخیر فروشنده در تنظیم سند رسمی، ثمن معامله را به صفر برساند! عدم تعادل و توازن در مدلول ماده (۲۳۰) قانون مدنی، صریح‌تر به چشم می‌خورد.

ششم - درخصوص امهال و مدارا با متعهد متخلف، قواعد مناسبی به چشم می‌خورد. لیکن اجبار متعهد به اجرای عین تعهد به‌ویژه در جاهایی که قید مباشرت وجود دارد (مانند ماده (۲۳۷) قانون مدنی)،^۱ تحقق کارایی و کرامت انسانی را با نگرانی مواجه کرده است.

۳-۲. تدبیر آینده‌پژوهی عملیاتی

مطالعه وضعیت فعلی نظام حقوقی ضمانت اجراها در کشور ما و آگاهی از بایسته‌های علمی وضعیت مطلوب، ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که به بازنگری جدی در قواعد

۱. ماده (۲۳۷) - هر گاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را بجا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفاء شرط بنماید.

ضمانت اجرای قانون مدنی و سایر قوانین پردازیم. این اصلاحات شامل تدوین مقررات مناسب در باب‌های دوم تا پنجم قانون پیشنهادی است که پلان و موادی از آن را قبلاً ذکر کردیم. با توجه به اینکه نگارنده بنا را بر اختصار نهاده است، ذکر تمام مواد پیشنهادی از حوصله این مقاله کوتاه خارج است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گذشته از نتایجی که طی تحقیق به آن اشاره شد، در پایان ذکر نتایج کلی و نهایی نیز ضروری است که ذیلاً به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

با توجه به قوانین علی و معلولی، کنش و واکنش، تعادل، قاعده‌محوری و تأثیر و تأثر در جهان خلقت، باید به این موضوع توجه داشت که پدیده‌های رفتاری، هنجاری و اجتماعی جوامع، به شدت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌گیرند. این نکته ظریف به ما هشدار می‌دهد که در مقوله ضمانت اجراها هم در رقابت با سایر مقوله‌های هم‌سنخ و ناهم‌سنخ، نگاهی سیستمی داشته باشیم و دچار اشتباه محاسباتی نشویم. درحقیقت، پدیده‌های مزبور در حکم یک پازل هستند که ضمانت اجرا تنها قطعه‌ای از هزاران قطعه این پازل است. اگر تمام بایسته‌های وضعیت مطلوب که ذکر کردیم، به‌درستی و دقیق اجرا و رعایت شود، تازه توانسته‌ایم یک قطعه را اصلاح کنیم. این قطعه از پازل، زمانی در جای واقعی خود قرار می‌گیرد که سایر قطعات پازل نیز با رعایت «روش‌شناسی خاص خود» اصلاح شده و جایگاه واقعی خود را باز یابند. وقتی تمام قطعات در جای واقعی خود نشسته باشند، جایگاه قطعه مربوط به ضمانت اجرا هم ناخودآگاه در پازل مشخص می‌شود و این مجموعه تکمیل می‌شود.

شتاب اصلاح روش‌شناسی ضمانت اجرا، باید معقول باشد. به همان اندازه که حرکت کند، مضر است، اقدامات شتابزده نیز زیان‌آور خواهد بود. آنچه در این مقاله بدان پرداختیم، به نوعی «روش‌شناسی ذهنی و ماهوی ضمانت اجرا» بود. برای اجرایی و عملیاتی شدن این فرایند و اصلاح مقررات به «روش‌شناسی عینی» نیز نیاز داریم. پس از اصلاح چارچوب‌های اندیشه براساس قواعد نرم‌افزاری و ذهنی و در نتیجه، تدوین روش‌شناسی

ذهنی ضمانت اجرا، ضروری است یکسری امور سخت‌افزاری و اجرایی نیز رعایت شود که در مقابل قواعد ذهنی قرار می‌گیرند. ما از این امور به قواعد عینی یاد کرده‌ایم. در این قسمت برای طراحی مناسب روش، راهبرد و نقشه بنیادین پروسه، شایسته است کارهایی از قبیل برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت مناسب در هر سطح انجام شود تا امر اصلاح قوانین موجود و تدوین ضمانت اجرای مناسب، تفسیر، اجرا، آموزش و پژوهش‌های مرتبط با آنها، به‌صورت هدفمند دنبال شود.

منابع و مأخذ

۱. انصاری، علی (۱۳۹۲). *تقریرات درس حقوق مدنی*، تهران، دانشگاه خوارزمی.
۲. پالمر، ریچارد (۱۳۷۷). *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ اول، تهران، نشر هرمس.
۳. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). *روش‌شناسی و پژوهش*، تهران، انتشارات سمت.
۴. ریکور، پل (۱۳۷۸). «رسالت هرمنوتیک»، دیوید کوزنز هوی، *حلقه انتقادی*، ترجمه فرهاد مرادپور، چاپ دوم، تهران، روشنگران.
۵. شمس، عبدالله (۱۳۹۰). *جزوه اجرای احکام*، تهران، دانشگاه امام صادق.
۶. عالی‌پناه، علیرضا (۱۳۸۹). *تقریرات درس علوم انسانی اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۷. فرامرزی، احد (۱۳۸۷). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۸. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹). *تقریرات درس جامعه‌شناسی حقوق*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۹. شاله، فیلیس (۱۳۴۶). *شناخت روش علوم یا فلسفه علمی*، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق*، چاپ ۴۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. کالین، های (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۱۲. مقام معظم رهبری. *ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۱۳. *بیانات مقام معظم رهبری* ۱۳۸۸/۷/۲۸.
۱۴. *بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*، ۸۹/۹/۱۰.
۱۵. ملایی، مهدی (الف ۱۳۹۱). *پایان‌نامه «حقوق رقابت بین‌المللی انرژی»*، تهران، دانشگاه امام صادق.
۱۶. _____ (ب ۱۳۹۱). *جلوه‌های حقوقی*، جلد دوم، گرگان، انتشارات نوروزی.
۱۷. _____ (۱۳۹۴). *روش تحقیق در علوم انسانی*، گرگان، انتشارات نوروزی.
۱۸. کربای، آنتونی (۱۳۷۹). «درآمدی بر هرمنوتیک»، فریدریش نیچه و دیگران، هرمنوتیک مدرن؛ گزینه جستارها، ترجمه بابک احمدی و دیگران، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
19. Campbell Black, Henry (1990). *Blacks Law Dictionary*, 6th ed, West Publishing Co, London.
20. Evanston, B. Thompson (1991). *Northwestern University Press*, Chicago.
21. Hirsch, E. D. (1967). *Validity in Interpretation*, Yale University Press, New Haven.
22. Ricoeur, Paul (1995). *From Text to Action*, Translated by Kathleen Blamey and John, Paris.

مقایسه و اولویت‌بندی ابزارهای تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی در صنعت بیمه و بانکداری ایران

حامد دهقانان* و محسن جلالی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۷/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۱۳

صاحبان کسب و کار، تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی در فعالیت‌های خود با مخاطراتی روبه‌رو می‌باشند که مستلزم مدیریت صحیح ریسک‌های مرتبط با فعالیت مالی آنهاست. این افراد برای تضمین فعالیت‌های مالی خود می‌توانند به سه نهاد بانک، شرکت بیمه و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری مراجعه و از ابزارها و محصولات آنها گزینه‌ای انتخاب کنند. هدف مقاله این است که از دیدگاه فعالان اقتصادی و خود این نهادها، ابزارهای سه‌گانه: ۱. بانک (ضمانت‌نامه‌های مرتبط)، ۲. شرکت بیمه (بیمه‌نامه‌های مرتبط)، ۳. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری (ضمانت‌نامه و بیمه‌نامه‌های مرتبط) اولویت‌بندی شده و عوامل مؤثر بر انتخاب آنها نیز تبیین و رتبه‌بندی شوند. این اولویت‌بندی از طریق فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی صورت پذیرفته است. ابتدا با استفاده از مطالعات اولیه و منابع کتابخانه‌ای مدل اولیه تحقیق به دست آمد و سپس با استفاده از مصاحبه دلفی با اساتید دانشگاه و خبرگان بانکی و بیمه‌ای مدل نهایی تحقیق به دست آمد. نمونه تحقیق نیز بانک توسعه تعاون، بیمه تعاون و صندوق ضمانت تعاون است.

طی این پژوهش، معیارهای مؤثر بر انتخاب بهترین ابزار و نهاد تضمین سرمایه‌گذاری‌ها تحت عناوین کارمزد (یا حق بیمه)، سهولت صدور، تضمینات، فرانشیز، نوع کسب و کار، پشتیبانی قوانین و مقررات و تعداد شعب و دفاتر (دسترسی) شناسایی و سپس به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی شد که معیار و ثابق بالاترین اولویت را کسب کرد. همچنین این تحقیق نشان داد که ابزارها و خدمات صادره توسط شرکت بیمه در بین گزینه‌ها بالاترین ترجیح را دارد.

کلیدواژه‌ها: فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی؛ بانک؛ صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری؛ بیمه

Email: dehghanan@atu.ac.ir

* استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی؛

** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: mojalali64@gmail.com

مقدمه

امنیت، یک نعمت بی‌بدیل الهی است و در همه ابعاد زندگی بشر اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت اقتصادی از جمله نیازهای ضروری انسان به‌شمار می‌رود. عدم اطمینان و ویژگی آینده است از این رو همواره کسب و کار توأم با ریسک است. تبدیل یک ایده به کسب و کار موفق با برنده شدن در قرعه‌کشی بانک‌ها خیلی فرق می‌کند. در اینجا برخلاف قرعه‌کشی که تنها کار لازم برای آن افتتاح حساب است باید کارهای زیادی صورت پذیرد که اگر به‌درستی انجام شود صاحبان کسب و کارها و مشاغل، سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی و مالی نیز به مانند دیگران به دنبال راهکارهایی برای ایجاد امنیت اقتصادی و مدیریت ریسک مربوط به فعالیت‌های خود می‌باشند به گونه‌ای که هم هزینه زیادی بر آنها تحمیل نکند و هم در لحظه ایجاد خطر برای کسب و کار خود به گونه‌ای کارا پاسخگو باشد. از طرفی دیگر عصر حاضر را می‌توان عصر رقابت در زمینه ارائه خدمات مالی دانست. نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی نیز برای بقا و موفقیت در این عرصه باید در مسیر مشتری‌مداری و ایجاد سهولت در عرضه خدمات مالی برای رضایتمندی هرچه بیشتر مشتریان خود گام بردارند. با توجه به این رقابت شدید میان نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری نیز در راستای این امر تلاش می‌کنند که راهکارهای جدیدی برای افزایش فروش خدمات خود از جمله افزایش درآمدهای کارمزدی در نظر گیرند تا در جهت افزایش ضریب نفوذ اعتباری خود گام بردارند. نهادهای نام‌برده با توجه به مزایا و امتیازات خود ابزارها و محصولات مختلف و متنوعی برای پوشش خطر و ریسک‌های مربوط به کسب و کارها و فعالیت‌های اقتصادی مشتریان خود ارائه می‌دهند. درحقیقت تعیین، اندازه‌گیری، مشاهده و کنترل انواع ریسک، فرایند مدیریت ریسک را تشکیل می‌دهد. هدف اصلی این پیمایش این است که با توجه به مخاطبان آن که صاحبان شرکت‌ها، بنگاه‌ها و کسب و کارهای مختلف در یک خانواده مشترک یعنی بانک توسعه تعاون، شرکت بیمه تعاون و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون می‌باشند با در نظر گرفتن معیارهای موجود در مدل نظری (که درخصوص پایایی و روایی آن در قسمت روش

تحقیق مطالبی ذکر می‌شود) بهترین و با اولویت‌ترین نهاد مربوطه و به تبع آن بهترین ابزار آن نهاد برای مدیریت ریسک بنگاه‌ها و صاحبان مشاغل و فعالان اقتصادی انتخاب می‌شود. حال با توجه به مباحث بالا در این مقاله دو سؤال اساسی وجود دارد که در این تحقیق به آنها پاسخ داده خواهد شد:

۱. عوامل (معیارهای) مؤثر بر انتخاب ابزارهای تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی کدام‌اند و ترتیب اولویت‌بندی و وزن مربوط به آنها چه میزان است؟
۲. ابزارهای (گزینه‌های) تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی کدامند و ترتیب اولویت‌بندی و وزن مربوط به آنها چه میزان است؟

۱. پیشینه پژوهش

پیش از پرداختن به مطالعات داخلی و خارجی در این زمینه، نکته مهم درخصوص این مقاله این است که در تحقیقات و مقالاتی مقایسه محدود دوجه‌دوی محصولات و خدمات آن نهادها مثلاً بانک و صندوق ضمانت یا بانک و بیمه و یا بیمه و صندوق ضمانت صورت پذیرفته است و کمتر به مقایسه هر سه نهاد در یک تحقیق پرداخته‌اند که تلاش این مقاله بررسی ابزارهای تضمین سرمایه‌گذاری متشابه و برطرف‌کننده نیاز یکسان سه نهاد بیمه، بانک و صندوق ضمانت است. بررسی پیشینه تحقیق به صورت زیر و در دو بخش منابع داخلی و خارجی تقسیم‌بندی شده است. در مورد منابع داخلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عباسی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش بیمه‌نامه و ضمانت‌نامه‌های اعتبار صادرات کالا در توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی» به بررسی نقش ابزارهای صندوق‌های ضمانت و شرکت‌های بیمه در انتقال ریسک و توسعه صادرات در ایران می‌پردازد. همچنین در این مطالعه دلایل استفاده از خدمات این نهادها را از نظر صادرکنندگان ایرانی بررسی می‌کند. کدخدایی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «کاربرد ابزارهای مالی در صنعت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر» بیان می‌کند شرکت‌های بیمه که ابزارهای مقابله با ریسک در آنها ارائه می‌شود کار را برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان آسان می‌کنند. درواقع بازار مالی در تکامل خاص ابزارهای مهندسی مالی به گسترش سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر کمک می‌کنند و راه‌حلی در توسعه بازار مالی است.

البدوی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «کاربرد روش دلفی برای استخراج عوامل کیفی ریسک و استفاده از آن در تعیین رتبه ریسک کیفی گیرندگان» به استخراج عوامل کیفی ریسک و استفاده از آن در تعیین رتبه ریسک کیفی وام‌گیرندگان پرداخته و بیان کرده است که عواملی مانند مشخصات وام‌گیرنده، مشخصات و شرایط رقبا، تأثیر و میزان قوانین، رشد صنعت شرکت، قدرت چانه‌زنی خریدار و تأمین‌کننده، کیفیت مدیریت شرکت، اعتمادپذیر بودن صورت‌های مالی شرکت و مدت زمان رابطه با نهاد مالی، مهم‌ترین عوامل کیفی ریسک است که در نهایت عامل کیفیت مدیریت شرکت به‌عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شده است.

فنائی (۱۳۸۸) در کتابی تحت عنوان چگونه یک سرمایه‌گذار آگاه باشیم بیان می‌دارد قبل از تصمیم‌گیری برای هرگونه سرمایه‌گذاری باید توان ریسک‌پذیری خود را مشخص کنید. به عبارت دیگر باید مشخص کنید که چه میزان ریسک ناشی از این سرمایه‌گذاری برای شما قابل‌پذیرش و تحمل خواهد بود. اگر ظرفیت ریسک‌پذیری شما بالاست می‌توانید راهبردی جسورانه برای سرمایه‌گذاری که در پیش رو دارید انتخاب کرده و تمام ریسک آن را خود پذیرا باشید و از نهادهای دیگری همچون شرکت‌های بیمه برای انتقال ریسک خود استفاده نکنید که مزیت آن کاهش هزینه‌های شماسه و در مقابل اگر ظرفیت ریسک‌پذیری شما پایین است به دنبال ابزارهای مدیریت ریسک در سایر نهادها همانند همان شرکت‌های بیمه باشید. همچنین در این کتاب از ریسک‌های عدم تناسب، تورم، بازار، برنامه‌ریزی بازار، عدم تنوع، نقدشوندگی و قانونی به‌عنوان برخی از انواع ریسک یاد می‌کند که صاحبان کسب‌وکار در سرمایه‌گذاری‌های خود با آنها روبه‌رو می‌باشند.

در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی علمی - کاربردی تحت عنوان تبیین اهمیت، جایگاه و سازوکارهای ابزار ضمانت (به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی) توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به‌طور کلی بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، صندوق ضمانت صادرات ایران، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون، صندوق بیمه کشاورزی، صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی و ابزارهای ضمانتی آنان را به‌عنوان کاربردهای مدیریت ریسک کسب‌وکارها در ایران و وجود

شرکت‌های بیمه‌ای همچون وکسفورد، صندوق‌های ضمانتی همچون فینورا و کی اف دلیو در اروپا و ابزارهای ضمانتی آنان را به‌عنوان کاربردهای مدیریت ریسک کسب‌وکارها در دنیا مطرح می‌کند.

حاجی حیدری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در آمادگی پیاده‌سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار»، یکی از عوامل مهم موفقیت، مدیریت صحیح ریسک مطرح کرده است که در این راستا استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مناسب در اجرا و کنترل مناسب ضروری است. هرچند در این مقاله ابزار خاصی ارائه نمی‌کند.

عزیز نصیری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت ریسک کشاورزی با استفاده از بیمه محصولات کشاورزی» بیان می‌دارد با توجه به مواردی همچون وجود اطلاعات نامتقارن، انتخاب نامساعد، مخاطرات اخلاقی و بیش از اندازه هزینه‌بر بودن بیمه، استفاده از محصولات شرکت‌های بیمه برای پوشش ریسک در صنعت کشاورزی تا حدی نامناسب به‌نظر می‌رسد و در آینده بایستی به دنبال طرح و محصولات نوین پوشش ریسک در این صنعت باشیم.

مومنی (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان «صندوق‌های ضمانت و بیمه سرمایه‌گذاری»، به بررسی برخی ابزارهای مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه و صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری پرداخته و میزان افتراق و اشتراک‌های آنان را تا حدودی مطرح کرده است. در مورد منابع خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دوولدر^۱ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه‌گیری ریسک و ارزیابی تضمین سرمایه‌گذاری در بیمه عمر»، بیان می‌دارد که تضمین سرمایه‌گذاری‌ها جزء مقوله‌های مهم در قیمت‌گذاری و مدیریت بیمه عمر محسوب می‌شود. در این مقاله به ارزیابی رابطه بین نرخ حق بیمه دریافتی و میزان خسارت‌های پرداختی در بیمه‌های عمر و سرمایه‌گذاری پرداخته شده است.

استایکوراس^۲ (۲۰۰۷) درخصوص تفاوت در نحوه فروش محصولات بانکی و بیمه‌ای در بین محصولات ساده و تخصصی آنها بحث می‌کند. وی بیان می‌دارد بسته‌بندی و

چیدمان محصولات بانکی و بیمه‌ای اساساً با توجه به ساختار آن نهادها و میزان پیچیدگی محصولات آنها تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال در شرکت‌های بیمه، محصولاتی از قبیل بیمه حوادث، عمر و زندگی و بیکاری به نسبت محصولاتی ساده هستند و از بسیاری کانال‌های ساده‌تر و به صورت مستقیم و با واسطه‌گری کمتر به فروش می‌رسند اما محصولات بیمه‌ای پیچیده‌تر مانند بیمه اعتباری و بیمه سرمایه‌گذاری باید از طریق مشاوران و کارمندان متخصص در این زمینه به فروش رسد. در مورد بانک‌ها نیز، ضمانت‌نامه‌ها جزء محصولات پیچیده است که برای عرضه این محصولات باید از کانال‌های توزیع مناسب‌تر (مانند برخی شعب برتر و ممتاز) و روش‌های فروش پویاتر و تهاجمی‌تر استفاده کرد.

آرتیکیس، موتنگا^۱ و استایکوراس (۲۰۰۸) معتقدند دسته‌ای از محصولات بیمه‌ای، شباهت و تجانس خاصی با محصولات و خدمات بانکی دارند و می‌توانند به‌عنوان محصول مکمل یا جایگزین خدمات بانکی عرضه شوند. میزان فروش محصولات بیمه‌ای در کشورهای این محصولات در آنها به نسبت ساده بوده بالاست.

آردیانسیاه^۲ (۲۰۰۹) به بررسی ریسک نکول در تأمین مالی اسلامی می‌پردازد و سعی کرده است با توزیع پرسشنامه، میزان ریسک نکول در بانکداری اسلامی را زیاد نشان دهد. وی سام چان^۳ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مدل‌سازی تضمین‌های سرمایه‌گذاری در ژاپن» بیان می‌دارد در این کشور که با سرعت زیادی در حال رشد می‌باشد قیمت این تضمین‌ها برای آنها بسیار مهم است؛ زیرا قیمتی که آنها برای پوشش ریسک خود در سرمایه‌گذاری می‌پردازند بسیار بر قیمت سهام شرکت‌هایشان تأثیرگذار است. همچنین ارزش سهام شرکت‌های ژاپنی بسیار متأثر از ریسک آنها می‌باشد. بنابراین شرکت‌های با عملکرد بهتر هم ریسک کمتری دارند و هم بهای کمتری برای تضمین سرمایه‌گذاری‌های آتی خود خواهند پرداخت که در مجموع ارزش سهام آنها را در بورس بالا می‌برد.

یانگ^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «زمان‌بندی سرمایه‌گذاری و ساختار سرمایه با

1. Artikis and Mutenga

2. Ardiansyah

3. Way Sum Chan

4. Yang

ضمانت اعتباری» بیان می‌دارد بزرگ‌ترین محرک انتخاب نوع ابزار تضمین، قیمت و هزینه آن و منافعی است که از آن برای سرمایه‌گذار حاصل می‌گردد که این انتظارات و مقایسه‌ها در طول یک دوره زمانی منجر به تصمیم‌گیری می‌شود. به این صورت که سرمایه‌گذاران در یک دوره زمانی مشخص اگر قانع شوند که منافعی بالاتر از هزینه‌ای که کرده‌اند به دست آمده (که این منافع می‌تواند به مفهوم دریافت خسارت‌های پیش آمده برای خود باشد) دوباره اقدام به خرید همان تضمین‌نامه‌ها می‌کنند در غیر این صورت به دنبال راه‌های دیگری برای پوشش ریسک خود می‌گردند.

پنگ فی لو (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه‌گذاری و تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط با ضمانت‌نامه‌های بخشی (جزئی)» مدلی برای پوشش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی ارائه می‌دهد به گونه‌ای که بیان می‌دارد بانک‌ها و شرکت‌های بیمه برای این شرکت‌های کوچک و متوسط بایستی بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی آنها را پوشش دهند و به صورت صد درصدی آنها را تضمین نکنند تا هم آنها مراقبت بیشتری کرده و هم در ریسک سهیم باشند. این موضوع درست است که درآمدهای نهادهای صادرکننده تضمین یعنی شرکت‌های بیمه و بانک‌ها را کاهش می‌دهد اما به طور قابل توجهی آنها را از خطر ورشکستگی محافظت می‌کند. در این مقاله مطرح می‌شود که کارایی ضمانت‌نامه‌های بخشی (جزئی) از ضمانت‌نامه‌هایی که تمامی سرمایه‌گذاری را پوشش می‌دهند بالاتر است.

۲. ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

در این بخش با توجه به ادبیات و چارچوب‌های نظری موجود در منابع علمی و کتابخانه‌ای موجود یک چارچوب اولیه تهیه و سپس این مدل با استفاده از مصاحبه‌های دلفی با ده نفر از اساتید دانشگاه، خبرگان، کارشناسان و مدیران سیستم بانکی و بیمه‌ای مورد کنکاش و بررسی قرار گرفت که در نهایت گزینه‌های (ابزارهای) تضمینی و معیارهای مؤثر بر انتخاب آنها تبیین و شناسایی شد که پس از ارائه چارچوب نظری تحقیق در نهایت در شکل ۱ نشان داده شده است. در این مقاله معیارهای تعداد شعب و دفاتر (میزان دسترسی)،

کارمزد یا حق بیمه، سهولت فرایند صدور، قوانین و مقررات، نوع کسب کار (کوچک، بزرگ و متوسط)، وثایق و فرانشیز^۱ و گزینه‌های ابزارها و خدمات تضمینی صادره توسط بانک، ابزارها و خدمات تضمینی صادره توسط شرکت بیمه و ابزارها و خدمات تضمینی صادره توسط صندوق ضمانت مطرح شده که در ادامه به تشریح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

جدول ۱. طبقات ابزارها و محصولات متشابه و برطرف کننده نیاز مشترک سه نهاد بانک، بیمه و صندوق ضمانت

ردیف	ابزار (خدمت) بانک (صرفاً ضمانت نامه)	ابزار (خدمت) شرکت بیمه (صرفاً بیمه نامه)	ابزار (خدمت) صندوق ضمانت (بیمه نامه و ضمانت نامه)
۱	* ضمانت نامه تعهد پرداخت	* بیمه نامه اعتباری	* ضمانت نامه اعتباری ریالی * ضمانت نامه اعتباری ارزی * بیمه نامه تضمین مطالبات بابت اعتبار اسنادی دیداری
۲	* ضمانت نامه صادراتی خدمات فنی و مهندسی * ضمانت نامه صادراتی صدور کالای تولیدی (صنعتی)، کشاورزی، معدنی) * ضمانت نامه صادراتی موضوع قراردادهای داخلی	* بیمه نامه اعتبار صادراتی	* بیمه نامه خاص صادرات * بیمه نامه کل گردش صادرات * بیمه نامه صدور خدمات فنی و مهندسی * بیمه نامه بلا اثر شدن قرارداد صادراتی
۳	* ضمانت نامه حسن انجام کار	* بیمه نامه زنجیره کار یا ارزش * بیمه نامه مسئولیت ناشی از انجام عملیات ساختمانی * بیمه نامه مسئولیت جامع * بیمه نامه مسئولیت حمل و نقل	* ضمانت نامه حسن انجام کار
۴	* ضمانت نامه استرداد پیش پرداخت * ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان	* بیمه نامه اعتبار پیشگیرانه	* ضمانت نامه استرداد پیش پرداخت * ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان

ردیف	ابزار (خدمت) بانک (صرفاً ضمانت نامه)	ابزار (خدمت) شرکت بیمه (صرفاً بیمه نامه)	ابزار (خدمت) صندوق ضمانت (بیمه نامه و ضمانت نامه)
۵	* ضمانت نامه انجام تعهدات ناشی از امضای پیمان * سایر ضمانت نامه های ارزی	* بیمه نامه تداوم تجارت * بیمه نامه ریسک سیاسی (در مورد انجام تعهدات خارجی) * بیمه نامه ارتقای اعتبار * بیمه نامه سرمایه گذاری بهره برداری از معادن * بیمه نامه سرمایه گذاری اکتشاف از معادن	* ضمانت نامه اعتبار تولیدی * ضمانت نامه پوشش اعتبار خریدار * بیمه نامه سرمایه گذاری

۲-۱. ابزارها و خدمات صادره توسط بانکها

بانکها از ضمانت نامه های مختلفی جهت این امر استفاده می کنند که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۲-۱-۱. ضمانت نامه تعهد پرداخت

ضمانت نامه تعهد پرداخت، نخست در حقوق آمریکا و انگلیس مورد پذیرش قرار گرفت و سپس به صورت یک ابزار بازرگانی بین المللی درآمد. در حقوق فرانسه نیز ضمانت نامه بانکی یک پدیده نوین است. قواعد آن در رویه های قضایی و تئوریک حدود سال ۱۹۷۰ و چارچوب دقیق آن در سال های بعد آشکار شد. ویژگی های اساسی این نوع ضمانت نامه با صدور دو رأی از دیوان تمیز^۱ فرانسه در سال ۱۹۸۲ مشخص شد. اتاق بازرگانی بین المللی^۲ دو شیوه در مقررات ضمانت نامه تدوین کرد که مورد استفاده کشورهای مختلف جهان است از جمله «مقررات متحدالشکل ضمانت نامه عندالمطالبه»^۳ که به ضمانت نامه های عندالمطالبه مربوط بوده، عملاً مورد استفاده کشورهای جهان به غیر از آمریکا و کاناداست

1. Court of Cassation

2. International Chamber of Commerce (ICC)

3. URDG

و «مقررات متحدالشکل ضمانت نامه قراردادی»^۱ که مورد استفاده آمریکاست در این روش پرداخت خسارت، باید نخست توسط یک مرجع حقوقی (داور یا دادگاه) تأیید شود. لیکن شیوه مقررات متحدالشکل ضمانت نامه عندالمطالبه به جهت استقلال از قرارداد اصلی پرداخت خسارت، نیازمند اثبات در مراجع حقوقی نبوده و به محض تقاضا، پرداخت می شود و هم اکنون بیشتر کشورها از جمله کشور ما از این شیوه و مقررات تبعیت می کنند. ضمانت نامه به موجب این مقررات توسط بانک ها یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر صادر می شود و این نوع ضمانت نامه ها اولاً یک نوع ضمانت نامه غیر قابل برگشت است یعنی بعد از صدور ضامن یا متقاضی نمی توان آن را ابطال یا فسخ کرد. ثانیاً غیر قابل انتقال است و در صورتی که عبارت قابل واگذاری در ضمانت نامه درج نشده باشد این نوع ضمانت نامه ها غیر قابل واگذاری و انتقال به غیر است و همچنین از لحاظ پرداخت خسارت و مبلغ ضمانت نامه ها به ساده،^۲ عندالمطالبه^۳ (مستقل، خودگردان یا اولین درخواست) و اسنادی^۴ تقسیم می شود. در ضمانت نامه ساده یا عندالمطالبه ضامن باید صرفاً با یک نوشته ساده از طرف ذی نفع مبنی بر درخواست وجه بلافاصله وجه را به ایشان پرداخت کند. لیکن در صورتی که در ضمانت نامه سندی تعریف شده باشد تقاضای وجه ضمانت نامه موکول به ارائه اسناد معین و خاص بوده و پس از دریافت اسناد و بررسی صحت ظاهری آن، وجه ضمانت نامه می بایست به ذی نفع پرداخت شود (موتمنی، ۱۳۹۳: ۶۵).

۲-۱-۲. ضمانت نامه حسن انجام کار^۵

به منظور ارائه تأمین در مقابل هرگونه ادعای خریدار/ کارفرما در مقابل فروشنده/ پیمانکار که ناشی از قصور وی در حمل یا انجام خدمت به نحو مقتضی وفق قرارداد فی مابین، بنا به درخواست فروشنده/ پیمانکار به نفع خریدار/ کارفرما به درخواست مشتریان بانک صادر می شود (پارسائیان، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

1. URCG

2. Simple Guarantee

3. Demand Guarantee

4. Documentary Guarantee

5. Performance Guarantee

۳-۱-۲. ضمانت نامه استرداد پیش پرداخت^۱

به منظور ارائه تأمین در مقابل هرگونه ادعای خریدار/ کارفرما در مقابل فروشنده/ پیمانکار بابت بازپرداخت وجه پیش پرداخت شده در صورت قصور فروشنده/ پیمانکار در تعهدات قراردادی خود و حمل صحیح کالا/ انجام کامل خدمت و کار، توسط بانک ها به درخواست مشتریان بانک صادر می شود (همان: ۱۸۶).

۴-۱-۲. ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان^۲

در قراردادهای پیمانکاری و خدماتی، کسر وجه الضمان توسط کارفرما از هر صورت وضعیت ارائه شده توسط پیمانکار لحاظ می شود. در شرایطی که پیمانکار به جهت نیاز نقدینگی خواهان اخذ وجه صورت وضعیت بدون کسر وجه الضمان باشد در این حالت کارفرما بابت استرداد کسور وجه الضمان فوق و اخذ تأمین کافی از پیمانکار در این خصوص مطالبه ضمانت نامه بانکی استرداد کسور وجه الضمان را می نماید که بانک خاورمیانه در این زمینه نیز نسبت به صدور ضمانت نامه اقدام می کند (همان: ۲۰۳).

۵-۱-۲. ضمانت نامه های صادراتی خدمات فنی و مهندسی، صادراتی صدور کالای

تولیدی (صنعتی، کشاورزی و معدنی) و صادراتی موضوع قراردادهای داخلی

این ضمانت نامه ها براساس تقسیم بندی مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جزء ضمانت نامه های صادراتی است که به درخواست و پشتوانه وثایق دریافتی از ضمانت خواه (پیمانکار یا فروشنده) به نفع ذی نفع (خریدار یا کارفرما) به ارز یا ریال صادر می شود.

۶-۱-۲. ضمانت نامه انجام تعهدات ناشی از امضای پیمان

این ضمانت نامه، تضمین و وثیقه ای است که پیمانکار جهت انجام صحیح و به موقع تعهدات

1. Repayment Guarantee

2. Retention

قراردادی خویش در برابر کارفرما به نفع وی ارائه می‌دهد. در حال حاضر جهت قراردادهای پیمانکاری، این ضمانت‌نامه از پیمانکار اخذ می‌شود.

۲-۲. ابزارها و خدمات صادره توسط شرکت‌های بیمه

درواقع تنها ابزار ارائه شده از سوی شرکت‌های بیمه، بیمه‌نامه است که انواع و کارکردهای مختلفی دارد که به شرح زیر است:

۲-۲-۱. بیمه‌نامه اعتباری

بیمه‌نامه اعتباری، قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر (شرکت بیمه) تعهد می‌کند در ازای دریافت حق بیمه از بیمه‌گذار و در صورت وقوع یا بروز حادثه، ریسک و خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات توسط شخص ثالث (بدهکار اصلی) را به بیمه‌گذار پرداخت کند که سقف این خسارت در متن بیمه‌نامه اعتباری مشخص شده است (طالبی، ۱۳۹۰: ۵۰).

۲-۲-۲. بیمه‌نامه اعتبار صادراتی

در این نوع بیمه‌نامه‌ها شرکت‌های بیمه با گرفتن حق بیمه به دنبال جبران خسارات صادرکنندگان در مورد عدم وصول مطالبات یا عدم وصول بموقع مطالبات است که ناشی از اقدامات خریداران خارجی یا حوادث و وقایع تأثیرگذار در کشور خریدار است. ریسک‌های رایجی که در این نوع بیمه‌نامه پوشش داده می‌شود عبارت‌اند از ریسک‌های بازرگانی و غیر بازرگانی (مومنی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۲-۲-۳. بیمه‌نامه سرمایه‌گذاری بهره‌برداری از معادن

بیمه‌نامه سرمایه‌گذاری یا بهره‌برداری از معادن برای پوشش خطر توقف کامل و دائم عملیات معدنی در معدن موردنظر صادر می‌شود و معمولاً زمان آن یک‌ساله است. در این نوع بیمه‌نامه، در صورت تحقق خطر موضوع بیمه‌نامه در زمان اعتبار بیمه‌نامه و در صورتی که با تحقق خطر مزبور ادامه عملیات و امکان کار در معدن وجود نداشته باشد بیمه‌گذار با دریافت حداکثر ۷۵ درصد ارزش معدن نسبت به واگذاری پروانه بهره‌برداری و تأسیسات موجود در معدن اقدام می‌کند (همان).

۲-۲-۴. بیمه نامه سرمایه گذاری اکتشاف از معادن

بیمه نامه سرمایه گذاری اکتشاف برای پوشش بیمه ای عملیات اکتشافی از زمان اخذ پروانه اکتشاف تا پایان عملیات اکتشاف ماده معدنی (صدور گواهینامه کشف) و همچنین اکتشافات تکمیلی می باشد. این گونه بیمه نامه ها معمولاً به صورت مرحله ای صادر شده و صدور هر مرحله منوط به حصول نتایج مثبت مرحله قبل است (همان).

۲-۲-۵. بیمه نامه زنجیره کار یا ارزش

تعداد زیادی از مؤسسات، جزئی از یک زنجیره ارزش محسوب می شوند. در قرارداد بیمه زنجیره ارزش، خسارت مربوط به ورشکستگی بخشی از این زنجیره برای بخشی دیگر که در سال انجام کار است تحت پوشش بیمه قرار می گیرد (سایت رسمی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۲-۶. بیمه نامه مسئولیت ناشی از انجام عملیات ساختمانی

گاهی در طول انجام عملیات ساختمانی، خسارت مالی و جسمانی پیش می آید که شامل نشست و ریزش ساختمان های مجاور، خسارت وارده به خیابان و خود ساختمان در حال ساخت است. این خسارات ناشی از عملیات تخریب، گودبرداری و غیره است که این بیمه نامه صاحب کار را تحت پوشش قرار می دهد (همان).

۲-۲-۷. بیمه نامه مسئولیت جامع

این بیمه نامه برای پیمانکاران پروژه های ساختمانی و تأسیساتی ارائه می شود و پیمانکار را به صورت کامل تحت پوشش بیمه قرار می دهد (همان).

۲-۲-۸. بیمه نامه مسئولیت حمل و نقل

این بیمه نامه مسئولیت شرکت های حمل و نقل بین المللی را تحت پوشش بیمه قرار می دهد (عباسی، ۱۳۸۰: ۹۵).

۲-۲-۹. بیمه‌نامه ریسک‌های تکمیل شده ساختمانی

صاحبان و متصدیان سازه‌های مهندسی اغلب خواهان پوشش جامع برای جبران خسارت‌های وارده پس از تکمیل سازه و شروع بهره‌برداری از آن هستند. اموال مجاور و مسئولیت در قبال اشخاص ثالث نیز در این بیمه‌نامه قابل پوشش است (سایت رسمی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۲-۱۰. بیمه‌نامه اعتبار پیشگیرانه

در این بیمه‌نامه، خسارت مربوط به سوخت شدن پرداخت‌های انجام شده به تأمین‌کنندگان در صورت ورشکستگی آنان جبران می‌شود (همان).

۲-۲-۱۱. بیمه‌نامه تداوم تجارت

معمولاً مرگ یا ناتوانی اعضای شرکت‌ها و سهامداران آنها مشکلات عدیده‌ای را برای این کسب‌وکارها ایجاد می‌کند. این بیمه‌نامه، خطرات ناشی از این موارد را تحت پوشش خود قرار می‌دهد (همان).

۲-۲-۱۲. بیمه‌نامه ریسک سیاسی (در مورد انجام تعهدات خارجی)

نوعی بیمه‌نامه است که تجار و بازرگانان با هر حجم و فعالیت تجاری با هدف پوشش در برابر ریسک‌های سیاسی دریافت می‌کنند (خرمی، ۱۳۸۰: ۵۶).

۲-۲-۱۳. بیمه‌نامه ارتقای اعتبار

این بیمه‌نامه، بیمه‌گر را قادر می‌سازد تا بازگشت اصل و سود مورد انتظار از اوراقی را که به فروشنده کالا ارائه شده است را تحت پوشش قرار دهد (سایت رسمی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۳. ابزارها و خدمات صادره توسط صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری

ابزار اصلی این صندوق‌ها ضمانت‌نامه‌های غیربانکی و خاص است که مهم‌ترین آن

ضمانت نامه اعتباری است و به غیر از آن شش ضمانت نامه دیگر نیز در این قسمت مطرح می شود. در این قسمت به ضمانت نامه هایی پرداخته می شود که معمولاً صندوق های ضمانت سرمایه گذاری صادر می کنند.

۱-۳-۲. ضمانت نامه اعتباری (ریالی و ارزی)

این ضمانت نامه برای تضمین اصل و سود تسهیلات دریافتی وام گیرنده نزد بانک یا مؤسسه اعتباری وام دهنده صادر می شود. پس از انجام بررسی های کارشناسی و اعتبارسنجی با اخذ وثایق لازم و دریافت حق الزحمه یا کارمزد، ضمانت نامه اعتباری برای متقاضی صادر می شود. این ضمانت نامه ها حداقل در سه نسخه، نسخه اول برای ذی نفع، نسخه بعدی برای متقاضی و نسخه دیگر به منظور اخذ تأییدیه ذی نفع (مؤسسه اعتباری یا بانک) و درج در سوابق صندوق پس از امضای صاحبان امضای مجاز برای اشخاص مزبور ارسال می شود. از زمان تحویل ضمانت نامه اعتباری به بانک، بانک مکلف است در زمان معینی که در متن ضمانت نامه ذکر شده یا مورد توافق صندوق می باشد نسبت به پرداخت تسهیلات براساس مصوبه اعتباری خود اقدام کند. در صورت عدم پرداخت یا عدم تمدید یا اخذ مجوز دوباره از صندوق، ضمانت نامه های صادر شده فاقد اعتبار خواهد بود. ضمانت نامه تا پایان ساعت اداری سررسید خود دارای اعتبار بوده و هرگاه ذی نفع در طول مدت به جهت تبدیل شدن دین به حال یا تا سررسید، تقاضای وصول وجه ضمانت نامه را کند صندوق های ضمانت مکلف اند مطابق شرایط ضمانت نامه در اسرع وقت در چارچوب تعهدات و مواعید ضمانت نامه وجه ضمانت نامه را به حساب ذی نفع تأدیه کند (موتمنی، ۱۳۹۳: ۵۱).

۲-۳-۲. ضمانت نامه حسن انجام کار^۱

درحقیقت مشابه ضمانت نامه حسن انجام کار بانک هاست که صندوق ضمانت صادر می کند.

۲-۳-۳. ضمانت‌نامه استرداد پیش‌پرداخت

در حقیقت مشابه ضمانت‌نامه استرداد پیش‌پرداخت بانک‌هاست که صندوق ضمانت صادر می‌کند.

۲-۳-۴. ضمانت‌نامه استرداد کسور وجه‌الضمان

در حقیقت مشابه ضمانت‌نامه استرداد کسور وجه‌الضمان بانک‌هاست که توسط صندوق ضمانت صادر می‌شود.

۲-۳-۵. ضمانت‌نامه اعتبار تولیدی

ضمانت‌نامه اعتبار تولیدی سند تعهدآوری است که به‌عنوان وثیقه مورد درخواست تولیدکننده (مضمون‌له) و جهت تضمین تعهدات صادرکننده (مضمون‌عنه) به‌منظور خرید نسیه کالای تولید شده برای صدور، از سوی صندوق (ضامن) به نفع تولیدکننده صادر می‌شود تا ایشان به پشتوانه این وثیقه مطمئن، کالای تولیدی خود را با شرایط بازپرداخت مدت‌دار در اختیار صادرکننده جهت صادرات قرار دهند و به این وسیله زمینه صدور کالای تولیدی به بازارهای صادراتی بدون تبادل وجه نقد فراهم شود (سایت رسمی صندوق ضمانت صادرات ایران).

۲-۳-۶. ضمانت‌نامه پوشش اعتبار خریدار

به‌منظور فراهم آوردن امکان خرید کالا و خدمات ایرانی به‌صورت اعتباری برای خریداران خارجی، بانک‌های داخلی ممکن است در قالب خطوط اعتباری اقدام به اعطای اعتبار به خریداران خارجی کنند. به‌عبارت‌دیگر، در چارچوب این طرح، صادرکننده ایرانی وجه اعتبار اسنادی مدت‌داری که از سوی خریدار خارجی به نفع وی گشایش شده را به محض ارائه مدارک حمل به بانک اعتباردهنده داخلی دریافت کرده و در نتیجه ریسک عدم بازپرداخت اعتبار را به اعتباردهنده منتقل می‌کند و به‌این ترتیب به خریدار خارجی فرصت کافی جهت پرداخت وجه کالا یا خدمات صادره داده می‌شود (همان).

۲-۳-۷. بیمه نامه خاص صادرات

این بیمه نامه یک یا چند محموله صادراتی را که در قالب قراردادی خاص از سوی صادرکننده ایرانی برای خارج از کشور ارسال می شود تحت پوشش قرار می دهد. میزان حق بیمه که با توجه به شرایط سیاسی و تجاری کشور خریدار و نحوه پرداخت، شرایط اعتبار و سررسید محاسبه و دریافت می گردد درصدی بیش از حق بیمه مربوط به بیمه نامه کل گردش صادراتی است (عباسی، ۱۳۸۰: ۸۸).

۲-۳-۸. بیمه نامه کل گردش صادرات

این بیمه نامه در طول اعتبار یک ساله خود، کلیه صادرات صادرکننده به کشورهای مختلف را در برابر ریسک های عمده سیاسی و تجاری تحت پوشش قرار می دهد. به عبارت دیگر چنانچه در اثر بروز هر یک از ریسک های تحت پوشش، صادرکننده ایرانی موفق به وصول مطالبات خود از خریدار خارجی نشود، صندوق به جبران خسارت وارده به صادرکننده اقدام خواهد کرد (همان).

۲-۳-۹. بیمه نامه صدور خدمات فنی و مهندسی

این بیمه نامه، طرح ها و پروژه های ساختمانی که توسط پیمانکاران و یا شرکت های مهندسی ایرانی در سایر کشورها اجرا می شود و همچنین خدمات فنی و مهندسی ارائه شده از سوی آنها در خارج از کشور را در مقابل ریسک های سیاسی و تجاری تحت پوشش قرار می دهد (همان: ۹۵).

۲-۳-۱۰. بیمه نامه سرمایه گذاری

این بیمه نامه اصل و سود سرمایه گذاری های میان مدت و بلندمدت سرمایه گذاران ایرانی را در کشورهای هدف تحت پوشش قرار می دهد. میزان حق بیمه نیز با توجه به شرایط سرمایه گذاری و اوضاع اقتصادی و سیاسی بازار هدف، قوانین مربوط به سرمایه گذاری و موافقت نامه های متقابل در خصوص تضمین سرمایه گذاری ها محاسبه و اخذ می شود (همان: ۸۹).

۱۱-۳-۲. بیمه‌نامه بلااثر شدن قرارداد صادراتی

این بیمه‌نامه صادرکننده را در مقابل ابطال یکطرفه قرارداد صادراتی از سوی خریدار (واردکننده) تحت پوشش بیمه قرار می‌دهد که مبلغ حق بیمه آن بستگی به نوع قرارداد منعقد و قوانین مربوطه دارد (همان: ۹۰).

۴-۲. معیارها

جهت انتخاب سه گزینه (ابزار) ارائه شده عوامل مختلفی شناسایی گردیده که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۴-۲. تعداد شعب و دفاتر (میزان دسترسی)

با توجه به گستردگی شعب بانک در سراسر کشور و تعداد آنها نسبت به سایر نهادهای پولی و مالی، بانک‌ها این مزیت رقابتی عمده را برای گسترش بازار خود دارند. مخصوصاً اینکه بسیاری از بانک‌ها از امکانات سخت‌افزاری خود برای گسترش نفوذ خود نیز استفاده می‌کنند. به عنوان مثال دستگاه خودپرداز^۱ می‌تواند زمینه دسترسی مشتریان به خدمات بیمه‌ای را نیز سهل‌تر کند. برآورده کردن تمام نیازهای مشتریان با دسترسی بالاتر باعث ایجاد مزیت رقابتی برای بانک‌ها و جذاب شدن بانک‌ها برای مشتری و رضایت و وفاداری آنها خواهد شد (12 : Munich Re Group, 2005).

۲-۴-۲. کارمزد^۲ (یا حق بیمه)

مؤسسات اعتباری و بیمه‌ای جهت پوشش ریسک مشتریان خود در مقابل از آنها انتظار کسب درآمد دارند. بانک و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری این وجوه را از مشتریان خود به نام کارمزد و شرکت‌های بیمه به نام حق بیمه دریافت می‌کنند. همچنین این وجوه برای بانک‌ها در طبقه‌بندی درآمدی جزء درآمدهای غیرمشاع محسوب می‌شود. درحقیقت درآمد اصلی بانک (درآمد مشاع) به حساب نمی‌آید. اما برای شرکت‌های بیمه و صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری اصلی‌ترین درآمد اکتسابی از مشتریان است.

1. ATM

2. Fee

حق بیمه وجهی است که بایستی بیمه‌گذار در مقابل تعهدات بیمه‌گر پردازد و انجام تعهدات بیمه‌گر موکول به پرداخت حق بیمه به‌نحوی که در شرایط خصوصی بیمه‌نامه توافق شده، می‌باشد (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

۳-۴-۲. سهولت فرایند صدور

پس از در نظر گرفتن معیار دسترسی به شعب و دفاتر نهادها، با مراجعه مشتری به مؤسسه مزبور و ارائه درخواست خود، ادامه و به سرانجام رسیدن درخواست مشتری در داخل مؤسسه مربوطه انجام می‌شود و تنها کاری که از دست مشتری برمی‌آید پیگیری درخواست است. این معیار می‌تواند مزیت رقابتی یا برعکس به پاشنه آشیل آن تبدیل شود. با در نظر گرفتن این مطلب که مشتری (صاحبان کسب و کار) واجد شرایط لازم جهت دریافت خدمات ارائه شده مدیریت ریسک است، هر چه این خدمات با سرعت و کیفیت بالاتری به آنها ارائه شود، علاوه بر رضایت صاحبان کسب و کار که خود می‌تواند به بازاریابی موفق برای سازمان با تبلیغ برای سازمان توسط مشتری راضی منجر گردد، کارایی و بهره‌وری سازمان نیز بالاتر خواهد رفت. البته باید این مطلب را در نظر گرفت که گاهی اوقات سرعت و کیفیت رابطه معکوس با یکدیگر دارند. سرعت بیشتر، کیفیت محصولات را کاهش خواهد داد و کارایی بالای سازمان در حفظ تعادل بهینه بین این دو پارامتر است.

۴-۴-۲. قوانین و مقررات

بانک‌ها در تبعیت از قوانین، ملزم به رعایت مقررات، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره از بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشند. شرکت‌های بیمه در تبعیت از قوانین ملزم به رعایت مقررات، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره از بیمه مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی ملزم هستند. اما در حال حاضر صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری نهادها بالادستی مختص به خود نداشته و مجبورند اشرافی کامل به تمامی قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های پولی و مالی داشته باشند. خود این امر زمان و تخصص بیشتری از این صندوق‌ها طلب می‌کند. همچنین وجود بانک مرکزی و

بیمه مرکزی به‌عنوان پشتیبانی قوانین و مقررات از بانک‌ها و بیمه‌ها یک مزیت برای آنها به‌شمار می‌رود. به‌عنوان مثال فرض کنید در یک بانک در زمان بررسی درخواست یکی از مشتریان ابهام و سؤال برای بانک پیش بیاید که می‌تواند از بانک یا بیمه مرکزی در زمان مناسب استعلام و رفع ابهام کند که خود این موضوعات سرعت پاسخ‌دهی آنها را بالاتر می‌برد (جلالی، ۱۳۹۱: ۷۱).

۵-۴-۲. نوع کسب‌وکار (کوچک، متوسط و بزرگ)

در نظر گرفتن اندازه خود واحد کسب‌وکار در انتخاب سازمان ارائه‌دهنده خدمات مدیریت ریسک به آن بسیار حائز اهمیت است. اندازه و میزان فعالیت شرکت دریافت‌کننده خدمات در تعیین ریسک و سپس سازمان ارائه‌دهنده خدمات و ابزارهای مدیریت ریسک تأثیر مستقیم دارد.

کسب‌وکارها را می‌توان به لحاظ اندازه آنها طبقه‌بندی کرد که از این حیث کسب‌وکارها به بزرگ، متوسط و کوچک طبقه‌بندی می‌شوند به‌عنوان نمونه شرکت‌های بزرگی مثل ایران خودرو، سایپا و بانک‌ها از کسب‌وکارهای بزرگ به حساب می‌آیند. در این میان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از اهمیت خاصی در توسعه کشورها برخوردارند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کسب‌وکارهایی هستند که تعداد ۵۰ تا ۵۰۰ نفر در آن کار می‌کنند.

بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط همه بنگاه‌های اقتصادی اعم از بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، بازرگانی و کشاورزی را دربرمی‌گیرد. بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط معمولاً با توجه به عواملی چون تعداد نیروی انسانی شاغل یا میزان سرمایه در گردش آنها دسته‌بندی می‌شوند. براساس تعریف اتحادیه اروپا، صنایع کوچک و متوسط کسب‌وکارهای تولیدی و خدماتی هستند که کارکنان آنها کمتر از ۲۵۰ نفر باشند. مرکز آمار ایران مطابق کتاب آمار کسب‌وکارها را به گروه‌های کسب‌وکاری ۹-۱ کارگر، ۴۹-۱ کارگر و بیش از ۱۰۰ نفر کارگر طبقه‌بندی کرده است.

ازسوی دیگر نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌ها به‌هنگام برخورد با ابهام

و عدم اطمینان در تصمیم‌گیری در بازار باید کارآفرینانه‌تر برخورد کنند (Kilenthong and et al., 2010: 195).

همچنین شرکت‌های کوچک و متوسط یک منبع اولیه برای ایجاد شغل و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌روند که باعث تنوع اقتصادی و توسعه بخش خصوصی در کشورهاشان می‌شوند (Abdelrahman, 2012).

۶-۴-۲. وثایق

وثیقه به مفهوم عام عبارت است از حصول اطمینان نسبی از حسن ایفای تعهدات مشتری از طریق اطمینان به قابلیت اجرای طرح یا فعالیت اقتصادی و همچنین شخصیت مشتری و بازیافت منابع. بنابراین منظور از وثیقه صرفاً ترهین اموال عینی و مادی (منقول و غیرمنقول) نبوده بلکه ماهیت طرح یا فعالیت اقتصادی و نیز هر نوع اسناد تعهدآور، قراردادهای عین اموال موضوع معاملات می‌تواند به‌عنوان تضمین اجرای قراردادهای قلمداد شود (هدایتی، ۱۳۸۹: ۲۸۹).

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری برای پوشش ریسک خود (که خود ریسک صاحبان کسب‌وکار را با دریافت کارمزدی پذیرفته‌اند) به اخذ وثایق و تضمینات کافی از آنها اقدام می‌کنند. عناصر زیادی در تعیین نوع وثایق تأثیرگذار است. از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به دولتی یا خصوصی بودن، رویکرد توسعه‌ای یا سود محوری بودن مؤسسه، توان مالی و اعتباری خود نهاد، توان مالی و اعتباری مشتری (صاحبان کسب‌وکار)، موضوع و مبلغ پوشش داده شده اشاره کرد. اما یکی از مهم‌ترین آنها توان مالی و اعتباری مشتری (صاحبان کسب‌وکار) است.

این پارامتر به بررسی دارایی‌های منقول و غیرمنقول و وجود اعتبار لازم در مشتری می‌پردازد. این موضوع حائز دو نکته بسیار مهم است. اولین نکته به توان مالی و وجود دارایی‌های محکم و با پشتوانه برای استفاده‌کنندگان از آن می‌پردازد که بر هر دو مورد ریسک عملیاتی و ریسک اعتباری بانک تأثیر مستقیم و مهمی دارد.

نکته دوم درخصوص توان مالی و مهم بودن خود مشتری (خصوصاً مشتریان حقوقی)

است. چراکه داشتن یک مشتری بزرگ و خوشنام برای آن نهاد علاوه بر کاهش ریسک‌های عملیاتی و اعتباری نوعی تبلیغات و برندسازی مجدد برای آن نهاد است. به طور مثال فرض کنید بانکی که شرکت مایکروسافت مشتری آنها می‌باشد هم از این نکته که یک مشتری با ریسک پایین دارد بهره‌مند می‌شود و هم نوعی در تبلیغات خود و جذب و خدمت‌رسانی برای مشتریان جدید می‌تواند از این موضوع استفاده تبلیغاتی و برندسازی کند. دریافت وثیقه‌های سنگین و زیاد که موجب بالا رفتن هزینه‌های مشتری می‌شود، در نهایت به نارضایتی وی منجر می‌گردد. درحقیقت هر نهادی که با کسب رضایت‌مندی حداکثری از مشتریان، توانست در آمد بالاتر و ریسک کمتری برای خود فراهم آورد در این بازی برنده خواهد بود.

۷-۴-۲. فرانیشیز

فرانشیز مبلغی است که در هنگام پرداخت خسارت به طلبکار، از کل خسارت کسر می‌شود. درحقیقت فرانیشیز بخشی از خسارت است که برعهده خسارت‌دیده (یا بیمه‌گذار) است. میزان آن در قرارداد اولیه بین طرفین مشخص می‌گردد. این پارامتر در ابزارهای بیمه‌ای وجود دارد اما در محصولات بانک‌ها و صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری که بیشتر با ابزارهای ضمانت‌نامه‌ای کار می‌کنند وجود ندارد. بنابراین این موضوع می‌تواند برای شرکت‌های بیمه‌ای یک نقیصه و برای دو نهاد دیگر حسن محسوب شود (همتی، ۱۳۸۸: ۹۶).

منظور از فرانیشیز بخشی خسارتی است که در هر صورت برعهده بیمه‌گذار (یا

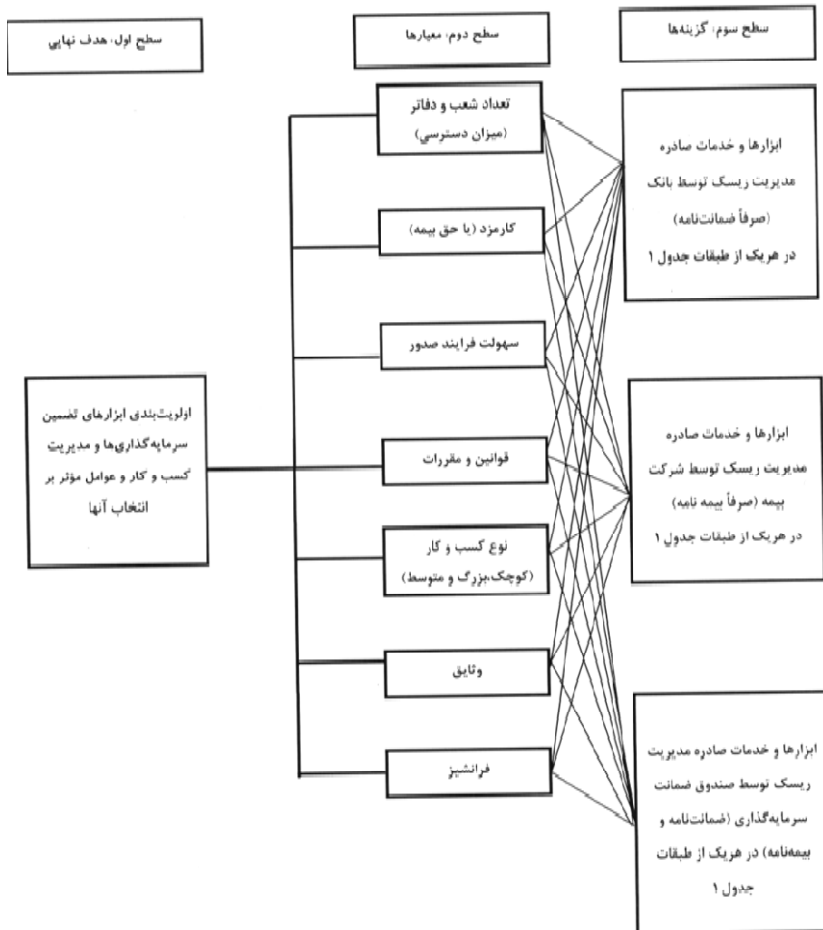
خسارت‌دیده) است (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۸۴).

۳. مدل نظری تحقیق

مدل نظری این تحقیق که همان درخت سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری در روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی است، دارای هفت معیار رویکرد تعداد شعب و دفاتر (میزان دسترسی)، کارمزد (حق بیمه)، سهولت فرایند صدور، قوانین و مقررات، نوع کسب و کار (کوچک، بزرگ و متوسط)، وثایق و فرانیشیز است. همچنین این مدل دارای سه گزینه ابزارها و

خدمات صادره توسط بانک (ضمانت‌نامه‌های مرتبط)، ابزارها و خدمات صادره توسط شرکت بیمه (بیمه‌نامه‌های مرتبط)، ابزارها و خدمات صادره توسط صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری (ضمانت‌نامه و بیمه‌نامه‌های مرتبط) است که در شکل ۱ در مدل نظری تحقیق (درخت سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری) آورده شده است. لازم به توضیح است که مطابق جدول ۱ محصولات و خدمات سه نهاد مربوطه در پنج طبقه مشابه (که نیازهای یکسانی را برطرف می‌کنند)، دسته‌بندی شده است که تمامی مقایسات زوجی این مدل برای هریک از طبقات به صورت جداگانه محاسبه و انجام می‌شود.

شکل ۱. مدل نظری تحقیق و درخت سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری



۴. روش تحقیق

این پژوهش در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد و نحوه انجام آن به صورت توصیفی از نوع پیمایشی است. برای ارائه یک مدل نظری که پایایی آن نیز به دست بیاید ابتدا با مطالعات منابع کتابخانه‌ای مدل اولیه‌ای به دست آمد و سپس با استفاده از مصاحبه دلفی با اساتید دانشگاه، کارشناسان، خبرگان و مدیران بانکی و بیمه‌ای، مدل نهایی تحقیق شامل معیارها (عوامل) و گزینه‌های (ابزارهای) تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مالی در ایران پس از تعدیل و بومی‌سازی و تأیید پایایی آن به دست آمد. روش انجام کار از طریق فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی صورت پذیرفته که از جمله تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره است که در آن مهم‌ترین نیازهای اطلاعاتی، دستیابی به داده‌هایی در خصوص انجام مقایسات زوجی مؤلفه‌هاست. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اکسپرت چویس نسخه شماره ۱۱ استفاده شده است. نمونه این تحقیق نیز بانک‌های توسعه تعاون، شرکت بیمه تعاون و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون است که تعداد ۳۰ پرسشنامه به تعداد سهم مساوی هر نهاد ۱۰ مورد (به دلیل عدم ایجاد تورش و سهم بیشتر از نظر کمی به لحاظ تعداد مساوی در نظر گرفته شده بود) جمع‌آوری شده است. لازم به توضیح است که مخاطبان این پرسشنامه‌ها مدیران و کارشناسان ارشد آن نهاد‌های نمونه تحقیق (هر نهاد ۵ مورد) و مشتریان بزرگ آن نهادها (هر نهاد ۵ مورد) بوده‌اند. به عبارت دیگر در مجموع سه نهاد، از ۱۵ مدیر و کارشناس ارشد و ۱۵ شرکت و مشتری بزرگ آنها استفاده شده بود که همراه با مصاحبه حضوری اخذ شده است. در این تحقیق به جهت به دست آوردن نتایج قابل قبول با مشورت از اساتید و خبرگان، تصمیم گرفته شد نمونه‌های انتخابی از یک خانواده و در یک سطح انتخاب شود تا قدرت یا تضعیف برند بر نتایج تأثیر نگذارد. به عنوان مثال یک بانک قوی در مقایسه با یک شرکت بیمه ضعیف و یا برعکس می‌توانست بر نتایج تأثیر نامرتب ایجاد کند. بنابراین هر کدام از این سه نهاد از یک خانواده و از یک سطح انتخاب شد.

اولین گام در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، ایجاد یک نمایش گرافیکی از مسئله است که در آن هدف، معیارها و گزینه‌ها نشان داده می‌شوند. سطح یک در سلسله‌مراتبی هدف

را نشان می دهد. در سطح دوم هفت معیار مدل نشان داده خواهند شد و در آخر نیز گزینه ها قرار خواهند گرفت.

گام دوم انجام مقایسات زوجی است که در فرایند تحلیل سلسله مراتبی عناصر هر سطح نسبت به عنصر مربوطه خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه می شود.

گام سوم تعیین اوزان اهمیت و اولویت هاست که وزن هر یک از آنها محاسبه می گردد. مقایسه ها در فرایند تحلیل سلسله مراتبی به صورت زوجی انجام می گیرد.

در این مقایسه ها تصمیم گیرندگان از قضاوت های شفاهی استفاده خواهند کرد به گونه ای که اگر عنصر ۱ با عنصر ۲ مقایسه شود تصمیم گیرنده خواهد گفت که اهمیت ۱ بر ۲ توسط ساعتی (مبدع روش) به مقادیر کمی ۱ تا ۹ (کدهایی که بیانگر گزینه های اهمیت یا مطلوبیت یکسان تا گزینه های کاملاً مهم تر یا کاملاً مطلوب تر می باشند) تبدیل شده اند و مقدار ۱ در حالتی انتخاب می شود که هر دو با هم برابر باشند و ترجیحی برهم نداشته باشند.

گام چهارم و آخر نیز محاسبه نرخ ناسازگاری است که برای تأیید روایی تحقیق انجام می پذیرد. در روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی در حالت کلی می توان گفت که میزان قابل قبول ناسازگاری یک سیستم، به تصمیم گیرنده بستگی دارد اما ساعتی (مبدع روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی) عدد ۰/۱ را به عنوان حد قابل قبول ارائه می کند و معتقد است چنانچه میزان ناسازگاری بیشتر از ۰/۱ باشد بهتر است در قضاوت ها تجدید نظر گردد و چنانچه میزان ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد قضاوت های خوبی خواهیم داشت و همان طور که بیان شد در این تحقیق ۰/۰۸ به دست آمد که مؤید قابل قبول بودن نتایج و روایی تحقیق است. همچنین سطح مخاطبان در هر سه نهاد (علاوه بر مساوی بودن تعداد نفرات) نیز از یک سطح بوده است. یعنی مدیران و کارشناسان هم سطح و مشتریان بزرگ هر نهاد در نمونه قرار گرفته اند. به عبارت دیگر در یک نهاد مشتری بزرگ و در نهاد دیگر مشتری کوچک انتخاب نشده است. تمامی این دقت ها در انتخاب نمونه گیری که بر پایه نمونه گیری قضاوتی بوده است به جهت جلوگیری از ایجاد هر گونه تورش در نتایج ناشی از نمونه های نامناسب صورت پذیرفته است. پس نه تنها تعداد نمونه ها در هر نهاد یکسان بوده است (بعد کمی)، بلکه حتی سطح مدیریتی یا کارشناسی آنها هم از یک سطح انتخاب شده اند (بعد کیفی).

۵. یافته‌های پژوهش

اولین سؤال تحقیق این بوده است که ترتیب اولویت‌بندی معیارهای مؤثر بر انتخاب بهترین گزینه چگونه می‌باشد (پس از شناسایی آنان) که در نهایت اولویت‌بندی معیارها از سوی خبرگان مربوطه مطابق جدول ۲ یافته‌های تحقیق است:

جدول ۲. خلاصه نتایج محاسباتی معیارها

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	معیار
۱	٪۳۷	۰.۳۶۳	وثایق
۲	٪۲۷	۰.۲۶۷	سهولت فرایند صدور
۳	٪۱۶	۰.۱۵۹	کارمزد (با حق بیمه)
۴	٪۱۰	۰.۱۰۲	نوع کسب و کار (کوچک، متوسط، بزرگ)
۵	٪۴	۰.۰۴۳	تعداد شعب و دفاتر (میزان دسترسی)
۶	٪۴	۰.۰۴۳	فرانشیز
۷	٪۲	۰.۰۲۳	قوانین و مقررات
	٪۱۰۰	۱	مجموع

شکل ۲. اولویت‌بندی معیارها در نرم‌افزار اکسپرت چویس



دومین سؤال تحقیق این بوده که ترتیب اولویت‌بندی و اوزان گزینه‌ها (ابزارها) که در درخت تصمیم فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، هدف نهایی نیز است چگونه می‌باشد؟ پس از

مقایسه و اولویت بندی ابزارهای تضمین سرمایه گذاری ها و فعالیت های مالی ... _____ ۲۶۳

شناسایی آنها یافته های تحقیق مطابق جداول زیر است. ابتدا اولویت بندی گزینه ها نسبت به هر کدام از معیارها آورده شده و در نهایت اولویت بندی نهایی و کلی گزینه ها بیان شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه ها نسبت به معیار میزان دسترسی

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه ها
۱	٪۶۶	۰.۶۶۵	ابزارها و خدمات صادره بانک
۲	٪۲۴	۰.۲۴۵	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۳	٪۱۰	۰.۰۹۰	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۴. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه ها نسبت به معیار کارمزد (با حق بیمه)

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه ها
۱	٪۴۰	۰.۴۰۰	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۲	٪۴۰	۰.۴۰۰	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
۳	٪۲۰	۰.۲۰۰	ابزارها و خدمات صادره بانک
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۵. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه ها نسبت به معیار سهولت فرایند صدور

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه ها
۱	٪۶۹	۰.۶۹۱	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۲	٪۲۲	۰.۲۱۸	ابزارها و خدمات صادره بانک
۳	٪۹	۰.۰۹۱	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۶. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه ها نسبت به معیار قوانین و مقررات

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه ها
۱	٪۵۷	۰.۵۷۱	ابزارها و خدمات صادره بانک
۲	٪۲۹	۰.۲۸۶	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۳	٪۱۴	۰.۱۴۳	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۷. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه‌ها نسبت به معیار نوع کسب و کار
(کوچک، متوسط و بزرگ)

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه‌ها
۱	٪۴۶	۰.۴۵۸	ابزارها و خدمات صادره بانک
۲	٪۴۲	۰.۴۱۶	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۳	٪۱۲	۰.۱۲۶	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۸. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه‌ها نسبت به معیار وثایق

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه‌ها
۱	٪۶۰	۰.۶۰۵	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
۲	٪۳۰	۰.۲۹۱	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۳	٪۱۰	۰.۱۰۵	ابزارها و خدمات صادره بانک
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۹. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه‌ها نسبت به معیار فرانشیز

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه‌ها
۱	٪۴۰	۰.۴۰۰	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
۲	٪۴۰	۰.۴۰۰	ابزارها و خدمات صادره بانک
۳	٪۲۰	۰.۲۰۰	ابزارها و خدمات صادره بیمه
	٪۱۰۰	۱	مجموع

جدول ۱۰. خلاصه نتایج محاسباتی گزینه‌ها (کلی)

اولویت	سهم درصدی اهمیت	وزن اهمیت	گزینه‌ها
۱	٪۴۱	۰.۴۱۶	ابزارها و خدمات صادره بیمه
۲	٪۳۶	۰.۳۵۳	ابزارها و خدمات صادره صندوق ضمانت
۳	٪۲۳	۰.۲۳۱	ابزارها و خدمات صادره بانک
	٪۱۰۰	۱	مجموع

شکل ۳. اولویت بندی گزینه ها در نرم افزار اکسپرت چویس



۶. جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

از آنجا که دنیای کسب و کار و صنعت با تحولات و دگرگونی های متعددی همچون جهانی شدن، برون سپاری و ایجاد ائتلاف های استراتژیک مواجه است، مدیریت ریسک در فعالیت های سازمان ها اعم از تجاری و غیرانتفاعی اهمیت روزافزونی یافته است.

نتایج به دست آمده نشان می دهد در بین هفت معیار نام برده، معیار وثایق به عنوان مهم ترین معیار جهت دستیابی به هدف و انتخاب بهترین گزینه موجود شناسایی شده است که هرچه ساده تر و سهل تر اخذ شود بیشتر به شکل گیری و توسعه کسب و کارها کمک می کند. اولویت اول این معیار نشان از ارجحیت بالای این معیار نسبت به شش معیار دیگر است. همچنین معیارهای دیگر در درجات بعدی اهمیت قرار گرفته اند. معیار قوانین و مقررات نیز به عنوان کم اهمیت ترین معیار در بین هفت معیار نام برده شناسایی شده که اولویت پایین این معیار ناشی از ارجحیت پایین این معیار در مقایسه با سایر آنهاست. البته خبرگان دلیل این را قوانین و مقررات توسط نهادهای بالادستی می دانستند که خارج از دسترس آنهاست. در واقع در اینجا بیان می شود که صاحبان کسب و کاری که در پی دستیابی به بهترین راه مدیریت ریسک فعالیت خود می باشند (با توجه به در نظر گرفتن معیارهای موجود در مدل) باید بیشترین اهمیت را به معیار وثایق و کمترین اهمیت را به

معیار قوانین و مقررات بدهند. پنج معیار دیگر نیز از نظر اهمیت بین این دو معیار قرار دارند که لزوم توجه به آنها مطابق رتبه کسب شده‌شان است.

در بین سه گزینه نام‌برده، گزینه ابزارها و خدمات صادره توسط شرکت بیمه (از جمله انواع بیمه‌نامه، به‌عنوان مهم‌ترین گزینه (ابزار) برای دستیابی به هدف موجود شناسایی شده است. اولویت بالای این گزینه ارجحیت بالای آن را نسبت به دو گزینه دیگر نشان می‌دهد. همچنین گزینه ابزارها و خدمات صادره توسط صندوق‌های ضمانت (که مأموریت اصلی آنها همین موضوع است اما به میزان کافی قدرتمند و رشد یافته نیستند) رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. گزینه ابزارها و خدمات صادره توسط بانک‌ها که هزینه زیاد و وثایق سنگینی را طلب می‌کنند نیز به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین گزینه در بین گزینه‌ها شناسایی شده است که اولویت پایین این گزینه ناشی از ارجحیت پایین این گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌هاست. البته بیشتر خبرگان بر این عقیده بودند که بانک‌ها بهترین ابزار تأمین نقدینگی و راه‌اندازی کسب و کارها هستند و نه ابزار مدیریت ریسک آنها.

البته با وجود آنکه فاصله بین گزینه اول و دوم است نسبت به فاصله بین گزینه دوم و سوم تا حدی بیشتر گشته است، اما گزینه آخر (بانک) هم سهم کمی ندارد (حدود ۲۳ درصد).

- پیشنهادها

۱. با توجه به اولویت‌بندی معیارها و مشخص شدن ضریب اهمیت هر یک از آنها، پیشنهاد می‌شود در هنگام برنامه‌ریزی جهت استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک توسط صاحبان سرمایه و کسب و کار، میزان توجه به هر یک از این معیارها، میزان هزینه‌کرد آن واحد به ترتیب اهمیت معیارها تخصیص یابد. اولویت بالای معیار وثایق و فاصله قابل توجه آن از سایر معیارها لزوم توجه بیش‌ازپیش را به این معیار می‌طلبد. بدیهی است که سایر معیارها نیز دارای اهمیت صفر (بی‌اهمیت) نیستند که اصلاً توجهی به آنها نشود و بایستی به همه آنها اما با اولویت‌های خودشان پرداخته شود.

۲. با توجه به اولویت‌بندی گزینه‌ها نسبت به معیار نوع کسب و کار (کوچک، متوسط و بزرگ) از آنجا که به ترتیب بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های ضمانت رتبه اول تا

سوم را کسب کرده اند، پیشنهاد می شود صاحبان کسب و کار بزرگ (که در تأمین وثیقه نیز مشکل کمتری دارند) از بانک ها و هر چقدر به سمت شرکت های متوسط و کوچک می رویم از بیمه ها و صندوق های ضمانت استفاده شود.

۳. از آنجا که عمده تصمیم گیری در مورد معیار قوانین، مقررات، دستورالعمل ها و بخشنامه ها بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، بیمه مرکزی، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای قانونی است، پیشنهاد می گردد تعاملات و جلسات عملی هر چه بیشتر و بهتر این نهادها و حتی تشکیل کارگروه های مشترک بین آنها برگزار شود تا موجبات تقویت و رشد بیش از پیش آن و رفع محدودیت های قانونی گردد.

۴. این سه نهاد با برگزاری جلسات و اقدامات مشترک با یکدیگر می توانند موجبات رشد و ارتقای خود را در کاهش ریسک های کسب و کار بردارند (البته به تناسب سهم خود).

منابع و مآخذ

۱. البدوی، امیر (۱۳۸۸). «کاربرد روش دلفی برای استخراج عوامل کیفی ریسک و استفاده از آن در تعیین رتبه ریسک کیفی گیرندگان: مورد کاوی بانک کارآفرین»، مدیریت بازرگانی، سال اول، ش ۲.
۲. پارسائیان، علی (۱۳۹۲). بانکداری نوین، تهران، انتشارات بانک سپه.
۳. تهرانی، رضا (۱۳۸۶). مدیریت مالی، تهران، انتشارات نگاه دانش.
۴. جلالی، محسن (۱۳۹۱). «اولویت‌بندی ساختار اتحاد بانک - بیمه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۵. حاجی‌حیدری، نسترن (۱۳۹۱). «شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در آمادگی پیاده‌سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار»، مدیریت و توسعه، ش ۲.
۶. خرمی، فرهاد (۱۳۸۰). «معرفی دو مدل اندازه‌گیری یارانه‌های پرداختی مؤثر به مؤسسات تضمین و بیمه اعتبار صادراتی»، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۳.
۷. سایت رسمی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۸. سایت رسمی صندوق ضمانت صادرات ایران.
۹. سلیمانی، مصطفی (۱۳۸۵). مجموعه قوانین و مقررات بیمه، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی ریاست جمهوری.
۱۰. طالبی، محمد (۱۳۹۰). ریسک اعتباری اندازه‌گیری و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. عباسی، ابراهیم (۱۳۸۰). «بررسی نقش بیمه‌نامه و ضمانت‌نامه‌های اعتبار صادرات کالا در توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی»، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۳.
۱۲. عزیزنصیری، سمانه (۱۳۹۲). «مدیریت ریسک کشاورزی با استفاده از بیمه محصولات کشاورزی»، تازه‌های جهان بیمه، ش ۱۸۱.
۱۳. فلاح شمس، میرفیض (۱۳۸۴). طراحی و تبیین مدل ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور، تهران، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۱۴. فنائی، مجتبی (۱۳۸۸). چگونه یک سرمایه‌گذار آگاه باشیم، تهران، انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار.
۱۵. قدسی‌پور، حسن (۱۳۸۸). فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، تهران، انتشارات دانشگاه امیرکبیر.
۱۶. کدخدایی، حسین (۱۳۸۳). «کاربرد ابزارهای مالی در صنعت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر»، همایش ملی صنعت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر.

۱۷. مومتمنی، علیرضا (۱۳۹۳). *صندوق های ضمانت و بیمه سرمایه گذاری*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۸. همتی، عبدالناصر (۱۳۸۸). *مبانی نظری و عملی بیمه*، تهران، انتشارات پژوهشکده بیمه.

۱۹. هدایتی، علی اصغر (۱۳۸۹). *عملیات بانکی داخلی تخصیص منابع*، تهران، انتشارات مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

20. Abdelrahman, S. O. (2012). The Impact of Enterpreneurial Marketing Factors on Competitive Innovativeness among Female Entrepreneurs in Egypt M. S. C. Thesis, Department of Business Administration, Faculty of Commerce, Cairo University.
21. Ardiansyah, M. (2009). *Default Risk in Islamic Equity Return*, KualaLumpur: International Islamic University of Malaysia.
22. Artikis, G., S. Mutenga and Sotiris K. Staikouras (2008). "A Practical Approach to Blend Insurance in the Banking Network", *Journal of Risk Finance*, 9.
23. Crouhy, Michel and Robert Mark Dan Galani (2010). *The Essentials of Risk Management*, Wiley Finance.
24. Devolder, Pierre (2005). "Risk Measure and Fair Valuation of an Investment Guarantee in Life insurance", *Journal of Insurance Mathematics & Economics*, 37.
25. Gestel, Van and Tony Bart Beasens (2009). *Credit Risk Management*, Oxford.
26. Hardy, Mary (2007). *Investment Guarantees*, Wiley Finance.
27. Huizinga, H. and H. Nicodeme (2005). "Deposit Insurance and International bank Liabilities", *Journal of Banking and Finance*, 30.
28. Jinbing, Yingjie (2007). Research on Indexing Systems for Enterprise Credit Evalustin in B2B. Integration and Innovationrient to E-Society.
29. Kilenthong, P., G. E. Hills, C. Hultman and L. S. Sclove (2010). *Enterpreneurial Marketing Practice: Systematic Relationships with Firm Age, Firm size and Operators Status*, Glebal Reserch Sym Posium. On Morketing and Enterpreneurship Boston.
30. Leone, Paopla (2009). *Credit Insurance and Investment*, Quebec, Canada.
31. Munich Re Group (2005). "Bancassurance in Practice", Münchener Rückversicherungs-Gesellschaft.
32. Lou, Pengfei (2016). "Investment and Financing for SMEs with a Partial Guarantee and Jump Risk", *European Journal of Operational Research*, 249.
33. Obaidullah, M. (2002). "Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency", *International Journal of Islamic Finance Services*, Vol. 4, No. 3.
34. Staikouras, S. K. (2007). "Does the Stock Market Compensate Banks for Diversifying into Theinsurance Business?", Paper Presented at the Annual

- Conference of the British Accounting Association, Kingston upon Thames.
35. Timothy, C. Irwin (2007). *Government Guarantees*, The World Bank.
36. Way-sum Chan (2011). "Modeling investment Guarantees in Japan", *Journal of International Review of Financial Analysis*, 20.
37. Yang, Zhaojun (2015). "Investment Timing and Capital Structure with Loan Guarantees", *Journal of Finance Research Letters*, 13.

بررسی تطبیقی مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت در نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران

احمد حکیم جوادی* و محمدرضا پاسبان**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۳/۱۲

مقررات کنترل ادغام در نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران، از یک منظر به دو دسته مقررات ناظر بر ضابطه ماهوی کنترل ادغام‌ها و مقررات شکلی، قابل تقسیم هستند. بررسی مقررات ماهوی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که این نظام، درخصوص کنترل همه نوع ادغام‌ها، اعم از واقعی و عملی، ضابطه‌ای واحد و البته متفاوت با سایر رویه‌های ضدرقابتهی شناسایی کرده که عبارت است از ضابطه ماهوی «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر» و ممکن است به موجب عوامل مختلف، از جمله «ایجاد یا تقویت وضعیت مسلط» و ... محقق شود؛ اما نظام حقوقی ایران درخصوص ادغام‌های واقعی و عملی دو ضابطه متفاوت را شناسایی کرده است به نحوی که درخصوص ادغام‌های واقعی، ضابطه ماهوی «ایجاد تمرکز شدید» و درخصوص ادغام‌های عملی، ضابطه ماهوی «اخلال در رقابت» را مقرر کرده است.

علاوه بر این، قانونگذار ایران، رعایت الزامات و مقررات عام درباره رویه‌های ضدرقابتهی را درخصوص «ادغام‌های واقعی» نیز ضروری دانسته است حال آنکه در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، مقررات خاص و ویژه‌ای برای کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت وضع شده و به وضوح، عدم شمول مقررات عام راجع به فعالیت‌های ضدرقابتهی بر کنترل ادغام‌ها مورد تصریح قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ادغام واقعی؛ ادغام عملی؛ کنترل ادغام؛ ضابطه ماهوی؛ حقوق رقابت

* دانشجوی دکتری تخصصی حقوق، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران؛

Email: ahmad.hakimjavadi@gmail.com

** عضو هیئت علمی مدعو، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: mpasban@atu.ac.ir

مقدمه

به‌عنوان یک اصل باید دانست که اجرای ادغام‌ها در بسیاری موارد، نه تنها مانعی برای رقابت نیست، بلکه گاهی موجب افزایش رقابت نیز می‌شود، زیرا ادغام‌ها معمولاً سبب ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، شتاب‌بخشی به رشد اقتصاد و ... گردیده (Cassidy, 1995: 27) و در نهایت، به فضای رقابتی کمک شایانی می‌کند، اما با وجود مزایای متعددی که برای این نهاد برشمرده‌اند، باید آن را یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلال در رقابت و نظام اقتصادی در هر جامعه، و در مقیاسی وسیع‌تر، فضای تجارت بین‌الملل برشمرد، زیرا این امکان وجود دارد که ادغام انجام شده سبب ایجاد انحصار و ایجاد تمرکز شدید، و به تبع آن، سوءاستفاده از «وضعیت مسلط» اقتصادی توسط شرکت‌های بازمانده یا جدیدالتأسیس در اثر ادغام شود (رجالی، ۱۳۹۱: ۵۱).

بر این اساس، به ادغام‌ها در حوزه حقوق رقابت، به‌طور ویژه توجه شد؛ به‌گونه‌ای که آن را یکی از عوامل اصلی گسترش حقوق رقابت دانسته‌اند (Dabbah, 2004: 532)، بنابراین می‌توان شناسایی ادغام‌های مجاز و ممنوع از منظر حقوق رقابت، جهت پیشگیری یا رفع آثار نامطلوب آن را امری ضروری دانست؛ چراکه همانگونه که در ادامه، اشاره خواهیم کرد، مراجع ذی‌ربط در حوزه حقوق رقابت، ادغام‌هایی را ممنوع اعلام می‌کنند که آثار منفی آنها بیش از آثار مثبتی است که ممکن است به بار آورند، یا در نتیجه اجرای آنها، صرفاً آثار منفی بر رقابت ایجاد شده یا این آثار را تقویت می‌کنند.

نکته حائز اهمیت این است که ضابطه اصلی در کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت یعنی ضابطه اصلی تعیین ادغام‌های محل رقابت و ممنوع، بایستی متفاوت با ضوابط عام مربوط به تعیین اقدامات ضد رقابتی باشد؛ چراکه مقررات عام راجع به رویه‌های ضد رقابتی نوعاً شامل مباحثی، از جمله سوءاستفاده از موقعیت مسلط، مانند کاهش عرضه و افزایش قیمت می‌شود که اساساً در مرحله وقوع ادغام‌ها قابل طرح نیست، زیرا در زمان تحقق ادغام، عملاً هیچ تغییر مادی انجام نشده و تنها شخصیت حقوقی یک یا چند شرکت، بدون تصفیه منحل شده و حقوق و تعهدات آنها به شرکت بازمانده یا جدیدالتأسیس منتقل می‌شود. در مقابل چنانچه پس از وقوع ادغام، انحصار و وضعیت تمرکز شدید ایجاد شده

باشد، ممکن است شرکت بازمانده یا جدیدالتأسیس مذکور، اقدام به اخلال در رقابت کرده، اقدامات ممنوعه را مرتکب شود؛ در این صورت آن شرکت مانند سایر فعالان تجاری و فارغ از اینکه شرکتی است که بر اثر ادغام ایجاد شده یا شرکتی است که در گذشته دارای موقعیت مسلط بوده یا حتی بدون برخورداری از این موقعیت، به اقدامات ممنوعه موردنظر قانونگذار مبادرت کرده است، مشمول مواد مربوط به فعالیت‌های ضدرقابتهی به مفهوم عام خواهد شد.

بنابراین ممنوعیت‌های مذکور در مقررات عام مربوط به اقدامات ضدرقابتهی، درخصوص کنترل ادغام‌ها، سالبه به انتفاء موضوع است و نظام‌های حقوقی، از جمله اتحادیه اروپا، با وضع مقررات خاص درمورد کنترل ادغام‌ها، به دنبال پیشگیری از ایجاد زمینه مساعد برای ارتکاب فعالیت‌های ناقض رقابت موضوع مقررات عام رقابت هستند؛ به بیان دیگر، مقررات کنترل ادغام‌ها مربوط به مرحله‌ای پیش از آنچه مقررات عام رقابت، ناظر بر آن هستند، می‌باشد، پس اساساً هدف از وضع مقررات و ضوابط خاص کنترل ادغام‌ها، از بین بردن زمینه اقدامات عام ضدرقابتهی است تا امکان این دست اقدامات برای شرکت‌ها ایجاد نشده و مراجع نظارتی مجبور نباشند در آینده از طریق مقررات عام اقدامات ضدرقابتهی، مانع اقدامات مذکور شوند.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم ادغام

ادغام در معنای عام عبارت است از سیطره یک شرکت تجاری بر یک یا چند شرکت تجاری دیگر، حسب مورد، از طریق محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده یا بدون محو شخصیت حقوقی آنها. از این دیدگاه، ادغام شرکت‌های سهامی بر دو نوع است: «ادغام واقعی» و «ادغام عملی» و هر یک از آنها نیز به چند نوع تقسیم می‌شود. مبنای این تقسیم‌بندی آن است که در ادغام واقعی، شخصیت حقوقی شرکت یا شرکت‌های سهامی ادغام‌شونده محو می‌شود، اما در ادغام عملی، شخصیت حقوقی آنان پس از ادغام پابرجا می‌ماند (Gaughan, 2010: 12).

ادغام واقعی خود بر دو نوع است: در فرضی که حقوق و تعهدات دو یا چند شرکت تجاری به یکی از آنها منتقل می‌شود، آن را «ادغام ساده»^۱ می‌گویند، اما اگر حقوق و تعهدات همه آن شرکت‌ها به یک شرکت سهامی جدید منتقل شود، «ادغام مرکب»^۲ محقق می‌شود (Ridely, 2011: 131). «دستورالعمل سوم اتحادیه اروپا»^۳ بین این دو نوع ادغام، تمایز قائل شده است:

۱. «ادغام از طریق جذب»^۴ عملیاتی است که به موجب آن، یک یا چند شرکت، بدون آنکه تصفیه شوند،^۵ منحل شده و همه دارایی‌ها و مسئولیت‌های آنها به شرکت دیگر منتقل می‌شود؛^۶

۲. «ادغام از طریق تشکیل یک شرکت جدید»^۷ عملیاتی است که به موجب آن، چند شرکت بدون آنکه تصفیه شوند، منحل شده و همه دارایی‌ها و مسئولیت‌های آنها به شرکتی که تأسیس می‌کنند، منتقل می‌شود.^۸

براساس مقررات اتحادیه اروپا، ادغام عملی نیز به‌طور کلی به دو شکل «تصاحب سهام»^۹ یا «تحصیل دارایی»^{۱۰} قابل انجام است؛ به موجب روش نخست که در «دستورالعمل تصاحب اتحادیه اروپا»^{۱۱} در قالب «ایجاب تصاحب»^{۱۲} صورت می‌پذیرد، شرکت تصاحب‌کننده از طریق ایجاب عامی خطاب به سهامداران شرکت تصاحب‌شونده و بدون نیاز به جلب موافقت مدیران این شرکت (McLaughlin, 2013: 354; Pettet, 2005: 280)، آن میزان از سهام شرکت تصاحب‌شونده که باعث برتری عددی میزان رأی او در مجمع عمومی می‌شود را تصاحب می‌کند.

1. Merger by Acquisition

2. Merger by Formation of a New Company

3. Third Council Directive 78/855/EEC of 9 October 1978

4. Merger by the Acquisition of one or more Companies by Another

5. Without Going into Liquidation

۶. ماده (۳) دستورالعمل سوم اتحادیه اروپا.

7. Merger by the Formation of a New Company

۸. ماده (۴) دستورالعمل سوم اتحادیه اروپا.

9. Takeover

10. Sale of Company's Property

11. Directive 2004/25/EC on Takeover Bids

12. Takeover Bid

بر اساس روش تحصیل دارایی، شرکت تحصیل کننده بدون آنکه در سیستم اداره شرکت سهامی مورد نظر وارد شود، با اهدافی از جمله خارج ساختن شرکت تحصیل شونده از بازار رقابتی یا ارتقای سیستم های فعالیتی خود، تمام یا بخش عمده دارایی آن شرکت را خریداری می کند (Bourne, 2013: 349). در روش اخیر هر چند انحلال و یکی شدن شخصیت حقوقی شرکت ها یا کسب مدیریت شرکتی دیگر از طریق در اختیار داشتن تعداد سهام لازم و با داشتن امکان انتخاب اکثریت مدیران اتفاق نمی افتد و به عبارت دیگر با وجود استقلال شخصیت حقوقی شرکت ها و عدم مداخله شرکت تحصیل کننده در اداره شرکت تحصیل شونده، با این حال از این روش در ذیل ادغام (ادغام عملی) سخن گفته می شود. علت این موضوع این است که منظور از ادغام در معنای عام که شامل ادغام عملی نیز می شود صرفاً تسلط بر مدیریت شخصیت حقوقی دیگر نبوده بلکه در معنای عام تسلط بر عملیات تجاری شرکت دیگر را هم در بر می گیرد.

در تحصیل دارایی وقتی شرکتی تمام ابزار فعالیت تجاری شرکت دیگر را تحصیل می کند هر چند در اداره شخصیت حقوقی شرکت تحصیل شونده ورودی نمی کند اما از طریق دیگری یعنی با در دست گرفتن تمام ابزار تولید او، به جای شرکت مذکور تسلط و حق استفاده و بهره برداری از ابزار تولید تحصیل شده را خواهد داشت و به این ترتیب هر چند شخصیت حقوقی شرکتی که تمام دارایی و به عبارت دیگر ابزار تولید و فعالیت آن تحصیل شده، باقی است و تسلطی هم نسبت به آن ایجاد نشده اما با انتقال کلیه ابزار فعالیت های تجاری و ابزار تولید آن به شرکت تحصیل کننده در عمل تسلط و کنترل بر ابزار فعالیت شرکت تحصیل شونده و تسلط بر حوزه فعالیت آن به شرکت تحصیل کننده انتقال می یابد و با توجه به اینکه یکی از اهداف اساسی و نهایی مورد نظر در انواع ادغام تسلط بر حوزه فعالیت شرکت یا شرکت های دیگر است، در روش تحصیل دارایی به صورت صریح تر و با خارج کردن ابزار تولید و تجارت از دست شرکت دیگر و با تحصیل و در اختیار گرفتن آن حاصل می شود هر چند در ادغام واقعی با یکی شدن شخصیت حقوقی شرکت ها و در روش تصاحب سهام با کسب سهام مدیریتی به دست می آید. این نکته نیز برای روشن تر شدن هر چه بیشتر این موضوع قابل توجه است که از جمله اهداف

نهایی در ادغام تسلط بر مدیریت شخصیت حقوقی دیگر و شرکت دیگر نیست و به عبارت دیگر تسلط بر مدیریت طریقت دارد و آنچه نهایتاً هدف است و موضوعیت دارد تسلط بر فعالیت تجاری شرکت تجاری دیگر است که در روش تحصیل دارایی نیز محقق می‌شود. همچنین شایان ذکر است از خواستگاه‌های اصلی طرح بحث ادغام جلوگیری از اختلال در رقابت است که مبنای این اختلال ایجاد تمرکز است که این مبنا همچنان که در ادغام واقعی قابل طرح است در ادغام عملی نیز قابل وقوع است از این رو تحصیل دارایی شرکت دیگر نیز خصوصاً از منظر حقوق رقابت ذیل عنوان ادغام مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در خصوص این روش هر چند شخصیت حقوقی شرکت تحصیل شونده باقی می‌ماند اما با فروش بخش عمده یا تمام دارایی شرکت مذکور عملاً امکان ادامه فعالیت شرکت مذکور فراهم نخواهد بود و در عمل این امر مقدمه‌ای است برای آغاز فرایند انحلال و تصفیه شرکت مذکور و خروج آن از چرخه رقابت و فعالیت.

اما تقسیم‌بندی دیگر ادغام‌ها که از منظر کنترل تمرکز و حقوق رقابت حائز اهمیت است، تقسیم ادغام‌ها از جهت «ساختار اقتصادی» به «ادغام افقی»،^۱ «عمودی»^۲ و «مختلط»^۳ است (Stemshaug, 2012: 5) ادغام افقی زمانی واقع می‌شود که دو یا چند شرکت که در یک حوزه جغرافیایی واقع‌اند و موضوع فعالیت آنها واحد یا مشابه بوده و به تعبیر بهتر، در یک خط تولیدی و خدماتی فعالیت می‌کنند،^۴ در یکدیگر ادغام شده و یکی از این شرکت‌ها، سهام یا دارایی شرکت‌های دیگر را تصاحب کند (Gregoriou and Neuhauser, 2007: 156; Kokkoris, 2011: 51).

حال اگر بین شرکت‌های سهامی که در سطوح مختلف فرایند تولید یک محصول فعال هستند، ادغامی صورت پذیرد که آن را ادغام عمودی می‌نامند؛^۵ به عنوان مثال یکی از

1. Horizontal Merger

2. Vertical Merger

3. Conglomerate Merger

4. Commission Guidelines on the Assessment of Horizontal Mergers under the Council Regulation on the Control of Concentrations between Undertakings (2004/C 31/03), Clause 5.

5. Commission Guidelines on the Assessment of Non-Horizontal Mergers under the Council Regulation on the Control of Concentrations between Undertakings, (2008/C 265/07), Clause 3.

از مواردی که این نوع ادغام واقع می‌شود حالتی است که تولیدکننده یک محصول خاص (شرکت بالادستی)^۱ با یکی از توزیع‌کنندگان آن محصول (شرکت پایین‌دستی)^۲ ادغام می‌شود^۳ و این یعنی یکی از دو شرکت، به‌طور بالقوه یا در عمل، عرضه‌کننده کالا یا خدمات برای شرکت دیگر است (Malinauskaite, 2011:14)، اما ادغام مختلط، نه ادغام افقی (به‌عنوان دو رقیب در بازار مشابه) است و نه ادغام عمودی (به‌عنوان رابطه تأمین‌کننده و مشتری)^۴ و زمانی رخ می‌دهد که یا موضوع فعالیت تجاری دو شرکت که در هم ادغام می‌شوند، با هم غیرمرتبط باشد یا اینکه اگر موضوع فعالیت آنها دارای ارتباط و پیوستگی است، در حوزه‌های جغرافیایی مستقل از یکدیگر فعالیت کنند (Slaughter and May, 2009: 26)؛ به‌گونه‌ای که نه رقیب یکدیگر باشند و نه ارتباط تولیدکننده و مصرف‌کننده بین آنها برقرار باشد.

۲. مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت در نظام حقوقی

اتحادیه اروپا

۱-۲. پیشینه

اصل رقابت آزاد بازرگانی، یکی از اصول اساسی است که در معاهده ۱۹۵۷ رم و اصلاحات بعدی آن که منتهی به شکل‌گیری اتحادیه اروپا شد، مدنظر قرار داشته است (شکوهی، ۱۳۸۱: ۴) بخش عمده مقررات، اصلی درباره حقوق رقابت در نظام حقوقی اتحادیه اروپا در مواد (۱۰۱ تا ۱۰۹)^۵ معاهده^۶ بیان شده است. از این میان، اساس مقررات ماهوی معاهده ناظر بر رقابت آزاد تجاری، در مواد (۱۰۱ و ۱۰۲) بیان شده، و مواد (۱۰۶ تا ۱۰۹)، ناظر به حمایت‌ها و کمک‌های دولتی کشورهای عضو از بخش عمومی و دولتی و نیز بازارها یا فعالانی خاص است که به علت آثار این حمایت‌ها در رقابت‌های تجاری، در

1. Upstream Undertaking

2. Downstream Undertaking

3. Guidelines on the Assessment of Non-Horizontal Mergers, Clause 4.

4. Ibid, Clause 5.

۵. متناظر مواد (۸۱ تا ۸۹) معاهده آمستردام.

6. The Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU)

این قسمت از مقررات معاهده مورد توجه قرار گرفته است. موارد مورد اشاره را می‌توان بخش اصلی مقررات ماهوی معاهده در خصوص رقابت دانست و مواد (۱۰۳ تا ۱۰۵) را مقررات شکلی معاهده در این خصوص محسوب کرد، چراکه ماده (۱۰۳) به اموری مانند نحوه تصویب مقررات ثانوی، از جمله آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم برای اجرای اصول کلی مورد اشاره در مواد (۱۰۱ و ۱۰۲) می‌پردازد و لزوم تعیین تکلیف در خصوص اموری، از جمله نحوه رسیدگی به شکایات واصله راجع به نقض مقررات رقابتی و چگونگی نظارت بر عملکرد فعالان اقتصادی و میزان جریمه‌ها در مقررات ثانوی مذکور را مورد تأکید قرار داده است. به موجب بند «۱» ماده (۱۰۳)، «در اجرای اصول تعیین شده در مواد (۱۰۱ و ۱۰۲) معاهده، شورا با اکثریت معین آرا^۱ و براساس پیشنهاد کمیسیون و پس از مشاوره با پارلمان اروپا، آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های مناسب را تصویب خواهد نمود». در راستای اجرای این تکلیف، آیین‌نامه شماره ۶۲/۱۷ به تصویب شورای وزیران رسید که البته از آنجا که این آیین‌نامه، نحوه اجرای مقررات ماهوی رقابت را بیان کرده و اختیارات و صلاحیت‌های مراجع مرتبط، از جمله کمیسیون و دادگاه‌های ملی را تعیین می‌کند، به‌عنوان «آیین‌نامه مبنا» نیز از آن نام برده می‌شود.^۲

همان‌طور که اشاره شد، بخش اصلی مقررات ماهوی معاهده ناظر بر رقابت آزاد تجاری که خاص کنترل ادغام‌ها نیست، در مواد (۱۰۱ و ۱۰۲) بیان شده است (Parisi, 2010: 2; Lecchi and Logendra, 2013: 57). ماده (۱۰۱) مقرر می‌دارد: «موارد ذیل به دلیل مغایرت با بازار مشترک، ممنوع خواهند بود: همه توافق‌های میان مؤسسه‌های تجاری، تصمیم‌های اتحادیه‌های صنفی و فعالیت‌های دسته‌جمعی هم‌سویی که به‌شرح مذکور در موارد زیر، می‌توانند تجارت بین کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار داده و دارای اثر ممانعت‌کننده، محدودکننده یا مخرب در رقابت داخل بازار مشترک باشند...». ملاحظه می‌شود که این ماده، سه دسته از فعالیت‌هایی را که ممکن است موجب نقض حقوق رقابت شوند، ممنوع اعلام کرده است، بنابراین این ماده، توافق‌ها را فارغ از شکل و قالب

1. Qualified Majority

۲. شایان ذکر است این آیین‌نامه به موجب آیین‌نامه شماره ۲۰۰۳/۱ اصلاح شده است.

آنها، در صورتی که آثار ضد رقابتی داشته باشند، منع کرده و به دنبال جلوگیری از موانع رقابت آزاد تجاری از طریق جلوگیری از ایجاد انحصار است.

ماده (۱۰۲) نیز بیان می‌کند که «هرگونه سوءاستفاده یک یا چند مؤسسه تجاری که در کل بازار مشترک یا در بخش اساسی آن، دارای موقعیت انحصاری‌اند، چنانچه تجارت بین کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار دهند، به دلیل مغایرت با بازار مشترک ممنوع خواهند بود...». می‌توان گفت ماده (۱۰۲) برخلاف ماده (۱۰۱) که به دنبال کنترل توافقاتی است که ممکن است در نهایت، موجب ایجاد انحصار یا آثار سوء رقابتی شوند، ناظر بر حالتی است که بنگاهی تجاری، به نحوی دارای موقعیت انحصاری در بازار می‌باشد (Levy, 2013: 726)، پس در این حالت، کسب موقعیت انحصاری مورد توجه نیست، بلکه ناظر به بعد از این مرحله، یعنی فرضی است که این شخص با سوءاستفاده از این وضعیت مسلط و انحصاری، در رقابت اخلاص ایجاد می‌کند.

پیشینه مقررات نظام حقوقی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که تا پیش از صدور رأی کمیسیون اروپا در خصوص پرونده معروف «کانتیننتال کن»، ضوابط مشخصی بر کنترل ادغام‌ها حاکم نبود. «کانتیننتال کن» یک شرکت آمریکایی با «موقعیتی مسلط» در بازار ظروف و کانتینرهای فلزی بود که تلاش کرد تا کنترل یک شرکت آلمانی فعال در همان بازار را تصاحب کند. کمیسیون این گونه استدلال کرد که تصاحب شرکت هدف، منجر به سوءاستفاده از وضعیت مسلط توسط شرکت «کانتیننتال کن» می‌گردد؛ به گونه‌ای که در ادامه، زمینه رقابت میان دو شرکت را از بین خواهد برد. در مرحله تجدیدنظر، دیوان دادگستری اروپا هر چند تصمیم کمیسیون را رد کرد، اما استدلال کمیسیون را مبنی بر اینکه ماده (۱۰۲) معاهده، شامل توسعه وضعیت مسلط از طریق ادغام نیز می‌شود را پذیرفت (Chalmers, Davies and Monti, 2010: 1001).

در نهایت، از آنجا که کنترل ادغام‌ها بر اساس مواد معاهده، به ویژه مواد (۱۰۱ و ۱۰۲)، در عمل با مشکلات متعددی همراه بود، کمیسیون اروپا اولین پیشنهاد خود را در سال ۱۹۷۳ در خصوص آیین‌نامه ادغام به شورای اروپا ارائه کرد (Baches Opi, 2010: 234)؛ براین

اساس، اولین «آیین نامه ادغام»^۱ در سال ۱۹۸۹ توسط شورای اروپا به تصویب رسید که در سپتامبر ۱۹۹۰ به اجرا درآمد (Fugina, 2006: 478). این آیین نامه در سال‌های بعد، در موارد متعددی مورد اصلاح قرار گرفت و در نهایت، آیین نامه شماره ۲۰۰۴/۱۳۹ ادغام^۲، از ماه مه ۲۰۰۴ جایگزین آن و لازم‌الاجرا شد (Duso, Gugler and Yurtoglu, 2011: 984)؛ به نحوی که بند اول مقدمه آیین نامه جدید در بیان علت تصویب آن تصریح می‌کند از آنجا که آیین نامه سابق، مورد اصلاحات اساسی و مکرر قرار گرفته و اصلاحات بیشتری نیز مورد نظر است، به منظور جلوگیری از هرگونه ابهام، به جای اصلاح آیین نامه قبلی این آیین نامه تصویب می‌شود.

باید دانست اگرچه این آیین نامه به عنوان «آیین نامه ادغام»^۳ شناخته می‌شود و در عنوان رسمی این مصوبه نیز به این موضوع اشاره شده است و در حال حاضر، مقررات اصلی کنترل ادغام در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، در این آیین نامه است، اما مواد ناظر به تعیین دامنه شمول آن، از واژه «Merger» استفاده نکرده، بلکه عبارت عام «تمرکزها»^۴ را به کار برده است، بنابراین به موجب تصریح ماده (۳) علاوه بر ادغام‌های واقعی، شامل ادغام‌های عملی، یعنی تحصیل کنترل شرکت از طریق تصاحب سهام یا تحصیل دارایی نیز شده و در واقع، برای تمام این موارد، مقررات شکلی و ضابطه ماهوی واحدی را در نظر گرفته است.

شایان ذکر است که به موجب بند «۱» ماده (۲۱) آیین نامه ادغام، تنها ادغام‌ها و تمرکزهایی مشمول مقررات کنترل ادغام اتحادیه اروپا قرار می‌گیرند که در حدنصاب‌های شناسایی شده در این آیین نامه بوده و اصطلاحاً دارای «بُعد اتحادیه‌ای»^۵ باشند. اگر ادغام و تمرکزی دارای بعد اتحادیه‌ای باشد، باید در مهلت مقرر در آیین نامه مذکور به کمیسیون اطلاع‌رسانی شود؛^۶ پس از آن کمیسیون اروپا بررسی اولیه را آغاز می‌کند. حال اگر

1. Council Regulation (EC) No 4064/89 of 21 December 1989 on the Control of Concentrations between Undertakings.

2. Council Regulation (EC) No 139/2004 of 20 January 2004 on the Control of Concentrations between Undertakings (the EC Merger Regulation).

3. The EC Merger Regulation

4. Control of Concentration

5. The Community Dimension

۶. بند «۱» ماده (۴) آیین نامه ادغام.

کمیسیون در ارزیابی اولیه خود، این ادغام را «سازگار با بازار مشترک»^۱ تشخیص دهد، فرایند بررسی را متوقف، و مجوز اجرا و تحقق آن را صادر می‌کند،^۲ اما چنانچه در خلال بررسی اولیه خود، احتمال مغایرت تمرکز و ادغام را با بازار مشترک بدهد، اما در عین حال تشخیص دهد که در صورت مذاکره با طرفین ادغام، امکان حصول توافق با آنها در خصوص ایجاد تغییراتی در آن ادغام برای رفع این مغایرت‌ها وجود دارد، می‌تواند ادغام و تمرکز مورد نظر را براساس بند «۲» ماده (۶)، «به صورت مشروط» تأیید کند؛ به شرط آنکه طرفین ادغام با انجام اصلاحات مورد نظر کمیسیون موافقت کنند. حال اگر اصلاحات مورد نظر کمیسیون در آن ادغام و تمرکز رعایت نشود، کمیسیون می‌تواند تصمیم خود مبنی بر تأیید را لغو نموده و مرحله دوم بررسی و ارزیابی را آغاز کند^۳ (Rodger and MacCulloch, 2009: 292) در نهایت، چنانچه کمیسیون در ارزیابی اولیه خود، ادغام و تمرکز مورد نظر را «مغایر با بازار مشترک» شناسایی کند، مرحله دوم ارزیابی را آغاز نموده و شروع به «بررسی تفصیلی» می‌نماید که با توجه به گسترده و تفصیلی بودن، این مرحله، متضمن تحقیقات بیشتر و مفصل‌تر، و همچنین مهلت زمانی موسع‌تری خواهد بود (Ibid.).

۲-۲. ضابطه ماهوی

کمیسیون اروپا که یکی از ارکان اصلی اجرای مقررات رقابتی اتحادیه اروپا است، در راستای ماده (۶) آیین‌نامه ادغام به موجب بررسی اولیه، و در راستای ماده (۸) آیین‌نامه به موجب بررسی تفصیلی، در خصوص ادغام و تمرکز مورد نظر، اقدام به اعلام تصمیم می‌کند. این تصمیم کمیسیون، به تصریح ماده (۲) آیین‌نامه بر مفهوم «سازگاری با بازار مشترک» استوار است که البته این مفهوم، در بندهای ماده مذکور تبیین شده است. این ماده در ادامه منظور خود از مفهوم «سازگاری با بازار مشترک» را بیان می‌کند، در این راستا به موجب

1. Compatible with the Common Market

۲. ماده (۷) آیین‌نامه ادغام.

۳. این اصلاحات مورد توافق و مذاکره در ادبیات کمیسیون، تحت عنوان «جبران‌ها (Remedies)» شناخته می‌شوند.

بند «۳» این ماده، ممنوعیت اصلی، مربوط به تمرکزهایی می‌شود که از طرق مختلف «خصوصاً با ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط، مانع عمده و قابل ملاحظه‌ای برای رقابت مؤثر در بازار مشترک یا بخش کلانی از آن ایجاد نمایند» (Ezrachi and Ioannidou, 2014: 74).

ملاحظه می‌شود که در این ماده، مفهوم عام «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر»^۱ که اختیارات بیشتری را به کمیسیون می‌دهد، جهت احراز «سازگاری با بازار مشترک» یا عدم آن، مدنظر قرار گرفته است (Tiwari, 2011: 135)؛ البته با دقت در این ضابطه ملاحظه می‌شود که «ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط»، به‌عنوان مثال مورد اشاره قرار گرفته و به صورت حصری، ملاک نبوده است؛ به‌عبارت‌دیگر، ضابطه اصلی، صرفاً ایجاد یا تقویت وضعیت مسلط شناخته نشده است، بلکه «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر» که مفهوم عام‌تری است، مورد تصریح قرار گرفته است که از طرق مختلفی، از جمله «ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط» امکان وقوع آن وجود دارد.

براساس بند «۱» ماده (۲) آیین‌نامه، کمیسیون در ارزیابی و بررسی ماهوی ادغام و در راستای تعیین اینکه آیا ادغام «سازگار با بازار مشترک» است و به عبارت دقیق‌تر، آیا «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر» می‌نماید یا خیر، باید موارد زیر را مدنظر قرار دهد:

«الف» ضرورت حفظ و توسعه رقابت مؤثر در بازار مشترک با توجه به ساختار تمام بازارهای مرتبط با موضوع، و همچنین رقابت موجود یا بالقوه میان بنگاه‌ها، اعم از بنگاه‌های داخل یا خارج از اتحادیه؛

ب) موقعیت بنگاه‌های موردنظر در بازار و قدرت اقتصادی آنها، میزان دسترسی عرضه‌کنندگان یا مصرف‌کنندگان به جایگزین‌ها، دسترسی آنها به ملزومات یا بازارها، محدودیت‌های قانونی یا هر نوع محدودیت دیگر جهت ورود به بازار، موقعیت و گرایش عرضه و تقاضا درخصوص کالا و خدمات مربوط، منافع مصرف‌کنندگان میانی و نهایی و همچنین توسعه پیشرفت اقتصادی و فناوری، مشروط بر اینکه به سود مصرف‌کنندگان بوده و مانعی در مسیر رقابت ایجاد نکند».

بر اساس ضابطه ماهوی اشاره شده ملاحظه می‌شود که بررسی ماهوی ادغام، مستلزم وجود تحلیلی دقیق از بازار است تا بتوان مشخص کرد که آیا مانع عمده در رقابت در بازار ایجاد شده است یا خیر؛ همچنین شایان ذکر است رویه کمیسیون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه، بیانگر این است که تصمیم‌گیری‌های آن برخلاف گذشته که بر ضابطه «ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط» متمرکز بوده، بر «آثار یک‌جانبه»^۱ یا «آثار هماهنگ»^۲ ادغام متمرکز است (Slaughter and May, 2012: 20).

توجه به این نکته ضروری است که نوع ادغام، خصوصاً از منظر اقتصادی و رقابتی، یعنی همان تقسیم ادغام به ادغام افقی، عمودی و مختلط و همچنین فضای رقابتی خاص موجود در بازاری که ادغام در آن بازار واقع شده است، در احراز سازگاری ادغام با بازار مشترک و به عبارت دیگر، ایجاد مانع عمده در رقابت توسط ادغام، تأثیرگذار است؛ بر این اساس، ادامه بررسی در این خصوص با ملاحظه این نکته و در سه قسمت انجام می‌گیرد.

۱-۲-۲. ادغام‌های افقی

کمیسیون در خصوص کنترل ادغام‌ها راهنمایی را منتشر کرده است، از جمله راهنمای مربوط به ادغام‌های افقی^۳ در خصوص تبیین و افزایش شفافیت در مورد عملکرد خود در خصوص نحوه بررسی و ارزیابی ماهوی ادغام‌های افقی، (Bellis, Elliott and Van Acker, 2012: 338) بند پنجم راهنمای مذکور به این موضوع اشاره می‌کند که این راهنما، هرچند به دنبال آن است که به صورت جامع، عملکرد کمیسیون در خصوص نحوه ارزیابی ماهوی ادغام‌ها را بیان کند، اما تمام جوانب احتمالی را نمی‌تواند احصا کند و از این رو، به‌رغم وجود این راهنما، این ضرورت باقی است که هر موضوع با ملاحظه وضعیت خاص آن، مورد بررسی قرار گیرد.

بند چهارم این راهنما بر این موضوع تصریح می‌کند که غالب تصمیم‌های کمیسیون، مبنی بر ممنوع اعلام کردن ادغام‌ها پیش از این، مبنی بر ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر، از

1. Unilateral Effects
2. Coordinated Effects
3. Guidelines on the Assessment of Horizontal Mergers

طریق «ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط» بوده است و پیش‌بینی می‌شود که در تصمیمات آینده کمیسیون نیز ادغام به سبب ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط، ایجادکننده مانع عمده در رقابت و درنهایت، ناسازگار با بازار مشترک محسوب شود؛ البته نکته قابل توجه در این خصوص، این است که بررسی رویه عملی کمیسیون، نشانگر این است که تصمیمات کمیسیون پس از انتشار این راهنما، بیشتر به‌طور مستقیم بر پایه «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر» مبتنی بوده است، بدون اینکه صرفاً از طریق احراز ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط، ایجاد مانع عمده در رقابت و ناسازگاری با بازار مشترک را احراز کند (Rodger and MacCulloch, 2009: 297).

به تصریح بند «۱۰» راهنمای مذکور، ارزیابی ادغام توسط کمیسیون بر پایه دو رکن اصلی استوار است: تعریف «بازار مرتبط» و «ارزیابی آثار رقابتی ادغام» در بازار (Kon and Butler, 2012: 90)؛ منظور از بازار مرتبط، بازار مربوط به محصول موردنظر و بازار جغرافیایی مرتبط است، بنابراین به تصریح این بند از راهنما، تعریف بازار در همان معنای مورد اشاره در ماده (۱۰۲) معاهده و توضیحات کمیسیون درخصوص آن، در اینجا نیز موردنظر کمیسیون است. کمیسیون در این بند صریحاً بیان می‌کند که هدف اصلی از ارائه تعریف بازار مرتبط به‌عنوان اولین مرحله در ارزیابی ماهوی هر ادغام این است که به صورت سیستماتیک، موانع رقابتی و عواملی که پیش از ادغام، شرکت‌های طرف ادغام را ترغیب و تشویق به رقابت می‌کرده است، مشخص شود.

درواقع می‌توان گفت برای اثبات نقض رقابت در بازار بر اثر ادغام، ابتدا لازم است بازاری که نقض رقابت در آن مطرح شده است، مشخص شود که این امر با تصریح بند مذکور از راهنما، مستلزم شناخت بازار محصول و بازار جغرافیایی است. پس از آنکه بازار مربوطه مشخص شد، ارزیابی آثار رقابتی ادغام در آن انجام می‌گیرد.

در تعریف بازار مرتبط و تعیین محدوده آن، همان‌طور که اشاره شد این محدوده هم از لحاظ نوع محصول و هم از لحاظ محدوده جغرافیایی بازار، قابل بررسی است. درخصوص بازار مربوط به محصول مورد نظر و به‌عبارت‌دیگر محدوده بازار براساس محصول موردنظر، دیوان دادگستری اروپا دو معیار را مطرح کرده است: نخست اینکه آیا می‌توان محصول

دیگری را جایگزین کالای موردنظر نموده و به جای آن مصرف کرد یا خیر؛ به نحوی که اگر محصولات، قابل جایگزینی با یکدیگر نباشند در این صورت بخشی از بازار یک محصول محسوب نخواهند شد، مگر اینکه منطقی‌توان آنها را با یکدیگر جایگزین کرد. برای احراز قابلیت جایگزینی کالا، مورد استفاده، ماهیت کالا، قیمت و مواردی از این قبیل مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، به‌عنوان مثال کمیسیون در پرونده‌ای برای هریک از انواع تایر، یعنی تایرهای نو که در بازار به فروش می‌رسند یا تایرهای که تولیدکنندگان اتومبیل در ابتدا به خودرو می‌بندند یا تایرهای خودروهای صنعتی، بازار خاص خود را قائل شد و به دلیل عدم امکان جایگزینی هریک از انواع لاستیک‌ها با انواع دیگر، بازار هیچ‌یک از این محصولات را مرتبط با محصول دیگر ندانست. معیار دوم، تأثیر و تأثر متقابل دو کالا در بازار عرضه و تقاضاست؛ به نحوی که اگر قیمت یک محصول افزایش یابد، آیا مصرف‌کننده امکان انتخاب محصول دیگری به جای آن را دارد یا خیر، زیرا اگر این امکان برای مصرف‌کننده وجود داشته باشد، احتمال اینکه دو محصول موردنظر، به یک بازار محصول مربوط شوند، زیاد خواهد بود. بازار جغرافیایی مرتبط نیز حوزه‌ای از اتحادیه اروپاست که یک نوع فعالیت تجاری، اثرهای خاصی را در آن ایجاد می‌کند. اگر محصولات مرتبطی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، در همه کشورهای عضو خرید و فروش شوند، کل اتحادیه اروپا، قلمرو جغرافیایی این بازار محسوب خواهد شد؛ البته در برخی موارد بازار جغرافیایی مرتبط یک محصول می‌تواند کوچک‌تر از کل اتحادیه باشد، مانند حالتی که ماهیت و مشخصه‌های محصول، مانند هزینه بالای حمل‌ونقل، طول عمر کوتاه محصول و مواردی از این قبیل، بازار پخش آن محصول را محدود کند^۱ (شکوهی، ۱۳۸۱: ۴۳).

پس از تبیین مفهوم بازار مرتبط، با توجه به آن، کمیسیون از روش‌های مختلفی به منظور ارزیابی آثار ادغام و تمرکز بر رقابت در بازار مذکور استفاده می‌کند؛ براساس

۱. درخصوص تعریف بازار مرتبط، از آنجا که این مفهوم و توضیحات آن، دقیقاً منطبق با مفهوم مورد اشاره در مقررات رقابتی اتحادیه اروپاست و با توجه به اینکه این مفهوم درخصوص ادغام، وضعیت متفاوت و ویژه‌ای ندارد، بیش از این به آن نمی‌پردازیم و برای مطالعه بیشتر در این خصوص، به کتب و تحقیقاتی که به بررسی مقررات عمومی حقوق رقابت اتحادیه اروپا پرداخته‌اند، می‌توان مراجعه کرد.

تصریح بند «۱۸» راهنمای ادغام افقی، به منظور ارزیابی اثر کلی ادغام در بازار، میزان سهم در بازار می‌تواند به عنوان یک معیار مدنظر قرار گیرد؛ به نحوی که در مواردی که میزان مجموع سهم شرکت‌های طرف ادغام در بازار کمتر از ۲۵ درصد است، به ندرت ممکن است ادغام موردنظر موجب ایجاد وضعیت مسلط و یا مانع عمده در رقابت شود.

روش دیگری که کمیسیون به کمک آن اقدام به ارزیابی اثر ادغام و تمرکز می‌کند، «شاخص HHI»^۱ است (DePamphilis, 2012: 67) که در واقع، حاصل جمع مجذور درصد سهم بازار تمام بنگاه‌ها با یکدیگر است^۲ (Tiwari, 2011: 137). به اختلاف میان HHI قبل از ادغام و HHI بعد از ادغام، اصطلاحاً «دلتا» گفته می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر ادغام بر بازار است (Wang and Rudanko, 2010b: 39)؛ به نحوی که اگر HHI پس از ادغام، کمتر از ۱۰۰۰ باشد، نگرانی در خصوص ادغام وجود نخواهد داشت و در خصوص ادغام‌هایی که در آنها HHI پس از ادغام، عددی میان ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ باشد و عدد دلتا نیز کمتر از ۲۵۰ باشد، مانع رقابت محسوب نخواهند شد (Mosso, 2007: 1463; Rodger and MacCulloch, 2009: 297)؛ مشروط بر اینکه براساس بندهای «۱۹ تا ۲۱» راهنمای ادغام افقی، شرایط خاصی وجود نداشته باشد، مثلاً یکی از شرکت‌های موضوع ادغام، از جمله بنگاه‌های مهم، نوآور در بازار یا بنگاهی تکرر نباشد؛ به نحوی که مانع رفتارهای همسو در بازار محسوب شود.

در صورتی که در ادغامی، HHI فراتر از حدودی باشد که در آیین‌نامه به عنوان حدود و میزان غیرمغایر با رقابت تعیین شده است که به برخی از این حدود در بالا به عنوان نمونه اشاره شد، دو نگرانی عمده در خصوص نقض رقابت وجود خواهد داشت که کمیسیون در این خصوص، دو موضوع دیگر را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد: اولاً: آیا ادغام ممکن است موجب شود در یک یا چند شرکت که بر اثر ادغام، قدرت بیشتری در بازار پیدا

1. Herfindahl-Hirschman Index (HHI)

۲. کمیسیون در اطلاعیه‌ای به عنوان مثال اعلام کرد بازاری که متشکل از پنج بنگاه است؛ به نحوی که سهم آنها از بازار ۴۰، ۲۰، ۱۵، ۱۰ و ۱۰ درصد باشد، در این بازار میزان HHI، ۲۵۵۰ خواهد بود؛ HHI از عددی نزدیک به صفر (مربوط به مواردی که بازار متشکل از فعالان بسیار زیادی بوده که هر یک سهم اندکی از بازار دارند) تا ۱۰۰۰۰ (مربوط به حالت انحصار مطلق که ۱۰۰ درصد بازار در اختیار یک بنگاه است)، ممکن است متغیر باشد (Rodger and MacCulloch, 2009: 297).

کرده‌اند، عوامل مهم الزام‌کننده رقابت برای آنها از بین رفته و حذف شوند، و ثانیاً: آیا ممکن است ادغام به نحوی، رقابت در بازار را تغییر دهد که بر اثر آن، شرکت‌ها به صورت قابل ملاحظه‌ای بیشتر متمایل به رفتارهای هماهنگ یا افزایش قیمت‌ها باشند و یا اینکه به هر صورت دیگر به رقابت مؤثر در بازار آسیب وارد کند.^۱

به تصریح بند «۲۴» راهنمای ادغام افقی، یکی از آثار احتمالی ادغام، کاهش یا حذف عوامل ایجادکننده رقابت و به دنبال آن، افزایش قدرت برخی شرکت‌ها در بازار است. در این موارد یکی از مهم‌ترین آثار مستقیم ادغام، کاهش رقابت میان شرکت‌های موضوع ادغام است، به‌عنوان مثال، پیش از ادغام اگر یکی از شرکت‌های موضوع ادغام، اقدام به افزایش قیمت محصولات خود می‌کرد، بخشی از بازار فروش خود را در مقابل رقیبش (که دیگر شرکت موضوع ادغام است) از دست می‌داد؛ درحالی که در این حالت، ادغام این الزام مهم برای رقابت را حذف می‌کند؛ حتی شرکت‌هایی که موضوع ادغام نمی‌باشند ممکن است از کاهش فشار رقابتی بر اثر ادغام بهره‌مند شوند؛ به‌این ترتیب که افزایش قیمت‌ها توسط شرکت‌های موضوع ادغام بخشی از تقاضا را به سمت شرکت‌های رقیب سوق می‌دهد که آنها نیز ممکن است تا حدی افزایش قیمت را به سود خود تشخیص دهند و کاهش عوامل ایجادکننده و الزام‌کننده رقابت به‌این ترتیب، ممکن است موجب افزایش قیمت‌ها در بازارهای مرتبط شود.

کمیسیون در بندهای «۲۴» تا «۳۸» راهنمای ادغام افقی، یکسری معیارها را ارائه داده است که در صورتی که درخصوص ادغام موردنظر قابل اعمال باشد، در ارزیابی ماهوی آن ادغام مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ از جمله اینکه شرکت‌های موضوع ادغام، سهم بزرگی از بازار را در اختیار داشته باشند یا ساختار بازار به نحوی باشد که حتی در صورت افزایش قیمت، رقبا تمایلی به افزایش تولید نداشته باشند یا شرکت حاصل از ادغام، توان ایجاد مانع در راه توسعه رقبای خود داشته باشد یا ادغام، موجب حذف عامل مهم رقابت شود.

همچنین در این راستا در بندهای «۳۷» و «۳۸» این راهنما تصریح شده است که گاهی

۱. بندهای «۲۲» و «۲۳» راهنمای ادغام افقی.

تأثیر برخی شرکت‌ها در رقابت بیش از میزان سهم آنها در بازار است. در این موارد، ادغامی که شامل این شرکت‌ها می‌شود، ممکن است ساختار رقابتی بازار را به صورت قابل ملاحظه‌ای تغییر دهد؛ خصوصاً در مواردی که بازار، خود متمرکز است، مانند حالتی که ادغام شامل شرکتی نیز می‌شود که به‌تازگی وارد بازار شده است و احتمال می‌رود در آینده، فشار رقابتی زیادی به دیگر بنگاه‌های بازار وارد آورد؛ همچنین در جایی که نوآوری، عامل مهم رقابت محسوب می‌شود، در یک حالت ادغام ممکن است موجب افزایش توان و انگیزه جهت نوآوری‌های جدید در بازار شود، اما در شرایطی دیگر در صورتی که ادغام میان دو شرکت نوآور مهم بازار باشد، ممکن است مانع رقابت در بازار شود؛ علاوه بر آنچه بیان شد، راهنمای ادغام افقی برخی موضوعات دیگر را که کمیسیون در بررسی و ارزیابی ادغام آنها را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهد مورد اشاره قرار داده است، از جمله اینکه آیا ادغام و تمرکز مورد نظر شامل رقبای بالقوه شرکت‌های طرف ادغام نیز است یا خیر، یا اینکه آیا شرایط و عوامل ایجاب‌کننده رقابت که فعالان تجاری را به رقابت با یکدیگر تشویق می‌کند، پس از ادغام نیز وجود خواهد داشت یا خیر. در مواردی که در خصوص «تقویت یا ایجاد موقعیت مسلط» و ایجاد مانع عمده در رقابت از این طریق، نگرانی خاصی وجود ندارد، به‌نظر می‌رسد باید نگرانی اصلی را ناظر بر آثار ادغام در افزایش «رفتارهای هماهنگ»^۱ میان شرکت‌ها دانست، چراکه ممکن است آنها بخواهند از این طریق، رفتاری مغایر با فضای رقابت داشته باشند (Slaughter and May, 2009: 24) به‌این‌ترتیب، در این موارد مشکل زمانی ایجاد می‌شود که ادغام و تمرکز، «توافق‌های ضمنی»^۲ یا «رفتارهای هماهنگ» را در «بازارهای الیگوپولیستیک»^۳ افزایش دهد (Rodger and MacCulloch, 2009: 299).

کمیسیون در این راهنما «دفاعیاتی»^۴ را نیز در خصوص ادغام‌هایی که ممکن است مغایر با بازار شناخته شوند، پیش‌بینی کرده است. یکی از این «دفاعیات» که در بند (۷۶) این راهنما

1. Co-ordinated Effects

2. Tacit Collusion

3. Oligopolistic Markets

4. Defences

مورد اشاره قرار گرفته، این است که طرفین ادغام ثابت کنند که به موجب ادغام، نوعی «کارآمدی»^۱ ایجاد خواهد شد که با آثار رقابتی ادغام و به ویژه، اثرات زیان بار بالقوه^۲ آن نسبت به مصرف کنندگان مقابله خواهد کرد (Ramos, Mohan and Carloni, 2011: 29).

البته به موجب بند «۷۸» راهنمای یادشده، برای اینکه این دفاع، مورد پذیرش واقع شده و در نتیجه، ادغام مورد نظر ناسازگار با بازار مشترک اعلام نشود، باید اولاً این کارآمدی، منافع و مزایایی را نیز برای مصرف کنندگان به دنبال داشته باشد و ثانیاً قابل اثبات بوده و صرفاً از آن ادغام مورد نظر حاصل شده باشد.

به تصریح بند «۷۹» این راهنما، معیار اساسی که کمیسیون به موجب آن ادعای کارآمدی و بهره‌وری مذکور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، این است که ادغام مورد نظر نباید شرایط مصرف کنندگان را بدتر کند. به این منظور کارآمدی مورد ادعا باید «قابل توجه»^۳ و «بموقع»^۴ بوده و اساساً به نفع مصرف کنندگان در بازار مربوطه باشد؛ در غیراین صورت، این احتمال وجود دارد که این ادغام، مغایر با رقابت اعلام شود. لازم به ذکر است از آنجا که دلایل کافی در خصوص ایجاد کارآمدی بر اثر ادغام در اختیار طرفین ادغام است، بند «۷۷» راهنما ارائه اطلاعات لازم در این خصوص به کمیسیون را نیز به منظور بهره‌مندی از این دفاع، برعهده آنها گذاشته است.

یکی دیگر از «دفاعیاتی» که در بند «۹۰» راهنما مورد اشاره قرار گرفته، فرضی است که از آن، تحت عنوان «شرکت در حال شکست»^۵ یاد می‌شود؛ به موجب بند فوق این دفاع مبتنی بر آن است که با توجه به وضعیتی که «شرکت در حال شکست» دارد، عملاً در آینده‌ای نه‌چندان دور از بازار خارج خواهد شد و براین اساس، خواه ادغام محقق شود یا نشود، رقابت در بازار کاهش خواهد یافت (Lindsay, 2010: 120; Parisi, 2010: 15). با این مبنا برای استفاده از این دفاع لازم است سه شرط وجود داشته باشد: نخست آنکه شرکتی که ادعای

1. Efficiency
2. Potential Harms
3. Substantial
4. Timely
5. Failing Firm

شکست آن مطرح شده، در صورتی که در شرکت‌های دیگر ادغام نشده یا توسط آنها تحصیل نشود، به دلیل مشکلات مالی، در آینده‌ای نزدیک از بازار حذف می‌گردد؛ دوم اینکه راهکار جایگزینی غیر از ادغام به منظور تحصیل این شرکت، به نحوی که آثار ضد رقابتی^۱ کمتری داشته باشد، وجود نداشته باشد، و سوم اینکه در صورت عدم وقوع ادغام، سرمایه شرکت مذکور، به صورت اجتناب‌ناپذیری از بازار خارج شود.

۲-۲-۲. ادغام‌ها در بازارهای الیگوپولیستیک

منظور از بازار الیگوپولیستیک بازاری است که در آن، شخصی به عنوان رهبر عمل می‌کند و عملاً شرایط بازار، از جمله کاهش یا افزایش مقدار کالاها و تعیین و تثبیت قیمت‌ها را خود تنظیم کرده، به دیگران دیکته می‌کند و سایر فعالان آن بازار مکلف‌اند از سیاست‌گذاری‌های تعیین شده او پیروی کنند (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱۷). در بسیاری از پرونده‌های راجع به نقض حقوق رقابت، ایجاد شرایط الیگوپولیستیک دیده می‌شود، و حال آنکه ایجاد این شرایط در قلمرو بازار مشترک، یک اقدام ضد رقابتی محسوب می‌شود؛ به نحوی که مشمول ممنوعیت‌های ماده (۱۰۱) معاهده قرار می‌گیرد (همان: ۲۲).

در خصوص آثار ادغام در ساختار بازارهای الیگوپولیستیک، بند «۲۵» مقدمه آیین‌نامه ادغام تأکید می‌کند که آنچه در این بازارها دارای اهمیت است و باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، حفظ «رقابت مؤثر» میان فعالان بازار است؛ به نحوی که ممکن است در برخی بازارهای الیگوپولیستیک، رقابت به میزان مطلوب و قابل قبولی وجود داشته باشد، اما در مواردی که ادغام موجب حذف عوامل ترغیب‌کننده رقابت میان شرکت‌های طرف ادغام شده و یا سبب کاهش رقابت میان سایر رقبای می‌شود، حتی در فرض عدم وجود «اقدامات هماهنگ» میان فعالان یک بازار الیگوپولیستیک، ادغام می‌تواند مانع عمده‌ای در «رقابت مؤثر» باشد؛ براین اساس، خصوصاً با توجه به وضعیت ویژه این نوع بازارها، این بند از مقدمه تصریح می‌کند که ضابطه مذکور در ماده (۲) که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، شامل ادغام‌های انجام شده در این گونه بازارها نیز می‌شود.

۲-۲-۳. ادغام‌های عمودی و مختلط

کمیسیون پس از تدوین و انتشار راهنمایی در زمینه «ادغام‌های افقی»، در سال ۲۰۰۸ راهنمایی را در خصوص «ادغام‌های غیرافقی» منتشر کرد.^۱ از آنجا که ماهیت این نوع ادغام‌ها که شامل ادغام‌های «عمودی» و «مختلط» می‌شود (Ramos, Mohan and Carloni, 2011: 4; Bergman and et al., 2011: 92) به گونه‌ای است که به تصریح بند «۱۲» این راهنما مستقیماً موجب حذف رقبا نمی‌شود، همان‌طور که بند «۱۱» راهنمای مذکور نیز اشاره داشته، می‌توان ادعا کرد این نوع ادغام‌ها در رقابت مؤثر، کمتر ایجاد مانع عمده می‌کنند (Petrasincu, 2011: 670)، اما با این حال در برخی موارد ممکن است این نوع ادغام‌ها نیز باعث شوند شرکتی که پس از ادغام باقی می‌ماند، در آینده در رقابت اختلال ایجاد کند؛ و با استفاده از قدرت خود در یک بازار، رقابت موجود در بازارهای مرتبط را محدود نماید. این موضوع همان مسئله‌ای است که «راهنمای ادغام‌های غیرافقی» به دنبال تبیین و تشریح آن است (Rodger and MacCulloch, 2009: 303).

بندهای «۱۳» و «۱۴» این راهنما به دامنه شمول و اوصاف این نوع ادغام‌ها و همچنین کارکرد آنها در «افزایش کارآمدی» اشاره دارد؛ علاوه بر این به موجب بند «۱۵»، در صورت بروز یکسری شرایط، این امکان وجود دارد که این نوع ادغام‌ها نیز در مسیر رقابت مؤثر، ایجاد مانع کند، چراکه ممکن است ادغام‌های مزبور، «موقعیت مسلطی» را برای شرکتی که در نتیجه ادغام باقی می‌ماند، ایجاد یا تقویت کرده، توانایی یا انگیزه طرفین ادغام یا رقبای دیگر آنها را در خصوص رقابت کاهش داده و به این ترتیب، موجب ضرر مصرف‌کنندگان شود.

براساس بند «۱۷» راهنمای مذکور، ادغام‌های غیرافقی عمدتاً از طریق دو دسته آثاری که ممکن است به دنبال داشته باشند، می‌توانند مانع از رقابت مؤثر شوند: «آثار مربوط به رفتارهای هماهنگ»^۲ و «آثار غیرمرتبط با رفتارهای هماهنگ»؛^۳ بند «۱۹» راهنما در تبیین

1. Guidelines on the Assessment of Non-Horizontal Mergers

2. Coordinated Effects

3. Non-coordinated Effects

«آثار مربوط به رفتارهای هماهنگ» اعلام می‌کند که این آثار زمانی ایجاد می‌شود که ادغام ماهیت رقابت در بازار را به نحوی تغییر دهد که شرکت‌هایی که پیش از ادغام، رفتارهای خود را با یکدیگر هماهنگ نمی‌کردند، پس از ادغام به صورت قابل ملاحظه‌ای مایل به هماهنگ کردن رفتارهای خود به منظور افزایش قیمت یا دیگر امور ضدرقابتی باشند یا اینکه پیش از ادغام نیز هرچند شرکت‌ها اقدام به انجام رفتارهای هماهنگ ضدرقابتی می‌نموده‌اند، اما ادغام این هماهنگی‌های ضدرقابتی را ساده‌تر، کارآمدتر یا پایدارتر کند.

«آثار غیرمرتبط با رفتارهای هماهنگ» نیز در بیان بند «۱۸» این راهنما، زمانی محقق می‌شود که مفهومی تحت عنوان «سلب دسترسی»^۱ بر اثر «ادغام‌های غیرافقی» ایجاد شود. به تصریح این بند، «سلب دسترسی» شامل تمام مواردی است که به موجب ادغام، دسترسی بالقوه یا فعلی رقبا به بازارهای فروش یا تأمین کالا، به دلیل کاهش توان یا انگیزه رقابتی آنها قطع شده یا مختل شود. در نتیجه این سلب دسترسی، این امکان وجود دارد که شرکت‌های طرف ادغام و همچنین در مواردی برخی رقبای آنها، اقدام به افزایش قیمت‌ها و تحمیل هزینه بیشتر بر مصرف‌کنندگان کنند و به این ترتیب، سود بیشتری را نیز کسب کنند (Carstensen and Farmer, 2008: 55; Maydell, 2012: 22). این موارد به عنوان مانع عمده رقابت مؤثر محسوب شده و به این ترتیب، در راهنمای مذکور از آن تحت عنوان «سلب دسترسی ضدرقابتی»^۲ یاد می‌شود.

لازم به تذکر است که در عمل، سلب دسترسی تنها زمانی ممکن است رخ دهد که شرکت‌های طرف ادغام، «قدرت بازاری» قابل توجهی داشته باشند که البته ممکن است این قدرت بازاری، لزوماً «موقعیت مسلط» محسوب نشود؛ براین اساس به موجب بندهای «۲۳» تا «۲۷» راهنما می‌توان گفت به نظر نمی‌رسد که کمیسیون در خصوص مواردی که سهم شرکت‌های طرف ادغام در بازار پس از ادغام، کمتر از ۳۰ درصد و HHI پس از ادغام کمتر از ۲۰۰۰ است، نگرانی رقابتی خاصی داشته باشد.

به بیانی دقیق‌تر، به تصریح بند «۳۰» راهنما، باید دانست که در ادغام‌های عمودی

1. Foreclosure

2. Anticompetitive Foreclosure

در خصوص «آثار غیرمرتبط با رفتارهای هماهنگ» و به عبارت دیگر، «سلب دسترسی»، دو آسیب بالقوه رقابتی، قابل پیش‌بینی است: «سلب دسترسی به مواد اولیه»^۱ و «سلب دسترسی به مشتریان»^۲؛ مطابق بند «۳۱» راهنمای یادشده، سلب دسترسی به مواد اولیه، زمانی ایجاد می‌شود که شرکت ایجادشده یا بازمانده پس از ادغام، بر اثر ادغام این امکان را پیدا کند تا از طریق بالا بردن قیمت یا ایجاد صعوبت در دسترسی، تأمین مواد اولیه را برای «رقیب پایین‌دستی»^۳ خود که پیش از ادغام، مصرف‌کننده مواد اولیه‌ای بوده که شرکت بالادستی زنجیره عمودی ادغام تولید می‌کرده، مشکل‌تر کند و بر این اساس، شرکت ایجادشده یا بازمانده پس از ادغام، این امکان را پیدا نماید که قیمت کالاهایی که در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، به نحوی که برای این شرکت نیز سودآور باشد، را افزایش دهد و در نتیجه، مانع قابل توجهی در مسیر رقابت ایجاد شود؛ البته برای تحقق این نقض رقابت، ضروری است شرکتی که در بازار بالادستی این ادغام عمودی قرار دارد، از «قدرت بازاری» برخوردار باشد (Wang and Rudanko, 2012: 560).

اما براساس بند «۵۸» آیین‌نامه ادغام، «سلب دسترسی به مشتریان» زمانی رخ می‌دهد که یک شرکت تولیدکننده یا تهیه‌کننده مواد اولیه با یک مشتری پایین‌دستی دارای «قدرت بازار» ادغام شود (Ibid.). چنین ادغامی می‌تواند امکان دسترسی به بازار فروش محصولات را برای رقبای بالادستی کاهش داده و به صورت چشمگیری، موجب کاهش رقابت در بازار بالادستی شود.

در خصوص «ادغام‌های مختلط» به تصریح بند «۹۳» راهنمای مذکور، نگرانی اصلی مربوط به جایی است که شرکت ایجادشده یا بازمانده پس از ادغام، قدرت بازاری خود را از یک بازار به بازار دیگر انتقال می‌دهد؛ به نحوی که سبب «سلب دسترسی» دیگران شود؛ خصوصاً از طریق «مرتبط نمودن»^۴ و «وابسته کردن»^۵ دو کالا با یکدیگر؛ البته کمیسیون در این بند تصریح کرده است که این‌گونه نیست که مرتبط نمودن یا وابسته کردن دو کالا،

1. Input Foreclosure
2. Customer Foreclosure
3. Downstream Rival
4. Tying
5. Bundling

همیشه دارای آثار ضد رقابتی باشد، بلکه گاهی ممکن است که این اقدام، هزینه نهایی مصرف‌کنندگان را کاهش دهد و تنها در مواردی که می‌تواند کاهش توان رقابتی رقبای بالقوه یا فعلی را به همراه داشته باشد و نهایتاً با کاهش فشار رقابتی بر شرکت ایجاد شده یا بازمانده از ادغام، به آن اجازه افزایش قیمت را دهد، موجب نگرانی خواهد بود (Maydell, 2012: 62).

بر اساس بند «۹۶ و ۹۷» راهنما «وابسته نمودن صرف»^۱ زمانی رخ می‌دهد که کالاها تنها با یکدیگر و با نسبت معینی به فروش می‌رسند، اما «وابسته نمودن ترکیبی»^۲ زمانی اتفاق می‌افتد که کالاها به‌طور جداگانه نیز قابل فروش هستند، اما در صورت خرید هر یک از کالاها به‌طور جداگانه، قیمت کالای مورد فروش، بیشتر از قیمتی است که با کالای مرتبط دیگر به فروش می‌رسد. «مرتبط نمودن کالاها» زمانی محقق می‌شود که «کالای مرتبط (اصلی)»^۳ با «کالای مرتبط‌شونده (فرعی)»^۴ با هم به فروش می‌رسد. این ارتباط می‌تواند فنی^۵ باشد، یعنی «کالای مرتبط» تنها با وجود «کالای مرتبط‌شونده»، قابل استفاده و کارکرد است، مانند جایی که پرینتر لیزری، تنها با وجود تونر عمل می‌کند، یا به موجب قرارداد باشد، مانند حالتی که کالاهایی بر اساس توافق قراردادی طرفین با یکدیگر مرتبط می‌شوند.

۳. مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران

۳-۱. پیشینه

بررسی مقررات نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که تا پیش از تصویب قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، مقررات خاصی در خصوص کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت دیده نمی‌شود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۴۰۱)، بنابراین این قانون را باید اولین قانون مرتبط با این موضوع در نظام حقوقی ایران دانست؛ البته قانونگذار در این قانون، تنها به درج یک ماده در این خصوص اکتفا و در این باره، صرفاً سیاست‌گذاری کرده است؛ رویکردی که در

1. Pure Bundling
2. Mixed Bundling
3. Tying Product
4. Tied Product
5. Technical

قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ نیز دنبال شده است، ولی در هیچ یک از این قوانین، نحوه دقیق ضوابط و ضمانت اجرای آن مشخص نشده است (سماواتی، ۱۳۷۴: ۱۷۴).

بر اساس تکلیف مقرر در بند «ه» ماده (۴۱) برنامه چهارم توسعه، دولت لایحه تسهیل رقابت را در اولین سال برنامه چهارم توسعه، تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد (دفتر مطالعات اقتصادی؛ معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴: ۲۴۳) که مجلس آن را در قالب «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی» در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۸ تصویب و در نهایت، در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد (عطائی، ۱۳۸۹: ۱۳۵؛ صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) فصل نهم این قانون، تحت عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» از مواد (۴۳ الی ۸۴) به حقوق رقابت اختصاص یافته است که در پنج ماده، به طور صریح به بحث ادغام‌ها اشاره داشته و بقیه مواد، از باب عمومیت، شامل کنترل ادغام‌ها نیز می‌شود. مقررات اصلی حقوق رقابت و همچنین کنترل ادغام از این منظر، در نظام حقوقی ایران در این قانون تبیین شده است.

به موجب ماده (۶۲) قانون مذکور، تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی در نظام حقوقی ایران، «شورای رقابت» است که مکلف است رأساً یا به موجب اعتراض هر شخص ذی‌نفع، در خصوص رویه‌های ضد رقابتی از جمله ادغام‌های مخل رقابت، بررسی و تحقیق کرده و در خصوص آنها تصمیم‌گیری کند. در نظام حقوقی ایران برخلاف اتحادیه اروپا با توجه به عدم شناسایی مفهوم حد نصاب‌های نظارت، تمام ادغام‌ها حتی ادغام‌ها با حجم اندک و کوچک مشمول مقررات کنترل ادغام می‌باشند و همچنین رسیدگی به ادغام‌ها در یک مرحله اصلی و توسط مرجعی واحد یعنی شورای رقابت، بدون آنکه در قانون مهلتی برای رسیدگی توسط آن تعیین شده باشد، انجام می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران پیش از وقوع ادغام یا بعد از آن، طرفین ملزم به اعلام ادغام مورد نظر به مرجع کنترل ادغام نبوده و تأیید مرجع کنترل ادغام به عنوان بخشی از تشریفات وقوع ادغام نمی‌باشد، البته در نظام حقوقی ایران در صورت تصویب نهایی لایحه تجارت امکان تغییر این رویه

وجود دارد. شایان ذکر است ماده (۵۹۱) مصوبه مجلس در خصوص لایحه تجارت که تاکنون با توجه به عدم تأیید نهایی توسط شورای نگهبان، نهایی نشده نیز رعایت مقررات رقابت در خصوص ادغام‌ها را مورد تصریح مضاعف قرار داده است.

۲-۳. ضابطه ماهوی

دانستیم که قانونگذار ایران در برخی از مواد «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)»، به مقررات ادغام از منظر حقوق رقابت اشاره می‌کند. بررسی این مواد نشان می‌دهد که تعدادی از آنها، به الزامات ماهوی ناظر بر ادغام‌های مخل رقابت اختصاص یافته و بعضی دیگر، مختص مقررات شکلی و تشریفات ناظر بر کنترل این گونه ادغام‌هاست؛ بر این اساس، ماده (۴۷) این قانون اعلام می‌دارد که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید «سرمایه» یا «سهام» شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلاف در رقابت در یک و یا چند بازار شود.

همان‌طور که از منطوق این ماده، قابل برداشت است، این ماده مشتمل بر آن دسته تملک‌هایی است که در آنها، حسب مورد، یک شخص حقیقی یا حقوقی، سهام یک یا چند شرکت را تصاحب، یا دارایی آن شرکت‌ها را تحصیل می‌کند؛ به بیان دیگر، این ماده صرفاً شامل «ادغام‌های عملی» است، اما نکته حائز اهمیت این است که به موجب ماده یادشده، قانونگذار ایران، ضابطه اصلی شناسایی ادغام‌های عملی مانع رقابت را معیار عام «اخلال در رقابت» دانسته (رشوند بوکانی، ۱۳۹۰: ۲۶) و آن را در بند «۲۰» ماده (۱) تعریف نموده است: «اخلال در رقابت عبارت است از مواردی که موجب انحصار، احتکار، افساد در اقتصاد، اضرار به عموم، منتهی شدن به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه و یا سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور شود»؛ ضابطه‌ای که همان معیار ماده (۴۵) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) بوده و به‌عنوان ضابطه کلی ممنوعیت همه موارد مخل رقابت، مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

نکته مهم دیگر این است که بخش اخیر ماده (۴۰) قانون برنامه چهارم توسعه، و بند

«ب» ماده (۱۰۵) برنامه پنجم توسعه، دولت را مکلف می‌کند که در جهت ارتقای سطح و جذب فناوری‌های برتر در بخش‌های مختلف اقتصادی، اقداماتی را به عمل آورده و شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را تهیه، و در تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل انحصار، پیش‌بینی کند.

قانونگذار ایران به این تکلیف با تصویب ماده (۴۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) عمل کرد. این ماده تصریح دارد که «ادغام» شرکت‌ها در موارد اشاره شده در این ماده، ممنوع است. از آنجا که بند «۱۶» ماده (۱) این قانون،^۱ به تعریف ادغام‌ها اختصاص یافته و «ادغام» را در مفهومی تعریف کرده که صرفاً شامل اقسام ادغام واقعی شده و ادغام عملی را دربر نمی‌گیرد، می‌توان ادعا داشت که این ماده، ویژه انواع مختلف «ادغام‌های واقعی» است و بر این اساس، ضابطه اصلی شناسایی ادغام‌های واقعی محل رقابت را باید در این ماده جستجو کرد. این ماده در چهار بند ادغام‌های واقعی محل رقابت را مورد اشاره قرار داده است که این بندها را به ترتیب در ادامه، مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

۱. در جریان ادغام یا در نتیجه آن، اعمال مذکور در ماده (۴۵) اعمال شود:

به موجب تصریح منطوق این بند، رویه‌های ضد رقابتی متعددی که در ماده (۴۵) مورد اشاره قرار گرفته، چنانچه در طول تحقق ادغام یا در نتیجه آن اعمال شد، وقوع چنین ادغامی ممنوع خواهد بود، اما نکته قابل توجه این است که این بند علی‌القاعده نمی‌تواند ناظر بر وقوع ادغام‌ها باشد، زیرا موضوعات ذیل ماده (۴۵) نوعاً شامل مباحثی از جمله سوءاستفاده از موقعیت مسلط، مانند کاهش عرضه و افزایش قیمت بوده که اساساً در مرحله تحقق ادغام‌ها قابل طرح نیستند؛ به بیان دیگر، در جایی که صرفاً ادغام محقق می‌شود، هیچ تغییر مادی صورت نپذیرفته و اقدامات ممنوعه ماده (۴۵) در خصوص آن، سالبه به انتفاء موضوع هستند و تنها شخصیت حقوقی چند شرکت، بدون تصفیه منحل شده و حقوق و تعهدات آنها به شرکت بازمانده یا جدیدالتأسیس منتقل می‌شود؛ اما پس از وقوع ادغام،

۱. بند «۱۶» ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴): «ادغام: اقدامی که براساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند».

در صورتی که انحصار و وضعیت تمرکز شدید ایجاد شده باشد، ممکن است شرکت بازمانده یا جدیدالتأسیس مذکور، اقدام به نقض مقررات رقابتی کند و اقدامات ممنوعه موضوع ماده (۴۵) را مرتکب شود، در این صورت آن شرکت مانند سایر فعالان تجاری و فارغ از اینکه شرکتی است که بر اثر ادغام ایجاد شده یا شرکتی است که در گذشته دارای موقعیت مسلط بوده یا حتی بدون برخورداری از موقعیت مسلط، به اقدامات ممنوعه موضوع ماده (۴۵) مبادرت کرده است، مشمول مواد مربوط به فعالیت‌های ضد رقابتی به مفهوم عام، از جمله ماده (۴۵) خواهد بود.

بنابراین مقررات عام درباره فعالیت‌های ضد رقابتی که شامل موضوعاتی نظیر توافق‌ها یا فعالیت‌ها و رویه‌های ضد رقابتی و یا سوء استفاده از موقعیت مسلط می‌شوند، در بررسی اینکه آیا وقوع ادغام، محل رقابت است یا خیر، سالبه به انتفاء موضوع می‌باشند. این موضوع را در بررسی پیشینه کنترل ادغام در نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز ملاحظه کردیم که در نهایت، مقررات عام راجع به فعالیت‌های ضد رقابتی (شامل موضوعات مورد اشاره در بالا) قابل اعمال در خصوص وقوع ادغام‌ها شناخته نشد.

با توجه به این نکته مهم، در نظام حقوقی اتحادیه اروپا ملاحظه شد هر چند در مرحله وقوع ادغام، موارد اشاره شده از جمله سوء استفاده از موقعیت مسلط، قابل طرح نیست، اما صرف وقوع ادغام در بسیاری موارد موجب می‌شود که شرکت‌ها موقعیت مسلط در برخی بازارها پیدا کرده و نهایتاً امکان بالقوه اخلال در رقابت را در اختیار گیرند، بنابراین در این مرحله، سوء استفاده از وضعیت مسلط اساساً قابل طرح نیست، زیرا ممکن است شرکت ایجاد شده بر اثر ادغام در عمل هیچ‌گاه مبادرت به سوء استفاده از وضعیت مسلط نکند؛ با این وصف، در این مرحله، صرف ایجاد وضعیت مسلط و انحصار که در نهایت امکان سوء استفاده از آن را نیز فراهم می‌کند، مطرح است.

به این علت نظام‌های حقوقی از جمله اتحادیه اروپا که تجربه بیشتری در خصوص کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت داشته‌اند با رعایت این تذکر برای کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت و جلوگیری از اخلال در رقابت توسط آنها مقررات خاص و متفاوتی را خصوصاً مقررات و ضوابط ماهوی خاصی را در مورد آنها وضع می‌کنند. در واقع با وضع

این مقررات به دنبال پیشگیری از ارتکاب فعالیت‌های ناقض رقابت، موضوع مقررات عام رقابت هستند و با این توضیح می‌توان گفت مقررات کنترل ادغام، مربوط به مرحله‌ای می‌باشد قبل از آنچه مقررات عام رقابت ناظر بر آن است. در این مرحله، نظام‌های حقوقی به دنبال جلوگیری از ایجاد موقعیت مسلط یا تقویت آن هستند و نه جلوگیری از سوءاستفاده از وضعیت مسلط که در مرحله بعدی و به موجب مقررات عمومی رقابت، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و به این علت است که در آیین‌نامه ادغام اتحادیه اروپا تصریح شده است که در کنترل ادغام‌ها، یعنی در خصوص جواز یا ممنوعیت وقوع ادغام‌ها، مقررات عمومی اتحادیه در خصوص رقابت، از جمله مقررات و ضوابط ماهوی ناظر بر رویه‌ها و توافقات ضد رقابتی یا سوءاستفاده از موقعیت مسلط، اعمال نخواهد شد، بنابراین بند «۱» ماده (۴۸)، بندی زائد و غیر مرتبط با موضوع جواز یا ممنوعیت وقوع ادغام بوده و حتی وجود آن ممکن است در عمل، موجب ابهام نیز شود و به این علت، حذف آن، پیشنهاد می‌شود.

۲. هرگاه در نتیجه ادغام، قیمت کالا یا خدمت به‌طور نامتعارفی افزایش یابد:

همانگونه که از بررسی مقررات نظام حقوقی اتحادیه اروپا برمی‌آید، افزایش قیمت کالا یا خدمت مرتبط با موضوع فعالیت‌های شرکت‌های طرف ادغام، از جمله نشانه‌های مضر بودن ادغام در فضای رقابتی است، اما این معیار، تنها ضابطه ارزیابی ادغام‌ها در این خصوص نیست و به صرف آنکه شرکت تجاری ناشی از ادغام، تصمیم به افزایش قیمت کالا یا خدمت خود می‌کند، نمی‌توان آن را کاشف از ضد رقابتی بودن ادغام مورد نظر دانست، زیرا ممکن است با وجود ادغام صورت گرفته، باز هم رقابت مؤثر و قابل توجهی در بازار وجود داشته و دیگر فعالان و رقبای آن شرکت در آن حوزه بتوانند از طریق ارائه کالا یا خدمت با قیمتی نازل‌تر، سهم بازاری خود را افزایش داده و تصمیم شرکت یاد شده در خصوص افزایش قیمت و ایجاد انحصار را بی‌اثر کنند، بنابراین تنها زمانی «افزایش قیمت در نتیجه ادغام» می‌تواند عامل نگرانی در خصوص بازار رقابتی محسوب شود که شرکت ناشی از ادغام بتواند با داشتن قدرت بازاری یا از طریق ایجاد مانع در ارائه محصول یا خدمت به بازار، قیمت جدید را به صورت یک «قیمت پایدار» تثبیت کند که این امکان

صرفاً در فرض «ایجاد تمرکز شدید» یا «برخورداری از موقعیت مسلط» در بازار، قابل تحقق است؛ علاوه بر این، به موجب منطوق بند یادشده، افزایش قیمت مورد نظر باید با ادغام صورت گرفته، رابطه سببیت داشته و در نتیجه آن باشد، بنابراین مثلاً اگر پس از ادغام، افزایش قیمت ناشی از عوامل دیگری، مانند خشکسالی یا افزایش کیفیت بوده و ارتباطی با ادغام نداشته باشد، نمی‌توان ادغام را مخل رقابت دانست، چراکه رابطه سببیت مذکور، زمانی محقق می‌شود که ادغام موردنظر با ایجاد تغییرات اساسی در ساختار بازار، آن را به سوی «تمرکز شدید» سوق دهد.

در هر حال، چنانچه بخواهیم براساس ظاهر و منطوق بند یاد شده، آن را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم، باید بپذیریم که به صرف افزایش قیمت کالا یا خدمت پس از تحقق ادغام، آن ادغام جزو موارد ممنوعه خواهد بود؛ به شرط آنکه این افزایش قیمت ناشی از خود آن ادغام، پایدار و غیرمعارف باشد؛ نتیجه‌ای که از دو قید «در نتیجه ادغام» و «به‌طور نامتعارف» که مصرح در بند یادشده است، به خوبی قابل برداشت است.

با این توضیح، با وجود بند «۳» ماده (۴۸)، بند «۲» زائد به نظر می‌رسد، زیرا معیار و ضابطه اصلی شناسایی ادغام‌های مخل رقابت در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، همان «ایجاد تمرکز شدید» است که در بند «۳» این ماده، به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. هرگاه ادغام، موجب ایجاد تمرکز شدید در بازار شود:

به موجب این بند، اساسی‌ترین ضابطه ارزیابی ادغام‌های مضر در کنترل ادغام‌ها در نظام حقوقی ایران، «ایجاد تمرکز شدید» در بازار است؛ معیاری که به‌کارگیری آن از نظر فنی و عملی، ساده‌تر بوده و نتایج حاصل از آن، هماهنگی بیشتری با موازین حقوق رقابت دارد. مبانی وضع چنین محدودیتی را می‌توان در اهدافی چون جلوگیری از ایجاد انحصار، ممانعت از ایجاد موقعیت مسلط، حفظ رقابت مؤثر و حفظ منافع مصرف‌کنندگان دانست، بنابراین اگرچه ممکن است ادغامی درحقیقت موجب افزایش کارایی و آثار مثبت دیگر شود، اما چنانچه ایجاد تمرکز شدید از پیامدهای ناگزیر آن باشد، از منافع اقتصادی آن چشم‌پوشی شده و به لحاظ منافع مذکور حکم به ممنوعیت آن داده می‌شود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۴۱۵).

اما نکته حائز اهمیت در این خصوص، لزوم تعریف مفهوم «تمرکز شدید» است. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) تعریفی از آن ارائه نکرده، اما تبصره «۲» ماده (۴۸)^۱، تعیین «مفهوم و محدوده تمرکز شدید» و اعلام آن را برعهده شورای رقابت قرار داده است، اما این شورا تاکنون در این خصوص، به تکلیف خود عمل ننموده و دستورالعمل خاصی را در این ارتباط منتشر نکرده است.^۲ با این وصف، به نظر می‌رسد که شورای رقابت برای محاسبه میزان تمرکز بازار مورد نظر و تأثیر ادغام صورت گرفته در آن، در عمل از شاخص‌های معمول، مانند «شاخص HHI» استفاده کند؛ کما اینکه در مطالعات صورت گرفته از سوی نهادهای وابسته به شورا در جهت برآورد میزان تمرکز در برخی از بازارهای کشور، همانند فولاد از همین معیارها استفاده شده است (www.nicc.gov.ir).

به موجب منطوق بند یاد شده، تمرکز شدید ایجاد شده باید با ادغام صورت گرفته، رابطه سببیت داشته و در نتیجه آن باشد؛ علاوه بر این، این بند فقط شامل ادغام‌هایی می‌شود که موجب تمرکز شدید در بازار است و حال آنکه با توجه به مقررات ماهوی مربوط به کنترل ادغام‌ها در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و مبنای وضع ممنوعیت مذکور، بایستی این ممنوعیت را بر ادغام‌هایی که سبب «تقویت تمرکز موجود» می‌شود نیز قابل تسری دانست، بنابراین عبارت این بند، ناقص به نظر می‌رسد، چراکه با این بیان، ادغام‌هایی که نه با «ایجاد» وضعیت مسلط و تمرکز شدید، بلکه با «تقویت» وضعیت مسلط و تمرکز موجود، اخلاص در رقابت می‌کند را ممنوع نمی‌نماید و باید به گونه‌ای اصلاح شود که ادغام‌های تقویت‌کننده تمرکز موجود را نیز دربرگیرد.

۴. هرگاه ادغام، به ایجاد بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده در بازار منجر شود:

بر این اساس، هرگونه ادغامی که در نتیجه آن، شرکت کنترل‌کننده ایجاد شود، در محدوده ممنوعیت این بند قرار خواهد گرفت، اما نکته قابل توجه در این خصوص، مفهوم «شرکت کنترل‌کننده» است که بند «۱۸» ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)،

۱. تبصره «۲» ماده (۴۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴): «دامنه تمرکز شدید را شورای رقابت، تعیین و اعلام می‌کند».

۲. در تأیید این ادعا، در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۲/۲ شورای رقابت، تعیین و اعلام دامنه تمرکز شدید، به هفته‌های آتی موکول شده است (www.nicc.gov.ir).

به تبیین آن پرداخته و به موجب آن، بنگاه یا شرکت کنترل کننده، بنگاه یا شرکتی است که از طریق تملک تمام یا قسمتی از سهام یا سرمایه یا مدیریت و یا از طرق دیگر، فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها یا شرکت‌های دیگر را در یک بازار کنترل می‌کند.

باید دانست که در تعریف این اصطلاح، دقت کافی به کار گرفته نشده است، زیرا اطلاق این تعریف، موجب می‌شود شرکتی که پس از ادغام نسبت به چند شرکت کوچک و بخش کوچکی از کل بازار کنترل پیدا کند نیز مشمول تعریف شرکت کنترل کننده شده و بر این اساس، در دایره ممنوعیت بند «۴» ماده (۴۸) قرار گیرد و حال آنکه چنین ادغامی، از منظر حقوق رقابت، خطری را به همراه نداشته و نگرانی خاصی ایجاد نمی‌کند. بررسی ماده (۲) آیین‌نامه ادغام اتحادیه اروپا نیز نشان داد که تنها ادغام‌هایی که در کل بازار و یا بخش عمده‌ای از آن، مانع ایجاد کنند، مشمول ممنوعیت قرار می‌گیرند؛ بر این اساس، عبارت مطلق مذکور در بند فوق‌الذکر باید مقید شود.

از سوی دیگر، به‌طور کلی، وجود این بند، زائد به نظر می‌رسد، زیرا در صورت ایجاد شرکت یا بنگاه کنترل کننده در بازار، لزوماً «تمرکز شدید» در بازار رخ خواهد داد که مستند به بند «۳» ماده (۴۸) می‌توان آن را مشمول ممنوعیت قرار داده و از وقوع آن جلوگیری کرد؛ کما اینکه نظیر این ممنوعیت در مقررات نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز دیده نمی‌شود.

از مجموع آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که «ضابطه اصلی کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت» در نظام حقوقی ایران، به‌طور کلی و اجمالی، در بند «۳» ماده (۴۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مورد اشاره قرار گرفته و آن «ایجاد تمرکز شدید» در بازار است، اما همانگونه که اشاره شد، مرجعی که صریحاً در تبصره «۲» ماده یادشده به منظور تعیین محدوده تمرکز شدید و اعلام آن، معین شده است، تاکنون مبادرت به این امر نکرده است؛ بر این اساس، این ضابطه در عمل با ابهاماتی مواجه است و شاید مانند نظام حقوقی اتحادیه اروپا نتوان مفهوم قاطعی در خصوص آن ارائه کرد، به‌عنوان مثال، در بررسی مقررات اتحادیه اروپا مشاهده شد که کمیسیون اروپا به منظور تبیین هرچه دقیق‌تر ضابطه ماهوی کنترل ادغام، اقدام به انتشار راهنمای ادغام افقی و همچنین راهنمای ادغام غیرافقی کرده است و به این علت، در خصوص ضابطه «ایجاد تمرکز شدید» مذکور

در بند «۳» ماده (۴۸) این نظر مطرح شده است که شامل ایجاد «وضعیت مسلط»، یعنی همان معیار مورد نظر نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز می‌شود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۴۱۹).

از مجموع آنچه در خصوص مواد (۴۷ و ۴۸) قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴) بیان شد نیز این نکته مهم قابل برداشت است که برخلاف نظام حقوقی اتحادیه اروپا، ضابطه شناسایی ادغام‌های مخل رقابت در فرض ادغام‌های واقعی و عملی در نظام حقوقی ایران با هم یکسان نیست و همانگونه که بیان شد، قانونگذار ایران در خصوص ادغام‌های عملی، ضابطه کلی و عام «اخلال در رقابت» را مقرر کرده است، اما در خصوص ادغام‌های واقعی، به ضابطه خاص و ویژه «ایجاد تمرکز شدید» اشاره کرده است در حالی که با توجه به تأثیر مشابه آنها در رقابت همانند سایر نظام‌های حقوقی از جمله اتحادیه اروپا، تعیین ضابطه‌ای واحد برای همه انواع ادغام‌ها، اعم از ادغام‌های واقعی و عملی از منظر رقابت، مورد پیشنهاد است.

در ادامه، تبصره «۱» ماده (۴۸)، به استثنائات وارد بر احکام مذکور در بندهای چهارگانه این ماده اشاره داشته و بیان می‌دارد: «در مواردی که پیشگیری از توقف فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌ها یا دسترسی آنها به دانش فنی، جز از طریق ادغام امکان‌پذیر نباشد، هرچند ادغام منجر به بندهای «۳ و ۴» این ماده شود، مجاز است».

بر اساس آنچه از مفهوم این تبصره قابل برداشت است، می‌توان ادعا کرد که در نظام حقوقی ایران نیز مانند نظام حقوقی اتحادیه اروپا، «شرکت در حال شکست» می‌تواند با استناد به این بند، مبادرت به ادغام کرده و از آثار ممنوعیت مذکور در ماده (۴۸) رهایی یابد. شاید بتوان دلیل این حکم استثنایی را در آثار اقتصادی ادغام‌ها و دیگر نتایج متنوع آنها جستجو کرد؛ به نحوی که این آثار از درجه‌ای از اهمیت برخوردارند که قانونگذار از مبانی اقتصادی زیربنای حکم ممنوعیت مذکور در ماده (۴۸) صرف‌نظر کند؛ البته باید تأکید کرد همانگونه که از منطوق این تبصره به صراحت قابل برداشت است، شرکت موردنظر زمانی می‌تواند به این تبصره و استثنای مذکور در آن استناد نماید که اثبات کند اساساً هیچ راهی جز ادغام برای خروج آن شرکت یا بنگاه از توقف و شکست، و به تبع آن، خروج از بازار رقابتی وجود نداشته است؛ علاوه بر این، چنانچه ادغام موردنظر سبب «افزایش قیمت» کالا یا خدمت موضوع فعالیت شرکت یا بنگاه مفروض در بازار شود، نمی‌توان به این حکم استثنایی استناد

کرد و شاید اساساً دلیل و منطبق طراحی بند «۲» در کنار بند «۳» در ماده (۴۸) توسط قانونگذار این باشد که در برخی موارد، مانند موضوع این تبصره، ممکن است در برخی شرایط، بند «۳» ماده فوق اعمال نشود، اما بند «۲» این ماده لازم‌الاجرا باقی بماند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. نظام حقوقی اتحادیه اروپا، ضابطه ماهوی کنترل ادغام را «ایجاد مانع عمده در رقابت مؤثر» اعلام کرده است و همچنین صریحاً این ضابطه ماهوی را بر تمام اقسام تمرکزها از جمله ادغام‌های واقعی و عملی حاکم دانسته است، اما نظام حقوقی ایران درخصوص ادغام‌های عملی، ضابطه ماهوی «اخلال در رقابت» را مقرر و درخصوص ادغام‌های واقعی، ضابطه ماهوی «ایجاد تمرکز شدید» را اعلام کرده است؛ درحالی که هر دو دسته از ادغام‌ها از منظر آثاری که بر رقابت دارند، مشابه یکدیگرند، بنابراین به نظر می‌رسد بهتر است که در نظام حقوقی ایران نیز ضابطه یکسانی برای همه نوع ادغام‌های واقعی و عملی در نظر گرفته شود؛

۲. براساس مقررات نظام حقوقی ایران، ضابطه ارزیابی «ادغام‌های عملی»، یعنی «اخلال در رقابت»، بسیار کلی بیان شده و حال آنکه درخصوص ادغام‌های واقعی، ضابطه مشخص و ویژه «ایجاد تمرکز شدید» در نظر گرفته شده است؛ براین اساس با توجه به تذکر مذکور در بند اول بهتر بود که قانونگذار این ضابطه را برای ادغام‌های عملی نیز در نظر می‌گرفت و به‌این ترتیب، ماده (۴۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، حذف و ماده (۴۸) این قانون به گونه‌ای تنظیم می‌شد که شامل «ادغام‌های عملی» نیز شود.

۳. مفهوم ضابطه ماهوی کنترل ادغام‌ها در نظام حقوقی اتحادیه اروپا براساس «راهنماهایی» که «کمیسیون اروپا» منتشر کرده، به خوبی تبیین و روشن شده است، حال آنکه در نظام حقوقی ایران با وجود تأکید و تصریح قانونگذار، «شورای رقابت» تاکنون در این خصوص، به تکلیف خود عمل نکرده است.

۴. به موجب ماده (۴۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، نظام حقوقی ایران درخصوص «ادغام‌های واقعی» به‌منظور تجویز در مرحله وقوع ادغام، رعایت الزامات و مقررات عام راجع به فعالیت‌های ضدرقابتی را نیز ضروری دانسته است، درحالی که

مقررات عام درباره فعالیت‌های ضد رقابتی که شامل موضوعاتی نظیر توافقات یا فعالیت‌ها و رویه‌های ضد رقابتی و یا سوء استفاده از موقعیت مسلط می‌شوند، در بررسی اینکه آیا وقوع ادغام، محل رقابت است یا خیر، سالبه به انتفاء موضوع می‌باشند؛ به نحوی که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، مقررات خاص و ویژه‌ای برای کنترل ادغام‌ها از منظر حقوق رقابت وضع شد و به وضوح، عدم شمول مقررات عام راجع به فعالیت‌های ضد رقابتی بر کنترل ادغام‌ها مورد تصریح قرار گرفته است. بنابراین بند اول ماده (۴۸) قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، بندی زائد و غیر مرتبط با موضوع جواز یا ممنوعیت وقوع ادغام بوده و حتی وجود آن ممکن است در عمل موجب ابهام نیز گردد و به این علت، حذف آن پیشنهاد می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. دفتر مطالعات اقتصادی؛ معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۴). *لایحه قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها*، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۲. رجالی، محسن (۱۳۹۱). «تأثیر حقوق رقابت بر ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۳. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۴. سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجاری و نقش آن در سیاستگذاری تنظیم بازار*، تهران، انتشارات فردوسی.
۵. شکوهی، مجید (۱۳۸۱). *حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا*، چ اول، تهران، نشر میزان.
۶. صادقی‌مقدم، محمدحسن و بهنام غفاری فارسانی (۱۳۹۰). «روح حقوق رقابت»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۷۳.
۷. عطائی، امید (۱۳۸۹). «مروری بر روند تهیه و تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی»، چاپ اول، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۱). *حقوق رقابت و ضمانت اجرای مدنی آن*، چ اول، تهران، نشر میزان.
۹. وکیلی‌مقدم، محمدحسین (۱۳۸۹). *توافقات ضد رقابت تجاری*، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب همگان.
10. Baches Opi, Sergio (2010). *Merger Control in the United States and European Union: How Should the United States' Experience Influence the Enforcement of the Council Merger Regulation*, Available at: <https://www.copyright.com>.
11. Bellis, Jean-François, Porter Elliott and Johan Van Acker (2012). *The Current State of the EU Merger Control System: Ten Areas Where Improvements Could be Made*, Available at <https://www.vanbaelbellis.com/en/fiches/publications>.
12. Bergman, Mats A., B. Coate Malcolm, Maria Jakobsson and Shawn W. Ulrick (2011). "Merger Control in the European Union and the United States: Just the Facts", *European Competition Journal ECJ*, Vol. 7, No. 1.
13. Bourne, Nicholas (2013). *Bourne on Company Law*, London, Routledge, 6th Ed.
14. Carstensen, Peter C. and Susan Beth Farmer (2008). *Competition Policy and Merger Analysis in Deregulated and Newly Competitive Industries*, Cheltenham, Edward Elgar, 1th Ed.
15. Cassis, Youssef, Francios Crouzet and Terry Gourvish (1995). *Management and Business in Britain and France*, New York, Oxford University Press, 1th Ed.
16. Chalmers, Damian, Gareth Davies and Giorgio Monti (2010). *European*

- Union Law, Cases and Materials*, London, Cambridge University Press, 2th ed.
17. Dabbah, Maher M. (2004). *EC and UK Competition Law, Commentary, Cases and Materials*, Cambridge, Cambridge University Press, 1th Ed.
18. DePamphilis, Donald M. (2012). *Mergers and Acquisitions and Other Restructuring Activities*, Los Angeles, Elsevier Inc., 6th Ed.
19. Duso, Tomaso, Klaus Gugler and Burcin B. Yurtoglu (2011). "How Effective is European Merger Control", *European Economic Review*.
20. Ezrachi, Ariel and Maria Ioannidou (2014). "Buyer Power in European Union Merger Control", *European Competition Journal*, Doi:10.5235/17441056.10.1.69.
21. Fugina, Kathryn (2006). Merger Control Review in the United States and the European Union: Working Towards Conflict Resolution, *Northwestern Journal of International Law & Business*, No.26; Available at: <https://www.copyright.com>.
22. Gaughan, Patrick A. (2010). *Mergers, Acquisitions and Corporate Restructurings*, New Jersey, JohnWiley & Sons, Inc., 5th Ed.
23. Gregoriou, Greg N. and Karyn L. Neuhauser (2007). *Mergers and Acquisitions; Current Issues*, New York, Palgrave Macmillan, 1th Ed.
24. Kokkoris, Ioannis (2011). *Merger Control in Europe; The Gap in the ECMR and National Merger Legislations*, London, Routledge, 1th Ed.
25. Kon, Stephen and Amanda Butler (2012). "UK: How to Escape Phase II Investigations in the Context of Mergers", *Journal of European Competition Law & Practice*, Vol. 3, No. 1.
26. Lecchi, Emanuela and Jason Logendra (2013). *Competition Law and Policy in the UK* (2.1), London, Watson, Farley & Williams LLP; Available at: <Http://www.connection.ebscohost.com>.
27. Levy, Nicholas (2013). "EU Merger Control and Non-Controlling Minority Shareholdings: The Case Against Change", *European Competition Journal*, Doi:10.5235/17441056.9.3. 721.
28. Lindsay, Alistair (2010). *European Competition Law Review*; UK Merger Control: Recent Developments, Sweet & Maxwell and its Contributors, E.C.L.R. 31(3).
29. Malinauskaite, Jurgita (2011). *Merger Control in Post-Communist Countries; EC Merger Regulation in Small Market Economies*, London, Routledge, 1th Ed.
30. Maydell, Patrick (2012). "European Union Law" Working Papers, No.3, Non-Horizontal Mergers under the EC Merger Regulation, Stanford-Vienna, Transatlantic Technology Law Forum.
31. McLaughlin, Susan (2013). *Unlocking Company Law*, London, Routledge, 2th Ed.
32. Mosso, Carles Esteva (2007). "Non-Horizontal Mergers: A European", *Fordham International Law Journal*, Volume 31, Issue 5, Article 12.
33. Parisi, John J. (2010). "A Simple Guide to the EC Merger Regulation", Available at: <Http://www.antitrustsource.com>.
34. Petrasincu, Alex (2011). "The Treatment of Vertical and Conglomerate Mergers

- in the European Union; The European Commission's new Guidelines on The Assesment of Non-Horizontal Mergers", Available at: <https://www.law.georgetown.edu/academics/law-journals/gjil/upload/7-PetrasincuFixed.pdf>.
35. Pettet, Ben (2005). *Company Law*, London, Edinburgh Gate, 2th Ed.
36. Ridely, Ann (2011). *Key Facts Company Law*, London, Hodder Education, 4th Ed.
37. Ramos, Álvaro, Tricia Mohan and Francesco Carloni (2011). *Evaluating Vertical Mergers Post Non-Horizontal Guidelines: An Economics-Based Approach?*, Bruges, The Global Competition Law Centre Working Papers Series: GCLC Working Paper 03/09, 1-Ed.
38. Rodger, Barry J. and Angus MacCulloch (2009). *Competition Law and Policy in the EC and UK*, London, Routledge Cavendish, 4th Ed.
39. Slaughter and May (2012). "The EC Merger Regulation; An Overview of the European Merger Control Rules", Available at: <http://www.slaughterandmay.com>.
40. _____ (2009). UK Merger Control Under the Enterprise Act 2002, Available at: <http://www.Slaughterandmay.com/>.
41. Stemshaug, Helge (2012). *EU Merger Control*, University of Oslo; Available at: <http://www.bahr.no>.
42. Tiwari, Neeraj (2011). "Merger Under The Regime of Competition Law: A Comparative Study of Indian Legal Framework With EC and UK", *Bond Law Review*, Vol. 23: Iss. 1, Article 7.
43. Wang, Wei and Matti Rudanko (2012). "EU Merger Remedies and Competition Concerns: An Empirical Assessment", *European Law Journal*, Vol. 18, No. 4.
44. _____ (2010a). *European Commission, EU Competition Law: Rules Applicable to Merger Control*, Luxembourg, Office for Official Publications of the European Union, 1th Ed.
45. _____ (2010b). *Merger Assessment Guidelines; A Joint Publication of the Competition Commission and the Office of Fair Trading*, 1th Ed.
46. www.nicc.gov.ir

اثر گردشگری بر توزیع درآمد برای کشورهای دی هشت

سعید راسخی* و ثریا محمدی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۳/۹	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲
-----------------------	-----------------------

گردشگری بزرگ‌ترین صنعت خدماتی جهان از نظر درآمدزایی شناخته شده است، به طوری که رشد آن تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی را در پی دارد. توسعه صنعت گردشگری برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون درآمد سرانه نسبتاً پایین، توزیع نامناسب درآمد، نرخ فلاکت (مجموع نرخ‌های بیکاری و تورم) قابل توجه، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی مواجه‌اند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد است. برای این منظور، از داده‌های تابلویی مجموعه کشورهای گروه دی هشت (شامل ایران) طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد الگوی داده‌های تابلویی نشان می‌دهد، توسعه گردشگری و باز بودن تجارت اثر مثبت و معنادار بر توزیع درآمد دارند. در مقابل، براساس سایر نتایج مطالعه حاضر، شاخص فلاکت و بحران اقتصاد جهانی، نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهند. در مجموع و براساس نتایج تحقیق حاضر، اگرچه توسعه گردشگری و باز بودن تجارت می‌تواند موجب بهبود توزیع درآمد شود، ولی افزایش مقاومت اقتصادی در برابر بحران‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: صنعت گردشگری؛ توزیع درآمد؛ داده‌های تابلویی؛ کشورهای گروه دی هشت؛ ایران

* استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛

Email: srasekhi@umz.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران؛

Email: mohammadiso92@gmail.com

مقدمه

از ابتدای قرن بیستم تا اواسط آن، توجه بیشتر اقتصاددانان کشورهای جهان به افزایش نرخ رشد اقتصادی معطوف شده بود ولی از نیمه دوم به بعد، به ویژه از دهه ۱۹۷۰ با ملاحظه افزایش شکاف درآمدی میان فقرا و ثروتمندان و همچنین تحول در آگاهی عمومی به افزایش کیفیت زندگی تأکید شده است. به طوری که محبوب‌الحق^۱ (۱۹۷۶) این چنین می‌نویسد «تاکنون به ما گفته می‌شد به رشد اقتصادی بیاندیشید مسئله توزیع درآمد حل خواهد شد، حال ما می‌گوییم به فقر بیاندیشیم رشد محقق خواهد شد». این موضوع ابتدا در کشورهای ثروتمند با تغییر قوانین کار به نفع کارگران و ارائه خدمات رفاهی قابل توجه به نیروی کار، افزایش مالیات از صاحبان سرمایه و اقشار ثروتمند و ارائه انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی برای افراد کم‌درآمد همراه شد (دیزجی و آهنگری گری، ۱۳۹۴: ۷۶). از این نقطه نظر ایجاد تعادل در توزیع درآمدها و کاهش نابرابری به صورت یکی از اهداف عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است.

اهمیت گردشگری به منزله پدیده‌ای نوین، از ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی قابل بحث و بررسی است (Rojek and Urry, 1997: 12). در حال حاضر گردشگری پیش از هر فعالیت دیگری در جهان، حرکت سرمایه و انتقال پول‌ها را در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی موجب می‌شود و هزینه‌های گردشگری به مراتب سریع‌تر از تولید ناخالص ملی و صادرات جهانی کالا و خدمات رشد می‌یابد؛ از این رو اکثر کشورهای جهان به گردشگری که مواد اولیه آن طبیعت زیبا و متنوع، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و فرهنگ است به‌عنوان بهترین راه رسیدن به اهداف خویش می‌نگرند (صدری، غوابش و آبسته، ۱۳۸۶: ۱۲). از سوی دیگر تأثیر گردشگری بر میزان اشتغال کشورها، افزایش درآمد ارزی، رونق صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و مهم‌تر از همه، ارتقای سطح زندگی و معیشتی مردم و بسیاری دیگر از عوامل پیش‌برنده اقتصادی، موجب شده است تا نگرش کشورهای دنیا به مرز آن تغییر یافته و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای محرک توسعه اقتصادی، جایگاه مهمی در

سیاست‌گذاری دولت‌ها پیدا کند (شریفی‌رنانی، صفائی شکیب و عمادزاده، ۱۳۸۹: ۱۰).

بخش گردشگری، جدا از اینکه باعث رشد اقتصادی می‌شود، توزیع درآمد کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد صنعت گردشگری با توجه به اینکه یک صنعت کاربر تلقی می‌شود و بسیاری از صنایع کوچک و متوسط را درگیر می‌کند، ضریب تکاثری نسبتاً بالایی دارد، زودبازده و لزوماً به سرمایه‌گذاری کلان نیاز ندارد، طبقات پایین درآمدی نیز از منافع آن سهم می‌برند و می‌تواند به بهبود توزیع درآمد کمک کند. با این حال، بنا به شدت عامل، اثرگذاری و اثرپذیری صنعت گردشگری بسیار گسترده و تا حدی پیچیده است. کشورهایی که اقتصاد تک‌محصولی دارند، به دنبال استراتژی‌های جایگزین به‌ویژه جایگزینی رشد مبتنی بر گردشگری به جای رشد مبتنی بر صادرات تک‌محصولی هستند. ولی این کشورها در چارچوب اهداف توسعه‌ای خود، نگران اثرات این گونه سیاست‌ها بر توزیع درآمد نیز هستند. برای مثال می‌توان به گروه دی‌هشت اشاره کرد که با هدف کمک به توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای عضو در همه زمینه‌ها در سال ۱۹۹۷ میلادی رسمیت یافت. این همگرایی شامل هشت کشور اسلامی در حال توسعه جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه است. براساس تقسیم‌بندی بانک جهانی، این کشورها در سطوح مختلف توسعه قرار دارند، به‌طوری‌که سه کشور اندونزی، ایران و نیجریه در گروه کشورهای صادرکننده نفت؛ چهار کشور پاکستان، ترکیه، مالزی و مصر در گروه کشورهای با درآمد متوسط و بنگلادش جزو کشورهای کمتر توسعه یافته تلقی می‌شود. از طرف دیگر، کشورهای گروه دی‌هشت با برخورداری از جمعیتی حدود یک میلیارد نفر (حدود ۱۴/۳ درصد جمعیت جهان) برای غلبه بر مشکلات ناشی از اقتصاد تک‌محصولی، با متنوع کردن تولیدات خود، تلاش کرده‌اند اقتصادشان را بازسازی کنند. این کشورها به دلیل داشتن مشترکات فرهنگی و موقعیت ممتاز جغرافیایی، قابلیت‌های بسیاری در بخش گردشگری دارند. به‌طوری‌که در هر هشت کشور مورد بررسی و طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰، بخش گردشگری بیشترین سهم را در ترکیب تولید ناخالص داخلی دارد. در این ارتباط و براساس گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری^۱، سهم صنعت

گردشگری در سال ۲۰۱۴ در ایجاد اشتغال برای پاکستان^۱، نیجریه ۳/۶، ایران ۵/۳، ترکیه ۸/۲، اندونزی ۸/۴، مصر ۱۱/۶، بنگلادش ۳/۶ و مالزی ۱۳ درصد است. همچنین، سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری به ترتیب در کشورهای گروه دی‌هشت نسبتاً متفاوت و مشخصاً برای پاکستان ۶/۹ و ۹/۲، نیجریه ۴/۱ و ۶/۶، ایران ۶/۳ و ۳، ترکیه ۱۲ و ۹/۷، اندونزی ۹/۳ و ۵/۳، مصر ۱۲/۸ و ۱۱/۲، بنگلادش ۴/۱ و ۱/۴ و مالزی ۱۴/۹ و ۶/۸ درصد است. تجزیه و تحلیل وضعیت صنعت گردشگری کشورهای دی‌هشت نشان می‌دهد؛ کشورهایی مانند مصر، ایران، نیجریه و پاکستان در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۱، رشد منفی در عایدی گردشگری داشته‌اند. این در حالی است که با افزایش تعداد گردشگران جهان از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۱۱۳۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴، عایدات بین‌المللی از محل گردشگری به رقم بی‌سابقه ۱۲۴۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. این میزان عایدات، ۳۰ درصد صادرات جهان از خدمات و ۶ درصد کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده و موجب رشد ۹ درصد تولید ناخالص داخلی جهان شده است (UNWTO, 2015: 2).

همچنین، بنا به پیش‌بینی شورای جهانی سفر و گردشگری، سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری جهان در سال ۲۰۲۵ به ترتیب به ۱۰/۵ و ۴/۹ درصد خواهد رسید. از این رو گردشگری نقش مهمی در ترغیب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها/ایجاد درآمد برای دولت و اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در سراسر دنیا داشته است. درآمد ارزی حاصل از صنعت مذکور روزبه‌روز افزایش می‌یابد، به طوری که کشورهای توسعه‌یافته در این بعد از فعالیت‌های اقتصادی، سالانه سهم عمده‌ای از درآمدهای ناشی از ورود گردشگران را به خود اختصاص می‌دهند. درآمد حاصل از صنعت گردشگری نه تنها به لحاظ کمی و کیفی بلکه به لحاظ چگونگی توزیع نهادی، مصرف و پس‌انداز نیز دارای اهمیت است.

در چارچوب بحث‌های فوق و با توجه به اهداف توسعه‌ای گروه دی‌هشت و پتانسیل قابل توجه آنها در بخش گردشگری و اثرات توسعه‌بخش گردشگری در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی، سؤال تحقیق حاضر این است که با گسترش همکاری این همگرایی اقتصادی و

۱. همه ارقام بر اساس قیمت‌ها و نرخ ارز سال ۲۰۱۴ است.

توسعه گردشگری کشورهای عضو، آیا گردشگری چالشی برای هدف مهم توسعه اقتصادی یعنی توزیع درآمد محسوب می‌شود؟ مطالعه حاضر به این سؤال مهم پاسخ داده است. مقاله حاضر در پنج بخش تدوین شده است که به ترتیب بعد از مقدمه، پیشینه تحقیق، مبانی نظری، برآورد الگو و تحلیل نتایج و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۱. پیشینه تحقیق

براساس بررسی‌های انجام شده، مطالعه داخلی محدودی درباره موضوع تحقیق انجام شده که در ادامه به برخی اشاره می‌شود. میرزایی، دیزجی و آقاپور اقدم میانجی (۱۳۹۳) با به کارگیری روش تخمین الگوی خودرگرسیون برداری^۱ و توابع واکنش آنی و تجزیه واریانس به بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۰ پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد ورود گردشگران خارجی، درآمد حاصل از گردشگری، هزینه سرمایه‌گذاری در گردشگری، جمعیت و درجه باز بودن اقتصادی تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد.

خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده^۲ تأثیر درآمدهای بین‌المللی گردشگری بر کاهش فقر و توزیع متعادل درآمد در ایران را طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۸ بررسی کردند. آنان با به کارگیری ضریب جینی به‌عنوان متغیر وابسته، نشان دادند که تأثیر متغیر نسبت درآمدهای گردشگری به تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی^۳ منفی می‌باشد. در حالی که اثر شاخص تجارت و قیمت مصرف‌کننده بر ضریب جینی مثبت بوده و باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

همچنین از مطالعات تجربی خارجی که درباره این موضوع انجام شده است می‌توان به لی^۴ (۱۹۹۶) اشاره کرد که با تجزیه و تحلیل داده و ستانده به بررسی الگوهای توزیع

1. Vector Auto Regression (VAR)

2. Autoregressive Distributed Lags (ARDL)

3. Gini Coefficient

4. Lee

درآمد صنعت گردشگری در کره جنوبی پرداخت. او با استفاده از منحنی لورنز^۱ و ضریب جینی و متغیرهای درآمد، اشتغال، ارزش افزوده، مالیات غیرمستقیم و توزیع درآمد در صنعت گردشگری نشان داد که صنعت گردشگری از نظر تولید اشتغال، درآمد مالیاتی و توزیع درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی بهتر از بسیاری صنایع دیگر عمل می‌کند.

مارکویلر، کیم و دلر^۲ (۲۰۰۴)، با توجه به این نکته که شناخت مکانیسم‌های توزیعی رشد اقتصادی به سازگاری اطلاعات پیش‌بینی شده برنامه‌ریزی گردشگری روستایی وابسته است؛ به بررسی امکانات طبیعی، گردشگری و توزیع درآمد در ۲۴۲ منطقه دریاچه‌ای ایالات متحده آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۸۰ پرداختند و ایشان همچنین با به‌کارگیری مدل حداقل مربعات معمولی^۳ و مدل خطای فضایی^۴ نشان دادند که انواع خاصی از امکانات طبیعی گردشگری و متغیرهای رشد به‌طور آشکار به توزیع درآمد وابسته است. تجزیه و تحلیل اثرات گردشگری از دیدگاه ایجاد اشتغال و بی‌توجهی به رشد درآمد، اجزای کلیدی ساختار توسعه روستایی را تشکیل می‌دهند.

آنتونگ^۵ و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر گردشگری مبتنی بر جامعه^۶ بر توزیع درآمد در سه روستای تایلند پرداختند. ایشان با استفاده از ضریب جینی و شاخص شوروکز^۷ (انحراف درآمدی) نشان دادند که گردشگری تمایل به افزایش نابرابری درآمد دارد؛ زیرا بیشترین درآمد بین اعضای کمیته گردشگری و رؤسای روستا متمرکز می‌شود. و بخشی از آن، به خانواده‌هایی که سوغاتی می‌فروشند و فعالیت‌های غیرکشاورزی ارائه می‌دهند، اختصاص می‌یابد. همچنین ایشان دریافتند که درآمد گردشگری مبتنی بر جامعه می‌تواند برای جوامع با اهمیت تلقی شود.

بلیک و همکاران^۸ (۲۰۰۸) با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه^۹ به بررسی اثر

-
1. Lorenz Curve
 2. Marcouiller, Kim and Deller
 3. Ordinary Least Squares (OLS)
 4. Spatial Error Model (SEM)
 5. Untong and et al.
 6. Community-Based Tourism (CBT)
 7. Shorrocks
 8. Blake and et al.
 9. Computable General Equilibrium (CGE)

اثر توزیعی گردشگری در برزیل پرداختند. آنها با توجه به اینکه افزایش تقاضای گردشگری، توزیع درآمد را از طریق سه کانال تحت تأثیر قرار می دهد: ۱. با افزایش قیمت کالاها و خدمات خریداری شده توسط خانوار، ۲. از طریق رشد درآمدی حاصل از سرمایه و ۳. با انتقال درآمد دولتی ناشی از مالیات به خانوارها، نشان دادند که: اثرات رفاه بر دولت مثبت است، در حالی که اثرات توزیعی گردشگری را بنا به طبقه درآمدی خانوارها متفاوت به دست آوردند. همچنین ایشان دریافتند که گردشگری به نفع پایین ترین بخش درآمد در برزیل است و منجر به توزیع برابر درآمدی از طریق تغییر در درآمد، قیمت است.

ژانگ، دینگ و باو^۱ (۲۰۰۸)، به بررسی توزیع درآمد و گردشگری تجاری در روستای سنتی اکسایدی^۲ چین پرداختند. ایشان دریافتند روش تجزیه و تحلیل اقتصادی و اجتماعی برای جوامعی با مقیاس جغرافیایی کوچک (جوامع روستایی) مفید است و همچنین نشان دادند که وضعیت اجتماعی چین، در فرایندهای همزمان توزیع درآمد و گردشگری تجاری به عنوان یک کاتالیزور نقش مهمی ایفا می کند.

لاچر و اوه^۳ (۲۰۱۲) با بررسی تجربی سه منطقه ساحلی ایالات متحده نشان دادند شغل های شغل های ایجاد شده توسط مخارج صنعت گردشگری نابرابری توزیع درآمدی کمتری نسبت به شغل های عمومی دارد و ایشان دریافتند که استراتژی توسعه گردشگری برای مناطق با نرخ بالای بیکاری مناسب است نه برای مناطق با نرخ بیکاری پایین؛ این به ویژه در کشورهای صدق می کند که نرخ بالای بیکاری به بخش جوان مربوط است، چون مشاغل ایجاد شده توسط گردشگری در عین حال که بیکاری را کاهش می دهند بر اشتغال کم درآمد تکیه می کنند.

گتی^۴ (۲۰۱۳)، با به کارگیری مدل تعادل عمومی قابل محاسبه به بررسی گردشگری، رفاه رفاه و توزیع درآمد در کروواسی پرداخت. او نشان داد امکانات طبیعی گردشگری (به ویژه منابع آبی) یکی از عوامل کلیدی توزیع درآمد است و با اندازه گیری اثرات توزیعی با شاخص اتکینسون دریافت گردشگران ورودی نابرابری درآمد را کاهش می دهند. همچنین او نشان داد

1. Zhang, Ding and Bao

2. Xidi

3. Lacher and Oh

4. Gatti

که اگر ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری انتخاب شود، این اثرات کمتر خواهد شد. آدییا^۱ و همکاران (۲۰۱۴) به تجزیه و تحلیل فضایی توزیع درآمد گردشگری در بخش اقامتی غرب اوگاندا در سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۲ پرداختند. ایشان با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از کارکنان اطراف پارک ملی کیباله^۲ در غرب اوگاندا نشان دادند که منطقه نفوذ جغرافیایی اقامت گردشگری در روستاها، نسبت به مناطق شهری کمتر است. درک تفاوت‌های فضایی توزیع منافع گردشگری در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به سیاست‌های آگاهانه در کاهش فقر منجر شود. سیاست ترویج گردشگری به عنوان استراتژی کاهش فقر در برخی از مناطق موفقیت‌هایی را نشان داده است. علاوه بر این، برای بیش از ۸۰ درصد خانواده‌ها، گردشگری منبع اصلی درآمد در این مناطق است. همچنین، اشتغال گردشگری می‌تواند سرمایه اولیه لازم را برای فعالیت‌های تکمیلی به دست آورد.

گرچیا^۳ (۲۰۱۵)، به بررسی توزیع درآمد، گردشگری و بحران در کشورهای جنوب اروپا پرداخت. او با استفاده از مدل حداقل مربعات تعمیم یافته^۴ طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ نشان داد که بخش گردشگری علاوه بر اینکه باعث رشد اقتصادی می‌شود، توزیع درآمد در کشورهای جنوب اروپا را نیز بهبود می‌دهد. همچنین، آنان دریافتند که رشد اقتصادی و بحران بر توزیع درآمد اثری ندارد.

حنا، لوی و پتیت^۵ (۲۰۱۵) با به کارگیری دو مدل حداقل مربعات تعمیم یافته و لاجیت، به بررسی تجارت درون گردشگری، توزیع درآمد و وقف گردشگری در کشورهای اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ پرداختند. ایشان با توجه به یافته‌های تجربی نواک، پتیت و سهلی^۶ (۲۰۱۲) - تجارت درون صنعت عمودی^۷ در اروپا غالباً از نوع نوع تجارت درون صنعت^۸ در بخش گردشگری است - نشان دادند تفاوت در تولید ناخالص داخلی سرانه، همپوشانی توزیع درآمد و نزدیکی فرهنگی، مهم‌ترین عوامل

1. Adiyia and et al.

2. Kibale

3. Georgiou

4. Generalized Least Squares (GLS)

5. Hanna, Lévi and Petit

6. Nowak, Petit and Sahli

7. Vertical Intra Industry Trade (VIIT)

8. Intra-Industry Trade (IIT)

تأثیرگذار تجارت درون صنعت عمودی برای کشورهای اروپایی است و عوامل موقوفات خاص گردشگری و اندازه نسبی اقتصاد اثرگذاری کمتری دارند و همچنین فاصله جغرافیایی یک اثر منفی بر تجارت درون صنعت عمودی این کشورها دارد.

اینسرا و فرناندز^۱ (۲۰۱۵) با تمرکز بر گروه‌های مختلف درآمدی خانوارها و مکانیزم درآمدهای بودجه‌ای دولت به بررسی گردشگری و توزیع درآمد در گالیسیای اسپانیا پرداختند. ایشان با طراحی روشی خاص برای ارزیابی سیاست‌های گردشگری و ترکیب داده‌های طبقات مختلف درآمدی و با ماتریس حسابداری اجتماعی^۲ در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که هر چند رشد رشد گردشگری به سود همه طبقات خانواده‌ها می‌باشد، ولی بزرگ‌ترین دستاوردها توسط خانوارهایی با درآمد بالا دریافت شده است و این باعث نابرابری درآمدی در منطقه شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

از سال ۱۹۷۰ اثرات اقتصادی گردشگری به دلیل ارائه مزایای اقتصادی از جمله: رونق کسب و کار گردش مالی، درآمد ساکنان، فرصت‌های شغلی، و مالیات دولت مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، عایدی گردشگری موجب بهبود تراز پرداخت‌ها از طریق افزایش درآمد ارز خارجی می‌شود. اندازه‌گیری دقیق اثر اقتصادی گردشگری برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تمرکز برنامه‌ریزی روی تلاش‌های تبلیغاتی و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری با اهمیت است. برای حفظ استاندارد افزایش یافته زندگی، یک برنامه رشد اقتصادی بلندمدت ضروری است. در عین حال، سیاست اقتصادی به منظور پاسخگویی به اینکه آیا توسعه آینده گردشگری منجر به توزیع مساوی درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی و بهبود استانداردهای زندگی فقرا می‌شود یا نه؟ لازم می‌باشد (Lee, 1996: 35).

ادبیات قابل توجهی درباره اندازه‌گیری اثرات توزیعی گردشگری وجود ندارد.^۳

1. Incera and Fernández

2. Social Accounting Matrix (SAM)

۳. توزیع درآمد، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند. منظور از درآمد نیز ارزش پولی افراد در مقابل خدماتی است که ارائه می‌دهند، مانند دستمزد، حقوق، بهره سرمایه، سود سهام، تعریف ساده مایکل تودارو از توزیع درآمد ملی این است که چه کسی چه مقدار از چه چیزی را به دست می‌آورد.

ماتیسون و وال^۱ (۱۹۸۲) استدلال کردند که تا به حال، بیشتر پژوهش‌های گردشگری روی اثرات اقتصادی متمرکز شده است، و از ارزیابی سود و زیان توسعه صنعت گردشگری و اهمیت برابری درآمد غفلت شده است. کاکوانی^۲ (۱۹۸۰) اظهار داشت «پدیده نابرابری درآمد، یکی از دلایل ناآرامی اجتماعی در سراسر جهان بوده است». همچنین اشنیتزر^۳ (۱۹۷۴) بیان کرد «عدم برابری در توزیع درآمد و ثروت هر دو محیط را برای ناهنجاری‌های اجتماعی آماده می‌کند». به طور کلی، ادبیات گردشگری موضوع مهم توزیع درآمد در میان طبقات مختلف اجتماعی را نادیده گرفته است.

هکشر^۴ در سال ۱۹۱۹ نظریه عوامل تولید را ارائه کرد و در سال ۱۹۳۳ اوهلین^۵ آن را تکمیل کرد و به نظریه هکشر - اوهلین معروف شد. قضیه هکشر - اوهلین را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد: «هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد، و به طور متقابل کالایی را وارد می‌کند که تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد» (سالواتوره، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه صنعت گردشگری یک صنعت کاربر محسوب می‌شود، کشورهای در حال توسعه دارای جاذبه‌های گردشگری می‌توانند از عامل کار ارزان خود بهره‌برداری کرده و از لحاظ درآمد ارزی، آن را جایگزین اقتصاد تک‌محصولی کنند.

آثار مستقیم و غیرمستقیم مخارج گردشگری، به نحوه توزیع درآمدهای حاصل از آن بستگی دارد که این به نوبه خود به مالکیت و چگونگی بهره‌برداری از منابع و امکانات در حوزه گردشگری هر کشور وابسته است. به عبارت دیگر کاربرد نسبی عوامل تولید علاوه بر بازدهی هر عامل، به نوع گردشگری ارائه شده در هر کشور نیز بستگی دارد. در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای که صنعت گردشگری در آنها در مراحل مقدماتی است، این صنعت عموماً اشتغال‌زا بوده است. در کشورهایی که از نظر صنعت گردشگری ابتدایی یا پیشرفته هستند، توسعه بیشتر گردشگری می‌تواند به مفهوم نیاز به سرمایه‌گذاری‌های ثابت در

1. Mathieson and Wall

2. Kakwani

3. Schnitzer

4. Hechscher

5. Ohlin

روش‌های پیشرفته حمل‌ونقل، توسعه تفریح‌گاه‌ها و اقامتگاه‌ها باشد. به این ترتیب درآمد حاصل از گردشگری به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری ارتباط یافته و آثار گردشگری و اقتصاد بستگی به ماهیت عرضه سرمایه و نحوه استفاده از منابع آن دارد. در گردشگری نیز همچون سایر صنایع، نسبت سرمایه به کار به تدریج و با به‌کارگیری فناوری پیشرفته‌تر تغییر می‌کند. البته فرایند جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار در گردشگری نسبت به سایر صنایع کندتر صورت می‌گیرد؛ زیرا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محصولات گردشگری بر مشخصه خدمات شغلی در گردشگری تأکید می‌ورزند و هر جا که این مشخصه مهم تلقی می‌شود سهم بالای نهاد کار، بیشتر حفظ خواهد شد.

بنابراین صنعت گردشگری با کمک به رشد اقتصادی، یک منبع درآمدی برای خانوارهای ساکن و شرکت‌های محلی است. این امر به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته^۱ مناسب است. در واقع، براساس بیانیه سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۰۵، با عنوان «بهره‌برداری گردشگری برای اهداف توسعه هزاره» گردشگری به‌عنوان یک نیروی عمده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است (Incera and Fernández, 2015: 11).

تجارب بین‌المللی و منطقه‌ای نشان می‌دهد گردشگری می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم مثبت و معناداری در سطح محلی با تولید فرآورده و اشتغال داشته باشد، و همچنین موجب افزایش حقوق و دستمزد و درآمد سرمایه می‌شود (Archer and Fletcher, 1996; Frechtling and Horvath, 1999). علاوه بر این، برخی اثرات اجتماعی این مزایا ممکن است افراد و عوامل تولید در خارج از منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد (Archer, 1982). این اثر به ساختار اقتصاد (مقدار واردات مورد نیاز در فرایند تولید) و به نوع محصولات مصرف شده توسط بازدیدکنندگان بستگی دارد. همچنین، برای در نظر گرفتن اثرات توزیعی، لازم است به مکانیسم گردشگری، توزیع نیروی کار و درآمدهای بودجه‌ای سرمایه و عوامل مختلف اجتماعی - اقتصادی توجه داشته باشیم. در واقع، ما می‌توانیم عوامل مختلفی را شناسایی کنیم تا نشان دهد گردشگری می‌تواند اثرات مختلف توزیعی بسته به ارتباط متفاوت فعالیت‌های گردشگری با بقیه اقتصاد داشته باشد.

به طوری که، صنعت گردشگری در عین حال که با افزایش درآمد تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی می‌گذارد؛ می‌تواند با ایجاد نابرابری درآمدی باعث بدتر شدن توزیع درآمد شود (Copeland, 1991; Untong and et al., 2006; Marcouiller and Xia, 2008; Pant and Parker, 2011; Incera and Fernández, 2015). و تناکولجاروس و کوکسد (۲۰۰۸) نیز با استفاده از مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر نشان دادند، هر چند رشد گردشگری به سود همه طبقات خانگی است ولی، بزرگ‌ترین دستاوردها توسط خانوارهای با درآمد بالا و توزیع‌کنندگان محصولات غیر کشاورزی دریافت شده است. بنابراین توسعه گردشگری به نفع فقرا نمی‌باشد. بلیک و همکاران (۲۰۰۸) نیز با پیاده‌سازی مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر به منظور محاسبه اثرات گردشگری در کاهش فقر و توزیع مجدد درآمد در برزیل نشان دادند با وجود اینکه خانوارهای کم‌درآمد (امانه کمترین) ذی‌نفعان اصلی کانال‌های سود و هزینه هستند، ولی خانوارهای با درآمد بالا و متوسط بیشترین بهره را از اثرات کانال دولت بر توسعه گردشگری می‌گیرند. با این حال، مطالعات کمتری در ارتباط با چگونگی اثرگذاری گردشگری بر توزیع درآمد انجام شده است.

کپلند (۱۹۹۱) اولین کسی بود که در مدل تعادل عمومی خود، اثرات گردشگری را با پارادوکسی مرتبط کرد که در ادبیات به عنوان «بیماری هلندی» شناخته شده است. این ایده قبلاً توسط کوردن و نری^۲ (۱۹۸۲) توسعه داده شده بود. براساس استدلال کپلند، اثرگذاری اقتصادی توسعه گردشگری در اقتصادهای کوچک باز، از طریق تغییر شرایط تجاری، می‌باشد. درحقیقت، گردشگران خارجی به‌طور عمده کالای غیرتجاری را مصرف می‌کنند و این موجب افزایش تقاضا و قیمت کالاهای غیرتجاری شده و در نتیجه کاهش نرخ ارز می‌شود (یعنی نسبت بین قیمت کالای تجاری و غیرتجاری). به این ترتیب کاهش نرخ ارز به افزایش اثرات مستقیم و غیرمستقیم گردشگری و بهبود رفاه منجر می‌شود. با این حال، به دلیل افزایش درآمد و محصول نهایی کار، گردشگری از سایر صنایع جذاب‌تر بوده و موجب جذب عوامل تولید به خصوص نیروی کار از بخش‌های دیگر می‌شود. و این به نوبه خود جمعیت را از بخش‌های دیگر به‌ویژه کشاورزی و صنعت

1. Wattanukuljarus and Coxhead

2. Corden and Neary

خارج می‌کند و این روند موجب صنعت‌زدایی می‌شود. وابستگی بیش از حد به گردشگری و اثرات منفی اجتماعی و اقتصادی و جنبه‌های زیست‌محیطی آن می‌تواند در نهایت موجب بدتر شدن توزیع درآمد شود (Marcouiller and Xia, 2008).

۳. برآورد الگو و تحلیل نتایج

در پژوهش حاضر، برای آزمون فرضیه تحقیق و برآورد معادله توزیع درآمد، از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. گفتنی است در میان مطالعات تجربی توزیع درآمد، گرجیا (۲۰۱۵) مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته، مارکویلر، کیم و دلر (۲۰۰۴) دو مدل حداقل مربعات معمولی و مدل خطای فضایی، حنا، لوی و پتیت (۲۰۱۵) دو مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته و لاجیت را به کار برده‌اند، بیگستن و لویین^۱ (۲۰۰۰)، لی و زو^۲ (۲۰۰۲)، میلانویچ^۳ (۲۰۰۵)، گارسیا و باندیریا^۴ (۲۰۰۴)، اندرسون^۵ (۲۰۰۵)، لی (۲۰۰۶)، مالربا و اسپریفکو^۶ (۲۰۱۴) از داده‌های تابلویی استفاده کرده و غالباً براساس نتایج به دست آمده توصیه‌های سیاستی نیز ارائه کرده‌اند. مطالعات دیگری نیز وجود دارند که از الگوهای تعادل عمومی محاسبه‌پذیر و ماتریس حسابداری اجتماعی بهره گرفته‌اند. ولی در انتخاب الگو باید به این مهم توجه داشت که همه الگوها ماهیتاً محدودیت‌هایی دارند. به‌عنوان نمونه، روش ماتریس حسابداری اجتماعی از داده‌های قدیمی استفاده می‌کند و درعین حال قابلیت دسترسی کامل همین اطلاعات برای کشورهای مورد بررسی نیز محدودیت مهمی به شمار می‌رود. الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر نیز به اطلاعات درون کشوری و به الگوسازی مستقلی براساس ساختار اقتصادی نیاز دارد. درعین حال، در الگوی داده‌های تابلویی، با ترکیب سری زمانی و مقطعی، تعداد مشاهدات و درجه آزادی الگو افزایش می‌یابد، وجود ناهمسانی واریانس محدود می‌شود، تورش برآورد به حداقل می‌رسد، همخطی میان متغیرها

1. Bigsten and Levin

2. Li and Zou

3. Milanovic

4. Garcia and Banderia

5. Anderson

6. Malerba and Spreafico

کاهش می‌یابد و کارایی بیشتر می‌شود (Baltagi, 2005). همچنین داده‌های تابلویی اطلاعات مقاطع متفاوت و پویایی آنها را همزمان در نظر می‌گیرد و قدرت آماری ضرایب را با وجود کوتاه بودن دامنه زمانی افزایش می‌دهد (Asteriou and Price, 2005).

معادله توزیع درآمد در تحقیق حاضر به صورت زیر برآورد شده است:

$$GINI_{it} = \alpha + \beta_1 GGDP_{it} + \beta_2 STOUR_{it} + \beta_3 MISERY_{it} + \beta_4 OPEN_{it} + \beta_5 DUM_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، GINI، ضریب جینی شاخص اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است و به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است؛ همچنین متغیرهای توضیحی عبارت است از: GGDP رشد اقتصادی، STOUR سهم عایدی حاصل از گردشگری که از تقسیم عایدی گردشگری هر کشور بر کل عایدی گردشگری جهان به‌دست آمده و MISERY شاخص فلاکت است که از جمع ساده نرخ تورم و نرخ بیکاری به‌دست آمده است و سرانجام OPEN درجه باز بودن تجاری (مجموع صادرات و واردات بر کل تولید ناخالص داخلی) است و DUM متغیر مجازی برای در نظر گرفتن تأثیر بحران اقتصاد جهانی تعریف شده است. داده‌های شاخص GINI از سایت‌های مختلف و سایر داده‌های آماری از سایت سازمان ملل جمع‌آوری شده‌اند. در ادامه، مبانی نظری و تجربی الگوی (۱) ارائه شده است. با توجه به اینکه آزادسازی تجاری و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای از جمله اهداف گروه دی‌هشت است و اثرات احتمالی تجارت بر توزیع درآمد، متغیر درجه باز بودن تجارت در معادله توزیع درآمد کشورهای دی‌هشت به‌عنوان متغیر توضیحی الگو لحاظ شده است؛ نظریه‌های تجارت بین‌الملل و تغییرات تکنولوژی مهارت‌گرا مبانی نظری قابل توجهی را برای اثر باز بودن تجارت بر توزیع درآمد فراهم می‌کنند. در چارچوب نظریه نئوکلاسیکی تجارت بین‌الملل، تجارت بین‌الملل بازده عاملی که در تولید کالای مزیت‌دار به نسبت بیشتر استفاده شده است را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه عموماً در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی بالاتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته دارند، انتظار می‌رود تجارت بین‌الملل به نفع عامل فراوان این کشورها و در مجموع موجب بهبود توزیع درآمد این کشورها باشد. از طرفی، برخی پژوهشگران مانند ویتترز^۱ (۲۰۰۲)،

ماس^۱ (۲۰۰۱)، اگنور^۲ (۲۰۰۲) و دالر و کری^۳ (۲۰۰۴) بر این باورند که آزادسازی تجاری موجب انعطاف پذیری و شفافیت بیشتر بازار کار شده و تقاضای نیروی کار ماهر در بخش هایی که به بازارهای جهانی راه می یابند را افزایش می دهد. ولی برخی دیگر از محققان همچون مک کالوچ، وینترز و کیرر^۴ (۲۰۰۱) و تی سای و هوانگ^۵ (۲۰۰۷) معتقدند که آزادسازی تجاری مشکلاتی از قبیل افزایش بیکاری و نابرابری درآمد در کشورهای پیشرفته و استعمار کارگران در کشورهای در حال توسعه را به وجود آورده و باعث افزایش فقر و نابرابری می شود. از این رو، مسچی و ویوارلی^۶ (۲۰۰۷)، اورنک و الورن^۷ (۲۰۱۰)، منیر و همکاران (۲۰۱۳)، لیم و مک نیلز^۸ (۲۰۱۴)، گرجی و برهانی پور (۱۳۸۷) و طیبی و ملکی (۱۳۹۰) تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدی را مثبت به دست آورده اند در حالی که، کلمنتز و کیم^۹ (۱۹۸۸)، اویولز - همز^{۱۰} (۲۰۰۵)؛ دیوید^{۱۱} (۲۰۱۱)، خان و بشیر (۲۰۱۱)، سروری و همکاران (۱۳۹۲)، آذربایجانی، ملا اسمعیلی دهشیری و دائی کریم زاده (۱۳۹۲)، اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰)، موسوی، صدرالاشرفی و طاهری (۱۳۸۸) و نظری و فتوره چی (۱۳۸۸) آن را منفی برآورد کرده اند.

ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد به نحو انکارناپذیری پیچیده است. اقتصاددانان کلاسیک از قدیم اعتقاد داشتند که رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد مقدور نیست (نیلی و فرح بخش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). آنان (گرشنکرن^{۱۲}، ۱۹۶۲؛ رستو^{۱۳}، ۱۹۹۰؛ نورکس^{۱۴}، ۱۹۵۳ و لویس^{۱۵}، ۱۹۵۴) معتقد بودند که مهم ترین راه دستیابی به توسعه، انباشت سرمایه فیزیکی

-
1. Masse
 2. Agénor
 3. Dollar and Kraay
 4. MCCulloch, Winters and Cirere
 5. Tsai and Huang
 6. Meschi and Vivarelli
 7. Örnek and Elveren
 8. Lim and McNelis
 9. Clements and Kim
 10. Obiols-Homs
 11. David
 12. Gerschenkron
 13. Rostow
 14. Nurkse
 15. Lewis

است و یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی، تشدید نابرابری در توزیع درآمدهاست. با این استدلال، هر نظام اقتصادی که بر پایه نابرابری بیشتر درآمد پایه گذاری شده باشد، در مراحل اولیه توسعه، رشد اقتصادی بالاتری نسبت به نظام اقتصادی طرح ریزی شده براساس توزیع عادلانه تر درآمدها خواهد داشت (همان: ۱۲۳). از سوی دیگر آدام اسمیت^۱ معتقد است که در اثر ازدیاد تولید، رشد اقتصادی حاصل می شود و با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه گذاری، جریان توسعه تحقق می یابد. این امر سبب می شود میزان دستمزد به مرور از سطح دستمزد معیشتی فاصله بگیرد و افزایش سطح دستمزدها می تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقشار فقیر داشته باشد. در خصوص تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، مطالعات زیادی صورت گرفته است که برخی از آن ها مانند برونو راولیون و اسکویر^۲ (۱۹۹۶)، دادخواه (۲۰۰۶)، نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷) و احمدی و مهرگان (۱۳۸۴) با تأکید بر سهولت جابه جایی سرمایه در مقیاس جهانی، برخورداری از ذخایر خدادادی و نیز امکان سرمایه گذاری در نیروی انسانی، رشد اقتصادی را عامل بهبوددهنده توزیع درآمد در نظر گرفته اند. در حالی که برخی دیگر از مطالعات تجربی نظیر پسران (۱۹۷۴)، گارسیا و باندیریا (۲۰۰۴)، وریمی و ارهارت^۳ (۲۰۰۴) و رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد را منفی ارزیابی کرده اند. برای توجیه این اثر منفی، آنان به فرضیه کوزنتس اشاره می کنند. براساس این فرضیه، نابرابری توزیع درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش است و در مراحل نهایی رشد اقتصادی، کاهش می یابد.

بیکاری با افزایش دادن پراکندگی درآمدی، عامل مهمی در توزیع درآمد محسوب می شود. مشخصاً، اشتغال به عنوان یکی از منابع کسب درآمد خانوارها به شمار می آید و از این رو می تواند بر تفاوت درآمد بین گروه های مختلف درآمدی نیز مؤثر باشد. از طرف دیگر، بیکاری موجب می شود درآمد گروه های پایین درآمدی (که تنها دارای منبع درآمدی یعنی عرضه نیروی کار خود هستند)، کاهش یابد. در حالی که بیکاری برای گروه های بالای درآمدی که سهم درآمدی از سایر دارایی ها دارند و از چند طریق درآمد به دست می آورند

1. Adam Smith

2. Bruno, Ravallion and Squire

3. Weriemmi and Ehrhart

چندان مفهومی ندارد (بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). بنابراین، ساختار بیکاری نیز حائز اهمیت است و بر این اساس، اثر بیکاری بر توزیع درآمد می‌تواند مثبت یا منفی باشد. همچنین، نرخ تورم بالا همراه با نوسان‌های زیاد اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی و همچنین، عدالت اجتماعی می‌تواند داشته باشد (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷: ۱۴۵). افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در صورتی که با افزایش درآمد نسبی طبقات مختلف درآمدی متناسب باشد و همچنین با تغییر سطح قیمت‌های نسبی کالاهایی که توسط گروه‌های خاص درآمدی مصرف می‌شود همراه نگردد، توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد. همچنین با توجه به اینکه معمولاً با افزایش قیمت کالاها، درآمد گروه‌های پایین درآمدی افزایش چندانی ندارد، کاهش می‌یابد، در حالی که قدرت خرید گروه‌های بالای درآمدی احتمالاً متأثر از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نخواهد بود. بنابراین، نرخ تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، رفاه گروه‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). اغلب مطالعات تجربی مانند بلندر و ایزاکی^۱ (۱۹۷۸)، ویل^۲ (۱۹۸۴)، نولان^۳ (۱۹۸۸)، یوشینو^۴ (۱۹۹۳)، ابونوری (۱۳۷۶)، نظری و مظاهری (۱۳۹۰) و کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) بیانگر اثر گذاری منفی نرخ تورم و بیکاری بر توزیع درآمد عادلانه می‌باشند.

بحران اقتصادی که به دنبال بروز عدم تعادل وسیع در بازارهای داخلی و خارجی رخ می‌دهد، از یک بازار به سایر بازارها سرایت کرده و گاه کل اقتصاد را درگیر می‌کند. اثرات سوء ناشی از بحران‌ها به اشکال مختلفی از قبیل نرخ تورم بالا، کاهش رشد اقتصادی، رکود گسترده و کاهش اشتغال، کسری تراز پرداخت‌ها و غیره ظهور کرده و در سطح بین‌المللی به سایر کشورها نیز تسری می‌یابد (حسن‌زاده و کیانوند، ۱۳۸۸: ۸۵). در زمان بحران، به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش بیکاری، قدرت خرید عوامل تولید به ویژه عواملی که بازده ثابتی دارند، کاهش می‌یابد و این موضوع موجب پراکندگی و افزایش

1. Blinder and Esaki

2. Weil

3. Nolan

4. Yoshino

نابرابری درآمدی شده و توزیع درآمد را بدتر می‌کند. روند توزیع درآمد کشورهای مختلف طی دوره بحران اقتصادی ۲۰۰۸ مؤید این واقعیت مهم است. مطالعات تجربی درخصوص اثر بحران بر توزیع درآمد به نتیجه نسبتاً مشخصی دست یافته‌اند، به‌عنوان نمونه می‌توان به فریدمن و لوینسون^۱ (۲۰۰۲)، بالدسی، دی مالو و اینچاست^۲ (۲۰۰۲)، راولیون^۳ (۲۰۱۰)، تریک آیزمیرلیجا و افندیس^۴ (۲۰۱۳) اشاره کرد که به این نتیجه دست یافته‌اند.

براساس مجموعه مطالعات یاد شده، الگوی تحقیق حاضر تبیین، تصریح و برآورد شده است. درعین حال، الگوی مطالعات گرجیا (۲۰۱۵)، بابازاده، قویدل و عموزاد خلیلی (۱۳۸۹)، نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷)، طیبی و ملکی (۱۳۹۰)، ابونوری، مفتاح و پرهیزی گشتی (۱۳۸۹)، اصغرپور، سلمانی و حکمتی فرید (۱۳۹۳)، خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) و سپهردوست و زمانی شبخانه (۱۳۹۴) مشابهت بیشتری با الگوی مطالعه حاضر دارند. برای شروع تخمین این الگو، لازم است مانایی متغیرها از طریق آزمون لوین، لین و چو مورد بررسی قرار گیرد. نتایج آزمون یاد شده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. بررسی مانایی متغیرهای به‌کار رفته در الگوی (۱) با آزمون لوین، لین و چو، طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۳)

متغیرها	(احتمال)*	آماره
توزیع درآمد (Gini)	(۰/۰۰۱۹)	-۲/۸۹۱۲
رشد اقتصادی (Ggdp)	(۰/۰۰۰۰)	-۴/۸۸۵۹
سهم درآمدی گردشگری (Stour)	(۰/۰۳۴۹)	-۱/۸۱۳۳
شاخص فلاکت (Misery)	(۰/۰۰۰۱)	-۳/۸۲۴۹
آزادسازی تجاری (Open)	(۰/۰۰۰۶)	-۳/۲۵۲۱

* مقادیر داخل پرانتز مربوط به ارزش احتمال متغیر می‌باشد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1. Friedman and Levinsohn
2. Baldacci, De Mello and Inchauste
3. Ravallion
4. Trkić-Izmirlija and Efendić

بر اساس جدول ۱، تمامی متغیرهای به کار رفته در الگو در سطح $(I(0))$ ، مانا می‌باشند؛ از این رو رگرسیون منتخب کاذب نیست. از آنجا که در مطالعات مبتنی بر داده‌های تابلویی احتمال بروز مشکل ناهمسانی واریانس^۱ و خودهمبستگی^۲ وجود دارد، بنابراین قبل از تخمین الگو، برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی به ترتیب از آزمون‌های نسبت درستنمایی^۳ (LR) و وولدریج^۴ استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۲ آمده است.

نتایج حاصل از جدول ۲، حاکی از وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی است. از این رو جهت رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج برآورد اثر گردشگری بر توزیع درآمد در کشورهای گروه دی‌هشت طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس آماره F لیمر مندرج در این جدول، روش داده‌های تابلویی برای تخمین الگو مناسب به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به آزمون هاسمن^۵، از روش اثرات ثابت^۶ برای برآورد الگوی ۱ استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون نسبت درستنمایی و وولدریج الگوی (۱) طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۰)

۶۷۳۵/۰۷	مقدار آماره آزمون (نسبت درستنمایی)
۰/۰۰۰۰	احتمال
۳۴/۶۰۰	مقدار آماره آزمون (وولدریج)
۰/۰۰۰۶	احتمال

مأخذ: همان.

نتایج برآورد الگو در جدول ۳ نشان می‌دهد، تمامی ضرایب معنادار است. همچنین،

-
1. Heteroskedasticity Test
 2. Autocorrelation Test
 3. Likelihood-ratio Test
 4. Wooldrige's Test
 5. Hausman Test
 6. Fixed Effect

تمامی ضرایب دارای علامت مورد انتظار و موافق با مبانی نظری و تجربی می‌باشند. علاوه بر این، مقدار $R^2 = 0/88$ نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. این یافته، همسو با نتایج سایر مطالعات مانند لی (۱۹۹۶)، بلیک و همکاران (۲۰۰۸)، لاجر و اُه (۲۰۱۲)، گتی (۲۰۱۳)، گرجیا (۲۰۱۵)، خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) است. براساس نتیجه این تحقیق، افزایش یک صدم واحد سهم درآمد ارزی گردشگری، با فرض ثبات سایر شرایط، موجب کاهش حدود ۱/۹ واحد در شاخص نابرابری درآمدی کشورهای گروه دی هشت شده است.^۱ همچنین با توجه به مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر رشد اقتصادی می‌توان گفت در صورتی که رشد اقتصادی به میزان یک واحد افزایش یابد، به فرض ثبات سایر شرایط، شاخص نابرابری تقریباً به میزان ۰/۰۶ واحد افزایش می‌یابد. این نتیجه همسو با نتایج سایر مطالعات مانند پسران (۱۹۷۴)، گارسیا و باندیریا (۲۰۰۴)، وریمی و ارهارت (۲۰۰۴) و رضایی و همکاران (۱۳۹۲) است. علامت مثبت این ضریب بیانگر آن است که رشد اقتصادی منجر به بدتر شدن توزیع درآمد در منطقه مورد بررسی شده است. براساس فرضیه کوزنتس می‌توان بیان کرد که کشورهای گروه دی هشت هنوز در مراحل اولیه رشد و توسعه اقتصادی هستند و احتمال معکوس شدن رابطه مذکور در سال‌های آینده وجود دارد. شاخص فلاکت (که از مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری به دست آمده است) اثر مثبت بر ضریب جینی دارد و براساس یافته‌های مطالعه حاضر، افزایش یک واحد شاخص فلاکت، موجب بدتر شدن توزیع درآمد به میزان ۰/۰۰۵ واحد می‌شود. این یافته مطابق با نتایج اغلب مطالعات پیشین مانند بلندر و ایزاکی (۱۹۷۸)، ویل (۱۹۸۴)، نولان (۱۹۸۸)، یوشینو (۱۹۹۳)، ابونوری (۱۳۷۶)، نظری و مظاهری (۱۳۹۰)، کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) است. اثر درجه باز بودن اقتصاد بر توزیع درآمد کشورهای گروه دی هشت منفی و معنادار به دست آمده است. براساس نتایج این مطالعه، در صورتی که درجه باز بودن اقتصاد

۱. شاخص جینی در واقع همان ضریب جینی است که به صورت درصد (در بازه صفر و صد) بیان می‌شود. مقدار پایین این شاخص، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد در حالی که مقدار بالاتر آن نشانگر توزیع نابرابر درآمد است.

یک واحد افزایش یابد، شاخص نابرابری درآمد حدود ۱/۰۱ واحد کاهش می‌یابد. این نتیجه با مطالعات اویولنز - همز (۲۰۰۵)، دیوید (۲۰۱۱)، خان و بشیر (۲۰۱۱)، سروری و همکاران (۱۳۹۲)، آذربایجانی، ملاسمعیلی دهشیری و دائی کریم‌زاده (۱۳۹۲)، اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰)، موسوی، صدرالاشرافی و طاهری (۱۳۸۸) سازگار است. همچنین با توجه به مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر بحران اقتصاد جهانی می‌توان گفت با وقوع بحران اقتصاد جهانی، توزیع درآمد در کشورهای گروه دی‌هشت تقریباً به میزان ۰/۳۵ واحد بدتر شده است. این یافته همسو با نتایج مطالعاتی نظیر فریدمن و لوینسون (۲۰۰۲)، بالدسی، دی‌ملو و اینچاست (۲۰۰۲) و راوالیون (۲۰۱۰) است.

جدول ۳. برآورد الگوی (۱) برای کشورهای گروه دی‌هشت طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۳)

متغیرها	ضرایب	خطای معیار	Z	احتمال
رشد اقتصادی (Ggdp)	۰/۰۶۴۲	۰/۰۰۷۳	۸/۶۹	۰/۰۰۰
شاخص فلاکت (Misery)	۰/۰۰۵۰	۰/۰۰۰۹	۵/۱۳	۰/۰۰۰
سهم درآمد گردشگری (Stour)	-۱۹۰/۴۰	۸/۱۹۴	-۲۳/۲۴	۰/۰۰۰
آزادسازی تجاری (Open)	-۱/۰۱۲۹	۰/۱۳۷۵	-۷/۳۶	۰/۰۰۰
بحران اقتصاد جهانی (Dum)	۰/۳۵۲۷	۰/۰۱۳۳	۲۶/۵۰	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ (Cons)	۳۳/۰۰۵	۰/۰۷۳۶	۴۴۸/۰۴	۰/۰۰۰
Wald (کای دو)	۱۶۳۶/۶۴		-----	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۸	
F-لیمر	۶۶/۵۴		-----	۰/۰۰۰
هاسمن	۴۴/۲۶		-----	۰/۰۰۰

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد است. برای این منظور کشورهای گروه دی‌هشت با توجه به اهمیت این گروه و عضویت ایران در آن، طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ مورد توجه قرار گرفته و با به کارگیری روش داده‌های تابلویی، اثر گردشگری بر توزیع درآمد این کشورها بررسی شده است.

براساس نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر، گردشگری موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. برای تداوم این اثر به نظر می‌رسد رشد گردشگری باید به نفع عوامل تولیدی باشد که وضعیت درآمدی پایین تری دارند و از این رو، نحوه توسعه و ساختار گردشگری حائز اهمیت است. به ویژه اینکه توسعه بخش گردشگری با توجه به پتانسیل‌های قابل توجه آن، یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد تک‌محصولی مورد نظر گروه دی‌هشت نیز است. در کنار نتیجه مذکور، ضریب منفی و معنادار متغیر درجه باز بودن تجاری نشان‌دهنده اهمیت باز بودن اقتصاد برای کشورهای دی‌هشت برای بهبود توزیع درآمد می‌باشد. اگرچه این کشورها باید مقاومت اقتصاد خود را در مقابل بحران‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی افزایش دهند چون براساس نتیجه تحقیق حاضر، شاخص فلاکت و بحران اقتصاد جهانی اثر مثبت و معنادار بر ضریب جینی دارد.

منابع و مآخذ

۱. آذربایجان، کریم، حسن ملاسمعیلی دهشیری و سعید دائی کریم‌زاده (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد در ایران با رویکرد الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۶۱.
۲. ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶). «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۱.
۳. ابونوری، عباسعلی، سمیه مفتاح و هادی پرهیزی‌گشتی (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران (تحلیل مقایسه‌ای مناطق شهری و روستایی ایران)»، فصلنامه علوم اقتصادی، دوره ۵، ش ۱۳.
۴. احمدی، علی محمد و نادر مهرگان (۱۳۸۴). «تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۰.
۵. اصغرپور، حسین، بهزاد سلمانی و صمد حکمتی‌فرید (۱۳۹۳). «تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ج ۲، ش ۶.
۶. اکبریان، رضا و نغمه زارع‌حقیقی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر: مورد ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۸، ش ۲.
۷. بابازاده، محمد، صالح قویدل و حسن عموزادخلیلی (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش تجارت خارجی مطالعه موردی ایران بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۶»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۱، ش ۲.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۶۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه.
۹. حسن‌زاده، علی و مهران کیانوند (۱۳۸۸). «بحران مالی جهانی، بازار جهانی نفت و استراتژی اوپک»، تازه‌های اقتصاد، دوره ۷، ش ۱۲۶.
۱۰. خاکسارآستانه، حمیده و علی رهنما (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین گردشگری و توزیع عادلانه درآمدها در اقتصاد ایران»، کنفرانس ملی ایده‌های نوین در کشاورزی محیط زیست گردشگری، اردبیل، مؤسسه حامیان زیست اندیش محیط آرمانی، <http://www.civilica.com>.
۱۱. دیزجی، منیره و محدثه آهنگری‌گرگری (۱۳۹۴). «تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه، دوره ۹، ش ۳۳.
۱۲. رضایی، اسعداله، جواد حسین‌زاده، ایوب فرامرزی و منصوره یزدان‌خواه (۱۳۹۲). «تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، ش ۴.

۱۳. سالواتوره، دومینیک (۱۳۹۱). *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه حمید ابریشمی، تهران، انتشارات نشر نی.
۱۴. سپهردوست، حمید و صابر زمانی‌شبخانه (۱۳۹۴). «بهبود پار تویی توزیع درآمد و سیاست‌گذاری مالیاتی»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۳، ش ۱۰.
۱۵. سروری، علی‌اکبر، علی‌رضا کرباسی، محمود دانشور کاخکی و حکیمه هاتف (۱۳۹۲). «اثر نرخ رشد بخش‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری بر کاهش فقر در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ج ۲۱، ش ۸۳.
۱۶. شریفی‌رنانی، حسین، مریم صفائی‌شکیب و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۹). «بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران (در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۶۸)»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، دوره ۲، ش ۶.
۱۷. صدری، مسعود، عبدالقاسم غوابش و منی آسته (۱۳۸۶). «بررسی توسعه صنعت گردشگری؛ آثار و نتایج آن»، *اقتصاد و توسعه*، ش ۲۵ و ۲۶.
۱۸. طیبی، کامیل و بهاره ملکی (۱۳۹۰). «آثار باز بودن تجارت بر نابرابری درآمدی: مورد ایران و شرکای تجاری»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، ش ۴.
۱۹. کمیجانی، اکبر و فریدون محمدزاده (۱۳۹۳). «تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۲، ش ۶۹.
۲۰. گرجی، ابراهیم و محمد برهانی‌پور (۱۳۸۷). «اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۱۰، ش ۳۴.
۲۱. موسوی، نعمت‌اله؛ مهریار صدراالاشرفی و فرزانه طاهری (۱۳۸۸). «آثار جهانی شدن بر نابرابری درآمد در ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی*، دوره ۳، ش ۲.
۲۲. میرزائی، حسین، منیره دیزجی و فاطمه آقاپور اقدمیانجی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در ایران»، *اولین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست*، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، <http://www.civilica.com>
۲۳. نظری، روح‌اله و لیلا مظاهری (۱۳۹۰). «ارتباط تورم و توزیع درآمد در ایران»، *فصلنامه سیاسی - اقتصادی*، سال بیست و پنجم، ش ۲۸۴.
۲۴. نظری، محسن و زهرا فتوره‌چی (۱۳۸۸). «رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران: آزمون فرضیه کوزنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۳۶.

۲۵. نیلی، مسعود و علی فرح‌بخش (۱۳۷۷). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۳، ش ۱۰ و ۱۱.

26. Adiyia, B., D. Vanneste, A. Van Rompaey and W. M. Ahebwa (2014). "Spatial Analysis of Tourism Income Distribution in the Accommodation Sector in Western Uganda", *Tourism and Hospitality Research*, No. 14(1-2).
27. Agénor, P. R. (2002). "Does Globalization Hurt the Poor?", *World Bank Policy Research Working Paper*, (2922).
28. Anderson, E. (2005). Openness and Inequality in Developing Countries: A Review of Theory and Recent Evidence, *World Development*, No. 33(7).
29. Archer, B. and J. Fletcher (1996). "The Economic Impact of Tourism in the Seychelles", *Annals of Tourism Research*, No. 23(1).
30. Archer, B. H. (1982). "The Value of Multipliers and their Policy Implications", *Tourism Management*, No. 3(4).
31. Asteriou, D. and S. Price (2005). "Uncertainty, Investment and Economic Growth: Evidence from a Dynamic Panel", *Review of Development Economics*, No. 9(2).
32. Baldacci, E., L. De Mello and G. Inchauste (2002). *Financial Crises, Poverty and Income Distribution*, No. 2002-2004, International Monetary Fund.
33. Baltagi, Badi H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, England, John Wiley & Sons Ltd, Third Edition.
34. Bigsten, A. and J. Levin (2000). "Growth, Income Distribution and Poverty: a Review, Rapport nr", *Working Papers in Economics*, No. 32.
35. Blake, A., J. S. Arbache, M. T. Sinclair and V. Teles (2008). "Tourism and Poverty Relief", *Annals of Tourism Research*, No. 35(1).
36. Blinder, A. S. and H. Y. Esaki (1978). "Macroeconomic Activity and Income Distribution in the Postwar United States", *The Review of Economics and Statistics*, No. 60(4).
37. Bruno, M., M. Ravallion and L. Squire (1996). *Equity and Growth in Developing Countries: Old and New Perspectives on the Policy Issues*, Vol. 1563, World Bank Publications.
38. Clements, B. J. and K. S. Kim (1988). *Foreign Trade and Income Distribution: the Case of Brazil*, Vol. 108, Helen Kellogg Institute for International Studies, University of Notre Dame.
39. Copeland, B. R. (1991). "Tourism, Welfare and De-industrialization in a Small Open Economy", *Economica*, No. 58 (232)
40. Corden, W. M. and J. P. Neary (1982). "Booming Sector and de-Industrialisation in a Small Open Economy", *The Economic Journal*, No. 92(368).
41. Dadkhah, K. M. (2006). "Income Distribution and Economic Growth in the United States: 1947-2001", Department of Economics Northeastern University Boston, MA 02115, USA.

42. David, M. (2011). "Globalization and Income Inequality in Brazil", Master of Science in International Business (Dissertation), Aarhus School of Business, Aarhus University, Master of Science in International Business.
43. Dollar, D. and A. Kraay (2004). "Trade, Growth and Poverty", *The Economic Journal*, No.114(493).
44. Frechtling, D. C. and E. Horvath (1999). "Estimating the Multiplier Effects of Tourism Expenditures on a Local Economy Through a Regional Input-output Model", *Journal of Travel Research*, No. 37(4).
45. Friedman, J. and J. Levinsohn (2002). "The Distributional Impacts of Indonesia's Financial Crisis on Household Welfare: A "Rapid Response" Methodology", *The World Bank Economic Review*, No. 16(3).
46. Garcia, F. and A. C. Banderia (2004). "Economic Reforms, Inequality and Growth in Latin America and Caribbean", *Cepal Review*, No. 77.
47. Gatti, P. (2013). "Tourism, Welfare and Income Distribution: The Case of Croatia", *Original Scientific paper*, No. 61(1).
48. Georgiou, M. N. (2015). "Income Distribution, Tourism, Crisis and Southern European Countries", *Tourism, Crisis and Southern European Countries* (April 19, 2015).
49. Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective: a Book of Essays*, No. HC335 G386, Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
50. Hanna, J., L. Lévi and S. Petit (2015). "Intra-tourism Trade, Income Distribution and Tourism Endowment: an Econometric Investigation", *Applied Economics*, No. 47(21).
51. Incera, A. C. and M. F. Fernández (2015). "Tourism and Income Distribution: Evidence from a Developed Regional Economy", *Tourism Management*, No. 48.
52. Kakwani Nanak, C. (1980). *Income Inequality and Poverty: Methods of Estimation and Policy Applications*, World Bank Research Publication, Oxford University Press, English.
53. Khan, R. E. A. and N. Bashir (2011). "Trade Liberalization, Poverty and Inequality Nexus: A Case Study of India", *Asian Economic and Financial Review*, No. 1(3).
54. Lacher, R. G. and C. O. Oh (2012). "Is Tourism a Low-income Industry? Evidence from Three Coastal Regions", *Journal of Travel Research*, No. 51(4).
55. Lee, C. K. (1996). "Input-output Analysis and Income Distribution Patterns of the Tourism Industry in South Korea", *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, No.1(1).
56. Lee, J. E. (2006). "Inequality and Globalization in Europe", *Journal of Policy Modeling*, No. 28(7).
57. Lewis, W. (1954). "Economic Development with Unlimited Supplies of Labor", *Manchester School of Economic and Social Studies*, Vol. 22.
58. Li, H., and H. F. Zou (2002). "Inflation, Growth, and Income Distribution: A Cross-country Study", *Annals of Economics and Finance*, No. 3(1).

59. Lim, G. C., and P. D. McNelis (2014). "Income Inequality, Trade and Financial Openness", *Melbourne Institute Working Paper*, No. 7(14).
60. Malerba, G., and M. Spreafico (2014). "Structural Determinants of Income Inequality In the European Union: Evidence From a Panel Analysis", *Rivista Internazionale di Scienze Sociali*, No. 124(1).
61. Marcouiller, D. W. and X. Xia (2008). "Distribution of Income from Tourism-Sensitive Employment", *Tourism Economics*, No. 14(3).
62. Marcouiller, D. W., K. K. Kim and S. C. Deller (2004). "Natural Amenities, Tourism and Income Distribution", *Annals of Tourism Research*, No.31(4).
63. Masse, P. (2001). "Trade, Employment and Wages: A Review of the Literature", *Human Resources Development Canada*.
64. Mathieson, A. and G. Wall (1982). *Tourism, Economic, Physical and Social Impacts*, Longman, London, New York, No. 22(151).
65. McCulloch, N., L. A. Winters and X. Cirera (2001). *Trade Liberalization and Poverty: A Handbook*, London: Centre for Economic Policy Research.
66. Meschi, E. and M. Vivarelli (2007). "Trade Openness and Income Inequality in Developing Countries", *Working Papers (University of Warwick)*, No. 232.
67. Milanovic, B. (2005). "Can we Discern the Effect of Globalization on Income Distribution? Evidence from Household Surveys", *The World Bank Economic Review*, No. 19(1).
68. Munir, S., A. Kausar Kiani, A. Khan and A. Jamal (2013). "The Relationship between Trade Openness and Income Inequalities: Empirical Evidences from Pakistan", *In 3rd International Conference on Business Management*.
69. Nolan, B. (1988). "Macroeconomic Conditions and the Size Distribution of Income: Evidence from the United Kingdom", *Journal of Post Keynesian Economics*, No. 11(2).
70. Nowak, J. J., S. Petit and M. Sahli (2012). "Intra-tourism Trade in Europe", *Tourism Economics*, No.18(6).
71. Nurkse, R. (1953). *Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries*, Oxford University Press, New York.
72. Obiols-Homs, F. (2005). "Trade Effects on the Personal Distribution of Wealth", *Unpublished Manuscript, Universitat Autònoma de Barcelona*.
73. Oniki, H. and H. Uzawa (1965). "Patterns of Trade and Investment in a Dynamic Model of International Trade", *Review of Economic Studies*, No. 32.
74. Örnek, İ. and A. Y. Elveren (2010). "Trade Liberalization and Income Inequality in Turkey: An Empirical Analysis", *Çukurova Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, No. 19(2).
75. Pant, Suraj and Jeffrey Parker (2011). "The Impact of Tourism on Income Inequality", *The UCLA Undergraduate Journal of Economic*, No. 39(4).
76. Pesaran, M. H. (1974). "Income Distribution Trends in Rural and Urban Iran", *Bank Markazi Iran (March 1974), Mimeo*.

77. Ravallion, M. (2010). "The Developing World's Bulging (But Vulnerable) Middle class", *World Development*, No. 38(4).
78. Rojek, C. and J. Urry (1997). *Touring Cultures: Transformations of Travel and Theory*, Psychology Press.
79. Rostow, W. W. (1990). *The Stages of Economic Growth: A Non-communist Manifesto*, Cambridge University Press, New York, No. 131(3408).
80. Schnitzer, M. (1974). "Income Distribution: A Comparative Study of the United States, Sweden, West Germany, East Germany, the United Kingdom, and Japan", Praeger Publishers.
81. Trkić-Izmirlija, N. and A. Efendić (2013). "Effects of the Global Economic Crisis and Public Spending on Income Distribution in Bosnia and Herzegovina", In *International Conference on Economic and Social Studies, 10-11 May, 2013, Sarajevo*, International Burch University, No. 1(1).
82. Tsai, P. L. and C. H. Huang (2007). "Openness, Growth and Poverty: The Case of Taiwan", *World Development*, No.35(11).
83. Ul Haq, M. (1976). *The Poverty Curtain: Choices for the Third World*, Columbia University Press. International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944), No. 53(4).
84. Untong, A., S. Phuangsaichai, N. Taweelertkunthon and J. Tejawaree (2006). "Income Distribution and Community-based Tourism: Three Case Studies in Thailand", *Journal of GMS Development Studies*, Vol. 3.
85. UNWTO (2015). United Nations World Tourism Organization, UNWTO Tourism Highlights Edition.
86. Wattanakuljarus, A. and I. Coxhead (2008). "Is Tourism-based Development Good for the Poor?: A general Equilibrium Analysis for Thailand", *Journal of Policy Modeling*, No. 30(6).
87. Weil, G. (1984). "Cyclical and Secular Influences on the Size Distribution of Personal Income in the UK: Some Econometric Tests", *Applied Economics*, No.16 (5).
88. Weriemmi, M. E. and C. Ehrhart (2004). "Inequality and Growth in a Context of Commercial Openness, Theoretical Analysis and Empirical Study: The Case of the Countries Around the Mediterranean Basin", *University of Nice-Sophia Antipolice*.
89. Winters, L. A. (2002). "Trade Liberalisation and Poverty: What are the Links?", *The World Economy*, No. 25(9).
90. World Bank (2016). "World Development Indicators", Accessed at <http://www.worldbank.org/data/onlinedatabases/onlinedatabases.html>.
91. WTO (2015). "Yearbook of Tourism Statistics", Madrid: World Tourism Organization.
92. Yoshino, O. (1993). "Size Distribution of Workers' Household Income and Macroeconomic Activities in Japan: 1963–1988", *Review of Income and Wealth*, No. 39(4).
93. Zhang, X., P. Ding and J. Bao (2008). "Income Distribution, Tourist Commercialisation and Hukou Status: a Socioeconomic Analysis of Tourism in Xidi, China", *Current Issues in Tourism*, No. 11(6).

چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی منطقه‌ای اکو از منظر

تئوری کارکردگرایی

رسول افزلی* و عادل انصاری**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۶/۲

همگرایی منطقه‌ای فرایندی است که به صورت تدریجی شکل می‌گیرد و به تشریح این امر توجه دارد که چگونه و چرا دولت‌ها از داشتن حاکمیت کامل دست می‌کشند و روش‌های جدیدی را برای رفع اختلاف‌های میان خود به کار می‌برند. سازمان اکو از زمان تأسیس نتوانسته است موفقیت شایانی به دست آورد. پژوهش حاضر بر محور این پرسش شکل می‌گیرد که چه عاملی بیشترین نقش را در عدم همگرایی منطقه‌ای در سازمان اکو داشته است؟ و در پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح شد که به نظر می‌رسد نادیده گرفتن کارکردهای فضایی و جغرافیایی در ایجاد همگرایی مهم‌ترین عامل عدم همگرایی منطقه‌ای در سازمان اکو بوده است. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه‌ای اسنادی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی کشورهای عضو اکو پرداخته است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده تأثیر منفی چالش‌های جغرافیایی بر مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در همکاری و همگرایی اعضای اکو و همچنین مغفول ماندن فرصت‌های جغرافیایی در فرایند همگرایی است.

کلیدواژه‌ها: همگرایی؛ واگرایی؛ اکو؛ کارکردگرایی؛ عوامل جغرافیایی

* دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: rafzali@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

Email: ad-ansari@ut.ac.ir

مقدمه

سازمان همکاری‌های اقتصادی^۱ (اكو) از جمله سازمان‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود که با هدف ارتقای همکاری‌های اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای عضو تشکیل شده است. سازمان همکاری‌های عمان منطقه‌ای^۲ به‌عنوان سلف اكو در سال ۱۹۶۴ با شرکت ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد و در سال ۱۹۸۵ با نام سازمان همکاری اقتصادی اكو، دوران جدیدی از فعالیت را آغاز کرد. سازمان آر. سی. دی. بر پایه سازمان سنتو و براساس فضای نظام دوقطبی حاکم بر سیاست بین‌الملل شکل گرفت. در واقع این سازمان ماهیت اقتصادی نداشت و دارای ماهیتی سیاسی، و هدف آن تقویت کشورهای عضو بلوک غرب براساس توسل به شیوه‌ها و ابزارهای جدید بود (کولایی، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۰).

روند همگرایی در این سازمان طی مدت زمانی که از تجدید حیات آن می‌گذرد دستاورد چندانی نداشته و مشکلات عدیده‌ای در بین اعضا وجود داشته است، همچنین با وجود پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان اعضای آن، این سازمان طی فعالیت خود به موفقیت‌های جدی دست نیافته است. سازمان همکاری اقتصادی به سمت نوعی کارکرد سیاسی گرایش یافته و کارکرد اقتصادی آن به فراموشی سپرده شده است. در عین حال اگر چه اكو اهداف سیاسی را دنبال نمی‌کند، لیکن گسترش روابط اقتصادی، تجاری و فرهنگی میان اعضا خودبه‌خود گسترش روابط سیاسی و افزایش تفاهم میان کشورهای عضو را به دنبال خواهد داشت. بنابراین با توجه به تغییرات رخ داده در کارکرد اكو، تمرکز این پژوهش بر چالش‌ها و فرصت‌های جغرافیایی و فضایی اكو و بررسی عواملی خواهد بود که به عدم همگرایی منطقه‌ای اكو منجر شده است. این پژوهش با پذیرش این فرض که نادیده گرفتن کارکردهای فضایی و جغرافیایی مهم‌ترین عامل عدم همگرایی در سازمان اكو بوده است، در پی بررسی علل و عوامل آن براساس تئوری کارکردگرایی و رهیافت نظری پژوهش است و سعی خواهد کرد تا نقش عوامل جغرافیایی را در این روند بررسی کند. پژوهش براساس روش تحلیلی - توصیفی است و گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

1. Economic Cooperation Organization (ECO)

2. R.C.D.

۱. مبانی نظری

الف) همگرایی: همگرایی عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به‌طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک، صرف‌نظر کرده از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند (قوام، ۱۳۸۰: ۲۲۲). در روند همگرایی، ملت‌ها و رهبران سیاسی درمی‌یابند که نیل به اهداف و منافع ملی، تنها در سایه تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت در نظام همگرا، بیشترین مطلوبیت و بهره‌دهی را به همراه دارد (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

ب) کارکردگرایی:^۱ اندیشمندان معاصر که روی موضوع وحدت سیاسی تعمق کرده‌اند، غالباً از اصول بنیادین کارکردگرایی الهام گرفته‌اند. از دیدگاه این گروه، سیستم دولت‌های ملی زیاده از حد بغرنج و تخصصی شده و نیاز به همکاری متقابل فنی بین‌المللی را افزایش داده است. اگر بتوان ضرورت همکاری را در فراسوی مسائل سیاسی تبیین کرد، امکان گرایش به سمت یک نوع اتحاد و وحدت فراهم می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۴-۳۳). تئوری کارکردگرایی مبتنی بر این ایده است که نیروهای تکنولوژیکی و اقتصادی، در حال پیشبرد جهان به سمت همگرایی سیاسی بیشتری هستند. از مهم‌ترین فرضیه‌های کارکردگرایی این است که نگرانی‌های اقتصادی و دیگر دغدغه‌های رفاهی در مقایسه با نگرانی‌های سنتی چون امنیت ملی و رقابت بین کشورها از اهمیت بالاتری برخوردارند (گیلپین و گیلپین، ۱۳۸۹: ۳۸۷). در این برداشت فرض می‌شود که کل جامعه مانند سیستمی است مرکب از بخش‌های مختلفی که هر یک کارویژه‌ها و وظایف خاص خود را انجام می‌دهد و بین اجزای سیستم روابط مکمل و متقابل وجود دارد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۸۴).

ج) رهیافت نظری پژوهش: برای به‌کارگیری نظریه کارکردگرایی در جغرافیای سیاسی به بومی‌سازی این نظریه می‌پردازیم و فضا و مکان جغرافیایی را در پیوند با این نظریه قرار می‌دهیم. از آنجاکه هیچ‌کدام از نظریه‌ها به‌صورت روشن و دقیق نحوه تأثیرگذاری عامل جغرافیا در همگرایی منطقه‌ای را تبیین نکردند، بنابراین در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به مدلی نظری از درون نظریه کارکردگرایی دست پیدا کنیم که توانایی تحلیل نحوه اثرگذاری

فضا و مکان را در همگرایی منطقه‌ای داشته باشد. بر این اساس بعد از پیوند جغرافیا با نظریه کارکردگرایی و نشان دادن آن در سیستم همگرایی یا واگرایی منطقه‌ای، به مدلی برای تحلیل وضعیت همگرایی منطقه‌ای دست یافتیم. فرایندهای یک سیستم دارای جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی می‌باشند، این فرایندها درون سیستم می‌تواند به صورت تجزیه یا انسجام و یکپارچگی منطقه‌ای نمایان شود. از تعامل و برخورد بین مسائل جغرافیایی اعم از جغرافیای سیاسی، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی و واگرایی منطقه‌ای شکل می‌گیرد. سیستم‌های همگرایی در مناطق مختلف متفاوت است که با توجه به ویژگی‌های یک منطقه و یا تغییراتی که در آن رخ می‌دهد کارکرد و کارایی بعضی از این سیستم‌ها با بقیه فرق می‌کند. از دیدگاه این تحقیق نظریه کارکردگرایی بومی شده می‌تواند به عنوان ابزار مفیدی جهت دسته‌بندی سیستم‌های همگرا، که قابلیت تعامل مثبت و همکاری برای نیل به وحدت دارند و سیستم‌های واگرا که دارای عوامل بازدارنده و منفی در جهت ایجاد تفرقه و پراکندگی ملت‌ها هستند، به کار گرفته شود.

شکل ۱. مدل نظری پژوهش



۲. یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی از منظر تئوری کارکردگرایی مهم‌ترین عوامل واگرایی در سازمان اکو را

می‌توان در قالب ابعاد جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی و جغرافیای اقتصادی تبیین کرد:

۱-۲. جغرافیای سیاسی

الف) وجود گروه‌بندی‌های منطقه‌ای رقیب: هرچه استقلال منطقه‌ای یک زیرسیستم منطقه‌ای کمتر باشد، اهمیت عوامل برون‌زا بیشتر خواهد بود و هر چه زیرسیستم منطقه‌ای از حیث ابعاد گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و مانند آنها استقلال بیشتری داشته باشد عوامل درون‌زا در توفیق همگرایی کشورهای واقع در آن زیرسیستم افزایش خواهد یافت (شهابی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). سازمان‌های رقیب زیادی در راه همگرایی برای اکو وجود دارد. سازمان همکاری شانگهای و بریکس از این نوع سازمان‌ها هستند. به‌عنوان مثال در سازمان شانگهای، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، اعضای اصلی و ایران و پاکستان اعضای ناظر این سازمان می‌باشند (امیدی و اصلانی اسلمرز، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۵۳). وجود اعضای اکو در سازمان‌های دیگر بیانگر دل‌بستگی کم اعضای مذکور به این سازمان است (همان: ۲۶). این ضعف در انسجام سیاسی موجب «دیگر‌گزینی» از سوی بعضی دول عضو شده است. لذا می‌توان نشانه‌های عدم انسجام سیاسی که خود به منافع گوناگون منجر می‌شود را در عدم انسجام سازمانی اکو مشاهده کرد (فرازی، ۱۳۸۹/۱۰/۷: ۱۳).

ب) فقدان انسجام ملی: اعضای سازمان اکو کم و بیش با منازعات ملی و قومی مواجه می‌باشند که حادث‌ترین شکل آن به‌صورت محله‌گرایی در جنگ داخلی تاجیکستان، و در شکل قبیله‌گرایی در افغانستان منطقه را دچار مشکلات اساسی ساخته است. فعالیت کردهای جدایی‌طلب در ترکیه، ازبک‌ها در تاجیکستان، روس‌ها در قزاقستان، نمونه‌هایی دیگر از مشکلات ملی در کشورهای عضو اکوست که این امر به‌نوبه خود ظرفیت داخلی برای پاسخگویی به انتظارات و لذا ثابت سیاسی سیستم‌های سیاسی منطقه را به تحلیل می‌برد (کولایی، ۱۳۷۵: ۵۶).

ج) اختلافات سیاسی و امنیتی: وجود قدرت‌هایی که تقریباً هم‌وزن هستند در یک منطقه، باعث شکل‌گیری گونه‌ای از رقابت بین آنها می‌شود و فرایند همگرایی منطقه‌ای را دچار اختلال می‌کند. سطح‌بندی قدرت در منطقه جغرافیایی اکو به‌عنوان یکی از عوامل

واگرایی عمل می‌کند. این مسئله از یک طرف موجب رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای شده و از طرف دیگر هر کدام از این قدرت‌ها برای برهم زدن معادله قدرت به نفع خود غالباً به قدرت‌های فرامنطقه‌ای تکیه می‌کنند که موجب باز شدن پای قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه می‌شود (مستقیم و قوام ملکی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). از نظر امنیتی و نظامی، اعضای اکو در اساس نگاهی برون‌گرایانه داشته‌اند و ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی آنها بیشتر با قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بوده یا در چارچوب همکاری‌های دوجانبه محدود مانده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۶).

د) محصور بودن در خشکی: کشورهای محصور در خشکی به وسیله سرزمین‌های وسیع و ناهموار، از دسترسی به دریا دور افتاده‌اند و همین عوارض طبیعی در ایجاد تأسیسات زیربنایی مشکلاتی به وجود آورده است. در نتیجه شبکه ارتباطی در بیشتر موارد ناقص است و تأخیری که در نتیجه این نارسایی‌ها در رسیدن کالا به مقصد روی می‌دهد، در بالا رفتن نرخ بیمه، انبارداری، بهره وام و ... مؤثر است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۱۱). کشورهای آسیای مرکزی نیز با این مشکل مواجه‌اند، به طوری که از ده کشور عضو آنها سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان به دریاهای آزاد دسترسی دارند بقیه کشورها برای این منظور به این سه کشور یا سایر کشورهای غیرعضو وابسته می‌باشند. سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان نیز برای اینکه معبر کشورهای محصور در خشکی قرار گیرند، با یکدیگر رقابت شدیدی دارند که نتیجه آن تضعیف همگرایی است (مختاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲).

ه) نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای: با پایان جنگ سرد و ایجاد خلأ ژئوپلیتیکی در منطقه، زمینه برای تنش و رقابت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی میان کشورهای درون و برون منطقه فراهم شد. در این راستا نقش کشورهای آمریکا، رژیم صهیونیستی، روسیه، چین و اتحادیه اروپا در منطقه بیشتر است. محورهای سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی و خزر از بدو استقلال کشورهای مشترک‌المنافع را می‌توان مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی، مهار ایران و تکمیل محاصره ایران از دو سوی شمال و شرق، مهار و تضعیف روسیه، مهار بال غربی چین، دستیابی به منابع انرژی دریای خزر و توجیه و تقویت حضور رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی و خزر دانست (بصیری و ایزدی زمان‌آبادی،

۱۳۸۳: ۱۰۰-۹۱). هدف درازمدت و کلان آمریکا این است که با ورود به حیط خلوت روسیه و حضور در منطقه، از شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادیه‌های نظامی در منطقه جلوگیری کند (قادری و نصرتی، ۱۳۹۱: ۸۱-۷۸). از مهم‌ترین دلایل حضور اروپایی‌ها، نیاز روزافزون اروپا به انرژی، به‌ویژه گاز مصرفی است. درحقیقت، به دنبال بروز مشکلات سیاسی بین اروپا و روسیه، اروپایی‌ها در پی تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی هستند تا در مقابل بهره‌گیری روسیه از انرژی به‌عنوان اهرم فشار، مقاومت کنند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۲). روسیه پس از فروپاشی شوروی به دلیل غلبه دیدگاه یوروآتلانتیکی به غرب گرایش پیدا کرد، اما از سال ۱۹۹۶، سیاست نگاه به شرق در دستور کار این کشور قرار گرفت. در همین راستا، روسیه با توجهی ویژه به آسیای مرکزی و خزر از آن به‌عنوان حوزه سنتی نفوذ روسیه یا «خارج نزدیک» یاد کرد. مطابق دکترین خارج نزدیک، آسیای مرکزی و خزر در موقعیتی ممتاز در سلسله اولویت‌های سیاست خارجی روسیه قرار گرفتند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). مسکو تنها ساختارها و ترتیباتی را می‌پذیرد که محور آن روسیه باشد (کرمی، ۱۳۸۶: ۸۷-۷۶). سیاست‌های رژیم صهیونیستی در این منطقه را می‌توان به‌منظور شکستن حلقه «اتحاد با پیرامون» راستای دکترین بن‌گوریون، تحت عنوان محاصره کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی در منطقه، جلب همکاری و حمایت کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی، واگرایی در روابط کشورهای حوزه آسیای مرکزی و خزر با ایران و نیز اعمال فشار بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر کرد (بصیری و ایزدی زمان آبادی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

روی هم‌رفته می‌توان گفت نقش متغیر جغرافیای سیاسی در واگرایی سازمان اکو بیشتر معطوف به عامل مرکزیت ژئوپلیتیکی بوده است. این منطقه آن‌طور که نظریه‌پردازان کلاسیک این حوزه مثل مکیندر در نظریه‌هارتلند و اسپایکمن در نظریه ریملند بیان کرده‌اند، دارای مرکزیت ژئوپلیتیکی است و لذا شکل‌گیری هرگونه شبکه و یا اتحادیه‌ای از کشورهای عضو را در هر دو جهت مثبت و منفی متأثر می‌سازد. مرکزیت ژئوپلیتیکی همه کشورهای عضو اکو باعث شده است تا عوامل دخالت‌کننده و برهم‌زننده همگرایی مانع از انسجام سیاسی اکو برای دستیابی به اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی خود شود.

۲-۲. جغرافیای فرهنگی

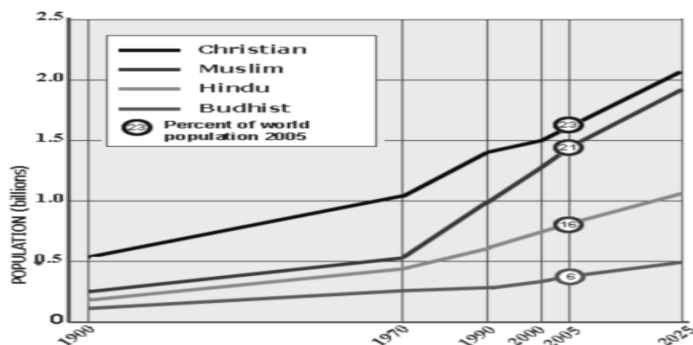
الف) شکاف تمدنی: بخشی از اختلافات همسایگان ناشی از رقابت یا تداخل علایق فرهنگی است. این منابع مشاجره، در شمار منابع «ژئوکالچر» محسوب می‌شود. رقابت‌های دیرینه قومی، ملی‌گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه بخشی از این عملکرد است (پیشگاهی فرد و موسوی فر، ۱۳۸۸: ۹۴). جغرافیای فرهنگی منطقه اکو در تمدن اسلامی واقع شده است که متشکل از دو پهنه فرهنگ تورانی و ایرانی است که در طول تاریخ در عین رقابت و کشمکش، در تعامل و کنش فرهنگی بوده‌اند.

ب) منطقه فرهنگی تورانی: منطقه فرهنگی تورانی در شمال منطقه فرهنگ ایرانی قرار گرفته است و از مرزهای شمال چین تا شرق یونان گسترده شده است. این منطقه فرهنگی در کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه به صورت نواری شرقی - غربی گسترش یافته است (مجیدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۵). گسترش تمدن تورانی از شمال به سمت جنوب، موجب توسعه قلمرو آن در منطقه سنتی تمدن ایرانی در آسیای مرکزی و قفقاز شده است. به طوری که زبانه‌های تمدنی این دو کاملاً در هم فرو رفته است و در بسیاری از نواحی جغرافیایی کنش تمدنی، دو تمدن تورانی و ایرانی از همدیگر قابل تشخیص نمی‌باشند (همان: ۶۵).

ج) منطقه فرهنگی ایرانی: بخش عمده منطقه فرهنگی - تمدنی ایرانی منطبق با قلمرو فلات ایران می‌باشد و حتی در برخی خصیصه‌ها فراتر از فلات ایران است. در حال حاضر نیز کشورهایی که میراث‌دار رسمی فرهنگ و تمدن ایرانی می‌باشند کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان هستند (همان: ۶۶). در تعاملات و کنش‌های برون‌تمدنی نیز این تمدن‌ها در طول تاریخ از خصلت هم‌تکمیلی تمدنی برخوردار بوده‌اند. از این رو ساختار فرهنگی منطقه، علاوه بر وحدت درون تمدنی دارای کنش و واکنش‌های برون‌تمدنی نیز بوده است (همان: ۷۳). بر اساس بینش ژئوکالچری هانتینگتون، هفت تمدن عمده در جهان وجود دارند که هر تمدن دارای کشورهای کانونی می‌باشد. هانتینگتون بیان می‌کند که در برخورد تمدن‌ها، نبرد نهایی بین تمدن اسلام و غرب به دلیل تفاوت‌های بنیادین در خطوط

گسل است. کشورهای کانونی در تمدن اسلامی شامل: ایران، عربستان، عراق، مصر، ترکیه و پاکستان می‌باشد. سه کشور کانونی در حوزه تمدن اسلامی در منطقه اکو قرار دارد. اگر در سطح بین‌المللی براساس بینش هانتینگتون به تحلیل پرداخته شود؛ وحدت درونی در تمدن اسلامی که جمعیت آن روند صعودی دارد می‌تواند تهدیدی برای منافع قدرت‌های مداخله‌گر در منطقه باشد، اما یکی از عوامل مهم عدم وحدت درون تمدن اسلامی به‌ویژه منطقه اکو حضور قدرت‌های مداخله‌گر و فرایندهای اخیر دنیای مدرن به‌ویژه جهانی شدن بوده است که باعث برهم خوردن توازن فرهنگی بین کشورهای اکو شده است. نمودار ۱ نشانگر روند صعودی جمعیت در حوزه تمدن اسلامی به نسبت دیگر حوزه‌های تمدنی است:

نمودار ۱. جمعیت تمدن‌های اصلی در جهان



Source: www.CIAworldfactbook.com

مرزهای شمالی، شمال غربی و شرقی منطقه جغرافیایی اکو یکی از خطوط گسل تمدن‌ها در نظریه هانتینگتون است که میان تمدن‌های مسیحی ارتدوکسی در شمال و غرب، تمدن بودایی در شرق و تمدن کنفوسیوسی در شرق و جنوب شرقی قرار دارد. در هر صورت، این منطقه چه در نقش برخورد و چه در نقش همکاری، منطقه پیرامونی و نقطه جوش تمدن اسلامی با تمدن‌های دیگر است. به‌طوری‌که عده‌ای شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای در این منطقه را از منظر نظریه برخورد تمدن‌ها، اتحادی از تمدن اسلامی، کنفوسیوسی و ارتدوکسی در مقابل تمدن غربی (آمریکایی -

اروپایی) به حساب آورده‌اند (دبیری، ۱۳۹۰: ۷۱). اینکه چرا به‌رغم این کانون‌های قدرتمند فرهنگی همگرایی شکل نگرفته است، مربوط به روندهای اخیر ناشی از فرایند جهانی شدن است. جهانی شدن در کشورهای توسعه‌یافته زمینه‌ساز همگرایی ولی در مناطق در حال توسعه زمینه‌ساز واگرایی شده است. جهانی شدن در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی باعث ناموزونی در امر فرهنگ شده است. سطح توسعه فرهنگی کشورهای عضو اکو در اثر ورود این فرایند و سیاست‌های متفاوت کشورها در قبال آن از حالت توازن خارج شده و این مسئله مرکزیت فرهنگی را در اکو به چالش کشیده است. نبود این مرکزیت باعث واگرایی شده است.

(د) جغرافیای مذهبی و ایدئولوژیک: ایدئولوژی مشترک بین چند کشور، تمایل به متحد ساختن کشورها دارد، درحالی‌که دو ایدئولوژی متضاد زمینه تقابل و واگرایی کشورها را فراهم می‌آورد. برخی متغیرها کارکرد دوگانه‌ای در همگرایی دارند از جمله این متغیرها مذهب است. اگرچه مذهب عامل اصلی درگیری‌ها و جنگ‌های محلی و منطقه‌ای نیست اما می‌تواند تقویت‌کننده سایر عوامل در جهت ایجاد تنش باشد (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۵۰). با وجود اینکه اکثریت ساکنان این منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند ولی جهان اسلام خود به لحاظ مذهبی، به دو گروه عمده سنی و شیعه تقسیم شده است که قسمت اعظم مسلمانان اهل تسنن هستند (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۱۰۱). تعارضات ایدئولوژیک بین کشورهای منطقه بیشتر از شرایط سیاسی، فرهنگی، انسان‌شناسی و واقعیت‌های مختلف اجتماعی ناشی می‌شود (لاکوست، ۱۳۸۷: ۳۵). بزرگ‌ترین تأثیر اختلافات ایدئولوژیک را می‌توان در روابط دو عضو اکو یعنی ایران و ترکیه جستجو کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران رقابت ایدئولوژیک بین ایران و ترکیه در شکل تقابل تفسیر بنیادگرایانه از اسلام و تفسیر لائیک از آن ظهور کرد (نادری، ۱۳۹۳: ۱۳۰). ترکیه که خود را میراث‌دار امپراتوری عظیم عثمانی می‌داند، در رؤیای بازگشت به حاکمیت بی‌چون و چرا بر قلمروی جهان اسلام است. بیشترین نمود این تمایلات جاه‌طلبانه را در بحران سوریه و نقش‌آفرینی ترکیه در حمایت و پشتیبانی تمام‌عیار از معارضان سوری می‌توان دید (همان: ۱۳۶).

(ه) جغرافیای قومی: کشورهای عضو اکو دارای ترکیب‌های قومی پیچیده‌ای می‌باشند؛

وجود قومیت‌های واحد که فراتر از مرزهای کشورها پراکنده‌اند، ضمن آنکه نوعی همبستگی میان بخش‌هایی از ملت‌های کشورهای عضو به وجود می‌آورند عامل بروز تنش و بعضاً ناآرامی میان کشورها و در کل منطقه نیز است (شهابی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). خطر مناقشه الحاق‌گرایی که میراث به جا مانده از دوران حکومت شوروی سابق است، می‌تواند به‌ویژه میان ازبکستان و تاجیکستان و نیز میان ازبکستان و قرقیزستان درگیری‌هایی را سبب شود. بر همین اساس همپوشانی فرهنگی و تباینات ملی از یک طرف در سمرقند و بخارای فارس‌زبان تاجیک‌نشین در ازبکستان و استان سغد تاجیکستان (که اکثریت آنها ازبک هستند) و دره فرغانه ترکیبی از همین تفاوت‌هاست و همچنین از سوی دیگر، ملی‌گرایی وحدت‌خواهان ازبک در جنوب و غرب قرقیزستان فعال است (حافظ‌نیا و شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). به‌عنوان مثال در قزاقستان تنها ۴۰ درصد قزاق، در قرقیزستان ۵۲ درصد قرقیز، در تاجیکستان ۵۳ درصد تاجیک و در ازبکستان ۶۹ درصد ازبک وجود دارد و بقیه جمعیت‌ها را اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند (حقیقی، ۱۳۷۴: ۱۴۸). جنبش قزاق‌های روس در این کشور باید مورد توجه قرار گیرد. این جنبش که به حمایت از ساکنان روس پرداخته، شواهدی از گرایش‌های قوم‌گرایانه را آشکار کرده و با حمایت از روس‌ها زمینه‌ساز بروز مشکلاتی در قزاقستان شده است (Rahmani, 2003: 142).

ازبک‌های ساکن تاجیکستان حدود ۲۰ درصد جمعیت آن را تشکیل داده‌اند و این امر به ازبکستان اجازه داده تا در جریان جنگ‌های داخلی این جمهوری به ایفای نقش پردازد (آلیسون، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۵). در ازبکستان حضور اقوام روس، تاتارهای کریمه، یهودیان، مسیحیان و ... شرایط قومی پیچیده‌ای را در این کشور ایجاد کرده است و دره فرغانه را به یکی از کانون‌های اصلی تنش‌های قومی در این جمهوری تبدیل کرده است (Hunter, 2001: 85). وجود اقلیت‌های بزرگ قومی در کشورهای عضو اکو به صورت بالقوه می‌تواند تمامیت ارضی این کشورها را زیر سؤال ببرد (Brill Olcott, 1999: 318).

روی هم‌رفته جغرافیای نقش فرهنگی به‌عنوان عاملی اثرگذار در واگرایی سازمان اکو مربوط به تغییر شرایط مرکزیت فرهنگی در کشورهای عضو است. هرچند که براساس تئوری‌های صاحب‌نظران حوزه فرهنگی به‌ویژه هانتینگتون، کشورهای عضو اکو از بیشترین

میزان مرکزیت فرهنگی برای تعامل با یکدیگر برخوردارند، اما دو مسئله اصلی را نمی‌توان نادیده گرفت: نخست در قرن بیست و یکم این مرکزیت بر اثر ناموزونی توسعه فرهنگی این کشورها که عمدتاً ناشی از فرایند جهانی شدن بوده است، کم‌رنگ شده به طوری که سیاست‌های متفاوت آنها در این حوزه واگرایی را شدت بخشیده است، و اصل دوم به متغیر مذهب برمی‌گردد. برخلاف آنچه که هانتینگتون بیان می‌دارد مذهب به تنهایی نمی‌تواند باعث یا مانع همگرایی شود. شرایط و زمینه‌های اجتماعی مذهب متغیر مهم‌تری است. مذهب اسلام در دنیای مدرن ظرفیت‌های همگرایی زیادی داشته است، اما زمینه‌های اجتماعی پیرامونی مانع از این نقش‌آفرینی شده‌اند. این زمینه‌ها بیشتر معطوف به عوامل سیاسی و رقابت‌های درون منطقه‌ای کشورهای اسلامی بوده‌اند. همین تنش‌های قومی و جمعیتی را نیز به‌عنوان عامل اثرگذار دیگری در شعله‌ورتر کردن واگرایی تقویت کرده است.

۲-۳. جغرافیای اقتصادی

الف) سیستم‌های اقتصادی: یکی از مشخصه‌های حاکم بر روابط اقتصادی اعضای اکو عدم تشابه سیستم‌های اقتصادی این کشورهاست. اعضای اکو نظام‌های اقتصادی متفاوتی دارند. این اعضا به نظام‌های اقتصادی متفاوت - متمرکز، نیمه‌متمرکز و آزاد تعلق دارند. به‌عنوان مثال ترکیه و پاکستان، نظام اقتصاد مبتنی بر بازار دارند. اقتصاد ایران نیز اقتصاد نیمه‌دولتی محسوب می‌شود و اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی، در حال گذار از یک اقتصاد متمرکز سوسیالیستی به اقتصاد بازاری است (حقیقی، ۱۳۷۴: ۱۴۳). در افغانستان به جای نظام اقتصادی، هرج و مرج اقتصادی حاکم است که نتیجه آن را در کشت خشخاش و روی آوردن به تجارت مواد مخدر می‌بینیم (پیشداد، ۱۳۸۳: ۸۱).

ب) تجارت درون منطقه‌ای: نگاهی به اقلام صادرات و واردات کشورهای عضو اکو به خوبی نشان می‌دهد که سمت و سوی تجارت خارجی آنان، متوجه بیرون از منطقه، یعنی کشورهای صنعتی است. حجم واردات درون منطقه‌ای اکو کمتر از صادرات درون منطقه‌ای آن است.

جدول ۱. اقلام وارداتی

نام کشور	واردات عمده
آذربایجان	سربزچات، مکمل‌های غذایی، محصولات معدنی، محصولات شیمیایی، ماشین‌آلات، خودرو و کالاهای متفرقه
ازبکستان	ماشین‌آلات و تجهیزات، مواد غذایی، محصولات شیمیایی
افغانستان	ماشین‌آلات، نسوجات، محصولات نفتی
ایران	مواد خام صنعتی، کالاهای سرمایه‌ای، مواد غذایی، کالاهای مصرفی دیگر
پاکستان	نفت، فرآورده‌های نفتی، ماشین‌آلات، آهن و فولاد
تاجیکستان	ماشین‌آلات، فرآورده‌های نفتی
ترکمنستان	ماشین‌آلات، مواد غذایی و مواد شیمیایی
ترکیه	ماشین‌آلات، سوخت، مواد شیمیایی
قرقزستان	ماشین‌آلات، مواد غذایی و محصولات فلزی
قرقیزستان	شامل نفت و گاز، ماشین‌آلات، مواد غذایی و مواد شیمیایی

Source: www.CIAworldfactbook.com

جدول ۲. اقلام صادراتی

نام کشور	صادرات عمده
آذربایجان	نفت، محصولات گیاهی و معدنی، مواد شیمیایی و برخی ماشین‌آلات
ازبکستان	محصولات تریزی، پنبه، طلا و کوبه‌های معدنی
افغانستان	تریاک، میوه و آجیل، پشم، پنبه و پوست
ایران	نفت، محصولات شیمیایی و پتروشیمی، میوه و آجیل، فرش، سیمان، سنگ معدن
پاکستان	نسوجات، برنج، کالاهای چرمی و کالاهای ورزشی
تاجیکستان	الومینیوم، برق
ترکمنستان	گاز، نفت و پتروشیمی
ترکیه	پوشاک، مواد غذایی، نسوجات و تجهیزات حمل و نقل
قرقزستان	محصولات حیوانی، سربزچات، مواد غذایی آماده، محصولات شیمیایی، نفت، زغال‌سنگ
قرقیزستان	طلا، پنبه، پشم، پوشاک، گوشت، توتون و تنباکو، جیوه، اورانیوم، برق، ماشین‌آلات، کفش

Source: Ibid.

جدول ۳. مهم‌ترین شرکای تجاری کشورهای عضو اکو

نام کشور	صادرات	واردات
آذربایجان	ایتالیا، اندونزی، تایلند، آلمان	ترکیه، روسیه، آلمان، چین
ازبکستان	چین، روسیه، قرقزستان، ترکیه	چین، روسیه، کره جنوبی، قرقزستان
افغانستان	هند، پاکستان و تاجیکستان	پاکستان، آمریکا، روسیه، هند
ایران	چین، ترکیه، هند، ژاپن و کره جنوبی	امارات متحده عربی، چین، هند، کره جنوبی و ترکیه
پاکستان	ایالات متحده آمریکا، چین، افغانستان، بریتانیا، آلمان	چین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت و هند
تاجیکستان	ترکیه، ایران و چین	چین، روسیه و قرقزستان
ترکمنستان	چین و ترکیه	ترکیه، روسیه، چین، امارات متحده عربی
ترکیه	آلمان، بریتانیا، روسیه، عراق، ایتالیا و فرانسه	روسیه، چین، آلمان، ایتالیا، ایران
قرقزستان	چین، فرانسه، روسیه و آلمان	چین، روسیه و آلمان
قرقیزستان	قرقزستان، ازبکستان و روسیه	چین، روسیه و قرقزستان

Source: Ibid.

بررسی وضعیت تجارت خارجی کشورهای عضو اکو نشان می‌دهد که در چند سال اخیر بخش اعظم تجارت خارجی هریک از آنها با کشورهای خارج از منطقه اکو بوده و شریکان عمده تجاری آنها کشورهای پیشرفته صنعتی بوده‌اند، به‌عنوان مثال، طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰ مهم‌ترین شرکای تجاری آذربایجان در زمینه صادرات ایتالیا، اندونزی، تایلند، آلمان و در واردات ترکیه، روسیه، آلمان و چین بوده‌اند. مروری بر داده‌های تجارت خارجی کشورهای عضو اکو در دهه گذشته نشان می‌دهد که طی این مدت، سهم تجارت درون منطقه‌ای از کل تجارت خارجی در کل منطقه به تدریج از ۵/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۸/۹ درصد در سال ۲۰۱۲ رشد داشته است، ۳/۶ درصد افزایش در شاخص حجم تجارت درون منطقه‌ای، در یک دهه گذشته را شاهدیم. کشورهای با ارزش بالاتر از تجارت خارجی سهم پایین‌تر از تجارت درون منطقه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که کشورهای با ارزش پایین‌تر از تجارت خارجی بیشتر وابسته به معامله کالا در داخل منطقه هستند (www.eco statistica report, 2014: 50-55).

ج) فقدان نظام هم‌تکمیلی اقتصادی در بین کشورهای عضو اکو: نظام هم‌تکمیلی اقتصادی به فرایندی اشاره دارد که کشورهای یک منطقه جغرافیایی از طریق آن ناهمگونی و نامتوازن نظام اقتصادی خود را با برآوردن نیازهای یکدیگر، همگون و متوازن می‌سازند. کشورهای عضو اکو از لحاظ رشد تولید ناخالص داخلی در رده‌های متفاوتی جای می‌گیرند و نظام اقتصادی آنها نیز متفاوت است. با وجود این، نیازهای متقابل اقتصادی آنها در سطح فراملی به گونه‌ای است که می‌توان از طریق استراتژی هم‌تکمیلی، علاوه بر تأمین بهینه نیازهای اقتصادی آنها، به همگرایی سیاسی فزاینده‌ای نیز در این اتحادیه دست یافت. در حال حاضر این رویکرد در بین کشورهای عضو اتحادیه اکو وجود ندارد و از این رو یکی از مشکلات اصلی آنها ناهمگرایی اقتصادی است (حقیقی، ۱۳۷۴: ۱۴۱). استفاده از استراتژی نظام هم‌تکمیلی به‌طور خاص در حوزه منابع طبیعی بیشتر می‌تواند زمینه‌های همگرایی را ایجاد کند نگاهی به وضعیت استقرار منابع طبیعی در منطقه، وضعیت متفاوت آنها را نشان می‌دهد. حدود ۷۹ درصد ذخایر گاز طبیعی اکو در ایران، بیش از ۱۷ درصد آن در سه کشور ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان و کمتر از ۴ درصد آن در شش عضو

دیگر اکو قرار دارد. همین وضعیت در مورد منابع نفتی نیز حاکم است. مثلاً کشورهای تاجیکستان، افغانستان، قرقیزستان و پاکستان از فقیرترین کشورهای اتحادیه به‌شمار می‌آیند (مستقیمی و قوام ملکی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). با وجود این، کشورهای فقیر اتحادیه ظرفیت‌های اقتصادی دیگری به‌خصوص در حوزه بازار مصرف و مسیرهای ترانزیت در اختیار دارند. نادیده گرفتن استفاده از نظام هم‌تکمیلی بین کشورهای دارای منابع طبیعی و کشورهای فقیر در سطح اتحادیه هر دو گروه را با مشکل مواجه کرده است. کشورهای فقیر، درگیر چگونگی تأمین منابع انرژی هستند و کشورهای غنی از نظر منابع زیرزمینی مشکل بازار مصرف دارند. این درحالی است که استفاده از استراتژی نظام هم‌تکمیلی علاوه بر رفع این مشکلات، همگرایی سیاسی بین آنها را نیز به ارمغان می‌آورد.

درواقع جغرافیای اقتصادی کشورهای عضو اکو، نظام همگرایی را در سطح سازمان ایجاد نکرده است. تفاوت نظام‌های اقتصادی کشورهای عضو، تشدید رقابت‌های سیاسی و چیره شدن آنها بر تعاملات سیاسی و فرهنگی کشورها و بی‌توجهی به استراتژی نظام هم‌تکمیلی در همکاری‌های اقتصادی عملاً، اقتصاد را در این سازمان به عاملی واگراکننده تبدیل کرده است.

۳. فرصت‌های همگرایی در اکو

وجود عرصه‌های مشترک تعامل را که از لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک یا چند کشور است، فرصت ژئوپلیتیکی می‌نامند. به‌عنوان مثال می‌توان از وجود یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در یک یا چند کشور و یا سرچشمه رودخانه‌ها، مسیر تأمین واردات کشور، شبکه‌های ارتباطی و مخابراتی و غیره نام برد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰). فرصت ژئوپلیتیکی را می‌توان استفاده از عوامل جغرافیایی در زمینه همکاری یا همگرایی بین دو یا چند کشور تعریف کرد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱).

الف) تسلط بر منابع و موقعیت‌های استراتژیک: کشور یا کشورهایی که در موقعیت مناسب‌تر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قرار گرفته‌اند بهتر می‌توانند ارتباطات خود را با سایر کشورها گسترش دهند. از نظر جغرافیایی کشورهای تشکیل‌دهنده سازمان همکاری

اقتصادی اکو در منطقه‌ای حساس و استراتژیک واقع شده‌اند. این منطقه از دیرباز مورد توجه کشورهای مختلف درون و برون منطقه‌ای قرار گرفته است. بیشتر کشورهای عضو اکو در مسیر راه‌های ارتباطی چند هزارساله مانند جاده ابریشم قرار گرفته‌اند. در حال حاضر اکو محدوده وسیعی را در برمی‌گیرد که از غرب ترکیه در اروپا تا شرق قزاقستان و مرزهای مغولستان و چین و از سواحل دریای عمان و اقیانوس هند تا نواحی شمالی آسیای مرکزی امتداد دارد. منطقه اکو در مسیر ارتباطی شرق و غرب قرار دارد. این منطقه از سوی اروپا و آفریقا و از سوی دیگر آسیای شرقی و شرق دور را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از جهت راه‌های آبی منطقه اکو می‌تواند از طریق دریای سیاه و دریای مدیترانه با اروپا و آفریقا و از طریق دریای عمان و اقیانوس هند با شرق آسیا به انجام مبادلات بپردازد. همچنین دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان نیز در این منطقه واقع شده و چهار کشور از پنج کشور ساحل این دریا عضو اکو می‌باشند. به عبارتی می‌توان گفت اکو به‌عنوان نقطه تماس سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا عمل می‌کند.

به اعتقاد جفری کمپ حدود ۷۰ درصد ذخایر ثابت شده جهانی نفت و بیش از ۴۰ درصد از منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه‌ای تخم مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا خلیج فارس گسترده شده است. کشورهای عضو منطقه اکو با دسترسی به خلیج فارس، اقیانوس هند و تسلط بر تنگه‌های استراتژیک هرمز، بسفر و داردانل از موقعیت برجسته‌ای جهت تأثیرگذاری بر تحولات جهانی برخوردارند. در هارتلند انرژی جهانی، تنگه هرمز که ایران را از شبه‌جزیره عربستان جدا کرده و با خلیج فارس و دریای عمان مرتبط می‌سازد به‌مثابه دروازه دریایی بخش اعظم ذخایر نفت جهان، از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

ب) اشتراکات فرهنگی: اساساً وجود اقوام مشترک در مناطق مرزی کشورهای عضو اکو، به جذابیت‌های همکاری متقابل می‌افزاید. اما با این همه مشکلات قومی، مسئله حادی در اکو نیست، چرا که در اروپا، آفریقا و آمریکا نیز وضع چنین است. در کمتر منطقه‌ای از جهان می‌توان مرزهایی پیدا کرد که اقوام کاملاً همگن داشته باشد. تنوع قومی، هم فرصت است هم تهدید. اسلام عاملی تسهیل‌کننده در فرایند همگرایی اکو است. وجوه اشتراکات

فرهنگی در منطقه اکو مشهود و محسوس است. جز بخشی از قزاقستان و قرقیزستان سایر کشورها عموماً در حوزه تمدن بزرگ اسلامی جای داشته‌اند. برگزاری نماز جماعت در مساجد، روزه‌داری در ماه رمضان، جشن‌های عید سعید فطر و قربان، نمازهای جمعه و مراسم دینی در سراسر منطقه اکو مشابه است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای یکی از پیامدهای گسترش فرایند منطقه‌گرایی نوین در جهان هستند. با وجود این، گسترش و نهادینگی آنها در مناطق مختلف جهان متفاوت بوده است. مطالعه تجربه شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای در نواحی مختلف جهان نشان می‌دهد که غیر از عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی که عمدتاً در اکثر آثار نوشتاری مورد توجه بوده‌اند، متغیرهای جغرافیایی و محیطی نیز در موفقیت یا ناکامی آنها تأثیرات زیادی داشته‌اند. موفق‌ترین اتحادیه منطقه‌ای جهان در اروپا قرار دارد و در یک مطالعه تطبیقی با نمونه‌های ناموفق می‌توان نقش عوامل محیطی را در همگرایی فزاینده آن تأیید کرد. اروپا از لحاظ جغرافیایی ناحیه یکپارچه و همگونی است و همین امر جغرافیای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی آن را نیز متأثر ساخته است. برای مثال از منظر جغرافیای سیاسی این منطقه به دلیل نهادینگی مرزهای سیاسی طبیعی در آن کمتر دچار واگرایی است یا از نظر جغرافیای اقتصادی بسترهای همگون جغرافیایی در آن شیوه تولید را متأثر ساخته و این امر باعث زایش نظام‌های اقتصادی همگون بین کشورها شده است که خود عامل همگرایی اقتصادی آن در داخل اتحادیه اروپاست. همین امر در مورد جغرافیای فرهنگی آن نیز صادق است. محیط فرهنگی اروپا همگون است بنابراین کنار گذاشتن مرزهای جغرافیایی برای رسیدن به همگرایی فرهنگی کار دشواری نیست.

در جهت عکس، سازمان اکو نمونه ناموفق یک سازمان منطقه‌ای است. عامل اصلی در این فرایند نیز محیطی است. کشورهای عضو اکو از لحاظ جغرافیایی در منطقه همگونی قرار نگرفته‌اند. این مسئله سه حوزه جغرافیای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها را متأثر ساخته و مانع از همگرایی کشورهای منطقه در داخل یک سازمان منطقه‌ای شده است.

کشورهای عضو اکو از لحاظ جغرافیای سیاسی دارای مرکزیت ژئوپلیتیکی بالایی هستند و این عامل مانع از شکل‌گیری فرایندهای طبیعی سیاسی مثل مرز و یا دولت مدرن شده است. حساسیت بالای این منطقه زمینه‌ساز دخالت قدرت‌های خارجی و همچنین باعث ترسیم مرزهای تحمیلی به جای مرزهای طبیعی شد. مرزها در سازمان اکو همواره محل مناقشه بوده‌اند و مانع همگرایی شده‌اند. فرایند غیرطبیعی شکل‌گیری دولت مدرن نیز باعث ناموزونی سیاسی بین کشورهای عضو سازمان شده و این امر به توافق رسیدن آنها را حول محور مسائل مهم منطقه‌ای با چالش مواجه کرده است.

جغرافیای فرهنگی کشورهای عضو اکو نیز دارای ناسازگاری است. هرچند دین و مذهب در این کشورها مشترک است، اما شرایط و زمینه‌های اجتماعی و نیروهای مداخله‌کننده خارجی که عمدتاً منشأ محیطی داشته‌اند، تنش‌های فرهنگی را بین آنها باعث شده‌اند. برای مثال درگیری‌های قومی و نژادی بین کشورها و تنش‌های مذهبی و دینی بین آنها عمدتاً مربوط به شرایط و مقتضیات ژئوپلیتیکی کشورهاست. برای مثال ایران و ترکیه که اعضای قدرتمند اکو محسوب می‌شوند هر دو کشور اسلامی‌اند اما اسباب و عوامل ژئوپلیتیکی باعث شده است که آنها برای پیش بردن سیاست‌های خود در سایر کشورهای منطقه، همگرایی مذهبی را به رقابت مذهبی تبدیل سازند. ترکیه همچنان خواستار احیای امپراتوری عثمانی است و ایران به‌عنوان رهبر شیعیان جهان نمی‌تواند این نقش را بپذیرد. این واگرایی بین کشورهای آسیای مرکزی نیز وجود دارد. در آنجا اقوام و قومیت‌های کشورها به لحاظ فرهنگی دارای واگرایی‌های کهن و قدیمی هستند و همین مسئله همگرایی کشورها را داخل سازمان اکو به چالش کشیده است.

زمینه‌های واگرایی فرهنگی و سیاسی، جغرافیای اقتصادی کشورهای عضو اکو را نیز به عاملی واگرا در این سازمان تبدیل کرده است. امروزه اکثر مبادلات اقتصادی و تجاری کشورهای عضو اکو درون‌سازمانی نیست و مداخله قدرت‌های بزرگ در جهت‌دهی اقتصاد این کشورها، واگرایی را در این سازمان تقویت کرده است. کشورهای عضو اکو قادر نبوده‌اند، استراتژی هم‌تکمیلی اقتصادی را در محیط جغرافیایی خود فعال کنند و همین مسئله باعث انزوای اقتصادی کشورهای عضو از یکدیگر شده است. این درحالی

است که ظرفیت‌های محیطی کشورهای عضو اکو برای سامان‌دهی یک نظام اقتصادی فعال، مهیاست. موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو از جنبه ترانزیت کالا و گستردگی منابع طبیعی زیرزمینی در آنها، ظرفیت زیادی برای همگرایی سیاسی بین اعضا دارد. روی هم‌رفته عوامل جغرافیایی و محیطی توأمان ظرفیت همگرایی و واگرایی را در سازمان اکو دارا می‌باشند. مطالعه روند همگرایی بین کشورهای عضو نشان می‌دهد که توجه به عوامل جغرافیایی در این فرایند ضعیف بوده است. مدیریت این حوزه در کنار سایر عوامل سیاسی و فرهنگی می‌تواند همگرایی کشورها را در سازمان اکو تقویت کند.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی و مهسا نوری (۱۳۹۲). «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۳.
۲. آلیسون، روی (۱۳۸۳). امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمدرضا دبیری، تهران، وزارت امور خارجه.
۳. احمدی‌پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۹). «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، ش ۱.
۴. _____ (۱۳۹۰). «تبیین ژئوپلیتیکی شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی خزر - آسیای مرکزی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، ش ۱۲.
۵. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۰). نظام بین‌الملل: بازدارندگی یا همپایگی استراتژیک، تهران، نشر قومس.
۶. امیدی، علی و عابد اصلانی اسلمرز (۱۳۸۸). «درس‌های همگرایی اتحادیه اروپا برای اکو»، دوفصلنامه برنامه و بودجه، ش ۱۰۹.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
۸. بصیری، محمدعلی و مژگان ایزدی زمان آبادی (۱۳۸۳). «اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۸.
۹. پیشداد، سعید (۱۳۸۳). همگرایی در سازمان اکو، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. پیشگاهی فرد، زهرا و سیدرحمت‌الله موسوی فر (۱۳۸۸). منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک قفقاز، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. جمالی، حسین (۱۳۸۰). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج.
۱۲. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و سیدمحمود رضا شمس دولت‌آبادی (۱۳۸۸). «علائق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی مطالعه موردی ایران نسبت به آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۳۶.
۱۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
۱۵. حقیقی، مسعود (۱۳۷۴). «موانع همگرایی در سازمان همکاری اقتصادی (اکو)»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۷.

۱۶. خلیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۱). «ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۳.
۱۷. دبیری، علی اکبر (۱۳۹۰). «ارزیابی جایگاه آسیای مرکزی در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۳.
۱۸. دبیری، علی اکبر (۱۳۹۰). «تحلیل هویت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۶.
۱۹. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۳). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس.
۲۰. رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۲). نگاهی به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید ژئوپلیتیک، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
۲۱. شوتار، سوفی (۱۳۸۶). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، ترجمه سیدحامد رضی، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. شهابی، سهراب (۱۳۸۶). «آیا می‌توان در انتظار موفقیت اکو ماند؟» فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ش ۳.
۲۳. علویان، مرتضی و ولی کوزه‌گر کالجی (۱۳۸۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی»، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، سال ۱۲، ش ۴۶.
۲۴. فرازی، علی اکبر (۱۳۸۹/۱۰/۷). «نقش فعال ترکیه در اکو و نزدیکی به اروپا»، روزنامه آرمان.
۲۵. فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۷۷). سازمان کنفرانس اسلامی، ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران، تهران، مرکز انقلاب اسلامی.
۲۶. قادری، حجت و حمیدرضا نصرتی (۱۳۹۱). «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۲۶.
۲۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۲۸. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل (تجربه جهان سوم)، تهران، نشر قومس.
۲۹. کولایی، الهه (۱۳۷۵). «موانع همگرایی در اکو»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، ش ۱۶.
۳۰. _____ (۱۳۷۹). اکو و همگرایی منطقه‌ای، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
۳۱. کریمی، جهانگیر (۱۳۸۶). «ایران و اوراسیای مرکزی: آشفستگی نقش و عملکرد»، دوفصلنامه

۳۱. مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، سال اول، ش ۱.
۳۲. گیلپین، رابرت و جین گیلپین (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی جهانی: شناخت نظم اقتصادی بین‌المللی، ترجمه رسول افضلی و فرهاد دژپسند، تهران، نشر برهمن.
۳۳. لاکوست، ایو (۱۳۷۸). مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا، آفریقا، ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۴. مجیدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷). غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۵. مختاری، هشی و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های جغرافیای سیاسی در همگرایی منطقه‌ای مطالعه موردی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۲۵.
۳۶. مستقیمی، بهرام و حمیدرضا قوام ملکی (۱۳۸۷). «امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، ش ۲.
۳۷. میرحیدر، دره (۱۳۸۴). مبنای جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
۳۸. نادری، احمد (۱۳۹۳). «از ژئوپلیتیک دولت‌محور، به ژئوکالچر تمدن‌محور؛ خاورمیانه عرصه نبرد تمدن‌ها»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، ش ۱۰.
۳۹. واعظی، محمود (۱۳۸۵). «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۵۳.
۴۰. یوسفی، ثریا و سجاد کریمی پاشاکی (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک سازه‌ای برای همگرایی کشورهای جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
41. Brill Olcott, Martha (1999). "Russias Place in the CIS", *Current History*, Vol. 42, No. 516.
42. Hunter, Shirin (2001). "Religion, Politics and Security in Central Asia", *SAIS Review*, Vol. 27, No.2.
43. Rahmani, Mansour (2003). "Central Asian States: Balancing Opportunities and Challenges", CA&CC Press, Available at: http://www.ca-c.org/journal/2003/journal_eng/cac-02/18.raheng.shtml (Accessed on: 4/9/2016).
44. www.CIAworldfactbook.com

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۸۰۰۲۹۰۴۲۹۰۲۱۷، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۶۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب، پلاک ۱۳۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام به نشانی

زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:

نشانی:

کد پستی: تلفن: دورنگار:

E-mail:

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.

۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.

۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.

۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.

۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.

۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).

۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.

۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.

۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع مربوطه به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.

- منابع فارسی: نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه.

- منابع لاتین: با حروف فارسی و همانند منابع فارسی و ذکر آن به صورت لاتین در پانویس صفحه ذکر شود.

- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه همان با شماره صفحه و در لاتین "Ibid" نیز به همین ترتیب اکتفا شود.

- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.

۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:

الف - کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.

ب - مقاله مندرج در مجلات: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

خلاصہ انجمنی مقالات

Challenges and Opportunities of ECO Regional Integration: A Functionalist Approach

Rasool Afzali and Adel Ansari

Regional integration is a process that gradually takes shape and shows how and why states hands off full sovereignty and at the same time achieve new ways to resolve disputes among themselves. In this Framework, since ECO has not been able to gain a notable success, the paper seeks to explain this situation.

It can be claimed that Absence of geographical and spatial functions shaping integration is the most important factor in the lack of regional integration in ECO.

Using the descriptive-analytical method and functionalist theory this study is going to examine the challenges and opportunities of integration among ECO members. The results indicate the negative impact of the geographical challenges and their adverse role in political, economic and cultural processes shaping cooperation and integration in Member States and disregard for the geographical opportunities in the integration process.

Keywords: *Integration; Divergence; ECO; Functionalism; Geographical factors*

The Impact of Tourism on D-8 Countries' Income Distribution

Said Rasekhi and Sorayya Mohammadi

Tourism is seen as the biggest service sector in the world in terms of income in such a way that its development has inspired significant social and economic changes. The development of the tourism industry is of great importance for developing countries that are faced with challenges such as low income per capita, inappropriate distribution of income, significant misery index (combination of unemployment and inflation indexes), limited currencies, and single-product economy.

This paper aims to investigate the impacts of tourism on the distribution of income. For this purpose, the panel data for the set of countries called D-8 (including Iran) during 2000-2013 have been used. Findings of the study, based on an estimation of panel data model, indicate that tourism and trade openness have a positive impact on the distribution of income in D-8 countries. According to these findings, economy openness, particularly in tourism that has significant impacts on income within tourism destinations, and could help the improvement of income distribution in the countries. On the other hand, based on other findings in this study, the misery index and global economic crisis increase income inequalities. Overall, although development of tourism and trade openness could improve the distribution of income, enhancing the economic resistance against domestic and international economic crises is essential.

Keywords: *Tourism; Income Distribution; Panel Data; D-8 Countries; Iran*

A Comparative Study on Substantial Provisions Regarding Merger Control in Light of Competition Law in EU and Iranian Legal Systems

Ahmad Hakim Javadi and Mohammad Reza Paseban

From one perspective, provisions regarding the merger control in Iran and EU legal systems can be divided into two categories: "substantial provisions" and "procedural provisions". In order to control all types of concentrations including merger and takeover, EU has recognized a same test albeit different from other anti-competitive practices named as "Significantly Impede Effective Competition (SIEC)", which may be materialized as a result of various practices such as "creation or strengthening of a dominant position". On the other hand, Iranian legal system has recognized two different test on merger and takeover: "creation of Intense concentration" on merger and "distortion of competition" on takeover.

Moreover Iranian legal system has provided the public provisions on anti-competitive practices as well as on mergers, while EU legal system has provided special and different provisions for merger control from competition law point of view rather than other anti-competitive practices. This article seeks to compare provisions of mentioned legal systems and to describe defects of provisions of Iranian legal system and make recommendation about it In this regard.

Keywords: *Merger; Takeover; Merger Control; Substantial Test; Competition Law*

A Comparison and Ranking on Guaranteed Investment's Tools & Financial Activities in the Insurance Industry and Banking of Iran

Hamed Dehghanan and Mohsen Jalali

In carrying out their daily activities business owners, developers, investors and economic activists face many risks, requiring proper management of risks related to their financial activities. In order to ensure their financial activities and investments, they can resort to "banks", "insurance companies" and "investment guarantee funds" and choose their preferred tools and products.

In this context, this paper aims to prioritize types of LC and guarantees, insurance policy, and guarantees credit, and to explain and rank the factors influencing their choices, from the perspective of economic activists and the institutions themselves. This Ranking is carried out by Analytical Hierarchy Process(AHP), using library resources and Delphi interviews with university professors and experts in banking and insurance sectors. The sample in this paper is the Cooperative Development Bank, Cooperative Insurance, and Cooperation Investment Guarantee Fund. In this study, criteria for choosing the best tools and the guaranteed investments under such headings as fees (or premium), simplicity and ease of issuance, collaterals and guarantees, franchise, business type (small, medium, large), support rules & regulations and the number of branches and offices (access) are identified and then ranked in order of importance, and in the meanwhile, the criteria for collaterals received the highest priority. The study also shows that tools and services issued by the insurance company have the highest priority among the options.

Keywords: *AHP; Bank; Guaranteed Investment fund; Insurance*

A Methodology on Appropriate “Contract Sanction” in the Legal System of the Islamic Republic of Iran

Seyyed Sadegh Mousavi and Mahdi Moulaei

Sanction is most important element of a legal rule. Violation of legal rules - whether legal or contractual - will have to follow sanctions. About contract, need for enforcements has increased, since contract is the most important tool for the transfer of wealth, and development of economic, social, political, cultural relations. In the meanwhile, designing a methodology on appropriate “contract sanction” is essential in two ways. First, facing with human as a multifaceted social being, contract law is a qualitative area with vague boundaries and no exact map. Secondly, due to an appropriate methodology on contract sanction, existing sanctions have some great weaknesses and are basically ineffective.

Contract sanction should give any individual or society the most effective legal, economic, cultural, social, political efficiency. Thus, we need a correct way to achieve this important issue. In this context, an appropriate sanction should be based on an Islamic-Iranian model and take into account the Supreme Leader's remarks.

Keywords: *Methodology; Contract Sanction; Efficiency; Legal System; the Islamic Republic of Iran*

The Effect of Nuclear Talks on Industries Operating in Stock Market in Iran

Seyyed Morteza Hajbrossadati and Ali Reza Pooya

Various studies show that political events affect stock exchanges in different ways. One of the most important political events for I. R. Iran was nuclear talks with G5+1, running to solve limitations and sanctions imposed on Iran. Given the effects of sanctions on Iranian macro-economics, especially exchange rate and trade balance, Nuclear Talks affected on Tehran stock exchange. Drawing “daily return” approach, this study aims to capture the reaction of invertors working in stock market and to examine changes in stock price and indices as sign of their attitude toward nuclear talks. In doing so, having employed a panel data of 28 cross-section during 1422 days, abnormal return of industries is used for clustering them through a cluster analysis. Findings show that, given abnormal return of each industry, we shall have three groups including high positive reaction, low positive reaction, and negative reaction. These groups consist of 2, 22 and 4 members, respectively. In this context, discriminant analysis is used to evaluate the distinction level and creditability of clustering.

Keywords: *Taxonomy; Daily Return; Industry Index; Nuclear Talks; Tehran Stock Exchange*

Security Gains via Commercial Advantage: A Radical Break in Iranian Engagement with Great Powers Following Arab Semi-Revolutions

Seyyed Reza Mousavinia

Security dilemma has been the most important and persistent priority of Iranian governments during the last centuries. Whenever the central government weakened, the foreign enemies violated territory controlled by Iranian governments.

The strategy of Iranian governments before Islamic revolution was that they offered some commercial advantages to great powers in order to receive security gains, always rning about increased insecurity for Iran. The paper asks if I R Iran s security policies especially towards 2011 Arab Semi-Revolutions have been able to change this trade/security exchange in Iranian foreign relations?

In answering to this question, Drawing on a historical analysis, it can be argued that Iranian foreign policy has been changed since Islamic Revolution. Islamic republic always has been pursued non-alignment Strategy. Due to this strategy and self-help in security seeking, Iran has become one of the great security powers in the Middle East. More importantly, the evolution of I R Iran s security policy, especially towards 2011 Arab Semi-Revolutions, has led to transform “commercial advantage for security-seeking” into “security gains in exchange for commercial advantage” in Iranian foreign relations, so that today capitalist system needs a security role played by Iran and is ready to offer a commercial advantage for a stabilizing role played by Iran in the Middle East, such as war on terror.

Keywords: *Security; Iranian Government; Commercial Advantage; Islamic Revolution; Historical Break*

A Prioritization Regarding Factors Affecting on Environmental Policy Formulation in Iran in Light of ANP Method

Ali Reza Matoofi and Morteza Dankoob

All potentialities need to be activated for promoting a comprehensive and sustainable development and replacing oil resources with new revenue ones. In doing so, environment is considered as an important economic and cultural element in Iran, emphasized as a basic requirement on the part of the Supreme Leader' proclamation regarding Vision of Islamic Republic of Iran in 1404. According to the research literature, the paper study seeks to identify and prioritize the factors affecting environmental policymaking in term of ANP.

The findings suggest that “environment as a priority for memers of parliament especially parliamentary faction on environment and Commission on Agriculture”, “decision- and policy-makers' support for protecting the natural resources and environment” and “promotion of environmental diplomacy” respectively are three sub-criteria with the greatest impact on environmental policy formulation. The results obtained in this study are a useful tool for other researchers and managers in the field.

Keywords: *Environment; Environmental Policy; Sustainable Development; Policy Formulation*

An Investigation on Economic Factors' Nonlinear Impacts on Crime in Iran

Hamid Reza Faaljoo, Ahmad Mollabahrami and Hossein Amiri

This study examines the effects of “unemployment, income inequality, inflation, urbanization, annual growth rate of divorce, and annual growth rate of budget allocated for judicial system” on crime in Iran, based on a non-linear Markov-Switching model used for annual time series data during 1984 to 2013. The results show that there is a non-linear relationship between growth rate of crimes and the mentioned explanatory variables. In the other hand, results based on a regression estimation show that the rate of unemployment, income inequality, inflation, the extent of urbanization, and the growth rate of divorce, in both zero phase (low crime rate) and one phase (high growth rate of crime), have significant positive effects on growth rate of crimes. The results show that the urbanization, unemployment and inflation at zero phase (low crime rate periods) have the highest impact on growth rates of crime, as every one percent increase in the urbanization, unemployment and inflation lead to 1.46, 0.99 and 0.97 percent increase in growth rate of crime in Iran, respectively. In the phase one (low crime rate periods), inflation, urbanization and the growth rate of divorce have highest impact on crime in Iran, as every one percent increase in the three variables leads to 2.54, 2.30 and 2.15 percent increase in growth rate of crime in Iran.

According to the results of an estimation in terms of Markov-Switching Model, probability of the zero phase is equal to 50%, and probability of transition from zero phase to one phase is equal to 48 percent. According to goodness of fit tests, Markov-Switching model is suitable for modeling the mentioned relationships.

Keywords: *Unemployment Rate; Income Inequality; Crime, Opportunity Effects; Motivation Effects; Markov-Switching Model*

An Appraisal on Efficiency of SSO's Health Centers During the Years 2012-2014 Based on DEA Approach

Sattar Mehraban and Hossein Raghfar

Owning more than 10 percent of hospital beds in Iran, Social Security Organization has faced a 52/2% increase in health care costs in 2014. health centers, as the largest consumer of resources within the health system, are not same in performance and efficiency. It is critical to distinguish inefficient health centers and to identify weaknesses in the performance process in order to use resources effectively and improve services. In doing so, This study aims to evaluate the efficiency of SSO's health centers in the provincial scale. This paper is a cross-sectional and descriptive-analytical study covering years 2012-2014.

In order to assess the efficiency, data envelopment analysis as well as MaxDEA software have been used. The average technical efficiency of SSO-related health centers during years 2012-2014 was 0.944, 0.945 and 0.92 respectively and the possibility of decrease in the primary sources without any change in the obtained outputs level were 5.6, 5.5 and 8 percent.

Despite the health centers' high efficiency scores, there were unfavorable slacks, not least in human resources, indicating that there is an inefficient allocation, that in turn increases the staff and medical costs. The SSO should employ human resources such as nurses and physicians to bed in terms of accepted standards.. Inefficient use of beds in health centers may lead to an increase in costs and a decrease in earnings.

Keywords: *Health Centers; Technical Efficiency; Data Envelopment Analysis (DEA); Social Security Organization*

A Depiction on Macro-economic Relations in Iran (A Long - Run Structural Macro-econometric Model)

Teymour Mohammadi, Seyyed Hadi Mousavi Nik, Sholeh Bagheri Pormehr, Mohammad Reza Abdollahi and Hanieh Ziadloo

This study aims to provide a mechanism on long-term relationships between key economic variables, drawing on a vector error correction model with exogenous variables (SVECM). In doing so, quarterly data for the period 1374-1392 has been used to survey the long-run relationship between GDP, real liquidity, exchange rate, price index, a weighted average of foreign countries' production, oil export earnings and government deficit.

The results show a positive impact in real liquidity's increase on output. The long-term effect of oil export earnings - due to its role in formation of capital- on production was positive, meaning that these earnings play an important role, even in long-term, in economic growth. Results confirmed the existence of fiscal dominance in monetary policy formulation, since 1% increase in non-oil government budget deficit could lead to an 0.46% increase in real liquidity. The results show that an increase in real output and real liquidity, respectively, could decrease and increase the real exchange rate. In long run, oil revenues has positive effect on real exchange rate, due to an increase in government controls on nominal exchange rate, that in turn can e caused by government budget's dependency on oil revenues, or cheap imports because of low exchange rate price.

Keywords: *Iranian Economy; Long-term Relationship; Structural Vector Error Correction Model (SVECM)*

A Theoretical and Comparative Examination on Second Legislative Majlis

Mohammad Hossein Zarei and Mohammad Assadinejad Jamali

With End of the Medieval Age as well as the emergence of such ideas as rationalism and humanism, not least Industrial Revolution, national self-determination and popular sovereignty led to an unique model for democracy. Urbanization and population growth problematized how to exercise popular sovereignty.

In the meanwhile, parliament has been the most important institution based on popular votes, having notable functions, including legislation and oversight. However, it is difficult to govern political institutions based on majority rule, to consider minority rights, and to proceed imperatives as effectiveness, legitimacy, and political stability.

Thus, political and legal scholars have focused on legislative structure and its members, as well as its formation. It is necessary that parliament is established according to democratic principles and in terms of good governance, and effectiveness, legitimacy, and political stability is guaranteed.

Uni-chamberal and multi-chamberal legislative system, way of membership in them, and way of dividing functions and powers are among measures covering above-mentioned considerations. A research on this issue can lead us to structure an appropriate constitutional law, an efficient legislative and a effective governance.

Keywords: *Governance; Constitutional Law; Legislature, Legislative System; Bicameral System*

English Abstracts

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Jalali, K.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Sadrinia, H.

Editorial Board:

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Ghasemi Sheshdeh, M. (Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Masoudi Asl, I. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Pourseyed, S. B. (Assistant Professor, Majlis Research Center)

Seyednourani, S. M. R. (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Sohrabbour, S. (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Sharif University of Technology)

Tari, F. (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Yousefi, M. Gh. (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

Editorial Advisory Board:

Abdeh Tabrizi, H.; Abdoli, M. A.; Aghaei, S. D.; Asgari, M.; Asghari, S. M.; Azar, A.; Bagheri, A.; Bakhtiari, S.; Barkhordari Dorbash, S.; Farzin, M. R.; Gholizadeh, A. A.; Kiaei, H.; Lotfalipour, M. R.; Mehrara, M.; Monavari, S. M.; Moosaei, M.; Nazarpour, M. N.; Rostamian, A. R.; Shahbazinia, M.; Sobhani, H.; Soori, A.; Taghavi, M.; Tahmasebi, A.; Tavana, M. A.; Vakilian, H.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center,

No. 131, After Shadab Crossroad, Sepahbod
Gharan Ave., Tehran, Iran

Publication: +9821-83357158

Fax: +9821-83357157

Subscription: +9821-83357172

www.nashr.majlis.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

Editor: Amin Eskandari, Sh.

English Editor: Mohamadi, A.

Lay Out: Sanavi, N.

Designer: Ashourzade, A.

Site: Sanavi, N. & Atarodi, N.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.